



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

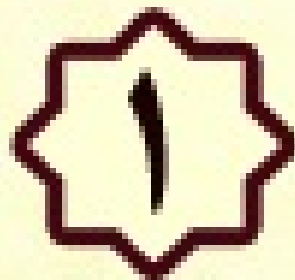
.ir

دانشنامه

# عقاید اسلامی

معرفت‌شناسی

معدی‌ای شری



تصحیح  
معدی‌ای شری

پهنگاری:  
دکتر رضا بنجار

کتابخانه ملی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دانشنامه عقاید اسلامی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۷	دانشنامه عقاید اسلامی جلد ۱
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۴	نگاهی کلی به دانش نامه عقاید اسلامی -
۲۴	اشاره
۲۵	ویژگی های «دانش نامه عقاید اسلامی»
۲۵	۱ . استناد به قرآن و برهان
۲۶	۲ . جامعیت
۲۶	۳ . تنظیم موضوعی و ساختار درختی
۲۷	۴ . اختصار
۲۷	۵ . پرداختن به برخی مباحث جدید و مورد نیاز
۲۷	۶ . شرح ، نتیجه گیری ، تحلیل و نقد
۲۷	۷ . نمایه سازی
۲۸	شیوه گزینش و تدوین آیات و احادیث
۳۰	مبحث یکم : شناخت
۳۰	اشاره
۳۴	درآمد
۳۸	بخش یکم : عقیده
۳۸	اشاره
۴۰	فصل یکم : نقش عقیده
۴۰	واژه شناسی «عقیده»
۴۱	نقش «عقیده» در زندگی
۴۳	داستانی آموزنده

۴۶	فصل دوم : تقلید در عقیده
۴۶	اشاره
۴۷	تقلید چیست؟
۴۷	حکم عقل درباره تقلید در اعتقادات
۴۸	مقلد ، دانای خیالی
۴۸	تقلید در عقاید از منظر اسلام
۵۰	تقلید در عقاید از منظر قرآن
۵۳	تقلید در عقاید از منظر احادیث
۵۴	پیرو چشم و گوش بسته نباش
۵۹	پیروی از شخصیت ها در عقاید
۶۱	پدیده «تقلید کور» در صدر اسلام
۶۸	تقلید در فروع دین
۶۸	تقلید در فروع دین ، دستوری عقلانی
۷۰	فصل سوم : پژوهش در عقاید
۷۰	۱ . پژوهش در عقاید از دیدگاه اسلام
۷۵	۲ . رابطه علم و ایمان
۷۷	۳ . رابطه نادانی و کفر
۷۷	اشاره
۷۸	الف _ معنای کفر و کافر
۷۸	ب _ مواضع انسان در برخورد با حقایق
۷۸	اشاره
۷۹	کفاری که نادان نیست
۸۱	نادانی که کافر نیست
۸۳	نادان کافر
۸۶	فصل چهارم : پالایش عقیده
۸۶	اشاره

۸۷	خوددانابینی ، بیماری روانی رایج
۸۹	احتمال اشتباه در باورهای دینی
۸۹	احتمال اشتباه در باورهای سیاسی
۹۰	احتمال اشتباه در مدیریت
۹۱	زبان های بیماری خوددانابینی
۹۱	درمان بیماری خوددانابینی
۹۲	موانع پالایش عقیده
۹۶	موانع پالایش عقیده در قرآن
۹۶	اشاره
۹۷	۱ . گمان
۱۰۰	۲ . تمایلات نفسانی
۱۰۲	۳ . تعصب
۱۰۲	پیشوای متعصبان
۱۰۳	دستاورد تعصب
۱۰۵	۴ . تقلید
۱۰۶	۵ . استبداد
۱۰۷	۶ . لجاجت
۱۰۸	شرایط پالایش عقیده
۱۰۸	اشاره
۱۰۹	۱ . تأنی
۱۱۰	۲ . تجربه
۱۱۲	۳ . تمرکز اندیشه
۱۱۲	عوامل تمرکز اندیشه
۱۱۳	۴ . پویایی اندیشه
۱۱۴	۵ . تبادل نظر
۱۱۵	۶ . امدادهای غیبی

۱۱۸	فصل پنجم : آزمون عقیده
۱۱۸	نشانه های عقاید علمی
۱۱۸	اشاره
۱۱۹	۱. توجه به مجهولات
۱۲۵	۲. عطش فزاینده برای دانش اندوزی
۱۲۵	۳. فروتنی در برابر اهل دانش
۱۲۶	۴. متهم کردن رأی خود
۱۲۶	۵. خاموشی گزیدن
۱۲۸	۶. خودداری از خطا
۱۲۸	۷. انکار نکردن مجهولات
۱۳۰	نشانه های عقاید غیر علمی
۱۳۰	اشاره
۱۳۱	۱. بی اعتنایی به جهل خود
۱۳۱	اشاره
۱۳۴	بنیاد اختلافات عقیدتی
۱۳۶	۲. نادیده گرفتن آرای دیگران
۱۳۷	۳. دوری از عالمان
۱۳۸	۴. تخطئه مخالفان
۱۳۸	۵. انکار مجهولات
۱۴۰	۶. لجاجت در مباحث علمی
۱۴۱	۷. سر باز زدن از دانش اندوزی
۱۴۲	فصل ششم : آزادی عقیده
۱۴۲	اشاره
۱۴۴	معنای عقیده
۱۴۴	منشأ عقیده
۱۴۴	۱. تحقیق



- ۲ . تقلید ..... ۱۴۵
- آزادی عقیده ..... ۱۴۶
- آزادی عقیده از دیدگاه عقل ..... ۱۴۷
- الف \_ آزادی انتخاب عقیده ..... ۱۴۷
- ب \_ آزادی اظهار عقیده ..... ۱۴۸
- ج \_ آزادی تبلیغ عقیده ..... ۱۵۰
- عقیده به بردگی ..... ۱۵۱
- عقیده به زنده به گور کردن دختران ..... ۱۵۲
- عقیده به تغذیه از خون ..... ۱۵۲
- اسلام و آزادی عقیده ..... ۱۵۳
- آزادی انتخاب عقیده در نگاه اسلام ..... ۱۵۳
- آزادی اظهار عقیده در نگاه اسلام ..... ۱۵۴
- ایمان چیست؟ ..... ۱۵۵
- مبارزه با عقاید موهوم در اسلام ..... ۱۶۳
- روش اسلام در مبارزه با عقاید موهوم ..... ۱۶۴
- مبارزه تبلیغی با عقاید موهوم ..... ۱۶۴
- اشاره ..... ۱۶۴
- ۱ . حکمت ..... ۱۶۵
- ۲ . موعظه ..... ۱۶۵
- ۳ . مناظره ..... ۱۶۶
- پیکار برای آزادی اندیشه ..... ۱۶۸
- آزادی تبلیغ عقیده در اسلام ..... ۱۷۶
- آزادی عقیده در جهان امروز ..... ۱۷۷
- فصل هفتم : آموزش عقیده ..... ۱۸۲
- یکم. امکان آموزش عقاید صحیح ..... ۱۸۲
- دوم. ضرورت آموزش عقاید صحیح ..... ۱۸۳

- ۱۸۴ ..... سوم. آموزش اجباری
- ۱۸۵ ..... چهارم. روش های آموزش عقیده
- ۱۸۵ ..... ویژگی های روش انبیا
- ۱۸۵ ..... ۱. عمومیت
- ۱۸۶ ..... ۲. جامعیت
- ۱۸۷ ..... پنجم. روش این دانش نامه
- ۱۹۰ ..... بخش دوم : خرد
- ۱۹۰ ..... اشاره
- ۱۹۲ ..... پژوهشی در معنای خرد
- ۱۹۳ ..... واژه «عقل» در لغت
- ۱۹۴ ..... واژه «عقل» در احادیث اسلامی
- ۱۹۴ ..... اشاره
- ۱۹۵ ..... الف \_ کاربردهای «عقل» به عنوان منشأ ادراکات انسان
- ۱۹۵ ..... ۱. منشأ تمام معارف انسانی
- ۱۹۶ ..... ۲. منشأ تفکر
- ۱۹۶ ..... ۳. منشأ وجدان اخلاقی
- ۱۹۷ ..... توجه به یک نکته
- ۱۹۷ ..... ب \_ کاربردهای «عقل» به عنوان نتیجه ادراکات انسان
- ۱۹۷ ..... اشاره
- ۱۹۸ ..... ۱. شناخت حقایق
- ۱۹۸ ..... ۲. کار بر پایه خرد
- ۱۹۹ ..... زندگی عقل
- ۲۰۱ ..... عقل نظری و عقل عملی
- ۲۰۲ ..... عقل طبع و عقل تجربه
- ۲۰۴ ..... فرق عاقل و عالم
- ۲۰۵ ..... خطر علم بدون عقل

- فصل یکم: شناخت خرد ..... ۲۱۰
- ۱ / ۱ حقیقت خرد ..... ۲۱۰
- ۲ / ۱ آفرینش خرد و نادانی ..... ۲۱۲
- اشاره ..... ۲۱۲
- چشم اندازی بر آفرینش خرد و نادانی ..... ۲۱۸
۱. آفرینش خرد ..... ۲۱۸
- الف \_ نخستین آفریده ..... ۲۱۸
- ب \_ آفرینش از نور ..... ۲۱۹
- ج \_ حق گرایی ..... ۲۱۹
۲. آفرینش نادانی ..... ۲۱۹
- اشاره ..... ۲۱۹
- الف \_ پس از خرد آفریده شد ..... ۲۲۰
- ب \_ آفرینش از تیرگی و تاریکی ..... ۲۲۰
- ج \_ باطل گرایی ..... ۲۲۰
۳. ترکیب خرد و نادانی ..... ۲۲۱
۴. حکمت ترکیب خرد و نادانی ..... ۲۲۱
- ۳ / ۱ جایگاه خرد ..... ۲۲۶
- ۴ / ۱ انواع خرد ..... ۲۳۰
- ۵ / ۱ فزونی و کاستی خرد در دوران زندگی ..... ۲۳۰
- اشاره ..... ۲۳۰
- پژوهشی درباره زمان افزایش و کاهش رشد عقل ..... ۲۳۴
- الف \_ مقطع سرنوشت ساز ..... ۲۳۴
- ب \_ سن توقف رشد عقلی ..... ۲۳۵
- ج \_ آغاز فرسودگی عقل ..... ۲۳۵
- د \_ جوان شدن عقل در پیری ..... ۲۳۵
- چند نکته در خور توجه ..... ۲۳۵

۲۳۵	..... اشاره
۲۳۶	..... ۱. توجه به مفهوم «عقل»
۲۳۶	..... ۲. اختلاف روایات بند «ب»
۲۳۷	..... ۳. ضرورت پژوهش میدانی
۲۳۷	..... ۴. سایر عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش رشد عقل
۲۴۰	..... فصل دوم: ارزش خرد
۲۴۰	..... ۱ / ۲ ارمغان خدایی
۲۴۲	..... ۲ / ۲ بهترین بخشش
۲۴۶	..... ۳ / ۲ بنیاد انسان
۲۵۰	..... ۴ / ۲ ارزش انسان
۲۵۲	..... ۵ / ۲ نخستین پایه اسلام
۲۵۲	..... ۶ / ۲ دوست انسان
۲۵۴	..... ۷ / ۲ دوست و راهنمای مؤمن
۲۵۴	..... ۸ / ۲ پشتیبان مؤمن
۲۵۶	..... ۹ / ۲ زیباترین آرایه
۲۶۰	..... ۱۰ / ۲ بزرگ‌ترین بی‌نیازی
۲۶۲	..... ۱۱ / ۲ نیاز دانش به خرد
۲۶۴	..... ۱۲ / ۲ گوناگون
۲۷۲	..... فصل سوم: خردورزی
۲۷۲	..... ۱ / ۳ اهتمام به خردورزی
۲۷۲	..... اشاره
۲۸۸	..... یادآوری
۲۸۸	..... ۲ / ۳ داشتن به اندیشه کردن
۲۹۸	..... ۳ / ۳ داشتن به فهمیدن
۳۰۲	..... ۴ / ۳ زنده‌ار از کنار نهادن خردورزی
۳۱۲	..... ۵ / ۳ حجیت خرد

۳ / ۶ نقش خرد در حسابرسی اعمال ..... ۳۱۴

۳ / ۷ نقش خرد در پاداش یافتن اعمال ..... ۳۱۶

فصل چهارم : عوامل رُشد خرد ..... ۳۲۴

۴ / ۱ آنچه خرد را نیرومند می سازد ..... ۳۲۴

الف \_ وحی ..... ۳۲۴

ب \_ دانش ..... ۳۲۶

ج \_ ادب ..... ۳۲۸

د \_ تجربه ..... ۳۳۰

ه \_ گردش در زمین ..... ۳۳۲

و \_ رایزنی (مشورت) ..... ۳۳۴

ز \_ تقوا ..... ۳۳۴

ح \_ جهاد با نفس ..... ۳۳۴

ط \_ یاد خدا ..... ۳۳۶

ی \_ زهد در دنیا ..... ۳۳۸

ک \_ پیروی از حق ..... ۳۳۸

ل \_ همنشینی با حکیمان ..... ۳۳۸

م \_ ترخم بر نادانان ..... ۳۳۸

ن \_ کمک خواستن از خداوند ..... ۳۴۰

۴ / ۲ آنچه مغز را قوی می سازد ..... ۳۴۰

الف \_ روغن (روغن مالی) ..... ۳۴۰

ب \_ کدو ..... ۳۴۲

ج \_ گللابی ..... ۳۴۲

د \_ کرفس ..... ۳۴۴

ه \_ گوشت ..... ۳۴۴

و \_ کُنْدَر ..... ۳۴۴

ز \_ سرکه ..... ۳۴۶

- ح \_ سُدَاب ..... ۳۴۶
- ط \_ عَسَل ..... ۳۴۶
- ی \_ اِنَار بَا لَایَه نَازِک اَن ..... ۳۴۸
- ک \_ اَب ..... ۳۴۸
- ل \_ حِجَامَت کَرْدَن ..... ۳۴۸
- م \_ خُرْفَه ..... ۳۴۸
- ن \_ تُوْنِج ..... ۳۵۰
- س \_ بَاقِلَا ..... ۳۵۰
- فصل پنجم : نشانه های خرد ..... ۳۵۶
- ۱ / ۵ سپاهیان خرد و نادانی ..... ۳۵۶
- ۲ / ۵ آثار خرد ..... ۳۷۲
- الف \_ دانش و حکمت ..... ۳۷۲
- ب \_ شناخت خدا ..... ۳۷۹
- ج \_ دین ..... ۳۸۳
- د \_ کمال دین ..... ۳۸۵
- ه \_ مکارم اخلاق ..... ۳۸۷
- و \_ کارهای نیک ..... ۳۹۷
- ز \_ گذاشتن هر چیزی بر جای خود ..... ۴۰۳
- ح \_ گزینش بهتر ..... ۴۰۵
- ط \_ بهره وری از عمر ..... ۴۰۵
- ی \_ گفتار درست ..... ۴۰۷
- ک \_ تجربه اندوزی ..... ۴۰۷
- ل \_ تدبیر نیکو ..... ۴۰۹
- م \_ گمانه زنی درست ..... ۴۰۹
- ن \_ بی رغبتی به دنیا ..... ۴۱۱
- س \_ ترک بیهودگی ها ..... ۴۱۱

- ع \_ توشه گیری برای آخرت ..... ۴۱۳
- ف \_ رستگاری ..... ۴۱۵
- ص \_ فرجام بهشتی ..... ۴۱۷
- ق \_ درستی هر کار ..... ۴۲۱
- ر \_ خوبی دنیا و آخرت ..... ۴۲۱
- ۳ / ۵ آنچه خرد با آن آزموده می شود ..... ۴۲۳
- الف \_ عمل ..... ۴۲۳
- ب \_ سخن ..... ۴۲۵
- ج \_ سکوت ..... ۴۲۷
- د \_ رأی (نظر) ..... ۴۲۹
- ه \_ پیام رسان ..... ۴۲۹
- و \_ نوشته ..... ۴۳۱
- ز \_ تصدیق و انکار ..... ۴۳۱
- ح \_ دوست ..... ۴۳۱
- ۴ / ۵ بنیادهای سنجش خرد ..... ۴۳۳
- ۵ / ۵ ویژگی های خردمندان ..... ۴۳۵
- ۶ / ۵ ویژگی های خردمندان ..... ۴۶۱
- ۷ / ۵ ویژگی های خردمندان ..... ۴۶۵
- ۸ / ۵ نشانه های کمال خرد ..... ۴۶۹
- ۹ / ۵ خردمندترین انسان ..... ۴۷۵
- فصل ششم : آسیب های خرد ..... ۴۸۳
- ۱ / ۶ هوس ..... ۴۸۳
- ۲ / ۶ گناه ..... ۴۸۹
- ۳ / ۶ مُهر شدنِ قلب ..... ۴۸۹
- ۴ / ۶ آرزو ..... ۴۹۳
- ۵ / ۶ یخوت ..... ۴۹۳

۴۹۵ ..... ۶/۶ فریفتگی

۴۹۵ ..... ۷/۶ خشم

۴۹۷ ..... ۸/۶ آزار

۴۹۷ ..... ۹/۶ خودپسندی

۴۹۹ ..... ۱۰/۶ بی نیازی جستن از خرد

۵۰۱ ..... ۱۱/۶ دنیادوستی

۵۰۳ ..... ۱۲/۶ باده نوشی

۵۰۳ ..... ۱۳/۶ مست کننده های پنجگانه

۵۰۵ ..... ۱۴/۶ خوش گذرانی زیاد

۵۰۵ ..... ۱۵/۶ تنبلی

۵۰۹ ..... ۱۶/۶ زیاده طلبی

۵۰۹ ..... ۱۷/۶ همنشینی با نادان

۵۰۹ ..... ۱۸/۶ تجاوز از حد خود

۵۰۹ ..... ۱۹/۶ جدال با ابله

۵۱۱ ..... ۲۰/۶ نشنیدن سخن خردمند

۵۱۱ ..... ۲۱/۶ زیاده روی در خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی

۵۱۳ ..... فصل هفتم : وظایف خردمند

۵۱۳ ..... ۱/۷ آنچه بر خردمند ، واجب است

۵۱۷ ..... ۲/۷ آنچه بر خردمند ، حرام است

۵۱۹ ..... ۳/۷ آنچه برای خردمند ، سزاوار است

۵۳۱ ..... ۴/۷ آنچه برای خردمند ، سزاوار نیست

۵۵۱ ..... درباره مرکز



مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه العقائد الاسلامیه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانش نامه عقاید اسلامی / محمدی ری شهری، همکار رضا برنجکار ؛ مترجم مهدی مهریزی ؛ برای موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1385 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ 102.

شابک : 245000 ریال: دوره 964-493-117-3 ؛ 550000 ریال: دوره، چاپ سوم 978-964-493-117-8 ؛ ج. 1 964-  
493-118-1 ؛ ج. 1، چاپ دوم: 9789644931178 ؛ ج. 1، چاپ سوم 978-964-493-118-5 ؛ ج. 2 964-493-119-  
X ؛ ج. 2، چاپ دوم: 978-964-493-119-2 ؛ ج. 3 964-493-120-3 ؛ ج. 3، چاپ دوم: 978-964-493-120-8 ؛  
ج. 4 964-493-121-1 ؛ ج. 4، چاپ سوم 978-964-493-121-5 ؛ ج. 5 964-493-123-X ؛ ج. 5، چاپ سوم 978-  
964-493-122-2 ؛ ج. 6 964-493-123-8 ؛ ج. 6 978-964-493-123-9 ؛ 550000 ریال (دوره، چاپ دوم) ؛ ج. 7  
964-493-124-6 ؛ ج. 7 978-964-493-124-6 ؛ 550000 ریال (ج. 7 چاپ دوم دوره) ؛ 50000 ریال (ج. 8) ؛ ج. 8،  
چاپ سوم 978-964-493-252-6 ؛ 50000 ریال: ج. 9 978-964-493-253-3 ؛ 550000 ریال (ج. 9، چاپ دوم)

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : هر یک از جلد های این کتاب با همکاری و ترجمه افراد مختلف انجام شده است.

یادداشت : ج. 8 و 9 (چاپ اول: 1386).

یادداشت : ج. 1 تا 7، 9 (چاپ دوم: 1386).

یادداشت : ج. 1، 2، 4 تا 9 (چاپ سوم: 1387).

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج. 1-3. معرفت شناسی. - ج. 4-7. خداشناسی. - ج. 8-9 عدالت خداوند

موضوع : اسلام -- عقايد -- احاديث

موضوع : احاديث شيعه -- قرن 14

شناسه افزوده : برنجكار، رضا، 1342 -

شناسه افزوده : مهريزي، مهدي، 1341 -، مترجم

شناسه افزوده : دار الحديث. مركز تحقيقات

شناسه افزوده : دار الحديث. مركز چاپ و نشر

رده بندي كنگره : 1385 8041م334BP211/5

رده بندي ديويي : 297/4172

شماره كتابشناسي ملي : 1047281

ص: 1

**اشاره**

پیش گفتار گروه ترجمه حدیث، یکی از دو رکن بی بدیل آموزه های دینی، و دانش حدیث، آبشخور بسیاری دیگر از علوم اسلامی (چون: کلام، فقه، تفسیر، عرفان و اخلاق اسلامی) است. به علاوه، این دانش، به بسیاری از علوم دیگر نیز یاری رسانده و به باروری آنها کمک کرده است. حدیث، در نگاه و باور شیعی، تراویده دل و اندیشه معصومان و منشأ آن، وحی الهی است و از همین رو، از هر گونه خطا و کژی در امان است و همین نیز رمز قابل اعتماد و اعتنا بودن سخن معصوم و حجیت آن است و آن را از هر سخن دیگری متمایز می سازد. دل بستگان به معارف دینی، به همین دلیل، حدیث را همپای قرآن، سرلوحه برنامه روزانه خود می کنند و راه تعالی را در آن به مثابه تفسیر و شرح کلام خداوند می جویند. واقعیت این است که راه دین مداری، بهره گیری صحیح از متون ناب دینی و تن دادن به آنها و تسلیم شدن در برابر آنهاست؛ اما از آن جا که زبان این متون، عربی است، برای همگان قابل استفاده نیستند و ناگزیر باید به زبان مخاطبان غیر عرب، باز گردانده شوند.

سالیانی است که رسالت مداران دینی، به این مهم، توجه کرده و کوشیده اند تا در حدّ توان، به ترجمه متون، همت گمارند؛ اما به رغم همه تلاش ها، هیچ گاه، حقّ این متون در ترجمه، به درستی ادا نشده و همه خواست و نیاز مخاطبان، بر آورده نگردیده است. دشواری متن، از يك سو، و مناسب نبودن باب بندی ها، و به روز نبودن متون از سوی دیگر، و بهره نگرفتن از ادبیات و زبان قابل فهم برای عموم در ترجمه ها از سوی سوم، آنها را از دسترس و فهم توده های مردم، خارج کرده است. نیاز شدید به آشنا کردن مردم با دین و دینداری از جهتی، و مناسب نبودن غالب کتاب ها و رساله های منتشر شده با این هدف از جهتی دیگر، برنامه ریزی مناسب و سازماندهی بنیادین را، بویژه در ترجمه حدیث، الزام آور ساخته است و این مهم، ما را بر آن داشت که برای ترجمه کتاب های حدیثی و عمومی سازی استفاده از آنها، برنامه ریزی کنیم و آن دسته از کتاب های حدیثی را که برای همگان - از عموم مردم گرفته تا فرهیختگان و صاحبان دانش - مفید است، در دستور کار ترجمه قرار دهیم. به این منظور، کتاب های تألیف شده در مرکز تحقیقات دارالحدیث - که با شیوه های مناسب تر و به روزتری تدوین می شوند - در اولویت ترجمه قرار گرفتند. ما می کوشیم تا در خور شأن والای حدیث و کلام معصوم، و با بهره گیری از استادان فن، این کتاب ها را به زبان های گوناگون، ترجمه کنیم و با مدد خداوند بزرگ، تا کنون، تعداد قابل توجهی از آنها به بیش از ده زبان، ترجمه شده است. شایان ذکر است که ترجمه، پیچیدگی ها و دشواری های ویژه خود را دارد. ترجمه را از تألیف، سخت تر می دانند؛ چرا که زمام امر نگارش، در ترجمه، به

دست مترجم نیست. مترجم باید بر اساس ساختار و ادبیات متنی از پیش تهیه شده، نوشته ای را پدید آورد که خود، آن را ننوشته و چه بسا با سبک و قلم او متفاوت است. از سوی دیگر، يك ترجمه خوب، آن است که مترجم در آن، با دقت تمام، مراد نویسنده و یا گوینده کلامی را به زبان مقصد برگرداند و سعی کند سبک و سیاق کلام و زیر و بم نوشتار و گفتار را رعایت و برگردان کند و حتی احساسات و عواطف به کار رفته در آن و راز و رمزها و اشاره ها و کنایه ها و حتی گویش کلامی گوینده و یا نویسنده را به درستی منتقل نماید. او باید اثری را پدید آورد که در آن، هم منظور زبان مبدأ کاملاً مراعات شود و هم ادبیات زبان مقصد، با رعایت گویایی کامل، مورد توجه قرار بگیرد. دشواری ترجمه، در همین ظرافت ها و دقایق، خود را آشکار می کند، و گر نه، یافتن معنای چند واژه دشوار و یا چند عبارت و اصطلاح دیرباب و سخت در زبان مبدأ، و بازگرداندن آنها به زبان مقصد، چندان دشوار و ناشدنی نمی نماید. اکنون برای ترجمه متون به زبان دوم، اگر چه به رعایت اصول و قواعدی توصیه می شود، اما این، هرگز نمی تواند مترجمان را به رعایت چارچوب و شاکله ثابت و تغییر ناپذیری وادارد؛ چرا که مترجم، علاوه بر برخورداری از توان علمی و احاطه بر متن مبدأ، خود، دارای سلیقه و سبک ویژه ای است که در ترجمه لحاظ می کند. بنا بر این، انتظار يك دستی کامل و تمام عیار از مترجمان و حتی از يك مترجم در چند ترجمه، چندان روا و شدنی نیست. ما تلاش کرده ایم که اصول ترجمه را در ترجمه هایمان مراعات کنیم؛ اما بر این گمانیم که نمی توانیم بلندای آن را فتح کنیم. کوشیده ایم ترجمه ای پدید آوریم که برای خوانندگان و مشتاقان، فهم متون را آسان و قابل درک کند و راه آنها را برای رسیدن به مبانی اندیشه دینی هموار سازد، این شاء الله!

دانش نامه عقاید اسلامی از نگاه قرآن و حدیث، برگردان موسوعة العقائد الإسلامية به فارسی است که اینک، به همراه متن اصلی عربی، به صورت ترجمه رو به رو و با ترجمه فاضلان ارجمند، آقایان: رضا برنجکار، علی نقی خدایاری، عبد الهادی مسعودی و مهدی مهریزی، (1) در برابر دیدگان شما خواننده گرامی قرار گرفته است. از همه مترجمان، به جهت فرصت و دقتی که برای این ترجمه به کار گرفته اند، سپاس گزاریم و کامیابی شان را در نشر و گسترش فرهنگ دینی از خدای بزرگ خواهانیم. تعدد مترجمان در این اثر، بالطبع، باعث اندکی تفاوت در سبک ترجمه شده است. روش ترجمه در این اثر، عمدتاً لفظ‌گرایی - و نه البته ترجمه صرفاً لغوی یا تحت اللفظ - است؛ یعنی مترجمان کوشیده اند تا واژه‌ها و یا ساختار به کار رفته در متن، به گونه‌ای در زبان مقصد، حفظ شود. ترجمه این اثر، به سبب اشتغال آن بر پاره‌ای اصطلاحات غیر قابل ترجمه، دشواری ویژه‌ای داشته است. تا جایی که متن کتاب و ظرفیت زبان فارسی اجازه می‌داده، تلاش شده است که برای واژه‌ها و اصطلاحات و عبارات‌ها، معادل‌های مناسبی یافت شود و گاه نیز برای حفظ جامعیت معنای پاره‌ای از اصطلاحات، ناگزیر و به شرط گویا بودن آنها در زبان فارسی، آنها را به همان زبان عربی آورده ایم.

---

1- سهم هر یک از مترجمان، در این مجموعه، به ترتیب، بدین قرار است: آقای مهریزی (از آغاز کتاب تا پایان حدیث 1280)، آقای عبد الهادی مسعودی (تا پایان حدیث 4088)، آقای علی نقی خدایاری (تا پایان حدیث 5162)، آقای رضا برنجکار (تا پایان کتاب). گفتنی است این تقسیم کار، بر پایه مجلدات پنجگانه چاپ اول نسخه عربی کتاب (قم: دار الحدیث، 1383) صورت گرفته است.

روش ما در این ترجمه و سایر ترجمه های دارالحدیث، چنین است که برای اتقان و هر چه بهتر شدن ترجمه، پس از ترجمه مترجم، گروه ترجمه نیز آن را از آغاز تا پایان، به دقت، جمله به جمله و کلمه به کلمه، بررسی و مقابله می کند تا خطاهای احتمالی آن بر طرف شود. یادآوری این نکته لازم است که در این ترجمه: 1. در ترجمه آیات، در جلد های نخست، از ترجمه آقای دکتر محمد مهدی فولادوند استفاده شده است و در جلد های پایانی، مترجمان با استفاده از منابع لغت و تفسیر، خود، اقدام به ترجمه آیات نموده اند و از ترجمه های قرآن، بویژه ترجمه های دکتر جلال الدین مجتبیوی، دکتر محمد مهدی فولادوند و آیت الله ناصر مکارم نیز استفاده کرده اند. 2. منابع احادیث، تنها در پانوشت صفحات عربی یاد شده اند. 3. متن عربی مقدمه - که از فارسی برگردان شده - و نیز متن عربی مقالات و تحلیل هایی که در آغاز باب ها و فصل ها و یا در پایان آنها آمده اند، برای پرهیز از تطویل، در این چاپ (عربی - فارسی)، تا جای ممکن، حذف شده است. 4. در پاره ای موارد که مفاهیم یا مکان ها و دیگر اعلام، ناشناخته بوده و نیاز به توضیح داشته اند، از سوی مترجمان گرامی، توضیح نوشته شده است. و، در پایان، از خوانندگان ارجمند، انتظار داریم که یادآوری کاستی های احتمالی در ترجمه ها را جهت هر چه بهتر شدن ترجمه، از ما دریغ نورزند. از خداوند حکیم، طلب می کنیم که ما را در راه نشر معارف دینش استوار و از هر کژی در امان بدارد. آمین! گروه ترجمه مرکز تحقیقات دارالحدیث پاییز 1384

## نگاهی کلی به دانش نامه عقاید اسلامی

### اشاره

نگاهی کلی به دانش نامه عقاید اسلامی، خدای را که پروردگار جهانیان است، و درود بر بنده برگزیده اش محمد صلی الله علیه و آله، خاتم پیامبران، و دودمان پاکش باد؛ آنان که خداوند، پلیدی را از ساحت وجودشان دور ساخت و آنان را پاکیزه گردانید! و درود ویژه بر مولای ما، حضرت مهدی (عج) باد؛ همو که خداوند به وسیله او زمین را از قسط و داد، پر می سازد، پس از آن که از ستم و زور، پر شده است! بار خدایا! فرج او را نزدیک گردان، اسباب فرجش را آسان نما و ما را از همراهان و یارانش قرار ده. باورها، پایه های اصلی تمامی ادیان و مذاهب را می سازند. از همین رو، «مباحث عقیدتی»، مهم ترین فصل آموزه های پیامبران را تشکیل می دهند، و چنین است که می بینیم بخش وسیعی از قرآن و احادیث متأثر، به موضوعات عقیدتی می پردازد. مباحث اعتقادی، در دنیای جدید، جایگاهی ممتاز دارند و تاکنون پژوهش های فراوانی در این زمینه به ثمر رسیده است، گرچه این پژوهش ها در



## ویژگی های «دانش نامه عقاید اسلامی»

### 1. استناد به قرآن و برهان

مقایسه با اهمیت موضوع، اندک است. از سوی دیگر، نیازهای پژوهشی در حوزه دین، و فرصت های تازه برای پژوهش و بحث، ایجاب می کند که مجموعه هایی کامل با ساختاری نوین و آسان یاب، تدوین گردد. بر پایه این ضرورت ها و این نگاه، دانش نامه عقاید اسلامی، نصوص (متون) دینی مربوط به عقاید را در زمینه های: معرفت شناسی، اعتقادات اسلامی، انسان شناسی، جهان شناسی و ادیان و مذاهب، با ویژگی هایی به پژوهشگران، تقدیم می کند.

ویژگی های «دانش نامه عقاید اسلامی» ما، در آغاز دانش نامه میزان الحکمة، ویژگی های لازم برای دانش نامه های حدیثی در دنیای امروز را بر شمردیم و در این جا، به ویژگی های برجسته این دانش نامه اشاره می کنیم:

1. استناد به قرآن و برهان نخستین و مهم ترین ویژگی این دانش نامه، استناد آن به قرآن کریم و برهان عقلی است. راهیابی به قرآن و برهان، در کنار احادیث مأثور، عقاید دینی را ریشه دار می سازد. در توضیح این مطلب، باید گفت: از نظر اسلام، داشتن علم و یقین به اعتقادات دینی، لازم است و روا نیست آدمی به چیزی معتقد شود و از آن پیروی نماید، بدون آن که نسبت بدان، معرفت پیدا کند. (1) از سوی دیگر، تنها راه دستیابی به علم و یقین در موضوعات اعتقادی، بهره گیری از برهان عقلی و یا بهره گیری از انوار قرآن کریم و احادیثی است که صدور آنها قطعی است.

## 2. جامعیت

### 3. تنظیم موضوعی و ساختار درختی

در دانش نامه عقاید اسلامی، تکیه گاه اصلی اصول عقاید (از قبیل: توحید و نبوت)، برهان های عقلی برگرفته از قرآن و حدیث هستند؛ یعنی استدلال هایی که صرف نظر از گوینده، می توان بدانها استناد جست. از این رو، نیازی به تحلیل و بررسی سندی این احادیث نیست. اما در فروع عقاید، دانش نامه تلاش می کند تا پژوهشگر را به علم یا اطمینان به صدور احادیث برساند، خواه از طریق قوت سند و خواه از راه سازگاری محتوای حدیث با قرآن و عقل و سایر احادیث.

2. جامعیت تمام سعی و تلاش بر آن بوده تا این دانش نامه، به گونه ای تنظیم شود که تمامی آیات و احادیث مربوط به موضوعات متنوع عقیدتی را در بر گیرد - که در این راستا از رایانه استفاده شد - ضمن این که اگر سخنی نادرست به پیشوایان دین، منسوب است، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. این همه، بدان معنا نیست که دانش نامه از کاستی به دور است؛ بلکه با وجود گستردگی موضوعات و فروع اعتقادی، کاستی، اجتناب ناپذیر است و امید می رود به خواست خداوند، با پیشنهاد و یاری پژوهشگران، این کاستی ها مرتفع گردد.

3. تنظیم موضوعی و ساختار درختی برای دستیابی آسان پژوهشگران به احادیث عقیدتی و فراهم سازی بستر فهم دقیق محتوای آنها، دانش نامه، احادیث مربوط به هر موضوع را در تبویبی منطقی از کلی به جزئی، در خود جای داده است.

#### 4. اختصار

#### 5. پرداختن به برخی مباحث جدید و مورد نیاز

#### 6. شرح، نتیجه گیری، تحلیل و نقد

#### 7. نمایه سازی

4. اختصار تلاش کردیم در حدّ توان و با حفظ جامعیت، حجم دانش نامه را پایین بیاوریم. در این راستا احادیث هم معنا حذف شد و به ذکر نشانی و اختلاف آنها در پاورقی اکتفا گردید. با این ویژگی، پژوهشگر می تواند برای رسیدن به اهداف پژوهشی، در کمترین زمان، بیشترین بهره را ببرد.

5. پرداختن به برخی مباحث جدید و مورد نیاز در درآمد دانش نامه، شماری از مباحث روز و مورد نیاز پژوهشگران در عرصه مسائل اعتقادی، به بحث گذارده می شود.

6. شرح، نتیجه گیری، تحلیل و نقد در ابتدا و یا انتهای بسیاری از بخش ها و فصل های دانش نامه، نتیجه گیری، تحلیل و نقدهایی به چشم می خورد که ساختار و حدود آن بخش و فصل را نشان می دهد. البته این، بدان معنا نیست که دیگر بخش ها به نقد و تحلیل نیاز ندارند؛ بلکه اینها نخستین گام برای زمینه سازی پژوهش ها و بررسی های گسترده و متنوع در عرصه مسائل مختلف عقیدتی هستند.

7. نمایه سازی برای دستیابی بهتر پژوهشگران به احادیث اعتقادی، نمایه های این احادیث، جداگانه در دسترس قرار خواهند گرفت. این نمایه ها به همراه نرم افزار مربوط، زمینه بهره گیری پژوهشگران از احادیث اعتقادی را در دیگر مباحث علمی و اخلاقی فراهم می سازند.

## شیوه گزینش و تدوین آیات و احادیث

شیوه گزینش و تدوین آیات و احادیث مرکز تحقیقات دار الحدیث، روشی ویژه برای گزینش آیات و احادیث دارد، که ضرورتی برای طرح تفصیلی آن نیست و در این جا تنها به مهم ترین نکات آن، جهت آگاهی پژوهشگران اشاره می کنیم: الف\_ احادیثی که از اهل بیت پیامبر علیهم السلام روایت شده، در نظر ما، همان حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، چنان که امام رضا علیه السلام فرمود: **إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ (1)** به راستی که ما از خداوند و از پیامبر، حدیث می گوئیم. همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: **حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (2)** حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدّم است و حدیث جدّم، حدیث حسین است و حدیث حسین، حدیث حسن است و حدیث حسن، حدیث امیر مؤمنان است و حدیث امیر مؤمنان، حدیث پیامبر خداست و حدیث پیامبر خدا، سخن خداوند عز و جل است. این دانش نامه، تمامی احادیث گزارش شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را به صورت برابر، در خود جای داده است، چنان که واژه «سنت» در عنوان کتاب،

1- رجال الکشی: ج 2 ص 490 ح 401، بحار الأنوار: ج 2 ص 250 ح 62.

2- الکافی: ج 1 ص 53 ح 14، منیة المرید: ص 373، الإرشاد: ج 2 ص 186، بحار الأنوار: ج 2 ص 179 ح 28. همچنین ر. ک: أهل البيت في الكتاب والسنة: القسم الرابع / الفصل الأول / حديثهم حديث رسول الله.

گویای این مطلب است. ب\_ تلاش کردیم تمامی آیات و احادیث مرتبط با مباحث اعتقادی را، پس از فیش برداری از تمام منابع موجود در کتاب خانه تخصصی دار الحدیث، با کمک گرفتن از نرم افزارهای حدیثی از طریق کلیدواژه های اصلی و مربوط به موضوع، گرد آوریم تا جامع ترین، استوارترین و کهن ترین مصدر، گزینش شود. ج\_ از تکرار احادیث، پرهیز می کنیم، مگر در موارد زیر: 1. وجود نکته ای مهم در تفاوت واژه ها. 2. وجود تباین لفظی میان متن شیعه و اهل سنت. 3. وجود حدیث در باب های گوناگون حدیثی و کوتاه بودن آن. بجز این سه مورد، احادیث تکراری، حذف، و نشانی آنها در پاورقی طبق روش دانش نامه، ثبت می گردد. د\_ پس از آوردن آیات مربوط به موضوع، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس احادیث اهل بیت علیهم السلام را تا امام مهدی (عج) به ترتیب می آوریم، مگر احادیثی که در تفسیر آیات، وارد شده اند، که بر دیگر روایت ها مقدم می گردند. البته گاه هم مضمونی احادیث، سبب می شود که ترتیب یاد شده، رعایت نگردد. ه\_ منابع احادیث، در پاورقی و به ترتیب اعتبارشان تنظیم شده اند. و\_ در صورتی که دسترس به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث فقط از آنها نقل می گردد، مگر بحار الأنوار در احادیث شیعه و کنز العمال در احادیث اهل سنت که در پایان نشانی خواهند آمد. ز\_ اگر يك حدیث، هم از پیامبر صلی الله علیه و آله و هم از دیگر معصومان نقل شده باشد،

**مبحث یکم : شناخت****اشاره**

حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن می آید و به احادیث دیگر در پاورقی اشاره می شود. ح\_ احادیث ، با نام پیامبر صلی الله علیه و آله و یا اهل بیت علیهم السلام آغاز می شود ، مگر آن که متن به گونه ای باشد که باید اسم راوی آورده شود. در این صورت ، نام کتابی که حدیث از آن نقل شده ، در ابتدا آورده می شود. ط\_ برای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نام ها و لقب های گوناگونی است ؛ ولی ما برای هر يك ، يك نام یا لقب ثابت برگزیده ایم. ی\_ به جهت احترام ، نام پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه با جمله «صلی الله علیه و آله» و نام هر يك از امامان را با جمله «علیه السلام» می آوریم ، گرچه در منبع ، به گونه ای دیگر احترام شده باشند ؛ ولی در مورد دیگران ، به آوردن نام ، اکتفا می کنیم. ک\_ پس از ذکر منابع در پاورقی ، گاه با تعبیر «همچنین ، ر. ک.» ، ارجاعاتی به منابع دیگر می دهیم . در چنین مواردی ، متن ارجاعی با متن نقل شده ، تفاوتی فاحش دارد که توجه بدان برای پژوهشگر ، مفید است. ل\_ ارجاعاتی که به قسمت های دیگر این دانش نامه داده ایم ، به جهت تناسب محتوایی میان احادیث آنهاست. در پایان ، سپاس فراوان خود را تقدیم تمام برادران فاضل و شاغل در مرکز تحقیقات دار الحدیث می کنم ، بخصوص از آنانی که در فراهم آمدن این مجموعه گران بها نقش داشته اند و بالأخص از مدیر بخش «کلام و عقاید» ، جناب آقای دکتر رضا برنجکار استادیار دانشگاه تهران ، که در به ثمر رسیدن این دانش نامه تلاش و یاری پیوسته داشت ، چنان که از برادر بزرگوار جناب حجّة الإسلام عبد الهادی مسعودی ، مدیر گروه موسوعه نگاری ، که بخش سوم این کتاب با تلاش های وی سامان گرفت ، سپاس گزاری می نمایم و از خداوند

سبحان می خواهیم بر توفیقات همگی آنها در خدمت به معارف ناب اسلامی بیفزاید؛ به راستی که او دانا و تواناست. پروردگارا! بر تو تکیه می کنیم و به سوی تو نیاز می آوریم و بازگشت، به سوی توست. محمد مد محمدی ری شهری 23 اردی بهشت 1382 ربيع الأول

مبحث یکم: معرفت شناسیدرآمدبخش یکم: عقیده‌بخش دوم: خردبخش سوم: نادانیبخش چهارم: دانشبخش پنجم: حکمتبخش ششم:  
مبادی شناختبخش هفتم: موانع شناختبخش هشتم: کسب شناختبخش نهم: آموزشبخش دهم: دانشمند .





## درآمد

درآمد معرفت شناسی (شناخت) \_ که در دوره های اخیر در مباحث فلسفی و اعتقادی ، جایگاهی ویژه یافته و میدان نبرد عقاید مادی و الهی است \_ پیشینه ای دور و دراز دارد. یونان باستان در دوره سوفسطائیان و سقراط ، شاهد بحث های متنوعی ، از قبیل : ماهیت شناخت ، ابزار شناخت ، قلمرو شناخت و ارزش شناخت بود که پس از آن ، به وسیله افلاطون و ارسطو ، دنبال شد. مسئله شناخت ، بویژه منابع و ابزار آن ، یکی از موضوعات اساسی در مناظره های اهل بیت علیهم السلام و بخصوص امام صادق علیه السلام با مادی ها در نیمه اول قرن دوم هجری ، بوده است. (1) مباحث شناخت در اروپا پس از دوره رنسانس ، جایگاهی ویژه یافت ، تا آن جا که کانت ، معرفت شناسی را محور فلسفه قرار داد و در قرن اخیر به عنوان يك دانش مستقل در آمد و در میان دیگر دانش ها موقعیتی ممتاز یافت و در این زمینه کتاب های فراوان تحریر شد. از آن رو که «معرفت شناسی» ، پایه مباحث اعتقادی را می سازد ، مباحث و احادیث مربوط به آن ، نخستین حلقه از حلقه های احادیث عقیدتی را به خود

---

1- ر. ک : گفتگوی تمدن ها در قرآن و حدیث .

اختصاص داده است. این حلقه، در ده بخش بدین صورت عرضه می‌گردد: (1) بخش نخست با موضوع «عقیده»، مباحثی را در هفت فصل تقدیم می‌کند که پیش از ورود به اصل مباحث اعتقادی، برای هر جریان فکری و بویژه شناخت شناسی، بسیار سودمندند. بخش دوم به نیروی «عقل» اختصاص دارد و در هفت فصل به تبیین: حقیقت عقل، آفرینش عقل، جایگاه عقل، انواع عقل، ارزش تعقل و تفکر برای کسب معرفت، اسباب مادی و معنوی رشد اندیشه، راه‌های استفاده از نیروی عقل در زندگی، آفات عقل، و وظایف خردمندان، از منظر نصوص (متون) اسلامی می‌پردازد. بخش سوم درباره «جهل (نادانی)» است و دارای هشت فصل، شامل: تبیین معنای جهل از نظر اسلام، بر حذر داشتن از جهل، شناخت انواع جاهلان، نشانه‌های جهل، و وظایف جاهلان است. سه فصل آخر این بخش، حاوی مباحث پر اهمیتی چون: جاهلیت پیش از اسلام و پس از اسلام و پایان دوره جاهلیت در آخر زمان به رهبری امام مهدی (عج) است. بخش چهارم به «علم» اختصاص دارد و در چهار فصل، حقیقت، ارزش، فواید، و اقسام علم را بر پایه نصوص (متون) اسلامی در اختیار می‌گذارد. بخش پنجم درباره «حکمت» است و در هفت فصل به تفصیل، به: معنای حکمت در قرآن و حدیث، ارزش و آثار حکمت، برترین دستورات برای دستیابی به حکمت حقیقی، و ویژگی حکیمان استوار، می‌پردازد.

---

1- شایان ذکر است که بخش‌های دوم و سوم از این بخش‌های دهگانه، پیش از این، با عنوان خردگرایی در قرآن و حدیث، و بخش‌های چهارم تا دهم با عنوان علم و حکمت در قرآن و حدیث، پیش از این، منتشر شده بودند، که در این جا، آنها را با برخی اصلاحات و تغییرات (متناسب با این دانش نامه) و افزودن برخی سرفصل‌ها آورده ایم.

بخش ششم به «راه های شناخت» ارائه شده در نصوص (متون) اسلامی اختصاص دارد و در چهار فصل، به : راه های دستیابی به علم و حکمت، اسباب معرفت های عقلی و قلبی، و طرق الهامات غیبی، می پردازد. بخش هفتم به «موانع شناخت» می پردازد و دارای دو فصل است : فصل نخست، حجاب های علم و حکمت را از منظر قرآن و حدیث، روشن می سازد و فصل دوم، بر طرف کننده این حجاب ها را بیان می کند. لازم به یادآوری است که بخش ششم و هفتم، مهم ترین بخش ها درباره مباحث معرفت شناسی از دیدگاه اسلامی، به شمار می روند. بخش هشتم به «تحصیل شناخت» می پردازد و از پنج فصل، فراهم آمده است که در آنها، ضرورت، ارزش، آداب، و احکام کسب شناخت از منظر اسلام، تبیین گردیده است. بخش نهم درباره «آموزش شناخت» و دارای چهار فصل است. در این فصول، وجوب، ارزش و آداب آموزش و نیز پاسخگویی به پرسش های دانشجویان از زبان پیشوایان اسلام بیان شده است. بخش دهم، نکاتی مهم درباره «عالمان» را عرضه می کند و دارای شش فصل است و از : فضیلت عالمان، ادب ورزی عالمان، حقوق عالم و معلّم و جوینده دانش، اصناف عالمان و حکیمان الگو، زیان دانشمندان بد بر جامعه، بحث می کند. اینک تفصیل و تشریح این مباحث عرضه می گردد:



**بخش یکم : عقیده**

**اشاره**

بخش یکم : عقیده فصل یکم : نقش عقیده فصل دوم : تقلید در عقیده فصل سوم : پژوهش در عقاید فصل چهارم : پالایش عقیده فصل پنجم : آزمون عقیده فصل ششم : آزادی عقیده فصل هفتم : آموزش عقیده



## فصل یکم : نقش عقیده

## واژه شناسی «عقیده»

فصل یکم: نقش عقیده‌واژه شناسی «عقیده» واژه عقیده، از مصدر «عقد» گرفته شده که به معنای استوار کردن و بستن (پیوند) است. پیوند چیزی با چیز دیگر، ممکن است حقیقی و مادی باشد (مانند: پیوند زدن جوانه یا شاخه درختی به شاخه درخت دیگر) و ممکن است مجازی و معنوی باشد (مانند: ازدواج زن و مرد که به واسطه عقد ازدواج، یکی به دیگری پیوند می خورد). بر این پایه، عقیده عبارت است از: چیزی که به ذهن، روح و فکر انسان گره می خورد. آن گاه که ذهن آدمی می پذیرد که زمین به دور خورشید می چرخد و یا خورشید به دور زمین می چرخد، و یا هنگامی که می پذیرد که خون در بدن گردش می کند یا نمی کند، و یا می پذیرد که هستی خالق دارد و یا نمی پذیرد، یا می پذیرد که انسان پس از مرگ زنده می شود و یا نمی پذیرد، پذیرش هر نظریه ای، خواه درست یا نادرست، به معنای بستن و گره زدن آن نظریه به ذهن و استوار کردن این پیوند است. این پیوند، «عقد» و آن نظریه، «عقیده»



## نقش «عقیده» در زندگی

نامیده می شود .

نقش «عقیده» در زندگی عقاید انسان ، پایه تمام جهتگیری های او در زندگی است و بر این اساس ، عقیده نقش بزرگی در زندگی فردی و اجتماعی دارد ، چنان که خداوند سبحان می فرماید : «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهِ» (1) هر کس بر حسب ساختار [عقیدتی] خود ، عمل می کند . از این رو ، عقاید ، شخصیت درونی و حقیقت وجودی انسان را می سازند و همین باورها او را به سمت عمل و او می دارند و جهت را بدو می نمایند . حال ، اگر عقیده درست و سازگار با واقعیت باشد ، راه زندگی انسان ، درست است ، و اگر عقیده نادرست و باطل باشد ، راه زندگی ، جز به تباهی نمی انجامد . بدین جهت ، اسلام ، پیش از هر چیز به تصحیح باورها اهتمام دارد و حقیقتاً نمی توان از مکتبی سراغ گرفت که بیش از اسلام بر نقش و ارزش عقیده تأکید ورزد . در اسلام ، «عقیده» معیار سنجش تمام رفتارها حتی رفتارهای شایسته است ؛ زیرا رفتارهای شایسته نیز اگر از عقیده درست و به حق بر نخیزند ، ارزشمند نیستند . امام باقر علیه السلام می فرماید : لَا يَنْفَعُ مَعَ الشَّكِّ وَالْجُحُودِ عَمَلٌ (2) با تردید و انکار ، هیچ رفتاری سودمند نیست .

1- اسراء : آیه 84 .

2- الکافی : ج 2 ص 400 ح 7 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : ص 388 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 124 ح 1 .

معنای این سخن، آن است که درستی عمل و فایده و نقش آن در تکامل و رشد انسانی، به درستی عقیده انجام دهنده آن وابسته است. از این رو، اگر در انسان عقیده درست شکل نگیرد و منکر حقیقت شود، یا در حقیقت شك بورزد، ممکن نیست رفتاری که از چنین عقیده ای بر می آید، سالم باشد و یا فایده برساند؛ زیرا عقیده، انگیزه عمل را می سازد و عمل را جهتدار می کند و این انگیزه و جهتگیری است که مفهوم عمل و شایستگی و عدم شایستگی آن را تعیین می کند. از همین روست که بر حسب اعتقادات اسلامی، پس از مرگ و به هنگام ورود به جهان دیگر، نخستین پرسش ها از انسان که در پرونده اعمالش ثبت می گردد، از باورهاست، و پرسش اول، آن است که: به کدام خدا ایمان آوردی؟ به چه دینی عقیده داشتی؟ امامی که از او پیروی کردی، که بود؟ در میان مکتب های جهان، نمی توان به مکتبی دست یافت که برای باورهای انسان ها، چنین احترام و ارزشی قائل باشد. از همین رو، در منظر اسلام، پژوهش های عقیدتی، در صدر تمامی پژوهش ها قرار دارد. پس، سزاوار است که مراکز علمی، دینی و دانشگاهی در تمام کشورهای اسلامی، پیش و بیش از هر چیز به اجرای پژوهش ها، سخنرانی های علمی و دیگر امور مربوط به عقاید، اهتمام ورزند. در بخش های آینده، به تفصیل از اهتمام اسلام به مباحث شناخت (معرفت شناسی) سخن خواهد رفت. در این جا به صورت گذرا به داستانی تربیتی و بسیار آموزنده در این زمینه اشاره می کنیم.

## داستانی آموزنده

داستانی آموزنده شیخ صدوق (م 381 ق) از محدثان بزرگ شیعه، در کتاب های معروف خود (معانی الأخبار، الخصال و التوحید) از شخصی به نام قدام بن شریح بن هانی، از پدرش، روایت می کند که: در روز نبرد جَمَل، مردی بادیه نشین نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! آیا تو می گویی که خدا یکی است؟ این پرسش از نظر جنگجویان \_ که غرق در نبرد بودند و هیچ کاری جز برنامه ریزی عملیات و طراحی نقشه های جنگی نداشتند \_ هیچ مناسبتی با شرایط آن روز نداشت و اگر کسی سؤالی می کرد، می باید سؤالش به جنگ مربوط می بود. بدین جهت وقتی دیدند که پرسش بادیه نشین از مسئله ای اعتقادی است و به نبرد مربوط نیست و او می توانست آن را در فرصتی دیگر بپرسد، از موقعیت ناشناسی او خشمگین شدند و صدایشان از هر سو به اعتراض بلند شد. امام علی علیه السلام چون بادیه نشین را در میان حمله و اعتراض جنگجویان دید، با سخنی تاریخی و پندی بزرگ و آموزنده، آن را جبران کرد و به دقت از اهمیت مباحث اعتقادی پرده برداشت. او چنین فرمود: دَعَوْهُ، فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْأَعْرَابِيُّ هُوَ الَّذِي نُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ! او را رها کنید. به راستی آنچه بادیه نشین می طلبد، همان است که ما از این گروه (جَمَلیان) می خواهیم. سخن امام در این شرایط، بسیار بااهمیت است و باید به درستی در آن، درنگ شود. اگر شرایط حساس و سرنوشت ساز آن روز امام علیه السلام را در نظر

بگیریم، چنین گمان می رود که آن هنگام، فرصتی مناسب برای پاسخگویی به چنین پرسشی نبوده و امام علیه السلام می توانست پاسخ را به شخص دیگر یا فرصتی دیگر واگذارد؛ لیکن امام علیه السلام چنین نکرد و به جهت نبود فرصت، از وی عذر نخواست؛ بلکه فرصت را مناسب دید تا به مسلمانان درسی بیاموزد و به آنان «فلسفه» جهاد را تعلیم دهد و اهمیت مباحث اعتقادی و بحث و گفتگو درباره عقاید را روشن سازد. امام علیه السلام در آن لحظه های حساس، سرنوشت ساز و بحرانی، به پاسخگویی بادیه نشین پرداخت و فلسفه جهاد را بیان کرد و فرمود: او را رها کنید تا سؤالش را بپرسد؛ چرا که از نبرد با این گروه، هدفی جز این نداریم. جنگیدن ما برای سلطه بر دیگران و زیر نفوذ گرفتن آنان نیست؛ بلکه مقصود ما معرفت (شناخت)، ادراک و آگاه شدن است. نبرد ما، تنها برای خراب کردن سدها و برداشتن موانع روشن شدن حقیقت است. فلسفه جهاد، آزاد ساختن انسان از بند عقاید خرافی و فراهم ساختن فضای مناسب برای عقاید درست و شکوفایی باورهای علمی و حقیقی است (1) و بر این پایه، پرسش بادیه نشین، نه تنها با مسئله اصلی، یعنی نبرد، بی ارتباط نبود، بلکه عمیق ترین و گسترده ترین رابطه را با آن داشت؛ زیرا به فلسفه نبرد مربوط بود و قوی ترین رابطه، در پیوند هر چیز با فلسفه خویش است. از این رو، امام علی علیه السلام صورت به سمت بادیه نشین برگرداند و پرسش او را با کمال آرامش و دقت، چنین پاسخ گفت:

---

1- در همین مقدمه، به تفصیل، به این موضوع، پرداخته ایم (ر. ک: ص 125 / فصل ششم: آزادی عقیده).

يَا أَعْرَابِيَّ، إِنَّ الْقَوْلَ فِي أَنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْسَامٍ: فَوَجْهَانِ مِنْهَا لَا يَجُوزَانِ عَلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَوَجْهَانِ يَثْبُتَانِ فِيهِ. أَي بَادِيَهُ نَشِينِ!  
سخن در این که خداوند، یکی است، چهار صورت دارد: دو صورت آن، برای خدا روا نیست و دو صورت دیگرش برای خداوند، ثابت است. آن گاه امام علیه السلام این چهار صورت را یکی یکی توضیح داد. (1)

---

1- الخصال: ج 2 ص 1، معانی الأخبار: ج 5 ص 2، التوحيد: ص 83 ح 3.

## فصل دوم : تقلید در عقیده

## اشاره

فصل دوم: تقلید در عقیده‌ها از موضوعاتی که می‌باید پیش از گزارش نصوص (متون) اعتقادی و بررسی اصول اعتقادات اسلامی، بدان پرداخت، مسئله «تقلید در اصول عقاید» از منظر عقل و اسلام است. لازم است در آغاز، عقل را داور قرار دهیم و ببینیم آگاهی‌های عقیدتی را از کجا باید به دست آورد؟ و آیا عقل روا می‌دارد در هستی‌شناسی و اصول عقاید، از پدر و مادر، رهبران حزب و سازمان، دانشمندان، افراد مورد اعتماد و مانند آنها تقلید کرد؟ به سخن دیگر، آیا عقل به آدمی اجازه می‌دهد در عقایدش مقلد باشد، یا این که تحقیق را بر او واجب می‌داند؟ پس از به دست آوردن پاسخ عقل، باید پاسخ را از اسلام بخواهیم و ببینیم که: آیا این دو پاسخ با یکدیگر سازگارند، یا اسلام پاسخی دیگر می‌دهد؟ بحث را از پاسخ به سؤال نخست آغاز می‌کنیم. اینک مابین عقل و عقل‌داده‌ها و وجدان. از عقل می‌پرسیم: وظیفه ما درباره اصول عقاید چیست: تحقیق یا تقلید؟

**تقلید چیست؟****حکم عقل درباره تقلید در اعتقادات**

پیش از شنیدن پاسخ عقل ، لازم است که معنای تقلید و مراد از آن را روشن سازیم.

تقلید چیست؟ تقلید ، پذیرفتن رأی دیگران بدون درخواست برهان است. حال ، پرسشی مطرح می شود که : آیا عقل این کار را روا می دارد و به انسان اجازه می دهد که رأی دیگران را در مسائل عقیدتی ، بدون برهان بپذیرد؟ یا اجازه نمی دهد و بلکه انسان را ملزم می کند که عقایدش را از راه تحقیق به دست آورد و رأی دیگران را فقط وقتی شایسته پذیرش می داند که با برهان عقلی به اثبات برسد و تأیید گردد؟

حکم عقل درباره تقلید در اعتقادات بر پایه تعریف پیش گفته از تقلید ، عقل به هیچ روی ، تقلید در اصول و مبانی عقیدتی را جایز نمی شمرد ؛ زیرا اصول اعتقادی می باید یقینی باشند و تقلید ، علم آور نیست. این که اصول عقاید می باید یقینی باشند ، تردیدپذیر نیست ؛ چراکه عقیده ، مبنا و پایه رفتار است و عقل به هیچ روی ، اجازه نمی دهد که انسان فعالیت های فردی و اجتماعی اش را بر عقایدی بنیان نهد که خود ، درستی و واقعیتش را نمی داند. اما این که تقلید ، علم آور نیست ، امری روشن است ؛ چرا که اگر تقلید ، علم آور بود ، می باید تمام مکتب ها و ادیان گوناگون در جهان \_ آنچه وجود دارد و آنچه از میان رفته است \_ علمی ، درست و مطابق با واقعیت باشند .

## مقلّد، دانای خیالی

### تقلید در عقاید از منظر اسلام

مقلّد، دانای خیالی‌آری، تقلید، علم آور نیست و نهایت، آن که: مقلّد، خیال می‌کند آگاه است. از این رو، او در دنیای خیال، آگاه است، نه در دنیای واقعیت. به سخن دیگر، مقلّد، دانای خیالی است، نه دانای واقعی. تمامی پیروان ادیان مختلف، عقیده خود را درست و خالی از خطا می‌انگارند و چنین برایشان به وهم در می‌آید که تنها، عقاید آنان درست و همراه با واقعیت است و این تخیل را آگاهی یقینی به شمار می‌آورند. اگر پیروان ادیان در عقاید خود می‌اندیشیدند و موانع معرفت را از چشمان و عقل خود دور می‌ساختند و تحقیق را جایگزین تقلید می‌کردند، هر گونه اختلافی، از میان مکتب‌های اعتقادی در جامعه بشر برچیده می‌شد و همگان به نظری مشترک و دینی یگانه، دست می‌یافتند. از این رو، اختلاف، تنها در جایی است که دانش خیالی، جایگزین علم شود و با وجود دانش حقیقی، زمینه‌ای برای اختلاف نخواهد بود.

تقلید در عقاید از منظر اسلام تا این جا دیدگاه عقل درباره تقلید در مسائل اعتقادی روشن شد و بر ماست که نظر اسلام را در این باره جویا شویم که: آیا اسلام نیز مانند عقل، تقلید در عقاید را تحریم می‌کند، یا نه؟ نخست باید یادآوری کنیم که مسائل اسلامی به دو بخش، دسته بندی می‌شوند: اصول دین و فروع دین. اصول دین، عبارت است از: مبادی و پایه‌های عقیدتی، که بنیان مسائل



فقهی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر موضوعات را در اسلام می سازند، مانند اعتقاد به: یگانگی خداوند، عدل، نبوت، امامت و معاد. فروع دین، عبارت است از: قوانینی که اسلام برای تنظیم رابطه انسان با خدا از يك سو و انسان با دیگران از سوی دیگر تشریح کرده است، مانند: نماز، روزه، خمس، زکات، حج و... اسلام، تقلید در فروع دین را، نه تنها جایز می داند، بلکه آن را واجب ساخته است. مرجع تقلید در فروع دین، به طور مشخص، «پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام» و در عصر غیبت، برای آنان که در استنباط احکام اسلامی از کتاب و سنت، تخصصی ندارند، «مجتهد جامع شرایط تقلید» است. اما موضوع بحث و پژوهش ما در این جا، تقلید در اصول دین از دیدگاه اسلام است و این که: آیا اسلام مانند عقل، تقلید در اصول اعتقادی را مطلقاً حرام می داند؟ یا آن را تجویز می کند؟ به سخن دیگر، دیدگاه اسلام درباره وظیفه مردم در اصول اعتقادی چیست: تحقیق یا تقلید؟ هر کس با قرآن و احادیث اسلامی آشنا باشد، می داند که اسلام، تقلید در اصول عقاید را به صراحت، تحریم کرده است و با اصرار و تأکید، مردم را به تحقیق در مسائل اعتقادی واداشته و از آنان خواسته با هیچ عقیده ای، مگر پس از دقت و وجود برهان عقلی، دمساز نشوند. خداوند عز و جل هرگز از مردم نخواسته است که در برابر کلام او (به عنوان مثال، در اثبات وجود خدا یا نبوت پیامبران)، به طور تعبدی و تقلیدی و بدون برهان عقلی تسلیم شوند؛ بلکه بر وجود خود و نبوت پیامبران خویش و... با ادله

## تقلید در عقاید از منظر قرآن

عقلی استدلال می کند و مردم را به داوری عقل فرا می خواند. نیز هیچ پیامبری، مردم را به تقلید در اصول عقاید و پذیرش سخن او بدون پرس و جو دعوت نکرده است. همه پیامبران برای اثبات پیامبری خویش به برهان های عقلی استناد نموده اند و مردم را به داوری عقل دعوت کرده اند، چنان که از مخالفان خود خواسته اند که برای اثبات ادعاهای خود، برهان اقامه کرده، دلیل بیاورند: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (1) بگو: اگر راست می گوئید، دلیل خود را بیاورید». همچنین مشاهده می کنیم که امروزه مجتهدان و متخصصان مسائل اسلامی، تقلید در اصول عقاید را جایز نمی دانند و مردم را به پژوهش در عقاید، توصیه می کنند. اینک، برای آن که دیدگاه اسلام درباره «تقلید در اصول عقاید» به خوبی روشن شود، آیات و احادیث مربوط به آن را در این جا می آوریم.

تقلید در عقاید از منظر قرآن کریم، در آیات متعددی که به اصول عقاید مربوط اند، تقلید را زشت شمرده، آن را تحریم می کند و از آن باز می دارد و به صراحت بیان می دارد که: آدمی، تا برایش معرفت کامل و یقین قطعی نسبت به يك نظریه یا عقیده حاصل نشده، نباید از آن پیروی کند و زندگی فردی و اجتماعی اش را بر آن بنیان نهد.

1- بقره: آیه 111، نمل: آیه 64. همچنین، ر. ک: انبیاء: آیه 24.

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (1) و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن». این آیه انسان را به همان حکم روشن عقل، توصیه می کند که: ای انسان! در مسائل عقیدتی، از ندای وجدان و حکم روشن عقل، پیروی کن و از تقلید کورکورانه پرهیز و تا آن زمان که درستی یک نظریه را درک نکرده ای، آن را ملاک رفتار قرار مده و از آن پیروی منما. آیه ای دیگر: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (2) به راستی که بدترین جنبنندگان نزد خدا، کران و لالانی هستند که نمی اندیشند». منظور از کران و لالان در آیه کسانی نیستند که شنوایی یا گویایی خود را از دست داده اند؛ بلکه کسانی هستند که به تعبیر آیه نمی اندیشند و اهل تفکر و تعقل در مسائل عقیدتی نیستند. اینان کسانی هستند که در آیه ای دیگر، چنین توصیف شده اند: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (3) دل هایی دارند که با آن، [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند». یعنی آنان دل هایی دارند که به ادراک و معرفت نمی رسد، چشمانی دارند که حقیقت را نمی بیند و گوش هایی دارند که سخن حق را درک نمی کند. پس،

---

1- اسراء: آیه 36.

2- انفال: آیه 22.

3- اعراف: آیه 179.

مقصود این آیه، کسانی هستند که چشم و گوش و زبان بسته، به دنبال دیگران راه می‌افتند و به جای آن که از عقل و اندیشه خویش تبعیت کنند، از عقاید دیگران، بدون برهان، پیروی می‌نمایند. اینچنین، قرآن کریم دست و پای انسان را از غل و زنجیر پیروی کورکورانه، آزاد می‌کند و آدمی را از بردگی فکری دیگران رها می‌سازد و به هر يك از افراد جامعه، استقلال فکری و حق اظهار نظر می‌بخشد و مردم را با رها ساختن از بند تقلید عقیدتی، به تأمل و تحقیق فرا می‌خواند. اینک به نکته ای دقیق و حساس می‌رسیم که: قرآن کریم تلاش می‌کند اندیشه آدمیان را از توهم و تخیل «علم و آگاهی» پاک کند و آنان را آگاهانی حقیقی بار آورد. قرآن کریم تلاش می‌کند تا پیروان تمامی مکاتب و معتقدان به هر عقیده را از سیمای معرفت خیالی - که از تقلید کورکورانه نشئت می‌گیرد - نجات دهد و آنان را به معرفت حقیقی و دانش واقعی برساند. از این رو، بر آنان که تقلید را بر تحقیق، و تن دادن به سنت های تقلیدی را بر تن دادن به حقیقت، ترجیح می‌دهند، به شدت می‌تازد. در این زمینه آیه های فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که دو مورد را به عنوان نمونه می‌آوریم. خداوند فرموده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا. (1) و چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید»، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است».

### تقلید در عقاید از منظر احادیث

یعنی چون به محافظه کاران و جمودگرایان بر سنت های تقلیدی و موروثی و پیروان عادت ها و باورهای به ارث رسیده از پدران و مادران ، گروه ها ، قبیله ها و جامعه ها گفته شود که : «بیایید و بنگرید که خدا و پیامبر او چه می گویند ؛ شما که سخن همه را شنیدید ، سخن ما را نیز بشنوید. سپس درباره اش اندیشه کنید و به عقل خویش باز گردید تا ببینید کدام يك از این سخنان ، درست تر است. آن گاه اگر درستی گفته های خدا و پیامبرش بر شما آشکار شد ، سخنشان را بپذیرید و بدان عمل کنید ، و اگر سخن پدران و مادران ، یا سنت های قومی و قبیله ای و یا برنامه های حزبی و سازمانی را درست تشخیص دادید ، از آن پیروی کنید» ، به این سخن منطقی چنین پاسخ می دهند : ما نیازمند سخن خدا و پیامبر او نیستیم و برای ما عقاید تقلیدی و سنت های موروثی از پدرانمان کافی است. قرآن هم در پایان آیه ، با اشاره به عقل و حکم روشنش ، به آنان چنین پاسخ می دهد : «أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (1) آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند؟! . یعنی آیا ادعای شما منطقی است؟ و آیا عقل چنین پاسخی را می پذیرد؟ و آیا وظیفه آنان ، این است که از پدران خود ، پیروی کورکورانه کنند ، گرچه پدرانشان بدون تعقل ، از چیزی پیروی نموده و عقیده ای را بدون درك ، برگزیده باشند؟ آیا شایسته است کورکورانه پا جا پای آنها نهند؟

تقلید در عقاید از منظر احادیثواژه «إِمَّعَة» در احادیث ، بر کسی اطلاق می گردد که از خود رأیی ندارد و بدون تحقیق ، بلکه کورکورانه ، از آرای دیگران پیروی می کند.

## پیرو چشم و گوش بسته نباش

پیرو چشم و گوش بسته نباشانسان از دیدگاه اسلام، می باید یا حقیقت را شناخته باشد و یا در مسیر کشف آن باشد، تا کاری را بدون آگاهی انجام ندهد که تباه گردد. از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است: **ما من أحدٍ إلا على بابهِ مَلَكَانِ، فإذا خَرَجَ قَالَا: أُغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَلَا تُكُنِ الثَّالِثَ.** (1) هیچ کس نیست، جز آن که بر در خانه اش دو فرشته ایستاده اند و هر گاه از منزل بیرون می رود، به وی می گویند: یا عالم (دانا) باش و یا جوینده دانش و نفر سوم مباش. گاه در احادیث، از کسی که آگاه نیست و در راه کسب علم گام بر نمی دارد، به «هَمْجٌ رَعَاعٌ» (پشه های سرگردان) تعبیر می شود، چنان که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: **النَّاسُ اثْنَانِ عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ وَمَا عَدَا ذَلِكَ هَمْجٌ رَعَاعٌ.** (2) مردم، دو دسته اند: عالم (دانا) و جوینده دانش، و جز آن دو، پشه های سرگردان اند. و گاه به «غُثَاء» (کف روی آب) تعبیر می شود، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است: **النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ وَغُثَاءٌ.** (3) مردم سه دسته اند: عالم (دانا)، جوینده دانش و کف روی آب. و گاه به «إِمَّعَةٌ» تعبیر می شود، چنان که در کتاب النهاية فی غریب الحدیث آمده است:

1- ر. ک: ج 3 ص 18 ح 2089.

2- ر. ک: ج 3 ص 20 ح 2094.

3- ر. ک: ج 3 ص 22 ح 2108.

فيه: «أَعْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَلَا تَكُنْ إِمَّعَةً». الإِمَّعَةُ بكسر الهمزة وتشديد الميم \_ الذي لا رأي له ، فهو يتابع كلَّ أحد على رأيه . والهَاءُ فيه للمبالغة. ويقال فيه «إِمَّعٌ» أيضًا. (1) عالم یا دانشجو باش و «إِمَّعَةٌ» مباش. إِمَّعَةٌ ، یعنی کسی که از خود ، رأیی ندارد و از رأی هر کس پیروی می کند و «ة» در این واژه ، برای مبالغه است و اِمَّعٌ نیز گفته می شود. به سخن دیگر ، واژه «إِمَّعَةٌ» در زبان عربی به کسی گفته می شود که از خود ، استقلال فکری ندارد و برای خود ، حقّ رأی و فکر قائل نیست ؛ بلکه چشم و گوشش ، در گرو قلم و زبان دیگران و نوشته ها و گفته های آنان است. چنین کسی همیشه در انتظار دریافت مطالبی است که صاحب نظران حزب ، یا رئیس سازمان ، دیکته می کنند و یا در اندیشه و رفتار ، از اکثریت مردم پیروی می نماید. پس «إِمَّعَةٌ» ، کسی است که خود را در برابر نوشته ها و گفته های دیگران به تفکّر و تحقیق و انقیاد و این روایت ها سفارشی است به مردم که درباره عقاید خود ، عالم و یا جوینده باشند و مقلد نباشند و این ، بدان معناست که انسان باید یا از درستی عقاید خود مطمئن باشد و یا در حال تحقیق و جستجو برای علم و معرفت باشد و سزاوار نیست از دیگران تبعیت کند و در باورها ، بدون تحقیق به تقلید پردازد. از امام علی علیه السلام در ضمن روایتی ، اشعاری گزارش شده که بخشی از آن را می آوریم : إذا المشكلات تصدّين لي كشفت حقائقها بالنظر و لست يا معة في الرجال يسائل هذا وذا ، ما الخبير و لكنني مذرب الأصغرین ابين (2) مع ما مضى ما غبر. (3) هر گاه مشکلات به من روی آورند با تفکّر و نظر ، پرده از حقایق آنها بر می دارم. و مانند مردانِ إِمَّعَةٌ نیستم که از این و آن بپرسم : «چه خبر؟». من بر زبانم لجام می زنم و در پرتو گذشته حقایق را آشکار می سازم. بر این اساس ، پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ، کسانی هستند که در مسائل نظری و اعتقادی ، صاحب نظر و دارای رأی اند و هرگز از این و آن ، تقلید نمی کنند و از این که به جدایی از جامعه متهم شوند ، هراسی ندارند. آنان هیچ عقیده و رأیی را نمی پذیرند ، مگر این که با تحقیق ثابت شود که حق است ، گرچه همه مردم بر خلاف آن اجماع کنند ، و نیز راهی را نمی پیمایند ، مگر به یقین برسند که راه راست است ، و بر کاری اقدام نمی کنند ، مگر این که با تأمل و تحقیق ، روشن شود که رفتاری منطقی ، مفید و عقل پذیر است. در حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است : لا تكونوا إِمَّعَةً ؛ تقولون : إن أحسن الناس أحسننا ، وإن ظلموا ظلمنا ! ولكن و طنوا أنفسكم ، إن أحسن الناس أن تحسنوا ، وإن أساؤوا فلا تظلموا . (4) شماها «إِمَّعَةٌ» مباشید که بگویند : اگر مردم به ما نیکی کردند ، ما هم نیکی

1- .النهاية : ج 1 ص 67 .

2- .در برخی نسخه ها به جای کلمه «أبیین» ، «أقیس» به معنای «می سنجم» آمده است .

3- .جامع بیان العلم : ج 2 ص 113 ، کنز العمال : ج 10 ص 303 ح 29521 ؛ الأمالی ، طوسی : ص 514 ح 1125 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 59 ح 1 و ج 42 ص 187 ح 4 .

4- .سنن الترمذی : ج 4 ص 364 ح 2007 ، کنز العمال : ج 15 ص 772 ح 43035 .

می کنیم و اگر ستم کردند ، ستم می کنیم ؛ بلکه خود را چنان بسازید که اگر مردم خوبی کردند ، شما خوبی کنید و اگر بدی کردند ، شما ستم نکنید. امام صادق علیه السلام نیز در سفارش به یکی از شاگردانش می فرماید : لا تَكُونَنَّ إِمْعَةً ... هرگز «إِمْعَةً» مباش ... و در توضیح این سخن می فرماید : ... تَقُولُ : أَنَا مَعَ النَّاسِ وَأَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ. (1) ... که بگویی : من همراه مردم و یکی از آنان هستم. یعنی از دیگران در مسائل نظری و علمی ، تقلید منما و در گفتار و رفتار آنان بیندیش تا گفتار درست از نادرست و رفتار سالم از غیر سالم ، آشکار گردد و چنین بر زبان مران که من همراه مردم و یکی از آنان هستم و آنچه آنان می گویند ، من نیز می گویم و آنچه آنان انجام می دهند ، من نیز انجام می دهم. در روایتی دیگر ، امام کاظم علیه السلام به یکی از یاران خود به نام فضل بن یونس فرموده است : أبلغ خيراً وَقُلْ خَيْراً وَلَا تَكُنْ إِمْعَةً . خیر برسان و خیر بر زبان جاری کن و «إِمْعَةً» مباش. فضل بن یونس می پرسد : «إِمْعَةً» چیست؟ امام علیه السلام می فرماید : لا تَقُلْ أَنَا مَعَ النَّاسِ وَأَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ . مگو : من همراه مردم و یکی از آنان هستم.

---

1- .معانی الأخبار : ص 266 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 82 ح 4 .



آن گاه امام علیه السلام در ضمن توضیح ، سخن پیامبر خدا را گزارش می نماید که فرمود : *يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّمَا هُمَا نَجْدَانِ : نَجْدُ خَيْرٍ ، وَنَجْدُ شَرٍّ ؛ فَلَا يَكُنْ نَجْدُ الشَّرِّ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ نَجْدِ الْخَيْرِ .* (1) ای مردم! تنها دو راه وجود دارد : راه خیر و راه شر . مبادا راه شر در نزد شما از راه خیر محبوب تر باشد! سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که «تنها دو راه وجود دارد» ، اشاره به این آیه قرآن است : *«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ .* (2) هر دو راه [ خیر و شر ] را بدو نمودیم» . یعنی انسان به گونه ای آفریده شده که خوبی و بدی را می شناسد و به درستی می داند که پاکی چیست و پلیدی ، کدام است . سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در اشاره به آیه قرآن ، پرسشی سرزنش آمیز به همراه دارد که : اگر پیش روی انسان ، دوراه بیشتر نیست ، چرا از راهی که عقل درستی اش را تأیید کرده ، به راهی که عقل از آن باز می دارد ، کشیده می شود؟ از سوی دیگر ، استناد امام کاظم علیه السلام برای بیان واژه «إِمَّعَة» به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله ، دو مطلب را می آموزد : اول . از دیدگاه جامعه شناختی ، آنچه آدمی را به گزینش بدی و می دارد ، «تقلید کورکورانه از دیگران در رفتار و گفتار» است و اگر روزی ، آدمی از بند این تقلید رها شود ، بسیاری از مشکلات اجتماعی بر طرف می گردد .

- 
- 1- . تحف العقول : ص 413 ، الأمالی ، مفید : ص 210 ح 47 ، مستطرفات السرائر : ص 84 ح 29 ، الاختصاص : ص 343 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 21 ح 62 .
- 2- . بلد : آیه 10 .

دوم . آدمی به گونه ای آفریده شده که اگر از تقلید بپرهیزد ، می تواند اهل نظر شود و راه خیر را برگزیند ؛ چون عقل ، عهده دار تشخیص خیر و شر است و اسلام نیز مردم را جز به خیر و عدل و پرهیز از بدی و ستم فرا نمی خواند .

## پیروی از شخصیت ها در عقاید

پیروی از شخصیت ها در عقاید نکته پر اهمیت و قابل توجه در احادیث مربوط به تقلید در عقاید، تقیح تقلید از شخصیت های مذهبی در اعتقادات دینی و پرهیز دادن از آن است، گرچه این اعتقادات حق باشد. امام صادق علیه السلام فرموده است: مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ كَمَا أُدْخِلُوهُ فِيهِ، وَمَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. (1) هر کس به وسیله رجال (شخصیت ها) به دین روی آورد، به واسطه آنان نیز از دین بیرون می رود و هر کس به وسیله کتاب و سنت به دین روی آورد، کوه ها از پای در می آیند، ولی او ثابت می ماند. و نیز فرموده است: مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بِجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهْلٍ. (2) هر کس دینش را از کتاب خدا فرا بگیرد، کوه ها از پای در می آیند، ولی او ثابت می ماند، و هر کس بر پایه جهالت [، به دین] وارد گردد، همان گونه نیز از دین بیرون می رود. در این دو حدیث، چند نکته ارزشمند وجود دارد:

- 
- 1- الغيبة، نعمانی: ص 22، بحار الأنوار: ج 2 ص 105 ح 67.
  - 2- بشارة المصطفى: ص 129، بحار الأنوار: ج 23 ص 103 ح 11.

اول. پیروی از شخصیت های مذهبی در عقاید، مذموم و باطل است و بر انسان خردمند است که عقایدش را از راه تحقیق و نه تقلید، به دست آورد. دوم. آنان که شخصیت ها را راه ورود به اسلام قرار می دهند و به وسیله آنان مسلمان می شوند، به سرعت از همان مسیر از اسلام بر می گردند؛ زیرا آن گاه که آن شخصیت ها از اسلام بر می گردند، اینان نیز به خاطر پیروی از آنان عقاید خود را تغییر می دهند؛ چرا که اینان مسلمان تقلیدی هستند و اعتقاداتشان، پایه علمی ندارد. بنا بر این، عقاید تقلیدی، در معرض دگرگونی و زوال است و هر آن کس که به این دین به وسیله شخصیت ها روی آورد، به وسیله آنان نیز بیرون می رود. سوم. آنان که عقاید دینی را از قرآن و احادیث فرا می گیرند، این عقاید در آنها بیشتر از استواری کوه ها در دل زمین، ریشه دار و استوار می شود و ممکن نیست این عقاید از دل چنین مؤمنانی زایل شود، گرچه ممکن است کوه ها از دل زمین، کنده شوند. چهارم. قرآن و احادیث، تأکید می کنند که آدمی باید عقایدش را بر معیارهای عقلی و علمی مستند سازد؛ چرا که اگر عقاید خود را بر پایه های غیر عقلی و علمی، استوار کند، به سرعت، همان عقاید را بر اساس همان پایه های غیر علمی و عقلی، انکار می نماید. به عبارت دیگر، اگر انسان با جهالت (نادانی) به دین روی آورد، با همان جهالت از آن بیرون می رود. نکته هایی را که امام صادق علیه السلام بدانها اشاره فرمود، تاریخ و تجربه نیز به اثبات رسانده است. چه بسیار مردمانی که در تاریخ هزار و چهارصد ساله اسلام، بر پایه تقلید از شخصیت ها به دین روی آوردند و سپس به خاطر همین تقلید، از

## پدیده «تقلید کور» در صدر اسلام

اسلام برگشتند! تاریخ ادیان آسمانی نشان می دهد که پیروی از شخصیت های سیاسی و دینی در امور اعتقادی و به تعبیر دیگر، بیماری تقلید کورکورانه از شخصیت ها و به دنبال آنان راه افتادن، بیشترین ضربه را بر ادیان آسمانی وارد کرده است. مطالعه تاریخ ادیان از این جهت، شیرین و پرجاذبه است، چنان که فراگیری اش ضروری است؛ لیکن این فصل \_ که مقدمه ای برای مسائل اعتقادی است \_ گنجایش آن را ندارد. از این رو به ذکر نمونه هایی از شخصیت زدگی در صدر اسلام، بسنده می کنیم.

پدیده «تقلید کور» در صدر اسلام به هنگام حکومت امیر مؤمنان، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، جمع زیادی از مسلمانان معاصر ایشان، با شخصیت های سیاسی \_ مذهبی آن زمان، همراهی و همگامی داشتند؛ کسانی که بعدها به «ناکثین»، «فاسطین» و «مارقین» مشهور شدند. بازتاب بیماری شخصیت زدگی این افراد، رها کردن اسلام ناب بود. آنان به این نیز اکتفا نکرده، به رود رویی با آن برخاستند، که هنوز تلخی اش بر جامعه اسلامی اثر می گذارد. برای امام علیه السلام بسیار دردناک بود که می دید تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله و دوستان مخلص اسلام در راه تشکیل جامعه و حکومت اسلامی، گرفتار سستی شده و این، نتیجه رفتار و منش مردمانی است که روزی در کنار او و در یک صف برای اسلام، جهاد می کردند. آنچه امام علیه السلام را بیشتر می آزرده، این بود که مردم مسلمان به خود اجازه فکر کردن نمی دادند و نمی اندیشیدند تا دریابند که: آیا گفتار این شخصیت ها و رهبران، درست است یا نادرست؟ و آیا راهی را که برگزیده اند،

حق است یا باطل؟ و آیا آنان که سنگ اسلام را به سینه می زنند، به حقیقت خواهان اسلام اند، یا آن را پلی برای رسیدن به خواسته های شخصی می دانند؟ بی تردید، پیروان کور و کر این شخصیت های منحرف، بیشتر از خود این شخصیت ها، امام علیه السلام را می آزدند؛ زیرا اگر این پیروان نبودند، خود شخصیت ها نیز قدرتی نداشتند و کاری از آنان ساخته نبود. در حکمت 147 نهج البلاغه، تحلیل کوتاه سیاسی - اجتماعی، اما ژرف از جامعه عصر امام علیه السلام گزارش شده است که می تواند الگو و روشی برای جامعه امروز ما باشد. این تحلیل، دو ویژگی قابل تأمل دارد: اول، این که: امام علیه السلام دست کمیل را که یکی از یاران نزدیکش بود، می گیرد و او را به بیابان می برد و در آن جا با درد و رنج، مطالبی را به وی تعلیم می دهد که اندوه امام را آشکار می کند. دوم، این که: امام علیه السلام، پیش از پرداختن به تحلیل جامعه خود، کلامش را با بیان تفاوت دل ها در درك و فهم، آغاز می کند و شرح می دهد که برخی از مردم، چنین استعدادی دارند و برخی فاقد آن اند و فضیلت آدمیان به میزان این استعداد است. از این رفتار، روشن می شود که امام علیه السلام بیان این سخن دردآور را برای همه مناسب نمی دیده و شنیدن آن را نیازمند استعدادی می دانسته که در همگان یافت نمی شده است. چگونه امام علیه السلام از تعدادی از مسلمانان راستین یاد کند که اسلام را به حقیقت شناخته و بر آن وفادار مانده اند؟! یا چگونه بگوید افرادی با سابقه درخشان، وقتی منافع شخصی خود را در خطر دیدند، با اسلام خداحافظی کردند؟! و یا چگونه بگوید بسیاری از مردم معاصر او که به نام اسلام، جذب

تشکیلات مربوط به چهره های برجسته جامعه شده اند ، مسلمان نیستند ، اسلام را نفهمیده اند و دینشان در گرو شخصیت هایی است که به آنان اعتقاد دارند و میزان حق و باطل از نظر آنان ، شخصیت هایی هستند که از آنان پیروی می کنند؟! به هر رو ، تحلیل همراه با درد و رنج امام علی علیه السلام از جامعه خویش \_ که کمیل را شایسته درک و فهم شکوه های خود از آن می داند \_ چنین آغاز می شود : النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ ، وَهَمَّجٌ رَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ عِلْمٍ ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. (1) مردم ، سه دسته اند : عالم ربّانی ، دانشجو بر راه رستگاری ، و پشه های سرگردان که پیرو هر صدایند و با هر بادی جهت می گیرند و از فروغ دانش ، پرتو نگرفته اند و به استوانه ای محکم ، پناه نبرده اند. امام علیه السلام در این سخن ، مردمان جامعه خویش ، بلکه همه مردم را به سه گروه تقسیم می کند : دسته نخست ، کسانی اند که حقیقت را شناخته اند و عقیده و رفتار و جهتگیری های فردی و اجتماعی آنان بر معیارهای درست ، استوار است ، و امام علیه السلام از اینان به «عالم ربّانی» یاد می کند. دسته دوم ، کسانی اند که هنوز به حقیقت دست نیافته اند ؛ لیکن اهل تحقیق و تفکر ، و جوایای طریق حقیقت اند که هر گاه بدان دست یابند ، رستگاری برایشان محقق می گردد. اینان ، کسانی هستند که امام علیه السلام از آنان به «دانشجو بر راه رستگاری» یاد می کند. دسته سوم ، کسانی اند که نه حقیقت را شناخته اند تا عالم ربّانی باشند و نه

اهل تحقیق و تفکر و جویای حقیقت اند تا دانشجویی بر راه رستگاری نام گیرند؛ بلکه انسان هایی هستند که برای خود، فرصت تحقیق و تفکر فراهم نمی آورند و یا به خود، چنین اجازه ای نمی دهند. امام علیه السلام از این دسته به «پشه های سرگردان» یاد کرده است. این اثر، واژه «همج» را که در این حدیث به کار رفته است، پشه های کوچکی معنا کرده که به صورت گوسفندان و خران می نشینند، و برخی آن را مگس معنا کرده اند. (1) واژه «رعاع» را نیز فیروزآبادی به موجودی که عقل و دل ندارد، معنا کرده است. (2) امام علیه السلام دسته سوم را که به خود فرصت تفکر و تحقیق نمی دهند، به «پشه های سرگردان» تشبیه کرده که به دنبال نادانی بزرگ تر از خویش اند تا از او تغذیه کنند؛ پشه هایی که با هر صدایی می پرند، بدون آن که صاحب صدا را بشناسند و بدانند حق است یا باطل. این گروه، مانند پشه هایند که باد، آنها را به حرکت در می آورد و به هر سو که بوزد، با آن حرکت می کنند. امام علیه السلام ریشه سقوط این مردم را در این مرتبه از خواری، پرتو نگرفتن از فروغ دانش و مبتنی نبودن عقاید و اندیشه های آنان بر پایه های استوار و محکم، می داند. این دسته بندی افراد جامعه، از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گزارش شده است، با این تفاوت که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب امر است و سخن امام علی علیه السلام در قالب خبر؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله به مسلمانان دستور می دهد که یا عالم (دانا) باشند و یا جوینده

1- النهایة: ج 5 ص 273.

2- القاموس المحيط: ج 3 ص 30.



دانش و اجازه نمی دهد «إمّعه (مقلّد کور)» باشند و امام علی علیه السلام خبر می دهد که مسلمانان در زمان او سه گروه اند: عالم ربّانی، دانشجو بر راه رستگاری، و پشه های سرگردان. مقصود امام علی علیه السلام از «هَمَجُّ رَعاع (پشه های سرگردان)»، همان «إمّعه» در سخن پیامبر است؛ کسانی که اندیشه و عقیده ای مستقل از دیگران ندارند و به همین جهت است که اینان خطرناک ترین دشمنان حکومت حق و عدالت اند. (1) آنچه امام علی علیه السلام را می آزرَد، این بود که بیشتر مردمان زمانه اش، از گروه سوم بودند، یعنی از گروه «إمّعه» و «هَمَجُّ رَعاع» که از استقلال فکری و عقیدتی، تهی هستند و با هر بادی به سمتی می روند. و اما دانشجویان بر راه رستگاری، بنا بر توصیف امام علی علیه السلام در سخنش با کمیل بن زیاد نخعی، اندک اند، آنان کسانی هستند که از دانش، سوء استفاده نمی کنند، ابزار دینی را برای دستیابی به دنیا به کار نمی گیرند، با نخستین برخورد با شبهه، در دلشان تردید راه نمی یابد، حریص لذت ها نیستند، رهبری خود را به شهوت ها واگذار نکرده اند و شیفته ثروت اندوزی و گنج طلبی نیستند... به خدا سوگند، شمار اینان، اندک است. اینچنین، مشاهده می کنیم که امام علی علیه السلام با مردمانی سر و کار داشته که اهل تمیز و تحقیق نبوده اند؛ یعنی نه عالم ربّانی بوده اند و نه جوینده دانش. بلکه مردمانی پیرو و مقلّد شخصیت ها بوده اند، که با آنان بر پایه عقل و اندیشه و معرفت، ارتباط برقرار نکرده بودند؛ مردمانی با رابطه ای استوار بر پایه پیروی که به هر جا که آنان می کشیدند، می رفتند. امام علی علیه السلام با مردمانی زندگی

می کرد که نمی خواستند و یا نمی توانستند بفهمند که شخصیت هایی که اینان پیروی شان می کنند، در خطا و لغزش قرار دارند، و عقلشان یاری نمی کرد تا بفهمند که ممکن است طلحه و زبیر، اشتباه کنند و یا این که مقدّسان نهروان، معصوم از لغزش نیستند. در آن روزگار، شرایط اجتماعی آنچنان پیچیده و بغرنج بود که برخی گمان نمی کردند معاویه بر اشتباه است. در نبرد جَمَل، حارث بن حوط، پرسشی را در برابر امام علیه السلام مطرح می کند که بر سطح فکری مسلمانان آن روز، دلالت دارد. او وقتی عایشه (أُمّ المؤمنین) را فرمانده سپاه مقابل یافت و چهره های پیشتاز در مسلمانی چون: طلحه و زبیر (1) را دید که در رکاب عایشه شمشیر می زنند، نتوانست تصوّر کند که این چهره های شاخص در اسلام، در نبرد با علی علیه السلام به خطا رفته اند. از این رو نزد امام علیه السلام آمد و گفت: یا امیر المؤمنین، ما أرى طلحة والزبير وعائشة اجتمعوا إلاّ على حق!! (2) ای امیر مؤمنان! نمی توانم بفهمم که طلحه، زبیر و عایشه جز بر راه حق، اتّفاق کنند! و در گزارش دیگری چنین آمده است: أتراني أظنّ أصحاب الجمل كانوا على ضلالة؟! (3) آیا می پنداری که من اصحاب جَمَل را بر گم راهی می بینم؟! کافی است در نظر بگیریم که اگر در میان اصحاب امام علیه السلام \_ که با او همراه و غرق در فیض نورانیت، دانش، معرفت و روح معنوی او بوده اند \_ کسانی بودند

1- زبیر، به جهت گذشته اش، بر طلحه برتری داشت و در حادثه سقیفه، از متحصّنان در خانه امام علی علیه السلام بود.

2- الأُمّالی، طوسی: ص 134 ح 216، نهج السعادة: ج 1 ص 298.

3- نهج البلاغة: حکمت 162، بحار الأنوار: ج 32 ص 244 ح 192؛ شرح نهج البلاغة: ج 19 ص 147.

که نتوانستند تصدیق کنند که چهره‌هایی با سابقه درخشان (چون: طلحه و زبیر) در نبرد با امام علی علیه السلام بر گم راهی رفته‌اند، چگونه می‌توان از افرادی که در آن عصر بوده‌اند و امام را ندیده‌اند، توقع داشت؟ به هر حال، امام علیه السلام پرسش حارث را به گونه‌ای پاسخ داد که طه حسین، آن را به حق، چنین وصف می‌کند: در آن شرایط، سخنی استوارتر و بلندمرتبه‌تر از این وجود نداشت... و سخنی به این بزرگی، پس از سکوت وحی و انقطاع ندای آسمان، [هرگز از کسی] شنیده نشد. پاسخ امام علیه السلام چنین است: لا يُعْرِفُ الْحَقُّ بِالرَّجَالِ، اَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ اَهْلِهِ. (1) حقیقت، به واسطه مردمان شناخته نمی‌شود. نخست، باید حقیقت را بشناسی تا [بتوانی] پیروان حقیقت را بشناسی. یعنی اشتباه تو و مانند تو، این است که به جای آن که حق و باطل را معیار سنجش شخصیت‌ها قرار دهی، شخصیت‌ها را معیار حق و باطل گرفته‌ای. آیا می‌خواهید حقیقت را در سنجش با افراد بشناسید؟ اگر به خود اجازه دهید که بیندیشید، خواهید دانست که حقیقت به گونه‌ای دیگر است. چهره‌ها و شخصیت‌ها به هر پایه‌ای تشخص و وثاقت که برسند، نمی‌توانند معیار سنجش حق و باطل قرار بگیرند؛ بلکه حق و باطل، معیار سنجش شخصیت‌هاست. آدمی، آن‌گاه که حق را بشناسد، پیروان آن را نیز خواهد شناخت، گرچه دارای سابقه‌ای روشن و آوازه‌ای بلند نباشند، و آن‌گاه که باطل را بشناسد،

---

1- الطرائف: ص 136 ح 215، روضة الواعظین: ص 39، بحار الأنوار: ج 40 ص 126.

## تقلید در فروع دین

### تقلید در فروع دین ، دستوری عقلانی

پیروانش نیز معلوم می گردند ، گرچه نزد مردمان سابقه ای نیک و قابل احترام داشته باشند.

تقلید در فروع دینتا این جا ، به اثبات رسید که تقلید در اصول دین ، از نظر عقل و قرآن و حدیث ، ناپسند و نکوهیده است. سؤالی که اینک به ذهن می رسد ، این است که : تقلید در فروع دین ، چه حکمی دارد؟ آیا مانند تقلید در اصول دین ، نارواست ، یا این که با آن تفاوت دارد؟ پاسخ ، این است که : تقلید در فروع دین ، نه تنها رواست ، بلکه برای کسانی که خود در «علم فقه» ، صاحب نظر نیستند و نمی توانند بدون مراجعه به متخصصان فقهی ، رفتار خود را به اقتضای عقاید دینی به جا آورند ، لازم است. پرسش دیگر ، این که : چرا از نظر شرع و عقل ، تقلید در اصول دین ، روا نیست ؛ ولی تقلید در فروع دین ، لازم است؟ به سخن دیگر ، اگر دستور عقل و قرآن و حدیث ، به صراحت ، انسان را وای می دارد که رأی دیگران را بدون معرفت و علم و آگاهی نپذیرد و اگر دلیل ناروایی تقلید در اصول دین ، آن است که علم آور نیست ، پس چگونه تقلید در فروع دین روا ، بلکه واجب است ، در حالی که اگر تقلید ، علم آور نیست ، در اصول و فروع ، یکسان است؟

تقلید در فروع دین ، دستوری عقلانیتقلید در فروع دین ، در حقیقت ، دستوری عقلانی است. شرح این اجمال ، همراه با مثال ، چنین است : اگر خود یا کسی از بستگان شما بیمار شود و بخواهید به پزشك مراجعه

کنید ، عقل چه حکم می کند و شما چه خواهید کرد؟ عقل درباره تخصص پزشك می گوید : با افراد مورد اعتماد و خیره مشورت کن و به متخصص ترین و مورد اعتمادترین پزشك ، مراجعه نما. و وقتی پس از تحقیق ، به چنین پزشکی دست یافتید و او بیماری را تشخیص داد و نسخه نوشت ، عقل اجازه نمی دهد که از پزشك بپرسید : «بر چه اساس و به چه دلیل ، این نسخه را نوشتی و این دارو را تجویز کردی؟» ؛ بلکه عقل می گوید : «تو تخصصی نداری. نسخه پزشك را بگیر و بدان عمل کن». این عمل در حقیقت ، تقلید از پزشك است. بر این اساس ، عقلی که فرمان می دهد در مرحله شناخت پزشك ، باید تحقیق کنی ، خود ، درباره عمل به نسخه می گوید : تقلید از پزشك ، لازم است. تحقیق درباره مسائل اعتقادی ، مانند تحقیق درباره شناخت پزشك است که عقل بدان فرمان می دهد و اجازه نمی دهد که رأی دیگران ، بدون تحقیق و بررسی و فهم کامل ، پذیرفته و بدان عمل شود. تقلید در فروع دین نیز مانند عمل به نسخه پزشك ، پس از آگاهی از تخصص او و اطمینان به وی است. همچنان که تقلید از پزشك و عمل کردن بر طبق نسخه او مخالف دستور عقل نیست و بلکه اجرای دقیق فرمان عقل است ، تقلید در فروع دین و عمل به رأی متخصص مسائل دینی (مجتهد جامع شرایط) ، در حقیقت ، رجوع به فرمان عقل و اجرای دستور آن است.

## فصل سوم : پژوهش در عقاید

## 1 . پژوهش در عقاید از دیدگاه اسلام

فصل سوم : پژوهش در عقاید در مباحث پیشین بر ضرورت تحقیق در اصول عقاید ، استدلال آوردیم ، ضمن آن که با استناد به عقل و دین ، بر حرمت تقلید در اصول اعتقادی تأکید شد. در این فصل ، به : ارزش «تحقیق در عقاید» از منظر اسلام ، فراخوانی اسلام به تحقیق در عقاید ، و این که اسلام ، پژوهشگر در این زمینه را کافر نمی داند ، خواهیم پرداخت. این فصل شامل سه مبحث است : 1 . پژوهش در عقاید از دیدگاه اسلام ، 2 . رابطه علم و ایمان ، 3 . رابطه جهل و کفر .

1 . پژوهش در عقاید از دیدگاه اسلام برای روشن شدن ارزش تحقیق در مسائل اعتقادی از نظر اسلام ، لازم است اصطلاحات : عقل ، علم ، معرفت ، فکر ، فقه ، حکمت ، تدبّر ، تذکّر ، تبیین ، نظر ، و رؤیت ، از منظر قرآن و احادیث اسلامی ، مورد بررسی قرار گیرند . بی تردید ، دیدن این اصطلاحات در متون اسلامی ، ثابت می کند که هیچ مکتبی مانند اسلام ، به پژوهش در مسائل اعتقادی ، بها نمی دهد و هیچ مکتبی مانند اسلام ، به

برداشتن موانع تحقیق و معرفت و فراهم آوردن شرایط دست یافتن بدان، اقدام نکرده است. اسلام با اصراری شگفت آور، مردم را به تحقیق، تفکر، تقه و تعقل در عقاید و مبانی آن، فرا می خواند. اسلام، دانش را قله فضیلت ها، مانع آفت ها و آسیب ها، سودمندترین گنج، پایه هر نیکی، و ستون دین می داند. اسلام، همچنین آدمیان را بر پایه دانش و معلوماتشان می سنجد، دانش طلبی را در همه شرایط بر همه مسلمانان واجب می داند، و جویندگان دانش را از نزدیک ترین مردم به مرتبه پیامبری قلمداد می کند. نیز اسلام، برای دانش، توصیفاتی این گونه دارد: فرشتگان، بال های خود را برای جوینده علم، فرس کرده تا بر آن پا نهد، همه چیز برای جوینده دانش استغفار می کند، آن که در جستجوی دانش باشد، بهشت در جستجوی اوست، عالمان وارثان پیامبران اند، مداد عالمان، از خون شهیدان برتر است، و نگاه به چهره عالم، عبادت است. این همه و ده ها فضیلت دیگر که اسلام برای علم، عالم و جوینده علم، بیان نموده، برای ترغیب و وا داشتن مردم به تحقیق و رهایی از بندهای تقلید و نیز وا داشتن آنان به سنجش رفتار با معیارهای عقلی و علمی است. اسلام، معتقد است که ساده ترین حرکت های ارادی انسان، می باید از سوی عقل روا و مجاز باشد. در سفارش امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل آمده است: **يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ**. (1) ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، جز آن که تو در آن، نیازمند معرفت هستی. این، بدان معناست که اسلام اجازه نمی دهد آدمی به کاری، بدون تحقیق و

آگاهی از درستی اش اقدام ورزد. رفتار بدون تحقیق، نه تنها مصون از لغزش نیست، بلکه خود، لغزشی بزرگ است. اسلام در ترغیب مردم به تحقیق تلاش می کند و آنان را پیش از هر چیز به دانش طلبی و دستیابی به معرفت حقیقی، تشویق می نماید و برترین مسلمان را مسلمانی می داند که معرفت بیشتر دارد، نه عبادت بیشتر. این، همان گفته پیامبر صلی الله علیه و آله است که: **أَفْضَلُكُمْ إِيمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً**. (1) برترین شما از جهت ایمان، برترین شما از جهت معرفت است. چنان که از معصومان علیهم السلام درباره برترین مسلمان، چنین روایت شده است: **بَعْضُكُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ، وَبَعْضُكُمْ أَكْثَرُ حَجًّا مِنْ بَعْضٍ، وَبَعْضُكُمْ أَكْثَرُ صِيَامًا مِنْ بَعْضٍ، وَأَفْضَلُكُمْ أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً**. (2) برخی از شما نمازش بیش از دیگران است و برخی حجش بیشتر است و برخی صدقه اش بیشتر است و برخی روزه اش بیشتر است؛ و [لی] برترین شما، کسی است که معرفتش بیشتر باشد. امام باقر علیه السلام به امام صادق علیه السلام چنین سفارش می کند: **يَا بُنَيَّ، اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ، فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ**. (3) فرزندم! رتبه شیعیان را از مقدار روایت و معرفت آنان بشناس؛ چراکه معرفت، درایت (درک) روایت است.

1- ر. ک: ج 2 ص 306 ح 1421.

2- ر. ک: ج 2 ص 268 ح 1294.

3- ر. ک: ج 2 ص 272 ح 1305.



روایت ، یعنی سخن نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام ، و درایت ، یعنی بررسی و تحقیق و تلاش برای معرفت و درک مفهوم حقیقی روایت که مقصود اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام بوده است. به سخن دیگر ، روایت ، حفظ و نشر حدیث است و درایت ، فهم و دریافت حدیث. راوی ، نقل کننده حدیث است و فقیه ، پژوهشگر و عالم به حدیث. در عبارت مذکور ، امام باقر علیه السلام فرزند خویش را به شناخت رتبه شیعیان به اندازه روایت و درایتشان سفارش می کند و سپس توضیح می دهد که منظور از معرفت ، فهم روایت هاست و سپس می فرماید : **وِبِالدَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ . (1)** با فهم روایت ها ، مؤمن به بالاترین درجه ایمان ، صعود می کند. یعنی مهم ، پژوهش و فهم حدیث است ؛ زیرا اگر روایت با درایت همراه نشود ، کم ترین ارزشی ندارد. آن گاه امام علیه السلام روایت امیر مؤمنان علیه السلام را نقل می کند و می فرماید : **إِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ . (2)** بهای هر کس ، [به مقدار] معرفت اوست. در سخنی دیگر ، امام صادق علیه السلام درباره ارزش فهم روایت و شناخت حدیث ، می فرماید : **حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ . (3)** يك حدیث را که بفهمی ، بهتر است از هزار حدیث که روایت کنی.

1- ر. ک : ج 2 ص 272 ح 1305 .

2- ر. ک : ج 3 ص 82 ح 2247 .

3- ر. ک : ج 3 ص 82 ح 2248 .

روایت (نقل) حدیث، می تواند برای دیگران که حدیث برای آنان نقل می شود، مفیدتر و ارزنده تر از خودِ راوی باشد (1). و در مورد راوی، آن گاه سودمند است که با درایت (فهم)، قرین شود، وگرنه روایت کردن حدیث، بدون درایت (فهم) آن - چنان که در سخن امام علیه السلام بود - سودی برای راوی ندارد؛ بلکه چه بسا برای او و دیگران زیان داشته باشد؛ زیرا اگر راوی به حدیث آشنا نباشد، ممکن است سبب تحریف آن گردد. بدین جهت امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام، فرمود: *عَلَيْكُمْ بِالذَّرَايَاتِ لَا بِالرَّوَايَاتِ*. (2) بر شما باد درایت و نه روایت کردن. در سخنی دیگر از ایشان، چنین نقل شده است: *هِمَّةُ السُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ، وَهِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الذَّرَايَةُ*. (3) اهتمام کم خردان، به روایت است و اهتمام عالمان، به درایت. از این گونه احادیث، دو نکته مهم به دست می آید: اول. اسلام در مسائل نظری، بر پژوهش و معرفت واقعی تأکید می ورزد و از تقلید، به شدت پرهیز می دهد. در نگاه این دین استوار، مهم، دانستن دین است، نه روایت کردن بدون فهم و درک آن. به سخن دیگر، ایمان، تنها از طریق معرفت و علم حاصل می گردد، نه از طریق تعبّد کور. دوم. پیشوایان و هدایتگران این دین، به سازگاری این دین با معیارهای علمی

1- اشاره است به حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «وَرُبَّ حَامِلٍ فُقِهٍ إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ؛ چه بسیار کسانی که دانشی را به دانایتر از خود منتقل می سازند!». (الکافی: ج 1 ص 403، الخصال: ص 149 ح 182).

2- ر. ک: ج 3 ص 82 ح 2246.

3- کنز الفوائد: ج 2 ص 31.

## 2. رابطه علم و ایمان

و عقلی، اطمینان قاطع دارند، بدین سان که اگر پژوهشگران، منصفانه به پژوهش بپردازند، به حقیقت اسلام دست خواهند یافت. در غیر این صورت، این همه تأکید و واداری به پژوهش از سوی آنان، بی معنا بود.

2. رابطه علم و ایمان رابطه علم و ایمان از نظر اسلام، نزد پژوهشگران، اهمیتی فوق العاده دارد. این، از آن روست که شبه روشنفکران – که به هیچ دینی اعتقاد ندارند و منکر باورهای دینی اند – ادعا می کنند که هیچ گونه رابطه ای میان علم و ایمان نیست و باورهای مذهبی، ناسازگاری ای اصولی با علم دارند و علم، ضد ایمان و باورهای دینی است و بر این پایه، هر جا علم حضور دارد، دینی حضور ندارد و به عکس، هر جا دین حضور دارد، مجالی برای ظهور و شکوفایی علم نیست. حال بینیم اسلام در این باره چه می گوید. رابطه علم و ایمان، از نظر اسلام، ناگسستگی است. ایمان، میوه علم است و عالم، مؤمن است، و بی ایمانی، نتیجه نادانی است. قرآن کریم این واقعیت را در نهایت بلاغت و دقت در این دو آیه، بیان می کند: «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ ... (1) و کسانی که از دانش بهره یافته اند، می دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است». «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ. (2) ... تا آنان که دانش یافته اند، بدانند که این [قرآن]، حق است [و] از جانب پروردگار توست و بدان ایمان آورند».

1- سبأ: آیه 6.

2- حج: آیه 54.

این آیات به صراحت دلالت دارند که رابطه علم و ایمان، هیچ گونه گسستی را بر نمی تابد و عالمان و اندیشمندان، حَقَانِیتِ اسلام را درک می کنند. از این رو، هر گاه ریشه های نادانی از جامعه بشری برچیده شود، اسلام بر تمامی جهان حکم فرما می گردد؛ چراکه اسلام، دینی است علمی، منطقی و مبتنی بر معیارهای عقلانی. به سخن دیگر، بر پایه این آیات، ممکن نیست کسی حقیقتاً عالم گردد و به معرفت و دانش دست یابد، ولی به اسلام، ایمان (اعتقاد) نداشته باشد. آری، ممکن است کسی گمان ورزد که عالم است و به حقیقت، دست یافته است و مؤمن هم نباشد؛ ولی در حقیقت، او میان تخیل علم و بی ایمانی، جمع کرده است. علم ذاتاً با ایمان همراه است؛ زیرا چنان که در آیات بیان شد، این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند. پس، از منظر اسلام، علم و ایمان همزادند؛ با هم زاده می شوند و با هم می میرند. امام علی علیه السلام چه زیبا از قرآن الهام گرفته است، آن جا که می فرماید: **الإيمانُ والعِلْمُ أَخَوَانِ تَوَآمَانٍ وَرَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ**. (1) ایمان و علم، دو برادر همزادند و دو رفیق اند که از هم جدا نمی شوند. این، بدان معناست که اگر یکی از دو همزاد متصل به هم را دیدی و یا با رفیق ملازم با رفیق دیگر دیدار کردی، حتماً دیگری را نیز دیده و ملاقات کرده ای و همین وضعیت، میان علم و ایمان، جاری است؛ یعنی اگر انسان به علم برسد، به ایمان رسیده است و اگر به ایمان دست یابد، به علم و معرفت حقیقی دست

## 3. رابطه نادانی و کفر

## اشاره

یافته است. در این زمینه از پیامبر صلی الله علیه و آله سخنی روایت شده که دقت نظر می طلبد و رابطه علم و ایمان را از زاویه ای دیگر بیان می دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: **الْعِلْمُ حَيَاةُ الْإِسْلَامِ وَعِمَادُ الْإِيمَانِ**. (1) علم، زندگی اسلام و ستون ایمان است. در این سخن، رابطه علم و ایمان، به دو چیز تشبیه شده است: یکی، رابطه جسم و جان، و دیگری رابطه ستون و سقف. اگر جسم، بی روح شود، از حرکت و رشد باز می ماند، و سقف، يك لحظه هم بدون ستون، استوار نمی ماند. همین پیوند میان علم و ایمان، برقرار است. از این رو، هر جا علم یافت شود، اسلام هستی می یابد، چنان که در هر زمان و مکان، در عرصه های علمی است که اسلام شکوفا می گردد. اینک به سومین مبحث این فصل (یعنی رابطه نادانی و کفر) می رسیم. آیا این رابطه به سان رابطه علم و ایمان است، یعنی آیا رابطه کفر و نادانی، ناگسستگی است و هر نادانی کافر است و هر کافری نادان، یا میان آنها رابطه ای دیگر برقرار است؟

3. رابطه نادانی و کفر حقیقت، آن است که رابطه نادانی و کفر، مانند رابطه علم و ایمان نیست. نادانی و کفر، دو همزاد نیستند که از هم جدا نشوند و فاصله نگیرند؛ چراکه ممکن است آدمی نادان باشد، ولی کافر نباشد، چنان که ممکن است کافر باشد و نادان نباشد.

**الف \_ معنای کفر و کافر****ب \_ مواضع انسان در برخورد با حقایق****اشاره**

برای روشن شدن این ادعا، می باید دو مقدمه را روشن ساخت: یکی توضیح معنای کفر و کافر، و دیگری تبیین مواضع مختلفی که انسان می تواند در برخورد با حقایق معلوم و مجهول، اتخاذ کند.

الف \_ معنای کفر و کافر کفر، در لغت به معنای پنهانکاری و پوشاندن است. بدین جهت درباره کسی که چیزی را پنهان می کند، گویند: «کَفَرَهُ (یعنی آن را پوشاند)» و به این فرد، کافر گفته شود. پنهان کردن، دو گونه است: خارجی (مانند پنهان کردن بذر در زیر خاک) و اعتباری (مانند پوشاندن حقیقت به وسیله باطل و یا پوشاندن باطل به وسیله حقیقت). بنا بر این، اگر انسان حقیقتی را بر خلاف علم و آگاهی خود، اظهار کند، رفتارش کفر محسوب می شود و به وی کافر می گویند. و آن که، حقیقتی را می داند و می گوید: نمی دانم و آن که نمی داند و می گوید: می دانم، هر دو کافرند؛ زیرا اولی دانش خود را و دومی، نادانی خود را پنهان کرده است؛ اما آن که حقیقتی را نمی شناسد و به صراحت می گوید: نمی دانم، کافر نیست؛ بلکه نادان است.

ب \_ مواضع انسان در برخورد با حقایق انسان، ممکن است در برخورد با حقایق معلوم یا مجهول، یکی از این چهار موضع را اتخاذ کند:

1. حقیقت را بداند و بگوید: می دانم.
2. حقیقت را بداند و بگوید: نمی دانم.

### کافری که نادان نیست

3. حقیقت را نداند و بگوید : می دانم. 4. حقیقت را نداند و بگوید : نمی دانم ، یا ساکت بماند. آن که می داند و می گوید : می دانم ، او عالم است و مؤمن . و آن که می داند و می گوید : نمی دانم ، او عالم است و کافر ؛ زیرا دانش خود را کتمان می کند. آن که نمی داند و می گوید : می دانم ، او نادان است و کافر ؛ زیرا نادانی خود را پنهان می کند. و آن که نمی داند و تظاهر به دانش نمی کند ، نادان است ؛ ولی کافر نیست. بر اساس این دسته بندی ، انسان در برابر حقایق وجودی ، یا عالم مؤمن است ، یا عالم کافر ، یا نادان کافر و یا نادان بدون کفر. از این سخن ، روشن می شود که رابطه نادانی و کفر ، مانند رابطه علم و ایمان نیست و به تعبیر دانشمندان علم منطق ، نسبت و رابطه میان آنها ، عموم و خصوص من وجه است ؛ یعنی ممکن است انسان ، کافر باشد و نادان نباشد ، یا نادان باشد و کافر نباشد و یا در يك زمان ، نادان و کافر باشد.

کافری که نادان نیست کسی که حقیقتی را با این که حقانیت آن را می داند ، منکر می شود ، کافر است ، ولی نادان نیست ؛ زیرا او این حقیقت را می داند . مانند کسی که با دلایل قوی ، وجود خداوند برایش به اثبات رسیده ، ولی بر اثر انگیزه هایی خاص ، انکار خداوند متعال را بر زبان می راند. او به سان کسی است که امام علی علیه السلام در توصیفش می فرماید :

تَشْهَدُ لَهُ أَعْلَامُ الْوُجُودِ عَلَى إِقْرَارِ قَلْبِ ذِي الْجُودِ . (1) نشانه های هستی خداوند ، بر اقرار قلب منکر خداوند ، گواهی می دهد. برای نمونه ، فرعون و پیروانش ، بر اساس گزارش قرآن ، حقیقت را شناختند و به برهان های آشکاری که پیامبر خدا (موسی علیه السلام) بر وجود خداوند و پیامبری خویش اقامه کرد ، یقین داشتند ؛ ولی به جهت خودبرتربینی ، تکبر ، طغیان و گنهکاری ، از اعتراف بدان ، سر باز زدند و موسی علیه السلام را تکذیب کردند و وجود خداوند را منکر شدند. قرآن درباره آنان می گوید : «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» . (2) و با آن که دل هایشان بدان یقین داشت ، آن را از روی ظلم و تکبر ، انکار کردند» . فرعون و پیروانش با شنیدن استدلال های روشن و منطق نیرومند موسی علیه السلام و دیدن معجزاتش می دانستند و یقین داشتند که موسی علیه السلام راست می گوید و خدایی که وی از او سخن می گوید و مدعی پیام آوری از جانب اوست و مردم را به پرستش او فرا می خواند ، آفریدگار جهان و جهانیان است ؛ لیکن بر خلاف این یقین و اطمینان قلبی ، آیات خدا را انکار کردند و پیامبرش را تکذیب نمودند و آن را افسانه انگاشتند. آیا مُجاز نیستیم که بپرسیم : چرا چنین شد؟ قرآن کریم ، به این پرسش پاسخ می گوید که : سبب و انگیزه این انکار ، ستمگری و برتری جویی بود. آنان می دانستند که اگر به راستی موسی علیه السلام و حقانیت او و پروردگاری که او را فرستاده ، اعتراف کنند ، می باید از ستمگری و

1- نهج البلاغة : خطبه 49 .

2- نمل : آیه 14 .



**نادانی که کافر نیست**

گنهکاری و برتری جویی و ریاست طلبی ، دست بکشند و چنین رفتاری از آنان به دور بود. از این رو، دانش خود را پنهان کردند و حقیقت را با پرده های کفر پوشاندند و نشانه های خداوند عز و جل را انکار نمودند. تا این جا در صدد ترسیم کافر غیر نادان بودیم و اینک ، ترسیم صورت دوم.

نادانی که کافر نیست آن که حقیقت را نمی شناسد و ادعا نمی کند که آن را می شناسد ، نادان است ؛ ولی کافر نیست. به سخن دیگر ، آن که درباره چیزی که نمی شناسد ، رأیی ابراز نمی کند و یا به نادانی خویش اعتراف می کند ، نادان است ، ولی کافر نیست ؛ زیرا چیزی را پنهان نکرده است و کفر ، پنهان کردن است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید : **لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهِلُوا وَقَفُوا وَلَمْ يَجْحَدُوا لَمْ يَكْفُرُوا.** (1) **بندگان اگر وقتی نادان اند ، توقف کنند و انکار نورزند ، کافر نیستند. یعنی کفر ، در نتیجه انکار حقیقتی ناشناخته محقق می گردد و انسان هر گاه از اظهار نظر کردن در مسئله ای که نمی شناسد ، امتناع ورزد و از انکار آن چشم پوشد ، نسبت به این حقیقت ، کافر نیست ؛ چرا که وی چه به نادانی خویش اعتراف کند و چه از اظهار نظر ، چشم پوشد ، چیزی را پنهان نکرده است. از این رو ، چنین نادانی کافر نیست ، گرچه مؤمن هم نیست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام (محمد بن مسلم) روایت می کند که : سمت چپ امام صادق علیه السلام نشسته بودم و زراره در سمت راست ایشان نشسته بود که ابو بصیر**

وارد شد و گفت: ای ابو عبد الله! درباره کسی که در خداوند شك می کند، چه می فرمایی؟ فرمود: «ای ابو محمد! او کافر است». ابو بصیر گفت: اگر در پیامبر خدا شك کند، چه طور؟ فرمود: «کافر است». آن گاه امام علیه السلام رو به زراره کرد و فرمود: *إِنَّمَا يَكْفُرُ إِذَا جَحَدَ* (1) همانا او، تنها آن گاه که انکار ورزد، کافر است. یعنی اگر کسی در وجود خداوند تردید دارد، ولی وجود او را انکار نکند، کافر نیست. همانا کافر، کسی است که وجود خداوند متعال را پس از پیدایش شك در درونش و ناتوانی از استدلال نمودن بر عدم وجود او، انکار کند. در تفسیر العیاشی به نقل از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام درباره این آیه که مربوط به ابراهیم علیه السلام است: «آن گاه که شب او را فرا گرفت و ستاره ای دید، گفت: این، پروردگار من است»، چنین آمده است: *إِنَّمَا كَانَ طَالِبًا لِرَبِّهِ وَلَمْ يَبْلُغْ كُفْرًا، وَإِنَّهُ مَن فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ* (2) وی همانا در جستجوی پروردگار بود و به کفر نرسید، و به راستی، هر يك از مردم که در این مسئله چنین فکر کند، مانند ابراهیم است. یعنی کسی که جستجو می کند تا به معرفت خداوند متعال دست یابد، کافر

1- الکافی: ج 2 ص 399 ح 3.

2- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 364 ح 38، بحار الأنوار: ج 11 ص 87 ح 10. از عقاید شیعه این است که «پیامبران و پدران آنان، هیچ گاه در زندگی، کافر نبوده اند».

**نادان کافر**

نیست؛ بلکه مانند ابراهیم پیامبر است. از امام علی علیه السلام درباره نادانی که مدعی علم نیست، روایتی نقل شده که به جهت بودن نکته ای لطیف در مضمونش، دقت نظر می طلبد. روایت، چنین است: **لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهِلُوا وَقَفُوا لَمْ يَكْفُرُوا وَلَمْ يَضِلُّوا.** (1) **بندگان اگر آن گاه که نادان اند، توقف کنند، کافر و گم راه نمی گردند.** نکته قابل اهتمام در این حدیث، این است که خودداری جاهلان از اظهار نظر درباره حقایق ناشناخته، نه تنها باعث می شود که از بیماری «کفر» در امان باشند، بلکه مانع گم راهی آنان نیز خواهد شد؛ یعنی نادان، با توقف (خودداری از اظهار نظر)، به تدریج، به سوی تحقیق و پژوهش جذب می شود و اگر بر این تحقیق، ثابت بماند و هدفش دستیابی به حقیقت باشد، به راستی در عرصه اصول عقاید از گم راهی رهایی می یابد و با دست های غیبی و الهی به حقیقت می رسد. به سخن دیگر، گویا امام علیه السلام می خواهد بفرماید: ریشه گم راهی در عقاید، آرای جاهلان غیر متخصص است و اگر این جاهلان، از اظهار نظر خودداری ورزند، ریشه های کفر و گم راهی، از جامعه بشری ریشه کن می شود.

نادان کافر کافر اگر حقیقت را می شناسد، دیگر نادان نیست، و نادان اگر جهل خود را پنهان نکند، هرگز کافر نیست. پس اگر نادان نادانی اش را پنهان کند، در او نادانی و کفر، جمع شده است. از این رو، جاهل کافر، کسی است که درباره آنچه

نمی شناسد ، اظهار نظر می کند. لازم به ذکر است که وقتی به مسئله معرفت خداوند رسیدیم ، روشن خواهیم ساخت که منکران وجود خداوند عز و جل \_ به فرض که دلایلی درست اقامه کنند \_ در نهایت بر يك چیز دلیل می آورند و آن ، این است که انسان ، راهی برای معرفت ماورای طبیعت ندارد ؛ یعنی در توان انسان نیست که بداند ماورای طبیعت محسوس ، چیزی وجود دارد یا خیر. اینان ، اگر تنها به این نادانی اعتراف کنند ، کافر نیستند ؛ لیکن آنان تنها به نادانی خویش اعتراف نمی کنند ، بلکه فراتر رفته ، از نادانی خود \_ که به نظر آنان ، علم و دانایی است \_ میوه چینی می کنند . به دیگر سخن ، آنان از این نادانی ، برای دیدگاه خود درباره مسائل متافیزیکی (ماورای طبیعی) پایه و مبنا می سازند. در نتیجه چنین رأی می دهند که چیزی جز طبیعت محسوس ، وجود ندارد. اینچنین است که نادانی و کفر ، همراه می شوند و انسان ، نادانی اش را با دانش خیالی ، پنهان می سازد. اینک در پایان این فصل ، به دو پرسش مهم باقی مانده می پردازیم : 1 . آیا تحقیق در هر زمینه ، حتماً به دستیابی به حقیقت و شناخت واقعیت منتهی می گردد؟ به سخن دیگر ، آیا تحقیق ، در هر زمینه که باشد ، پژوهشگر را به هدفش از تحقیق می رساند ، یا ممکن است پژوهشگر به تحقیق بنشیند و به نتیجه ای نرسد و یا گمان کند به معرفت حقیقی دست یافته ، با آن که به واقع نرسیده است؟ 2 . آیا برای ارزیابی درستی يك نظریه یا عقیده ، معیاری وجود دارد یا خیر؟ پاسخ پرسش اول ، این است که : برای شناخت ، شرایط و موانعی است که اگر

پژوهشگر، موانعش را بر طرف سازد و شرایطش را محقق کند، ضرورتاً به نتیجه مطلوب می رسد. در بخش های پنجم، ششم و هفتم از کتاب شناخت در این دانش نامه، به شرح آن خواهیم پرداخت. پاسخ پرسش دوم نیز به خواست خداوند، در دو فصل آینده خواهد آمد.

## فصل چهارم : پالایش عقیده

## اشاره

فصل چهارم : پالایش عقیده‌ها از مهم‌ترین مسائلی که پیش از بررسی بحث‌های اعتقادی باید بدان پرداخت ، مسئله پالایش عقاید است و در این مسئله ، پرسش اصلی ، آن است که : آیا راهی وجود دارد که با تمسک بدان بتوان عقاید درست را از عقاید نادرست باز شناخت ؟ و در صورت وجود داشتن ، آن راه کدام است ؟ پاسخ سؤال ، مثبت است ؛ زیرا در نصوص (متون) اسلامی در این باره سفارش‌های دقیقی وجود دارد که دقت نظر می‌طلبد ، هر چند به نظر می‌رسد تاکنون ، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. این سفارش‌ها برای کسی که می‌خواهد در مسائل اعتقادی ، با دیدی واقع بین و نگاهی آینده نگر ، به بحث پردازد ، از بارزترین و مهم‌ترین امور است و در این باره ، مرام و مذهب و مسلک پژوهشگر ، هر چه باشد ، تفاوتی ندارد ؛ زیرا این سفارش‌ها وی را به مقصود رسانده ، برایش اعتماد به نتیجه را فراهم می‌سازد. پیش از سخن گفتن از سفارش‌های اسلامی درباره پالایش عقیده ، سزاوار است به مهم‌ترین بیماری در مباحث اعتقادی ، یعنی بیماری خوددانایی بپردازیم.

## خوددانا بینی، بیماری روانی رایج

خوددانا بینی، بیماری روانی رایجی که از بیماری های روانی که تشخیص پیامدهایش بسیار دشوار است و بسیاری بدان مبتلایند، بیماری «خوددانا بینی» یا بیماری «علم خیالی» است. این بیماری که به آن «جهل مرگب»، نیز گفته می شود، اگر مزمن شود، مداوایش محال است. برای توضیح این پدیده، می گوئیم که انسان با حقایق هستی با چهار حالت، روبه رو می شود: 1. این که حقیقت چیزی را بداند و بداند که می داند. وی در این صورت، حقیقتاً «عالم» است. 2. این که حقیقت چیزی را بداند؛ ولی خود نداند که می داند. وی در این صورت، گرفتار غفلت و نسیان است و «غافل» نامیده می شود. 3. این که حقیقت چیزی را نداند؛ ولی بداند که نمی داند (یعنی به نادانی خود، عالم است). وی در این حالت، «جاهل (نادان)» است. 4. این که حقیقت چیزی را نداند و نداند که نمی داند (یعنی به نادانی خود، جاهل است)؛ بلکه تصوّر می کند که می داند. وی در این صورت، «جاهل مرگب» نامیده شود. (1) برای روشن شدن تفاوت میان جهل بسیط و جهل مرگب می گوئیم: جهل بسیط، آن نادانی ای است که با نادانی دیگر ترکیب نشده است (مانند این که انسان فلان راه، یا فلان شخص و یا فلان مسئله علمی را نمی داند)؛ ولی جهل

---

1- در لغت نامه دهخدا (ج 5 ص 6546) جاهل مرگب، چنین معنا شده است: «جاهل مرگب: آن که علم وی با واقع مطابق نباشد، آن که گمان برد چیزی را می داند و به واقع آن را نمی داند، قسیم جاهل بسیط که جهل وی مطلق است و اصلاً جاهل به چیزی است».

مرگب یا جهل فراگیر، عبارت است از دو نادانی که با هم ترکیب شده اند: جهل اول، نادانی انسان به يك چیز است \_ که همان جهل بسیط است \_ و جهل دوم، این است که انسان، نادانی اش را «علم» تصوّر کند و این خود، جهلی دیگر است که با جهل نخست، ترکیب می شود و از ترکیب آنها، جهل مرگب حاصل می گردد. (1) با افسوس فراوان باید اعتراف کرد که بسیاری از مردم به این بیماری روانی مبتلایند؛ چراکه پیامدهایش در عرصه های بسیاری (چون: امور عقیدتی و نظری) ظاهر است، بویژه در سه موردی که امام صادق علیه السلام معین فرموده است: اعتقادات دینی، سیاست، و امور اداری. از ایشان روایت شده است که فرمود: ثَلَاثٌ خِلَالِ يَقُولُ كُلُّ إِنْسَانٍ إِنَّهُ عَلَى صَوَابٍ مِنْهَا: دِينُهُ الَّذِي يَعْتَقِدُهُ، وَهَوَاهُ الَّذِي يَسْتَعْلِي عَلَيْهِ، وَتَدْبِيرُهُ فِي أُمُورِهِ. (2) سه عرصه است که هر انسانی می گوید من در آن بر حقم: دینی که بدان اعتقاد می ورزد، خواسته هایی که بر او مستولی است، و مدیریت او در کارها. در این سه عرصه همه گمان می کنند که آنچه می گویند، با واقع مطابق است و هیچ کس احتمال نمی دهد که ادعایش خطا باشد.

- 
- 1- در لغت نامه دهخدا (ج 5 ص 6965) جهل مرگب، چنین معنا شده است: «جهل مرگب: اعتقاد داشتن بر ماهیت چیزی، به طوری که این اعتقاد خلاف ماهیت آن باشد؛ اعتقاد جازم غیر مطابق با واقع، خواه مستند به شبهه باشد و خواه مستند به تقلید، پس ثبات را در جهل مرگب، اعتباری نیست. و سبب آن که آن را مرگب نامیده اند، این است که آدمی چیزی را بر خلاف آنچه حقیقت اوست، اعتقاد کند ...، که این خود يك جهل است، و سپس اعتقاد کند که اعتقاد او عین صواب است، و این خود يك جهل دیگر است، که با هم تشکیل و ترکیب یافته و به نام جهل مرگب معروف گردیده است».
- 2- تحف العقول: ص 321، بحار الأنوار: ج 78 ص 234 ح 54.



## احتمال اشتباه در باورهای دینی

### احتمال اشتباه در باورهای سیاسی

احتمال اشتباه در باورهای دینی که از دین یا مذهبی پیروی می کند، عادات در اعتقادات دینی خود، تردید راه نمی دهد. هیچ کس احتمال نمی دهد که عقایدش نادرست باشد و اگر از درستی یا نادرستی عقاید کسی بررسی، به صورت قطع پاسخ می دهد که تنها، عقاید او صحیح است و با واقع مطابقت دارد. نیز قطع دارد که هر کسی خلاف آن را بر زبان براند، یا بر خلاف آن معتقد شود، عقایدش نادرست و غیر واقعی است و سخنش از علم، به دور است. از همین روست که يك کمونیست به همه می گوید: همه شما بر خطایید و تنها، مکتب و عقیده من، علمی است. و از آن جا که در عقایدش احتمال خطا نمی دهد، به خود اجازه تحقیق نیز نمی دهد. به همین جهت هم هست که امام صادق علیه السلام در حدیث پیش گفته، این گونه جزم گرایی را بیماری رایج اعتقادی معرفی می نماید. بنا بر این، تا وقتی انسان به این بیماری مبتلاست، برایش در پالایش عقیده و انتخاب دین درست، امیدی نیست.

احتمال اشتباه در باورهای سیاسیباورهای سیاسی، پس از اعتقادات دینی قرار می گیرند، نه فقط از جهت احتمال بروز اشتباه، بلکه از جهت جزم گرایی و حق را به جانب خود دانستن. دولت ها، حکومت ها، سازمان ها، گروه ها و همچنین افرادی که برای دستیابی به حکومت و قدرت تلاش می کنند، همه مدعی اند که حق از آن آنهاست و دیگران می باید اصول و باورهای سیاسی خود را طبق آنچه آنان درست می دانند، تنظیم کنند و آنان از همه به حکومت کردن سزاوارترند.

## احتمال اشتباه در مدیریت

برای نمونه، مسئولان امریکایی، باورهای سیاسی خود را حق می‌دانند و به سایر حکومت‌ها نیز همین باور را پیشنهاد و اجبار می‌کنند. در همه کشورها، هر حزب و گروهی، خود را بر حق و رقیبش را بر باطل می‌داند و همین حالت در اعضای سازمان و حزب رقیب نیز وجود دارد؛ زیرا هر کسی که تلاش می‌کند سلطه خود را حاکم سازد، باورهای سیاسی خود را حق می‌داند و باورهای دیگران را باطل می‌شمرد. اگر اندکی در رفتار کسانی که برای به دست آوردن پُست‌ها و دستیابی به قدرت تلاش می‌کنند، بنگریم و در کارهایشان به دقت تأمل کنیم، خواهیم دانست که تمام آنان هدفی جز استعمار ندارند و تمام ادعاهای سیاسی‌شان، جز ابزار و پلی برای رسیدن به قدرت نیست. از همین رو، امام صادق علیه السلام از عقاید و برنامه‌های سیاسی حریصان قدرت به «خواسته‌هایی که بر آنان مستولی است»، تعبیر می‌نماید.

احتمال اشتباه در مدیریت سومین عرصه‌ای که همه خود را در آن بدون خطا می‌شمردند، چگونگی تدبیر کارهاست. کسی نیست که خود را در مدیریت کارهایی که به او واگذار شده، خطاکار ببیند؛ بلکه جازم است که خود، بهترین مدیر و مدیریتش، بهترین مدیریت است. همگان، از رئیس حکومت گرفته تا رئیس خانواده، در بحث مدیریت نیکو، حق را به جانب خود می‌دانند و از این رو، به کسی اجازه انتقاد نمی‌دهند. خلاصه سخن، این که: جزم‌گرایی در عقاید دینی، سیاسی و مدیریت،

## زیان های بیماری خوددانا بینی

### درمان بیماری خوددانا بینی

بیماری فکری و عقیدتی رایج است که تمام جامعه بشری را تهدید می کند. (1)

زیان های بیماری خوددانا بینی از زیانبارترین بیماری هایی که انسان را تهدید می کند ، این است که خود را عالم پندارد. این بیماری ، آن گاه که بر انسان عارض شود و مزمن گردد ، مداوایش نه تنها مشکل ، بلکه چه بسا محال است. تجربه به اثبات رسانده که جز اندکی ، از این بیماری ، رهایی نمی یابند ؛ زیرا آن که نمی داند که نمی داند ، به ذهنش نمی رسد که برای معالجه بیماری نادانی خود بیندیشد تا بخواهد درباره دارویش فکر کند؟ از این رو ، همیشه در نادانی ، باقی می ماند. آن کس که بداند و بداند که بداند اسب طرب خویش به افلاک رساند آن کس که نداند و بداند که نداند آن هم خرك لنگ به منزل برساند آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرگب ، ابد الدهر بماند. (2)

درمان بیماری خوددانا بینی پس از این مقدمه مختصر ، سزاوار است بدانیم که اسلام برای پالایش عقیده و درمان بیماری خوددانا بینی ، چه سفارش هایی دارد. برای جلوگیری از این بیماری و درمان آن تا دستیابی به عقاید درست ، دو رکن اصلی وجود دارد : یکی بر طرف ساختن موانع بینش عقل و معرفت ، و دیگری فراهم ساختن شرایط معرفت. اسلام بجز این دو ، سفارشی ندارد و از آن

1- قرآن کریم ، در موارد بسیار ، از این بیماری بر حذر می دارد. ر.ك : المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم : واژه «أكثر».

2- لغت نامه دهخدا : ج 5 ص 6965 ماده جهل بسیط و جهل مرگب.

## موانع پالایش عقیده

رو که در بخش ششم و هفتم، به شرح کافی از زمینه‌ها و موانع معرفت خواهیم پرداخت، بحث را بدان جا ارجاع می‌دهیم و آنچه در این فصل، عرضه می‌داریم، سفارش‌های روشنی است که در نصوص اسلامی، به طور خاص، درباره موانع پالایش عقیده و شرایط پالایش عقیده وارد شده است، گرچه این مطلب نیز به همان بحث موانع و شروط شناخت، بازگشت دارد.

موانع پالایش عقیده موانع پالایش عقیده، اموری هستند که اندیشه را به انحراف و خطا می‌کشانند و هر گاه که در برابر پژوهشگر قرار بگیرند، موجب می‌شوند که وی نتواند اطمینان یابد که عقیده اش، با واقع، یکی است. تاریخ، گواهی می‌دهد که ارسطو، بنیان‌گذار علم منطق (384 \_ 447 ق. م)، نخستین کسی است که برای جلوگیری از خطای فکر، اندیشید. مایه و بنیاد کار ارسطو در کشف طریق تحصیل علم، همان تحقیقات سقراط و افلاطون بود؛ لیکن طبع موشکاف او به مباحث سقراطی قانع نشد و بیان افلاطون را نیز در باب منشأ علم و سلوک در طریق معرفت، کاملاً مطابق با واقع ندانست. او در مقابل مغالطه و مناقشه سوفسطاییان و جدلیان، بنا را بر کشف قواعد صحیح استدلال و استخراج حقیقت گذاشت و به رهبری افلاطون و سقراط، اصول منطق و قواعد قیاس را به دست آورد و آن را بر پایه ای محکم استوار ساخت، چنان که هنوز کسی بر آن، چیزی نیفزوده است. در تعریف «منطق» گفته‌اند: دانشی ابزاری (یا ابزاری قانونی) است که رعایت آن، ذهن را از لغزش در اندیشیدن، مصون می‌دارد. از زمان فرنسیس بیکن (1560 \_ 1626 م) و رنه دکارت (1596 \_ 1650 م)

تحوّلی فکری در اروپا شکل گرفت و بدین عقیده منتهی گشت که منطق ارسطویی برای نگهداری ذهن از خطا کفایت نمی کند. دکارت معتقد بود: قواعد منطق با همه درستی و استواری، مجهولی را معلوم نمی کند و فایده حقیقی آن، همانا دانستن اصطلاحات و دارا شدن قوه تفهیم و بیان است؛ زیرا برهان، استخراج نتیجه از مقدمات است. پس هر گاه مقدمات معلوم نباشند، نتیجه ای نخواهد بود و تنها با قواعد منطقی، نمی توان معلومی را به دست آورد؛ و اگر مقدمات درست در دست باشند، نتیجه خود، حاصل است و عقل سلیم انسان با فطرت خود، قواعد منطقی را به کار می برد و دیگر به این همه بحث و جدال منطقیان نیازی ندارد؛ و اگر مقدماتی که در دست است، غلط باشند، نتیجه هم البته غلط خواهد بود و به جای معرفت، ضلالت حاصل خواهد شد و از این روست که جویندگان علم، با آن که قواعد منطق را به خوبی می دانسته اند، خطا بسیار کرده اند. دکارت در بحث درباره روش خود، همچنین فرنسیس بیکن در ارغنون جدید، مدّعیان این است که منطق تازه ای وضع کرده اند؛ لیکن بیکن، دانشمند انگلیسی و دکارت، حکیم فرانسوی کوشیده اند تا پدیدار سازند که منطق ارسطو، وسیله کشف مجهولات نیست، و اهمّیتی را که اهل اسکولاستیک به آن می داده اند، ندارد و نشاید که قسمت بزرگ تر اوقات خود را در راه معرفت، صرف آن سازند. بدین صورت، بیکن و دکارت، توجّه داده اند که خطا ممکن است از دو راه در استدلال، نفوذ کند: یکی، از ناحیه مقدماتی که ذهن، معلوم فرض می کند و آنها را پایه استدلال قرار می دهد، که این مقدمات به منزله مواد و مصالح استدلال

محسوب می شوند، و دیگری، از ناحیه شکل، صورت و یا ترتیبی که ذهن، مواد را در آن قرار می دهد. خطاسنجی در منطق ارسطو، مربوط به «صورت» استدلال است و بدین جهت، منطق ارسطو، منطق صوری یا منطق صورت، نام گرفته است و این منطق، خطاسنجی برای مواد و لوازم آن را منظور نکرده است، با این که برای مصونیت فکر از خطا و پالایش عقیده، باید خطاسنجی برای مقدمات و مواد اولیه استدلال، منظور گردد؛ چرا که عقل سلیم، قواعد منطقی را فطرتاً به کار می برد، گرچه از اصطلاحات منطقی برخوردار نباشد. از سوی دیگر، منطق نوینی که بیکن برای خطاسنجی مواد استدلال و لوازم آن به کار گرفت، در «پرهیز از موانع کشف حقیقت» تبلور می یابد. او این موانع را با عناوین: بت های طایفه ای، بت های شخصی، بت های بازاری و بت های نمایشی، تعبیر می کند: برای انسان در تحصیل علم، مشکلات و موانعی در پیش است که باید از آنها پرهیزد و مهم ترین آنها خطاهایی هستند که ذهن به آنها مبتلا می شود. از آن جا که این خطاها مایه گم راهی انسان هستند، بیکن آنها را «بت» می خواند و به چهار قسم، تقسیم می کند: قسم نخست، بت های طایفه ای هستند، یعنی خطاهایی که از خصایص طبع بشرند؛ زیرا همچنان که در آئینه ناهموار، اشعه نور، کج و منحرف می شود و تصاویر در آن، زشت و ناهنجار می گردند، در ذهن انسان هم محسوسات و معقولات، تحریف و تضییع می شوند. مثلاً، آدمی ذهنش مایل است همه امور را منظم و کامل بداند و میان آنها

مشابهت های بیجا قائل شود، چنان که چون دایره و کره را می پسندد، حکم به کروی بودن جهان و دایره بودن حرکات اجزای آن می نماید، و نیز در هر چیز، قیاس به نفس می کند و برای همه امور، علت غایی می پندارد، و نیز در هر امر، بدون تحقیق و تأمل، عقیده ای اختیار می کند و برای درستی آن، همواره مؤیداتی می جوید و به مضعّفات، توجه نمی نماید (برای نمونه، یک بار که خواب به واقعیت می پیوندد، آن را مأخذ می گیرد؛ اما صد بار را که به واقعیت نمی پیوندد، به یاد نمی آورد) و به عقایدی که اختیار کرده، پایبند و متعصب می گردد و غالباً انصاف را از دست می دهد و از روی عواطف و نفسانیت حکم می کند و غرور و نخوت و ترس و خشم و شهوت، در آرای آن، دخالت تام دارند. حواس انسان هم که منشأ علم اویند، قاصرند و به خطا می روند و آدمی حاضر نمی شود که با تأمل و تعمق، خطای آنها را اصلاح کند؛ نیز ظاهرین اند و به عمق مطالب نمی روند و به جای این که امور طبیعت را تشریح کنند، همواره به تجریدات ذهنی می پردازند و امور تجریدی (انتزاعی) ذهن خود را حقیقت می پندارند. قسم دوم، بت های شخصی هستند، یعنی خطاهایی که اشخاص به مقتضای طبیعت اختصاصی خود به آن دچار می شوند، مانند این که هر کس به امری دل بستگی پیدا می کند و آن را محور عقاید خود قرار می دهد، چنان که ارسطو شیفته منطق شد و فلسفه خود را بر آن مبتنی ساخت، یا بعضی کسان، متوجه مشابهت ها و جمع امورند و بعضی دیگر همواره به اختلافات و تفریق، توجه دارند، و نیز بعضی در هر باب، حکم جزمی می کنند و برخی، تردید و تأمل دارند، تا آن جا که شکاک می شوند، و نیز جماعتی عاشق قدما هستند و گروهی پیشینیان را ناچیز می شمردند و به متأخران می گرایند، غافل از این که زمان نباید مورد نظر باشد و حقیقت را از هر کس که گفته، باید قبول کرد، خواه قدیمی

## موانع پالایش عقیده در قرآن

### اشاره

باشد و خواه جدید، و نیز بعضی همواره دنبال جزئیات اند و برخی دیگر در پی کلیات، حال آن که هر دو را باید در نظر گرفت و ... . قسم سوم، بت های بازاری هستند، یعنی خطاهایی که برای مردم از نشست و برخاست با یکدیگر پدید می آیند، به واسطه نقصی که در الفاظ و عبارات وجود دارد؛ زیرا عامه مردم، آنها را وضع کرده اند و از روی تحقیق نبوده است. بسیاری از الفاظ هستند که معانی آنها در خارج موجود نیست (مانند: بخت، اتّفاق و افلاک) و یا معانی آنها مجمل و مشوش است و روشن و صریح نیست (مانند: جوهر و عرض، وجود و ماهیت، کون و فساد، عنصر و ماده و صورت). به این واسطه مطالب، درست مفهوم نمی شوند و برای مردم تصوّرات غلط پدید می آید. قسم چهارم، بت های نمایشی هستند، یعنی خطاهایی که از تعلیمات و استدلال های غلط حکما، حاصل می شوند. برای پرهیز از خطای فکر و تضمین درستی مقدمات و موادّ استدلال، دکارت، اصولی را بنیاد نهاد. نخستین اصل او چنین است: (1) هیچ چیز را حقیقت نمی دانم، مگر این که برای من بدیهی باشد و در تصدیقات خود، از شتاب زدگی و سبق ذهن (اعمال سابقه ذهنی) و تمایل بپرهیزم، و نمی پذیرم، مگر چیزی را که چنان روشن و متمایز باشد که هیچ گونه شك و شبهه ای در آن نباشد. (2)

موانع پالایش عقیده در قرآن کریم، چند قرن پیش از همه دانشمندان اروپایی، خلاصه راه های سنجش

1- برگرفته از سیر حکمت در اروپا: ج 1 ص 114 \_ 116 .

2- برگرفته از سیر حکمت در اروپا: ج 1 ص 131 .



**1. گمان**

مقدمات استدلال را به اختصار و به روشنی بیان کرده است و ما آن را به عنوان نمونه ای از معجزات علمی قرآن می آوریم. خداوند سبحان فرموده است: «إِن يَبْغُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ . (1) [آنان] از جز گمان و آنچه دلخواهشان است، پیروی نمی کنند». یعنی خطای انسان در عقاید و آرایش، از دو عامل نشئت می گیرد: پیروی از گمان و تمایلات نفسانی. البته در احادیث، موارد دیگری نیز به عنوان لغزشگاه اندیشه، گزارش شده است (مانند: تعصب، تقلید، خودرایی یا استبداد، و لجاجت)؛ لیکن همه آنها به هوای نفسانی باز می گردد و به عبارت دیگر، آنچه در این زمینه در احادیث آمده، در حقیقت تفسیر آیه بالا است. با این مقدمه، اینک مهم ترین موانع پالایش عقیده را بر پایه قرآن و احادیث بر می شمیریم. این موانع - چنان که اشاره شد - عبارت اند از: 1. گمان، 2. تمایلات نفسانی، 3. تعصب، 4. تقلید، 5. استبداد (خودرایی)، 6. لجاجت.

1. گمانگمان، از خطرناک ترین عواملی است که اندیشه بسیاری را در جهان به سمت باورهای باطل و نادرست می کشاند. نخستین سفارش قرآن کریم برای پالایش عقیده، پرهیز از اعتماد به گمان است. قرآن به پیروان خود تأکید می ورزد که عقاید و آرای خویش را بر ستون گمان و شك بنا نکنند و در برابر آنچه درستی اش روشن نیست، تسلیم نگردند. خداوند عز و جل به صراحت می فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (1) و چیزی را که بدان علم نداری ، دنبال مکن» . از منظر قرآن ، شایسته نیست که مسلمان ، چیزی را که به طور قطع برایش ثابت نشده است ، دنبال کند ، یا آن را محور رفتارش قرار دهد. همچنین قرآن کریم از صاحبان عقاید باطل ، انتقاد می کند که چرا چیزی را بر زبان می رانند که بدان علم ندارند : «وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (2) و با زبان های خود ، چیزی می گویند که بدان علم ندارید» . قرآن کریم ، منکران معاد را مورد انتقاد قرار می دهد که آنان می باید برای انکار زندگی پس از مرگ ، دلیل بیاورند و عقیده آنان (انکار معاد) بر پایه ای علمی ، استوار نیست ؛ بلکه بر حدس و گمان بنا شده است : «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (3) و گفتند : غیر از زندگانی دنیای ما ، [چیز دیگری] نیست. می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت ، هلاک نمی کند ؛ و [لی] به این [مطلب] ، هیچ دانشی ندارند [و] جز طریق گمان ، نمی سپرند» . نیز به همین شیوه ، به کسانی که گمان می کنند هستی هدفی ندارد و خلقت ، باطل و عبث است ، انتقاد و اعتراض می کند که این عقیده آنان از علم برنخاسته است و اگر آنان اندکی می اندیشیدند ، می فهمیدند که در باورهایشان ، به درکی

---

1- .اسراء : آیه 36 .

2- .نور : آیه 15 .

3- .جاثیه : آیه 24 .

درست نرسیده اند و عقاید آنان تنها بر گمان ، استوار است : «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا. (1) و آسمان و زمین و آنچه را میان این دو است ، به باطل نیافریدیم. این ، گمان کسانی است که کافر شده [و حق پوشی کرده] اند». اگر در باورها و آرای ضد و نقیض مردم در جامعه های گوناگون بنگریم و آنها را بر ترازوی نقد و بررسی اساسی عرضه بداریم ، بدون دشواری به این نکته خواهیم رسید که بیشتر این باورها پایه علمی ندارند و جز بر گمان و تردید مبتنی نیستند و بیشتر مردمان از گذشته تاکنون ، در باورها بویژه در اصول اعتقادات ، از گمان پیروی می کنند. بدین جهت می بینیم که قرآن با صراحت اعلام می دارد که هر کس از اکثریت پیروی کند ، گم راه شده است ، از جمله در این آیه : «وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ. (2) و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین هستند ، پیروی کنی ، تو را از راه خدا گم راه می کنند. آنان جز از گمان [خویش] ، پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند». اگر تمامی پیروان مذاهب گوناگون ، بر آن شوند که جز از علم پیروی نکنند و به چیزی جز پس از علم ، ایمان نیاورند ، اختلافات و تناقضات میان همه مذاهب ، از میان رخت خواهد بست. امام صادق علیه السلام می فرماید : به راستی که خداوند ، این امت را به دو آیه از کتابش اختصاص داده است :

---

1- ص: آیه 27 .

2- انعام: آیه 116 .

## 2. تمایلات نفسانی

یکی آن که جز آنچه می دانند، بر زبان نیاورند؛ و دیگر آن که آنچه را نمی دانند، انکار نکنند. آن گاه امام علیه السلام این آیه را قرائت نمود: «أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ. (1) آیا از آنان، پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که درباره خداوند، جز به حق سخن نگویند». و نیز این آیه را تا پایانش خواند: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ (2). (3) بلکه چیزی را دروغ شمردند که به دانش آن، احاطه نداشتند».

2. تمایلات نفسانی مانع، دومین لغزشگاه اندیشه است و خطرش اگر از «گمان» بیشتر نباشد، کمتر نیست. آن گاه که آدمی چیزی را دوست می دارد و بدان وابسته می شود، بینایی عقلش را از دست می دهد و گوش های اندیشه اش کر می شود. در نتیجه نمی تواند کاستی های محبوبش را ببیند. همین حالت در نفرت و دشمنی آدمی نیز وجود دارد. از این رو، آدمی اگر می خواهد نقطه ضعف یا قوت يك نظریه را بشناسد و در آن درست بیندیشد، می باید نخست، خود را از تمایلات نفسانی آزاد سازد؛ چرا که این تمایلات، خواه ناخواه در باورهای او اثر می گذارند.

1- اعراف: آیه 169.

2- یونس: آیه 39.

3- مجمع البیان: ج 5 ص 168، الامالی، صدوق: ص 506 ح 702، بصائر الدرجات: ص 537 ح 2، منیة المرید: ص 216، بحار الأنوار: ج 2 ص 113 ح 3.

به عنوان نمونه ، چنین شهرت یافته است که علامه حلی ، آن گاه که خواست درباره امکان تطهیر آب چاهی که نجس شده ، فتوا دهد ، فرمان داد نخست چاه خانه اش را پر کنند و سپس به مطالعه احادیث و متون فقهی پرداخت و آن گاه فتوا داد که آب چاه ، اگر نجس شود ، می توان آن را تطهیر کرد. وی می دانست که اگر چاه منزل خود را پر نکنند ، ممکن است در فتوایش ، ناخودآگاه اثر بگذارند و این حقیقتی انکار نشدنی است. از این رو ، آدمی نمی تواند حقایق عقلی را به درستی ، ادراک کند و یا رأی درست اظهار بدارد ، مگر آن که چاه تمایلاتش را پر سازد و ذهنش را از بند هوس ها برهاند. بر این پایه ، هر چه ذهن پژوهشگر از تمایلات و هوس ها وارسته تر باشد ، به صواب نزدیک تر می شود ، چنان که امام علی علیه السلام فرمود : **أَقْرَبُ الْأَرَءِ مِنَ النَّهْيِ أَبْعَدُهَا مِنَ الْهَوَى . (1)** نزدیک ترین رأی ها به عقلانیت ، دورترین آنها از هوس هاست. و نیز فرمود : **خَيْرُ الْأَرَءِ أَبْعَدُهَا مِنَ الْهَوَى وَأَقْرَبُهَا مِنَ السَّدَادِ . (2)** بهترین آرا ، دورترین آنها از هوس و نزدیک ترین آنها به استواری است. نیز گزارش شده است که زید بن صوحان عبدی ، یکی از یاران امام علی علیه السلام ، از ایشان پرسید : کدام يك از مردم ، رأی استوارتر است؟ و امام علیه السلام چنین پاسخ داد: **مَنْ لَمْ يَغْرَهُ النَّاسُ مِنْ نَفْسِهِ ، وَلَمْ تَغْرَهُ الدُّنْيَا بِتَشَوُّفِهَا . (3)**

- 
- 1- غرر الحکم : ح 3022 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 119 ح 2682 .
  - 2- غرر الحکم : ح 5011 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 238 ح 4530 .
  - 3- الأمالی ، صدوق : ص 478 ح 644 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 378 .

**3. تعصب****پیشوای متعصبان**

کسی که نه فریب [وسوسه های] مردم را بخورد و نه فریب زیورهای دنیا را .

3. تعصیبیکی دیگر از موانع دستیابی به آرای درست و مطابق با واقع، تعصب است. تعصب، عبارت است از: اوج گیری پیروی فرد از تمایلات نفسانی، تا آن جا که به یاری و هوادری فرد یا گروه یا اندیشه و سنتی (با هدفی غیر از رعایت حریم حق)، بینجامد. جانبداری از خویشان و قوم و قبیله، هواداری از حزب و گروه و سازمان، حمایت از فرهنگ و آداب و رسوم، طرفداری از دین و مذهب، هواخواهی نژاد و زبان و یا مانند آن، اگر بر پایه میل نفس، و نه بر اساس حق و عدالت، بنا شود، تعصب خواهد بود.

پیشوای متعصب بانطبق تعبیر امام علی علیه السلام، شیطان پیشوای متعصبان و أسوه آنان است، آن جا که در توصیف او می فرماید: إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَسَلْفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ. (1) پیشوای متعصبان، پیشینه مستکبران، آن که بنیاد تعصب را نهاد. پس، نخستین متعصب در جهان، شیطان است و تعصب او از سنخ تعصب نژادی است؛ زیرا هنگامی که خداوند به وی فرمان داد که بر آدم سجده کند، سر باز زد و استکبار جست؛ چراکه نژاد خود را بر نژاد آدم برتری می داد، از آن رو که او از آتش آفریده شده بود و آدم از خاک.

1- نهج البلاغة: خطبه 192، بحار الأنوار: ج 14 ص 465 ح 37 و ج 63 ص 214 ح 49.

## دستاورد تعصّب

دستاورد تعصّب بنحستین دستاورد این خصلت شیطانی \_ که اگر در وجود آدمی ریشه بدواند ، بیشترین زیان را برای انسان دارد \_ این است که باورها را آن گونه که انسان بخواهد ، می سازد. به سخن دیگر ، تعصّب ، از بیماری های روانی ای است که مانع دستیابی انسان به حقیقت می گردد. از این رو ، انسان متعصّب ، در نهایت ، جز به آنچه خصلت تعصّب اقتضا می کند ، نمی رسد. بیماری تعصّب سبب می شود که آدمی بر اساس گوینده و نه سخن ، داوری کند و فرصت اندیشیدن درباره درستی یا نادرستی سخن را از دست بدهد ؛ بلکه بر او القا می کند که به گوینده بنگرد و اگر او را مانند خود یافت ، رأیش را درست ، و گرنه نادرست انگارد. سفارش اسلام برای پالایش عقیده ، دوری از تعصّب و توجّه به سخن گوینده و دقّت در اندیشه صاحب عقیده است ، با چشمپوشی از شخصیت گوینده \_ هر که باشد \_ و با صرف نظر از رأی حزب و گروه و جمعیت ، خواه با او در مرام و آیین ، برابر باشد یا نه ، خواه مسلمان باشد یا غیر مسلمان و خواه دوست باشد و یا دشمن. چه زیبا و عقل پذیر است این سخن خداوند متعال که : «فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (1) پس به آن بندگان من که به سخن ، گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند ، بشارت بده. اینان اند که خدایشان آنان را راه نموده و اینان اند همان خردمندان» . از این آیه می فهمیم که صاحبان اندیشه \_ که از نعمت هدایت ، برخوردارند و

مورد سفارش اسلام و قرآن قرار گرفته اند \_ کسانی هستند که به سخن، گوش فرا می دهند، حال گوینده اش هر که می خواهد، باشد، و پس از بررسی و تحقیق، استوارترین، برترین و زیباترین سخن را پیروی می کنند. با الهام از همین آیه، از پیامبر صلی الله علیه و آله در کنز العمّال و از امیر مؤمنان علیه السلام در غرر الحکم چنین روایت شده است: لا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَأَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ. (1) به «گوینده» منگر، به «گفته» بنگر. و از عیسی علیه السلام روایت شده است که فرمود: خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ، وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ. کونوا نُقَادَ الْكَلَامِ. (2) حق را از اهل باطل فرا بگیرید و باطل را از اهل حق فرا بگیرید. ناقدان سخن باشید. این روایت، آشکارا دلالت دارد که نباید تعصّب موجب شود که مسلمان، سخن حق دیگران را، بدین جهت که گوینده مسلمان نیست یا عقایدی باطل و فاسد دارد، کنار بدهد و یا سخن نادرست را از کسانی که با او هم عقیده اند، بپذیرد. پس بر مسلمان، واجب است که سخن هر گوینده را پس از بررسی و مطالعه دقیق، صرف نظر از موضع کلی او درباره حق و باطل، نقادی کند. سپس اگر سخنی حق بود، باید بپذیرد، گرچه گوینده از اهل باطل باشد، و اگر سخنی باطل بود، آن را طرد کند، گرچه گوینده آن از پیروان حق باشد. به هر حال، معیار،

1- غرر الحکم: ح 10189، عیون الحکم والمواعظ: ص 517 ح 9376؛ کنز العمّال: ج 16 ص 269 ح 44397 به نقل از ابن السمعی در کتاب الدلائل.

2- المحاسن: ج 1 ص 359 ح 769، بحار الأنوار: ج 2 ص 96 ح 39.



**4 . تقلید**

«حقیقت» است، نه گوینده، و «اسلام» نیز چیزی جز تسلیم در برابر حقیقت نیست. از این رو، پیامبر خدا فرمود: مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تُعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رَبِّقَ الْإِيمَانِ ( / رَبِقَةَ الْإِسْلَامِ ) مِنْ عُنُقِهِ. (1) هر کس تعصّب ورزد، یا به سودش تعصّب روا شود، طوق ایمان (اسلام) را از گردن، خارج کرده است.

4 . تقلید تقلید در باورها، به معنای پذیرش رأی يك یا چند نفر، بدون درخواست برهان است. و این، از نتایج تعصّب و از موانعی است که از دستیابی به آرا و عقاید علمی، صحیح و مطابق با واقع، باز می دارد. تقلید، زنجیری است که اندیشه انسان را به بند می کشد و تا آن زمان که این بند وجود دارد، پالایش عقیده، امری مُحال است. تقلید، به آدمی اجازه نمی دهد که درباره آرا و عقاید خود بیندیشد، چنان که اجازه نمی دهد در درستی یا نادرستی، مطابقت یا عدم مطابقت با واقع، و واقعی یا خیالی بودن دانش و نیز معرفت یا توهم معرفت بودن، تفکر کند. تقلید، از اندیشیدن در رفتار و افکار و باورهای دیگران و بررسی و نقد آزادانه آنها، باز می دارد. تقلید، آدمی را به زور در افکار و باورهای مقلد، زندانی می کند. تقلید، اندیشه را به جای معطوف کردن به سخن، به گوینده معطوف می کند. سفارش اسلام برای پالایش عقیده، پاره کردن زنجیرهای تقلید است. شگفت انگیز، این که: کمتر کسی است که در بند این زنجیر نباشد و شگفت انگیزتر، پژوهشگرانی هستند که خود، در بند زنجیر تقلیدند

1- . الکافی: ج 2 ص 308 ح 2، بحار الأنوار: ج 73 ص 291 ح 16 به نقل از ثواب الأعمال .

**5. استبداد**

و تصوّر می کنند اندیشه آزاد دارند.

5. استبدادپنجمین مانع از موانع پالایش عقیده، استبداد در رأی است و این، دستاورد همراهی کردن با تمایلات نفسانی و نتیجه بیماری خوددانا بینی است. این بیماری، اندیشه صاحبش را چنان تنگ می کند که به جمود و تحجّر می رسد و مانع رسیدن به حقیقت می گردد. در نتیجه، مستبد، به حقانیت گفته ها، باورها، دین و آرای خود، اعتقاد پیدا می کند و تمامی گفته های مخالفان خویش را باطل می انگارد. وقتی انسان به بسته اندیشی مبتلا شد، آن جا که خود را حق می داند، از اندیشه نمودن در آرای دیگران سر باز می زند و از تفکر در گفته های آنان خودداری می ورزد. بدین جهت نمی تواند به حقیقت برسد. در احادیث استبداد، به عنوان یکی از بزرگ ترین لغزشگاه ها توصیف شده که اگر اندیشمندی بدان مبتلا گردد، تباہ می شود. امام علی علیه السلام درباره بسته اندیشی و استبداد فکری فرموده است: **المُسْتَبِدُّ مُتَهَوِّرٌ فِي الْخَطَا وَالْغَلَطِ**. (1) مستبد، در خطا و اشتباه غوطه ور می گردد. و فرموده است: **الْإِسْتِبْدَادُ بِرَأْيِكَ يُزِيلُكَ وَيُهَوِّرُكَ فِي الْمَهَاوِي**. (2) استبداد در رأی، تو را می لغزاند و در هلاکت فرو می برد.

1- ر. ک: ج 2 ص 558 ح 1979.

2- ر. ک: ج 2 ص 558 ح 1980.

**6. لجاجت**

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: **المُسْتَبَدُّ بِرَأْيِهِ مَوْقُوفٌ عَلَى مَدَاحِصِ الزَّلَلِ**. (1)

6. لجاجت و لجاجت‌لجاجت، یکی دیگر از موانع پالایش عقیده است و در پژوهش‌ها و مسائل نظری، یکی از لغزشگاه‌های بزرگ به شمار می‌رود؛ چراکه اندیشه را از تکاپو باز می‌دارد و مانع رسیدن به رأی درست می‌شود، بدون آن که شخص لجوج، احساس انحراف کند. امام علی علیه السلام در سخنی زیبا از این لغزشگاه پنهان، چنین تعبیر می‌فرماید: **اللِّجَاجَةُ تُسَلُّ الرِّأْيَ**. (2) لجاجت، رأی درست را می‌دزدد. یعنی همان‌گونه که دزد، پنهانی به خانه ای وارد می‌شود و هر چه را می‌خواهد، بدون آن که صاحب خانه بفهمد، می‌دزدد، لجاجت‌ها نیز مخفیانه به ذهن آدمی دستبرد می‌زنند و بر اندیشه او مسلط می‌گردند و او را از حقیقت باز می‌دارند، بدون آن که صاحب فکر، احساس کند، و بدین طریق، رأی درست و استوار را از او می‌دزدند. نیز در سخن امام علی علیه السلام آمده است که صاحبان تعصب و لجاجت نمی‌توانند از اصحاب رأی (صاحب نظران) باشند، آن‌جا که می‌فرماید: **اللِّجُوجُ لَا رَأْيَ لَهُ**. (3) لجوج، رأی [درست] ندارد.

- 
- 1- ر. ک: ج 2 ص 558 ح 1984.
  - 2- ر. ک: ج 2 ص 562 ح 1993.
  - 3- ر. ک: ج 2 ص 562 ح 1994.

## شرایط پالایش عقیده

## اشاره

و اگر شخصی لجوج در مسئله یا مسائلی، نظری درست ارائه کند، لجاجتش موجب می شود که موقعیت و وثاقتش بر هم بخورد، آنچنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: **اللَّجَّاجُ يُفْسِدُ الرَّأْيَ**. (1) لجاجت، رأی را تباه می کند. پایان لجاجت نیز آن گونه است که پیامبر خدا می فرماید: **إِيَّاكَ وَاللَّجَّاجَةَ؛ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَآخِرُهَا نَدَامَةٌ**. (2) از لجاجت بپرهیز که آغازش، نادانی و پایانش پشیمانی است. لازم به یادآوری است که آنچه آورده شد - چنان که بدان اشاره گردید - مهم ترین موانع پالایش عقیده اند و در بخش هفتم در ذیل عنوان «موانع شناخت»، تمامی موانع ذکر خواهند شد.

شرایط پالایش عقیده‌های شرایط، پژوهشگر را یاری می دهند تا حقیقت را درک کند، به طوری که بدون این شرایط، اطمینان به نتایج پژوهش‌ها حاصل نمی گردد. این شرایط عبارت اند از: 1. تأتی، 2. تجربه، 3. تمرکز اندیشه، 4. پویایی اندیشه، 5. تبادل نظر، 6. امدادهای غیبی.

---

1- ر. ک: ج 2 ص 562 ح 1995.

2- ر. ک: ج 2 ص 562 ح 1992.

**1. تَأْنِي**

1. تَأْنِي تَأْنِي، به معنای خودداری از شتاب کردن در اظهار نظر و انتظار پخته شدن رأی است. پژوهشگر، آن گاه که در مسئله ای می اندیشد، نخست به يك اندیشه ابتدایی می رسد که نمی توان بر آن اعتماد کرد. تَأْنِي، به پژوهشگر فرصت می دهد تا به تدریج با بررسی دقیق و توجه به جوانب گوناگون مسئله، اندیشه ای پخته و قابل اعتماد، عرضه بدارد. امام علی علیه السلام فرموده است: الرَّأْيُ مَعَ الْأَنَاءِ، وَبِئْسَ الظَّهْيُرُ الرَّأْيُ الفَطِيرُ. (1) رأی [درست]، با تَأْنِي حاصل می گردد و بدترین پشتوانه، رأی ناپخته (خام) است. نقطه مقابل تَأْنِي، شتاب کردن است و شتاب کردن، از آن جا که پژوهشگر را از فرصت های کافی برای بررسی کامل و رسیدگی تمام عیار، محروم می کند، زمینه ساز لغزش اندیشه و اشتباه در بررسی می گردد، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: الْعَجَلُ يُوْجِبُ الْعِثَارَ. (2) شتاب کردن، سبب لغزش می شود. از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین گزارش شده است: مَنْ تَأْنَى أَصَابَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ عَجَلَ أَخْطَأَ أَوْ كَادَ. (3) آن که تَأْنِي بورزد، به واقع می رسد، یا بدان نزدیک می شود؛ و آن که شتاب بورزد، خطا می کند، یا به خطا نزدیک می شود.

1- .كشَفُ الغَمَّةِ: ج 3 ص 139، بحار الأنوار: ج 78 ص 81 ح 76.

2- .غَرر الحَكْم: ح 432، عيون الحکم والمواعظ: ص 39 ح 848.

3- .المعجم الكبير: ج 17 ص 310 ح 858، المعجم الأوسط: ج 3 ص 259 ح 3082، مسند الشهاب: ج 1 ص 232 ح 363، كنز العمال: ج 3 ص 99 ح 5678.

**2. تجربه**

پس تأثیری، پژوهشگر را به رأی درست، نزدیک می‌کند و اگر دیگر شرایط پالایش عقیده فراهم آید، او به واقعیت دست می‌یابد و چنانچه شرایط دیگر فراهم نگردد و به واقعیت دست نیابد، لاقابل‌بدان نزدیک می‌شود. در مقابل، شتاب، پژوهشگر را به خطا می‌اندازد و اگر شخص شتاب زده در بررسی‌هایش به واقع نیز برسد، يك اتفاق است. از این رو، امام علی علیه السلام فرزندش امام مجتبی علیه السلام را چنین سفارش کرده است: **أَنْهَاكَ عَنِ التَّسْرِعِ بِالْقَوْلِ وَالْفِعْلِ (1)**، تو را از شتاب زدگی در گفتار و رفتار، بر حذر می‌دارم.

2. تجربه‌به‌طور طبیعی، رأی کسانی که در اظهار نظر و بررسی، از تجربه و خبریّت بهره نمی‌برند، نادرست و غیر واقعی است. امام علی علیه السلام نقش تجربه و تأثیر آن را در شناخت، چنین به تصویر می‌کشد: **كُلُّ مَعْرِفَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّجَارِبِ (2)** هر شناختی، به تجربه‌هایی نیازمند است. در حدیثی دیگر، امام علی علیه السلام معارف عقلی را به دو بخش تقسیم می‌کند: **العقلُ عقْلانٌ: عقلُ الطَّبْعِ وَعَقْلُ التَّجْرِبَةِ وَكِلَاهُمَا يُؤَدِّي إِلَى الْمَنْفَعَةِ (3)** عقل، دو گونه است: عقل سرشتی و عقل اکتسابی. و هر دو به سود می‌انجامد. همچنین در حدیثی دیگر، چنین فرموده است:

- 
- 1- الأمالی، مفید: ص 221 ح 1، الأمالی، طوسی: ص 7 ح 8، بحار الأنوار: ج 71 ص 339 ح 5 و ج 78 ص 98.
  - 2- ر. ک: ج 2 ص 456 ح 1775.
  - 3- ر. ک: ج 2 ص 454 ح 1772.

فِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ. (1) در تجربه ها، دانش جدید [نهفته] است. و نیز چه رسا و زیبا فرموده است که: رَأْيُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ تَجْرِبَتِهِ. (2) [ارزش] رأی آدمی، به اندازه تجربه و خُبْرِيَّتِ اوست. یعنی هر چه تجربه انسان در زمینه هایی که اظهار رأی می کند، افزون تر گردد، اظهار نظرش به واقع نزدیک تر می شود. به سخن دیگر، هر که باتجربه و خبره تر باشد، رأیش استوارتر است. در روایت دیگری، از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است: أَمَلَكُ النَّاسِ لِسَدَادِ الرَّأْيِ كُلُّ مُجَرَّبٍ. (3) سرآمد مردم در داشتن رأی استوار، انسان های باتجربه اند. بنا بر این، امام علی علیه السلام دانشی را که از راه تجربه به دست می آید، دقیق تر از دانشی می داند که تنها در فضای درس و بحث حاصل گردد. به عقیده ایشان، طبّ تجربی از طبّ کلاسیک به حکمت و علم پزشکی، نزدیک تر است. بدین جهت می فرماید: الْمُجَرَّبُ أَحْكَمُ مِنَ الطَّبِيبِ. (4) انسان باتجربه، دانایتر از پزشک است.

1- ر. ک: ج 2 ص 454 ح 1773.

2- غرر الحکم: ح 5426، عیون الحکم والمواعظ: ص 269 ح 4943.

3- غرر الحکم: ح 3048، عیون الحکم والمواعظ: ص 119 ح 2704.

4- غرر الحکم: ح 1203، عیون الحکم والمواعظ: ص 45 ح 1128.

**3. تمرکز اندیشه****عوامل تمرکز اندیشه**

از نگاه امام علیه السلام، به عنوان يك قاعده عمومی، در هر زمینه که تجربه کافی فراهم شود، کار، محکم و استوار می گردد، و چه رسا این مطلب را در این سخن فرموده است: **مَنْ حَفِظَ التَّجَارِبَ أَصَابَتْ أفعالُهُ**. (1) آن که تجربه آموزد، رفتارش استوار می گردد.

3. تمرکز اندیشه تمرکز اندیشه، جوانب هر مسئله را برای پژوهشگر روشن می سازد و موجب می گردد وی رأیش را با اعتنا و توجه به همه ملزومات ارائه می کند. هر چه انسان در پژوهش، به تمرکز بیشتر در اندیشه برسد، به حقیقت، نزدیک تر می شود و هر چه تمرکزش کمتر گردد، از حقیقت، دورتر می شود. از این رو، اگر پژوهشگر می خواهد از رأی استوار برخوردار باشد، می باید عوامل تمرکز اندیشه را فراهم سازد و از موانع تمرکز، دوری کند.

عوامل تمرکز اندیشه مهم ترین عواملی که به تمرکز فکر می انجامند، در این روایت امام صادق علیه السلام جمع شده اند: **خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ ناقِصَ العِيشِ زائِلَ العَقْلِ مَشغُولَ القَلْبِ: فَأَوْلُها صِحَّةُ البَدَنِ، وَالثَّانِيَةُ الأَمْنُ، وَالثَّالِثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّابِعَةُ الأَنيْسُ المُوافِقُ... وَالخامِسَةُ \_ وَهِيَ تَجْمَعُ هذِهِ الخِصَالَ \_ الدَّعَةُ**. (2) پنج خصلت است که هر کس یکی از آنها را از دست بدهد، دل مشغول،

1- غرر الحکم : ح 9180 .

2- الخصال : ص 284 ح 34 ، مکارم الأخلاق : ج 2 ص 437 ح 1494 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 186 ح 5 .



**4. پویایی اندیشه**

پیشانی عقل و ناکامی در زندگی می شود: نخست. سلامت بدن، دوم. امنیت، سوم. گشایش در روزی، چهارم. رفیق سازگار، و پنجم. آرامش که همه این ویژگی ها را در خود دارد. در این حدیث، امام صادق علیه السلام از خصلت هایی که نقش اساسی در کامروایی در زندگی، سلامت فکر و آرامش خاطر دارند، سخن می گوید؛ خصلت هایی که بودن آنها سبب تمرکز اندیشه می شود و نبود آنها تمرکز را بر هم می زند.

4. پویایی اندیشه پویایی و نشاط اندیشه و جلوگیری از بسته اندیشی، شرطی دیگر برای دستیابی به عقیده درست و رأی استوار است. سفارش امام علی علیه السلام در این زمینه، چنین است: *أَمْخَضُوا الرَّأْيَ مَخْضَ السَّقَمِ يُنْتِجَ سَدِيدَ الْأَرَاءِ*. (1) نظر را مانند مشک گره گیری، به هم زنید تا آرای استوار، به بار آورد. اگر اندیشه بر محور يك رأی، سرسختی بورزد و در آن جولان ندهد، به جمود و تحجر می رسد و در نتیجه نشاطش بر هم می خورد و از جنبش و رشد باز می ماند و قدرت شناخت درست نظریه ها و سنجش دقیق آنها را از نظر درستی و بطلان یا ضعف و قوت، از کف می دهد. بدین جهت، امام علیه السلام به پژوهشگر تأکید می ورزد که برای رسیدن به باورهای درست و آرای استوار، می باید با جنبش و پویایی اندیشه، خود را از بسته اندیشی رها سازد و آرای علمی را در ذهن خویش کاملاً بر هم زند و در ابعاد گوناگون مسئله به دقت بنگرد.

1- غرر الحکم: ح 2569، عیون الحکم والمواعظ: ص 91 ح 2150.

**5. تبادل نظر**

5. تبادل نظریکی دیگر از شرایط پالایش عقیده، تبادل نظر است. سفارش امیر مؤمنان علیه السلام در این باره، چنین است: *إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدَ مِنْهُ الصَّوَابُ*. (1) آرا را بر هم زنید تا از آن، درستی به دست بیاید. از این سخن، چنین نتیجه گیری می شود که تبادل نظر به دور از تعصب، به طور طبیعی، نقاط قوت و ضعف و نیز خطا و درستی آرا و نظریه ها را روشن می سازد. بر این پایه، آن که به خود اجازه می دهد که در آرای دیگران، تحقیق و بررسی کند، اگر اهل پژوهش باشد، می تواند آرای درست را از نادرست تشخیص دهد. امام علی علیه السلام فرموده است: *مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرْءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا*. (2) آن که به پیشواز آرای گوناگون می رود، لغزشگاه ها را می شناسد. در مقابل، کسی که به خود اجازه نمی دهد که در آرای دیگران بنگرد و از آنها اطلاع یابد، بلکه در هر زمینه که با آن رو به رو می شود، با شتاب به اظهار نظر می پردازد و تنها به راهنمایی اندیشه خود، اعتنا و بر آرای عقلی خویش اعتماد می کند، به گفته امام علی علیه السلام، در این آرای گوناگون، گرفتار خطاهای آشکار و فرساینده می شود: *مَنْ جَهَلَ وُجُوهَ الْأَرْءِ أَعْيَتْهُ الْحَيْلُ*. (3) آن که درباره آرای گوناگون، جهالت ورزد، ترفندها او را از پای در می آورند.

1- غرر الحکم : ح 2567، عیون الحکم والمواعظ : ص 91 ح 2154.

2- الکافی : ج 8 ص 22 ح 4، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 388، نهج البلاغة : حکمت 173، تحف العقول : ص 90.

3- غرر الحکم : ح 7865، عیون الحکم والمواعظ : ص 453 ح 8128.

## 6. امدادهای غیبی

6. امدادهای غیبیامدادهای غیبی، نقش بزرگی در دست یافتن به باورهای علمی، شناخت حقیقت و پلایش عقیده دارند. انسان، هر قدر هم که ورزیده و ماهر و آگاه باشد، به دلیل محدود بودن معلوماتش، نمی تواند به تمام ابعاد مسائل مورد بررسی خود احاطه یابد و از کلیه زوایای آنها آگاه شود. از این رو، اگر بخواهد واقع را بویژه در مسائل پیچیده علمی بیابد، به امدادهای غیبی، و به تعبیر دیگر، به گونه ای از الهام و اشراق، نیاز دارد. بدین جهت، الکسیس کارل، معتقد است که اکتشافات علمی، تنها نتیجه اندیشه انسان نیست. وی در این زمینه می گوید: به یقین، اکتشافات علمی، تنها محصول و اثر فکر آدمی نیست و نوابغ، علاوه بر نیروی مطالعه و درک قضایا، از خصایص دیگری چون: اشراق و تصوّر خلاّق، برخوردارند. آنان با اشراق، چیزهایی را که بر دیگران پوشیده است، می یابند و روابط مجهول بین قضایایی را که ظاهراً با هم ارتباطی ندارند، می بینند و وجود گنجینه های مجهول را به فراست در می یابند. تمام مردان بزرگ، از موهبت «اشراق» برخوردارند و بدون دلیل و تحلیل، آنچه را دانستند، می دانند... . یک دانشمند بزرگ، خود به خود، به سوی راهی که منجر به کشف تازه ای خواهد شد، کشانده می شود. این، همان کیفیتی است که پیش از این، «الهام» نامیده می شد. دانشمندان را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی منطقی و دیگری اشراقی. علوم، ترقّی خود را مرهون این دو دسته متفکرند. در علوم ریاضی نیز که اساس و پایه ای کاملاً منطقی دارد، اشراق، سهم دارد... . در زندگی عادی نیز مانند قضایای علمی، اشراق، یک عامل شناسایی قوی و در عین حال خطرناک است و تمیز آن از توهم، گاه دشوار است... و فقط مردان بزرگ و پاکان ساده دل می توانند با آن به کمال و اوج زندگی معنوی برسند. این

موهبت ، حقًا شگفت انگیز است ، تا جایی که درك واقعیت ، بدون دلیل و تعقل ، برای ما غیر قابل تفسیر می نماید. (1) همین نظریه را دانشمند ریاضیدان فرانسوی ، ژاک هاداما ، تأیید می کند ، آن جا که می گوید : وقتی ما به شرایط اکتشافات و اختراعات می اندیشیم ، محال است بتوانیم اثر ادراکات ناگهانی درونی را نادیده بگیریم. هر دانشمند پژوهشگری ، کم و بیش ، این احساس را کرده است که زندگی و مطالب علمی او ، از يك رشته فعالیت های متناوب تشکیل شده است که در عده ای از آنها ، اراده و شعور وی مؤثر بوده و بقیه ، حاصل يك سلسله الهامات درونی بوده اند. (2) بنا بر این ، می توان گفت که : هر چه امدادهای غیبی و الهامات درونی يك اندیشمند افزون تر شوند ، آرا و عقایدش درست ترند و می تواند حقایق علمی بیشتری را کشف کند ، و اگر این امدادها به کمال برسند ، آرا و عقاید انسان از خطا مصونیت می یابد. اما ریشه این اشراق ها و الهامات درونی چیست؟ ماده گرایان از پاسخ دادن بدان ناتوان اند ؛ ولی خداپرستان می دانند که ریشه آن ، خداوند است. خداوند متعال است که بر بنده اش منت می گذارد و این موهبت را به هر که بخواهد ، به اندازه شایستگی اش و به مقتضای حکمت الهی ، عنایت می فرماید ، و دعا یکی از وسایل دستیابی به این شایستگی است. از این رو ، امام سجّاد علیه السلام خداوند را می خواند و به ما می آموزد که خداوند را این گونه بخوانیم تا ما را بر آرای استوار ، مدد برساند :

1- انسان ، موجود ناشناخته ، ترجمه پرویز دبیری ، تهران شرکت افست ، ص 139 و 140 .

2- امدادهای غیبی در زندگی بشر ، ص 80 .

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ، وَرَجَاءِ مَكْذُوبٍ، وَحَيَاءِ مَسْلُوبٍ، وَاحْتِجَاجِ مَغْلُوبٍ، وَرَأْيٍ غَيْرِ مُصِيبٍ. (1) [خدایا!] به تو پناه می برم، از : دعای به مانع خورده، امید دروغین، بی حیایی، استدلالی که شکست خورده، و رأی ناستوار. به علاوه، می باید توجه کنیم که «دعا»، یکی از ریشه های الهام و اشراق است و انسان را به سوی ریشه های دیگر نیز می کشاند. شرح عوامل و زمینه های الهام و اشراق، در فصل چهارم از بخش ششم خواهد آمد. (2)

---

1- بحار الأنوار : ج 91 ص 156 .

2- ر . ك : ج 2 ص 481 (خاستگاه الهام) .

## فصل پنجم : آزمون عقیده

## نشانه های عقاید علمی

## اشاره

فصل پنجم : آزمون عقیده در این فصل ، یکی از مهم ترین مسائلی را که می باید پیش از ورود به مباحث اعتقادی بدان توجه شود ، عرضه می داریم و آن ، مسئله «آزمون عقیده» است. آیا معیاری وجود دارد که انسان بتواند با آن ، عقیده و آرایش را بیازماید و بر درستی آنها واقف گردد؟ چگونه پژوهشگر می تواند بفهمد که آنچه خود یا دیگری علم حقیقی و عقیده علمی می داند ، حقیقتاً چنین است و تخیل دانش و خوددانی نیست؟ آیا در احادیث اسلامی ، آموزه ها و سفارش هایی در زمینه آزمون عقیده وجود دارد؟ پاسخ ، این است که : عقاید علمی ، عقاید غیر علمی و نیز خوددانی ، هر يك نشانه ها و آثاری دارند که پژوهشگر می تواند به وسیله آنها آرا و عقاید خود و دیگران را بیازماید و درستی یا نادرستی شان را کشف کند. امام علی علیه السلام درباره نشانه های عقاید علمی و غیر علمی ، سخنی جامع دارند که به جهت نکات ارزنده اش ، شایسته دقت و تأمل است.

نشانه های عقاید علمیابتدا ، سخن امام علی علیه السلام را در مورد آثار و نشانه های عقاید علمی و ویژگی های

**1. توجه به مجهولات**

دانیان واقعی، نقل می‌کنیم و سپس نشانه‌هایی را که در کلام ایشان آمده است، يك به يك، مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهیم. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ عَرَفَ أَنَّ مَا يَعْلَمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ قَلِيلٌ، فَعَدَّ نَفْسَهُ بِذَلِكَ جَاهِلًا، فَازْدَادَ بِمَا عَرَفَ مِنْ ذَلِكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ اجْتِهَادًا. فَمَا يَزَالُ لِلْعَلِيمِ طَالِبًا وَفِيهِ رَاغِبًا وَ لَهُ مُسْتَفِيدًا وَ لِأَهْلِهِ خَاشِعًا وَ لِرَأْيِهِ مُتَّهِمًا وَ لِلصَّمْتِ لَازِمًا وَ لِلخَطَا حَازِرًا، وَ مِنْهُ مُسْتَحْيَا، وَ إِنْ وَرَدَ عَلَيْهِ مَا لَا يَعْرِفُ، لَمْ يُنْكِرْ ذَلِكَ لِمَا قَرَّرَ بِهِ نَفْسُهُ مِنَ الْجَهَالَةِ.** (1) به راستی، دانای واقعی، کسی است که بفهمد آنچه می‌داند، در مقایسه با آنچه نمی‌داند، اندک است و بدین جهت، خود را نادان می‌شمارد، و با این شناخت دقیق از میزان مجهولات خود، تلاشش برای تحصیل علم، فزونی می‌یابد. بر این اساس، دانای واقعی همیشه در جستجوی دانش و علاقه مند به تحصیل و استفاده از آگاهی [دیگران] است و برای اهل دانش، فروتنی می‌کند و رأی خود را متهم می‌داند و ملازم با سکوت است و از خطا حذر می‌کند و از آن شرمگین می‌شود و اگر چیزی برای او مطرح شود که شناختی به آن ندارد، آن را انکار نمی‌کند؛ چون میزان مجهولات خود را می‌داند. در مجموع، از بیان امام علیه السلام، هفت نشانه برای دانیان واقعی و صاحبان عقاید علمی، قابل استخراج است. این نشانه‌ها عبارت‌اند از: 1. توجه به جهل خود، 2. عطش فزاینده برای دانش اندوزی، 3. فروتنی در برابر اهل دانش، 4. متهم دیدن رأی خود، 5. خاموشی، 6. حذر کردن از خطا، 7. انکار نکردن مجهولات. و اینک بررسی و تبیین این نشانه‌ها:

1. توجه به مجهولات به عکس دانیان خیالی و افراد مبتلا به بیماری خوددانیابی، که فقط معلومات

خود را می بینند و از مجهولات خود غافل اند، دانایان واقعی و صاحبان آرا و عقاید علمی، مجهولات خود را می بینند و با مشاهده مجهولات بزرگ و بی نهایت خود، معلومات خویش را به حساب نمی آورند. این گونه افراد، از دیدگاه امام علی علیه السلام شایستگی عنوان «عالم» را دارند و نظر و رأی آنان در مسائل عقلی، معتبر و قابل اعتماد است. به راستی، «عالم» کسی است که بفهمد آنچه می داند، در مقایسه با آنچه نمی داند، اندک است؛ پس خود را جاهل به شمار آورد. پس، عالم حقیقی، هر چه دانسته هایش زیادتز گردد، مجهولاتش بیشتر می شود، و هر چه دانشش افزون گردد، آگاهی اش به این که دانسته هایش محدود است و قابل قیاس با مجهولات نامحدود نیست، بالاتر می رود. از این جهت، هر کس راه شناخت حقایق و عقاید علمی را می پیماید، بدان جا می رسد که دانسته هایش را چنان اندک می بیند که در برابر مجهولات، چیزی به حساب نمی آیند. پس، تنها به خاطر این مقدار دانش اندک، خود را شایسته نمی بیند که عالم محسوب گردد؛ بلکه با بررسی دقیق علمی و واقع نگری، برای خود در برابر دانشمندان، جایی نمی بیند. در این جاست که انسان احساس می کند که هر چه دانشش افزوده گردد، فاصله میان دانسته ها و مجهولاتش بیشتر می شود و به سخن دیگر، میزان بالا رفتن سطح علمی آدمی، برابر است با میزان زیادتی مجهولات او. بدین جهت، هر کسی که درباره انسان اندک شناختی ندارد، برایش مجهولی در زمینه انسان شناسی نیست و از این روست که اگر از نادانی بپرسی: «انسان چیست؟»، پاسخ می دهد: این که امری روشن است! انسان، موجودی است که با دو پا راه



می رود. انسان، یعنی انسان. این چه پرسش بی معنایی است؟! نیز اگر از او بپرسی: «آیا درباره انسان چیزی هست که ندانی؟»، پاسخ می دهد: هرگز! زیرا به نظر من، انسان چنان شناخته شده است که نیازمند به معرفی و توضیح نیست. اما همین شخص، اگر به پژوهش درباره انسان شناسی رو کند، هر چه دایره تخصص و تحقیقش گسترش یابد، میزان مجهولاتش درباره این موجود شگفت انگیز و پیچیده و پر از اسرار، بالاتر می رود و هر چه در حقیقت انسان، ژرف نگری بیشتری کند، پرسش های بیشتر و بیشتری برایش مطرح می شوند. آری، انسان برای شخص نادان، موجودی است که شناختش به پایان رسیده است؛ ولی اندیشمند پژوهشگری چون الکسیس کارل که عمری را در انسان شناسی سپری کرده، حاصل پژوهش و ثمره همه تلاش هایش، کتابی با عنوان انسان، موجودی ناشناخته است. البته نزد عالمان حقیقی، تنها انسان، موجود ناشناخته نیست؛ بلکه همه موجودات عالم، پیچیده و پر از اسرار و ناشناخته اند. می گویند: دانشمندی فرانسوی به نام فیلستی دی لامنه گفته است: اگر کسی بتواند يك ريگ کوچک را معرفی کند، خداوندی را در اختیارش می نهد. (1) البته انسان نه تنها يك ريگ، بلکه يك ذره از ذرات آن را نیز نمی تواند به صورت دقیق معرفی کند. مگر نمی بینیم دانش بشری، هر روز، اسرار جدیدی را از «اتم»، کشف می کند؟ آیا این، بدان معنا نیست که تا امروز، بشر از شناخت

کامل يك ذره از ذرات هستی نیز ناتوان بوده است؟ از همین جاست که تمام هستی، به نظر عالم حقیقی و نه عالم خیالی، پر از اسرار پیچیده و ناشناخته است و هر چه بر علمش افزوده گردد، شناختش نسبت به اسرار و پیچیدگی های هستی بیشتر می شود و نشانه هایی را آشکار می سازد که خود، نیازمند پژوهش اند، چنان که بسیاری از مجهولاتش نیز هویدا می شود. بر این پایه، هر چه بر معلومات انسان افزوده شود، مجهولاتش بیشتر می گردد، تا بدان جا که اعداد از بیان فاصله میان معلومات و مجهولات انسان، ناتوان می شوند؛ زیرا دانسته هایش محدود و مجهولاتش نامحدود است و عدد نمی تواند نامحدود را شماره کند، و همین، معنای سخن پیش گفته امام علی علیه السلام است: *إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ عَرَفَ أَنَّ مَا يَعْلَمُ فِيمَا لَا يَعْلَمُ قَلِيلٌ، فَعَدَّ نَفْسَهُ بِذَلِكَ جَاهِلًا*. (1) به راستی، عالم، کسی است که بفهمد آنچه می داند، در مقایسه با آنچه نمی داند، اندک است و بدین جهت، خود را نادان می شمارد. و همین است معنای سخن منسوب به سقراط که: تا به آن جا رسید دانش من که بدانم همی نمی دانم.

و از ابن سینا نیز چنین نقل شده است:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت يك موی ندانست ولی موی شکافت. این که عالمان واقعی، خود را جاهل نسبی به شمار بیاورند، اختصاص به سقراط و ابن سینا ندارد؛ بلکه همان گونه که امام علی علیه السلام فرمود، این از

ویژگی های تمامی عالمان حقیقی است و عالم، جز این نیست. اکنون بینیم امام علی علیه السلام درباره دانش خود، چه می گوید و چگونه میان دانسته ها و مجهولاتش مقایسه می کند؛ همان امامی که می فرمود: *سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي*. (1) از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید. همان امام برجسته ای که می فرمود: *عِنْدِي عُلُومُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ*. (2) نزد من، دانش اولین و آخرین است. همان عالمی که در توصیف دانش او قلم ها می شکنند و زبان ها لال می گردند و نمی توانند او را توصیف کنند؛ همو که می فرمود: *لَقَدْ اِنْدَمَجْتُ عَلَى مَكْنُونِ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لِأَضْطَرَبْتُمْ اِضْطِرَابَ الْأَرْضِ يَوْمَ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ*. (3) در اقیانوس دانش نهانی فرو رفته ام، که اگر چنان که هستم، آشکار گردم، شما همانند ریسمانی که در چاهی ژرف می لرزد، [مضطرب و] لرزان می گردید. همین دانشمند برجسته، با همه دانش سرشارش - که گوش ها از شنیدنش ناتوان اند - دانش خود را در برابر آنچه نمی داند، هیچ می شمرد و آن گاه که در برابر پروردگار، تضرع می کند، دانش خود را با دانش نامحدود خداوند متعال می سنجد و در پیشگاه او به نادانی خود، اعتراف می نماید. در دعای «یستشیر» که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به وی آموخت و به وی سفارش کرد که

- 
- 1- موسوعه الإمام علی بن أبي طالب عليه السلام: القسم الحادي عشر / الفصل الرابع / الباب العاشر: سلوني قبل أن تققدوني.
  - 2- موسوعة الإمام علی بن أبي طالب عليه السلام: القسم الحادي عشر / الفصل الثالث / علم الشرايع: ح 4993.
  - 3- موسوعة الإمام علی بن أبي طالب عليه السلام: القسم الحادي عشر / الفصل الثاني / لم يجد حملة لعلمه: ح 4936.

به جانشین پس از خود نیز بیاموزد و آن را در هر صبح و شام تکرار کند، می بینیم که وی با تضرع و زاری، خداوند عز و جل را چنین مورد خطاب قرار می دهد: أَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا الْجَاهِلُ . (1) تو، دانایی و من، نادانم . این، حقیقتی است علمی و دقیق و به راستی، امام علیه السلام مجامله و مبالغه نمی کند و به اندازه مویی، از دایره حقیقت، منحرف نمی شود. آنچه از او صادر می گردد، عین حقیقت است، نه ذره ای کم و نه ذره ای بیش. سخنی دیگر از امام علی علیه السلام که به معرفی نشانه های عالم حقیقی و تمییز میان عالم حقیقی و غیر حقیقی می پردازد، چنین است: الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ . (2) عالم، کسی است که اندازه خود را بشناسد، و برای جهل آدمی، همین بس که اندازه خود را نشناسد. روشن است که منظور از اندازه هر کس، اندازه دانش اوست؛ یعنی عالم حقیقی، کسی است که میزان دانش خود را بشناسد و از غرور علمی و بیماری خوددانی در امان باشد، و هر کس به این شناخت نرسد و اندازه دانسته های خود را در برابر مجهولاتش نداند، شایسته نیست که عالم نامیده شود، گرچه از دانش های گوناگون برخوردار باشد؛ زیرا همین نادانی، برای گم راهی و کاهش ارزش آرا و عقایدش، کافی است.

---

1- ر. ک: ج 3 ص 396 ح 2979.

2- ر. ک: ج 3 ص 390 ح 2962.

## 2. عطش فزاینده برای دانش اندوزی

### 3. فروتنی در برابر اهل دانش

2. عطش فزاینده برای دانش اندوزی پس از آن که عالم، دانسته هایش را با مجهولاتش به دقت سنجید و دانست که دانسته هایش در برابر مجهولات، چیزی به حساب نمی آید، تشنگی آگاهی و درک، در وجودش بالا می رود و عشق و حرص به دانش، توان و تلاشش را برای شناخت حقایق هستی بالا می برد، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: **العالم من لا يشبع من العلم ولا يشبع به**. (1) عالم، آن است که از دانش، سیر نگردد و گمان نکند که سیر شده است. چنان که فرمود: **العالم الذي لا يمل من تعلم العلم**. (2) عالم، از فراگیری دانش، خسته نمی شود. در مقابل، عالم نمایان قرار دارند که بیماری خوددانیی، آنان را از استمرار آموزش و پژوهش باز می دارد. این بیماری، به بیمار فرصت نمی دهد که در آنچه نمی داند، پژوهش کند؛ بلکه او را به وهم می اندازد که به همه چیز داناست و دانش طلبی برای او نقص به شمار می رود.

3. فروتنی در برابر اهل دانشسومین نشانه ای که امام علیه السلام در معرفی عالم حقیقی بیان فرموده، فروتنی در برابر دانشمندان است. انسان به هر مرتبه از دانش که برسد، وقتی دانسته هایش را با مجهولات بسنجد، غرور بر او غلبه نمی کند و دیگر تنها به دانسته های خویش نمی نگرد؛ بلکه به پژوهش ها و دانش دیگران نیز به دیده احترام و ارزش

1- ر. ك : ج 3 ص 402 ح 2995 .

2- ر. ك : ج 3 ص 402 ح 2996 .

**4. متهم کردن رأی خود****5. خاموشی گزیدن**

می نگردد و در برابر دانش آنان، فروتنی می کند. در مقابل، عالم نمایان \_ که خود را داناترین دانایان می انگارند \_ خویش را در برابر دیگران بالا برده، دیگران را تحقیر می کنند. این بیماران، گمان می کنند که اگر در برابر دانشمندان فروتنی کنند، از مرتبت علمی شان کاسته می شود، چنان که خیال می کنند مردم، فروتنی و احترامشان را برای عالمان دیگر، به حساب دانش کم اینان می گذارند. بدین جهت، وانمود می کنند که هیچ کس از آنان داناتر نیست و از این رو با دیده عیبجویی و نه از روی نقد و بررسی، هر نظریه ای را از هر دانشمند و درباره هر مسئله ای مورد ایراد و انتقاد قرار می دهند.

4. متهم کردن رأی خود چهارمین نشانه عالم حقیقی در سخن امام علی علیه السلام، آن است که شخص، رأی و نظریه خویش را در معرض نقد بداند. دانشمند حقیقی و آگاه، که مجهولاتش را بی شمار می داند، رأی و نظریه خود را از خطا مصون نمی داند؛ بلکه به آرا و نظریات خویش، به دیده اتهام می نگردد و تا آن زمان که نزد او يك فرضیه علمی، منطقی و منطبق با واقع به اثبات نرسد، آن را معتبر نمی شمرد. چه بسیار آرا و عقایدی که قرن های طولانی بر جهان به عنوان نظریه های علمی و قطعی، حاکم بوده و کسی در درستی شان تردید نداشته، ولی پیشرفت های علمی، بطلان آنها را به اثبات رسانده است، مانند فرضیه بطلمیوس در علم هیئت.

5. خاموشی گزیدن پنجمین ویژگی عالم حقیقی در سخن امام علی علیه السلام، سکوت مداوم است.

دانشمند حقیقی، که می فهمد دانسته هایش در برابر مجهولات بی شمار و نامحدود، اندک است، به خود اجازه نمی دهد در هر مسئله ای اظهار نظر کند. شهید ثانی رحمه الله در باره قاسم بن محمد بن ابی بکر، یکی از فقیهان برجسته و مورد اتفاق مدینه، گزارش می دهد که مسئله ای از او سؤال شد و گفت: نمی دانم. سؤال کننده گفت: نزد تو آمده ام و غیر از تو را نمی شناسم. قاسم گفت: به ریش بلند و جمعیت اطرافم، نگاه مکن. به خدا سوگند، این مسئله را نمی دانم! پیرمردی قریشی که در کنارش نشسته بود، گفت: برادرزاده! ملازم وی باش. آن گاه گفت: به خدا سوگند، تو را در هیچ مجلسی خردمندتر از امروز ندیدم. آن گاه قاسم گفت: وَاللَّهِ لَأَنْ يُّقَطَعَ لِسَانِي أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِمَا لَا عِلْمَ لِي بِهِ. (1) به خدا سوگند، اگر زبانه بریده شود، برایم دوست داشتنی تر از این است که درباره آنچه علم ندارم، سخن بگویم. آن که از غرور علمی و بیماری خوددانی، پیراسته است، آمادگی ندارد که با هر قیمتی، درباره آنچه نمی داند، اظهار نظر کند. از این رو، خاموشی می گزیند و از پاسخ دادن به بسیاری از مسائل، خودداری می کند و این، همان بیان زیبای امام علی علیه السلام است که: قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. (2) سخن «نمی دانم»، نیمی از دانش است.

1- أعلام الموقعين: ج 4 ص 278 و 279، جامع بيان العلم: ج 2 ص 66.

2- ر. ك: ج 3 ص 274 ح 2663.

**6. خودداری از خطا****7. انکار نکردن مجهولات**

این بر خلاف رویه مبتلایان به غرور علمی و خوددانایی است؛ کسانی که نه تنها هیچ درنگ نمی کنند، بلکه به سرعت و بدون تأمل، به آنچه از آنان پرسیده می شود، پاسخ می گویند. آنان کسانی هستند که نمی توان گفت عالم نیستند؛ بلکه باید گفت بیمارند و بلکه چنان که امام علی علیه السلام توصیف نموده، دیوانه اند: **إِنَّ مَنْ أَجَابَ فِي كُلِّ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ لَمْ جُنُونٌ** (1) آن که به هر چه از او سؤال می شود، پاسخ گوید، دیوانه است.

6. خودداری از خطا این، ششمین ویژگی عالم حقیقی در سخن امام علی علیه السلام است. آن که از غرور علمی به دور است و اندازه جهل خود را می شناسد، هر گاه بخواهد رأی را در يك مسئله ابراز کند، اندیشه خود را متمرکز می کند و بر حواس خود مسلط می گردد تا مبادا به خطا افتد. آن گاه با دقت و توجه به تمام جوانب مسئله، رأی خود را اظهار می کند. بدین جهت، زبان خردمند، همیشه در پس عقل اوست (2) و هیچ گاه خردمند، سخن نسنجیده بر زبان نمی آورد تا مبادا در گفته هایش به خطا بیفتد، بر خلاف مبتلایان به غرور علمی و بیماری خوددانایی، که بی درنگ و بدون تأمل، درباره هر چه بر آنان عرضه می گردد، اظهار نظر می کنند.

7. انکار نکردن مجهولات آخرین نشانه ای که امام علی علیه السلام شخصیت عالم حقیقی را بدان می شناساند، «انکار نکردن چیزی است که آن را نمی داند». اگر چیزی بر عالم حقیقی عرضه گردد که آن را نمی شناسد، به خاطر جهل خود، آن را انکار نمی کند. کسی که از

1- ر. ک: ج 3 ص 274 ح 2661.

2- ر. ک: ص 415 ح 575 و 576.



بیماری غرور علمی، در امان است و به کمیِ معلومات خود و نامتناهی بودن مجهولاتش آگاه است، عقلش به وی اجازه نمی دهد که آنچه را نمی داند و برایش مجهول است، انکار کند. ابن سینا در این باره می گوید: فالصواب أن تسرح أمثال ذلك إلى بقعة الإمكان، ما لم يدرك عنه قائم البرهان. (1) درست، آن است که امثال این [ شگفتی ها] را در سرای «امکان» بگذاری، تا زمانی که برهانی بر خلافش اقامه نشده است. این، يك حقیقت روشن عقلی و علمی است که: «ندانستن» بر «نبودن» دلالت نمی کند. چه بسیار حقایقی که انسان بدانها عالم نیست؛ ولی وجود دارند! آیا هزار سال پیش، بشر از حرکت خون و اتم و صدها حقیقت علمی دیگر که امروزه کشف و ثابت شده است، خبر داشت؟ آیا ندانستن این واقعیت ها در گذشته می تواند دلیلی بر نبود آنها باشد؟ اگر آدمی حقیقتا اهل دانش باشد، می داند که بیشتر حقایق هستی، برای انسان، مجهول اند. امیر مؤمنان علیه السلام در سخنی دیگر، ضمن برشمردن ویژگی های عالم حقیقی و عالم نمایان می فرماید: لا تقولوا بما لا تعرفون، فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُتَكْرَمُونَ. (2) آنچه را نمی دانید، بر زبان مرانید؛ زیرا بیشتر حقایق، همانهایی هستند که شما آنها را انکار می کنید. اما این مسئله که بدین پایه از روشنی است و هر خردمندی می داند که حق

1- الإشارات و التنبیها: ج 3 ص 418 (النمط العاشر).

2- ر. ك: ج 2 ص 104 ح 1119.

## اشاره

ندارد آنچه را نمی داند و برایش مجهول است، انکار کند، از کسانی که غرور علمی را وسیله ای برای خوددانیابی قرار داده اند و جز آن را نمی بینند، پنهان مانده است. توضیحات بیشتر در این باره، ضمن سخن گفتن از عقاید غیر علمی خواهد آمد.

نشانه های عقاید غیر علمیمی توان عقاید غیر علمی را همان گونه که در عقاید علمی بیان کردیم، آزمود و با ویژگی های فرد معتقد به آنها آشنا شد. به سخن دیگر، نشانه های عقاید غیر علمی، همان نشانه های عالم نمایان و دانشمندان خیالی هستند که امام علی علیه السلام پس از بازگو کردن ویژگی های عالم حقیقی، آنها را بیان فرموده است. در این جا نیز نخست اصل حدیث را می آوریم و آن گاه هر ویژگی را به بحث می گذاریم. امام علی علیه السلام می فرماید: *إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ بِمَا جَهَلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ عَالِمًا وَبِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًا، فَمَا يَزَالُ لِلْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا وَعَلَيْهِمْ زَارِيًا، وَلَمَنْ خَالَفَهُ مُخْطِئًا، وَلَمَّا لَمْ يَعْرِفْ مِنَ الْأُمُورِ مُصَدِّمًا، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأُمُورِ مَا لَمْ يَعْرِفْهُ أَنْكَرَهُ وَكَذَّبَ بِهِ وَقَالَ بِجَهَالَتِهِ: مَا أَعْرِفُ هَذَا، وَمَا أَرَاهُ كَانَ، وَمَا أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ، وَأَتَى كَانَ؟ وَذَلِكَ لِثِقَتِهِ بِرَأْيِهِ وَقَلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ. فَمَا يَنْفَكُ بِمَا يَرَى مِمَّا يَلْتَبِسُ عَلَيْهِ رَأْيُهُ مِمَّا لَا يَعْرِفُ لِلْجَهْلِ مُسْتَفِيدًا، وَلِلْحَقِّ مُنْكَرًا، وَفِي الْجَهَالَةِ مُتَحَيِّرًا، وَعَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ مُسْتَكْبِرًا.* (1) به راستی که نادان، کسی است که خود را در آنچه نمی داند، دانا شمرد و به اندیشه و رأی خویش، اکتفا ورزد، و همیشه از عالمان، دوری گزیند و آنان را نکوهش کند، و آن که را با او مخالفت ورزد، خطاکار قلمداد کند، و هر چیزی

**1. بی اعتنایی به جهل خود****اشاره**

را نمی شناسد، گم راه کننده معرفی نماید؛ پس هر زمان که بر او چیزی عرضه شود که آن را نمی شناسد، انکار کند و دروغ شمرد و از روی نادانی بگوید: این را نمی شناسم و گمان نکنم در گذشته وجود داشته یا این که در آینده محقق گردد. این همه، بر پایه اعتماد به اندیشه خویش و شناخت اندک از نادانی خویش است. در نتیجه، به دلیل خوددانی خیالی، (1) پیوسته از نادانی، بهره می برد و منکر حقیقت می گردد و در نادانی خویش سرگردان می شود و از طلب دانش، سر باز می زند. بر پایه این حدیث، روشن می گردد که نشانه های عقاید غیر علمی، مانند نشانه های عقاید علمی، هفت تاست: 1. بی اعتنایی به جهل خود، 2. نادیده گرفتن آرای دیگران، 3. دوری از عالمان، 4. تخطئه مخالفان، 5. انکار مجهولات، 6. سرگردانی در نادانی، 7. سر باز زدن از دانش اندوزی. و اینک شرح این نشانه ها:

1. بی اعتنایی به جهل خود نخستین نشانه صاحبان عقاید غیر علمی که به جهت بیماری درونی، خود را عالم می انگارند، این است که مجهولات خود را نمی بینند. بدین جهت، معلومات اندکشان بزرگ جلوه می کند و در نظرشان بزرگ می آید، بدان حد که خود را «عالم به همه چیز» می پندارند، گویا نزدشان مجهولی نیست. بدین جهت، خود را در هر زمینه خبره می دانند و به خود اجازه و حق می دهند که بر پایه حدس و گمان، و به تعبیر امروزی ها با تحلیل، در هر زمینه ای به سان یک رأی علمی قطعی، اظهار نظر کنند.

---

1- از آن جا که ترجمه تحت اللفظی این عبارت، برای خواننده فارسی زبان نامفهوم بود، مضمون آن به فارسی برگردانده شد.

این دسته از مردم، هر اندازه هم عالم باشند و در هر زمینه ای نیز معرفت داشته باشند، از نگاه امام علی علیه السلام شایسته صفت و لقب «عالم» نیستند؛ بلکه شایسته لقب «نادانان حقیقی» اند: *إِنَّ الْجَاهِلَ مَنْ عَدَّ نَفْسَهُ بِمَا جَهَلَ مِنْ مَعْرِفَةِ الْعِلْمِ عَالِمًا*. (1) به راستی که نادان، کسی است که خود را در آنچه نمی داند، عالم بینگارد. نادانی چنین افرادی به اندازه علمشان، آنان را در چاه تاریک جهالت افکنده است؛ جایی که روشنایی بدان نمی رسد تا برایشان سودمند باشد. بر این اساس، یکی از راه های آزمودن عقیده و تمیز دادن عقاید علمی از غیر علمی، آن است که صاحبان عقیده، مورد آزمون قرار بگیرند که: آیا به غرور و بیماری خوددانی مبتلایند، یا از آنها در امان اند؟ و آیا در جایی که علم ندارند، به خود اجازه اظهار نظر می دهند یا خیر؟ و خلاصه به چه میزان، خود را عالم می دانند. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: *مَنْ قَالَ «إِنِّي عَالِمٌ» فَهُوَ جَاهِلٌ*. (2) آن که بگوید من دانایم، در حقیقت، نادان است. پس، نخستین ویژگی عالمان و اهل معرفت، سلامت آنان از غرور علمی است. عالمان حقیقی که بر بالاترین پلکان دانش قرار گرفته اند، می دانند که آگاهی آنان در برابر نادانی شان به حساب نمی آید. از این رو، مبتلایان به غرور علمی و آنان که گمان می برند از دانش، بهره مندند، به نخستین درجه دانش هم

1- ر. ک: ج 2 ص 106 ح 1122.

2- ر. ک: ج 2 ص 54 ح 952 و ج 3 ص 412 ح 3022.

نرسیده اند و این، مصداق سخن امیر مؤمنان علیه السلام است: *مَنْ ادَّعى مِنَ العِلْمِ غايَةً فَقَدْ اَظْهَرَ مِنْ جَهْلِهِ نِهائَةً*. (1) آن که پایان دانش را ادعا کند، نهایت نادانی خود را آشکار ساخته است. کوتاه بینان و تنگ نظران و سطحی گرایان، هر گاه به میزان اندکی از دانش می رسند، غرور علمی، آنان را به استبداد می کشاند و این گونه می شود که آنان تمامی مجهولات خود را با مقدار اندکی از دانش خود می سنجند و خویش را به صورت مطلق، عالم می پندارند. برای مثال، استاد متخصص ادبیات، گمان می کند که هر کسی که در فهم ادبیات مانند او باشد، به هر چیزی علم دارد و می تواند در هر زمینه و هر مسئله ای رأی قاطع صادر کند. یا عالم ریاضیات، معتقد است که ریاضیدانان، عالم اند و مُجازند در هر زمینه ای ولو عقیدتی و اجتماعی، اظهار نظر کنند. و همین گونه است: فقیه، اصول دان، فیلسوف، مفسّر و دیگران. هر کسی در هر شاخه ای از دانش و معرفت تخصص پیدا کند، اگر به غرور علمی مبتلا باشد و نسبت میان معلومات و مجهولات خود را نشناسد، گمان می کند که اندیشه اش از آن رو که در حوزه تخصصی خودش درست است، در هر زمینه ای نیز چنین است، گرچه از تخصصش بیرون باشد. بدین جهت، به خود حق می دهد که در هر مسئله ای اظهار نظر کند. حکایت شده است که يك عالم «نحو»، بر کشتی سوار شد و به هنگام گفتگو با ناخدای کشتی، خواست دانش و منزلت علمی خود را به رخ بکشد تا شاید ناخدا علاقه مند به آموختن «نحو» گردد. بدین جهت از او پرسید: آیا نحو

## بنیاد اختلافات عقیدتی

آموخته ای؟ ناخدا پاسخ گفت: خیر. عالم نحو بدو گفت: پس نیمی از عمرت بر فناست! هر که نحو نیاموزد، عمرش را در نادانی، تباه کرده است. اگر بخواهی از نیمه باقی مانده عمرت بهره ببری، می باید این دانش را بیاموزی. ناخدا قدری اندیشه کرد و پاسخ این ادیب مغرور بر او گران آمد. چیزی نگذشت که طوفان در گرفت و دریا متلاطم شد و امواج، دریا را فرا گرفت. کشتی به تلاطم افتاد و از این سو به آن سو پرت می شد و به واژگونی نزدیک شده بود که ناخدا رو به عالم نحو کرد و دید خود را باخته و دست از پا نمی شناسد. فرصت را برای پاسخگویی به وی غنیمت شمرد و گفت: ای استاد! آیا شنا بلدی؟ عالم نحو پاسخ گفت: خیر، شنا نمی دانم. ناخدا گفت: تمام عمرت بر فناست! برای نجات، چاره ای جز شناگری نیست. چه اندک اند عالمانی که به سان این نحوی نمی اندیشند و فریفته غرور علمی نیستند، بویژه در مسائل اعتقادی؛ لیکن مغروران، خواه آنان که هرگز به پژوهش پرداخته اند و خواه آنان که از دریا به قطره ای اکتفا کرده اند، در این که اجتهاد را تنها از آن خویش می دانند و به خود حق می دهند تا در هر زمینه ای ولو زمینه ای که در تخصصشان نیست، اظهار رأی کنند، همگی برابرند.

بنیاد اختلافات عقیدتی یکی از ریشه های اساسی اختلافات عقیدتی و تضاد میان نظریه های حاکم بر جهان، در همین اظهار نظر غیر متخصصان، نهفته است. وقتی نادان عالم نما اظهار نظر می کند، دیگر نادانان، بدون توجه به تخصص و به عنوان این که او عالم است، از او می پذیرند و از وی پیروی می کنند و بدین صورت، عقاید و نظریه های متضاد شکل می گیرد. از امام علی علیه السلام سخنی در این زمینه نقل شده است که اگر آن را معجزه امام تلقی کنیم، مبالغه نکرده ایم:

لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ. (1) اگر نادان سکوت کند، مردم اختلاف نمی کنند. به حقیقت، اگر نادان در آن جا که تخصصی ندارد، از اظهار نظر خودداری ورزد، اختلافات فکری و عقیدتی، برچیده می شود و اندیشه ها به نقطه مشترک می رسند. اگر نادان در حوزه، دانشگاه، بازار و...، سکوت کند و از اظهار نظرهای مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... بپرهیزد، و خلاصه اگر غیر متخصصان، در مسائل عقیدتی اظهار نظر نکنند، اختلافات از جامعه بشری ریشه کن می گردد. در دوران معاصر و در طول تاریخ، شاهد ده ها مکتب و صدها عقیده و هزاران فکر متفاوت و بلکه متضاد هستیم و شاهدیم که هر کس گروهی را اطراف خود جمع کرده است و خود را صاحب نظر و رئیس سازمان و گروه می پندارد و دیدگاه خود را بر آنان فرض می کند. اگر از ریشه این اختلافات به طور اساسی جستجو کنیم، به ریشه هایی می رسیم که امام علی علیه السلام بدان اشاره فرمود: اظهار نظر نادانان و غیر متخصصان و تحمیل دیدگاه های پوشالی خویش بر حقیقت و واقعیت. اگر صاحبان اندیشه مصمم شوند که رأی را تا قطعی نشده، ابراز نکنند و فرضیه های اثبات نشده را به عنوان دیدگاه های علمی عرضه ندارند، اختلاف به صورت ریشه ای از جامعه بشری برگنده می شود و اندیشه ها در زمینه حقایق هستی، به نقطه های مشترک می رسند؛ چرا که حق، یکی بیش نیست و نمی تواند

## 2. نادیده گرفتن آرای دیگران

بیشتر از یکی باشد. از سوی دیگر، در میان همه دیدگاه‌های متناقض و اندیشه‌های مختلف و عقاید متضاد، يك عقیده صحیح و علمی و مطابق با واقع، وجود دارد و سایر دیدگاه‌ها قطعاً نادرست، غیر علمی و غیر واقعی اند. پس چگونه می‌شود که همه آرا و نظریه‌ها حق باشند، با این که با یکدیگر متناقض اند و هر يك، رأی مغایر با دیگری دارد؟

2. نادیده گرفتن آرای دیگران و مین نشانه صاحب آرا و عقاید غیر علمی، آن است که به رأی دیگران به هیچ روی، احترام نمی‌گذارد و بدان، نه توجه دارد و نه اعتنا می‌ورزد؛ بلکه به گفته امام علی علیه السلام در حدیث پیش گفته: *بِرَأْيِهِ مُكْتَفِيًا*. به رأی خویش اکتفا می‌ورزد. از این رو، یکی از راه‌های آزمودن عقیده، آن است که صاحب رأی، آزمایش شود که: آیا به خود اجازه می‌دهد در آرا و عقاید دیگر بنگرد و آنها را مورد پژوهش و بررسی قرار دهد، یا معتقد است که هر آنچه وی می‌گوید، صواب و صحیح، و آنچه دیگران می‌گویند، نادرست و باطل است؟ آن که به بیماری خوددانی مبتلاست \_ که لازمه اش این است که خود را دانای مطلق می‌انگارد \_ احساس نمی‌کند به مطالعه و بررسی آرای دیگران نیازمند است؛ ولی آن که از این بیماری در امان است و به اندازه محدود دانسته‌های خویش در برابر مجهولات بی‌نهایت، آگاه است، احتمال می‌دهد که فهم دیگران درست باشد. بدین روی به رأی خویش بسنده نمی‌کند و آرای



**3. دوری از عالمان**

دیگران را مورد پژوهش و بررسی قرار می دهد. امام علی علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید: **ما أعجبَ برأيه إلا جاهلٌ**. (1) جز نادان ، کسی به رأی خود ، خوش بین نیست.

3. دوری از عالمانسومین نشانه صاحبان آرا و عقاید غیر علمی ، آن است که از نزدیک شدن به عالمان حقیقی ، پرهیز می کنند. آنان مانند خفاشان شب ، از نور خورشید می گریزند و به هنگام درخشش خورشید ، در تاریکی غارها و دخمه ها به سر می برند. این مردمان ، از فروغ دانش و دانشمندان حقیقی بیمناک اند و به خود اجازه نمی دهند که از مخفیگاه خویش بیرون بیایند و به عالمان حقیقی نزدیک شوند و از فروغ دانش برخوردار شوند . اینان ، مصداق سخن پیش گفته امام علی علیه السلام هستند که : **فَمَا يَزَالُ مِنَ الْعُلَمَاءِ مُبَاعِدًا ، وَعَلَيْهِمْ زَارِيًا** . [ نادان، ] همواره از دانشمندان ، در حال گریز است و آنان را نکوهش می کند. مردم دانانما، همیشه از دور به آرا و عقاید دانشمندان ، خرده می گیرند و مرام آنان ، نق زدن است ، نه تقدادی کردن. مبتلایان به بیماری خوددانایی ، آمادگی ندارند برای مباحثه و مناظره ، با عالمان همنشین شوند تا عقایدشان به داوری گذاشته شود. آنان با شتاب ، رأی خود را در مسئله مبدأ و معاد ، امور اقتصادی ، سیاسی ، عدالت اجتماعی ، مدیریت جامعه و... به عنوان تنها رأی و نظر صواب ، ابراز می دارند و جز برای

1- ر. ك : ج 2 ص 68 ح 1000 .

**4. تخطئه مخالفان****5. انکار مجهولات**

رأی خود یا حزب و سازمان و مؤسسه شان درستی معتقد نیستند و بر این باورند که آنچه دیگران می گویند، خالی از صواب است و چنانچه جامعه رأی آنان و یا حزب و سازمان و مؤسسه شان را طرد کند، از جامعه و جمع، جدا شده، به مخالفت بر می خیزند و زبان به انتقاد و نق زدن می گشایند.

4. تخطئه مخالفانچهارمین نشانه مبتلایان به خوددانیایی، آن است که پیوسته آرا و عقاید دیگران را تخطئه می کنند. به سخن دیگر، مبتلا به بیماری «معرفت خیالی» می پندارد که کلید درك و روشن فکری، در قبضه اوست و گمان می برد که بر دیگران لازم است که برای فهم درست آرا و عقاید، به روش فکری او پایبند شوند و از او پیروی نمایند تا بدان جا رسند که او رسیده است. و اگر بدان جا نرسند، نباید جز عقاید و آرای خویش را سرزنش کنند، که خطا و کج روی از آنهاست، یعنی همان سخن امام علی علیه السلام که فرمود: **وَلِمَنْ خَالَفَهُ مُخَطَّئًا**. و [نادان،] هر کس را که با او مخالفت ورزد، تخطئه می کند.

5. انکار مجهولاتپنجمین نشانه صاحبان رأی غیر علمی، انکار حقایقی است که نمی دانند، چنان که امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام، در حدیث پیش گفته فرمود: **إِنَّ الْجَاهِلَ . . . إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا يَعْرِفُهُ أَنْكَرَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَقَالَ بِجَهَالَتِهِ: مَا أَعْرِفُ هَذَا، وَمَا أَرَاهُ كَانَ، وَمَا أَظُنُّ أَنْ يَكُونَ، وَأَتَى كَأَن؟! وَلَا أَعْرِفُ ذَلِكَ، لِثِقَتِهِ بِرَأْيِهِ وَقَلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ**. همانا نادان، کسی است که هر گاه کاری بر او عرضه شود که آن را نمی شناسد،

انکار می کند و دروغ می شمرد و از روی نادانی می گوید: «این را نمی شناسم و گمان نکنم که وجود داشته باشد، یا در آینده محقق گردد. چگونه وجود داشته است، در حالی که من آن را نمی شناسم؟». این همه، بر پایه اعتماد به رأی خویش و ناآگاهی از جهالت هایش است. همچنین امام علی علیه السلام فرموده است: لا تُرَدُّ عَلَى النَّاسِ كُلِّ مَا حَدَّثوكَ بِهِ، فَكَفَى بِذَلِكَ جَهْلًا. (1) همه آنچه را مردم برای حدیث می کنند، انکار مکن، که این برای اثبات نادانی، کافی است. به عنوان مثال، اگر هزار سال قبل، به کسی که به بیماری خوددانی مبتلا بود، گفته می شد که موجودات بسیار ریزی وجود دارند که چشم غیر مسلح، آنها را نمی بیند و همانها سبب بیماری های جسمی اند، یا به وی گفته می شد که خون در بدن، گردش می کند و اگر از حرکت باز ایستد، آدمی می میرد، یا گفته می شد که ماده، از ذرات ریزی تشکیل شده است و هر جزئی، خود از ذره های ریزتر تشکیل شده و در آن جزء، الکترون ها بر گرد پروتون ها و نیز هسته ها با سرعت سرسام آوری می چرخند و آدمی زادگان از این ذره، اسلحه های ویرانگر می سازند که می تواند در چند لحظه به حیات کره زمین پایان دهد، بی تردید، چنین شخصی، همه این پیشگویی ها را نفی می کرد و آنها را خرافه و خیال می شمرد و گمان می کرد که اگر چنین حقایقی وجود داشت، وی آنها را ضرورتاً می شناخت و از آن جا که تا آن زمان، وی آنها را نشناخته بود، هر که چنین ادعا می کرد، او را تکذیب می نمود و رأی او را غیر علمی و بر خلاف واقع می انگاشت.

**6. لجاجت در مباحث علمی**

امام علی علیه السلام نیز برای از میان بردن چنین برخوردهایی با حقایق علمی از سوی مدعیان معرفت، در همان حدیث فرمود: *وَذَلِكَ لِثِقَتِهِ بِرَأْيِهِ وَقَلَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِجَهَالَتِهِ*. این اظهار نظرها، به جهت اعتماد به رأی خویش و آگاهی اندک از مجهولات خود است. به سخن دیگر، اگر این منکران حقیقت، اندازه نادانی خود را می دانستند و می فهمیدند که دانسته هایشان در برابر مجهولات، به حساب نمی آید، اینچنین به عقاید خود کرنش نمی کردند و این اندازه بر آن اعتماد نمی ورزیدند و آنچه را بدان علم نداشتند، انکار نمی کردند. امام علی علیه السلام در ادامه همان حدیث، آثار زیانبار این بیماری خطرناک را چنین گوشزد می کند: *فَمَا يَنْفَكُ مِمَّا يَرَى فِيمَا يَلْتَسِسُ عَلَيْهِ رَأْيُهُ وَمِمَّا يَعْرِفُ لِلْجَهْلِ مُسْتَفِيداً، وَلِلْحَقِّ مُنْكَراً*. در نتیجه، از ناحیه آرای غلطی که افکار نادرست بر او مشتبه کرده و از طریق آنچه نمی شناسد، پیوسته بر نادانی می افزاید و حق را انکار می کند. این، بزرگ ترین زیان خوددانی است که نه تنها بیمار را در نادانی نگه می دارد و بر جهل مرکبش می افزاید، بلکه به تدریج، نادانی های نوینی به صورت علم برای او پدیدار می کند و راه درمان، بیش از پیش بر او مسدود می گردد.

6. سرگردانی در نادانیشمین علامت صاحبان آرا و عقاید غیر علمی، این است که در نادانی خویش،

**7. سر باز زدن از دانش اندوزی**

سرگردان است . کسی که مبتلا به بیماری خوددانا بینی است ، نمی تواند باور کند که سخن طرف مقابل ، صحیح است و از این رو، در پی درك حقیقت نیست، در دانایی اندك خویش سیر می کند و گرد آن می چرخد، از این رو می خواهد حرف خود را به کرسی بنشاند و رأی و عقیده خود را به مخاطب بقبولاند، چنان که امام علی علیه السلام در حدیث پیش گفته فرمود : *وَفِي الْجَهَالَةِ مُتَحَيِّرًا* . و در نادانی خویش سرگردان است .

7. سر باز زدن از دانش اندوزی هفتمین علامت صاحبان آرا و عقاید غیر علمی ، تکبر در تحصیل علم است و به عبارت دیگر ، نادان ، به خاطر تکبر ، از تحصیل علم ، امتناع می ورزد. کسی که خود را چنان دانا می پندارد که نادانی خویش را نمی بیند و به رأی دیگران اعتنا ندارد و از دانشمندان فاصله می گیرد و مخالفان آرا و عقاید خود را تخطئه می کند و با لجاجت می خواهد عقیده خود را اثبات کند ، معنا ندارد که در صدد تحصیل و پژوهش باشد ؛ بلکه این ویژگی ها کبر و غروری در او ایجاد می کنند که برای همیشه از شناخت حقایق هستی محروم می گردد.

**فصل ششم: آزادی عقیده****اشاره**

فصل ششم: آزادی عقیده یکی از مسائل بسیار مهم و قابل توجه در جهان امروز، بویژه پس از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، مسئله «آزادی عقیده» است. در ماده هجدهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، آمده است: 1. هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب، برخوردار شود و از جمله حق دارد مذهب و معتقدات دلخواه خود را داشته باشد یا بپذیرد، و انفراداً یا مشترکاً، به طور علنی یا در خلوت، مذهب یا ایمان خود را با عبادات و اجرای فرایض و رسوم و تعلیمات مذهبی، ابراز کند. 2. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول مذهب یا معتقدات دلخواهش لطمه وارد آورد. 3. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیت ها کرد، مگر آنچه منحصر به موجب قانون، پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم و سلامت یا عفت عمومی و یا حقوق و آزادی اساسی دیگران، ضرورت داشته باشد.

4. کشورهای طرف این میثاق، متعهد می شوند که آزادی والدین و (بر حسب مورد) سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان، مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند. در ماده نوزدهم این میثاق چنین آمده است: 1. هر کس حق دارد که مصون از دخالت دیگران، دارای عقایدی باشد. 2. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق، شامل: آزادی دسترس و دریافت و انتقال اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سه گونه مختلف انتقال اطلاعات، خواه شفاهی یا به صورت مکتوب یا به صورت غیر مستقیم (مثلاً از طریق هنر) و یا با هر وسیله دلخواه دیگر است، می گردد. 3. اعمال حقوق مذکور در بند دوم این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت هایی خاص است و از این رو، ممکن است تابع محدودیت های معینی شود که در قانون، به آنها تصریح شده است و برای امور ذیل، ضرورت دارد: الف. احترام به حقوق یا حیثیت دیگران. ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی، سلامت و یا عفت عمومی. (1) در این فصل می خواهیم آزادی عقیده را از دیدگاه عقل و از منظر اسلام، مورد بررسی قرار دهیم و سپس توضیح دهیم که هدف از طرح مسئله «آزادی عقیده» در جهان امروز چیست؛ ولی قبلاً سه مسئله، به عنوان مقدمه، باید مورد توجه قرار بگیرد. این مسائل، عبارت اند از: معنای عقیده، منشأ عقیده و معنای آزادی عقیده.

## معنای عقیده

## منشأ عقیده

## 1. تحقیق

معنای عقیده در فصل اول به صورت مبسوط به این موضوع پرداختیم و گفتیم که عقیده از ریشه «عقد» به معنای بستن (پیوند) است. وقتی نظری به ذهن پیوند می خورد، به آن «عقیده» گفته می شود و در این مورد، فرقی میان نظر درست یا نادرست نیست. بنا بر این، انسان، هر چه را باور کند، حق باشد یا باطل، درست باشد یا نادرست، مطابق با واقع باشد یا غیر مطابق، برای او و جامعه مفید باشد یا مضر، به آن، «عقیده» گفته می شود.

منشأ عقیده عقاید انسان که اساس عمل و جهتگیری های او را تشکیل می دهند، از کجا نشئت می گیرند و چگونه انسان چیزی را باور می کند؟ این، سؤال بسیار مهمی است که قبل از بررسی مسئله «آزادی عقیده» باید به آن پاسخ گفت و با پاسخ به این سؤال، اظهار نظر درباره آزادی عقیده، ساده تر می شود. با کمی تأمل مشخص می شود که عقاید انسان به یکی از این دو منشأ باز می گردند:

1. تحقیقگاهی انسان با اندیشه آزاد و با مطالعه و تحقیق درباره مسئله ای می اندیشد و به عقیده ای می رسد. مثلاً تحقیق می کند که: آیا زمین به دور خورشید می گردد یا خورشید به دور زمین؟! آیا چیزی بجز ماده وجود دارد یا ندارد؟ و... در این صورت، منشأ عقیده او تحقیق است، خواه نظریه او مطابق با واقع باشد و خواه



**2. تقلید**

مطابق با واقع نباشد.

2. تقلیدگاه عقیده انسان، محصول تحقیق و بررسی با اندیشه آزاد نیست، بدین صورت که یا تحقیق نکرده عقیده ای را می پذیرد و یا اگر تحقیق کرده، با اندیشه در بند تقلید، به باوری می رسد، که در هر دو صورت، منشأ عقیده او، تقلید است. بنا بر این، ریشه عقاید انسان، یا تحقیق است و یا تقلید. البته منشأ سومی هم وجود دارد که همان الهام و اشراق است، که چون این منشأ عمومیت ندارد و مختص به افراد خاصی است، فعلاً مورد بحث ما نیست. (1) آنچه قابل توجه است، این که: از يك بررسی دقیق، به این نتیجه می رسیم که عقاید مردم، عمدتاً مبنای فکری و ریشه تحقیقی و استدلالی ندارند؛ بلکه ناشی از تقلیدند. پدر و مادر، قوم و قبیله، محیط زندگی، حزب و سازمان و گروه، و شخصیت های مورد احترام، نظری را به انسان تلقین می کنند و او، بدون مطالبه برهان و از روی تقلید، آن نظر را می پذیرد و به تدریج با آن، خو می گیرد و به آن عادت می کند و آن نظر به روح و ذهن او گره می خورد و ضمیمه ذهنش می شود و در جانش مستقر می گردد و به صورت عقیده و باور او در می آید. به همین دلیل، خانواده و محیط زندگی، در تکوین عقاید عمده مردم، سهمی اساسی دارند. معمولاً هر کس، در هر خانواده و هر محیطی که زندگی کند، عقاید افراد آن خانواده و محیط به او منتقل می شود و کمتر کسی است که عقاید خود را کاملاً از راه تحقیق، تحصیل کرده باشد. بر همین

---

1- ر. ک: ج 2 ص 433 (دل) و ص 481 (خاستگاه الهام).

## آزادی عقیده

قرآن کریم به انسان هشدار می دهد که اگر از عقاید بیشتر مردم جهان پیروی کند ، گم راه می شود : «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (1) و اگر از بیشتر کسانی که در زمین زندگی می کنند ، فرمان بیری ، تو را از راه خدا گم راه می کنند ؛ زیرا آنان ، تنها از گمان ، پیروی می نمایند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند» .

آزادی عقیده قبل از بحث درباره آزادی عقیده ، باید مشخص شود که مقصود از این آزادی چیست ؛ زیرا تا معنای «آزادی عقیده» معلوم نشود ، داوری درباره درست یا نادرست بودن آن ، ممکن نیست. آزادی عقیده را سه گونه می توان تفسیر کرد : الف \_ آزادی انتخاب عقیده ؛ یعنی انسان آزاد است هر چه را که می خواهد ، باور کند. ب \_ آزادی اظهار عقیده ؛ یعنی انسان آزاد است هر چه را که باور کرد ، بیان کند. ج \_ آزادی تبلیغ عقیده ؛ یعنی انسان آزاد است هر چه را که باور کرد ، ترویج کند. بنا بر این ، وقتی آزادی عقیده مطرح می شود ، ممکن است هر يك از این سه معنا و یا مجموع آنها مقصود باشد. اکنون با توجه به معنا و منشأ عقیده و آنچه در تفسیر آزادی عقیده ذکر شد ، می خواهیم بینیم نظر عقل درباره آزادی عقیده چیست.

## آزادی عقیده از دیدگاه عقل

### الف \_ آزادی انتخاب عقیده

آزادی عقیده از دیدگاه عقل دربارۀ هر يك از معانی آزادی عقیده ، نظری خاص دارد و در نتیجه به طور مطلق نمی تواند دربارۀ آزادی عقیده ، داوری کند. بدین جهت ، لازم است هر يك از این معانی ، جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد.

الف \_ آزادی انتخاب عقیده نخستین معنای آزادی عقیده ، این است که انسان در انتخاب عقیده آزاد باشد و به دلخواه ، هر عقیده ای را که می خواهد ، اختیار کند و هر چه را که می خواهد ، باور کند. با کمی تأمل ، معلوم می شود که این نوع آزادی عقیده ، عقلاً امکان پذیر نیست ؛ زیرا عقاید انسان ، نه در اختیار خود اوست و نه در اختیار دیگری. انسان ، نه می تواند هر چه را که بخواهد ، باور کند و نه دیگری می تواند به زور ، عقیده ای را بر انسان ، تحمیل نماید. عقیده ، مثل لباس نیست که اگر انسان خواست ، این لباس ، و اگر نخواست ، لباسی دیگر را انتخاب کند و یا دیگری او را مجبور کند که این لباس و یا آن لباس را بپوشد. باورهای انسان ، مانند عشق و علاقه و محبت های اوست ، چنان که نه در اختیار عاشق است که به هر کس و یا هر چیز که می خواهد و تصمیم می گیرد ، عشق بورزد یا نورزد ، و نه در اختیار دیگری است تا بتواند او را وادار کند که عاشق کسی یا چیزی بشود یا نشود. کسی که معتقد است الآن روز است ، نه خودش می تواند باور کند که الآن شب است و نه دیگری می تواند او را مجبور کند که اعتقاد خود را تغییر دهد. ممکن است کسی وادار شود که چیزی را بر خلاف عقیده خود بگوید ؛ ولی امکان ندارد کسی وادار شود که عقیده خود را عوض کند.

**ب\_ آزادی اظهار عقیده**

برای گالیله در سال 1632 میلادی، درباره عقاید بطلمیوس و کپرنیک، کتابی نوشت. سال بعد، پاپ، او را به رم خواست و اظهار عقیده او را در مورد حرکت زمین بر گرد آفتاب، کفر شمرد و مجبورش کرد که به زانو در آید و از آن عقیده استغفار کند. معروف است که چون گالیله استغفار کرد و از جا برخاست و بیرون رفت، دیدند که با انگشت روی زمین نوشته است: «با این همه، زمین حرکت می کند».

(1) تنها در يك صورت، عقیده قابل تغییر است و آن، وقتی است که منشأ پیدایش عقیده، تغییر کند. اگر منشأ عقیده ای تحقیق است، ممکن است پژوهشگر در ادامه تحقیقات خود، با دلایلی مواجه شود که بطلان عقیده او را ثابت کند و اگر منشأ پیدایش عقیده ای تقلید است، ممکن است زنجیر تقلید، شکسته شود. (2)

ب\_ آزادی اظهار عقیده دومین معنای آزادی عقیده، آزادی انسان در بیان و اظهار عقیده است. از دیدگاه عقل، این از ابتدایی ترین حقوق بشر است که هر کس بتواند بگوید: «عقیده من، این است» و هیچ کس حق ندارد مزاحم او شود، همان طور که هر کس حق دارد زندگی شخصی خود را، هر گونه که می خواهد، اداره کند، البته تا آن جا که مزاحم دیگران نباشد. آزادی اظهار عقیده، علاوه بر این که حقّ طبیعی هر انسان است، موجب برخورد آرا و رشد باورهای علمی و تصحیح عقاید نیز هست. بنا بر این، کمترین تردیدی در صحّت و ضرورت این آزادی از منظر عقل

1- ر. ک: فرهنگ معین: ذیل «گالیله».

2- به این موضوع در بحث از معانی دیگر آزادی عقیده، خواهیم پرداخت.

نیست . آنچه در این مورد ، قابل بررسی است ، دو مسئله است : مسئله اول . آیا انسان حق دارد بر خلاف آنچه می داند و عقیده واقعی اوست ، اظهار نظر کند؟ مسئله دوم . آیا انسان ، عقلاً در تصحیح عقاید موهوم و باورهایی که مبتنی بر تفکر و تحقیق نیستند ، وظیفه ای دارد؟ در پاسخ سؤال اول ، باید گفت : اگر ما باشیم و داوری عقل ، هر چند عقل اظهار نظر کردن بر خلاف باور واقعی را تقبیح می کند ، ولی تا آن جا که استفاده از آزادی بیان ، ضرری به دیگران نرساند ، مجوزی برای سلب آن نمی بیند . پاسخ سؤال دوم نیز این است که عقل ، ضمن این که بیان عقیده را آزاد اعلام می کند ، به دو دلیل اقدام برای تصحیح عقاید را لازم می داند : دلیل اول ، این که : عقیده ، اساس و پایه عمل است و باورهای موهوم و نادرست ، جامعه را به فساد و تباهی می کشند . دلیل دوم ، این که : مبارزه با عقاید موهوم ، اقدامی در جهت آزادسازی اندیشه است و عقل نمی تواند موجبات آزادی خود را لازم نداند . توضیح ، این که : آزادی عقیده و آزادی اندیشه ، اصولاً با هم تضاد دارند ؛ یعنی نمی شود هم عقیده آزاد باشد و هم اندیشه آزاد باشد ؛ زیرا همان طور که پیش تر توضیح داده شد ، عقیده چیزی است که به ذهن ، بسته می شود و پیوند می خورد و ضمیمه جان انسان می گردد . بدین جهت ، باورهای انسان ، اگر مبنای فکری و تحقیق نداشته باشند ، زنجیرهایی می گردند که دست و پای فکر و روح را در بند می کشند و اندیشه را در حصار موهومات ، حبس می کنند و نمی گذارند انسان ، آزاد بیندیشد و به باورهای علمی و مطابق با واقع برسد .

## ج - آزادی تبلیغ عقیده

بر این اساس، یا باید آزادی اندیشه را انتخاب کرد و یا آزادی عقاید موهوم را. اگر آزادی اندیشه انتخاب شود، مبارزه برای شکستن زنجیرهای عقاید موهوم، یک امر جدی و لازم است و همان طور که کسی وقتی در زنجیر محکم بسته شده، خود نمی تواند آن زنجیر را باز کند و شخصی آزاد باید برای آزادی او اقدام نماید، همچنین اندیشه ای که در زنجیر باورهای غلط محکم بسته شده و عقاید نادرست، آن را احاطه کرده اند، خود نمی تواند خویش را از بند باورهای نادرست نجات دهد و باید فرد دیگری که آزاد است، برای شکستن این زنجیرها و آزادی او اقدام کند. بنا بر این، از دیدگاه عقل، اقدام برای پالایش عقاید دیگران، امری لازم است و با عنایت به این که پالایش عقاید، با زور و اجبار، امکان پذیر نیست، اقدام برای پالایش عقاید دیگران، عبارت است از: روشنگری برای رشد عقاید صحیح، آشنا کردن مردم با حقایق از طریق برهان، و نشان دادن تحقیق به جای تقلید. البته اگر فرد یا افرادی سدّ راه آزادی اندیشه و پالایش عقاید شوند، دیگر جای برهان نیست و در این جا عقل می گوید که این سد باید با قدرت شکسته شود تا زمینه رشد عقاید درست و زوال عقاید نادرست مهیا گردد.

ج - آزادی تبلیغ عقیده سومین معنای آزادی عقیده، آزادی ترویج عقیده و انتقال آن به دیگران است، خواه مبنای عقیده، تحقیق باشد یا تقلید، و خواه آن عقیده مطابق با واقع باشد یا مطابق با واقع نباشد و یا برای جامعه مفید باشد یا مضر. وقتی عقل، با ادله ای که ذکر شد، مبارزه با عقاید موهوم را لازم می داند،

## عقیده به بردگی

تردیدی نیست که نمی تواند آزادی تبلیغ عقیده را، به طور مطلق تجویز کند. چگونه عقل می تواند بپذیرد باورهای موهومی که مبنای فکری و تحقیقی ندارند و اندیشه را در بند می کشند و رشد جامعه را متوقف می کنند و جامعه را به عقب می رانند و برای مردم زیانبارند، ترویج شوند. عقاید نادرست و زیانبار، نوعی بیماری روانی اند و بیماری های روانی، به مراتب از بیماری های جسمی، خطرناک ترند. وقتی عقل اجازه نمی دهد که انسان در انتقال بیماری های جسمی خود به جامعه آزاد باشد، چگونه می تواند آزادی انتقال بیماری های روانی را تجویز کند؟

عقیده به بردگیبرده بودن ذاتی انسان های مستضعف، عقیده ای است که به ارسطو نسبت داده می شود. او در کتاب سیاست می گوید: طبیعت، غلام را خلق کرده و اصولاً بربرها و اقوام دور از تمدن برای خدمت گزاری، و یونانیان برای فرمان رویی و آزادگی، آفریده شده اند. (1) به گفته ویل دورانت: پس از گذشت چندین قرن، بردگی جزو عادات به شمار می رفت و مردم به آن، همچون يك امر ضروری و فطری می نگریستند، ارسطو آن را طبیعی و غیر قابل اجتناب می شمرد و بولس حواری، این سازمان را تقدیس می کرد و از دیدگاه او، نظامی بود که با مشیت الهی سازگاری داشت. (2) ارنست رنان نیز این اعتقاد را تأیید می کند. به عقیده او غرب، نژاد کارفرما

1- به نقل از: تاریخ بردگی: ص 35.

2- تاریخ تمدن: ج 1 ص 33.

## عقیده به زنده به گور کردن دختران

### عقیده به تغذیه از خون

و شرق ، نژاد کارگر است و برای همین است که طبیعت ، نژاد کارگر را بیشتر می کند.

عقیده به زنده به گور کردن دخترانه گفته ویل دورانت : در بعضی از نقاط (مانند : گینه جدید ، هیبرید جدید ، جزایر سلیمان و فیجی ، هندوستان و غیره ، زن را خفه می کردند و با شوی مرده اش در گور می گذاشتند و یا از وی می خواستند خود را بکشد تا در حیات آن جهانی به خدمت گزاری شوهر، قیام کند. (1) مشرکان معاصر پیامبر اسلام ، معتقد بودند که اصولاً زن ، مایه ننگ و موجب شرمساری است و بدین جهت دخترهای خود را زنده به گور می کردند.

عقیده به تغذیه از خون ویل دورانت در بحث از عوامل کلی تمدن ، پس از ذکر انواع غذاهای انسان های ابتدایی (از آب گوشت شپش گرفته تا گوشت آدم) درباره تغذیه از خون انسان ها می نویسد : اکنون برای بسیاری از قبایل ، خون انسان ، غذای بسیار لذیذی است ... و چه بسیار مردم قبایل که پاك دل و نیکومش هستند و در عین حال ، خون انسان را گاه به عنوان دارو و گاه به عنوان وفای به نذر یا انجام دادن عمل دینی می آشامند و غالباً عقیده شان این است که چون خون کسی آشامیده شود ، نیروی او به شخصی که آن را آشامیده است ، انتقال می یابد... (2)

1- تاریخ تمدن : ج 1 ص 53 .

2- تاریخ تمدن : ج 1 ص 18 \_ 19.



## اسلام و آزادی عقیده

### آزادی انتخاب عقیده در نگاه اسلام

اینها نمونه ای از هزاران هزار باور موهوم و نادرست جوامع مختلف بشری است و اگر کتابی درباره باورهای موهوم تألیف شود، بالغ بر ده ها جلد خواهد شد. آیا عقل اجازه می دهد که این باورهای نادرست و خطرناک و عقاید مشابه خطرناک تری که استکبار جهانی امروز، برای خونخواری و آدمخواری و بردگی انسان به شکل جدید، ترویج می کند، آزاد باشد؟

اسلام و آزادی عقیده‌ها این جا، کلام درباره آزادی عقیده از منظر عقل بود و اجمالاً به این نتیجه رسیدیم که «آزادی عقیده» به معنای آزادی انسان در انتخاب عقیده، معقول نیست و به معنای آزادی انسان در بیان عقیده است، که حقّ طبیعی انسان به شمار می رود و این، در حالی است که «آزادی عقیده» به معنای آزادی انسان در تبلیغ باورهای موهوم و مضر و انتقال آنها به جامعه، از منظر عقل، اکیدا ممنوع است. اکنون می خواهیم ببینیم نظر اسلام درباره آزادی عقیده چیست؟ پاسخ اجمالی، این که: نظر اسلام درباره آزادی عقیده، همان نظر عقل است. برای تفصیل این اجمال باید دیدگاه اسلام درباره هر يك از معانی آزادی عقیده، به طور مستند، مورد بررسی قرار بگیرد.

آزادی انتخاب عقیده در نگاه اسلام همان طور که در تبیین دیدگاه عقل توضیح داده شد، اصولاً باورهای انسان در اختیارش نیست تا او به دلخواه خود، هر چه را بخواهد، باور کند یا باور نکند.

## آزادی اظهار عقیده در نگاه اسلام

عقیده، مثل لباس نیست که انتخاب و تغییر آن با انسان باشد و هر وقت که خواست و یا هر گاه که وادار شد، آن را عوض کند. عقیده، مثل محبت است که جز با تغییر منشأ آن، قابل تعویض نیست. بنا بر این، عقیده، انتخابی نیست تا آزادی انتخاب آن در اسلام، مورد بررسی قرار بگیرد. از این رو، وقتی عدّه ای از عرب های بادیه نشین \_ که طایفه ای از بنی اسد بودند \_ در خشک سالی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسند و با وجود این که عقاید اسلامی را باور ندارند، تنها به خاطر انگیزه های مادی، اظهار اسلام می کنند، (1) این آیه نازل می شود: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمْنَا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسَلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْأَيْمَنُ فِي قُلُوبِكُمْ. (2) گروهی از اعراب بادیه گفتند: ایمان آوردیم. بگو: «ایمان نیاوردید؛ لیکن بگوید: اسلام آوردیم. و هنوز ایمان وارد دل های شما نشده است»». اسلام، اظهار عقیده به عقاید اسلامی است و ایمان، اعتقاد قلبی به عقاید اسلامی است. اظهار عقیده، در اختیار انسان است؛ ولی اعتقاد قلبی، در اختیار او نیست. از این رو، انسان با انگیزه های مختلف می تواند اظهار عقیده کند؛ ولی اعتقاد، کار قلب است و تنها، وقتی عقاید اسلامی ضمیمه روح شود، می تواند ادعای ایمان نماید.

آزادی اظهار عقیده در نگاه اسلام بررسی قرآن و احادیث اسلامی و نیز تاریخ اسلام، نشان می دهد که اسلام،

1- مجمع البیان: ج 9 ص 207.

2- حجرات: آیه 14.

**ایمان چیست؟**

آزادی بیان و اظهار عقیده را به رسمیت می شناسد و هیچ آیینی به اندازه اسلام برای این آزادی، احترام قایل نیست. در اسلام، نه تنها اظهار عقیده آزاد است، بلکه قرآن کریم رهنمود می دهد که انسان باید سخن های مختلف و آرا و عقاید گوناگون را بشنود و آنها را با اندیشه آزاد، مورد نقد و بررسی قرار دهد و وقتی در تحقیق به بهترین سخن و متین ترین آرا رسید، همان را انتخاب کند و ملاک عمل قرار دهد. به عبارت دیگر، رهنمود قرآن، این است که انسان باید آزادی بیان را راهی برای رشد عقاید صحیح و انتخاب بهترین ها قرار دهد. «فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ. (1) پس بشارت بده به آن بندگان من که به سخن، گوش فرا می دهند و از بهترین آن، پیروی می کنند». در اسلام، نه تنها اظهار عقیده آزاد است، بلکه انسان آزاد است حتی بر خلاف باورهای خود، اظهار نظر کند. البته اسلام، این عمل را قبیح و موجب کیفر اخروی می داند، ولی هیچ گاه او را به زور، وادار به اعتراف به آنچه حق می داند، نمی کند. قرآن در آیات متعددی تصریح می کند که ایمان، اجباری نیست و پیامبر خدا وظیفه ندارد که با زور، مردم را به ایمان آوردن مجبور کند.

ایمان چیست؟ ایمان، عبارت است از باوری که توأم با اقرار و عمل به مقتضای آن باشد. (2)

1- زمر: آیه 17\_18 .

2- ر.ك : میزان الحکمة : باب 255.

اقرار به عقاید اسلامی بدون باور قلبی، ایمان نیست. باور قلبی نیز بدون اقرار عملی، ایمان نیست. به همین جهت، با این که فرعون یقین داشت که آنچه موسی علیه السلام می گوید، حق است و رسالت موسی را قلباً باور کرده بود، ولی به او مؤمن گفته نمی شود؛ چون از روی لجاجت و تکبر، به یگانگی خدا و نبوت موسی علیه السلام اقرار نکرد. (1) البته او در حال غرق شدن، اضطراباً به توحید و رسالت موسی علیه السلام اقرار نمود و گفت: «ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بُنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (2) ایمان آوردم که خدایی جز آن خدا که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد و من یکی از مسلمانانم». او پیش تر باور قلبی داشت؛ اما آنچه او را وادار به اقرار زبانی کرد، ترس از غرق شدن و مردن بود. پس، او مؤمن شد، ولی به صورت اضطراری و از روی اجبار. بنا بر این، ایمان، دو رکن دارد: اعتقاد قلبی و اقرار عملی. رکن اول، در اختیار انسان نیست، یعنی انسان نمی تواند به دلخواه خود، هر چه را بخواهد، باور کند یا باور نکند؛ ولی رکن دوم، در اختیار انسان است، یعنی انسان می تواند به آنچه باور دارد، اعتراف کند و به مقتضای آن عمل نماید و نیز می تواند عملاً به اعتقادات خود اعتراف نداشته باشد. اعتقاد قلبی (رکن اول ایمان) چون در اختیار انسان نیست، اجبار برادر هم نیست، یعنی به زور نمی شود اعتقاد کسی را عوض کرد؛ ولی اقرار عملی (رکن

---

1- «وَجَعَلُوا بَهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا؛ و با آن که دل هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر، آن را انکار کردند» (نمل: آیه 14).

2- یونس: آیه 90.

دوم ایمان) چون در اختیار انسان است، اجباربردار است، یعنی می شود جبراً کسی را وادار کرد که به عقاید خود، عملاً اعتراف کند یا بر خلاف عقیده خود، عمل نماید. پس، این که می گوئیم: ایمان، اجباری نیست، منظور، تنها اجبار در مورد رکن دوم ایمان است؛ زیرا رکن اول ایمان، اجباربردار نیست. به عبارت دیگر، مقصود این است که اسلام، انسان را وادار نمی کند بدون این که عقاید اسلامی را باور کرده باشد، جبراً به آنها اعتراف کند. پس اگر کسی می گوید که معتقد است خدا آفریدگار جهان است و یکتاست، باید بداند به چه دلیل؛ و اگر می گوید که معتقد است محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست، باید بداند که چرا؛ و اگر می گوید که معتقد است انسان پس از مرگ، در قیامت، برای رسیدگی به اعمالش زنده می شود، باید دلیل آن را بداند. اگر نداند که به چه دلیل، یا بگوید: چون پدر و مادر و یا معلمش چنین گفته اند، اسلام، این پاسخ ها را نمی پذیرد. در يك جمله، اسلام می گوید: اصول عقاید، باید تحقیقی باشد و نه تقلیدی، و هر کس باید مسائل اصلی عقیدتی خویش را خود، حل کند و تحلیل دیگری به درد او نمی خورد. از این بالاتر، اسلام، انسان را مجبور نمی کند که حتی به باورهای خود، اعتراف کند. بنا بر این، این که می گوئیم: از منظر اسلام، ایمان اجباری نیست، منظور، این است که اسلام، نه تنها انسان را وادار نمی کند که بدون باور داشتن به عقاید اسلامی، جبراً به آن اعتراف کند و نه تنها اعتراف تقلیدی و بدون تحقیق و اندیشه و علم را نمی پذیرد، بلکه حتی کسانی را که به عقاید اسلامی باور دارند،

ولی با انگیزه های مختلف، عملاً به آن اعتراف نمی کنند، آزاد گذاشته است و مسلمانان حق ندارند آنان را به زور به اعتراف مجبور کنند. قرآن کریم، صریحاً اعلام می دارد که: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (1) اجباری در پذیرفتن دین نیست، که راه درست از راه نادرست، مشخص شد. این آیه، علاوه بر این که تحمیل عملی عقاید دینی را، با صراحت نفی کرده و انسان را حتی در اعتراف عملی به آنچه حق می داند، آزاد گذاشته است، دلیل این آزادی را نیز بیان نموده است. ابتدا می فرماید پذیرفتن عقاید اسلامی و اعتراف عملی به آنها اجباری نیست و مردم در پذیرفتن اسلام، آزادند «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» و بلافاصله توضیح می دهد که دلیل این آزادی، آن است که راه درست و راه نادرست، مشخص شده است «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». دین، برنامه و راه تکامل انسان است و انسان برای اجرای این برنامه و پیمودن این راه، یا باید راه را بداند تا بتواند آن را با اراده و آزادی طی کند و یا باید به اجبار از این راه برده شود. از منظر قرآن کریم، وقتی راه تکامل انسان مشخص شد، دلیلی ندارد که دین، اجباری باشد؛ بلکه مقتضای دلیل، این است که انسان در انتخاب راه تکامل خود، آزاد باشد؛ زیرا تکامل انسان، اختیاری است و انسان در صورتی به فلسفه آفرینش خود دست می یابد که آزادانه و با اختیار خود، راه درست را انتخاب کند. بنا بر این، وقتی راه درست مشخص شده است، ولی او از آزادی، سوء استفاده می کند و از راهی که درستی آن را می داند، منحرف می شود و راهی را

انتخاب می نماید که می داند درست نیست، اجبار، بی معناست؛ بگذار تا بیفتد و ببیند جزای خویش. نکته قابل توجهی که نگارنده تاکنون ندیده که در نوشته ای به آن توجه شده باشد، این است که از دلیلی که در این آیه شریف برای آزادی مردم در پذیرفتن اسلام مطرح شده است «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» معلوم می شود که در این آیه، بلکه در همه آیاتی که مسئله اجبار (اجبار) در آنها مطرح شده است، سخن درباره کسانی است که رشد و غی، برای آنان مشخص است و آنان حقایق اسلام را فهمیده و درستی عقاید اسلامی را درک کرده اند، ولی به انگیزه های مختلف حاضر نیستند به آنچه باور دارند، اعتراف کنند. با این توصیف، قرآن تصریح می کند که کسی حق ندارد آنان را جبرا وادار به اعتراف کند. یکی دیگر از آیاتی که در آن با صراحت، اجراه عملی بر عقاید اسلامی نفی شده، این سخن خدای متعال است: «وَلَوْ سَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (1) اگر پروردگار تو می خواست، همه مردم جهان، جملگی [از روی اجبار،] ایمان آورده بودند. آیا تو ایمان را بر مردم تحمیل می کنی؟!». در شأن نزول این آیه، امام رضا علیه السلام، از پدرانش، از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرموده است که: مسلمانان به پیامبر اسلام پیشنهاد کردند اگر افرادی را که تحت سیطره دارد، مجبور کند که به زور اسلام را بپذیرند، تعداد مسلمانان زیاد می شود و قدرت نظامی آنان علیه دشمنان افزوده می گردد. پیامبر اسلام فرمود:

مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ . من نمی توانم خداوند را با بدعتی که درباره آن ، دستوری برایم نیامده است ، ملاقات کنم و من اهل تکلف و از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم] . در این جا خداوند متعال ، فرمود : ای محمد! «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا؛ (1) اگر پروردگار تو می خواست ، همه مردم جهان ، جملگی ایمان می آوردند» [ و البته این ایمان آوردن،] از روی اجبار و اضطرار [ می بود] ، همان طور که در جهان پس از مرگ ، وقتی دچار سختی می شوند ، ایمان می آورند ، و اگر با آنان چنین کنم ، شایسته پاداش و ستایش من نخواهند بود ؛ ولی من می خواهم به طور آزاد و بدون اجبار ، ایمان بیاورند. (2) خلاصه کلام در تبیین این آیه شریف ، با عنایت به شأن نزول آن ، این است که : در نظام آفرینش ، انسان ، آزاد آفریده شده است تا تکامل و انحطاط او با انتخاب خود او باشد و در نتیجه ، ثواب و عقاب اخروی ، معنا داشته باشد. از این رو ، تحمیل ایمان بر انسان ، چون بر خلاف فلسفه خلقت اوست ، مُجاز نیست و پیامبران الهی نیز حق ندارند بر خلاف سنت آفرینش و مشیت الهی کاری انجام دهند ، هر چند آن عمل ، موجب تقویت حکومت اسلامی و تضعیف دشمنان اسلام شود. سومین مورد از آیاتی که در آنها ، تحمیل ایمان بر انسان ، با صراحت نفی شده

1- . یونس : آیه 99 .

2- . التوحید : ص 341 ح 11 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 135 ح 33 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 343 .



است، آن جاست که خداوند خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ \* لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (1) پس، یاد آور که فقط تو یادآوری [و] مسلط بر آنان نیستی». یعنی وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله یادآوری، روشنگری، ابلاغ پیام های الهی و نشان دادن راه است و این مردم اند که خود باید تصمیم بگیرند و راه راست را انتخاب کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا بر مردم مسلط نشده تا با زور، ایمان را بر آنان تحمیل کند، و در يك کلام، مأموریت پیامبران الهی، تبیین عقیده است، نه تحمیل عقیده. چهارمین آیه ای که صریحا تحمیل عملی عقاید اسلامی در آن نفی شده، آن جاست که خداوند خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِدِ» (2) تو نمی توانی مردم را به آنچه می خواهی، مجبور کنی. پس، با قرآن، کسانی را که از تهدید من می ترسند، یادآوری کن». از این آیه معلوم می شود که پیامبر اکرم، از این که می دید مردم معاصر او، سخت در بند عقاید موهوم و زیانبارند، بسیار رنج می برد و می خواست به هر نحو که شده، آنان را از این بند، آزاد کند و وقتی می دید تلاش های پیگیر او برای آزادسازی تعداد قابل ملاحظه ای از آنان، بی نتیجه است، رنج روحی اش به حدی می رسید که جسم او تاب آن همه ناراحتی را نداشت و لازم بود خداوند، به گونه ای، از این رنج ها \_ که از شفقت و مهربانی او نسبت به مردم ریشه می گرفت \_ بکاهد.

---

1- غاشیه: آیه 21 \_ 22 .

2- ق: آیه 45 .

بنا بر این، آیاتی که ذکر شد، نوعی تسلی (دل‌داری) به پیامبر اسلام است، مبنی بر این که وظیفه او ابلاغ پیام‌های الهی و یادآوری است، نه اجبار و تحمیل ایمان بر مردم، و او وظیفه خود را انجام داده و کوتاهی نکرده است که اگر خداوند می‌خواست مردم به اجبار مؤمن شوند، به گونه‌ای دیگر عمل می‌کرد. آنچه از آیات مذکور استنباط می‌شود، در آیات دیگر به صورت روشن‌تر مطرح شده است، مانند این سخن خداوند: «لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ \* إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَ قُهُمْ لَهَاخَ ضِعْفَيْنِ. (1)» شاید از [غصه] خود را هلاک کنی که چرا ایمان نمی‌آورند! اگر بخواهیم، آیه‌ای از آسمان بر آنان می‌فرستیم که [به اجبار] برای آن، خاضع شوند». و نیز این سخن خداوند متعال: «فَلَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ ذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا \* إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. (2)» شاید توازی پی‌آنان، [از شدت اندوه،] خود را هلاک کنی که چرا به این سخن تازه، ایمان نمی‌آورند! اما آنچه را روی زمین است، زیور آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از آنان، بهتر عمل می‌کنند». این آیات، به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام از گرفتاری مردم در بند عقاید موهوم و کراهت آنان از آزادی و پذیرفتن عقاید صحیح، گاه آن قدر غصه می‌خورده که بیم آن می‌رفته از شدت اندوه، جان خود را از دست بدهد.

1- شعراء: آیه 3\_4.

2- كهف: آیه 6\_7.

## مبارزه با عقاید موهوم در اسلام

نکته جالب توجه، این که: برای دلجویی از پیامبر صلی الله علیه و آله، در آیه اول (مربوط به سوره شعراء) به اجباری نبودن ایمان، و در آیه دوم (مربوط به سوره کهف) به فلسفه آزادی - که آزمایش و تکامل انسان است - اشاره شده است.

مبارزه با عقاید موهوم در اسلام ممکن است از آنچه در مورد آزادی عقیده و آزادی اظهار عقیده در اسلام ذکر شد، نتیجه گرفته شود که اسلام، هیچ اقدامی را برای مبارزه با عقاید موهوم و پالایش باورهای نادرست، تجویز نمی کند؛ زیرا وقتی عقاید انسان، در اختیار او نیست و همگان در بیان باورهای خود آزادند و تحمیل ایمان - حتی بر کسانی که درستی آن را تشخیص داده اند - جایز نیست، اقدام برای مبارزه با عقاید موهوم، بی معناست؛ ولی با کمی تأمل، معلوم می شود که این نتیجه گیری، توهمی بیش نیست؛ زیرا انتخابی نبودن عقیده، با امکان پالایش عقاید نادرست، منافاتی ندارد و آزادی بیان، مبارزه اساسی با عقاید موهوم را نفی نمی کند؛ بلکه زمینه ساز این مبارزه است. اسلام، با این که آزادی بیان عقیده را - از آن رو که زمینه تکامل انسان است - تأیید می کند، مبارزه اساسی با عقاید موهوم را نیز به جهت آزادسازی اندیشه از بند باورهای نادرست، ضروری می داند، ضمن آن که پیروزی نهایی در این مبارزه را پیش بینی می کند و بر این باور است که در آینده تاریخ، روزی خواهد آمد که جامعه بشری از بند باورهای نادرست، رها می شود و آن، روزی است که اسلام بر همه جهان، حاکم گردد. (1)

---

1 - «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُو عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان، پیروز گرداند» (فتح: آیه 28).

## روش اسلام در مبارزه با عقاید موهوم

### مبارزه تبلیغی با عقاید موهوم

#### اشاره

دلیل اسلام برای مبارزه با عقاید نادرست، همان دلیلی است که عقل برای ضرورت این مبارزه اقامه می کند. نیز راهی را که اسلام برای پالایش عقاید نشان می دهد، دقیقاً همان راهی است که عقل ارائه می کند. اسلام نمی تواند اجازه دهد که به وسیله عقاید نادرست و غیر واقعی، شاکله و هیئت باطنی و واقعی انسان، که مبنا و اساس اعمال اوست، غیر علمی و غلط ساخته شود، یا اگر ساخته شده، همچنان غلط بماند. اسلام نمی تواند اجازه دهد که عقاید ضد عقل، که اندیشه انسان را به زنجیر می کشند، به روح و جان انسان پیوند بخورند، یا اگر پیوند خورده، اندیشه انسان در بند آنها، اسیر بماند.

روش اسلام در مبارزه با عقاید موهوم همان طور که اشاره شد، راهی که اسلام برای مبارزه با عقاید موهوم انتخاب کرده، همان راهی است که عقل در پیش پای انسان می نهد. برای تبیین مسئله، روش مبارزه اسلام برای پالایش عقاید را می توان به دو بخش تقسیم کرد: روش اسلام در زدودن عقاید نادرست از ذهن عامه مردم؛ و روش اسلام در مواجهه با موانعی که سد راه آزادی بیان عقاید و رشد باورهای صحیح در جامعه اند. سیره اسلام در مورد بخش اول، «مبارزه تبلیغی» و در مورد بخش دوم، «مبارزه مسلحانه» است.

مبارزه تبلیغی با عقاید موهوم روش اسلام در مبارزه با عقاید موهوم و زدودن باورهای نادرست از اذهان و دعوت عامه مردم به عقاید صحیح و باورهای مطابق با واقع، در وهله نخست، عبارت است از: تکیه بر برهان، موعظه (اندرز) و مناظره (بحث آزاد)، و به عبارت دیگر: مبارزه تبلیغی.

**1. حکمت****2. موعظه**

آیه زیر، روش مبارزه اسلام با عقاید نادرست را خیلی روشن بیان کرده است. در این آیه، خطاب به پیامبر اسلام آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (1) مردم را به راه پروردگارت، با حکمت و اندرز نیکو، دعوت کن و با آنان به گونه ای که نیکوتر است، مناظره کن». در این آیه شریف، قرآن، روش های منطقی زدودن عقاید موهوم را از اذهان مردم، بیان کرده، به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد که برای دعوت مردم به اسلام و عقاید اسلامی، از این روش ها استفاده کند. این روش ها، عبارت اند از:

1. حکمتتختین روش علمی اسلام برای مبارزه با عقاید نادرست، تکیه بر برهان و استدلال های عقلی و به تعبیر قرآن، «حکمت» است. معنای «حکمت»، چنان که در مفردات راغب آمده، رسیدن به حق به وسیله علم و عقل (2) و به عبارت دیگر، کشف حقایق از طریق استدلال های علمی و عقلی است. اسلام، در همه جا برای اثبات ادعاهای خود، بر برهان تکیه می کند و از مخالفان خود نیز برهان طلب می نماید. (3)

2. موعظهدومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید موهوم، در کنار برهان، موعظه (اندرز) است. موعظه، عبارت است از: سخنان عبرت انگیز و آموزنده ای که

1- نحل: آیه 125.

2- حکمت، رسیدن به حقیقت از روی دانش و تعقل است.

3- «هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ؛ دلیل خود را بیاورید» (بقره: آیه 112، انبیاء: آیه 24، نمل: آیه 64، قصص: آیه 75).

**3. مناظره**

عواطف شنونده را برای پذیرفتن حق تحریک می کند. بنا بر این، حکمت، از طریق عقل، و موعظه از طریق عاطفه و احساسات درونی، انسان را به شکستن بندهای باورهای نادرست فرا می خوانند. نکته قابل توجه، این که: در آیه پیش گفته، «موعظه»، به صفت «نیکو» مقید شده است؛ زیرا موعظه در تحریک عواطف و احساسات درونی برای پذیرش حق، وقتی مؤثر است که خالی از هر گونه زشتی (مانند: خشونت، برتری جویی و تحقیر) و بلکه توأم با زیبایی باشد. انواع زیبایی ها (مانند: زیبایی کلام، زیبایی برخورد، زیبایی انگیزه و حتی زیبایی گوینده) در تقویت اثر موعظه، مؤثر است و از همه مهم تر، این است که موعظه کننده، خود به آنچه می گوید، عمل کند، که زشت ترین موعظه، موعظه واعظ غیر متعظ است. و بالا-خره، هر چه موعظه نیکوتر باشد، در نفس شنونده مؤثرتر است و چه بسا اثر اندر زهای نیک در نفوس عامه برای جذب آنها به عقاید و اعمال درست، از برهان، بیشتر است. در مقابل، موعظ نازیبا، نه تنها مؤثر نیستند، بلکه گاهی اثر معکوس دارند و موجب می شوند که انسان آنچه را با برهان پذیرفته است، انکار کند، که: اگر تو قرآن بدین نَمَط خوانی ببری رونق مسلمانی.

3. مناظره سومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید غیر علمی، در کنار روش های گذشته، مناظره (بحث آزاد) است. در قرآن، از این روش، با واژه های: «جدال» و «مراء» تعبیر شده است.

جدال، مراء و یا مناظره، عبارت است از: بحث و گفتگو به صورت منازعه و غلبه جویی، و به عبارتی دیگر، کشتی گرفتن اندیشه ها در بحث و گفتگو را گویند. قرآن از برخوردهای سالم اندیشه ها در مناظره \_ که موجب روشن شدن حقایق و رشد باورهای صحیح می شود \_ دو تعبیر دارد: تعبیر اول، که در آیه مورد بحث آمده، «جدال احسن» و تعبیر دوم «مراء ظاهر» (1) است. جدال احسن، سالم ترین و نیکوترین روش در مناظره برای روشن شدن حق است و مراء ظاهر، برخورد روشن و استفاده از ادله ای است که حجیت و قطعیت آنها بر همگان آشکار باشد، به گونه ای که طرف مقابل نتواند به آنها پاسخ بگوید. اسلام، که آیین همه انبیای الهی است، بنیان گذار بحث آزاد و برخوردهای سالم اندیشه هاست و پیامبر اسلام، به عنوان بزرگ ترین پیام آور الهی، در عصری که پیروزی و شکست، جز در سایه زور میسر نبود، مسئله مناظره (بحث آزاد) و برخورد سالم اندیشه ها را برای نخستین بار در جامعه آن روز مطرح نمود و خود و دانشمندان خاندان او در این امر، پیش قدم بودند. از این رو، بخش قابل توجهی از کتب حدیث، به مناظرات پیامبر اسلام و ائمه خاندان او، اختصاص دارد. (2) آنچه قابل توجه است، این که: روش اسلام در زدودن عقاید غیر علمی از ذهن عامه مردم، یک روش کاملاً علمی و منطقی است و در این مورد، اسلام،

1- «فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَهْرًا؛ پس درباره آنان جز به صورت ظاهر، جدال مکن» (کهف: آیه 22).

2- ر. ك: گفتگوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث.

## پیکار برای آزادی اندیشه

مطلقاً از قدرت نظامی استفاده نکرده است و نمی کند، چنان که سیره پیامبر اسلام در دعوت به این آیین، به دستور قرآن، تکیه بر برهان و اندرز نیکو و استفاده از سالم ترین و بهترین روش های مناظره بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله صریحاً اعلام می نمود که: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي . (1) بگو: راه من، این است که مردم را از روی بصیرت، به خدا می خوانم. این، روش من و هر کسی است که از من پیروی می کند». بنا بر این، کمال بی انصافی است که گفته شود: اسلام با زور، خود را بر مردم تحمیل کرده است، بویژه وقتی که این ادعا از جانب کسانی مطرح شود که در دادگاه های تقیث عقاید، جنایاتی مرتکب شده اند که روی تاریخ را سیاه کرده است. آری، اسلام از قدرت نظامی استفاده می کند، ولی نه برای تحمیل عقیده؛ بلکه برای شکستن سدهایی که مانع رشد باورهای صحیح اند.

پیکار برای آزادی اندیشه در جایی که برهان و موعظه و مناظره سودمند واقع نشود، روش اسلام برای مواجهه با موانعی که سد راه آزادی اندیشه اند، مبارزه مسلحانه و جنگ است. (2) موانعی که سد راه آزادی اندیشه اند، عبارت اند از: نظام ها و سنت های غلطی که قدرت تفکر و تشخیص و در نتیجه امکان انتخاب عقاید صحیح را از مردم سلب می کنند.

1- یوسف: آیه 108 .

2- ر. ک: ص 26 (داستانی آموزنده) .



نظام های فاسد و ظالم، از آن جا که از جهل مردم تغذیه می کنند و آگاه شدن مردم، به معنای سقوط آنها از اریکه قدرت است، نمی تواند اجازه دهند که حقایق، آن گونه که هست، به اطلاع مردم برسد و اینچنین است که این نظام ها، سدّ راه باورهای صحیح و به تعبیر قرآن، سدّ راه خدا هستند. اسلام با این نظام ها، پس از اتمام حجّت، با قدرت، برخورد می کند تا موانع آزادی اندیشه را رفع کند و زمینه را برای رشد عقاید صحیح از طریق روشنگری، فراهم سازد. در مبحث «نبوّت خاصّه» در بخش شناخت پیامبر اسلام و روش برخورد ایشان با مخالفان، خواهد آمد که پیامبر اسلام در مواجهه با قدرت های مخالف، در گام اوّل، از مناظره متّـکی بر برهان استفاده می نمود و در گام دوم به مباحثه (به داوری خواندن آفریدگار جهان) متوسّـل می شد و اگر مناظره و مباحثه نیز به نتیجه نمی رسید، محاربه (جنگیدن در میدان نبرد) را برای شکستن سدهای آگاهی و آزادی اندیشه بر می گزید؛ چراکه مناظره و مباحثه، اتمام حجّت پیامبر اسلام با قدرت های مخالف بود. علاوه بر نظام های فاسد، گاه سنّت های حاکم بر يك جامعه، سدّ راه آزادی اندیشه اند، مثل: سنّت بت پرستی، گاوپرستی، آتش پرستی، و ده ها بلکه صدها عقاید ضدّ عقل دیگر، که اگر انسان از اندیشه و فکر آزاد برخوردار باشد، با اندکی تأمل، کمترین تردیدی در موهوم بودن این عقاید نخواهد داشت. سنّت ها و عادت های غلطی که با روح و جان معتقدان به آنها پیوند خورده است، همچون زنجیری اندیشه را به بند کشیده، به انسان اجازه تعقل و تفکر نمی دهد. استاد شهید علامه مطهری می نویسد:

... در ابتدا افرادی پیدا می شوند سودجو استثمارگر که می خواهند رژیمی به وجود آورند. این رژیم ، يك تکیه گاه اعتقادی می خواهد ، [و] بدون تکیه گاه اعتقادی ، امکان پذیر نیست. آن کسی که او تأسیس می کند ، خودش می فهمد که چه می کند... دانسته ، خیانت می کند. يك موضوعی را ، يك بتی را ، يك گاوی را ، اژدهایی را به يك شکلی در میان مردم رایج می کند. مردم اغفال می شوند. اول هم خیلی به آن دل بستگی ندارند ؛ ولی چند سالی می گذرد ؛ بچه های اینها به دنیا می آیند ، می بینند پدر و مادرها چنین می کنند ، [آنها نیز] همان کار پدر و مادرها را تعقیب می کنند. نسل به نسل که می گذرد و سابقه تاریخی پیدا می کند ، جزو سنن و مآثر ملی می شود ، جزو تراسیون ها می شود ، جزو غرور و افتخارات ملی می شود ، [و] دیگر نمی شود آن را از افراد بشر گرفت. درست مثل گچی که در ابتدا که با آب ، مخلوط می شود ، يك ماده شلی است ، [و] آن را به هر شکلی که بخواهید ، در می آورید ؛ ولی وقتی که بالأخره به يك شکلی در آمد ، تدریجا خشك می شود و هر چه خشك تر می گردد ، سفت تر می شود. بعد به يك حالتی می رسد که با كلنگ هم نمی شود آن را خرد کرد. آیا با اینها باید مبارزه کرد ، یا نباید مبارزه کرد؟ یعنی آیا آزادی فکر که می گوئیم بشر فکرش باید آزاد باشد ، شامل عقیده به این معنا می شود؟ مغالطه ای که در دنیای امروز وجود دارد ، در همین جاست. از يك طرف می گویند فکر و عقل بشر باید آزاد باشد ، و از طرف دیگر می گویند عقیده هم باید آزاد باشد ؛ بت پرست هم باید در عقیده خودش آزاد باشد ؛ گاوپرست هم باید در عقیده خودش آزاد باشد ؛ اژدها پرست هم باید در عقیده خودش آزاد باشد ؛ هر کسی هر چه را که می پرستد ، هر چیزی را به عنوان عقیده برای خودش انتخاب کرده ، باید آزاد باشد ، و حال آن که این گونه عقاید ، ضدّ

آزادی فکر است. همین عقاید است که دست و پای فکر را می بندد... (1) اسلام می گوید: زنجیر عقاید موهوم که اندیشه را اسیر کرده و با برهان و موعظه، باز شدنی نیست، با قدرت نظامی باید باز شود و سدّ سنت های غلطی که در طی سال ها و قرن ها نشست رسوبات فرهنگ های نادرست بر ذهن جامعه، چنان محکم شده که با ابزار معمولی قابل زوال نیست، باید با انفجارهای عظیم شکسته شود و اندیشه انسان، آزاد گردد. و از آن جا که برخورد مستقیم نظامی با عقاید - چنان که شرح آن گذشت - امکان پذیر نیست، اسلام، پیکار با سنت های غلط را از مبارزه با آثار و مظاهر اجتماعی آنها آغاز می کند، مثلاً: برای مبارزه با سنت بت پرستی، باید بت خانه ویران شود؛ همان کاری که ابراهیم علیه السلام کرد، و برای مبارزه با سنت گاوپرستی، گوساله سامری باید در آتش، سوزانده شود؛ همان کاری که موسی علیه السلام کرد. ابراهیم علیه السلام در جامعه معاصر خود، تنها کسی است که با اندیشه آزاد، راز هستی را کشف کرده، به جهان بینی صحیح رسیده است. (2) او در مواجهه با مردمی گرفتار اوهام و باورهای نادرست - که کمترین مایه ای از تعقل و تفکر نداشتند - هر چه تلاش کرد تا آنان را با برهان و پند و اندرز، متوجه خطایشان کند و اندیشه ایشان را از بند باورهای غلط نجات دهد، نتوانست و هر چه بیشتر آنها را نصیحت کرد، کمتر نتیجه گرفت. بالاخره او به این نتیجه رسید که باید عملاً به آنها ثابت کند که این بت هایی که ساخته و پرداخته خود آنهاست، نمی تواند

- 
- 1- نقل از: سخنرانی استاد شهید درباره «آزادی عقیده» در پاییز 1348 ش در حسینیه ارشاد. ر.ک: سلسله مقالات پیرامون جمهوری اسلامی: ص 98\_99.
- 2- «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ؛ و این گونه، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد» (انعام: آیه 75).

خدای آنان باشد . . . تا این که روزی فرا رسید که مردم، آن روز را به عنوان عید، جشن گرفته، به این مناسبت از شهر خارج شده بودند. ابراهیم علیه السلام موقعیت را مناسب تشخیص داد، وارد بت خانه بزرگ شد و با تبر تمام بت ها، مگر بت بزرگ را خرد کرد و تبر را به گردن آن آویخت و بیرون آمد. ابراهیم علیه السلام می خواست با صحنه سازی و متهم نمودن بت بزرگ به قتل عام بت ها، عملاً باورهای غلط را از ذهن مردم بزدايد و اندیشه آنان را آزاد سازد. وقتی مردم از مجلس جشن به شهر باز گشتند، خبر شدند که بت خانه ویران شده است، گویا بت ها با هم دعوا کرده، یکدیگر را کشته اند! وارد بت خانه شدند، دیدند همه بت ها خرد شده و تنها بت بزرگ، تبر بر گردن، باقی مانده است. صحنه نشان می داد که کار، کار بت بزرگ است؛ ولی شعور فطری آنان نمی توانست قبول کند که چند موجود بی شعور، با هم دعوا کنند. این بود که بدون تأمل، در جستجوی شخصی بر آمدند که مرتکب این خرابکاری شده است و از آن جا که ابراهیم، مرتب از بت پرستی انتقاد می کرد و نیز تهدید کرده بود که تدبیرهای لازم را برای انهدام بت ها به کار خواهد گرفت، او را به اتهام قتل عام خدایان (!) احضار و در ملاً عام شروع به بازجویی از او کردند. نخستین سؤال آنان این بود: «أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِإِلَهَاتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ. (1) آیا تو، چنین کاری را با خدایان ما انجام داده ای؟». ابراهیم علیه السلام برای بیدار سازی وجدان خفته آنان، پاسخ داد:

«بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ ۚ ذَا فَسَلُّوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ» (1) بلکه بت بزرگ ، این کار را کرده است و اگر بت ها می توانند صحبت کنند ، ماجرا را از خود آنها پرسید! . زمینه تعقل و تفکر و آزادسازی اندیشه به تدریج فراهم می شد. پاسخ ابراهیم علیه السلام مردم بت پرست را به خود آورد و به فکر فرو برد و به خطایشان در این باور ، آگاه کرد. آنان در دل ، خود را به سبب این ظلم عقیدتی ملامت کردند و بالأخره شرمسارانه اعتراف کردند که خدایان آنان نمی توانند سخن بگویند (!). با سست شدن بند باورهای موهوم و شکست سدّ سنت های غلط ، ابراهیم علیه السلام زمینه را برای شروع مبارزه تبلیغی مناسب دید و گفت : «أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ \* أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (2) آیا جز خدا ، چیزی را می پرستید که نمی تواند کمترین سود یا زیانی برای شما داشته باشد؟ اف بر شما و بر خدایان شما! آیا تعقل نمی کنید؟ . نکته قابل توجه ، این که : وقتی اسلام سدها را می شکند و بند باورهای نادرست را از اندیشه باز می کند ، می گوید: حالا فکر کن ، بین عقلت چه می گوید. اگر می گوید اسلام درست است ، آن را قبول کن ، و اگر می گوید مکتب و مرامی دیگر صحیح است ، همان را بپذیر. به عبارت دیگر ، اسلام يك زنجیر را با قدرت نظامی باز نمی کند تا زنجیر دیگری را بر دست و پای اندیشه ببندد و یا حتی عقیده دیگری را که مبتنی بر

---

1- انبیاء : آیه 63.

2- انبیاء : آیه 66 \_ 67 .

عقل و اندیشه است، بر انسان تحمیل کند. خیر؛ بلکه وقتی اسلام، انسان را از بند باورهای نادرست رها می سازد، می گوید: بیندیش و عقیده ای را بر مبنای اندیشه و تحقیق، انتخاب کن. و حتی اگر اسلام را بدون فکر پذیرفتی، قبول ندارد. پس از فتح مکه و شکستن سدّ سنت پرستی و اعلام عفو عمومی، مردم حجاز، فوج فوج اسلام را می پذیرفتند؛ ولی رؤسای مشرکان، که مشکلات زیادی برای مسلمانان ایجاد کرده بودند، احساس خطر می کردند. از این رو، عدّه ای از آنان از مکه گریختند. یکی از افرادی که به سبب سوء سابقه خود تصمیم به فرار داشت، صفوان بن امیه بود. صفوان، علاوه بر جنایات گرانبار، مسلمانانی را به انتقام خون پدرش امیه بن خلف - که در جنگ بدر کشته شده بود - در روز روشن و در برابر دیدگان مردم در مکه به دار آویخته بود. بدین سبب، پیامبر صلی الله علیه و آله خون او را مباح کرده بود. وی از ترس مجازات، تصمیم گرفته بود از طریق دریا از حجاز خارج شود، بویژه هنگامی که دانست او یکی از ده نفری است که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور قتلش را صادر کرده است. عمیر بن وهب، از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست نمود که از تقصیر صفوان در گذرد. پیامبر صلی الله علیه و آله شفاعت او را پذیرفت و عمامه خود را که با آن وارد مکه شده بود، به عنوان نشانه امان به وی داد... . عمیر با عمامه پیامبر، وارد جدّه شد و صفوان را همراه خود به مکه آورد. وقتی چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از بزرگترین جانیان زمان افتاد، با کمال بزرگواری در پاسخ وی که از ایشان پرسید: عمیر گمان می کند که مرا امان داده ای، فرمود:

«درست است، فرود آی». آن گاه وی را به آیین اسلام فرا خواند. وی دو ماه مهلت خواست که درباره اسلام به فکر و بررسی بپردازد؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من به جای دو ماه، چهار ماه به تو مهلت می دهم که این آیین را با کمال بصیرت، انتخاب نمایی». هنوز چهار ماه سپری نشده بود که وی اسلام آورد. (1) جالب تر از این جریان، داستان اسلام آوردن سهیل بن عمر است. او می گوید: پس از فتح مکه، وقتی پیامبر خدا وارد مکه شد، من داخل خانه خود شدم و درب خانه را بر روی خود بستم و پسر عبد الله را فرستادم که برو و از محمد برای من امان بخواه؛ چرا که من به خاطر این که کشته نشوم، ایمان نمی آورم. عبد الله خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: پدرم، امان می خواهد. آیا به او امان می دهید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری؛ او در امان خداست. می تواند از خانه خارج شود». پیامبر صلی الله علیه و آله سپس رو به اطرافیان خود کرد و فرمود: «هر يك از شما که سهیل را دید، حق ندارد که نگاه تند به او بکند. او باید بتواند از خانه خارج شود. به جان خودم سوگند که سهیل، آدم عاقل و شریفی است و شخصی مانند او نمی تواند اسلام را نفهمد و مسلمان نشود. او می داند آنچه در آن قرار دارد، برایش سودمند نیست». عبد الله، پس از گرفتن امان و شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله از مجلس خارج شد و نزد پدر آمد و جریان را گفت. سهیل که شاید باور نمی کرد پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه با

1- فروغ ابدیت: ج 2 ص 736\_737. برای مطالعه مشروح جریان اسلام آوردن صفوان، ر.ك: كنز العمال: ج 10 ص 503\_506.

## آزادی تبلیغ عقیده در اسلام

وی رفتار کند، بی اختیار گفت: به خدا که او در کودکی و بزرگی، فردی نیک و شایسته بوده است. سهیل پس از گرفتن امان، با این که مشرک بود، آزادانه در میان مسلمانان رفت و آمد داشت و حتی در جنگ حنین، بدون این که اسلام را بپذیرد، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، تا این که در محلی به نام جِعْرَانَه مسلمان شد. (1) این دو داستان، دو نمونه روشن از سیره عملی پیامبر اسلام در مواجهه با مخالفان عقیدتی است که اثبات می کند بر خلاف آنچه تعدادی از مدعیان خاورشناسی نوشته اند، جنگ های اسلامی، بر اساس تعالیم قرآن، فقط برای شکستن سدهای آزادی اندیشه و زمینه سازی برای رشد باورهای صحیح اند. (2)

آزادی تبلیغ عقیده در اسلام تا این جا روشن شد که اسلام، نه تنها آزادی بیان عقیده را تأیید می کند، بلکه از آن دفاع نیز می نماید؛ اما باید دید که آیا اسلام اجازه می دهد هر کس هر عقیده ای را که خود دارد، تبلیغ کند و به دیگری منتقل نماید؟ با عنایت به آنچه در تبیین دیدگاه عقل در پاسخ به این سؤال مطرح شد، اسلام، قطعاً نمی تواند تبلیغ عقیده را به طور مطلق، تجویز کند. برای توضیح بیشتر، باید گفت: تبلیغ نیک عقیده، گاهی به صورت استدلالی (برهانی) است، یعنی مبلغ در تبلیغات خود واقعا بر عقل و منطق تکیه می کند، و گاهی با جوسازی و انتقال نادرست از طریق حيله و تزویر صورت می گیرد.

1- میزان الحکمة: ح 14627؛ کنز العمال: ح 30168.

2- برای توضیح بیشتر در این باره، ر.ک: مقاله «کارنامه اسلام محمد خاتم پیامبران»: ج 2 ص 59-71.



## آزادی عقیده در جهان امروز

عقایدی که مایه فکری و منطقی دارند، به هر میزان که متّـکی بر عقل و منطق و برهان باشند، به همان میزان، بیان آنها، تبلیغ و ترویج آنهاست. بدین جهت، آزادی تبلیغ عقیده به این معنا، داخل آزادی بیان عقیده می شود که نظر اسلام در این باره به تفصیل بیان شد. و اما جوسازی تبلیغی برای انتقال عقایدی که مایه فکری و منطقی ندارند و برای جامعه زیان آورند و از راه تزویر به مردم می رسند، چیزی است که نه عقل می تواند آن را تجویز کند \_ چنان که توضیح داده شد \_ و نه اسلام آن را بر خلاف تجویز عقل تأیید می نماید. بنا بر این، در يك جمله می توان گفت که در اسلام، بیان عقیده آزاد است؛ ولی جوسازی برای انتقال عقاید نادرست به مردم، ممنوع است.

آزادی عقیده در جهان امروز آخرین مسئله ای که در این فصل باید مورد بررسی قرار بگیرد، مسئله آزادی عقیده در جهان امروز و انگیزه طرح این آزادی در مجامع بین المللی بویژه اروپاست، و این که استکبار جهانی در جانبداری از این آزادی، چه اهدافی را تعقیب می کند. در این باره می توان گفت که طرح مسئله «آزادی عقیده» در جهان امروز، عکس العمل اجتماعی دادگاه های تفتیش عقاید اربابان کلیسا در قرون وُسطاست که اجازه نمی دادند هیچ کس، بر خلاف آنچه کلیسا می گوید، اظهار نظر کند، هر چند نظر او ربطی به مسائل دینی نداشت. مثلاً: چون کلیسا می گفت خورشید به دور زمین می گردد، کسی حق نداشت \_ ولو با ارائه برهان \_ بگوید که واقعیت، به عکس است، و گالیله که چنین اظهار نظری کرد، محکوم به اعدام

شد و به ناچار، توبه کرد. به حکم همین دادگاه ها، هزاران اندیشمند، زنده زنده در آتش سوختند و برونو، کشیش ایتالیایی، یکی از این دانشمندان است. او در سال 1600 میلادی، به جرم این اعتقاد که «هر کس پس از رسیدن به مرحله عقل، درباره دنیا و زندگی، مطابق با عقل و استنباط خویش عقیده ای پیدا می کند»، در دادگاه تفتیش عقاید، محکوم به سوختن شد! دادگاه، این گفته برونو را دلیل مخالفت او با مذهب مسیحیت می دانست؛ چون به نظر این دادگاه، هر مسیحی، پس از رسیدن به مرحله عقل، باید راجع به دنیا طوری قضاوت کند که در کتاب مقدس نوشته شده است، نه مطابق عقل و استنباط خود، و برونو که چنین گفته است، از دین، برگشته و علت برگشت او از دین، حلول شیطان در کالبد اوست و باید او را سوزاند تا شیطان از کالبدش خارج شود (!). علاوه بر این، دین و مذهب، از دیدگاه گردانندگان سیاست های بین المللی و فلاسفه ای که از این سیاست ها الهام می گیرند، چیزی بیش از یک سرگرمی نیست و سرگرمی، راست و دروغ و حق و باطل ندارد؛ درست مانند یک قطعه شعر و یا یک فیلم سینمایی، و به گفته استاد شهید علامه مطهری: از نظر طرز تفکر بعضی از فلاسفه اروپا، دین و مذهب، هر چه می خواهد باشد \_ می خواهد به صورت بت پرستی باشد، می خواهد به صورت گاوپرستی باشد، می خواهد به صورت خداپرستی باشد \_ امری است مربوط به وجدان شخصی هر فرد. در مسائل مذهبی و دینی، چون آنها نمی خواهند به واقعیتی برای دین و نبوت

اعتراف کرده باشند و قبول کنند که واقعا پیغمبرانی از طرف خدا آمده اند و يك راه واقعی برای بشر نشان داده اند و سعادت بشر، در این است که آن راه واقعی را طی بکنند، می گویند: ما نمی دانیم واقع و ریشه مذهب چیست؛ ولی همین قدر می فهمیم که انسان، بدون مذهب نمی تواند زندگی بکند؛ [یعنی] یکی از شرایط زندگی انسان، یکی از سرگرمی های زندگی انسان، این است که به يك موضوعی به عنوان «مذهب»، سرگرمی داشته باشد، حالا می خواهد آن چیزی که به عنوان معبود گرفته، خدای یگانه باشد یا انسانی به نام عیسی مسیح، یا گاو یا فلز و یا چوب؛ فرق نمی کند. بنا بر این، نباید مزاحم افراد شد؛ هر کسی به ذوق و سلیقه خودش هر چه را انتخاب کرد، خوب است. (1) همان طور که اشاره شد، این گونه برداشت از دین و مذهب، الهام گرفته از اندیشه متّـکی بر قاعده ای علمی یا فلسفی نیست؛ بلکه الهام گرفته از اندیشه هایی است که از علم و فلسفه، برای مقاصد سیاسی استفاده می کنند. گردانندگان سیاست های استکباری، اگر از آزادی عقیده دم می زنند، برای آن نیست که واقعا می خواهند هر کس در اظهار عقیده آزاد باشد تا باورهای صحیح، رشد کند و مردم از بند عقاید موهوم، رهایی یابند (چرا که این آزادی، به معنای نفی قدرت سیاسی آنهاست)؛ بلکه می خواهند مردم را سرگرم کنند تا بتوانند به مقاصد سیاسی ضدّ مردمی خود، بهتر دست یابند. و از آن جا که تخدیر کننده ترین سرگرمی، دین منهای سیاست و باورهای موهوم مذهبی است و در این مورد، تفاوتی میان ادیان باطل نیست، به مصلحت سیاسی خود می دانند که

عقاید دینی را، تا آن جا که با مصالح آنان متضاد نیست، آزاد اعلام کنند. حالا اگر دینی بخواهد وارد عالم سیاست شود و برای رشد باورهای صحیح و رهایی از بند عقاید نادرست و در نتیجه رهایی از سلطه قدرت های استکباری اقدام کند، این دین، نه تنها از دیدگاه مدّعیان رسمی آزادی عقیده، آزاد نیست، بلکه هواداران آن به دست همین مدّعیان آزادی عقیده، در پوشش دفاع از آزادی، نابود می شوند.



## فصل هفتم : آموزش عقیده

## یکم. امکان آموزش عقاید صحیح

فصل هفتم : آموزش عقیده‌ها از آن رو که هدف اساسی از دانش نامه عقاید اسلامی ، زمینه سازی برای دست یافتن به معارف حقیقی و اصیل و به تعبیر دیگر ، آموزش عقاید علمی صحیح و سازگار با واقع است ، ضروری است پیش از ورود به مباحث شناخت شناسی و اعتقادی ، به چند نکته اشاره گردد :

یکم. امکان آموزش عقاید صحیح‌نخستین پرسشی که در این جا مطرح می شود ، این است که : اگر بپذیریم عقاید انسان در اختیار او نیست ، چگونه می توان عقاید صحیح و سازگار با واقع را به مردم تعلیم داد؟ پاسخ ، آن است که عقاید انسانی ، مانند لباس نیستند که هر گاه اراده شد ، بتوان آنها را تغییر داد. از سوی دیگر ، عقاید غیر علمی ، قابل دگرگونی هستند ، اما با ریشه کن ساختن ریشه عقاید نادرست و وهم آلود. آموزش عقاید بر اساس تفکر اسلامی ، چنین هدفی را دنبال می کند ، یعنی پس از آزاد ساختن فکر و اندیشه از بندهای تقلید و جایگزین ساختن پژوهش های کامل به جای

## دوم. ضرورت آموزش عقاید صحیح

پژوهش های ناقص ، عقاید و هم آلود و نادرست ، جای خود را به عقاید علمی و صحیح می سپارند و چنین امری ، نه تنها ممکن است ، بلکه دشوار هم نیست.

دوم. ضرورت آموزش عقاید صحیحپیش از این ، روشن ساختیم که عقاید ، شیرازه روح و جان انسان را تشکیل می دهند و عقاید نادرست ، شکل و باطن حقیقی انسان را دگرگون می سازند و آن را بیمار می کنند و بدین ترتیب ، زندگی فردی و اجتماعی اش را از سیر طبیعی ، خارج می نمایند. آنچه می تواند انسان را از این خطر ننگه دارد ، شناخت شناسی و آموزش عقاید علمی است. از این رو ، این دانش ، مهم ترین ، گران بهاترین و ضروری ترین دانش ها به شمار می رود. امام باقر علیه السلام در ضمن راهنمایی هایی به جابر بن یزید جعفی می فرماید : **إِعْلَمِ أَنَّهٗ لَا عِلْمَ كَطَلْبِ السَّلَامَةِ وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ**. (1) بدان که هیچ دانشی ، مانند به دست آوردن سلامت نیست و هیچ سلامتی ، چون سلامت دل نیست. آری ، هیچ دانشی مانند دانشی که از آن توقع سلامت قلب و روح انسان می رود ، نیست ؛ چرا که معیار ارزش هر دانش ، در خدمتی نهفته است که به انسان و جامعه ارائه می کند و چون علم عقیده شناسی و پالایش عقاید ، بیشترین نقش را در سلامت فکر و روح بر عهده دارد ، گران بهاترین و ضروری ترین دانش ها برای انسان است.

## سوم. آموزش اجباری

سوم. آموزش اجباری در ماده سیزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، آمده است: آموزش و پرورش ابتدایی، باید برای همه اجباری و رایگان باشد. (1) اگر از امضاکنندگان این میثاق پرسیم که «چرا شما با این مصوبه، آزادی را از مردم بی سواد سلب می کنید و چرا نمی گذارید آنان در انتخاب بی سواد، آزاد باشند؟ و دلیل این آموزش اجباری چیست؟»، حتما پاسخ می دهند که حداقل سواد، از ضروریات زندگی انسان است. ما هم این نظر را قبول داریم و پیامبر اسلام، سیزده قرن قبل از تولد پیشنهادکنندگان منشور حقوق بین الملل، طلب علم را بر هر مرد و زن مسلمان، واجب کرده است. (2) ایرادی که ما به این آقایان داریم، این است که چرا فقط سوادآموزی را به دلیل ضروری بودن آن برای زندگی، اجباری می کنند و از آموزش عقاید صحیح اصلاً سخن به میان نمی آورند؟ آیا داشتن حداقل سواد، از ضروریات زندگی است؛ ولی عقاید درست که زندگی را در جهت صحیح هدایت می کند، از جمله این ضروریات نیست؟ آیا داشتن عقاید نادرست، برای انسان زیانبارتر است، یا بی سواد؟ آیا اشخاص بی سواد برای خود و دیگران بیشتر زحمت ایجاد کرده اند، یا افراد باسوادی که دارای عقاید نادرست و کج فکری و انحراف روانی بوده اند؟ حقیقت، این است که اگر منصفانه و بدون در نظر گرفتن مصالح سیاسی، درباره ضروریات زندگی انسان قضاوت کنیم، هیچ چیز برای انسان ضروری تر

1- راهنمای سازمان ملل متحد: ص 1012 ماده 13 از میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

2- ر. ک: کنز الفوائد: ج 2 ص 107، عده الداعی: ص 63، تنبیه الخواطر: ج 2 ص 176.



## چهارم. روش های آموزش عقیده

### ویژگی های روش انبیا

#### 1. عمومیت

از سلامت روان نیست؛ زیرا اگر انسان از این سلامت برخوردار نباشد، نه از بدن سالم می تواند بهره ببرد و نه از علم و نه از هیچ چیز دیگر. و همان طور که در کلام امام باقر علیه السلام آمد، دانشی که این سلامت را برای انسان تأمین می کند، از ضروری ترین اموری است که انسان باید بداند. این ضرورت، ایجاب می کند که زمینه آموزش عقاید صحیح، برای همه مردم فراهم شود و این آموزش نیز مانند سوادآموزی، همگانی و اجباری گردد.

چهارم. روش های آموزش عقیده می توان گفت که به طور کلی، سه روش برای آموزش اصول عقاید، وجود دارد: 1. روش فلاسفه، 2. روش متکلمان، 3. روش انبیای الهی. هر سه طایفه فلاسفه و متکلمان و انبیای الهی، در زمینه اصول عقاید، بحث کرده اند؛ ولی هر یک در تبیین مسائل عقیدتی، روش خاصی دارند. (1)

ویژگی های روش انبیاروش انبیای الهی در تعلیم اصول عقاید، دارای دو ویژگی بسیار مهم و اساسی است که روش فلاسفه و متکلمان، فاقد آنهاست. این دو ویژگی، عبارت است از:

1. عمومیتتختین ویژگی روش انبیای الهی در آموزش اصول عقاید، این است که

---

1- برای آشنایی با روش فلاسفه و متکلمان، ر. ک: مجموعه آشنایی با علوم اسلامی، متفکر شهید استاد مطهری (درس چهارم فلسفه، مبحث «روش های فکری اسلامی» و درس اول از «علم کلام»).

**2. جامعیت**

همگانی است و عموم اقشار جامعه را فرا می‌گیرد، بر خلاف روش فلاسفه و متکلمان که قشر خاصی را مورد آموزش قرار می‌دهد. مخاطب فلاسفه و متکلمان، افراد ویژه‌ای هستند که زبان و بیان خاص آنان را می‌فهمند و همه مردم، مخاطب آنان نیستند. به سخن دیگر، فلاسفه و متکلمان، وقتی درباره مسائل عقیدتی بحث می‌کنند و کتاب می‌نویسند، مخاطبشان همه مردم نیستند؛ بلکه مخاطب آنان، تنها کسانی هستند که ذوق و آگاهی فلسفی و یا کلامی دارند و در رشته فلسفه یا کلام کار کرده و یا می‌خواهند کار کنند. از این رو، گفته‌ها و نوشته‌های آنان، برای عموم، قابل استفاده نیست. ولی مخاطب انبیای الهی، همه مردم اند. انبیا، معلّم و مربّی عموم انسان‌ها هستند و همه مردم را در مسائل عقیدتی، به عقل و برهان، رجوع می‌دهند. مخاطب انبیا، فقط کسانی نیستند که در رشته فلسفه کار کرده، یا می‌خواهند کار کنند. مخاطب انبیا، تنها کسانی نیستند که ذوق و استعداد علم کلام را دارند. مخاطب انبیا، دانشمندان یا دانشجویان و یا هر قشر خاصی از اقشار مختلف جامعه نیستند؛ بلکه همه اقشار مردم، مخاطب پیامبران خدا هستند. به همین جهت، پیامبران باید به گونه‌ای سخن بگویند که برای همه قابل استفاده باشد و در زمینه مسائل عقیدتی، باید به گونه‌ای استدلال کنند که همه مردم بفهمند و برای کلیه اقشار مردم، از دانشمندترین تا بی‌سوادترین آنها، مفید و قانع‌کننده باشد.

2. جامعیت‌دومین ویژگی روش پیامبران خدا در تعلیم مسائل عقیدتی، جامعیت است. در

## پنجم. روش این دانش نامه

روش فلسفی و کلامی، عقیده، جدا از عمل، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. پس مباحث عقیدتی در فلسفه و کلام، يك سلسله مباحث خشك علمی و خارج از حوزه فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است؛ ولی در روش انبیای الهی، مباحث عقیدتی، جامعیت ویژه ای دارند که در آنها عقیده و عمل، آمیخته به هم، مورد بررسی قرار می‌گیرند. آموزش اصول عقاید با این روش، در عین این که انسان را با استدلال های عمیق علمی و فلسفی در مسائل مبدأ و معاد آشنا می‌کند، چه بسا لطیف ترین مسائل عرفانی را به او تعلیم می‌دهد و دقیق ترین مسائل اقتصادی، سیاسی و جامعه شناسی را نیز برای او تشریح می‌کند.

پنجم. روش این دانش نامه دانش عقاید اسلامی، برای زدودن باورهای نادرست و آشنا کردن مردم با عقاید علمی درست، اصول عقاید اسلامی را به روش انبیا ارائه می‌کند. این دانش نامه، راهنمایی های قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام را در مباحث متنوع شناخت شناسی، گرد آورده و همراه با نتیجه گیری، تفسیر و تحلیل، دسته بندی کرده است. نیز رهنمودهای پیامبران را در اثبات عقایدی که مردم را بدان فرا می‌خواندند، روشن می‌سازد (البته پس از آن که پیامبران، مردم را در اصول عقاید به عقل خویش ارجاع می‌دادند و عقل را مرجع این اصول می‌دانستند). با توجه به آنچه گذشت، این دانش نامه نه تنها برای پژوهشگران، سودمند است، بلکه برای تمام کسانی که به آشنایی با روش پیامبران علاقه مندند، مفید

خواهد بود ، چنان که استفاده از این دانش نامه ، پژوهشگران را از لغزش های عقیدتی باز می دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ؛ وَمَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بِيْجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِيْجَهْلٍ . (1) آن که دینش را بر پایه کتاب خدا بشناسد ، پیش از آن که او متزلزل گردد ، کوه ها از جا کنده می شوند . و هر که در کاری از روی جهالت وارد شود ، با جهالت نیز از آن بیرون می رود. علاوه بر این ، پژوهشگران می توانند با اعجاز علمی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش علیهم السلام در خلال برهان های قرآن و روایات مربوط به اصول عقیدتی ، آشنا شوند.



**بخش دوم : خرد**

**اشاره**

بخش دوم : خردفصل یکم : شناخت خردفصل دوم : ارزش خردفصل سوم : خردورزی فصل چهارم : عوامل رشد خردفصل پنجم :  
نشانه های خردفصل ششم : آسیب های خردفصل هفتم : وظایف خردمند



## پژوهشی در معنای خرد

پژوهشی در معنای خرداندیشه و تعقل، اصلی ترین تکیه گاه های اسلام در عقاید، اخلاق و اعمال اند. از نظر این آیین آسمانی، انسان حق ندارد آنچه را که خرد نادرست می داند، باور کند؛ به صفاتی که خرد ناپسند می داند، بدان متّصف شود. و کارهایی را که خرد ناشایست می داند، انجام دهد. از این رو، در فرهنگ قرآن و احادیث پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار، واژه هایی که مردم را به تعقل و اندیشه دعوت می کنند (مانند: تفکر، تدبّر، تعقل، تعلّم، تفقه، ذکر، لبّ و نُهی) به عنوان محور و اساس سخن آنان با مردم و بیش از هر چیز دیگر، مورد توجه و تأکیدند. در قرآن کریم، مشتقات «علم» 779 بار، «عقل» 49 بار، «فقه» 20 بار، «فکر» 18 بار، «ذکر» 274 بار، «تدبّر» 4 بار و «لبّ» 16 بار آمده است. از نظر اسلام، خرد، اصل انسان، معیار ارزش و درجات کمال او، ملاک ارزیابی اعمال، میزان جزا و حجّت باطنی خداوند متعال است. (1)



## واژه «عقل» در لغت

خرد، از بهترین هدیه های الهی به انسان، نخستین پایگاه اسلام، اساسی ترین پایه های زندگی و زیباترین زیور انسان است. خرد، گران بهاترین ثروت، بهترین دوست و راهنما، و اصلی ترین تکیه گاه اهل ایمان است. از نظر اسلام، علم، نیازمند خرد است؛ زیرا علم بدون خرد، برای عالم، زیانبار است و هر که دانشش بر خردش فزونی یابد، باری بر او خواهد بود. (1) کوتاه سخن، این که: از نظر اسلام، تنها راه تکامل مادی و معنوی و سازندگی دنیا و آخرت و رسیدن به جامعه مطلوب و مقصد اعلای انسانیت، درست فکر کردن است و همه گرفتاری های انسان، نتیجه نادانی و به کار نگرفتن اندیشه است. از این رو، در جهان پس از مرگ، آنان که به فرجام عقاید، اخلاق و اعمال ناشایسته خود گرفتار می شوند، درباره ریشه گرفتاری های خود، چنین می گویند: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ \* فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ». (2) و گویند اگر [سخن حق را] شنیده [و پذیرفته] بودیم یا خردورزی می نمودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم. پس به گناه خود، اقرار می کنند؛ و مرگ باد بر اهل جهنم!». .

واژه «عقل» در لغتواژه «عقل» در زبان عرب، به معنای نگه داشتن، باز داشتن و حبس کردن است،

1- ر. ک: ص 223 (ارزش خرد).

2- ملك: آیه 10 \_ 11.

## واژه «عقل» در احادیث اسلامی

## اشاره

همانند بستن شتر با عقال . (1) همان گونه که عقال، شتر را از حرکت بیجا باز می دارد، نیرویی در جان انسان به نام «عقل» وجود دارد که او را از نادانی و لغزش در اندیشه و عمل، باز می دارد. از این رو، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: الْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ . (2) خرد، بازدارنده از نادانی است .

واژه «عقل» در احادیث اسلامی محدث بزرگوار، شیخ حرّ عاملی رحمه الله در انتهای باب «وجوب طاعة العقل و مخالفة الجهل (لزوم پیروی از عقل و نافرمانی از نادانی)» درباره معانی عقل، چنین می گوید: عقل ، در سخن اندیشمندان و حکیمان، معانی بسیار دارد (3) و با جستجو در احادیث، سه معنا برایش به دست می آید: 1 . نیرویی که بدان خوبی ها و بدی ها و تفاوت ها و زمینه های آن، شناخته می گردد، و این، معیار تکلیف شرعی است . 2 . ملکه ای که به انتخاب خوبی ها و پرهیز از بدی ها فرا می خواند . 3 . تعقل و دانستن . و از این رو، در برابر جهل (نادانی) قرار می گیرد ، نه در برابر دیوانگی .

- 
- 1- ر. ك: النهاية: ج 5 ص 213 ، الصحاح: ج 5 ص 1769 ، المصباح المنیر: ص 422 \_ 423 ، معجم مقاییس اللّغة: ج 4 ص 69 ، المفردات ، راغب: ص 577 \_ 578 ، التعریفات ، جرجانی: ص 65 ، العین ، خلیل: ص 565 .
- 2- ر. ك: ص 344 ح 316 .
- 3- ر. ك: نهاية الحكمة: ص 305 و 308 ، كشف المراد: ص 234 و 245 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 99 \_ 101 .

## الف - کاربردهای «عقل» به عنوان منشأ ادراکات انسان

### 1. منشأ تمام معارف انسانی

بیشترین استعمال «عقل» در احادیث، معنای دوم و سوم اند. (1) با تتبع و تأمل در مواردی که کلمه «عقل» و کلمات هم خانواده آن در نصوص اسلامی به کار رفته است، معلوم می شود که این کلمه، گاه درباره منشأ ادراکات انسان و گاه، درباره نتیجه ادراکات او به کار رفته است، که در هر يك از این دو نیز کاربردهای مختلفی دارد.

الف. کاربردهای «عقل» به عنوان منشأ ادراکات انسان 1. منشأ تمام معارف انسانی-حادثی که حقیقت عقل را به نور، تفسیر می کنند (2) و یا مبدأ پیدایش عقل را نور می دانند (3) و یا عقل را هدیه الهی و اصل انسان می دانند، (4) اشاره به این معنا دارند. طبق این احادیث، انسان در ژرفای هستی خود، از نیروی نورانی برخوردار است که حیات روح او محسوب می شود. اگر این نیرو پرورش یابد انسان در پرتو آن می تواند حقایق هستی را درک کند و حقایق محسوس را از نامحسوس، حق را از باطل، خیر را از شر و نیک را از بد، تشخیص دهد. اگر این نیروی نورانی و این شعور مرموز و پیچیده، تقویت شود، انسان از ادراکاتی فوق تصوّر، برخوردار می گردد و می تواند با دیده غیبی، در جهان غیب سیر کند و اینچنین غیب برای او مبدل به شهود می گردد، (5) که از این مرتبه از عقل،

1- وسائل الشیعة: ج 15 ص 208.

2- ر. ك: ص 193 (حقیقت خرد) و 195 (آفرینش خرد و نادانی).

3- همان.

4- ر. ك: ص 223 (ارمغان خدایی) و 225 (بهترین بخشش) و 229 (بنیاد انسان).

5- ر. ك: ج 2 ص 433 (دل).

**2. منشأ تفکر****3. منشأ وجدان اخلاقی**

در نصوص اسلامی به «یقین» تعبیر می شود .

2. منشأ تفکر کاربرد دیگر «عقل» در متون اسلامی، به عنوان منشأ فکر است . در این کاربرد، عقل به عنوان منشأ «الفطنة (زیرکی)» و «الفهم (دانستن)» و «الحفظ (نگهداری)» (1) تعریف می شود و جایگاه آن ، «دماغ (مغز)» معرفی می گردد. (2) آیات و احادیثی که بر تعقل و تفکر تأکید می کنند ، همچنین احادیثی که عقل تجربی و عقل تعلّمی را در کنار عقل طبعی و عقل موهبتی مطرح می نمایند، نمونه هایی از استعمال واژه «عقل» درباره منشأ تفکرند.

3. منشأ وجدان اخلاقی وجدان اخلاقی، نیرویی در متن وجود انسان است که او را به ارزش های اخلاقی دعوت می کند و از ضدّ ارزش ها باز می دارد. به عبارت دیگر، احساس جاذبه فطری نسبت به ارزش های اخلاقی و احساس نفرت طبیعی نسبت به ضدّ ارزش ها، وجدان اخلاقی نامیده می شود. اگر انسان، خود را از همه عقاید و رسوم و آداب مذهبی و اجتماعی جدا فرض کند و مفهوم عدل و ظلم، خیر و شر، صدق و کذب، وفای به عهد و عهدشکنی را تصوّر نماید، فطرت او داوری می کند که عدل، خیر، صدق و وفای به عهد، زیبا هستند و ظلم، شر، کذب و عهدشکنی، زشت اند .

1- ر. ک : ص 231 ح 55 .

2- ر. ک : ص 209 \_ 211 ح 19 \_ 21 .

## توجه به يك نکته

## ب\_ کاربردهای «عقل» به عنوان نتیجه ادراکات انسان

## اشاره

احساس جاذبه نسبت به ارزش ها و نفرت نسبت به ضد ارزش ها، از نظر قرآن کریم، الهام الهی است: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا . (1) سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد . سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن، الهام کرد». این احساس و الهام، اساسی ترین بخش هدیه معرفتی خداوند متعال به انسان است . در متون اسلامی، مبدأ این شعور مرموز که احساس ارزش های اخلاقی را در انسان به وجود می آورد، «عقل» نامیده می شود. از این رو، همه ارزش های اخلاقی، جنود عقل (2)، و همه ضد ارزش ها ، جنود جهل شمرده می شوند .

توجه به يك نکته در برخی از کتب فلسفی، درباره تفسیر «عقل»، سخنی به امام علی علیه السلام نسبت داده شده که منطبق با یکی از معانی «عقل» در فلسفه است. متن سخن، این است: قَالَ السَّائِلُ: يَا مَوْلَايَ وَمَا الْعَقْلُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ جَوْهَرٌ دَرَاكٌ، مُحِيطٌ بِالْأَشْيَاءِ مِنْ جَمِيعِ جِهَاتِهَا، عَارِفٌ بِالشَّيْءِ قَبْلَ كَوْنِهِ فَهُوَ عِلَّةُ الْمَوْجُودَاتِ وَنَهَايَةُ الْمَطَالِبِ . (3) پرسشگر گفت: آقای من! خرد چیست؟ فرمود: «خرد، گوهری درك کننده است که بر حقایق از همه جهت، احاطه دارد [و] اشیا را قبل از آفرینش می شناسد . این گوهر، علت موجودات و پایان خواسته هاست . گفتنی است که با همه تفحصی که در منابع حدیثی در این زمینه انجام گرفت،

1- .شمس : آیه 7\_ 8 .

2- . ر . ك : ص 331 (سپاهیان خرد و نادانی) .

3- . کلمات مکنونه ، فیض کاشانی : ص 76 ، اتحاد عاقل به معقول : ص 12 .

**1. شناخت حقایق****2. کار بر پایه خرد**

مصدری برای آن، یافت نشد.

ب \_ کاربردهای «عقل» به عنوان نتیجه ادراکات انسان 1. شناخت حقایق در نصوص اسلامی، واژه «عقل»، علاوه بر استعمال در مبدأ ادراکات، در مُدَرکات عقلی و شناخت حقایق مربوط به مبدأ و معاد نیز به کار می رود. نمونه این استعمال، احادیثی هستند که عقل را در کنار انبیای الهی، حجت باطنی خداوند متعال معرفی می کنند، (1) یا احادیثی که عقل را قابل پرورش و تهذیب معرفی و آن را به عنوان معیار سنجش انسان و سنجش پاداش و کیفر، ذکر می کنند و یا عقل را به «طبع» و «تجربه»، و «مطبوع» و «مسموع» تقسیم می کنند. مقصود از عقل در تمام این موارد، شناخت و آگاهی است.

2. کار بر پایه خردگاه کلمه «عقل» از باب مبالغه، برای عمل کردن به مقتضای قوه عاقله به کار می رود، چنان که از پیامبر خدا در تعریف عقل، روایت شده است که: *الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَإِنَّ الْعُمَّالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ*. (2) [خرد]، پیروی از دستورهای خداوند است. به درستی که خردمندان، کسانی هستند که فرمان خداوند را پیروی می کنند. نیز از امام علی علیه السلام روایت شده است:

1- ر. ک: ص 291 (حجیت خرد).

2- ر. ک: ص 368 ح 400.

## زندگی عقل

العقلُ أن تقولَ ما تعرفُ و تعملَ بما تتطَّقُ بِهِ . (1) خرد، آن است که آنچه می دانی، بر زبان بیاوری و به آنچه می گویی، عمل کنی . در مقابل، جهل نیز در عمل کردن به مقتضای نادانی به کار رفته است ، چنان که در مقام طلب مغفرت از خداوند متعال می گوئیم : أسألكَ ... أن تهَبَ لي كُلَّ جُرْمٍ أجزمتُهُ ... وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ . (2) از تو می خواهم که بر من بیخشی ، هر جرمی را که مرتکب شده ام و هر [ کار ] جاهلانه ای را که انجام داده ام.

زندگی عقلهر چند عقل، حیات روح است، (3) لیکن از نظر نصوص اسلامی، خودش نیز حیات و مرگ دارد و تکامل مادی و معنوی انسان، در گرو حیات آن است. میزان حیات عقلی بشر، به اندازه فعالیت قوه عاقله به عنوان محرک اخلاقی است و این، یکی از رازهای اصلی بعثت انبیای الهی است. امام علی علیه السلام در بیان فلسفه بعثت پیامبران می فرماید: و يُثيروا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ . (4) گنجینه های خرد را در آنان، آشکار کنند. فعال کردن اندیشه در جهت کشف اسرار طبیعت، از انسان ، ساخته است ؛ ولی زنده کردن عقل در زمینه شناخت کمال مطلق و برنامه ریزی برای حرکت در

1- ر . ك : ص 370 ح 409 .

2- مفاتیح الجنان : دعای کمیل .

3- ر . ك : ص 193 ح 4 .

4- ر . ك : ص 302 ح 240 .

مسیر مقصد اعلاى انسانیت، جز از انبیای الهی ساخته نیست. آنچه در کتاب و سنت درباره عقل (اسباب، موانع، آثار، علائم و احکام) و جهل آمده است، همگی مربوط به این معنا از معانی عقل و اندیشه اند. هنگامی که انسان در پرتو تعالیم پیامبران الهی به بالاترین مراتب حیات عقلی رسید، به نورانیت و معرفتی دست می یابد که نه تنها خطاپذیر نیست، بلکه او را تا رسیدن به مقصد اعلاى انسانیت همراهی می کند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَأَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَلَطْفَ غَلِيظُهُ، وَبَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرٌ الْبَرَقِ؛ فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ، وَسَدَّ لَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَتَدَا فَعْتَهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ وَمَنْزِلِ الْإِقَامَةِ، وَثَبَّتَ رِجْلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنَهُ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبَهُ وَأَرْضَى رَبَّهُ. (1) خردش را زنده گردانید و نفسش را میرانید تا پیکر سستبر او لاغر شد و دل سختش به لطافت گرایید. فروغی سخت روشن بر او تابید و راهش را روشن ساخت و به راه راستش روان داشت. درها او را به آستان سلامت و سرای اقامت راندند و به آرامشی که در بدنش پدید آمده بود، پاهایش در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار بماند؛ زیرا دل خود را به کار و داشت و پروردگارش را خشنود ساخت. بر این اساس و بر مبنای آنچه در تعریف علم و حکمت حقیقی خواهد آمد، علم و حکمت و عقل، در متون اسلامی، سه تعبیر مختلف از یک نیروی نورانی باطنی و سازنده در وجود انسان اند. این نیرو، از آن جهت که انسان را به تکامل



## عقل نظری و عقل عملی

مادّی و معنوی هدایت می کند، نورِ علم، و به دلیل آن که از استحکامی برخوردار است که خطاناپذیر است، حکمت حقیقی، و به لحاظ آن که انسان را به انتخاب کردار نیک، وادار می سازد و از لغزش های فکری و عملی باز می دارد، عقل نامیده می شود. بررسی مبادی، اسباب، آثار، آفات و موانع علم، حکمت (1) و عقل (2) به روشنی، این مدّعا را اثبات می کند.

عقل نظری و عقل عملی در تقسیم عقل نظری و عقل عملی، دو نظریه وجود دارد: نظریه اوّل، این است که عقل، مبدأ ادراک است و در این مورد، تفاوتی میان عقل نظری و عقل عملی وجود ندارد؛ بلکه تفاوت، در هدف است. اگر هدف از ادراک چیزی، شناخت بود، مبدأ ادراک آن، عقل نظری نامیده می شود، مانند شناخت حقیقت هستی؛ و اگر هدف از ادراک چیزی، عمل بود، مبدأ ادراک آن، عقل عملی نامیده می شود، مانند شناخت نیکو بودنِ عدل و زشت بودنِ ظلم، پسندیده بودن صبر و ناپسند بودن جزع و ... . این نظریه به مشهور فلاسفه نسبت داده شده است. بر اساس این نظریه، عقل عملی، مبدأ ادراک است، نه تحریک. نظریه دوم، این است که تفاوت میان عقل نظری و عقل عملی، جوهری

1- ر. ک: ج 2 ص 481 (خاستگاه الهام) و 519 (حجاب های دانش و حکمت) و 577 (آنچه حجاب ها را می زداید).

2- ر. ک: ص 303 (آنچه خرد را نیرومند می سازد) و 331 (نشانه های خرد) و 451 (آسیب های خرد) و 481 (وظایف خردمند).

**عقل طبع و عقل تجربه**

است؛ یعنی تفاوت، در ماهیت کارکرد آنهاست. عقل نظری، مبدأ ادراک است، خواه هدف از ادراک، معرفت باشد یا عمل؛ و عقل عملی، مبدأ تحریک است و نه ادراک. به بیان دیگر، وظیفه عقل عملی، اجرای مدرکات عقل نظری است. نخستین کسی که این نظریه را در برابر مشهور اختیار کرده، ابن سینا و پس از وی، قطب الدین رازی، صاحب محاکمات و اخیراً محقق نراقی، صاحب جامع السعادات است. (1) به نظر می‌رسد که نظریه نخست، به مفهوم واژه «عقل»، نزدیک تر است و صحیح تر، آن است که عقل عملی، به مبدأ ادراک و تحریک تفسیر شود؛ زیرا شعوری که باید‌ها و نبایدهای اخلاقی و عملی را هدف قرار می‌دهد، هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک، و این نیروی ادراکی، همان است که قبلاً وجدان اخلاقی نامیده شد و در متون اسلامی از آن به «عقل طبع» یاد شده است.

عقل طبع و عقل تجربه در متون اسلامی به جای تقسیم عقل به نظری و عملی، تقسیم بندی دیگری وجود دارد و آن، تقسیم عقل به «عقل طبع» و «عقل تجربه» یا «عقل مطبوع» و «عقل مسموع» است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: الْعَقْلُ عَقْلَانِ: عَقْلُ الطَّبِيعِ وَعَقْلُ التَّجْرِيبَةِ، وَكِلَاهُمَا يُؤَدِّي الْمَنْفَعَةَ. (2) عقل، دو گونه است: طبیعی و تجربی، و هر دو، سودآورند.

1- جامع السعادات: ج 1 ص 75. برای توضیح بیشتر، ر. ک: حسن و قبح عقلی، فصل ششم: عقل نظری و عقل عملی.

2- ر. ک: ص 212 ح 22.

و نیز فرموده است: رَأَيْتُ الْعَقْلَ عَقْلَيْنِ فَمَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ، وَ لَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ إِذَا لَمْ يَكْ مَطْبُوعٌ، كَمَا لَا يَنْفَعُ الشَّمْسُ وَ ضَوْءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ. عقل را دو گونه یافتیم: / مطبوع و مسموع (1). عقل مسموع، بدون عقل طبیعی / سودمند نیست چنان که با فقدان نور چشم / خورشید، سودی ندارد. (2) جالب توجه است که از ایشان همین تقسیم، درباره علم، روایت شده است: الْعِلْمُ عِلْمَانِ: مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنْ الْمَطْبُوعُ. (3) دانش، دو گونه است: مطبوع و مسموع. دانش مسموع، بدون دانش طبیعی، سودمند نیست. سؤال، این است که عقل و علم مطبوع چیست و چه تفاوتی با عقل و علم مسموع دارد، و چرا اگر عقل و علم مطبوع نباشد، عقل تجربه و علم مسموع برای انسان مفید نیست؟ پاسخ، این است که به حسب ظاهر، مقصود از عقل و علم مطبوع، معارفی هستند که خداوند متعال در طبیعت همه انسان ها نهاده تا بتوانند راه کمال را

1- عقل مسموع، یعنی آنچه با اسباب و عوامل بیرونی (چون آموزش، تربیت و...) حاصل شود. مترجم.

2- ر. ک: ص 213 ح 23.

3- ر. ک: ج 2 ص 262 ح 1284.

## فرق عاقل و عالم

بیابند و به مقصد نهایی آفرینش خود، راه یابند. قرآن کریم، از این معارف فطری به «الهام فجور و تقوا» تعبیر کرده است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا . (1) سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد . سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن، الهام کرد» . عقل طبع \_ که امروزه از آن به وجدان اخلاقی یاد می شود \_ هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک، و اگر بر اساس تعالیم پیامبران الهی احیا شود و رشد کند، انسان می تواند از سایر معارفی که از طریق تحصیل و تجربه می اندوزد، بهره بگیرد و به حیات طیبه انسانی دست یابد. اگر عقل طبع (وجدان اخلاقی) در اثر پیروی از تمایلات نفسانی و وساوس شیطانی بمیرد، هیچ معرفتی برای رساندن انسان به زندگی مطلوبش سودمند نیست. همان گونه که در کلام زیبای امیرالمؤمنین آمد، عقل طبع، نقش چشم را دارد و عقل تجربه، نقش خورشید را. برای دیدن حقایق، هم چشم سالم لازم است و هم نور خورشید، و چنان که نور خورشید نمی تواند جلوی لغزش نابینا را بگیرد، عقل تجربه هم نمی تواند مانع لغزش و انحطاط کسانی گردد که عقل طبع آنان مرده است.

فرق عاقل و عالمدر در آمد بخش چهارم خواهد آمد که واژه «علم» در نصوص اسلامی، دو کاربرد دارد: یکی جوهر و حقیقت علم، و دیگری، پوسته و ظاهر آن. در کاربرد اول،

**خطر علم بدون عقل**

عقل و علم، تلازم دارند، همان گونه که امیر مؤمنان فرموده است: الْعَقْلُ وَالْعِلْمُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ لَا يَفْتَرِقَانِ وَلَا يَتَّبِعَانِ. (1) خرد و دانش همراه اند؛ نه از یکدیگر جدا می شوند و نه با یکدیگر ستیز می کنند. بر این مبنا فرقی میان عالم و عاقل نیست. عاقل، عالم است و عالم، عاقل. خداوند نیز فرموده است: «وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضَّ رَبُّهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ». (2) و این مثل ها را برای مردم می زنیم؛ و [لی] جز دانشوران، آنها را در نمی یابند». اما در کاربرد دوم، عاقل و عالم، متفاوت اند و علم، به عقل نیازمند است؛ چرا که ممکن است کسی عالم باشد، ولی عاقل نباشد. اگر علم همراه عقل شد، برای عالم و عالم سودمند است، و اگر از عقل جدا شد، نه تنها سودمند نیست، بلکه زیانبار و خطرناک است.

خطر علم بدون عقلمه فرموده امام علی علیه السلام: الْعَقْلُ لَمْ يَجْنِ عَلَى صَاحِبِهِ قَطُّ وَالْعِلْمُ مِنْ غَيْرِ عَقْلٍ يَجْنِي عَلَى صَاحِبِهِ. (3) خرد، هرگز، بر صاحبش جنایت نمی ورزد؛ اما دانش بدون خرد، بر صاحب خویش جفا می کند. در جهان امروز، علم رشد کرده؛ ولی عقل کاهش یافته است. جامعه کنونی،

1- ر. ك: ص 344 ح 315.

2- عنكبوت: آیه 43.

3- ر. ك: ص 244 ح 105.

مصدق این فرمایش آن امام بزرگ است که: مَنْ زَادَ عِلْمُهُ عَلَى عَقْلِهِ كَانَ وَبَالاً عَلَيْهِ . (1) هر که دانش وی بر خردش افزون شود، دانش، باری بر او خواهد بود . و نیز مصداق این شعر است: إِذَا كُنْتَ ذَا عِلْمٍ وَ لَمْ تَكُ عَاقِلًا فَأَنْتَ كَذِي نَعْلِ وَ لَيْسَ لَهُ رَجُلٌ (2) اگر دانشور بدون خردی به سان کسی هستی که کفش دارد، ولی پا ندارد . امروز، علم در اثر جدا شدن از عقل، به جای آن که عامل آرامش، آسایش، رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه بشر باشد، موجب ناامنی، اضطراب، فساد و انحطاط مادی و معنوی انسان ها گردیده است؛ چرا که در جهان امروز، علم به صورت ابزاری برای رسیدن به مطامع سیاسی و اقتصادی و لذا یذ مادی جمعی رفاه طلب و مستکبر و بی عقل در آمده که با استفاده از این ابزار کارآمد، بیش از هر زمان دیگر، توده های مردم را به انحراف و استضعاف می کشند. تا زمانی که علم در کنار عقل قرار نگیرد و عقل به موازات علم، رشد نکند، جامعه بشر روی آرامش و آسایش را نخواهد دید و به گفته امام علی علیه السلام: أَفْضَلُ مَا مَنَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِهٖ عَلَى عِبَادِهِ عِلْمٌ وَ عَقْلٌ، وَ مُلْكٌ وَ عَدْلٌ . (3) برترین بخشش خداوند بر بندگانش، دانش و خرد است و حکمرانی و عدالت پیشگی .

1- ر. ک : ص 244 ح 107 .

2- ر. ک : ص 246 ح 111 .

3- ر. ک : ص 244 ح 108 .

بنا بر این، علم در جهان امروز، بیش از هر وقت دیگر، نیازمند عقل است و بخش یکم از کتاب حاضر، بیش از هر زمان دیگر، کاربرد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد.





الفصل الأول: معرفة العقل 1 / 1 حَقِيقَةُ الْعَقْلِ 8456. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعَقْلُ نُورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ ، وَجَعَلَهُ يُضِيءُ عَلَى الْقَلْبِ لِيَعْرِفَ بِهِ الْفَرْقَ بَيْنَ الْمُشَاهِدَاتِ مِنَ الْمُعْجَبَاتِ. (1) 8455. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ، يُفَرِّقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ. (2) 8454. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در مُؤَدَّة دَادَن به ياران خویش \_ ) عنه صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ. (3) 8457. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : الرُّوحُ حَيَاةُ الْبَدَنِ ، وَالْعَقْلُ حَيَاةُ الرُّوحِ. (4) 8456. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْعَقْلَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: مِنَ الْعِلْمِ ، وَالْقُدْرَةِ ، وَالتَّوَرِّ ، وَالمَشِيئَةِ بِالْأَمْرِ ، فَجَعَلَهُ قَائِمًا بِالْعِلْمِ دَائِمًا فِي الْمَلَكُوتِ. (5)

- 
- 1- .عوالي اللآلي: ج 1 ص 248 ح 4 .
  - 2- .إرشاد القلوب: ص 198 ؛ ربيع الأبرار: ج 3 ص 137 .
  - 3- .علل الشرائع: ص 98 ح 1 عن عمر بن علي عن أبيه الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 1 ص 99 ح 14 .
  - 4- .شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 278 ح 204 .
  - 5- .الاختصاص: ص 244 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 98 ح 12 .

**فصل یکم : شناخت خرد****1 / 1 حقیقت خرد**

فصل یکم : شناخت خرد 1 / 1 حقیقت خرد 8452. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در سخنرانی خویش در آخرین جمعه ماه شعبان \_  
 ( پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرد ، نوری است که خداوند، آن را برای انسان آفرید و وسیله روشنی بخشی دل قرار داد تا بدان ، تفاوت  
 دیدنی ها را از نادیدنی ها باز شناسد . 8451. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرد ، نوری است در دل که  
 بدان ، حق را از باطل جدا می کند. 8450. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرد در دل ، مانند چراغ در  
 میان خانه است . 8449. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : جان ، حیات تن ، و  
 خرد ، حیات جان است . 8448. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خداوند ، خرد را از چهار چیز آفرید : دانش ،  
 قدرت ، نور و اراده کار . پس ، خرد را متکی بر دانش و جاودانه در ملکوت ، قرار داد .

8453. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: قوام الإنسان وبقاؤه بأربع عة: بالنار، والتور، والريح، والماء. فبالنار يأكل ويشرب، وبالتور يبصر ويعقل. . . . ولولا أن التور في بصره لما أبصر ولا عقل. (1) 8452. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ من خطبته في آخر جمعة من شعبان \_ ) الإمام الكاظم عليه السلام: إن ضوء الروح العقل. (2) راجع: ص 178 (منشأ المعارف الإنسانية كلها) و 320 ح 293 \_ 294 ، ج 2 ص 218 (حقيقة العلم) ص 228 (حقيقة العلم).

1 / 2 خلق العقل والجهل الكتاب «و نفس و ما سواها \* فآلهمها فجورها و تقواها». (3)

«و لا أقسم بالنفس اللوامة». (4)

«و ما أبرئ نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي إن ربي غفور رحيم». (5)

الحديث 8447. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله تبارك وتعالى خلق العقل من نور مخزون مكنون في سابق

علمه الذي لم يطلع عليه نبي مرسل ولا ملك مقرب. (6)

1- الخصال: ص 227 ح 62 عن المفصل بن عمر، بحار الأنوار: ج 61 ص 293 ح 3.

2- تحف العقول: ص 396، بحار الأنوار: ج 1 ص 153.

3- الشمس: 7 و 8.

4- القيامة: 2.

5- يوسف: 53.

6- معاني الأخبار: ص 313 ح 1، الخصال: ص 427 ح 4 كلاهما عن يزيد الكحل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص 542 ح 1164 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام عن صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار: ص 438 ح 1470، روضة الواعظين: ص 7، بحار الأنوار: ج 1 ص 107 ح 3.

## اشاره

8446. فضائل الأوقات عن أنس: امام صادق عليه السلام: بنیاد و بقای انسان به چهار چیز است: آتش، نور، باد و آب؛ با آتش می خورد و می آشامد، با نور می بیند و تعقل می کند...؛ و اگر در چشم آدمی نور نبود، توان دیدن و خردورزی نداشت. 8431. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: خرد، روشنایی جان است. ر. ک: ص 178 (منشأ تمام معارف انسانی) و 321 ح 293\_294، ج 2 ص 250 (حقیقت دانش) و 261 (حقیقت دانش).

1 / 2 آفرینش خرد و نادانی قرآن «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدی و پرهیزگاری اش را به آن الهام نمود».

«و سوگند به وجدان بیدار و ملامتگر (نفس لوامه) [که رستاخیز، حق است]».

«و من، نفس خود را تبرئه نمی کنم؛ چرا که نفس، قطعاً به بدی امر می کند، مگر کسی را که خدا به او رحم کند؛ زیرا پروردگار من، آمرزنده مهربان است».

حدیث 8435. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، خرد را از نور ذخیره شده و پنهان در دانش

پیشین خود، آفرید؛ دانشی که هیچ پیامبر فرستاده شده و فرشته مقرب بر آن آگاهی نیافت.

8436. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْعَقْلُ. (1) 8437. عنه صلی الله علیه و آله : «عَنْ صَاحِبِ الْوَجْهِ الْأَيْمَنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْعَقْلُ، وَتَعَالَى الْعَقْلُ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ، [بِكَ] (2) أَخَذُ، وَبِكَ أُعْطِي، وَعِزَّتِي لِأَكْمَلَتِكَ فَيَمَنُ أَحَبُّتُ، وَلَا تُقْصِنَكَ فَيَمَنُ أَبْغَضْتُ. (3) 8438. عنه صلی الله علیه و آله : «الإمام علي عليه السلام: إنَّ الله عز وجل رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلا شَهْوَةٍ، وَرَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلِ، وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. (4) 8439. عنه صلی الله علیه و آله : «الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله عز وجل خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ، فَقَالَ لَهُ: أَدِيرَ فَأَدْبَرَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلَ فَأَقْبَلَ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَكَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي.»

ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاجِ ظُلْمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ: أَدِيرَ فَأَدْبَرَ؛ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلَ فَلَمْ يَقْبَلِ، فَقَالَ لَهُ: اسْتَكْبَرْتَ، فَلَعَنَهُ. (5).

- 
- 1- حلية الأولياء: ج 7 ص 318 عن عائشة؛ عوالي اللآلي: ج 4 ص 99 ح 141، المحجبة البيضاء: ج 5 ص 7، سعد السعود: ص 202 وفيه «وكان المسلمون قد رووا: ...»، بحار الأنوار: ج 1 ص 97 ح 8.
  - 2- ما بين المعقوفين سقط من المصدر، وهو مما يقتضيه السياق.
  - 3- مسند زيد: ص 409 عن زيد عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليهم السلام وراجع نواذر الأصول: ج 2 ص 60.
  - 4- علل الشرائع: ص 4 ح 1، مشكاة الأنوار: ص 439 ح 1474 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 60 ص 299 ح 5.
  - 5- الكافي: ج 1 ص 21 ح 14، الخصال: ص 589 ح 13، علل الشرائع: ص 114 ح 10، المحاسن: ج 1 ص 311 ح 620، مشكاة الأنوار: ص 441 ح 1485 وليس فيه «من البحر الأجاج ظلمانيًّا» وكلّها عن سماعة بن مهران، بحار الأنوار: ج 1 ص 109 ح 7.

8440. عنه صلى الله عليه و آله: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خرد، نخستین آفریده خداوند سبحان است. 8441. عنه صلى الله عليه و آله: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند، خرد را آفرید. سپس او را به سخن آورد و او پاسخ داد. آن گاه خداوند [به خرد] فرمود: «سوگند به عزت و جلالم که آفریده ای دوست داشتی تر از تو نیافریدم؛ به وسیله تو می گیرم و به وسیله تو می بخشم. به جلالم سوگند که تو را در هر که دوست بدارم، کامل می سازم و در هر کس که مبعوض بدارم، ناقص می گذارم». 8442. عنه صلى الله عليه و آله: امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل در نهاد فرشتگان، خردی بدون شهوت، قرار داد و در چارپایان، شهوتی بدون خرد آفرید؛ اما در آدمیان، خرد و شهوت را به هم در آمیخت. پس، هر آن کس که خردش بر شهوتش پیروز گردد، از فرشتگان، برتر است و هر آن کس که شهوتش بر خردش غالب گردد، از چارپایان، پست تر است. 8443. عنه صلى الله عليه و آله: امام صادق علیه السلام: خداوند، خرد را که نخستین آفریده روحانی او در سمت راست عرش است - امام صادق علیه السلام: خداوند، خرد را از نور خود آفرید. آن گاه بدو گفت: «پشت کن». او نیز پشت کرد. پس فرمود: «روی آور». خرد، روی آورد. پس از آن، خداوند متعال فرمود: «تو را بزرگ آفریدم و بر تمام آفریده هایم ارجمند داشتم».

پس از آن، جهل (نادانی) را از دریای شور و تاریک، خلق کرد و بدان فرمود: «پشت کن». او نیز پشت کرد. پس فرمود: «روی آور». او رو نیآورد. پس به جهل فرمود: «گردنکشی کردی». آن گاه او را لعنت کرد. 1.

8437. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام في قول الله عز و جل: «فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»\_: بَيَّنَّ لَهَا مَا تَأْتِي وَمَا تَتْرُكُ.  
 (1) 8438. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام في قوله تعالى: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا»\_: خَلَقَهَا وَصَوَّرَهَا، وَقَوْلُهُ: «فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» أَي عَرَفَهَا وَالْهَمَّهَا، ثُمَّ خَيَّرَهَا فَاخْتَارَتْ. (2) راجع: ص 330 ح 311.

- 
- 1- الكافي: ج 1 ص 163 ح 3، التوحيد: ص 411 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 430 ح 993 كلَّها عن حمزة بن الطيّار، الاعتقادات: ص 36، مجمع البيان: ج 10 ص 755 عن زرارة وحمران ومحمد بن مسلم عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 5 ص 196 ح 3.  
 2- تفسير القمّي: ج 2 ص 424 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 24 ص 70 ح 4.

8440. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام\_ در تفسیر آیه «سپس پلیدی و پرهیزگاری اش را به آن الهام نمود» :  
[خداوند] برای خرد روشن ساخت که چه کاری انجام دهد و چه چیزی را ترك نماید. 8441. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق  
علیه السلام\_ در تفسیر آیه «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد» : «[خداوند،] نفس آدمی را آفرید و صورت داد» .

امام علیه السلام در تفسیر آیه «سپس پلیدی و پرهیزگاری اش را به آن الهام نمود» فرمود : «[خداوند،] به نفس [، خوبی ها و بدی ها را  
[شناساند و الهام کرد . آن گاه مخیرش کرد و او برگزید» . ر . ك : ص 331 ح 311 .





## چشم اندازی بر آفرینش خرد و نادانی

### 1. آفرینش خرد

#### الف \_ نخستین آفریده

چشم اندازی بر آفرینش خرد و نادانیآفرینش خرد و نادانی ، چگونگی ترکیب این دو عنصر متضاد و فلسفه ترکیب آنها در انسان، از اصلی ترین مسائل انسان شناسی اسلامی و مهم ترین مبانی تربیتی در این آیین الهی است و اینک، با الهام از احادیث این باب، توضیحات کوتاهی درباره این مسائل ، ارائه می شود :

1 . آفرینش خرددر پرتو احادیثی که ذکر شد ، می توان گفت که مقصود از آفرینش خرد، آفرینش شعور مرموزی است که حقیقت آن را تنها خدا می داند و بس . از این رو نمی توان انتظار داشت که تحقیقات علمی، بتواند کُنه نیروی خرد را کشف کند؛ لیکن از طریق ویژگی ها و علائم ، می توان این پدیده را تعریف کرد . مهم ترین این ویژگی ها، عبارت اند از :

الف \_ نخستین آفریده‌های این ویژگی که در چند حدیث (1) مورد توجه قرار گرفته ، ممکن است اشاره به این

**ب - آفرینش از نور****ج - حق گرایی****2. آفرینش نادانی****اشاره**

نکته باشد که هویت واقعی انسان، چیزی جز خرد نیست؛ نکته ای که در احادیث دیگر نیز بدان تصریح شده است. (1) طبق این احادیث، اصل و اساس انسان در آفرینش، خرد است و دیگر چیزها به دنبال خرد برای او آفریده شده است.

ب - آفرینش از نور این تعبیر، اشاره به این دارد که کار اصلی خرد، روشننگری، (2) واقع نمایی، آینده نگری و قرار دادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته (3) و در يك جمله، رساندن به کمال است.

ج - حق گرایینیروی خرد، تسلیم محض حق است و اگر تنها باشد و با نادانی آمیخته نگردد، از حق تبعیت می کند و چیزی جز حق را نمی پذیرد: ... فَقَالَ لَهُ: أَدْبِرْ، فَمَادْبِرَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ، فَأَقْبَلَ. (4) ... [خداوند] بدو (خرد) فرمود: «پشت کن». او نیز پشت کرد. سپس فرمود: «روی آور». پس روی آورد.

2. آفرینش نادانیدر نگاه ابتدایی، به نظر می رسد که آفرینش نادانی، بی معناست؛ چرا که نادانی، عدم علم است و عدم آفرینش ندارد. بنا بر این، باید احادیثی را که دلالت بر

1- ر. ك: ص 223 (ارزش خرد).

2- ر. ك: ص 193 (حقیقت خرد) و 331 (نشانه های خرد).

3- ر. ك: ص 331 (نشانه های خرد).

4- ر. ك: ص 196 ح 12.

## الف - پس از خرد آفریده شد

## ب - آفرینش از تیرگی و تاریکی

## ج - باطل گرایی

آفرینش نادانی دارند، توجیه کرد؛ لیکن با تأمل در این احادیث، معلوم می شود که مقصود از آفرینش نادانی، آفرینش شعور مرموزی در مقابل خرد است که به لحاظ آن که انسان را به کارهای ناشایست دعوت می کند، «جهل» و «حمق»، و به لحاظ آن که او را به زشتی ها و می دارد، «نفس آماره به سوء» و نیز به لحاظ آن که کارهای زشت را لذیذ و دل پذیر جلوه می دهد، «شهو» (1) نامیده می شود. نادانی، ویژگی هایی بدین شرح دارد:

الف - پس از خرد آفریده شد این ویژگی، اشاره به آن دارد که وجود «نادانی»، يك وجود تبعی است و به دنبال آفرینش خرد، با فلسفه و حکمت خاص خود، در وجود انسان قرار داده شده است.

ب - آفرینش از تیرگی و تاریکیدر مقابل نیروی خرد که از نور آفریده شده، نیروی نادانی، از تیرگی و تاریکی آفریده شده است و این، اشاره بدان است که مقتضای نیروی نادانی، ندیدن حقایق، گرایش به باورهای موهوم و اخلاق و اعمال ناشایست و در يك جمله، گم راهی است (2) و ثمری جز تلخی و ناکامی ندارد.

ج - باطل گرایبیر خلاف خرد، نیروی نادانی، تسلیم محض باطل است و اگر تنها باشد، هیچ گاه

---

1- ر. ک: ص 197 ح 11 .

2- ر. ک: ج 2 ص 19 (لغزش).

**3. ترکیب خرد و نادانی****4. حکمت ترکیب خرد و نادانی**

از حق تبعیت نمی کند. فَقَالَ لَهُ: «أَدِير» فَأَدَبَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: «أَقْبِل» فَلَمْ يَقْبَلِ. (1) پس [ خداوند] بدو (نادانی) فرمود: «پشت کن». او نیز پشت کرد. سپس بدو فرمود: «روی آور». پس رو نیاورد.

3. ترکیب خرد و نادانی یکی از مهم ترین نکاتی که درباره آفرینش خرد و نادانی، قابل تأمل است، مسئله ترکیب این دو عنصر در وجود انسان است. امام علی علیه السلام در شرح این ترکیب می فرماید: إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلاَ شَهْوَةٍ، وَرَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلاَ عَقْلِ، وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا. (2) خداوند، در نهاد فرشتگان، خردی بدون شهوت قرار داد و در چارپایان، شهوتی بدون خرد آفرید؛ اما در آدمیان، خرد و شهوت را به هم در آمیخت. عنصر «نادانی» در این سخن، شهوت نامیده شده است. فرشتگان، فقط از عنصر خرد برخوردارند و چارپایان، فقط از عنصر شهوت. فرشته، خرد محض است و چارپا، نادانی محض؛ ولی انسان، ترکیبی است از خرد و نادانی، یا خرد و شهوت، یا خرد و نفس اماره.

4. حکمت ترکیب خرد و نادانی مهم ترین مسئله در مورد آفرینش خرد و نادانی، حکمت ترکیب این دو عنصر

1- ر. ك: ص 196 ح 12.

2- ر. ك: ص 196 ح 11.

متضاد است: چرا خداوند حکیم، به انسان، نفس امّاره داد؟ چرا به او شهوت داد تا به جاهلیت گرایش پیدا کند؟ چرا به انسان، مانند فرشته، خرد بدون شهوت داده نشد تا هرگز بر گرد زشتی ها نگردد؟ پاسخ، این است که: خداوند حکیم می خواست موجودی بیافریند که بتواند انتخاب کند. حکمت و رمز ترکیب خرد و نادانی در انسان، آفرینش موجودی آزاد و انتخابگر است. فرشتگان چون شهوت ندارند، صدور اعمال ناشایست از آنها غیر ممکن است. (1) از این رو نمی توانند جز راهی را که خرد می گوید، انتخاب کنند. چارپایان نیز چون خرد ندارند، نمی توانند جز راهی را که شهوت آنها را بدان می خواند، انتخاب کنند؛ اما انسان، چون آمیخته ای از خرد و شهوت است، آزاد است و می تواند انتخاب کند. همین آزادی و قدرت انتخاب، موجب برتری خمیرمایه انسان بر سایر پدیده هاست، و شاید همین امر، موجب شد که آفریدگار متعال، هنگام آفرینش انسان، به خود تبریک بگوید. (2) از این رو، روایت شده که: ما مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ ابْنِ آدَمَ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَلَا الْمَلَائِكَةُ؟ قَالَ: الْمَلَائِكَةُ مَجْبُورُونَ بِمَنْزِلَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ. (3)

- 
- 1- .. تحریم: آیه 6: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مأمورند، انجام می دهند».
  - 2- مؤمنون: آیه 12 \_ 14: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلْـلَةٍ مِنْ طِينٍ... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ و به یقین ایشان را از عصاره ای از گل آفریدیم... آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است».
  - 3- شعب الإيمان: ج 1 ص 153 و 174، تاریخ بغداد: ج 4 ص 45 ش 1652، الفردوس: ج 4 ص 105 ش 6231، كنز العمال: ج 12 ص 192 ش 34621.

[پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ چیزی نزد خداوند، گرامی تر از فرزند آدم نیست». گفته شد: حتی فرشتگان؟ فرمود: «فرشتگان مانند ماه و خورشید، مجبورند». البته این فضیلت بالقوه، هنگامی فعلیت می یابد که انسان از این آزادی در جهت تکامل اختیاری خود، بهره برداری نماید؛ اما اگر از آزادی، سوء استفاده کند و در رویارویی خرد و شهوت، خرد مغلوب گردد، نعمت آزادی، به نعمت تبدیل می گردد. از این رو، امام علیه السلام در ادامه سخنی که در تبیین ترکیب خرد و نادانی از ایشان نقل کردیم، می فرماید: *فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ هُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ*. (1) هر آن که خردش بر شهوتش پیروز گردد، از فرشتگان، برتر است و هر آن که شهوتش بر خردش غالب گردد، از چارپایان پست تر است.





1 / 3 مَوْضِعُ الْعَقْلِ 8524. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الْعَقْلَ فِي الْقَلْبِ. (1) 8525. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْقَلْبُ وَهُوَ أَمِيرُ الْجَوَارِحِ الَّذِي بِهِ تَعْقِلُ وَتَفْهَمُ وَتَصُدُّ عَنْ أَمْرِهِ وَرَأْيِهِ. (2) 8526. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ لِأَسَامَةِ بْنِ زَيْدٍ \_ ) الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ مَسْكَنُهُ فِي الْقَلْبِ. (3) 8527. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام \_ مِنْ كِتَابِهِ الَّذِي كَتَبَهُ إِلَى الْمَفْضَلِ يَذْكُرُ فِيهِ مُنَازَرَةً لَهُ مَعَ طَبِيبٍ هِنْدِيٍّ \_ : ثُمَّ قَالَ [الطَّبِيبُ] : أَخْبِرْنِي بِمَ تَحْتَجُّ فِي مَعْرِفَةِ رَبِّكَ الَّذِي تَصِفُ قُدْرَتَهُ وَرُبُوبِيَّتَهُ ، وَإِنَّمَا يَعْرِفُ الْقَلْبُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا بِالذَّلَالَاتِ الْخَمْسِ الَّتِي وَصَفْتَ لَكَ ؟

قُلْتُ : بِالْعَقْلِ الَّذِي فِي قَلْبِي ، وَالذَّلِيلِ الَّذِي أَحْتَجُّ بِهِ فِي مَعْرِفَتِهِ. (4) 8528. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَوْضِعُ الْعَقْلِ الدِّمَاغُ ، أَلَا تَرَى أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ قَلِيلَ الْعَقْلِ قِيلَ لَهُ: مَا أَخَفَّ دِمَاغَكَ ؟ ! (5) 8529. رسول الله صلى الله عليه وآله: الدرّ المنثور عن ابن عباس: أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . أَنْظِرْ إِلَى ابْنِكَ فَاسْأَلْهُ عَنْ أَرْبَعِ عَشْرَةَ كَلِمَةً ، فَإِنْ أَخْبَرَكَ فَوَرَّثَهُ الْعِلْمَ وَالتُّبُوءَ . . . فَقَالَ دَاوُدُ

لِسُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَخْبِرْنِي يَا بُنَيَّ أَيْنَ مَوْضِعُ الْعَقْلِ مِنْكَ ؟ قَالَ : الدِّمَاغُ . . . (6) .

- 
- 1- .الأدب المفرد : ص 166 ح 547 عن عياض بن خليفة ، شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 256 ح 10 ، كنز العمال : ج 16 ص 268 ح 44393 .
  - 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 627 ح 3215 .
  - 3- .الكافي: ج 8 ص 190 ح 218 ، علل الشرائع: ص 107 ح 3 كلاهما عن أبي جميلة عمّن ذكره عن الإمام الباقر عليه السلام .
  - 4- .بحار الأنوار : ج 3 ص 153 عن المفصل بن عمر .
  - 5- .تفسير القمّي: ج 2 ص 239 عن أبي خالد القمّاط، تحف العقول : ص 371 وفيه صدره فقط ، بحار الأنوار : ج 14 ص 140 ح 9 .
  - 6- .الدرّ المنثور : ج 7 ص 176 ؛ بحار الأنوار : ج 61 ص 331 ح 32 .

**1 / 3 جایگاه خرد**

1 / 3 شناخت خرد جایگاه خرد 8526. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به أسامة بن زید \_ ) امام علی علیه السلام: خرد، در قلب، جای دارد. 8527. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: قلب، فرمان روای اعضاست که بدان می سنجدند و می فهمند و با رأی و دستور قلب به حرکت در می آیند. 8528. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: جایگاه خرد، قلب است. 8529. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام \_ در نامه ای که برای مفضل نوشت و در آن از گفتگوش با پزشك هندی یاد کرد \_ : آن گاه پزشك گفت: به من بگو چگونه بر شناخت پروردگاری که او را به توانایی و ربوبیت وصف می کنی، استدلال می کنی، حال آن که قلب، همه چیز را با حواس پنجگانه که شرح دادم، باز می شناسد؟

گفتم: [ شناخت خداوند، ] با خردی است که در قلب من جای دارد و با برهانی که در شناخت خداوند، بدان استدلال می کنم. 8530. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: جایگاه خرد، مغز است. آیا نمی بینی به انسان کم خرد می گویند: چه قدر سبک مغزی؟ 8531. رسول الله صلی الله علیه و آله: الدرّ المنثور \_ به نقل از ابن عباس \_ : خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرستاد: «... به فرزندت بنگر و از چهارده چیز از او پرسش کن. اگر پاسخ گفت، دانش و نبوت را برایش به ارث گذار» ... .

آن گاه، داوود علیه السلام به سلیمان علیه السلام گفت: فرزندم! به من بگو جایگاه عقل تو در کجاست؟

سلیمان گفت: در مغز ... .

8532. عنه صلى الله عليه وآله: علل الشرائع عن وهب بن منبه: **أَنَّه وُجِدَ فِي التَّوْرَةِ صِدْقٌ خَلِقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَجُعِلَ عَقْلُهُ فِي دِمَاغِهِ. (1) تعليق:** وكما يلاحظ فإنَّ قسمًا من أحاديث هذا الباب اعتبرت «القلب» كمركز للعقل والإدراك، في حين صرّح قسم آخر منها بأنَّ «الدماغ» هو موضع الإدراكات. فهل هنالك ثمة تعارض بين هاتين المجموعتين من الروايات؟ أم أنَّ لإدراكات الإنسان مركزين، وأنَّ «القلب» و«الدماغ» مركزان للمعرفة ويقعان في عرض بعضهما؟ أم يتعامدان مع بعضهما طوليًّا؟ والجواب: هو أنَّ هاتين المجموعتين من الروايات لا تعارض بينهما، وإتّما تكمن المفارقة في أنَّ كلمة القلب استخدمت في النصوص الإسلامية على أربعة معانٍ، هي: 1 - مضخّة للدم 2 - العقل 3 - مركز للمعرفة اليهوديّة 4 - الروح. (2) والقلب بالمعنى الرابع هو المبدأ الأساسي لجميع إدراكات الإنسان (3)، والروايات التي اعتبرت القلب مسكنًا للعقل تشير إلى هذا المعنى. وفي مثل هذه الحالة يقع «الدماغ» - كما هو الحال بالنسبة للحواس الخمس - في طول القلب لا في عرضه، فاستنادًا إلى هذه الرؤية يمكن القول إنَّ موضع العقل هو الدماغ؛ لأنَّ إدراكات الإنسان تنتقل إلى الروح عن طريق الدماغ، ويصح القول بأنَّ مسكن العقل هو القلب؛ لأنَّ القلب إذا كان بمعنى الروح يصبح مبدأ لجميع الإدراكات الحسيّة والعقليّة والمعارف اليهوديّة.

1- علل الشرائع: ص 110 ح 9، بحار الأنوار: ج 61 ص 287 ح 1.

2- راجع: البقرة: 225 و 283، ق: 33، الشعراء: 89.

3- راجع: ج 2 ص 436 «المبدأ الأصلي لجميع الإدراكات».

8535. عنه صلى الله عليه وآله: علل الشرائع\_ به نقل از وهب بن منبه\_: درباره چگونگی آفرینش آدم علیه السلام در تورات چنین آمده است: «... و خرد او در مغزش گذاشته شد». توضیحیچنان که ملاحظه گردید، در پاره ای احادیث، «قلب (دل)»، جایگاه عقل و ادراک معرفی شده، در حالی که در پاره ای دیگر، «دماغ (مغز)»، جایگاه ادراک دانسته شده است. آیا این دو دسته احادیث، با یکدیگر تعارض دارند یا ادراکات انسانی، دو جایگاه دارند و «قلب» و «دماغ»، دو مرکز شناخت و در عرض یکدیگرند و یا این که دو مرکزند و در طول یکدیگر واقع شده اند؟ پاسخ این است که در این احادیث، تعارضی نیست و حلّ مسئله، در این نکته نهفته است که واژه «قلب»، در متون اسلامی به چهار معنا به کار رفته است: 1. تصفیه کننده خون، 2. خرد، 3. جایگاه شناخت شهودی، 4. روح. قلب به معنای چهارم، منشأ اصلی تمام ادراکات انسانی است و احادیثی که قلب را جایگاه خرد می دانند، به این معنا اشاره دارند. در این صورت، مغز\_ که به حواس پنجگانه مربوط است\_ در طول قلب قرار دارد، نه در عرض آن. بر این پایه، هم می توان گفت که جایگاه خرد، دماغ است؛ زیرا ادراکات انسانی، از طریق مغز به روح منتقل می گردند، و هم می توان گفت که جایگاه خرد، قلب است؛ زیرا هنگامی که قلب به معنای روح باشد، مبدأ تمام ادراکات حسی، عقلی و شهودی است.

1 / أنواع العقل 8534. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه السلام: العقل عقلا ن: عقل الطبع وعقل التجربة، وكلاهما يُؤدّي المنفعة. (1) 8535. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام: رأيت العقل عقليين

فَمَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ وَلَا يَنْفَعُ مَسْمُوعٌ

إِذَا لَمْ يَكُ مَطْبُوعٌ كَمَا لَا يَنْفَعُ الشَّمْسُ

وَضَوْءُ الْعَيْنِ مَمْنُوعٌ (2) راجع: ص 185 (عقل الطبع وعقل التجربة) و 222 (هدية من الله).

1 / 5 زيادة العقل وتقصائه في أدوار الحياة 8539. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: إذا شاب العاقل شبَّ عقله، إذا شاب الجاهل شبَّ جهله. (3) 8540. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لا يزال العقل والحُمق يتغالبان على الرجل إلى ثماني عشرة سنة، فإذا بلغها غلب عليه أكثرهما فيه. (4).

1- مطالب السؤل: ص 49، بحار الأنوار: ج 78 ص 6 ح 58.

2- مفردات ألفاظ القرآن: ص 577 ح 327، إحياء علوم الدين: ج 3 ص 28، أدب الدنيا والدين: ص 29.

3- غرر الحكم: ح 4169 و 4170، عيون الحكم والمواعظ: ص 131 ح 2955.

4- كنز الفوائد: ج 1 ص 200، كشف الغمة: ج 3 ص 140 عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 96 ح 39.

## 1 / 4 انواع خرد

### 1 / 5 فزونی و کاستی خرد در دوران زندگی

#### اشاره

1 / 4 انواع خرد 8543. کنز العمال عن خالد بن الوليد: امام علي عليه السلام: خرد، دو گونه است: فطری و اکتسابی، و هر دو، منفعت می رسانند. 8536. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علي عليه السلام: خرد را دو گونه یافتم /

سرشتی و شنیدنی [ اکتسابی ]. خرد اکتسابی سودمند نیست /

بدون خرد فطری مهمان گونه که نور خورشید /

بی فروغ چشم، سودی نمی بخشد. ر. ک: ص 185 (عقل طبع و عقل تجربه) و 223 (ارمغان خدایی).

1 / 5 فزونی و کاستی خرد در دوران زندگی 8540. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علي عليه السلام: چون خردمند، پیر شود، خردش جوان می گردد، و چون نادان پیر گردد، نادانی اش جوان می شود. 8541. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علي عليه السلام: خرد و نادانی تا هجده سالگی برای چیرگی بر آدمی، در نبردند. چون به هجده سالگی رسید، هر يك از آن دو در او افزون بود، بر او چیره می شود.

8542. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : **(1)** الصَّبِيُّ لِسَبْعٍ ، وَيُؤْمَرُ بِالصَّلَاةِ لِتِسْعٍ ، وَيُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ ، وَيَحْتَلِمُ لِأَرْبَعِ عَشْرَةَ ، وَيَنْتَهِي طَوْلُهُ لِإِحْدَى وَعِشْرِينَ سَنَةً ، وَيَنْتَهِي عَقْلُهُ لِثَمَانٍ وَعِشْرِينَ إِلَّا التَّجَارِبَ . **(2)** 8543. كنز العمال ( \_ به نقل از خالد بن ولید \_ ) عنه علیه السلام : إِنَّ الْعُلَامَ إِذَا يَتَغَرُّ فِي سَبْعِ سِنِينَ ، وَيَحْتَلِمُ فِي أَرْبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً ، وَيُسْتَكْمَلُ طَوْلُهُ فِي أَرْبَعِ وَعِشْرِينَ سَنَةً ، وَيُسْتَكْمَلُ عَقْلُهُ فِي ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً ، فَمَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ بِالتَّجَارِبِ . **(3)** 8544. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه علیه السلام : يُرَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا ، وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا ، وَيُسْتَخْدَمُ سَبْعًا ، وَمُنْتَهَى طَوْلِهِ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً ... ، وَعَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً ، وَمَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ . **(4)** 8545. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَبِرَ ذَهَبَ شَرُّ شَطْرِيهِ وَبَقِيَ خَيْرُهُمَا ؛ ثَبَّتَ عَقْلُهُ ، وَاسْتَحْكَمَ رَأْيَهُ ، وَقَلَّ جَهْلُهُ . **(5)** 8546. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : يَزِيدُ عَقْلَ الرَّجُلِ بَعْدَ الأَرْبَعِينَ إِلَى خَمْسِينَ وَسِتِّينَ ، ثُمَّ يَنْقُصُ عَقْلُهُ بَعْدَ ذَلِكَ . **(6)** راجع : ص 302 ( ما يقوي العقل ) .

1- الأثغار : سقوط سنّ الصبي ونباتها (النهاية : ج 1 ص 213) .

2- الكافي : ج 7 ص 69 ح 8 و ج 6 ص 46 ح 1 ، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 183 ح 738 كلّها عن عيسى بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام وفي الثاني من دون إسناده إلى الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 60 ص 360 ح 50 .

3- الجعفریات : ص 213 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

4- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 493 ح 4746 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 478 ح 1653 نحوه ، بحار الأنوار : ج 104 ص 96 ح 46 .

5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 468 ح 4621 عن جابر ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 494 ح 1710 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 228 ح 24 .

6- الاختصاص : ص 244 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 27 .

8548. إحياء علوم الدين عن عائشة: امام على عليه السلام: بچه ها دندان های شیری شان در هفت سالگی می افتد؛ در نه سالگی به نماز وا داشته می شوند؛ در ده سالگی جای خوابیدن آنان جدا می گردد؛ در چهارده سالگی، بالغ می شوند؛ تا بیست و یک سالگی قد می کشند و تا بیست و هشت سالگی خردشان رشد می کند، بجز تجربه [که پس از آن نیز زمینه رشد دارد]. 8544. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بچه ها دندان های شیری شان در هفت سالگی می افتد؛ در چهارده سالگی بالغ می شوند؛ قدشان در بیست و چهار سالگی به بیشترین حد خود می رسد، و خردشان در بیست و هشت سالگی به کمال می رسد. پس از آن، هر چه باشد، بر اثر تجربه است. 8545. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بچه ها هفت سال پرورش می یابند؛ هفت سال تربیت می شوند؛ هفت سال به کار گماشته می شوند؛ نهایت افزایش قدشان در بیست و سه سالگی است، و پایان دوره رشد خردشان سی و پنج سالگی است. پس از آن، هر چه [رشد عقلشان] باشد، بر اثر تجربه است. 8546. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام: مرد، چون بزرگ شود، نیمه بد خصلت هایش از میان می رود و نیمه خوب آنها باقی می ماند؛ خردش پا بر جا می شود؛ رأی و نظرش استوار می گردد و نادانی اش اندک می شود. 8547. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: خرد آدمی پس از چهل سالگی تا پنجاه یا شصت سالگی افزایش می یابد و پس از آن، روبه کاستی می نهد. ر. ک: ص 303 (آنچه خرد را نیرومند می سازد).





## پژوهشی درباره زمان افزایش و کاهش رشد عقل

### الف \_ مقطع سرنوشت ساز

پژوهشی درباره زمان افزایش و کاهش رشد عقلیکی از مسائل مهم در تعلیم و تربیت، رعایت هنگام آن است. بی تردید، تعلیم و تربیت نابه هنگام، موفق نیست. از این رو، تحقیق درباره این که تا چه سنّی قوای عقلی در انسان رشد می کنند و در چه زمانی رشد عقلی او متوقف می گردد، برای تعیین بهترین فرصت برای تربیت انسان، ضروری است و احادیث این باب، به این مسئله مهم، اختصاص دارند. در این احادیث، مقطع سرنوشت ساز عمر انسان، سنّ توقّف رشد عقلی، آغاز فرسودگی عقل و امکان جوان ماندن همیشگی اندیشه، مورد توجه قرار گرفته است:

الف \_ مقطع سرنوشت ساز در حدیث بیست و پنجم، مقطع سرنوشت ساز عمر انسان تا سن هیجده سالگی تعیین شده است و در این هنگام، سرنوشت پرورشی او مشخص می شود: یا قوای عقلی، او را تسخیر می کنند و یا در چنبر هوس و شهوت، قرار می گیرد. از این پس، تغییر مسیر زندگی انسان، دشوار می گردد.

**ب - سنّ توقّف رشد عقلی****ج - آغاز فرسودگی عقل****د - جوان شدن عقل در پیری****چند نکته در خور توجه****اشاره**

ب - سنّ توقّف رشد عقلی بر اساس احادیث بیست و ششم و بیست و هفتم، رشد طبیعی عقل انسان در سن بیست و هشت سالگی متوقّف می شود و مطابق روایت بیست و هشتم، مقطع توقّف رشد طبیعی عقل، سی و پنج سالگی است و پس از آن، افزایش نیروی عقل، تنها از طریق تجربه امکان پذیر است.

ج - آغاز فرسودگی عقل مطابق روایت سی ام، افزایش قوای عقلانی در انسان تا شصت سالگی امکان پذیر است و از این هنگام، فرسودگی عقل آغاز می گردد. قرآن کریم نیز بدون مشخص کردن دقیق هنگام آغاز فرسودگی عقل، در دو آیه به فرسوده شدن نیروی ادراک در هنگام پیری انسان، اشاره کرده است. (1)

د - جوان شدن عقل در پیری در احادیث بیست و چهارم و بیست و نهم، امکان جوان شدن و توانمند شدن عقل در پیری، مورد توجه قرار گرفته است، با این توضیح که پیری، نه تنها از خرد شخص عاقل نمی کاهد و عقلش فرسوده و پیر نمی گردد، بلکه عقلش جوان تر و نیرومندتر می گردد. از این رو، در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است:

---

1- نحل: آیه 70: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا؛ و خدا شما را آفرید، سپس [جان] شما را می گیرد و بعضی از شما تا خوارترین [دوره] سال های زندگی [یعنی فوتوتی، مهلت داده شده، سپس] باز گردانده می شود، به طوری که بعد از [آن همه] دانستن، [دیگر] چیزی نمی داند». حج: آیه 5: «وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا؛ و برخی از شما به غایت پیری می رسند، به گونه ای که پس از دانستن [بعضی چیزها]، چیزی نمی دانند».

**1 . توجه به مفهوم «عقل»****2 . اختلاف روایات بند «ب»**

رَأَى الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جِلْدِ الْعُلَامِ. (1) در نزد من، نظر پیر، از تیزی جوان، پسندیده تر است. و در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است: رَأَى الشَّيْخِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ حَيْلَةِ الشَّابِّ. (2) در نزد من، نظر پیر، از چاره جویی جوان، پسندیده تر است. اما پیری، نه تنها از نادانیِ شخص نادان نمی کاهد، بلکه به عکس، نادانی وی را افزایش می دهد. بنا بر این، فرسودگی عقل در هنگام پیری، ویژه کسانی است که در جوانی، عوامل تقویت آن را فراهم نکرده باشند.

چند نکته در خور توجه در پایان، در زمینه تفسیر احادیث این باب بر اساس دسته بندی ارائه شده، چند نکته حائز اهمیت است:

1 . توجه به مفهوم «عقل» تأمل در این احادیث، نشان می دهد که مقصود از عقل در همه آنها، یکسان نیست؛ بلکه مراد از عقل در بندهای «الف» و «د»، «عقل عملی و در بند «ب» و «ج»، نخستین معنا از معانی عقل، یعنی استعداد معرفت و آگاهی است.

2 . اختلاف روایات بند «ب» مقطع توقف رشد طبیعی عقل، در احادیث

1- نهج البلاغة: حکمت 86، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 95، بحار الأنوار: ج 74 ص 178 .

2- کنز الفوائد: ج 1 ص 367، بحار الأنوار: ج 75 ص 105 ح 39 .

### 3. ضرورت پژوهش میدانی

#### 4. سایر عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش رشد عقل

بیست و ششم و بیست و هفتم، بیست و هشت سالگی و در روایت بیست و هشتم، سی و پنج سالگی تعیین شده است. در صورتی که بتوانیم صدور هر دو دسته از این احادیث را از معصوم اثبات کنیم، اختلاف آنها، حمل بر اختلاف اشخاص می شود.

3. ضرورت پژوهش میدانیبا عنایت به اهمیت موضوع و با توجه به این که احادیث باب، از نظر سند دارای اعتبار لازم نیستند، برای اثبات صدور آنها و نیز حلّ اختلاف میان آنها با حمل بر اختلاف اشخاص، پژوهش های میدانی، ضروری است. امید می رود مرکز تحقیقات دار الحدیث، مقدمات این گونه پژوهش ها را فراهم سازد، إن شاء الله.

4. سایر عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش رشد عقلمقاطع مختلف زندگی، یکی از عوامل افزایش، کاهش و یا توقّف رشد عقل است. عوامل دیگری نیز در این زمینه وجود دارند که در فصل های چهارم، پنجم و ششم، با عناوین «عوامل رشد خرد»، «نشانه های خرد» و «آسیب های خرد» خواهند آمد.



الفصل الثاني : قيمة العقل 2 / 1 هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ 8488. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله :العقل هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ. (1) 8489. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :الإمام علي عليه السلام :العقول مواهبٌ ، الآداب مكاسبٌ. (2) 8490. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :العقل ولادةٌ ، والعلم إفاضةٌ. (3) 8491. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :إذا أراد الله بعبد خيراً منحه عقلاً قوياً وعملاً مستقيماً. (4) 8492. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :إن من رزقه الله عقلاً قوياً وعملاً مستقيماً فقد ظاهر لديه النعمة وأعظم عليه المنّة. (5).

- 
- 1- .شعب الإيمان : ج 5 ص 388 ح 7040 ، الفردوس : ج 3 ص 155 ح 4419 كلاهما عن عائشة ، كنز العمال : ج 16 ص 122 ح 44144 ؛ جامع الأحاديث للقمي : ص 101 عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه «من الله» ، بحار الأنوار: ج 77 ص 175.
  - 2- .غرر الحكم : ح 227 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 61 ح 1566 و 1567 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 44 .
  - 3- .كنز الفوائد : ج 1 ص 56 ، إرشاد القلوب : ص 198 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 40 .
  - 4- .غرر الحكم : ح 4113 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 136 ح 3108 .
  - 5- .غرر الحكم : ح 3545 .

## فصل دوم : ارزش خرد

### 1 / 2 ارمغان خدایی

فصل دوم : ارزش خرد 2 / 1 ارمغان خدایی 8496. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرد، ارمغان خداوند است .  
8497. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردها بخشیدنی اند و آداب، کسب کردنی . 8498. الإمام الصادق عن آبائه  
عليهم السلام امام علی علیه السلام : خرد، سرشتی است و دانش، به دست آوردنی . 8499. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه  
السلام : هر گاه خداوند خیر بنده اش را بخواهد ، خردی استوار و کرداری درست، بدو می بخشد . 8500. عنه صلی الله علیه و آله : امام  
علی علیه السلام : هر گاه خداوند به انسانی خردی استوار و کرداری درست روزی کند ، نعمت خود را بر او فراوان ساخته و منت خود را بر  
او بزرگ داشته است .



8501. سنن ابن ماجة عن أم عمارة: الكافي عن أبي هاشم الجعفري: كُنَّا عِنْدَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَذَاكَرْنَا الْعَقْلَ . . . قَالَ : يَا أَبَا هَاشِمٍ ، الْعَقْلُ جِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ . . . مَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا (1) 8496. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سعد السعود : في سنن إدريس عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَحَبَّ عِبَادَهُ وَهَبَ لَهُمُ الْعَقْلَ ، وَاخْتَصَّ أَنْبِيَاءَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ . (2) راجع : ص 212 (أنواع العقل) .

2 / 2 خَيْرُ الْمَوَاهِبِ 8659. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ، فَتَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ ، وَإِفْطَارُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ صَوْمِ الْجَاهِلِ ، وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ . وَلَا بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا وَلَا نَبِيًّا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ ، وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِيعِ أُمَّتِهِ . وَمَا يُضْمِرُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنْ اجْتِهَادِ جَمِيعِ الْمُجْتَهِدِينَ ، وَمَا أَدَّى الْعَاقِلُ فَرَائِضَ اللَّهِ حَتَّى عَقَلَ مِنْهُ ، وَلَا بَلَغَ جَمِيعُ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ ، إِنَّ الْعُقَلَاءَ هُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ ، الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » (3) . (4) 8660. عنه صلى الله عليه و آله : عنه صلى الله عليه و آله : تَبَارَكَ الَّذِي قَسَمَ الْعَقْلَ بَيْنَ عِبَادِهِ أَشْتَاتًا ، إِنَّ الرَّجُلَيْنِ لَيْسْتَوِي :

عَمَلُهُمَا وَبِرُّهُمَا وَصَوْمُهُمَا وَصَلَاتُهُمَا ، وَلَكِنَّهُمَا يَتَفَاوَتَانِ فِي الْعَقْلِ كَالذَّرَّةِ فِي جَنْبِ أَحَدٍ ، وَمَا قَسَمَ اللَّهُ لِخَلْقِهِ حَقًّا هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ وَالْيَقِينِ . (5) .

- 1- الكافي : ج 1 ص 23 ح 18 ، تحف العقول : ص 448 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 355 نقلاً عن كتاب الدر .
- 2- سعد السعود : ص 39 عن إبراهيم بن هلال الصائبي ، بحار الأنوار : ج 11 ص 283 ح 11 .
- 3- الرعد : 19 .
- 4- المحاسن : ج 1 ص 308 ح 609 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 91 ح 22 وراجع تحف العقول : ص 397 .
- 5- كنز العمال : ج 3 ص 382 ح 7053 نقلاً عن الحكيم عن طاووس .

**2 / 2 بهترین بخشش**

8661. عنه صلی الله علیه و آله ( \_ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام \_ ) الكافي\_ به نقل از ابو هاشم جعفری \_ : نزد امام رضا علیه السلام بودیم و از خرد، سخن به میان آوردیم. فرمود: «ای ابو هاشم! خرد، بخشش خدایی است. هر کس که بخواهد با تکلف، خود را خردمند نماید، چیزی جز نادانی بر او افزوده نمی گردد». 8662. عنه صلی الله علیه و آله : سعد السعود : در سنن ادریس علیه السلام آمده است : تحقیقا چون خداوند، بندگانش را دوست داشت، به آنان خرد بخشید و روح القدس را ویژه پیامبران و اولیای خود قرار داد. ر . ک : ص 213 (انواع خرد).

2 / 2 بهترین بخشش 8662. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، چیزی با ارزش تر از خرد در میان بندگان، تقسیم نکرد . لذا خواب خردمند، از بیداری نادان ، برتر است و خوردن خردمند ، از روزه نادان برتر است و بر جا بودن خردمند، از به حرکت در آمدن نادان ، برتر است .

خداوند، هیچ پیامبر و فرستاده ای را برنمیگيخت ، مگر آن زمان که خردش کامل گشت و خردش از خردهای همه امتش بیشتر بود . آنچه پیامبر در خود نهان می دارد [ یعنی خرد ] ، از کوشش تمام کوشندگان، برتر است .

هیچ بنده ای، نمی تواند واجبات الهی را به جای آورد، مگر آن که درباره آنها تعقل کند . همه پرستشگران با زیادتی عبادت و پرستش ، به پایه خردمندان نمی رسند به راستی که خردمندان ، همان «اولو الألباب (صاحبان خرد)» هستند که خداوند، درباره آنان فرمود : «جز صاحبان خرد، پند نمی گیرند». 8663. شعب الإیمان ( \_ به نقل از سلمان \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خجسته است آن که خرد را میان بندگانش گوناگون قسمت کرد .

گاه ، دو انسان، کردار ، نیکی ها ، روزه و نمازشان برابر است ؛ اما در خرد، متفاوت اند ، مانند ذره ای در کنار کوه اُحد . خداوند، بهره ای برتر از خرد و یقین در میان آفریدگانش قسمت نکرد .

8664. سنن الترمذي عن أنس: تاريخ يعقوبي \_ في ذكر مَوَاعِظِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \_ : قِيلَ لَهُ : مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْعَبْدُ؟

قَالَ : نَحِيْزَةٌ (1) مِنْ عَقْلِ يَوْلَدُ مَعَهُ.

قالوا : فَإِذَا أَخْطَأَهُ ذَلِكَ؟

قَالَ : فَلْيَتَعَلَّمْ عَقْلًا. (2) 8665. رسول الله صلى الله عليه وآله : جامع الأحاديث للقمي : سَدَّيْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ؟

قَالَ : غَرِيْزَةٌ عَقْلٍ .

قِيلَ : فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟

قَالَ : فَأَخَّ مُسْتَشِيرٌ .

قِيلَ : فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟

قَالَ : فَصَمْتُ فِي الْمَجَالِسِ .

قِيلَ : فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟

قَالَ : فَمَوْتُ عَاجِلٌ. (3) 8666. صحيح البخاري عن ابن عباس : الإمام علي عليه السلام : خَيْرُ الْمَوَاهِبِ الْعَقْلُ. (4).

1- .نحيزة الرجل : طبيعته (كتاب العين : ص 794) .

2- .تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 98 .

3- .جامع الأحاديث للقمي : ص 194 .

4- .غرر الحكم : ح 4947 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 237 ح 4504 .

8667. ثواب الأعمال عن ابن عباس: تاريخ يعقوبی۔ در گزارش پندهای پیامبر صلی الله علیه و آله: از پیامبر خدا پرسیده شد: برترین چیزی که به بندگان بخشیده شده، چیست؟

فرمود: «خردِ سرشتی، که با آن زاده می شود».

گفتند: اگر از آن، بی بهره شد؟

فرمود: «خردِ بیاموزد». 8668. رسول الله صلی الله علیه و آله ( \_ في آدابِ شهرِ رمضانَ \_ ) جامع الأحادیث: از امیر مؤمنان سؤال شد: برترین چیزی که به انسان ها بخشیده شده، چیست؟

فرمود: «خردِ سرشتی».

گفته شد: اگر نباشد؟

فرمود: «برادری که با او مشورت شود».

گفته شد: اگر نبود؟

فرمود: «خاموشی در مجلس ها».

گفته شد: اگر این هم نبود؟

فرمود: «مرگ زودرس». 8664. سنن الترمذی ( \_ به نقل از انس \_ ) امام علی علیه السلام: بهترین بخشش ها، خرد است . .

8665. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مِنْ كَمَالِ النَّعْمِ وَفُورِ الْعَقْلِ. (1) 8666. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام: أَفْضَلُ النَّعْمِ الْعَقْلُ. (2) 8667. ثواب الأعمال ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام: أَفْضَلُ حَظِّ الرَّجُلِ عَقْلُهُ؛ إِنْ ذَلَّ أَعَزَّهُ، وَإِنْ سَقَطَ رَفَعَهُ، وَإِنْ ضَلَّ أَرْشَدَهُ، وَإِنْ تَكَلَّمَ سَدَّدَهُ. (3) 8668. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در بیان آداب ماه رمضان \_ ) عنه عليه السلام: لَا نِعْمَةَ أَفْضَلُ مِنْ عَقْلِ. (4) 8669. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الحسن عليه السلام: الْعَقْلُ أَفْضَلُ مَا وَهَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْعَبِيدِ؛ إِذْ بِهِ نَجَاتُهُ فِي الدُّنْيَا مِنْ آفَاتِهَا وَسَلَامَتُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ عَذَابِهَا. (5) 8670. الإمام علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام \_ فِي الدِّيْوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ \_:

وَأَفْضَلُ قِسْمِ اللَّهِ لِلْمَرْءِ عَقْلُهُ

فَلَيْسَ مِنَ الْخَيْرَاتِ شَيْءٌ يُقَارِبُهُ إِذَا أَكْمَلَ الرَّحْمَنُ لِلْمَرْءِ عَقْلَهُ

فَقَدْ كَمَلَتْ أَخْلَاقُهُ وَمَارَبُهُ (6) 2 / 3 أصل الإنسان 8669. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ قُرَيْشِ! إِنَّ حَسَبَ الرَّجُلِ دِينَهُ، وَمُرُوءَتَهُ خُلُقُهُ، وَأَصْلَهُ عَقْلُهُ. (7).

- 
- 1- غرر الحكم: ح 9300، عيون الحكم والمواعظ: ص 472 ح 8643.
  - 2- غرر الحكم: ح 2881، عيون الحكم والمواعظ: ص 111 ح 2403.
  - 3- غرر الحكم: ح 3354.
  - 4- غرر الحكم: ح 10672، عيون الحكم والمواعظ: ص 538 ح 9950.
  - 5- إرشاد القلوب: ص 199.
  - 6- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص 74 الرقم 31.
  - 7- الكافي: ج 8 ص 181 ح 203، الأمالي للطوسي: ص 147 ح 241 كلاهما عن سدير الصيرفي عن الإمام الباقر عليه السلام، روضة الواعظين: ص 310 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 22 ص 382 ح 16.

**2 / 3 بنیاد انسان**

8670. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: نشانه نعمت کامل، زیادتی خرد است. 8671. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: برترین نعمت، خرد است. 8672. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: برترین بهره آدمی، خرد اوست. اگر خوار شد، خرد، او را عزیز می گرداند؛ اگر فرو افتاد، او را رفعت می بخشد؛ اگر گم راه شد، او را راهنمایی می کند؛ و اگر سخن گفت، او را [از خطا] ننگه می دارد. 8673. رسول الله صلی الله علیه و آله ( \_ في دُعَاءِ اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ مِنْ شَهْرِ رَمَ ) امام علی علیه السلام: نعمتی برتر از خرد نیست. 8674. فضائل الأوقات عن عائشة: امام حسن علیه السلام: خرد، بهترین بخشش خداوند متعال به بنده است؛ زیرا پدیده از آفت های دنیا می رهد و از عذاب دوزخ در امان می ماند. 8673. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در دعای شب هشتم ماه رمضان \_ ) امام علی علیه السلام \_ در دیوان شعر منسوب به ایشان \_:

بهترین ارمغان خداوند برای انسان ها خرد است

و هیچ يك از خوبی ها به پایه آن نرسد. اگر خدای رحمان، خرد انسانی را کامل کرد

اخلاق و خواسته هایش نیز به کمال رسد. 2 / 3 بنیاد انسان 8676. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای گروه قریش! همانا تبار آدمی، دین اوست و جوان مردی اش، خُلق و خوی اوست و بنیادش خرد اوست.

8677. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ من كلام له في شهر رمضان \_ ) الإمام علي عليه السلام: أصل الإنسان لبُّه ، وعقله دينه ، ومروته حيث يجعل نفسه. (1) 8675. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الكيس أصله عقله ، ومروته خلقه ، ودينه حسبه . (2) 8676. امام علي عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : أصل الرجل عقله ، وحسبه دينه ، وكرمه تقواه ، والناس في آدم مستون . (3) 8677. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در سخنی در ماه رمضان \_ ) الإمام علي عليه السلام : الإنسان عقل وصوره ، فمن أخطأ العقل ولزمته الصورة لم يكن كاملاً . وكان بمنزلة من لا روح فيه ، فمن طلب العقل المتعارف فليعرف صورة الأصول والفضول ، فإن كثيراً من الناس يطلبون [ الفضول ] (4) ويضنعون الأصول ، من أحرز الأصول اكتفى به عن الفضل . (5) 8678. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : عقل المرء نظامه ، وأدبه قوامه ، وصدقه إمامه ، وشكره تمامه . (6) 8679. الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : دعامة الإنسان العقل ، والعقل منه الفطنة والفهم والحفظ والعلم ؛ وبالعقل يكمل ، وهو دليله ومبصره ومفتاح أمره . (7) راجع : ص 236 (دعامة المؤمن) .

- 1- روضة الواعظين : ص 8 ، الأمالي للصدوق: ص 312 ح 361 عن جميل بن دراج عن الإمام الصادق عنه عليهما السلاموفيه «عقله ودينه» بدل «عقله دينه» والظاهر زيادة الواو وأنها اشتباه من المصحح؛ إذ أن المستنسخ وضع ضمة كبيرة على هاء كلمة «عقله» في الطبعة القديمة والحجريّة، فظنّ المصحح أنّها واو، وفي بحار الأنوار: ج 1 ص 82 ح 2 نقل الحديث أيضاً عن الأمالي من دون واو . راجع في خصوص هذه المسألة الأحاديث الواردة في: تحف العقول: ص 217 والفقهاء المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 367 وبحار الأنوار: ج 75 ص 108 ح 11 .
- 2- غرر الحكم : ح 1739 .
- 3- كشف الغمّة : ج 2 ص 370 ، إحقاق الحقّ : ج 19 ص 533 نقلاً عن الأنوار القدسيّة ، بحار الأنوار : ج 78 ص 202 ح 34 .
- 4- ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار ، وفيه أيضاً «يضعون» بدل «يضنعون» .
- 5- مطالب السؤل : ص 49 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 7 ح 9 .
- 6- غرر الحكم : ح 6335 .
- 7- الكافي: ج 1 ص 25 ح 23 عن أحمد بن محمد مرسلًا ، علل الشرائع: ص 103 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 90 ح 17 .

8678. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بنیاد آدمی، خرد اوست؛ آیین او به خرد اوست؛ و جوان مردی هر کس، به آن است که خود را در کجا قرار دهد. 8679. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: بنیاد انسان زیرک، خرد اوست و جوان مردی او، خُلق و خُویش است، و تبار او دین اوست. 8680. صحیح مسلم (به نقل از ابو هُرَیره) امام صادق علیه السلام: بنیاد انسان، خرد اوست و شرافت او دین اوست، و کرامتش پارسایی اوست. انسان ها در [فرزندی] آدم، برابرند. 8681. مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: امام علی علیه السلام: آدمی، [ترکیبی از] خرد و صورت است. هر آن که از خرد، تهی شود و تنها صورت آدمی داشته باشد، کامل نیست و به سان موجود بی جان است. هر کس که خرد تجربی را جستجو می کند، باید اصل ها و فضیلت ها (1) را بشناسد. چه بسیارند کسانی که در جستجوی فضیلت، اصل را از دست می دهند. هر که اصل را به دست آورد، از فضیلت، بی نیاز است. 8682. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، نظام نامه آدمی، و ادب، مایه استواری او، و راستی، پیشوای او، و سپاس گزاری، مایه کمال اوست. 8683. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: پشتیبان انسان، خرد است. از خرد، زیرکی، فهم، خودنگهداری و دانش حاصل می آید. [انسان]، با خرد به کمال می رسد و همواره، بیناکننده و کلید کارهاست. ر. ک: ص 237 (پشتیبان مؤمن).

---

1- مقصود از اصل ها، واجبات و کارهای بنیادی، و مقصود از فضیلت ها، مستحبات و اموری است که انجام دادن آنها خوب است؛ ولی ترك آنها مشکل آفرین نیست.



2 / 4 قِيمَةُ الْإِنْسَانِ 8681. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از ابو هُرَيْرَةَ \_ ) تيسير المطالب عن ابن عباس رفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله قال: أَفْضَلُ النَّاسِ أَعْقَلُ النَّاسِ . قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : وَذَلِكَ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1) 8682. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ . (2) 8683. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : يُنْبِئُ عَنْ قِيمَةِ كُلِّ امْرِئٍ عِلْمُهُ وَعَقْلُهُ . (3) 8684. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : عنده عليه السلام : الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ . (4) 8685. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ به نقل از انصار \_ ) عنه عليه السلام : عَنْوَانُ فَضِيلَةِ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَحُسْنُ خُلُقِهِ . (5) 8686. الكافي ( \_ به نقل از وليد بن صبيح \_ ) عنه عليه السلام : الْعَقْلُ فَضِيلَةُ الْإِنْسَانِ . (6) 8687. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ : عَقْلٌ وَمَنْطِقٌ ، فَبِالْعَقْلِ يَسْتَفِيدُ ، وَبِالْمَنْطِقِ يُفِيدُ . (7) 8688. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعَقْلُ . (8) 8689. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الْعَقْلُ أَشْرَفُ مَرْيَّةٍ . (9) 8690. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : إِنَّمَا الشَّرْفُ بِالْعَقْلِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْمَالِ وَالْحَسَبِ . (10) .

- 1- . تيسير المطالب : ص 146 .
- 2- . غرر الحكم : ح 6763 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 372 ح 6292 .
- 3- . غرر الحكم : ح 11027 .
- 4- . غرر الحكم : ح 230 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 61 ح 1568 .
- 5- . غرر الحكم : ح 6343 .
- 6- . غرر الحكم : ح 252 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 27 ح 359 .
- 7- . غرر الحكم : ح 7356 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 403 ح 6811 .
- 8- . غرر الحكم : ح 6376 .
- 9- . غرر الحكم : ح 976 .
- 10- . غرر الحكم : ح 3873 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 178 ح 3654 .

**2 / 4 ارزش انسان**

2 / 4 ارزش انسان 8689. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تیسیر المطالب \_ به نقل از ابن عباس، از پیامبر صلی الله علیه و آله \_: «برترین مردم، خردمندترین آنهاست» .

ابن عباس گفت: و آن، پیامبر شماس است. 8690. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: ارزش هر انسانی، خردمندی اوست. 8691. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: دانش و خردمندی، از ارزش آدمی خبر می دهند. 8692. صحیح البخاری عن أبي هريرة: امام علی علیه السلام: انسان، به خردش است. 8693. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: نشان فضیلت انسان، خرد و خوش خلقی اوست. 8691. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: فضیلت انسان، به خرد است. 8692. صحیح البخاری ( \_ به نقل از ابو هریره \_ ) امام علی علیه السلام: آدمی دو فضیلت دارد: خردمندی و سخنوری؛ با خرد می آموزد و با سخن، آموزش می دهد. 8693. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: خردمندی، نهایت فضیلت هاست. 8694. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: گرامی ترین برتری، خردمندی است. 8695. رسول الله صلی الله علیه و آله ( \_ مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ ) امام علی علیه السلام: بزرگواری، به خرد و ادب است، نه به ثروت و قبیله .

8694. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: مِيزَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ ، وَجَمَالُهُ مُرُوتُهُ (1) . 2 / 5 أَوَّلُ قَوَاعِدِ الْإِسْلَامِ 8697. رسول الله صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه السلام: قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ: فَأَوَّلُهَا الْعَقْلُ وَعَلَيْهِ بُنِيَ الصَّبْرُ ، وَالثَّانِي صَوْنُ الْعَرَضِ وَصِدْقُ اللَّهْجَةِ ، وَالثَّلَاثَةُ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ عَلَى جِهَتِهِ ، وَالرَّابِعَةُ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ ، وَالْخَامِسَةُ حَقُّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعْرِفَةُ وَلَايَتِهِمْ ، وَالسَّادِسَةُ حَقُّ الْإِخْوَانِ وَالْمُحَامَاةُ عَلَيْهِمْ ، وَالسَّابِعَةُ مُجَاوَزَةُ النَّاسِ بِالْحُسْنَى . (2) 2 / 6 صَدِيقُ الْمَرْءِ 8698. رسول الله صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه وآله: رسول الله صلی الله علیه و آله: صَدِيقُ كُلِّ امْرِيٍّ عَقْلُهُ ، وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ . (3) 3 / 8699. رسول الله صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه السلام: فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ ، الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمَرْءِ . (4) 4 / 8698. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: الْمَرْءُ صَدِيقٌ مَا عَقَلَ . (5) 5 / 8699. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: الْعَقْلُ صَدِيقٌ مَقْطُوعٌ ، الْهَوَى عَدُوٌّ مَتَّبَعٌ . (6) .

1- غرر الحكم: ح 9749 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 485 ح 8936 .

2- تحف العقول: ص 196 عن كميل ، بحار الأنوار: ج 68 ص 381 ح 31 .

3- المحاسن: ج 1 ص 309 ح 610 عن الحسن بن جهم عن الإمام الرضا عليه السلام ، الكافي: ج 1 ص 11 ح 4 ، عيون أخبار الرضا: ج 2 ص 24 ح 1 ، علل الشرائع: ص 101 ح 2 كلها عن الحسن بن جهم عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول: ص 443 عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 1 ص 87 ح 11 .

4- الأمالي للطوسي: ص 146 ح 240 عن أبي وجزة السعدي عن أبيه ، بحار الأنوار: ج 1 ص 88 ح 13 .

5- غرر الحكم: ح 424 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 39 ح 846 .

6- غرر الحكم: ح 324 و 325 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 17 ح 3 وليس فيه صدره .

**2 / 5 نخستین پایه اسلام****2 / 6 دوست انسان**

8700. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: شاخص [ ارزش ] انسان ، خرد او ، و زیبایی [ باطن ] او ، به جوان مردی اوست . 2 / 5 نخستین پایه اسلام 8702. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : پایه های اسلام ، هفت تاست : خرد ، نخستین پایه است و بر آن ، شکیبایی استوار است . دومین پایه ، راستگویی و آبروداری است . پایه سوم ، تلاوت قرآن است ، آن گونه که هست . چهارمین پایه ، دوستی و دشمنی برای خداست . پایه پنجم ، شناخت ولایت خاندان پیامبر و رعایت حقوق آنان است . ششمین پایه ، حمایت از دوستان و برادران و ادای حقوق آنان است . پایه هفتم ، به نیکی رفتار کردن با مردم است . 2 / 6 دوست انسان 8703. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر صلی الله علیه و آله : دوست هر انسانی ، خرد او و دشمنش نادانی اوست . 8704. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام \_ : فرزندم! خرد ، دوست آدمی است . 8703. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آدمی ، دوستِ دانستنی های خویش است . 8704. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، دوستی است که با او قطع رابطه می شود و هوس ، دشمنی است که از او پیروی می شود .

8705. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَقْلُ صَدِيقٌ مَحْمُودٌ. (1) 8706. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَقْلُ خَيْرٌ صَاحِبٍ. (2) 7 / 2 خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَدَلِيلُهُ. 8707. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ ، وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ ، وَالْعَمَلُ قِيَمُهُ ، وَالْحِلْمُ وَزِيرُهُ ، وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ ، وَالرَّفْقُ وَالْيَدُ ، وَاللَّيْنُ أَخُوهُ. (3) 8708. [رسول الله صلى الله عليه وآله] : { -1- } : الإمام علي عليه السلام : الْعَقْلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ. (4) 8707. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام : حُسْنُ الْعَقْلِ أَفْضَلُ رَأْيٍ. (5) 8708. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ. (6) 2 / 8 دِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ 8711. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَدِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ ، فَبَقَدَرِ عَقْلِهِ تَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ. (7) .

- 1- .غرر الحكم : ح 2218 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 66 ح 1680 .
- 2- .شعب الإيمان: ج 6 ص 246 ح 8032 ، تاريخ دمشق: ج 42 ص 509 كلاهما عن إبراهيم.
- 3- .شعب الإيمان : ج 4 ص 161 ح 4659 عن الحسن ، نوادر الأصول : ج 1 ص 130 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 10 ص 133 ح 28663 و ص 144 ح 28732 ؛ تحف العقول : ص 55 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 367 ح 3 نقلاً عن كتاب الشهاب.
- 4- .تحف العقول : ص 203 ، غرر الحكم : ح 2092 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 40 ح 18 .
- 5- .غرر الحكم : ح 4826 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 227 ح 4371 .
- 6- .الكافي : ج 1 ص 25 ح 24 ، كنز الفوائد: ج 1 ص 199 كلاهما عن إسماعيل بن مهران عن بعض رجاله.
- 7- .كنز الفوائد : ج 2 ص 31 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 96 ح 42 ؛ الفردوس : ج 3 ص 333 ح 4999 عن أبي سعيد وزاد فيه «أما سمعتم قول الفاجر عند ندامته يقول: لو كنا نسمع أو نعقل» .

**2 / 7 دوست و راهنمای مؤمن****2 / 8 پشتیبان مؤمن**

8709. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، دوستی پسندیده است . 8710. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، بهترین همراه است . 2 / 7 دوست و راهنمای مؤمن 8713. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش ، دوست مؤمن است و خرد ، راهنمای او ؛ کار ، سرپرست او و بردباری ، وزیرش ؛ شکیبایی ، فرمانده سربازان اوست و مدارا ، پدرش و نرم خوئی ، برادرش . 8712. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، دوست مؤمن است . 8713. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نیک خردی ، برترین راهبر است . 8714. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خرد ، راهنمای مؤمن است . 2 / 8 پشتیبان مؤمن 8715. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر چیزی پشتیبانی دارد و پشتیبان مؤمن ، خرد اوست . از این رو ، بندگی مؤمن برای پروردگارش ، به اندازه خرد اوست .

8716. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ آلَةً وَعَدَدَةً وَآلَةُ الْمُؤْمِنِ وَعُدَّتُهُ الْعَقْلُ، وَلِكُلِّ تاجرٍ بضاعَةٌ وبِضَاعَةُ الْمُجْتَهِدِينَ الْعَقْلُ، وَلِكُلِّ حَرَابٍ عِمَارَةٌ وَعِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْعَقْلُ، وَلِكُلِّ سَفَرٍ فِسْطَاطٌ يَلْجَأُونَ إِلَيْهِ وَفِسْطَاطُ الْمُسْلِمِينَ الْعَقْلُ.  
(1) 8717. رسول الله صلى الله عليه وآله: إرشاد القلوب: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مِنْ دِعَامَةِ الْبَيْتِ أَسَاسَهُ، وَدِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامِعُ .

فَقَالُوا: وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيعِ إِحْسَانِهِ وَإِنْعَامِهِ وَحُسْنِ بِلَايَتِهِ. (2) 8716. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ عَاقِلٌ. (3) راجع: ص 228 (أصل الإنسان).

2 / 9 أجمل زينة 8718. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: الْعَقْلُ أَجْمَلُ زِينَةٍ، وَالْعِلْمُ أَشْرَفُ مَرِيَّةٍ.  
(4) 8719. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لَا جَمَالَ أَزِينُ مِنَ الْعَقْلِ. (5).

1- .كنز الفوائد: ج 1 ص 56، بحار الأنوار: ج 1 ص 95 ح 34 .

2- .إرشاد القلوب: ص 169 وراجع: الفردوس: ج 2 ص 222 ح 3077 .

3- .غرر الحكم: ح 714، عيون الحكم والمواعظ: ص 30 ح 462 .

4- .غرر الحكم: ح 1940 .

5- .الكافي: ج 8 ص 19 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 406 ح 5880،

التوحيد: ص 73 ح 27 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 93 وفيه

«أحسن» بدل «أزين»، كنز الفوائد: ج 1 ص 200، غرر الحكم: ح 10639، بحار الأنوار: ج 77 ص 381 ح 5 .

**9 / 2 زیباترین آرایه**

8720. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی به ابزار و نیروی نیازمند است و نیرو و ابزار مؤمن، خرد است. هر بازرگانی، سرمایه ای دارد و سرمایه کوشش کنندگان، خرد است. هر ویرانی را آبادانی است و آبادانی آخرت، به خرد است. در هر مسافرتی خیمه ای به پا می کنند که بدان پناه می برند و خیمه مسلمانان [در سفر آخرت]، خرد است. 8721. رسول الله صلی الله علیه و آله: ارشاد القلوب: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تکیه گاه خانه، پایه آن است و تکیه گاه دین، شناخت خداوند متعال، یقین به یگانگی او و خرد سرکوب کننده است».

پرسیدند: ای پیامبر خدا! سرکوب کننده چیست؟

فرمود: «بازداری از گناهان، شوق داشتن به پیروی از خداوند و سپاس گزاری بر همه بخشش ها و نعمت ها و آزمایش های نیکوی خداوند». 8720. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: مؤمن، زیرک و خردمند است. ر. ک: ص 229 (بنیاد انسان).

9 / 2 زیباترین آرایه 8722. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، زیباترین آرایه، و دانش، گرامی ترین برتری است. 8723. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هیچ زیبایی ای، نیکوتر از خرد نیست.



8724. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العقل أحسن حليّة. (1) 8725. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: زينة الرجل عقله. (2) 8724. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العقل زين، الحمق شين. (3) 8725. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العقل ثوب جديد لا يبلى. (5) 8727. المصباح للكفعمي: عنه عليه السلام: حسب المرء علمه، وجماله عقله. (6) 8726. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: حسن العقل جمال الطواهر والبواطن. (7) 8727. المصباح، كفعمي: عنه عليه السلام: من لم يكن له عقل يزينه لم يئبل. (8) 8728. البلد الأمين: عنه عليه السلام: زين الدين العقل. (9) 8728. البلد الأمين: الإمام العسكري عليه السلام: حسن الصورة جمال ظاهر، حسن العقل جمال باطن. (10) 8729. الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه :-

يَعِيشُ الْفَتَى فِي النَّاسِ بِالْعَقْلِ إِنَّهُ

عَلَى الْعَقْلِ يَجْرِي عِلْمُهُ وَتَجَارِبُهُ يَزِينُ الْفَتَى فِي النَّاسِ صِحَّةَ عَقْلِهِ

وإن كان محظورًا عليه مكاسبه يشين الفتى في الناس قلة عقله

وإن كرمّت أعرافه ومناصبه (11).

- 
- 1- غرر الحكم: ح 813.
  - 2- كنز الفوائد: ج 1 ص 199، بحار الأنوار: ج 1 ص 95 ح 36.
  - 3- غرر الحكم: ح 14، عيون الحكم والمواعظ: ص 36 ح 725 و 726.
  - 4- غرر الحكم: ح 1276.
  - 5- غرر الحكم: ح 1235، عيون الحكم والمواعظ: ص 46 ح 1146.
  - 6- غرر الحكم: ح 4892، عيون الحكم والمواعظ: ص 232 ح 4444.
  - 7- غرر الحكم: ح 4807، عيون الحكم والمواعظ: ص 228 ح 4379.
  - 8- غرر الحكم: ح 9002، عيون الحكم والمواعظ: ص 464 ح 8439.
  - 9- غرر الحكم: ح 5466، عيون الحكم والمواعظ: ص 276 ح 5028.
  - 10- الدرّة الباهرة: ص 43، نزهة الناظر: ص 145 ح 9، أعلام الدين: ص 313، غرر الحكم: ح 4805 و 4807 نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 95 ح 27.
  - 11- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص 74 ح 31.

8729. امام زین العابدین علیه السلام ( \_ به نقل از پدرش ، از جدش علیهما السلام \_ ) امام علی علیه السلام : خرد ، زیباترین زیور است .  
 8730. المصباح للكفعمي : امام علی علیه السلام : آرایه آدمی ، خرد است . 8730. المصباح ، کفعمی : امام علی علیه السلام : خرد ،  
 زیبایی است و نادانی ، زشتی . 8731. الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : خرد برای خردمند ، زیبایی است . 8732. الکافی  
 عن الحلبي عن الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : خرد ، لباسی است نو که کهنه نمی شود . 8731. امام صادق علیه  
 السلام : امام علی علیه السلام : تبار آدمی ، دانش اوست و زیبایی او ، به خرد او . 8732. الکافی ( \_ به نقل از حَلَبی \_ ) امام علی علیه  
 السلام : نیک خردی ، زیبایی ظاهر و باطن است . 8733. السنن الكبرى عن عائشة : امام علی علیه السلام : هر که از خردی که او را بیاراید ،  
 بی بهره باشد ، رشد نخواهد یافت . 8734. صحيح مسلم عن عائشة : امام علی علیه السلام : آرایش دینداری ، به خرد است . 8735. الإمام  
 عليّ علیه السلام : امام عسکری علیه السلام : زیبایی اندام ، زیبایی ظاهری است و زیبایی خرد ، زیبایی باطنی . 8736. عنه علیه السلام  
 : امام علی علیه السلام \_ در دیوان شعر منسوب به ایشان \_ :

جوان ، در میان مردم ، با خرد ، زندگی می کند

و بر پایه خرد ، دانش و تجربه هایش کارساز است . درستی خرد ، جوان را در میان مردم می آراید

گرچه کسب و کارش بی رونق باشد . کم خردی ، جوان را زشت جلوه می دهد

گرچه از خانواده ای بزرگ و صاحب منصب باشد . .

راجع: ص 356 (مكارم الأخلاق) و 366 (محاسن الأعمال).

2 / 10 أغنى الغنى 8736. امام على عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: لا فقر أشد من الجهل، ولا مال أعود من العقل. (1) 8737. عنه عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: أغنى الغنى العقل. (2) 8738. الإمام الصادق عليه السلام: عنه عليه السلام: العقل أغنى الغنى، وغاية الشرف في الآخرة والدنيا. (3) 8739. الأصول الستة عشر عن إسحاق بن عمار أو سماعة بنعنه عليه السلام: لا غنى أكبر من العقل. (4) 8737. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: لا عدة أنفع من العقل. (5) 8738. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: كفى بالعقل غنى. (6).

1- الكافي: ج 1 ص 25 ح 25 عن السري بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 37 ح 5762 عن حماد ابن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، غرر الحكم: ح 10619 و 10618، بحار الأنوار: ج 1 ص 89 ح 15؛ الفردوس: ج 5 ص 179 ح 7889، كنز العمال: ج 16 ص 120 ح 44135 وفيه «لا غنى أعود...» وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام.

2- نهج البلاغة: الحكمة 38، غرر الحكم: ح 2843، بحار الأنوار: ج 1 ص 95 ح 31؛ مائة كلمة للجاحظ: ص 99 ح 83، سجع الحمام: ص 86 ح 263 نقلاً عن الإعجاز والإيجاز، كنز العمال: ج 16 ص 266 ح 44388 نقلاً عن تاريخ ابن عساكر عن عقبة بن أبي الصهباء.

3- غرر الحكم: ح 1822، عيون الحكم والمواعظ: ص 22 ح 148.

4- كشف الغمة: ج 2 ص 198، بحار الأنوار: ج 78 ص 111 ح 6.

5- الإرشاد: ج 1 ص 304، كنز الفوائد: ج 1 ص 199، بحار الأنوار: ج 1 ص 95 ح 35.

6- غرر الحكم: ح 7015، عيون الحكم والمواعظ: ص 386 ح 6526.

**2 / 10 بزرگ ترین بی نیازی**

ر. ك: ص 357 (مكارم اخلاق) و 367 (كارهاى نيك).

2 / 10 بزرگ ترین بی نیازی 8740. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ تنگ دستی ای سخت تر از نادانی نیست و هیچ سرمایه ای، پُرسودتر از خردمندی نیست. 8741. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: برترین بی نیازی، خردمندی است. 8742. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمندی، برترین بی نیازی و عالی ترین رتبه در دنیا و آخرت به شمار می رود. 8743. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هیچ بی نیازی ای بزرگ تر از خردمندی نیست. 8744. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هیچ سرمایه ای، سودمندتر از خردمندی نیست. 8745. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، برای بی نیازی، کفایت می کند.

8742. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : لا غنى مثل العقل . (1) 8743. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : لا فقر لعاقل . (2) 8744. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : في الحكم المنسوبة إليه : أنفس الأعلام (3) عقل قرن إليه حظ . (4) 8745. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الصادق عليه السلام : لا غنى أخصب من العقل ، ولا فقر أخط من الحمق . (5) 2 / 11 العلم يحتاج إليه 8746. السنن الكبرى ( \_ به نقل از مجاهد \_ ) الإمام علي عليه السلام : في الحكم المنسوبة إليه : العقل لم يجز علي صاحبه قط ، والعلم من غير عقل يجزي علي صاحبه . (6) 8747. تفسير ابن كثير ( \_ به نقل از علي بن عروه \_ ) عنه علیه السلام : كل علم لا يؤيده عقل مصلته . (7) 8748. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه علیه السلام : من زاد علمه على عقله كان وبالاً عليه . (8) 8749. الإمام الجواد عليه السلام : عنه علیه السلام : أفضل ما من الله سبحانه به على عباده علم وعقل ، ومثلك وعدل . (9) 8750. الإمام علي عليه السلام : عنه علیه السلام : لا شيء أحسن من عقل مع علم ، وعلم مع حليم ، وحليم مع قدرة . (10) .

- 
- 1- تحف العقول : ص 201 ، روضة الواعظين : ص 8 ، غرر الحكم : ح 10472 وفيهما «كالعقل» بدل «مثل العقل» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 37 ح 7 .
  - 2- غرر الحكم : ح 10449 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 536 ح 9823 .
  - 3- العلق : النفيس من كل شيء ، جمعه الأعلام (لسان العرب : ج 10 ص 268) .
  - 4- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 302 ح 448 .
  - 5- الكافي : ج 1 ص 29 ذيل ح 34 عن حمران وصفوان بن مهران الجمال .
  - 6- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 323 ح 702 .
  - 7- غرر الحكم : ح 6869 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 376 ح 6345 .
  - 8- غرر الحكم : ح 8601 .
  - 9- غرر الحكم : ح 3205 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2771 .
  - 10- غرر الحكم : ح 10909 .

**2 / 11 نیاز دانش به خرد**

8751. الإمام الباقر عليه السلام: امام علی علیه السلام: هیچ بی نیازی ای، مانند خردمندی نیست. 8748. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله  
 :امام علی علیه السلام: هیچ خردمندی، تنگ دست نیست. 8749. امام جواد علیه السلام: امام علی علیه السلام. از حکمت های  
 منسوب به ایشان: گران بهاترین دارایی، خردی است که قرین با بهره مندی باشد. 8750. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام  
 :هیچ بی نیازی ای، پُربارتر از خردمندی نیست و هیچ تنگ دستی ای، پست تر از نادانی. 11 / 2 نیاز دانش به خرد 8753. المستدرک علی  
 الصحیحین عن أبي ذرّ: امام علی علیه السلام. در حکمت های منسوب به ایشان: هیچ گاه خرد به صاحبش آسیب نمی زند؛ لیکن  
 دانش بدون خرد، به صاحبش آسیب می رساند. 8754. المصنّف لابن أبي شیبة عن مرثد بن أبي مرثد عن أبيامام علی علیه السلام: هر  
 دانشی که خرد، آن را تأیید نکند، گم راهی است. 8752. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هر که دانش او بر خردش  
 افزون باشد، دانش، باری بر او خواهد بود. 8753. المستدرک علی الصحیحین (به نقل از ابو ذر) امام علی علیه السلام: برترین  
 بخشش های خداوند سبّحان بر بندگانش، دانش و خرد، و حکمرانی و عدالت پیشگی است. 8754. المصنّف، ابن ابی شیبہ (به نقل از  
 مرثد بن ابی مرثد، از پدرش) امام علی علیه السلام: هیچ چیزی زیباتر از خرد همراه با دانش، دانش همراه با بردباری و بردباری همراه با  
 توانمندی نیست.

8755. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الباقر عليه السلام: إني لأكره أن يكونَ مقدارُ لسانِ الرَّجُلِ فاضلاً على مقدارِ عِلْمِهِ ، كما أكرهُ أن يكونَ مقدارُ عِلْمِهِ فاضلاً على مقدارِ عَقْلِهِ. (1) 8756. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام\_ في الديوانِ المَنسوبِ إليه\_:

إِذَا كُنْتَ ذَا عِلْمٍ وَلَمْ تَكُ عَاقِلاً

فَأَنْتَ كَذِي نَعْلِ وَلَيْسَ لَهُ رِجْلٌ وَإِنْ كُنْتَ ذَا عَقْلِ وَلَمْ تَكُ عَالِماً

فَأَنْتَ كَذِي رِجْلِ وَلَيْسَ لَهُ نَعْلٌ أَلَا إِنَّمَا الْإِنْسَانُ غِمْدٌ لِعَقْلِهِ

ولا خَيْرَ في غِمْدٍ إِذَا لَمْ يَكُنْ نَصْلٌ (2) راجع : ص 342 (العلم والحكمة) و 304 (العلم) .

2 / 12 النّوادر 8756. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيُّ مُرْسَلٌ وَلَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ؛ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَالْفَهْمَ رُوحَهُ، وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ، وَالْحَيَاءَ عَيْنِيهِ، وَالْحِكْمَةَ لِسَانَهُ، وَالرَّافِقَةَ فَمَهُ، وَالرَّحْمَةَ قَلْبَهُ، ثُمَّ حَشَاهُ وَقَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ: بِالْيَقِينِ، وَالْإِيمَانِ، وَالصِّدْقِ، وَالسَّكِينَةِ، وَالْإِخْلَاصِ، وَالرِّفْقِ، وَالْعَطِيَّةِ، وَالْقَنُوعِ، وَالتَّسْلِيمِ، وَالشُّكْرِ. (3) 8757. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ زمانى كه از شب قدر پرسیده شد \_ ) الإمام عليّ عليه السلام :أغلى الأشياء أصلاً وأحلاها ثمرَةً: صالح الأعمال، وحسن الأدب، وعقل مُستعمل. (4) .

1- .شرح نهج البلاغة: ج 7 ص 92 .

2- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص 440 الرقم 341 .

3- .معاني الأخبار: ص 313 ح 1 ، الخصال: ص 427 ح 4 كلاهما عن يزيد بن الحسين عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الأمالي للطوسي: ص 542 ح 1164 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضة الواعظين: ص 7 ، إرشاد القلوب: ص 197 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 1 ص 107 ح 3 .

4- .مطالب السؤل: ص 50 .

8758. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در خیر دادن از شب قدر \_ ) امام باقر علیه السلام: همانا نمی پسندم که زبان آدمی ، بیش از دانش او باشد، چنان که نمی پسندم دانش او زیاده بر خرد او باشد. 8759. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام \_ در دیوان شعر منسوب به ایشان \_:

اگر دانشور باشی و خردمند نباشی

به سان کسی هستی که کفش دارد؛ ولی پا ندارد. اگر خردمند باشی و عالم نباشی

به سان کسی هستی که پا دارد؛ ولی کفش ندارد. همانا آدمی ، چون تیردان خرد خویش است

و تیردان بدون تیر ، سودی ندارد. ر. ک: ص 343 (دانش و حکمت) . و 305 (دانش) .

2 / 12 گوناگون 8763. المصنّف لعبد الرزاق عن ابن جریج: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، خرد را از نور پنهان در علم پیشین خود ، بیافرید ؛ دانشی که هیچ پیامبر فرستاده شده و هیچ فرشته مقربّی را بر آن آگاه نکرده است . سپس دانش را نفس خرد قرار داد ، و فهمیدن را جان او ، و پارسایی را سر او ، و آزر را دو چشم او ، و حکمت را زبانش ، و مهربانی را دهانش ، و رحمت را قلبش . آن گاه با ده ویژگی که در خرد نهاد ، آن را نیرومند کرد : یقین ، ایمان ، راستی ، آرامش ، اخلاص ، مدارا ، بخشش ، قناعت ، تسلیم ، و سپاس گذاری . 8759. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : گران بهاترین چیزها از نظر پایه و اساس ، و شیرین ترین آنها از نظر میوه ، کارهای شایسته ، ادب نیکو ، و خردی است که به کار گرفته شود.



8760. المصنّف، عبد الرزاق ( \_ به نقل از عبد الله بن أنيس \_ ) عنه عليه السلام: العُقُولُ ذَخَائِرٌ، وَالْأَعْمَالُ كُنُوزٌ. (1) 8761. المصنّف، عبد الرزاق ( \_ به نقل از ابو نصر \_ ) عنه عليه السلام: العَقْلُ أَقْوَى أُسَاسٍ. (2) 8762. السنن الكبرى ( \_ به نقل از عبد الله بن أنيس \_ ) عنه عليه السلام: العَقْلُ قُرْبَةٌ، الحُمُقُ غُرْبَةٌ. (3) 8763. المصنّف، عبد الرزاق ( \_ به نقل از ابن جريج \_ ) عنه عليه السلام: العَقْلُ أَفْضَلُ مَرْجُوٌّ. (4) 8764. الإمام الباقر عليه السلام: عنه عليه السلام: العَقْلُ يُحَسِّنُ الرُّوْيَةَ (5) . (6) 8765. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: عنه عليه السلام: العَقْلُ شَرَفٌ كَرِيمٌ لَا يَبْلَى. (7) 8766. مستدرک الوسائل عن ضمرة بن عبد الله: عنه عليه السلام: تَرْكِيَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ. (8) 8764. امام باقر عليه السلام: عنه عليه السلام: لَا يَزُكُو عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا عَقْلٌ عَارِفٌ وَنَفْسٌ عَزُوفٌ. (9) 8765. امام باقر يا امام صادق عليهما السلام: عنه عليه السلام: حَسَبُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ، وَمُرُوءَتُهُ خُلُقُهُ. (10) 8766. مستدرک الوسائل ( \_ به نقل از ضمرة بن عبد الله \_ ) عنه عليه السلام: غَايَةُ الْمَرءِ حُسْنُ عَقْلِهِ. (11) 8767. مجمع الزوائد عن عبد الله بن أنيس: عنه عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ غَايَةٌ، وَغَايَةُ الْمَرءِ عَقْلُهُ. (12) .

- 1- .كنز الفوائد : ج 2 ص 32 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 96 ح 43 .
- 2- .غرر الحكم : ح 475 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 700 .
- 3- .غرر الحكم : ح 111 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 34 ح 648 و 649 .
- 4- .غرر الحكم : ح 479 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 26 ح 289 .
- 5- .الروية : الفكر والتدبير (المصباح المنير : ص 247) .
- 6- .غرر الحكم : ح 495 .
- 7- .غرر الحكم : ح 1590 .
- 8- .غرر الحكم : ح 4474 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 201 ح 4077 .
- 9- .غرر الحكم : ح 10882 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 544 ح 10101 .
- 10- .غرر الحكم : ح 4891 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4455 .
- 11- .غرر الحكم : ح 6366 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5924 .
- 12- .غرر الحكم : ح 7300 .

8768. الإمام الباقر عليه السلام: امام علی علیه السلام: خردها سرمایه های پنهان اند و کارها [ی نیک] گنج ها. 8769. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، مایه نزدیکی، و نادانی، سبب دوری است. 8767. مجمع الزوائد (به نقل از عبد الله بن اُئیس) امام علی علیه السلام: خرد، برترین خواسته است. 8768. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: خرد، سبب نیکو اندیشیدن است. 8769. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، کرامتی گران مایه است که نابود نمی شود. 8770. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: رشد آدمی، به خرد است. 8771. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: نزد خداوند سبحان، جز خرد آگاه و نفس رویگردان [از آلودگی ها]، روسفید نیست. 8772. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: تبار آدمی، به خرد اوست و جوان مردی او، به خُلق و خوی او. 8771. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: نهایتِ رشد آدمی، داشتن خردی نیکوست. 8772. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هر چیزی را نهایتی است و نهایتِ انسان، خرد است. .

8773. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُجِبُّ الْعَقْلَ الْقَوِيمَ وَالْعَمَلَ الْمُسْتَقِيمَ. (1) 8774. مستدرك الوسائل عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه وآله: العَقْلُ لَا يَنْخَدِعُ. (2) 8775. فضائل الأشهر الثلاثة عن أبي هريرة: عنه عليه السلام: العَقْلُ شِفَاءٌ. (3) 8776. الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: عنه عليه السلام: العَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ. (4) 8773. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لَا عَدَمَ أَعْدَمَ مِنْ عَدَمِ الْعَقْلِ. (5) 8774. مستدرك الوسائل: عنه عليه السلام: الدِّينُ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْعَقْلُ. (6) 8775. فضائل الأشهر الثلاثة ( \_ به نقل از ابو هُرَيْرَةَ \_ ) عنه عليه السلام: فَقَدْ الْعَقْلُ شَقَاءٌ. (7) 8776. امام باقر عليه السلام ( \_ به نقل از پدرانش عليهم السلام \_ ) عنه عليه السلام: لَا مَرَضَ أَضْنَى مِنْ قِلَّةِ الْعَقْلِ. (8) 8777. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: لَنْ يَنْجَعَ الْأَدَبُ حَتَّى يُقَارِنَهُ الْعَقْلُ. (9) 8778. الإقبال: الإمام الحسن عليه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّ الْعَقْلَ حِرْزٌ وَالْجِلْمَ زِينَةٌ. (10).

- 1- غرر الحكم : ح 3410 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 149 ح 3280 .
- 2- غرر الحكم : ح 427 .
- 3- غرر الحكم : ح 206 .
- 4- غرر الحكم : ح 824 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 207 .
- 5- كشف الغمّة : ج 2 ص 10 ، الأمالي للطوسي : ص 146 ح 240 كلاهما عن أبي وجزة السعدي عن أبيه وفيه «من العقل» بدل «من عدم العقل» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 88 ح 13 .
- 6- غرر الحكم : ح 1341 .
- 7- غرر الحكم : ح 6534 .
- 8- مئة كلمة للجاحظ : ص 46 ح 30 ، سجع الحمام : ص 323 ح 1241 نقلاً عن الإعجاز والإيجاز، المناقب للخوارزمي : ص 375 ح 395 ؛ غرر الحكم : ح 10763 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 537 ح 9870 .
- 9- غرر الحكم : ح 7412 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 408 ح 6914 .
- 10- إرشاد القلوب : ص 199 .

8779. المعجم الأوسط عن عبد الله بن يزيد عن عامام علي عليه السلام: خداوند سبحان، خرد استوار و کار درست را دوست می دارد.  
 8780. سنن الترمذی عن عائشة: امام علی علیه السلام: خرد، فریب نمی خورد. 8777. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام  
 :خرد، درمان [دردها] است. 8778. الإقبال: امام علی علیه السلام: خرد، شمشیری بُرنده است. 8779. المعجم الأوسط ( \_ به نقل از  
 عبد الله بن یزید \_ ) امام علی علیه السلام: هیچ نداری ای، بدتر از نداشتن خرد نیست. 8780. سنن الترمذی ( \_ به نقل از عایشه \_ ) امام  
 علی علیه السلام: دینداری را جز خرد، اصلاح نمی کند. 8781. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: از دست دادن  
 خرد، بدبختی است. 8782. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هیچ بیماری ای، تن سوزتر از کم خردی نیست. 8783. عنه  
 صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: ادب، سودمند نیست، مگر آن که با خرد همراه گردد. 8781. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله  
 : امام حسن علیه السلام: آگاه باشید که خرد، نگه دارنده است و بردباری، زینت . .

8782. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الكاظم عليه السلام\_ لهشام بن الحکم\_ : يا هشامُ، إنَّ لقمانَ قالَ لابنِهِ : يا بُنَيَّ ، إنَّ الدُّنْيا بَحْرٌ عَمِيقٌ ، قد غَرِقَ فيها عالَمٌ كَثِيرٌ ، فَلتَكُنْ مَعِ غَيبَتِكَ فيها تَقْوَى اللَّهِ ، وَحَشْوُها الإِيمانَ ، وَشِراغُها التَّوَكُّلَ ، وَفَيمُّها العَقْلَ ، وَدَليلُها العِلْمَ ، وَسُكَّانُها الصَّبْرَ. (1).

---

1- الكافي : ج 1 ص 16 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 386 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 299 ح 1 .

8783. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام\_ خطاب به هشام بن حکم\_ : ای هشام! لقمان به فرزندش فرمود : «فرزندم! دنیا دریایی ژرف است که خَلقی بسیار در آن غرق شدند . پس تلاش کن تا در این دریا کشتی ات تقوای خداوند ، ساحلش ایمان، بادبانش توکل [بر خدا] ، ناخدایش خرد ، راه نمایش دانش و سگانش (1) شکیبایی باشد» . .

---

1- .سگان ، وسیله ای چوبی یا فلزی است که در یکی از دو انتهای کشتی جاسازی می شود و با حرکت دادن آن، جهت حرکت کشتی تعیین می گردد (ر . ک : لغت نامه دهخدا : ج 8 ص 12069) .

الفصل الثالث : التَّعَقُّلُ 3 / 1 تأكيدُ التَّعَقُّلِ لكتاب « كَذَّ لِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ » . (1)

« وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ » . (2)

« كَذَّ لِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ » . (3)

« لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ » . (4)

راجع : البقرة : 164، الأنعام: 32 و 151 ، الأعراف: 169 ، هود: 51 ، يوسف: 2 و 109 ، الرعد: 4 ، النحل : 12 و 67 ، الحج : 46 ،  
النور: 61 ، القصص: 60 ، العنكبوت: 35 ، الروم: 24 و 28 ، يس: 62 و 68 ، ص: 29 ، غافر: 67 و 70 ، الزخرف: 3 ، الجاثية: 5 و 13 ،  
الحديد: 17 .

1- .البقرة : 242 .

2- .المؤمنون: 80 .

3- .البقرة: 73 .

4- .الأنبياء: 10 .

## فصل سوم : خردورزی

### 3 / 1 اهتمام به خردورزی

#### اشاره

فصل سوم : خردورزی 3 / 1 اهتمام به خردورزی قرآن (بدین گونه ، خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند ؛ باشد که بیندیشید)

«و او کسی است که زنده می کند و می میراند ؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست ؛ آیا اندیشه نمی کنید؟!» .

«این گونه ، خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند ؛ باشد که بیندیشید» .

«در حقیقت ، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است . آیا نمی اندیشید؟!» .

ر . ك : بقره : آیه 164 ، انعام : آیه 32 و 151 ، اعراف : آیه 169 ، هود : آیه 51 ، یوسف : آیه 2 و 109 ، رعد : آیه 4 ، نحل : آیه 12 و 67 ، حج : آیه 46 ، نور : آیه 61 ، قصص : آیه 60 ، عنکبوت : آیه 35 ، روم : آیه 24 و 28 ، یس : آیه 62 و 68 ، ص : آیه 29 ، غافر : آیه 67 و 70 ، زخرف : آیه 3 ، جاثیه : آیه 5 و 13 ، حدید : آیه 13 .



الحديث 8794. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: استرشِدُوا الْعَقْلَ تَرشِدُوا، ولا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا. (1) 8795. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. (2) 8796. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ فِي الدَّارَيْنِ الْعَقْلُ. (3) 8793. الكافي (به نقل از جابر) تيسير المطالب عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ تَلَا: «تَبَرَكُ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» حَتَّى بَلَغَ قَوْلَهُ: «أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» ثُمَّ قَالَ: «أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَهُوَ أَحْسَنُ عَقْلًا، وَأَوْزَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَأَسْرَعُهُمْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى». (4) 8794. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: فِي وَصِيَّتِهِ إِلَى ابْنِ مَسْعُودٍ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَعَقْلٍ، وَإِيَّاكَ وَأَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَعِلْمٍ، فَإِنَّهُ جَلُّ جَلَالِهِ يَقُولُ: «وَلَا تَكُونُوا كَأَلَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا» (5). (6) 8795. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِيَارُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَتِهُوا. (7) 8796. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ أَهْلِ الْجَنَّةِ بَعْدَ الْمُرْسَلِينَ أَفْضَلُهُمْ عَقْلًا، وَأَفْضَلُ النَّاسِ أَعْقَلُ النَّاسِ. (8).

1- .كنز الفوائد: ج 2 ص 31، بحار الأنوار: ج 1 ص 96 ح 41.

2- .الخصال: ص 433 ح 17 عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام، الكافي: ج 1 ص 18 عن الإمام علي عليه السلام وفيه «ما عبُد» بدل «لم يعبد»، روضة الواعظين: ص 12 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، علل الشرائع: ص 116 ح 11 عن علي الأشعري رفعه، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 112، المواعظ العددية: ص 368 والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 108 ح 4.

3- .كنز الفوائد: ج 2 ص 31، بحار الأنوار: ج 1 ص 96 ح 42.

4- .تيسير المطالب: ص 377، مجمع البيان: ج 10 ص 484 عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج 70 ص 233 ح 6.

5- .النحل: 92.

6- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 361 ح 2660 عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج 77 ص 110 ح 1.

7- .صحيح البخاري: ج 3 ص 1235 ح 3194، صحيح مسلم: ج 4 ص 1958 ح 199، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 536 ح 10300، سنن الدارمي: ج 1 ص 78 ح 227 كلُّها عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 271 ح 5061 عن أم سلمة، الفردوس: ج 2 ص 173 ح 2863 عن جابر، كنز العمال: ج 10 ص 152 ح 28780.

8- .الفردوس: ج 2 ص 325 ح 3476 عن ابن عمر.

حدیث 8798. الإمام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خرد، راهنمایی بگیری تا راه یابید، و از خرد، نافرمانی مکنید که پشیمان می شوید. سنن الترمذی عن انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا با چیزی بهتر از خرد، بندگی نمی شود. 8800. سنن الترمذی عن بریده: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرور کارها در هر دو سرای، خرد است. 8797. سنن ابن ماجه ( \_ به نقل از فاکه بن سعد \_ ) تیسیر المطالب \_ به نقل از ابن عمر \_ : پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «پر برکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست» را تا «کدام يك از شما بهتر عمل می کنید» تلاوت کرد و آن گاه فرمود: «هر يك از شما که رفتارش نیکوتر باشد، خردی نیکوتر دارد و بیشتر از گناهان پرهیز می کند و در بندگی خدا، شتابان تر است». 8798. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در سفارش به ابن مسعود \_ : ای پسر مسعود! هر گاه کاری انجام می دهی، بر پایه دانش و خرد انجام بده . پرهیز از آن که بدون اندیشه و دانش، دست به کاری بزنی؛ زیرا خداوند بزرگ می فرماید: «و مانند آن [زنی] مباشید که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست». 8799. سنن الترمذی ( \_ به نقل از انس \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما در دوران جاهلیت، بهترین شما در دوران اسلام است، اگر بفهمند. 8800. سنن الترمذی ( \_ به نقل از بریده \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرور بهشتیان پس از پیامبران، خردمندترین آنهاست و برترین مردم، خردمندترین آنهاست . .

8801. المعجم الكبير عن جابر بن سمرة: عنه صلى الله عليه وآله: يا عليُّ، إذا اكتسب النَّاسُ مِن أنواعِ البرِّ لِيَتَقَرَّبُوا بِهَا إِلَى رَبِّنَا فَآكْتَسِبْ أَنْتَ أَنْوَاعَ الْعَقْلِ تَسْبِقُهُم بِالزَّلْفِ وَالْقُرْبَةِ وَالذَّرَجَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1) 8802. صحيح البخاري عن أنس: تاريخ بغداد عن عطاء: إنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ دَخَلَ عَلَى عَائِشَةَ فَقَالَ: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَرَأَيْتِ الرَّجُلَ يَقِلُّ قِيَامُهُ وَيَكْتُرُ رُقَادَهُ، وَآخَرَ يَكْتُرُ قِيَامَهُ وَيَقِلُّ رُقَادَهُ، أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ؟  
قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا سَأَلْتَنِي.

فَقَالَ: أَحْسَنُهُمَا عَقْلًا.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّمَا أَسَأَلُكَ عَنْ عِبَادَتِهِمَا؟

فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، إِنَّمَا يُسَأَلَانِ عَنْ عُقُولِهِمَا، فَمَنْ كَانَ أَعْقَلَ كَانَ أَفْضَلَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2) 8803. المستدرک علی الصحیحین عن أنس: حلية الأولياء عن أبي أيوب الأنصاري عن النبي صلى الله عليه وآله: إنَّ الرَّجُلَيْنِ لَيَتَوَجَّهَانِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَصِدَّ لِيَانِ، فَيَنْصَرِفُ أَحَدُهُمَا وَصَلَاتُهُ أَوْزَنُ مِنْ أُحَدٍ، وَيَنْصَرِفُ الْآخَرُ وَمَا تَعَدِلُ صَلَاتُهُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ. فَقَالَ أَبُو حَمِيدٍ السَّاعِدِيُّ: وَكَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: إِذَا كَانَ أَحْسَنُهُمَا عَقْلًا.

قَالَ: وَكَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ؟

قَالَ: إِذَا كَانَ أَوْرَعَهُمَا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَأَحْرَصَهُمَا عَلَى الْمُسَارَعَةِ إِلَى الْخَيْرِ، وَإِنْ كَانَ دُونَهُ فِي النَّطْوَعِ. (3) 8804. السنن الكبرى عن عمرو بن عوف المزني: الإمام علي عليه السلام في حديث المعراج: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، اسْتَعْمِلْ عَقْلَكَ قَبْلَ أَنْ يَذْهَبَ، فَمَنْ اسْتَعْمَلَ عَقْلَهُ لَا يُخْطِئُ وَلَا يَطْغَى.

(4).

1- الفردوس: ج 5 ص 325 ح 8328 عن الإمام علي عليه السلام.

2- تاريخ بغداد: ج 8 ص 360.

3- حلية الأولياء: ج 1 ص 362، الفردوس: ج 3 ص 212 ح 4604، المعجم الكبير: ج 4 ص 149 ح 3970 وفيهما إلى «مثقال ذرة»، كنز العمال: ج 3 ص 381 ح 7049.

4- إرشاد القلوب: ص 199 \_ 205، بحار الأنوار: ج 77 ص 29 ح 6.

8805. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ای علی! هر گاه مردم با انجام دادن انواع کارهای نیک، به خداوند تقرب می جویند، تو انواع خرد را به دست آور که از آنان در قرب به خداوند و کسب رتبه در دنیا و آخرت، پیشی خواهی گرفت.

8806. سنن الترمذی عن ابن عمر: تاریخ بغداد: عطا می گوید: ابن عباس بر عایشه وارد شد و گفت: ای أم المؤمنین! از میان دو انسانی که یکی کم شب زنده داری می کند و بیشتر می خوابد و دیگری که کمتر می خوابد و بیشتر شب زنده داری می کند، کدام را بیشتر دوست می داری؟

عایشه گفت: من همین را از پیامبر خدا سؤال کردم و ایشان فرمود: «آن که خردمندتر است».

پرسیدم: من از عبادت آنان پرسیدم [و شما از خردشان سخن می گویی؟].

فرمود: «ای عایشه! آنان به اندازه خردشان مورد سؤال قرار می گیرند. هر که خردمندتر باشد، در دنیا و آخرت، برتر است». 8807. رسول الله صلى الله عليه وآله: حلیة الأولیاء\_ به نقل از ابو ایوب انصاری: پیامبر خدا فرمود: «دو مرد وارد مسجد می شوند و نماز می گزارند. آن گاه باز می گردند، حال آن که نماز یکی، سنگین تر از کوه احد است و نماز دیگری، همسنگ ذره ای نیست».

ابو حمید ساعدی پرسید: چگونه چنین می شود، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «اگر یکی خردمندتر باشد».

باز پرسید: چگونه می شود؟

فرمود: «اگر یکی در مقابل گناهان، خودنگه دارتر باشد و در انجام دادن خوبی ها شتاب و ولع بیشتری به خرج دهد، گرچه در امور مستحیی، از دیگری پایین تر باشد». 8801. المعجم الکبیر ( \_ به نقل از جابر بن سمره \_ ) امام علی علیه السلام\_ در حدیث معراج به نقل از خداوند متعال: ای احمد! پیش از آن که خردت از دست برود، آن را به کار گیر. هر آن کس که خردش را به کار گیرد، نمی لغزد و طغیان نمی ورزد . .

8802. صحيح البخارى ( \_ به نقل از آنس \_ ) عنه عليه السلام: فَضْلُ فِكْرٍ وَتَقَهُمْ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكَرُّرٍ وَدِرَاسَةٍ. (1) 8803. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از آنس \_ ) عنه عليه السلام: إِسْتَرَشِدَ بِدِ الْعَقْلِ وَخَالِفِ الْهَوَى تَنْجَحَ. (2) 8804. السنن الكبرى ( \_ به نقل از عمرو بن عوف مزنى \_ ) عنه عليه السلام: الْعَقْلُ رُفِيَّ إِلَى عَلِيٍّ. (3) 8805. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَرَّتَبَةُ الرَّجُلِ بِحُسْنِ عَقْلِهِ. (4) 8806. سنن الترمذی ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) عنه عليه السلام :كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ ، وَقِيَمَتُهُ فَضْلُهُ. (5) 8807. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :كَمَالُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ. (6) 8808. صحيح مسلم عن ابن عمر :عنه عليه السلام :الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ ، وَالْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ. (7) 8809. سنن أبي داوود عن ابن عباس :عنه عليه السلام :يَتَفَاضَلُ التَّاسُّ بِالْعُلُومِ وَالْعُقُولِ لَا بِالْأَمْوَالِ وَالْأَصُولِ. (8) 8810. الإمام الصادق عليه السلام :عنه عليه السلام :إِنَّ الرَّهْدَ فِي الْجَهْلِ بِدِرِ الرَّغْبَةِ فِي الْعَقْلِ. (9) 8811. شعب الإيمان عن ابن عمر :عنه عليه السلام :لَا يُعْشُ الْعَقْلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ. (10).

- 1- .غرر الحكم : ح 6564 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 359 ح 6081 .
- 2- .غرر الحكم : ح 2310 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 82 ح 1937 .
- 3- .غرر الحكم : ح 1325 .
- 4- .دستور معالم الحكم : ص 22 .
- 5- .غرر الحكم : ح 7235 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 395 ح 6682 وفيه «الرجل» بدل «المرء» .
- 6- .غرر الحكم : ح 7244 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 395 ح 6673 .
- 7- .كنز الفوائد : ج 1 ص 200 ، كشف الغمة : ج 3 ص 137 عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 96 ح 39 .
- 8- .غرر الحكم : ح 11009 .
- 9- .غرر الحكم : ح 3444 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 150 ح 3293 .
- 10- .نهج البلاغة : الحكمة 281 ، غرر الحكم : ح 10698 وفيه «انتصحه» بدل «استنصحه» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 95 ح 29 .

8812. سنن الدارقطني عن ابن عمر: امام علي عليه السلام: اندیشه ورزی و تفکر بسیار، از تکرار و آموختن، سودمندتر است  
 8808. صحیح مسلم ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علي عليه السلام: از خرد، راهنمایی بگیر و با هوس، مخالفت کن تا پیروز شوی  
 8809. سنن أبي داوود ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) امام علي عليه السلام: خرد، نردبان علیین (1) است. 8810. امام صادق عليه السلام  
 : امام علي عليه السلام: مرتبه آدمی، به اندازه خرد اوست. 8811. شعب الإيمان ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علي عليه السلام: کمال  
 آدمی، به خرد اوست و بهای او به احسانش (2). 8812. سنن الدارقطني ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علي عليه السلام: کمال آدمی، به  
 خرد است. 8813. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علي عليه السلام: زیبایی، در زبان است و کمال، در خرد. 8814. عنه صلی الله  
 علیه و آله: امام علي عليه السلام: درجه بندی آدمیان، به دانش و خرد است، نه به ثروت و ریشه ها [ی خانوادگی]. 8815. النهایة: امام  
 علي عليه السلام: تحقیقا بی میلی به نادانی، هم اندازه رغبت به خردمندی است. 8816. سنن ابن ماجه عن ابن عمر: امام علي عليه السلام  
 : خرد، هر که را از او خیرخواهی کند، فریب نمی دهد . .

---

1- علیین: طبقه بالاییین بهشت و یا جایی در آسمان هفتم که ارواح مؤمنان را بدان جا می برند (ر. ک: لغت نامه دهخدا: ج 10 ص 14377).

2- ممکن است مراد از واژه «فضل» در متن حدیث، احسان باشد که در ترجمه آمد و ممکن است مراد، فضیلت ها و خصلت های نیک باشد. م.

8817. السنن الكبرى عن ابن عمر: عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَعَانَ بِالْعَقْلِ سَدَّدَهُ. (1) 8818. سنن الترمذي عن أبي هريرة: عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَرْفَدَ الْعَقْلَ أَرَفَدَهُ. (2) 8819. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ اعْتَبَرَ بِعَقْلِهِ اسْتَبَانَ. (3) 8813. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَ عَقْلَهُ كَانَ حَكِيمًا. (4) 8814. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: غِطَاءُ الْعُيُوبِ الْعَقْلُ. (5) 8815. النهاية: الإمام الكاظم عليه السلام - لهشام بن الحكم: يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ». (6)

يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَكْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ، وَنَصَرَ التَّيْسِينَ بِالْبَيَانِ، وَدَلَّاهُمْ عَلَى رُبُوبِيَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ، فَقَالَ: «وَاللَّهِ هُكْمُ إِلَهٍ وَحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَنَصَرَ رِيفَ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (7)

يَا هِشَامُ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى مَعْرِفَتِهِ بِأَنَّ لَهُمْ مُدَبِّرًا، فَقَالَ: «وَسَخَّرَ لَكُمْ

الْيَلَّ وَالنَّهَارَ وَالسَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مَسْخَرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (8) وقال: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا - ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكِنُوا شَيْئًا يُوْحَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِيَبْلُغُوا أَجْلًا مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (9). وقال: «وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَنَصَرَ رِيفَ الرِّيْحِ» (10) «وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (11) وقال: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (12). وقال: «وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَرِزْقٍ وَنَخِيلٍ صِدْرًا وَغَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَحِدٍ وَنُفُضِلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (13) وقال: «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (14) وقال: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (15) وقال: «هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». (16)

يَا هِشَامُ، مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْلَمُوا عَنِ اللَّهِ، فَأَحْسَنُهُمْ اسْتِجَابَةً أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً، وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلًا، وَأَكْمَلُهُمْ عَقْلًا أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (17).

- 1- غرر الحكم: ح 7925، عيون الحكم والمواعظ: ص 424 ح 7176.
- 2- غرر الحكم: ح 7756، عيون الحكم والمواعظ: ص 423 ح 7140.
- 3- غرر الحكم: ح 8295، عيون الحكم والمواعظ: ص 446 ح 7842.
- 4- غرر الحكم: ح 8282، عيون الحكم والمواعظ: ص 447 ح 7880.
- 5- غرر الحكم: ح 6434، عيون الحكم والمواعظ: ص 350 ح 5953.
- 6- الزمر: 17 و 18.

- 7- البقرة: 163 و 164 .
- 8- النحل: 12 .
- 9- غافر: 67.
- 10- الجاثية : 5 و تمام الآية «ءَايَاتُ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» .
- 11- البقرة : 164 .
- 12- الحديد: 17 .
- 13- الرعد: 4 .
- 14- الروم: 24 .
- 15- الأنعام: 151 .
- 16- الروم: 28 .
- 17- الكافي : ج 1 ص 13 ح 12 عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 136 ح 30 .



8816. سنن ابن ماجه ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علی علیه السلام: هر که از خرد کمک بخواهد ، او را یاری می رساند . 8817. السنن الکبری ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علی علیه السلام: هر که از خرد راهنمایی بگیرد ، او را راهنمایی می کند . 8818. سنن الترمذی ( \_ به نقل از ابو هریره \_ ) امام علی علیه السلام: هر که از خرد خویش پند بگیرد ، راه می یابد . 8819. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: خرد ، پوشاننده السلام: هر که مالک خرد خود شود ، فرزانه است . 8820. تاریخ دمشق عن عبدالرحمن بن حاطب: امام علی علیه السلام: خرد ، پوشاننده عیب هاست . 8821. عوالي اللآلی: امام کاظم علیه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام! خداوند متعال در کتابش صاحبان خرد و فهم را بشارت داده و فرموده است : «پس ، به آن بندگان من که به سخن ، گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، بشارت ده، اینان اند که خدا آنان را راه نموده و اینان اند همان خردمندان» .

ای هشام! خداوند متعال دلایلش را با خرد، کامل کرد و پیامبران را با سخنوری ، یاری رسانید و آنان را با برهان، به ربوبیت الهی ، راهنمایی ساخت. خداوند [در کتابش] فرمود: «و معبود شما، معبود یگانه ای است که جز او ، هیچ معبودی نیست؛ [و اوست] بخشایشگر مهربان. به راستی که در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز ، و کشتی هایی که در دریا روان اند \_ که به مردم سود می رساند \_ و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن ، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن، هر گونه جنبنده ای را پراکنده کرده ، و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است ، برای گروهی که می اندیشند ، واقعا نشانه هایی [گویا] وجود دارد» .

ای هشام! خداوند این را نشانه قرار داد برای شناختنش به عنوان مدبر . [ او در کتابش] فرمود : «و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید ، و ستارگان ، به فرمان او مسخر شده اند . مسلماً در این [امور] ، برای مردمی که می اندیشند، نشانه هاست» .

و فرمود : «او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید ، سپس از نطفه ای ، آن گاه از علقه ای، و بعد، شما را [به صورت] کودکی بر می آورد ، تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید \_ و از میان شما کسی است که مرگ پیش رس می یابد \_ و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است ، برسید ؛ امید که در اندیشه فرو روید» .

و فرمود : «راستی که در پی یکدیگر آمدن شب و روز ، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به وسیله آن ، زمین را پس از مرگش زنده کرده است ، و [همچنین در] گردانیدن بادها و ابری که در میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعا نشانه هایی [گویا] وجود دارد» .

و فرمود : «[خدا] زمین را پس از مرگش زنده می گرداند . به راستی ، آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم ؛ باشد که بیندیشید» .

و فرمود : «و باغ هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما ، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه ، با یک آب ، سیراب می گردند ، و [با] این همه [برخی از آنها را در میوه [از نظر مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر ، برتری می دهیم بی گمان، در این [ امر نیز] برای مردمی که تعقل می کنند، دلایل [روشنی] است» .

و فرمود : «و از نشانه های او [، این است که] برقی را برای شما بیم آور و امیدبخش می نمایاند و از آسمان ، به تدریج ، آبی فرو می فرستد که به وسیله آن ، زمین را پس از مرگش زنده می گرداند . در این [کار هم] برای مردمی که تعقل می کنند ، قطعاً نشانه هایی است» .

و فرمود: «بگو بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده، برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید، و به پدر و مادرتان احسان کنید، و فرزندان خود را از بیم تنگ دستی مکُشید \_ ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم \_؛ و به کارهای زشت \_ چه علنی آن و چه پوشیده [اش]، نزدیک مشوید، و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز به حق مکُشید. این است که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است؛ باشد که بیندیشید».

و فرمود: «آیا در آنچه به شما روزی داده ایم، شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید، از آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند، به تفصیل، بیان می‌کنیم».

ای هشام! خداوند، پیامبران و رسولان را به سوی بندگان فرستاد تا از خداوند، شناخت پیدا کنند. بهترین پاسخ دهندگان به دعوت پیامبران، کسانی هستند که خدا را بهتر می‌شناسند، و داناترین مردم به فرمان خداوند، خردمندترین آنهایند، و خردمندان، بالاترین درجات را در دنیا و آخرت دارند . .





8822. تاريخ دمشق عن جابر: تيسير المطالب عن جابر بن عبد الله: **إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»** قَالَ: **الْعَالِمُ الَّذِي عَقَلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَعَمِلَ بِطَاعَتِهِ وَاجْتَنَبَ سَخَطَهُ.** (1) 8823. مسند ابن حنبل عن ابن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله: **قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ، فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ عَقْلُهُ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ، وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ.** (2) 8824. رسول الله صلى الله عليه وآله: **عنه صلى الله عليه وآله: كَمَ مِنْ عَاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَهُ وَهُوَ حَقِيرٌ عِنْدَ النَّاسِ ذَمِيمٌ الْمَنْظَرُ؛ يَنْجُو غَدًا. وَكَمَ مِنْ ظَرِيفٍ اللِّسَانِ جَمِيلِ الْمَنْظَرِ عِنْدَ النَّاسِ؛ يَهْلِكُ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ.** (3) 8825. **عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: مَا تَمَّ دِينُ إِنْسَانٍ قَطُّ حَتَّى يَتَمَّ عَقْلُهُ.** (4) 8820. تاريخ دمشق (به نقل از عبد الرحمان بن حاطب \_ ) **عنه صلى الله عليه وآله: جَدَّ الْمَلَائِكَةُ وَاجْتَهَدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ بِالْعَقْلِ، وَجَدَّ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَاجْتَهَدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ فَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَوْفَرُهُمْ عَقْلًا.** (5) 8821. عوالى اللآلى: تيسير المطالب عن ابن عباس رفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله: **أَفْضَلُ النَّاسِ أَعْقَلُ النَّاسِ. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: وَذَلِكَ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.** (6).

1- تيسير المطالب: ص 146 .

2- تحف العقول: ص 54، مشكاة الأنوار: ص 437 ح 1465، تيسير المطالب: ص 148، بحار الأنوار: ج 1 ص 106 ح 1 .

3- الأمل للطوسي: ص 393 ح 868 عن ابن عمر، تيسير المطالب: ص 156، بحار الأنوار: ج 70 ص 290 ح 26؛ كنز العمال: ج 3 ص 154 ح 5940 .

4- تيسير المطالب: ص 164؛ كنز العمال: ج 1 ص 671 ح 3467 .

5- تيسير المطالب: ص 313 .

6- تيسير المطالب: ص 146 .

8822. تاریخ دمشق ( \_ به نقل از جابر \_ ) تیسیر المطالب \_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری \_ : پیامبر خدا این آیه را خواند : « و این مثل ها را برای مردم می زنیم و جز دانشوران، آن را در نمی یابند » . [ آن گاه ] فرمود: « دانشور، کسی است که از خدای عز و جل خرد، دریافت می دارد (1) [ با بصیرت الهی ] و از فرمان های او پیروی می کند و از خشم او دوری می گزیند ». 8823. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال، خرد را بر سه پاره تقسیم کرد که هر کس آن سه پاره را دارا شود، خردش کامل است و آن که از آن بی بهره باشد، خردمند نیست : شناختی نیکو از خداوند، نیک فرمان برداری از خداوند، و پایداری شایسته بر دستوره های خداوند عز و جل . 8824. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چه بسیار خردمندانی که دستوره های خداوند را [ با بینش الهی ] (2) دریافتند؛ اما نزد مردم، خوار و زشت منظرند؛ ولی در آینده رستگار می شوند! و چه بسیار سخنورانی که نزد مردم، زیارویند؛ ولی در قیامت به هلاکت می افتند! 8825. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دینداری آدمی، هرگز به کمال نمی رسد، جز آن که خردش کامل گردد . 8826. الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فرشتگان، با خرد، در فرمان برداری از خداوند، کوشش و تلاش کردند و انسان های مؤمن نیز به اندازه خردشان در راه طاعت خداوند کوشش و تلاش نمودند . حقیقتاً بیشترین فرمان برداران از خداوند، بیشترین برخورداران از خردند . 8827. الإقبال عن محمد بن الحسن بن الولید باسناده إلى تیسیر المطالب \_ به نقل از ابن عباس \_ : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « برترین مردم، خردمندترین آنهاست » و آن، پیامبر شماس است . .

1- ر . ك : ص 426 پ 1 .

2- همان .

8828. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: ما أنتمم والبراءة؛ يبرأ بعضكم من بعض! إن المؤمنين بعضهم أفضل من بعض، وبعضهم أكثر صلالة من بعض، وبعضهم أنفذ بصيرة من بعض، وهي الدرجات. (1) راجع: ص 222 (قيمة العقل) و 330 (علامات العقل).

تنبيه: إن جميع الآيات والروايات التي تدعو الناس إلى التفكير والتدبر والتذكر والتفقه والتبصر تؤكد التعقل في معرفة المسيرة الصحيحة للحياة وانتخابها.

2/3 الحث على التفكير الكتاب «وَسَحَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (2)

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (3)

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ \* يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (4)

1- الكافي: ج 2 ص 45 ح 4 عن الصباح بن سيابة، بحار الأنوار: ج 69 ص 168 ح 7.

2- الجاثية: 13.

3- الروم: 21.

4- النحل: 10 و 11.

## یادآوری

## 3 / 2 وا داشتن به اندیشه کردن

8832. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: شما و تبرّی جُستن چرا؟ که برخی از شما از برخی دیگر تبرّی می جوئید . همانا بعضی از مؤمنان از برخی برترند ، برخی نمازشان بیشتر است ، و برخی نگاهی نافذتر دارند؛ و این است معنای درجات . ر . ك : ص 223 (ارزش خرد) و 331 (نشانه های خرد).

یادآوری همه آیات و احادیثی که مردم را به تفکر، تدبّر، تذکّر، تفقّه و بصیرت دعوت می کنند، بر تعقل و نقش آن در شناخت و انتخاب مسیر صحیح زندگی ، تأکید دارند .

3 / 2 وا داشتن به اندیشه کردنقرآن«و آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است ، به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعا در این [کار] برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی هست» .

«و از نشانه های او ، این است که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا به آنها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، قطعا نشانه هایی هست» .

«اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است، و رویدنی [هایی] که [رَمه های خود را] در آن می چرانید [نیز] از آن است به وسیله آن ، کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می رویاند. قطعا در اینها برای مردمی که اندیشه می کنند ، نشانه ای هست» .



«وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا لِيُغْشِيَ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» . (1)

«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُوا عَلَىهَا أُنْزِلْنَا لَيلاً أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» . (2)

«أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَعْبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» . (3)

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» . (4)

الحديث 8841. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله ليلال: لقد نزلت عليّ اللبابة آية، ويل لمن قرأها ولم يتفكر فيها: «(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ ... )» (5) \_ الآية كُلُّهَا \_ . (6) 8842. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله وأله: أصدق المؤمنين إيماناً أشدهم تفكراً في أمر الدنيا والآخرة. (7) 8843. عنه صلى الله عليه وآله: التمحيص: زوي أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: لا يكمل المؤمن إيمانه حتى يحتوي على مئة وثلاث خصال: فعل، وعمل، ونية، وباطن، وظاهر.

فقال أمير المؤمنين عليّ عليه السلام: يا رسول الله، ما يكون المئة وثلاث خصال؟

فقال: يا عليّ، من صفات المؤمن أن يكون جوال الفكر.... (8) .

1- الرعد: 3 .

2- يونس: 24 .

3- الغاشية: 17 \_ 20 .

4- الأنعام: 50 .

5- آل عمران: 190 .

6- صحيح ابن حبان: ج 2 ص 387 ح 620، الفردوس: ج 4 ص 400 ح 7158 كلاهما عن عائشة، تفسير ابن كثير: ج 2 ص 164 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 1 ص 570 ح 2576 .

7- أعلام الدين: ص 273 .

8- التمحيص: ص 74 ح 171، بحار الأنوار: ج 67 ص 310 ح 45 .

«و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن، کوه ها و رودها نهاد، و از هرگونه میوه ای در آن، جُفت جُفت قرار داد. روز را به شب می پوشاند. قطعا در این [امور] برای مردمی که تفکر می کنند، نشانه هایی وجود دارد» .

«در حقیقت، مثل زندگی دنیا به سانِ آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم . پس گیاه زمین \_ از آنچه مردم و دام ها می خورند \_ با آن در آمیخت، تا آن گاه که زمین ، پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن ، قدرت دارند . شبی یا روزی ، فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز ، وجود نداشته است. این گونه، نشانه ها [ی خود] را برای مردمی که می اندیشند ، به روشنی بیان می نماییم» .

«آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟ و به آسمان که چگونه برافراشته شده است؟ و به کوه ها که چگونه بر پا داشته شده اند؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟» .

«بگو: به شما نمی گویم که گنجینه های خدا در نزد من است ، و غیب نیز نمی دانم، و به شما نمی گویم که من فرشته ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می شود ، پیروی نمی کنم» . بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان اند؟ آیا تفکر نمی کنید؟» .

حدیث 8842. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ خطاب به بلال \_ : شب گذشته آیه ای بر من نازل شد . وای بر آن که آن را بخواند و در آن نیندیشد: «به راستی که در آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانه هایی برای خردمندان است» [ تا آخر آیه ] (1). 8843. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : راستگوترین مؤمنان در ایمان، کسی است که بیشتر در مسئله دنیا و آخرت بیندیشد. 8844. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : التمحیص : گزارش شده که پیامبر خدا فرمود: «ایمان مؤمن ، کامل نمی گردد، مگر آن که دارای یکصد و سه خصلت باشد: کار و عمل و تبت و باطن و ظاهر» .

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا! آن یکصد و سه خصلت چیست؟

فرمود: «ای علی! از صفات مؤمن ، آن است که اندیشه ای پُر تحرک داشته باشد...» . .

8845. عنه صلى الله عليه وآله ( \_عِنْدَمَا نَظَرَ إِلَى قِطَارِ جَمَالِ الْحَجِيجِ \_ ) رسول الله صلى الله عليه وآله : لا-عِبَادَةٌ مِثْلُ التَّفَكُّرِ .  
 (1) 8846. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ . (2) 8847. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله :  
 الله عليه وآله : فَكَّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ . (3) 8845. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_هنگامی که به کاروان شترهای حاجیان می  
 نگرست \_ ) عنه صلى الله عليه وآله : فَكْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَاعَةً . (4) 8846. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه  
 السلام : الْفِكْرُ عِبَادَةٌ . (5) 8847. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : فَكْرُ سَاعَةٍ قَصِيرَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ طَوِيلَةٍ . (6) .

1- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 372 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن أبيه  
 عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، الكافي : ج 8 ص 20 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام ،  
 التوحيد : ص 376 ح 20 عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 1 ص  
 94 ح 24 ؛ المعجم الكبير : ج 3 ص 69 ح 2288 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 39 ح 836 و 838 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 256 ح  
 3269 كلّها عن الحارث الأعور عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 16 ص 121 ح 44136 .

2- . الزهد للحسين بن سعيد : ص 15 ح 29 ، المحاسن : ج 1 ص 94 ح 56 ، مشكاة الأنوار : ص 81 ح 155 كلّها عن الحسن الصيقل  
 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 325 ح 16 ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج 8 ص 258 ح 37 عن الحسن من دون  
 إسنادٍ إلى النبيّ صلى الله عليه وآله ، تنبيه الغافلين : ص 570 ح 919 عن أبي الدرداء وفيه «تفكّر ساعة لي...» ، كنز العمال : ج 3 ص  
 696 ح 8492 .

3- . عوالي اللآلي : ج 2 ص 57 ح 152 ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 380 عن الإمام الكاظم عليه السلام ،  
 مصباح الشريعة : ص 171 و 456 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 326 ح 20 ؛ تفسير القرطبي : ج 4 ص 314 ، تنبيه الغافلين : ص 22 ح 1  
 وفيهما «تفكّر» بدل «فكر» .

4- . العظمة : ص 33 ح 44 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 106 ح 5710 .

5- . غرر الحكم : ح 34 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 682 .

6- . غرر الحكم : ح 6537 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 358 ح 6072 .

8848. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ لِرَجُلٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ \_ ) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عبادتى چون اندیشه کردن نیست. 8848. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ به مردى از انصار \_ ) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :يك ساعت اندیشه کردن، بهتر است از يك شب بیدارى [ برای عبادت ]. 8849. رسول الله صلى الله عليه وآله :پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :يك ساعت اندیشه کردن، بهتر است از يك سال عبادت است. 8850. عنه صلى الله عليه وآله :پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :يك ساعت اندیشه کردن، بهتر است از شصت ساعت عبادت است. 8851. عنه صلى الله عليه وآله :امام على عليه السلام :اندیشه کردن ، عبادت است. 8852. عنه صلى الله عليه وآله :امام على عليه السلام :يك مدّت کوتاه اندیشه کردن، بهتر است از عبادتى طولانى است . .

8853. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ ، قَالَ اللَّهُ : «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» (1) .
- (2) 8849. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَتِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ ، فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَقَلَّةِ التَّرَبُّصِ . (3) 8850. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لا عِلْمَ كَالْتَفَكُّرِ .
- (4) 8851. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: بِالْفِكْرِ تَنْجَلِي غِيَاهِبُ (5) الْأُمُورِ . (6) 8852. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْهِ وَاللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ؛ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ ، وَمُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ . (7) 8853. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: الفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ . (8) 8854. رسول الله صلى الله عليه وآله: الفِكْرُ يَهْدِي . (9) 8855. صحيح مسلم عن ابن عَبَّاسٍ : عنه عليه السلام: الفِكْرُ إِحْدَى الْهَدَايَتَيْنِ . (10) .

- 1- الزمر : 9 ، الرعد : 19 .
- 2- تفسير العياشي : ج 2 ص 208 ح 26 عن أبي العباس ، بحار الأنوار : ج 71 ص 327 ح 22 .
- 3- الكافي : ج 2 ص 599 ح 2 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ج 1 ص 28 ح 34 عن يحيى بن عمران عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام وفيه «الماشي» بدل «المستتير» ، النوادر للراوندي : ص 144 ح 197 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، العُدَدُ الْقَوِيَّةُ : ص 38 ح 49 ، نزهة الناظر : ص 73 ح 18 وليس فيهما ذيله من «بحسن ...» وكلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 17 ح 17 .
- 4- نزهة الناظر : ص 13 ح 20 ، نهج البلاغة : الحكمة 113 ، روضة الواعظين : ص 15 وفيه «كالنظر» بدل «كالتفكر» وكلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 409 ح 122 .
- 5- الغَيْهَبُ : الظلام (النهاية : ج 3 ص 398) .
- 6- غرر الحكم : ح 4322 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 189 ح 3903 .
- 7- غرر الحكم : ح 6132 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 334 ح 5692 .
- 8- غرر الحكم : ح 707 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 50 ح 1299 .
- 9- غرر الحكم : ح 20 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 36 ح 731 .
- 10- غرر الحكم : ح 1616 .

8856. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام صادق عليه السلام: يك ساعت اندیشه کردن، بهتر از يك سال عبادت است. خداوند فرمود: «همانا خردمندان، عبرت می گیرند». 8857. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اندیشه حیات قلب بیناست، چنان که طالب روشنائی، با نور در تاریکی راه می رود. پس بر شما باد نیک رها شدن [از تاریکی ها] و کم درنگ کردن [در آنها] 8858. عنه صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دانشی مانند اندیشه کردن نیست. 8859. عنه صلى الله عليه وآله: امام علی علیه السلام: با اندیشه، زوایای پنهان کارها آشکار گردد. 8854. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علی علیه السلام: بر تو باد اندیشه کردن؛ زیرا رهایی از گم راهی و اصلاح کننده رفتارهاست. 8855. صحیح مسلم (به نقل از ابن عباس) امام علی علیه السلام: اندیشه، به سوی راه درست زندگی، راهنمایی می کند. 8856. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علی علیه السلام: اندیشه، هدایت می کند. 8857. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علی علیه السلام: اندیشه، یکی از دو هدایتگر (1) است.

8858. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام\_ في وَصِيَّتِهِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَي بُنَيَّ! الْفِكْرَةُ تَوْرَثُ نُورًا، وَالْغَفْلَةُ ظُلْمَةٌ.  
 (1) 8859. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: الْفِكْرُ يُنِيرُ اللَّبَّ. (2) 8860. عنه صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: الْفِكْرُ  
 جِلَاءُ الْعُقُولِ. (3) 8861. رسول الله صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: مَنْ طَالَتْ فِكْرَتُهُ حَسَّنَتْ بَصِيرَتُهُ. (4) 8862. عنه صلی الله علیه  
 و آله: عنه علیه السلام: أَفْكَرَ (5) تَسْتَبْصِرَ. (6) 8863. عنه صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: تَفَكَّرَكَ يُفِيدُكَ الْإِسْتِبْصَارَ، وَيُكْسِبُكَ  
 الْإِعْتِبَارَ. (7) 8864. عنه صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ. (8) 8865. عنه صلی الله علیه و آله: الإمام الحسن عليه  
 السلام: عَلَيكُمْ بِالْفِكْرِ؛ فَإِنَّهُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ. (9) 8860. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام  
 :عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كَوْلِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ! فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُدْعُ صَدْرَهُ مَا يُرِيدُهُ (10). (11).

- 1- .تحف العقول: ص 89 و 100، نزهة الناظر: ص 62 ح 43، بحار الأنوار: ج 77 ص 237 ح 1.
- 2- .غرر الحكم: ح 369.
- 3- .غرر الحكم: ح 935، عيون الحكم والمواعظ: ص 23 ح 195.
- 4- .غرر الحكم: ح 8319.
- 5- .أفكر: قد فُكِرَ فِي الشَّيْءِ وَأَفْكَرَ وَتَفَكَّرَ بِمَعْنَى (لسان العرب: ج 5 ص 65).
- 6- .غرر الحكم: ح 2239، عيون الحكم والمواعظ: ص 75 ح 1815.
- 7- .غرر الحكم: ح 4574، عيون الحكم والمواعظ: ص 199 ح 4036.
- 8- .نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 79، كشف المحجّة: ص 231، بحار الأنوار: ج 77 ص 227 ح 2، دستور معالم  
 الحكم: ص 28.
- 9- .أعلام الدين: ص 297، بحار الأنوار: ج 78 ص 115 ح 12.
- 10- .في المصدر: «يزكيه»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 11- .الدعوات للراوندي: ص 144 ح 375، بحار الأنوار: ج 1 ص 218 ح 43.

8861. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام\_ در سفارشی به امام حسین علیه السلام\_: فرزندم! اندیشه، روشنایی به جای می گذارد و غفلت، تاریکی. 8862. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اندیشه، درون [ آدمی] را نورانی می کند. 8863. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اندیشه، خردها را صیقل می دهد. 8864. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اندیشه کن، بینا شو. 8866. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اندیشه کردنت، به تو بینایی می بخشد و به تو اعتبار و منزلت می دهد. 8867. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که اندیشه کند، بینا می گردد. 8868. عنه صلی الله علیه و آله: امام حسن علیه السلام: بر شما باد اندیشه کردن؛ زیرا اندیشه حیات قلب بینا و کلید درهای حکمت است. 8869. عنه صلی الله علیه و آله: امام حسن علیه السلام: شگفت است از کسی که در خوراکی اش می اندیشد، که چگونه در غذای عقلانی اش نمی اندیشد! و شکمش را از آنچه وی را آزار می دهد، دور می دارد، ولی در سینه اش چیزی را جای می دهد که او را به پستی می کشد! .



3 / 3 الحث عَلَى التَّفَقُّهِ الْكِتَابِ «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ». (1)

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ». (2)

الحديث 8870. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ خَرِبٍ ، فَتَعَلَّمُوا وَعَلَّمُوا وَتَفَقَّهُوا وَلَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزِرُ عَلَى الْجَهْلِ. (3) 8871. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ ، وَالْفِقْهُ بِالتَّفَقُّهِ. (4) 8872. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ ، وَدِعَامَةُ الْإِسْلَامِ الْفِقْهُ فِي الدِّينِ. (5) 8873. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ ، وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ. (6).

1- الأنعام : 98 .

2- الأنعام : 65 .

3- كنز العمال : ج 10 ص 147 ح 28750 عن ابن عمر نقلاً عن ابن السني .

4- المعجم الكبير : ج 19 ص 395 ح 929 ، مسند الشاميين : ج 1 ص 431 ح 758 ، تاريخ دمشق : ج 1 ص 266 ح 297 كلها عن معاوية ، كنز العمال : ج 10 ص 239 ح 29265 .

5- شعب الإيمان : ج 2 ص 267 ح 1716 ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 402 الرقم 926 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 1 ص 150 ح 28768 .

6- سنن الدارقطني : ج 3 ص 79 ح 294 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 194 ح 6166 ، شعب الإيمان : ج 2 ص 266 ح 1712 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 151 ح 206 ، تاريخ دمشق : ص 51 ح 186 كلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 10 ص 148 ح 28752؛ عوالي اللآلي : ج 4 ص 59 ح 1 ، الأمالي للشجري : ج 1 ص 41 عن أبي هريرة ، بحار الأنوار : ج 1 ص 216 ح 30 .

**3 / 3 وا داشتن به فهمیدن**

3 / 3 وا داشتن به فهمیدن قرآن «و او همان کسی است که شما را از يك تن ، پدید آورد. [ شما دو گروه هستید : ] بعضی پایدار [ از نظر ایمان یا خلقت کامل ] و بعضی ناپایدار. بی تردید، ما آیات [ خود ] را برای مردمی که می فهمند ، به روشنی بیان کرده ایم» .

«بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد ، یا شما را گروه گروه به هم بیندازد [ و دچار تفرقه سازد ] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [ دیگر ] بچشاند» . بنگر ، چگونه آیات [ خود ] را گوناگون بیان می کنیم ؛ باشد که آنان بفهمند» .

حدیث 8874. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در سفارش به علی علیه السلام \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دلی که در آن حکمت نیست ، مانند خانه ای ویران است . پس بیاموزید و آموزش دهید و دین شناس گردید و نادان نمیرید ؛ چرا که خداوند ، عذر نادانی را نمی پذیرد. 8875. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! همانا دانش ، با آموختن ، حاصل می شود و دین شناسی ، با فرا گرفتن. 8876. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر چیزی را پشتیبانی است و پشتیبان اسلام ، کارشناس شدن در دین است. 8877. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر چیزی را ستونی است و ستون این دین ، دین شناس شدن است.

8878. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: يَسِيرُ الْفَقِهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعِبَادَةِ . (1) 8879. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا إِذَا فَقَّهُوا. (3) 8879. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا إِذَا فَقَّهُوا فِي دِينِهِمْ. (4) 8880. صحيح البخاري عن ابن عباس: عنه صلى الله عليه وآله: النَّاسُ مَعَادُنُ؛ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقَّهُوا. (5) 8881. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ( \_ فِي ذِكْرِ كَلَامِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ) : أَحْسَنُ حَلِيَّةِ الْمُؤْمِنِ التَّوَّاضُعُ ، وَجَمَالُهُ التَّعَقُّفُ ، وَشَرَفُهُ التَّقَهُ . (6) 8880. صحيح البخاري ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) : الإمام الصادق عليه السلام : الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ ، وَحَزْمٌ فِي لِينٍ ، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ ، وَحِرْصٌ فِي فِقْهِ (7) . (8) .

- 1- المعجم الكبير: ج 1 ص 136 ح 286، الفردوس: ج 5 ص 488 ح 8847 كلاهما عن عبدالرحمن بن عوف، المعجم الأوسط: ج 8 ص 302 ح 8698، التاريخ الكبير: ج 1 ص 381 ح 1216 كلاهما عن عبدالله بن عمرو، الإصابة: ج 2 ص 400 ح 2648 عن رجاء وفيات الثلاثة الأخيرة «قليل» بدل «يسير»، كنز العمال: ج 10 ص 177 ح 28921.
- 2- النخصال: ص 30 ح 104 عن ابن عمر، منية المرید: ص 374، روضة الواعظين: ص 10، بحار الأنوار: ج 70 ص 305 ح 20؛ المعجم الأوسط: ج 9 ص 107 ح 9264، المعجم الصغير: ج 2 ص 124 كلاهما عن ابن عمر، مسند الشهاب: ج 2 ص 249 ح 1290 عن ابن عمر وابن عباس، كنز العمال: ج 10 ص 150 ح 28763.
- 3- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 526 ح 10236 و ص 496 ح 10029 وفيه «خياركم» بدل «خيركم في الإسلام» وكلاهما عن أبي هريرة .
- 4- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 522 ح 3790، المعجم الكبير: ج 10 ص 220 ح 10531، المعجم الأوسط: ج 4 ص 377 ح 4479 كلاهما عن عبدالله بن مسعود، كنز العمال: ج 15 ص 890 ح 43525.
- 5- صحيح البخاري: ج 3 ص 1238 ح 3203 و ص 1288 ح 3305، صحيح مسلم: ج 4 ص 1958 ح 199، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 69 ح 7499 و ص 344 ح 9090 وزاد في ذيله «في الدين»، سنن الدارمي: ج 1 ص 78 ح 227، صحيح ابن حبان: ج 13 ص 69 ح 5757 كلاهما عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 271 ح 5061 عن أم سلمة، كنز العمال: ج 10 ص 153 ح 28781.
- 6- تحف العقول: ص 172، بحار الأنوار: ج 77 ص 413 ح 38.
- 7- في فقه: أي هو حريص في معرفة مسائل الدين، أو حريص في العبادة مع معرفته لمسائل الدين (بحار الأنوار: ج 67 ص 273).
- 8- الكافي: ج 2 ص 231 ح 4، النخصال: ص 571 ح 2 عن أبي سليمان الحلواني، بحار الأنوار: ج 67 ص 271 ح 3؛ كنز العمال: ج 1 ص 140 ح 669 تقيلاً عن الحكيم عن جندب بن عبدالله وفيه «علم» بدل «فقه» .

8881. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در نقل گفتگوی خداوند با موسی علیه السلام در فضی ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اندکی دین شناسی ، بهتر از عبادت بسیار است . 8882. الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین عبادت ، فهم دین است . 8883. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما در اسلام ، خوش اخلاق ترین شماست ، اگر بفهمند . 8884. السنن الكبرى عن خزيمة بن ثابت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین مردم ، برترین آنان در رفتار است ، اگر در دین کارشناس باشند . 8882. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم گنج هاینند . بهترین شما در دوران جاهلیت ، بهترین شما در دوران اسلام اند ، هر گاه بفهمند . 8883. امام صادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : بهترین آرایش مؤمن ، فروتنی است ؛ و زیبایی اش پاک دامنی ؛ و شرف و بزرگی اش ، دستیابی به فهم دین . 8884. السنن الكبرى ( \_ به نقل از خزيمة بن ثابت \_ ) امام صادق علیه السلام : مؤمن ، نیرومندی به همراه دینداری و دورانیشی به همراه نرمی و ایمان به همراه یقین و [ نیز ] آزمندی در فهم دین دارد . .

3 / 4 التَّحذِيرُ مِنْ تَرْكِ التَّعْقِلِ لِكِتَابِ «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَقِلُونَ» . (1)

«وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» . (2)

«وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» . (3)

«أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» . (4)

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» . (5)

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ\* وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَوْلاً لِحَاغٍ غَيْرِ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَّصِيرٍ» . (6)

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» . (7)

راجع : البقرة : 44 و 76 ، آل عمران : 65 ، يونس : 16 ، العنكبوت : 35 و 43 ، الصافات : 138 ، فاطر : 37 ، الجاثية : 23 ، الأحقاف : 26 .

الحديث 8891. مسند ابن حنبل عن السائب بن خلاد: رسول الله صلى الله عليه وآله: «استرشدوا العقل ترشدوا، ولا تعصوه فتندموا». (8)

1- الأعراف : 179 .

2- يونس : 100 .

3- الإسراء : 72 .

4- الأنبياء : 67 .

5- الملك : 10 .

6- فاطر : 36 و 37 .

7- الفرقان : 44 .

8- كنز الفوائد : ج 2 ص 31 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 96 ح 41 .

## 3 / 4 زنهار از کنار نهادن خردورزی

3 / 4 زنهار از کنار نهادن خردورزی قرآن «و در حقیقت، بسیاری از جتّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم؛ [چرا که] دل هایی دارند که با آن [، حقایق را] دریافت نمی کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند، و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان، همانند چارپایان، بلکه گم راه ترند. [آری،] آنان همان غافل ماندگان اند».

«و [خدا] بر کسانی که نمی اندیشند، پلیدی را قرار می دهد».

«و هر که در این [دنیا] کوز [دل] باشد، در آخرت [هم] کور [دل] و گم راه تر خواهد بود».

«اُف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید! مگر نمی اندیشید؟».

«و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم، یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم».

«و [لی] کسانی که کافر شده اند، آتش جهنّم برای آنان خواهد بود. حکم مرگ، بر ایشان [جاری] نمی شود تا بمیرند، و عذاب آن [نیز] از ایشان کاسته نمی شود. [آری،] هر ناسپاسی را چنین کیفر می دهیم. و آنان در آن جا فریاد بر می آورند: «پروردگارا! ما را بیرون بیاور تا غیر از آنچه می کردیم [، یعنی] کار شایسته انجام دهیم». مگر شما را به اندازه ای عمر ندادیم که هر کس [می خواست] در آن عبرت بگیرد، عبرت می گرفت؟ و [آیا] برای شما هشدار دهنده نیامد؟ پس بچشید که برای ستمگران، یآوری نیست».

«یا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند؛ بلکه گم راه ترند».

ر. ك: بقره: آیه 44 و 76، آل عمران: آیه 65، یونس: آیه 16، عنكبوت: آیه 35 و 43، صافات: آیه 138، فاطر: آیه 37، جاثیه: آیه 23، احقاف: آیه 26.

حدیث 8898. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خرد، راهنمایی بگیرید تا به رُشد برسید و از خرد نافرمانی مکنید که پشیمان می شوید.

8899. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَجَزَ عَنِ حَاضِرِ لُبِّهِ فَهُوَ عَنِ غَائِبِهِ أَعْجَزُ. (1) 8900. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقِلُ يَتَعَزُّ بِالْأَدَبِ، وَالْبَهَائِمُ لَا تَرْتَدِعُ إِلَّا بِالضَّرْبِ. (2) 8901. صحيح البخاري عن سالم عن أبيه: عنه عليه السلام: إِنَّ الزُّهْدَ فِي الْجَهْلِ بِقَدْرِ الرَّغْبَةِ فِي الْعَقْلِ. (3) 8897. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ قَعَدَ بِهِ الْعَقْلُ قَامَ بِهِ الْجَهْلُ. (4) 8898. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَقُبْحِ الزَّلَّلِ (5). 8899. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ لَا يَعْقِلُ يَهْنُ، وَمَنْ يَهْنُ لَا يُوقِرُ. (6) 8900. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: فِي كَلَامِ لَهُ: أَيَّتَهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ، وَالْقُلُوبُ الْمُشْتَتَّةُ، الشَّاهِدَةُ أْبْدَانَهُمْ، وَالْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمْ، أَطَارِكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَعْوَعَةِ الْأَسَدِ! (7) 8901. صحيح البخاري (به نقل از سالم، از پدرش) عنه عليه السلام: مِنْ كَلَامِ لَهُ لِأَصْحَابِهِ: أَيَّتَهَا الْقَوْمُ، الشَّاهِدَةُ أْبْدَانَهُمْ، الْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمْ، الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ، الْمُبْتَلَى بِهِمْ أَمْرَاؤُهُمْ، صَاحِبِكُمْ يُطِيعُ اللَّهَ وَأَنْتُمْ تَعْصُونَ، وَصَاحِبُ أَهْلِ الشَّامِ يَعْصِي اللَّهَ وَهُمْ يُطِيعُونَهُ! (8) 8902. سنن الترمذي عن جابر: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ مِنْ عَبْدٍ نِعْمَةً كَانَ أَوَّلَ مَا يُعَيِّرُ مِنْهُ عَقْلَهُ. (9).

- 1- غرر الحكم: ح 8209، عيون الحكم والمواعظ: ص 445 ح 7812 وفيه «لم ينفعه» بدل «عجز» .
- 2- غرر الحكم: ح 10352، عيون الحكم والمواعظ: ص 143 ح 3205 .
- 3- غرر الحكم: ح 3444، عيون الحكم والمواعظ: ص 150 ح 3293 .
- 4- غرر الحكم: ح 8701، عيون الحكم والمواعظ: ص 461 ح 8381، بحار الأنوار: ج 40 ص 164 .
- 5- نهج البلاغة: الخطبة 224، عيون الحكم والمواعظ: ص 498 ح 9174 نحوه، بحار الأنوار: ج 41 ص 163 ح 57 .
- 6- غرر الحكم: ح 7927، عيون الحكم والمواعظ: ص 454 ح 8158، بحار الأنوار: ج 77 ص 283 ح 1 .
- 7- نهج البلاغة: الخطبة 131، الإرشاد: ج 1 ص 279، الاحتجاج: ج 1 ص 411 ح 89 وفيهما «أيها الشاهدة أبدانهم، الغائبة عنهم عقولهم» فقط، بحار الأنوار: ج 77 ص 295 ح 3 .
- 8- نهج البلاغة: الخطبة 97 .
- 9- الاختصاص: ص 245، بحار الأنوار: ج 1 ص 94 ح 20؛ شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 301 ح 445 عن الإمام علي عليه السلام .

8903. صحیح مسلم عن أبي الطَّفِيل: امام علی علیه السلام: آن که از به کار گرفتن خرد، ناتوان است، از به دست آوردن آن، ناتوان تر است. 8904. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمندان، از ادب پند می گیرند و چارپایان، جز با کتک، باز داشته نمی شوند. 8905. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن سائب: امام علی علیه السلام: بی میلی به نادانی، به اندازه میل به خردمندی است. 8902. سنن الترمذی ( \_ به نقل از جابر \_ ) امام علی علیه السلام: هر که خرد به وسیله او بنشیند، نادانی به وسیله او به پا می خیزد. 8903. صحیح مسلم ( \_ به نقل از ابو طَفیل \_ ) امام علی علیه السلام: به خدا پناه می بریم از خوابیدن خرد و زشتی لغزش ها. 8904. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هر که اندیشه نکند، سُبُک می شود و هر که سُبُک گشت، مورد احترام قرار نمی گیرد. 8905. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از عبد الله بن سائب \_ ) امام علی علیه السلام: در سخنی از آن حضرت: ای جان های گوناگون و دل های پراکنده که بدن هایشان حاضر و خردهایشان از آنها پنهان است! با مهربانی تمام، شما را به طرف حق سوق می دهم، ولی شما از آن می گریزید، مانند رمیدن بز از غرّش شیر. 8906. کنز العمال عن ابن مسعود: امام علی علیه السلام: در پاره ای از سخنانش در جمع یاران خویش: ای گروهی که بدن هایشان حاضر، و خردهایشان از آنها پنهان، و اندیشه هایشان گوناگون است و فرمان روایان، به آنها گرفتار شده اند! امیر شما، خدا را اطاعت می کند، حال آن که شما از او نافرمانی می کنید، و فرمانده شام، خدا را نافرمانی می کند، حال آن که اهل شام از او پیروی می کنند. 8907. شُعَبُ الْإِيمَانِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى التَّمِيمِيِّ: امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند اراده کند که نعمتی را از بنده باز ستاند، نخست خردش را دگرگون می سازد . .



8908. أخبار مكة للأزرقي عن سعيد بن المسيب: الإمام الكاظم عليه السلام لهشام بن الحكيم: يا هشام، إن الله تبارك وتعالى أكمل للناس الحجاج بالعقول... ثم وعظ أهل العقل ورغبهم في الآخرة فقال: «وما الحيوة الدنيا إلا لعب ولهو وللدائر الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون». (1)

يا هشام، ثم خوف الذين لا يعقلون عقابه فقال تعالى: «ثم دمّرنا الآخرين \* وإني لكم لتمرون عليهم مصبحين \* وبالليل أفلا تعقلون». (2) وقال: «إنا منزلون على أهل هذه القرية رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون \* ولقد تركنا منها آية بيّنة لقوم يعقلون». (3)

يا هشام، إن العقل مع العلم فقال: «و تلك الأمت ل نضربها للناس وما يعقلها إلا الع لمون». (4)

يا هشام، ثم دم الذين لا يعقلون فقال: «و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا أو لو كان آباءهم لا يعقلون شيئاً ولا يهتدون». (5) وقال: «و مثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع إلا دعاءً ونداءً صمُّ بكم عمى فهم لا يعقلون». (6) وقال: «و منهم من يستمعون (7) إليك أفانت تسمع الصمِّ ولو كانوا لا يعقلون». (8) وقال: «أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالأنعيم بل هم أضل سبيلاً». (9) وقال: «لا يؤنزلونكم جميعاً إلا في قرى محصنة أو من وراء

جدرب بأسهم بينهم شديد تحسبهم جميعاً وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قوم لا يعقلون». (10) وقال: «و تنسؤن أنفسكم وأنتم تتلون الكتب أفلا تعقلون». (11)

يا هشام، ثم دم الله الكثرة فقال: «وإن تطع أكثر من في الأرض يضل لوك عن سبيل الله». (12) وقال: «ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولن الله قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون». (13) وقال: «ولئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعقلون». (14)

يا هشام، ثم مدح القلة فقال: «و قليل من عبادي الشكور». (15) وقال: «و قليل ما هم». (16) وقال: «و قال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلاً أن يقول ربي الله». (17) وقال: «من آمن و ما آمن معه إلا قليل». (18) وقال: «ولكن أكثرهم لا يعلمون». (19) وقال: «و أكثرهم لا يعقلون». (20). (21).

1- الأنعام: 32.

2- الصافات: 136 \_ 138.

3- العنكبوت: 34 و 35.

4- العنكبوت: 43.

5- البقرة: 170.

6- البقرة: 171.

7- في المصدر (يستمع) وهو تصحيف.

8- يونس: 42.

9- الفرقان: 44.

- 10- الحشر: 14 .
- 11- البقرة: 44 .
- 12- الأنعام: 116 .
- 13- لقمان : 25 .
- 14- العنكبوت: 63 .
- 15- سبأ: 13 .
- 16- ص: 24 .
- 17- غافر: 28 .
- 18- هود: 40 .
- 19- الأنعام: 37 .
- 20- المائدة: 103 .
- 21- الكافي : ج 1 ص 13 و ص 14 ح 12 عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 135 ح 30 .

8909. أخبار مكة للأزرقي عن عثمان: امام كاظم عليه السلام. خطاب به هشام بن حكيم: اي هشام! خداوند متعال به وسيله خرد، حجت ها را بر انسان ها تمام كرد. . . . آن گاه، خردمندان را پند داد و آنان را به سوي آخرت ترغيب كرد و فرمود: «وزندگي دنيا جز بازي و سرگرمي نيست، و قطعا سراي بازپسين براي كساني كه پرهيزگاري مي كنند، بهتر است. آيا نمي انديشيد؟» .

اي هشام! آن گاه [ خداوند ] كساني را كه خردپيشه نيستند، از عذاب خود ترسانيد و فرمود: «سپس ديگران را هلاك كرديم و در حقيقت، شما بر آنان، صبحگاهان و شامگاهان، مي گذريد. آيا به فكر فرو نمي رويد؟» .

و فرمود: «ما بر مردم اين شهر، به [سزاي] گناهي كه مي كردند، عذابي از آسمان فرو خواهيم فرستاد، و از آن [شهر سوخته] براي مردمی كه می انديشند، نشانه اي روشن باقي گذاشتيم» .

اي هشام! خرد، با دانش همراه است. خداوند فرمود: «و اين مثل ها را براي مردم مي زنيم؛ و [لي] جز دانشوران، آنها را در نمي يابند» .

اي هشام! سپس خداوند كساني را كه تعقل نمي كنند، سرزنش كرد و فرمود: «و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پيروي كنيد، مي گویند: «نه؛ بلکه از چيزی كه پدران خود را بر آن يافته ايم، پيروي مي كنيم» . آيا هر چند پدرانشان چيزی را درك نمي کرده و به راه صواب نمي رفته اند [، باز هم در خور پيروي هستند]؟» .

و فرمود: «و مثل [دعوت كننده] كافران، مثل كسي است كه حيواني را كه جز صدا و ندايي [مبهم، چيزی] نمي شنود، بانگ مي زند. [آري،] كرنند، لال اند، كورند [و] در نمي يابند» .

و فرمود: «و برخي از آنان، كساني هستند كه به تو گوش فرا مي دهند. آيا تو كران را \_ هر چند در نيابند \_ شنوا خواهی كرد؟» .

و [خداوند] فرمود: «آيا گمان داری كه بيشرشان می شنوند يا می انديشند؟ آنان جز مانند ستوران نيستند؛ بلکه گم راه ترند» .

و فرمود: «[ آنان، به صورت] دسته جمعی، جز در قريه هايی كه دارای

استحكامات اند، يا از پشت ديوارها، با شما نخواهند جنگيد. جنگشان در ميان خودشان، سخت است. آنان را متحد می پنداری؛ و [لي] دل هايشان پراكنده است؛ زيرا آنان مردمانی هستند كه نمی انديشند» .

و فرمود: «و خود را فراموش می كنيد، با اين كه شما كتاب [خدا] را می خوانيد؟ آيا [هيچ] نمي انديشيد؟» .

اي هشام! خداوند، اكثریت را سرزنش كرد و فرمود: «و اگر از بيشر كساني كه در [اين سر]زمين هستند، پيروي كني، تو را از راه خدا گم راه می كنند» .

و فرمود: «و اگر از آنان پيروي كه چه كسي آسمان ها و زمين را آفريده است، مسلماً خواهند گفت: خدا. بگو: «ستايش، از آن خداست»؛ ولي بيشرشان نمی دانند» .

و فرمود: «و اگر از آنان پيروي كه چه كسي از آسمان، آبي فرو فرستاده و زمين را پس از مرگش به وسيله آن، زنده گردانیده است، حتما

خواهند گفت : خدا . بگو : «ستایش ، از آن خداست» ؛ ولی بیشترشان نمی اندیشند» .

ای هشام ! سپس خداوند ، اقلیت را ستود و فرمود : «و از بندگان من ، اندکی سپاس گزارند» .

و فرمود : «و اینها بس اندک اند» .

و فرمود : «و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می داشت ، گفت : آیا مردی را می کشید که می گوید: «پروردگار من خداست» ؟» .

و فرمود : «کسانی ایمان آوردند ، و با او (نوح) جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند» .

و فرمود : «لیکن بیشتر آنان نمی دانند» .

و فرمود : «بیشتر آنان نمی اندیشند» . .

8906. كنز العمال ( \_ به نقل از عبد الله بن مسعود \_ ) الإمام الرضا عليه السلام: لا يُعْبَأُ بِأَهْلِ الدِّينِ مِمَّنْ لَا عَقْلَ لَهُ. (1).

---

1- الكافي: ج 1 ص 27 ح 32 عن الحسن بن الجهم.

8907. شُعَبُ الْإِيمَانِ ( \_ به نقل از عبد الأعلى تيمي \_ ) امام رضا عليه السلام: به [ عبادت ] دینداران بی خرد، اعتنا نمی شود . .

8908. أخبار مكة، ازرقى ( \_ به نقل از سعيد بن مسيب \_ ) الكافي عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ لِي جَارًا كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصَّدَقَةِ كَثِيرَ الْحَجِّ لَا بَأْسَ بِهِ.

فَقَالَ: يَا إِسْحَاقُ، كَيْفَ عَقَلُهُ؟

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَيْسَ لَهُ عَقْلٌ.

فَقَالَ: لَا يُرْتَفَعُ بِذَلِكَ مِنْهُ. (1) راجع: ج 2 ص 18 (ذمّ الجهل).

3 / 5 حُجِّيَّةُ الْعَقْلِ 8912. سنن ابن ماجه عن ابن عمر: رسول الله صلى الله عليه وآله: كُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَمَيِّزْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ بِعَقْلِكَ؛ فَإِنَّهُ حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَيْكَ وَوَدِيعَةٌ (2) فِيكَ وَبَرَكَاتُهُ (3) عِنْدَكَ. (4) 8913. مسند أبي يعلى عن ابن عمر: الإمام علي عليه السلام: الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ. (5) 8914. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ شَرَعٌ مِنْ دَاخِلٍ، وَالشَّرَعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ. (6) 8910. إمام صادق عليه السلام ( \_ هَنَگَامِي كِه بَه ايشان گفته شد: پیامبر خدا، چگونگیه ) الإمام الصادق عليه السلام: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيِّ، وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ. (7) 8911. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از جابر بن عبد الله \_ ) الإمام الكاظم عليه السلام \_ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ \_ : يَا هِشَامُ، إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ:

حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ بَاطِنَةٌ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. (8).

- 1- الكافي: ج 1 ص 24 ح 19.
- 2- في المصدر «وديعه»، وما أثبتناه من جواهر المطالب.
- 3- في جواهر المطالب: «برهانه» بدل «بركاته».
- 4- الفردوس: ج 5 ص 318 ح 8307، كشف الخفاء: ج 2 ص 135 ح 2025 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، جواهر المطالب: ج 2 ص 148.
- 5- غرر الحكم: ح 272، عيون الحكم والمواعظ: ص 27 ح 354.
- 6- مجمع البحرين: ج 2 ص 1249.
- 7- الكافي: ج 1 ص 25 ح 22 عن عبد الله بن سنان.
- 8- الكافي: ج 1 ص 16 ح 12 عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص 386، بحار الأنوار: ج 1 ص 137.

## 3 / 5 حَجَّت خرد

8912. سنن ابن ماجه ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) الكافي \_ به نقل از اسحاق بن عمار \_ : به امام صادق عليه السلام گفتم : جانم فدایت ! همسایه ای دارم که بسیار نماز می خواند ، بسیار صدقه می دهد ، بسیار حج به جای می آورد و مردی درستکار است .

فرمود : «ای اسحاق ! خرد او چگونه است ؟» .

گفتم : جانم به قربانت ! از خرد ، بی بهره است .

فرمود : «به همین جهت ، اعمالش پذیرفته نمی شود» . ر . ك : ج 2 ص 19 (سرزنش نادانی) .

3 / 5 حَجَّت خرد 8916. صحيح مسلم عن أبي الطُّفَيْل : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با حق باش ، هر جا که باشد و آنچه را [ از عقاید و اخلاق و اعمال ] بر تو مشتبه می شود ، با خردت جدا ساز ؛ زیرا خرد ، حَجَّت خدا بر تو و امانت او در نزد تو و برکات الهی در پیش توست . (1) 8917. الكافي عن معاوية بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام : خرد ، فرستاده حق است . 8915. صحيح مسلم ( \_ به نقل از عایشه \_ ) امام علی علیه السلام : خرد ، شریعت درونی ، و شریعت ، خرد بیرونی است . 8916. صحيح مسلم ( \_ به نقل از ابو طُفَيْل \_ ) امام صادق علیه السلام : حَجَّت خداوند بر بندگان ، پیامبر است و حَجَّت میان بندگان و خداوند ، خرد است . 8917. الكافي ( \_ به نقل از معاوية بن عمار \_ ) امام کاظم علیه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام ! خداوند ، دو حَجَّت بر

مردم دارد : حَجَّت آشکار و حَجَّت پنهان . حَجَّت آشکار ، رسولان ، پیامبران و امامان اند ، و حَجَّت پنهان ، خردهایند .

---

1- . در کتاب جواهر المطالب ( ج 2 ص 148 ) از پیامبر خدا چنین روایت شده است : «در برابر حق ، فروتن باش ، از هر سو که بر تو وارد شود . . . گمان را رها کن و بر پایه یقین بنا کن و آنچه را بر تو مشتبه شد ، با خردت تمییز ده ؛ چرا که عقل ، حَجَّت خدا ، برهان الهی و ودیعه او نزد توست» .



8918.الموطأ عن جابر بن عبد الله: عنه عليه السلام- أيضا: يا هشام، إن الله تبارك وتعالى أكمل للناس الحجج بالعقول، ونصر النبيين بالبيان، ودلهم على ربوبيته بالأدلة. (1)8919. صحيح مسلم عن جابر بن عبد الله (في ذكر حجة النبي صلى الله عليه وآله) الكافي عن أبي يعقوب البغدادي: قال ابن السكيت لأبي الحسن عليه السلام: ... تالله ما رأيت مثلك قط، فما الحجة على الخلق اليوم؟

قال: فقال عليه السلام: العقل، يُعرف به الصادق على الله فيصدق، والكاذب على الله فيكذب.

قال: فقال ابن السكيت: هذا والله هو الجواب. (2)3 / 6 دور العقل في حساب الأعمال 8919. صحيح مسلم (به نقل از جابر بن عبد الله، درباره چگونگی حج) الإمام علي عليه السلام: إن الله عز وجل يحاسب العباد على قدر ما آتاهم من العقول في دار الدنيا. (3)8920. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الباقر عليه السلام- في ذكر بعض ما أنزل الله على موسى بن عمران عليه السلام: فانحط عليه الوحي... فقال له: أنا وأخذ عبادي على قدر ما أعطيتهم من العقل. (4).

- 
- 1- الكافي: ج 1 ص 13 ح 12، تحف العقول: ص 384 وفيه «أفضى إليهم» بدل «نصر النبيين»، بحار الأنوار: ج 1 ص 132 ح 30.
  - 2- الكافي: ج 1 ص 24 \_ 25 ح 20، علل الشرائع: ص 122 ح 6، تحف العقول: ص 450، الاحتجاج: ج 2 ص 438 ح 309، بحار الأنوار: ج 11 ص 70 ح 1.
  - 3- الأصول الستة عشر: ص 4، بحار الأنوار: ج 2 ص 184 ح 4.
  - 4- المحاسن: ج 1 ص 308 ح 608 عن عبيد الله بن الوليد الوصافي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 91 ح 11.

**3 / 6 نقش خرد در حسابرسی اعمال**

8921. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام كاظم عليه السلام\_ خطاب به هشام بن حكيم\_: اي هشام! خداوند متعال، حجّت ها را با خرد بر مردم تمام كرد و پيامبران را با سخن، يارى رساند و با براهين، آنان را با ربوبيّت خویش آشنا ساخت. 8922. سنن الترمذی عن عبد الرّحمن بن يعمر: الكافي\_ به نقل از ابو يعقوب بغدادی\_: ابن سگّيت به امام رضا عليه السلام گفت: ... به خدا سوگند، مانند شما کسی را نيافتيم! امروزه حجّت خداوند بر مردم چيست؟

فرمود: «خرد. با آن، راستگويان درباره خداوند، شناخته و تصديق می شوند و دروغگويان درباره خداوند، شناسایی و تكذيب می شوند».

ابن سگّيت گفت: به خدا سوگند، پاسخ، همين است. 3 / 6 نقش خرد در حسابرسی اعمال 8921. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خداوند، بندگان را به اندازه خردی که در دنيا به آنان عطا کرده، حسابرسی می کند. 8922. سنن الترمذی ( \_ به نقل از عبد الرحمان بن يعمر \_ ) امام باقر عليه السلام\_ به هنگام ياد کردن پاره ای از آنچه خداوند بر موسى بن عمران عليه السلام نازل نمود\_: بر او وحی فرود آمد ... آن گاه، خداوند فرمود: «به اندازه خردی که به بندگانم دادم، آنان را حسابرسی می کنم».

8923. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : إِنَّمَا يَدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا. (1) 8924. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به علی علیه السلام \_ ) عنه علیه السلام : إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ لِعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ : إِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا. (2) راجع: ص 196 ح 10 .

3 / 7 دَوْرُ الْعَقْلِ فِي جَزَاءِ الْأَعْمَالِ 8925. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَأَنْظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ ، فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ. (3) 8926. امام صادق علیه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ كَثِيرَ الصَّلَاةِ كَثِيرَ الصِّيَامِ ، فَلَا تُبَاهُوا بِهِ حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَقْلُهُ. (4) 8927. الترغيب و الترهيب ( \_ به نقل از انس بن مالك \_ ) عنه صلی الله علیه و آله : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ وَالرَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَالْجِهَادِ ، وَمَا يُجْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا بِقَدْرِ عَقْلِهِ. (5) .

- 
- 1- .الكافي : ج 1 ص 11 ح 7 ، المحاسن : ج 1 ص 310 ح 614 كلاهما عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 7 ص 267 ح 32 .
  - 2- .معاني الأخبار: ص 1 ح 2 عن بريد الرزاز عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأصول الستة عشر : ص 3 عن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «زنة» بدل «قيمة» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 106 ح 2 .
  - 3- .الكافي : ج 1 ص 12 ح 9 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 310 ح 612 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، مشكاة الأنوار : ص 436 ح 1457 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، الجعفریات : ص 148 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : ج 1 ص 93 ح 24 .
  - 4- .الكافي : ج 1 ص 26 ح 28 عن الإمام الصادق عليه السلام .
  - 5- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 251 ح 3057 ، تاريخ بغداد : ج 13 ص 79 و ج 2 ص 200 كلاهما نحوه وكلها عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 3 ص 382 ح 7050 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 487 نحوه .

**3 / 7 نقش خرد در پاداش یافتن اعمال**

8928. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام: خداوند در روز رستاخیز، به اندازه خردی که به بندگان بخشیده، در حسابرسی آنان موشکافی می کند. 8929. عنه صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام نگاه کردم و چنین یافتم: «بهای هر انسان و منزلت او، به اندازه شناخت اوست. خداوند متعال از بندگان، به اندازه خردی که در دنیا به آنان بخشیده، حسابرسی می کند». ر. ک: ص 197 ح 10.

3 / 7 نقش خرد در پاداش یافتن اعمال 8930. الجعفریات ( \_ به نقل از امام کاظم علیه السلام \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر از رفتار نیکوی شخصی به شما خبر رسید، در نیکویی خردش بنگرید؛ چرا که به اندازه خردش پاداش داده می شود. 8931. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر فردی را بسیار نمازگزار و بسیار روزه گیر یافتید، به وی مبالید تا در چگونگی خردش بنگرید. 8932. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسانی که اهل نماز، زکات، حج، عمره و جهاد است، در روز رستاخیز، به اندازه خردش پاداش داده می شود.

8933. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : الجَنَّةُ مِثْلُ دَرَجَةٍ ، تَسَعُ وَتَسْعُونَ دَرَجَةً لِأَهْلِ الْعَقْلِ ، وَدَرَجَةٌ لِسَائِرِ النَّاسِ الَّذِينَ هُمْ دُونَهُمْ. (1) 8934. سنن أبي داود عن ابن عباس : عنه صلى الله عليه وآله : تَعَبَّدَ رَجُلٌ فِي صَوْمَعَةٍ ، فَمَطَرَتِ السَّمَاءُ ، فَأَعَشَبَتِ الْأَرْضُ ، فَرَأَى حِمَارًا يَرعى ، فَقَالَ : رَبُّ لَوْ كَانَ لَكَ حِمَارٌ لَرَعَيْتُهُ مَعَ حِمَارِي . فَبَلَغَ ذَلِكَ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، فَأَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ عَلَيْهِ ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ : إِنَّمَا أُجَازِي الْعِبَادَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (2) 8931. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : تحف العقول: اثني قوم بحضرتہ [ صلى الله عليه وآله ] على رجل حتى ذكروا جميع خصال الخير فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : كيف عقل الرجل ؟

فقالوا : يا رسول الله ، نُخْبِرُكَ عَنْهُ بِاجْتِهَادِهِ فِي الْعِبَادَةِ وَأَصْنَافِ الْخَيْرِ تَسألْنَا عَنْ عَقْلِهِ !؟

فقال صلى الله عليه وآله : إِنَّ الْأَحْمَقَ يُصِيبُ بِحُمَقِهِ أَعْظَمَ مِنْ فُجُورِ الْفَاجِرِ ، وَإِنَّمَا يَرْتَعِعُ الْعِبَادُ عَدًّا فِي الدَّرَجَاتِ وَيَنَالُونَ الزُّلْفَى مِنْ رَبِّهِمْ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (3) 8932. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : لَمَّا وَصَفُوا عِنْدَهُ رَجُلًا بِحُسْنِ عِبَادَتِهِ : أَنْظَرُوا إِلَى عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (4) 8933. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ يَرى مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ يُطَوِّلُ سُجُودَهُ وَيُطَوِّلُ سُكُوتَهُ ، فَلَا يَكَادُ يَذْهَبُ إِلَى مَوْضِعٍ إِلَّا وَهُوَ مَعَهُ ، فَبَيْنَا هُوَ يَوْمًا مِنْ

الأيام في بعض حوائجه إذ مرَّ على أرضٍ مُعَشِبَةٍ تَرَهُو وَتَهْتَرُ . قَالَ : فَتَأَوَّهَ الرَّجُلُ .

فقال له موسى : على ماذا تأوَّهت ؟

قال : تَمَنَيْتُ أَنْ يَكُونَ لِرَبِّي حِمَارٌ أُرْعَاهُ هَاهُنَا .

قال : فَأَكَبَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ طَوِيلًا يَبْصُرُهُ عَلَى الْأَرْضِ اغْتِمَامًا بِمَا سَمِعَ مِنْهُ .

قال : فَاَنْحَطَّ عَلَيْهِ الْوَحْيُ ، فَقَالَ لَهُ : مَا الَّذِي أَكْبَرْتَ مِنْ مَقَالَةِ عَبْدِي !؟ أَنَا أُوَاخِذُ عِبَادِي عَلَى قَدْرِ مَا أُعْطِيْتُهُمْ مِنَ الْعَقْلِ. (5) .

- 1- . حلية الأولياء : ج 4 ص 139 عن عمر ، كنز العمال : ج 3 ص 384 ح 7063 .
- 2- . شعب الإيمان : ج 4 ص 156 ح 4640 ، تاريخ بغداد : ج 4 ص 13 و ص 46 نحوه وكلها عن جابر بن عبد الله وراجع الفردوس : ج 2 ص 16 ح 2114 ؛ بحار الأنوار : ج 64 ص 196 .
- 3- . تحف العقول : ص 54 ، مجمع البيان : ج 10 ص 487 عن أنس نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 158 ح 144 ؛ ربيع الأبرار : ج 3 ص 137 عن أنس .
- 4- . إرشاد القلوب : ص 199 .
- 5- . المحاسن : ج 1 ص 308 ح 608 عن عبيد الله بن الوليد الوصافي ، بحار الأنوار : ج 1 ص 91 ح 21 وراجع عيون الأخبار لابن قتيبة : ج 2 ص 38 .

8934. سنن ابی داوود ( \_ به نقل از ابن عبّاس \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهشت را یکصد رتبه است ؛ نود و نه رتبه آن ، از آن خردمندان و یک رتبه دیگر ، از آن مردمان دیگر است . 8935. صحیح البخاری عن ابن عبّاس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردی در صومعه ای عبادت می کرد . از آسمان ، باران بارید و زمین ، سرسبز شد . خری را دید که [ در سبزه ها ] می چرد . گفت : پروردگارا! اگر تو هم خری می داشتی ، به همراه خر خودم آن را می چراندم .

این سخن به پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل رسید . خواست او را نفرین کند که خداوند به وی وحی فرستاد : «همانا بندگانم را به میزان خردشان ، پاداش می دهم» . 8936. الکافی عن معاویة بن عمّار : تحف العقول : گروهی در حضور پیامبر خدا ، مردی را ستایش کردند و همه ویژگی های خوب را برایش بر شمردند . آن گاه پیامبر خدا فرمود : «خرد او چگونه است ؟» .

گفتند : ای پیامبر خدا! ما از تلاش او در عبادت و دیگر خوبی ها سخن می رانیم و تو از خرد او می پرسی ؟

فرمود : «نادان ، از روی نادانی ، دست به زشتی هایی بزرگ تر از زشتی های انسان گنهکار می زند . همانا در روز واپسین ، بندگان ، به میزان خردشان به رتبه های بالاتر نائل می شوند و به پروردگار ، تقرّب می جویند» . 8935. صحیح البخاری ( \_ به نقل از ابن عبّاس \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ آن گاه که در نزد ایشان از عبادت نیکوی مردی ، سخن راندند \_ : در خرد او بنگرید . همانا بندگان ، در روز رستاخیز ، به اندازه خردشان پاداش داده می شوند . 8936. الکافی ( \_ به نقل از معاویة بن عمّار \_ ) امام باقر علیه السلام : موسی بن عمران علیه السلام مردی از بنی اسرائیل را می دید که سجده های طولانی می کرد و خاموشی اش دراز بود . هر جا موسی علیه السلام می رفت ، آن مرد ، وی را همراهی می کرد .

روزی از روزها که موسی علیه السلام به دنبال کاری بود ، از زمین سرسبزی گذشت . مرد عبادت پیشه ، آهی کشید . موسی علیه السلام بدو گفت : «چرا آه می کشی ؟» .

گفت : آرزو کردم که ای کاش پروردگارم ، الاغی داشت و من آن را در این سرزمین می چراندم .

موسی علیه السلام مدّتی طولانی چشمانش را به زمین دوخت ، در حالی که از سخن آن مرد ، غمگین شده بود . بر موسی علیه السلام وحی آمد که : «چرا سخن بنده ام بر تو گران آمد . من از بندگانم به میزان خردشان حسابرسی می کنم» . .

8937. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ وَهُوَ بِمَنَى \_ ) الكافي عن سليمان الديلمي: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فُلَانٌ مِنْ عِبَادَتِهِ وَدِينِهِ وَفَضْلِهِ! (1)

فَقَالَ: كَيْفَ عَقَلُهُ؟

قُلْتُ: لَا أُدْرِي.

فَقَالَ: إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى 'fe'قَدْرِ الْعَقْلِ، إِنْ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ خَضِرَاءَ نَضْرَةً كَثِيرَةً الشَّجَرِ ظَاهِرَةَ الْمَاءِ، وَإِنْ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَرَّ بِهِ فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَرِنِي ثَوَابَ عَبْدِكَ هَذَا، فَأَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ، فَاسْتَقَلَّهُ الْمَلَكُ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: أَنْ اصْحَبْهُ، فَأَتَاهُ الْمَلَكُ فِي صُورَةِ إِنْسِيٍّ، فَقَالَ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟

قَالَ: أَنَا رَجُلٌ عَابِدٌ، بَلَّغَنِي مَكَانَكَ وَعِبَادَتَكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ فَاتَيْتُكَ لِأَعْبُدَ اللَّهَ مَعَكَ. فَكَانَ مَعَهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ.

فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لَهُ الْمَلَكُ: إِنَّ مَكَانَكَ لَنْزَةٌ، وَمَا يَصْلُحُ إِلَّا لِلْعِبَادَةِ.

فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ: إِنَّ لِمَكَانِنَا هَذَا عَيْبًا.

فَقَالَ لَهُ: وَمَا هُوَ؟

قَالَ: لَيْسَ لِزُبُنَا بِهِيْمَةٌ، فَلَوْ كَانَ لَهُ حِمَارٌ رَعَيْنَاهُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ، فَإِنَّ هَذَا الْحَشِيشَ يَضِيعُ!

فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلَكُ: وَمَا لِرَبِّكَ حِمَارٌ؟

فَقَالَ: لَوْ كَانَ لَهُ حِمَارٌ مَا كَانَ يَضِيعُ مِثْلُ هَذَا الْحَشِيشِ. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلَكِ: إِنَّمَا أُثْبِتُهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. (2).

1- الظاهر أنه بتقدير خبر محذوف؛ أي: عظيم ومرضي. وفي الأمل للصدوق: «كذا وكذا».

2- الكافي: ج 1 ص 12 ح 8، الأمل للصدوق: ص 504 ح 693 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 506 ح 31.

8938. سنن ابن ماجه عن بلال بن رباح: الكافي\_ به نقل از سليمان ديلمى\_: نزد امام صادق عليه السلام از عبادت و ديندارى و فضائل شخصى، سخن راندم.

فرمود: «خرد او چگونه است؟».

گفتم: نمى دانم.

فرمود: «پاداش، به اندازه خرد است. مردى از بنى اسرائيل در جزيره اى سرسبز، پُر درخت و پُر آب، خدا را بندگى مى کرد. فرشته اى از فرشتگان، از کنار او گذشت. پس گفت: پروردگارا! پاداش اين بنده را به من نشان بده».

خداوند، پاداش بنده را به فرشته نشان داد؛ اما آن پاداش به نظر فرشته كم آمد. خداوند بر فرشته وحى فرستاد كه: «با او همنشين شو». فرشته به صورت انساني نزد او آمد.

مرد عابد از فرشته پرسيد: كيستى؟

گفت: «مردى عبادت پيشه ام كه خبر جايگاه و عبادت تو در اين مكان، به من رسيد. آمده ام به همراه تو خدا را عبادت كنم».

[فرشته] آن روز را با مرد بنى اسرائيلى سپرى كرد. چون روز ديگر شد، فرشته به وى گفت: مكان تو پاكيژه است و تنها براى عبادت، مناسب است.

مرد عابد گفت: مكان ما عيبى دارد.

فرشته پرسيد: آن عيب چيست؟

گفت: پروردگار ما چارپايانى ندارد. اگر خداوند الاغى داشت، آن را در اين مكان مى چرانديم؛ چرا كه اين علف ها تلف مى شود!

فرشته گفت: خداوند، الاغ مى خواهد چه كند؟

مرد عابد گفت: اگر خدا الاغى داشت، اين علف ها هرز نمى رفت.

آن گاه، خداوند بر فرشته وحى فرستاد كه: «همانا او را به اندازه خردش پاداش مى دهيم».



ص: 300

راجع: ص 224 (خير المواهب).

ص: 301

ر.ك: ص 225 (بهترین بخشش).

.

الفصل الرابع : أسباب تقوية العقل 4 / 1 ما يُقَوِّي العَقْلَ \_ الوَحْيُ الكِتَابُ «يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» .  
(1)

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظُّلُمَاتُ غَوَتْ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (2)

«لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» . (3)

راجع : البقرة: 242 ، النور: 61 ، يوسف: 2 ، الزخرف: 3 .

الحديث 8944. الإمام الباقر عليه السلام : الإمام علي عليه السلام : بَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ ، لِيَسْتَأْذِنُوا مِنْهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ ،

وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ ، وَيَحْتَجِّجُوا عَلَيْهِمُ بِالتَّبْلِيغِ ، وَيُثْبِتُوا لَهُمُ دَفَائِنَ الْعُقُولِ . (4) .

1- النساء : 174 .

2- البقرة : 257 .

3- الأنبياء : 10 .

4- نهج البلاغة : الخطبة 1 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 60 ح 70 .

## فصل چهارم : عوامل رُشد خرد

## 4 / 1 آنچه خرد را نیرومند می سازد

## الف - وحی

فصل چهارم : عوامل رُشد خرد 4 / 1 آنچه خرد را نیرومند می سازدالف - وحیقرآن «ای مردم! در حقیقت ، برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرستاده ایم» .

«خداوند، سرور کسانی است که ایمان آورده اند [و] آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی ، می برد ؛ و [لی] کسی که کفر ورزیده اند ، سرورانشان طاغوت هاند [و] آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها می برند . آنان اهل آتش اند که خود ، در آن جاودان اند» .

«در حقیقت ، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است . آیا نمی اندیشید؟» .

ر . ك : بقره : آیه 242، نور: آیه 61، یوسف: آیه 2، زخرف: آیه 3 .

حدیث 8951. حلیة الأولیاء عن ابن عُمَر : امام علی علیه السلام : . . . خداوند، رسولان را در میان مردم بر انگیخت و پیامبران را در پی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را به مردم ابلاغ کنند و نعمت های فراموش شده

الهی را به آنان گوشزد نمایند و با رساندن پیام ، بر آنان احتجاج کنند و گنجینه های خرد را بر ایشان بر ملا سازند .

8952. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام في صفة بعثة النبي صلى الله عليه وآله: بَعَثَهُ بِالْحَقِّ دَالًّا عَلَيْهِ وَهَادِيًّا إِلَيْهِ ، فَهَدَانَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَاسْتَقْدَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ. (1) 8948. المستدرك على الصحيحين ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ، وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ ، وَجَعَلَهُ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ وَسِلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ... وَفَهَمًا لِمَنْ تَقَطَّنَ وَيَقِينًا لِمَنْ عَقَلَ. (2) 8949. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام في خطبة له: وَلَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ ... إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِإِنجَازِ عِدَّتِهِ ، وَإِتْمَامِ نُبُوتِهِ ، مَأْخُودًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِثْلَهُ ، مَشْهُورَةً سَمَاتُهُ ، كَرِيمًا مِيلَادُهُ ، وَأَهْلُ الْأَرْضِ (الْأَرْضِيِّينَ) يَوْمَئِذٍ مَلَأَ مُتَفَرِّقَةً ، وَأَهْوَاءَ مُنْتَشِرَةً ، وَطَرَائِقَ (طَوَائِفُ) مُتَشَتِّتَةً ، بَيْنَ مُشَبِّهِ اللَّهِ بِخَلْقِهِ ، أَوْ مُلْحِدٍ فِي اسْمِهِ ، أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ ، فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَأَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ. (3) راجع: ج 2 ص 460 (الوحي).

ب \_ العِلْمُ الْكِتَابُ «وَأَتَلَّكَ الْأُمْتَ لُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ» . (4)

الحديث 8955. مسند البزار عن أبي بكر: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ ، وَضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ. (5)

- 1- بحار الأنوار: ج 4 ص 266 ح 14 عن الحارث الأعور .
- 2- الكافي: ج 2 ص 49 ح 1 عن الأصبغ بن نباتة ، بحار الأنوار: ج 68 ص 349 ح 18 .
- 3- نهج البلاغة: الخطبة 1 ، بحار الأنوار: ج 18 ص 216 ح 48 .
- 4- العنكبوت: 43.
- 5- الأُمالي للطوسي: ص 488 ح 1069 عن محمد بن علي بن الحسين بن زيد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 1 ص 166 ح 7 ؛ الترغيب والترهيب: ج 1 ص 95 ح 8 نحوه .

**ب\_ دانش**

8956. الإمام عليّ عليه السلام: امام علي عليه السلام\_ در توصیف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله\_ : خداوند ، او را به حق برانگیخت تا بر او راهنما باشد و به سوی او هدایت کند . خداوند ، ما را به وسیله او از گم راهی رهانید و از نادانی ، نجات داد . 8957. المحاسن عن بشیر بن زید : امام علی علیه السلام : خداوند متعال ، اسلام را تشریح کرد و راه هایش را برای روندگان ، آسان ساخت و ارکان آن را در برابر دشمنان ، استوار ساخت و آن را وسیله عزّت پیروان و آرامش گروندگانش . . . و فهم برای انسان های زیرک ، و یقین برای خردمندان ، قرار داد . 8953. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : . . . تا آن که خداوند سبحان ، محمد صلی الله علیه و آله را فرستاده خود کرد تا وعده هایش را به ثمر برساند و نبوّت را پایان ببخشد ، در حالی که برای او از همه پیامبران ، پیمان گرفته بود . نشانه هایش در نزد همه انبیا شهرت داشت و ولادت او برای همه ، گرامی بود . در آن روزگار ، مردمان ، ملت هایی پراکنده ، دارای خواسته های گوناگون و شیوه های (/ دسته جات) مختلف بودند . برخی ، خداوند را به مخلوقات ، شبیه می کردند و برخی دیگر ، ملحد به نام های خداوند بودند [ صفات خالق را از برای مخلوق ثابت می کردند] و یا به غیر خدا اشاره می کردند [ و آثار عالم را به غیر خدا نسبت می دادند ] خداوند به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله ، آنان را از گم راهی رهانید و از نادانی ، نجات داد . ر . ک : ج 2 ص 461 (وحي) .

ب\_ دانشقرآن«و این مثل ها را برای مردم می زنیم؛ ولی [ جز دانشوران ، آنها را در نمی یابند» .

حدیث 8959. الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش ، مایه زندگی دل هاست از نادانی ، و نور چشمان است از تاریکی ، و نیرومندی بدن است از ناتوانی .

8958. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّكَ مَوْزُونٌ بِعَقْلِكَ ، فَزَكِّهِ بِالْعِلْمِ . (1) 8959. امام صادق عليه السلام :عنه عليه السلام :أَعَوْنُ الْأَشْيَاءِ عَلَى تَرْكِيَةِ الْعَقْلِ التَّعْلِيمِ . (2) 8960. رسول الله صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :الْعَقْلُ غَرِيْزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ . (3) 8961. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام :الْعِلْمُ يَزِيدُ الْعَاقِلَ عَقْلًا . (4) 8962. سنن ابن ماجه عن أنس بن مالك :الإمام الصادق عليه السلام :كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْحِكْمَةِ تَلْقَحُ الْعَقْلَ . (5) 8963. الإمام الباقر عليه السلام :عنه عليه السلام :كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ . (6) 8960. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :الإمام الرضا عليه السلام :مَنْ أَبْصَرَ رَفَهُمْ ، وَمَنْ فَهِمَ عَقْلَ . (7) راجع : ص 244 (العلم يحتاج إليه) و 342 (العلم والحكمة) .

ج \_ الأَدَبُ 8963. امام باقر عليه السلام :رسول الله صلى الله عليه وآله :حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ . (8) 8964. رسول الله صلى الله عليه وآله :عنه عليه وآله :الإمام عليّ عليه السلام :كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ ، وَالْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ . (9) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 3812 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 172 ح 3598 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 3246 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2788 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 1717 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1346 .
  - 4- .بحار الأنوار: ج 78 ص 6 ح 57 .
  - 5- .تحف العقول : ص 364 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 247 ح 73 .
  - 6- .الدعوات : ص 221 ح 603 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 159 ح 32 .
  - 7- .بحار الأنوار : ج 78 ص 355 .
  - 8- .جامع الأخبار : ص 337 ح 947 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 131 ح 14 .
  - 9- .غرر الحكم : ح 6911 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 377 ح 6381 .

## ج\_ ادب

8965. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عمّار: امام علی علیه السلام: تو به خردت سنجیده می شوی . پس ، آن را با دانش ، رُشد بده  
 8966. أخبار مکه عن مُحَمَّد بن اِبْرَاهِیم التَّمِیّی عَنْ ( \_ یقالُ لَهُ مُعَاذُ بنِ عُثْمَانَ ، أَوْ عُثْمَانُ بنِ ) امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که به  
 رُشد خرد کمک می کند ، آموختن است . 8967. إرشاد القلوب عن حُدَیْفَةَ: امام علی علیه السلام: خرد ، طبیعتی است که با دانش و تجربه  
 افزایش می یابد . 8964. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دانش ، به خرد خردمند ، می افزاید . 8965. المستدرک  
 علی الصحیحین ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام صادق علیه السلام: بسیار نگرستن در حکمت ، خرد را بارور می سازد . 8966. أخبار مکه  
 ( \_ به نقل از مُحَمَّد بن اِبْرَاهِیم تَمِیّی ، از مردی از قب ) امام صادق علیه السلام: بسیار به دانش روی آوردن ، خرد را گشایش می دهد  
 . 8967. إرشاد القلوب ( \_ به نقل از حُدَیْفَه \_ ) امام رضا علیه السلام: هر که بنگرد ، می فهمد و هر که فهمید ، خردمند می شود . ر . ک :  
 ص 245 (نیاز دانش به خرد) و 343 (دانش و حکمت) .

ج\_ ادب 8968. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ادب نیکو ، زیور خرد است . 8969. پیامبر خدا صلی الله علیه و  
 آله ( \_ در خطبه روز غدیر \_ ) امام علی علیه السلام: هر چیزی به خرد نیاز دارد و خرد ، نیازمند ادب است .



8970. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِنَّ بِذَوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ.  
 (1) 8971. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: نِعَمَ قَرِينُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ. (2) 8972. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام:  
 :الأدب صورة العقل. (3) 8973. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: صَلَّحُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ. (4) 8970. پیامبر خدا صلى الله  
 عليه وآله: عنه عليه السلام: الْأَدَبُ هُوَ لِقَاحُ الْعَقْلِ وَذِكَاؤُ الْقَلْبِ. (5) 8971. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لَا عَقْلَ  
لِمَنْ لَا أَدَبَ لَهُ. (6) 8972. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ذَكَ (7) عَقْدَكَ بِالْأَدَبِ كَمَا تُذَكِّي النَّارَ بِالْحَطَبِ.  
 (8) 8973. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام زين العابدين عليه السلام: إِدَابُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ. (9) راجع: ص 356 (مكارم  
 الأخلاق).

د \_ التَّجْرِبَةُ 8976. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ. (10).

- 1- غرر الحكم: ح 3475 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 151 ح 3310 .
- 2- غرر الحكم: ح 9894 .
- 3- غرر الحكم: ح 996 ، كنز الفوائد: ج 1 ص 199 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 51 ح 133 ؛ مائة كلمة للجاحظ: ص 74 ح 159 .
- 4- غرر الحكم: ح 5799 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 303 ح 5394 .
- 5- أعلام الدين: ص 84 ، إرشاد القلوب: ص 160 .
- 6- غرر الحكم: ح 10769 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 539 ح 9975 .
- 7- الذكاء: شدة وهج النار، يقال: ذكيت النار؛ إذا أتممت إشعالها ورفعته. والذكاء: حدة الفؤاد، وسرعة الفطنة (لسان العرب: ج 14 ص 287).
- 8- غرر الحكم: ح 5200 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 257 ح 4756 .
- 9- الكافي: ج 1 ص 20 ح 12 ، تحف العقول: ص 390 وفيه «أدب العلماء» وكلاهما عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 141 ح 30 .
- 10- غرر الحكم: ح 1717 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 52 ح 1346 .

**د - تجربه**

8977. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ حَوْلَ سِدِّ كِنَى مَكَّةَ \_ ) امام على عليه السلام: نیاز خردمندان به ادب ، مانند نیاز کشتزار به باران است

8978. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: بهترین همنشین خرد ، ادب است . 8979. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: ادب ، صورت خرد است . 8980. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: سامان یافتن خرد ، به ادب است

8974. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: ادب ، سبب باروری خرد و پالایش دل است . 8975. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در پاسخ این سؤال که: نیکی حج، چیست؟ \_ ) امام على عليه السلام: هر که ادب ندارد ، از خرد ، بی بهره است

8976. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خرد را با ادب کامل ساز ، همان گونه که آتش با هیزم ، شعله ور می شود

8977. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ درباره مدت ماندن در مکه \_ ) امام سجّاد عليه السلام: همنشینی با دانشمندان، سبب زیادی خرد است . ر . ک : ص 357 (مکارم اخلاق).

د \_ تجربه 8980. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خرد، طبیعتی است که با دانش و تجربه رشد می کند .

8981. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام. في الحكيم المنسوبة إليه: العقل غريزة تربيها التجارب. (1) 8981. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: نعم العون الأدب للنحيزة (2)، والتجارب لذی اللب. (3) 8982. رسول الله صلى الله عليه وآله (في كتابه لعمر بن حزم حين أمره ع) عنه عليه السلام: التجارب لا تنفسي، والعافل منها في زيادة. (4) 8983. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الحسين عليه السلام: طول التجارب زيادة في العقل. (5) راجع: ص 376 (حفظ التجارب).

هـ \_ السیر في الأرض الكتاب «أفلم يسروا في الأرض فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو آذان يسمعون بها فإنها لا تعمى الأبصار ولو كن تعمى القلوب التي في الصدور». (6)

«قل سيروا في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشأة الآخرة إن الله على كل شيء قدير». (7)

«و لقد تركنا منها آية بيّنة لقوم يعقلون». (8)

«فاليوم ننجيك بيدناك لتكون لمن خلقت آية وإن كثيرا من الناس عن آي تتنازع فلون». (9)

- 1- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 341 ح 907.
- 2- النحيزة: الطبيعة (القاموس المحيط: ج 4 ص 193).
- 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 385 ح 5834.
- 4- غرر الحكم: ح 1543، عيون الحكم والمواعظ: ص 33 ح 619 وليس فيه ذيله.
- 5- أعلام الدين: ص 298، بحار الأنوار: ج 78 ص 128 ح 11.
- 6- الحج: 46.
- 7- العنكبوت: 20.
- 8- العنكبوت: 35.
- 9- يونس: 92.

**ه - گردش در زمین**

8986. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: خرد، نیرویی درونی است که با تجربه پرورش می یابد. 8987. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بهترین یاور سرشت [انسانی]، ادب، و بهترین یاور خردمند، تجربه است. 8988. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: تجربه ها تمام شدنی نیستند و خردمند با آنها رُشد می کند. 8989. عنه صلی الله علیه و آله: امام حسین علیه السلام: تجربه های فراوان، [باعث] زیادتی خرد است. ر. ک: ص 377 (تجربه اندوزی).

ه - گردش در زمینقرآن(آیا در زمین گردش نکرده اند، تا دل هایی داشته باشند که با آنها بیندیشند، یا گوش هایی که با آنها بشنوند؟ در حقیقت، چشم ها کور نیستند؛ لیکن دل هایی که در سینه ها هستند، کورند».

(بگو: در زمین بگردید و بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرده است. پس [باز] خداست که نشانه آخرت را پدید می آورد. خداست که بر هر چیزی تواناست».

(و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می اندیشند، نشانه ای روشن باقی گذاشتیم».

(پس امروز، تنت را به بلندی [ساحل] می افکنیم تا برای کسانی که از پی تو می آیند، عبرتی باشد، و بی گمان، بسیاری از مردم، از نشانه های ما غافل اند».

الحديث 8990. سنن الترمذى ( \_ به نقل از جابر \_ ) الدر المنثور عن ابن دينار: أوحى الله إلى موسى عليه السلام: أن اتخذ نعلين من حديد وعصاً، ثم سح في الأرض، فأطلب الآثار والعبر، حتى تحفوا النعلان وتكسيرا العصا. (1) 8991. الأمالى، صدوق ( \_ به نقل از عبد الرحمان بن سمره \_ ) داوود عليه السلام: قل لصاحب العلم يتخذ عصاً من حديد ونعلين من حديد، ويطلب العلم حتى تنكسر العصا وتنخرق النعلان. (2) و\_ المشورة 8993. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ وقتى عايشه به عمره رفت، به او فرمود \_ ) الإمام علي عليه السلام: من شاور ذوي العقول استضاء بأنوار العقول. (3) ز \_ التقوى 8995. رسول الله صلى الله عليه وآله: سعد السعود نقلاً عن كتاب ذكرت فيه سنن إدريس عليه السلام: إعلموا (4) واستيقنوا أن تقوى الله هي الحكمة الكبرى، والنعممة العظمى، والسبب الداعي إلى الخير، والفتاح لأبواب الخير والفهم والعقل. (5) ح \_ مجاهدة النفس 8996. سنن أبي داوود عن يوسف بن عبد الله بن سلام الإمام علي عليه السلام: جاهد شهوتك وغالب غضبك وخالف سوء عادتك، ترك نفسك ويكمل عقلك وتكمل ثواب ربك. (6).

- 
- 1- الدر المنثور: ج 6 ص 61 نقلاً عن ابن أبي الدنيا في كتاب التفكير.
  - 2- سنن الدارمي: ج 1 ص 147 ح 571 عن عبد الله بن عبد الرحمن التستري، الفردوس: ج 1 ص 140 ح 497 عن أبي بكره نحوه.
  - 3- غرر الحكم: ح 8634.
  - 4- في الطبعة المعتمدة: «اعملوا»، والتصويب من طبعة أخرى وبحار الأنوار.
  - 5- سعد السعود: ص 39، بحار الأنوار: ج 11 ص 283 ح 11.
  - 6- غرر الحكم: ح 4760، عيون الحكم والمواعظ: ص 222 ح 4319.

**و- رایزنی (مشورت)****ز- تقوا****ح- جهاد با نفس**

حدیث 8998. الإمام الصادق علیه السلام: الدرّ المنثور- به نقل از ابن دینار-: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «کفش هایی آهنی و عصایی بردار، آن گاه در زمین گردش کن و از عبرت ها و نشانه ها [گذشتگان] جستجو کن تا کفش هایت ساییده شود و عصایت بشکند». 8996. سنن أبي داوود (به نقل از یوسف بن عبد الله بن سلام، از مادر ب) داوود علیه السلام: به دانشمند بگو که عصا و کفشی آهنین برگزیند و در جستجوی دانش حرکت کند تا عصایش بشکند و کفش هایش پاره شود. و- رایزنی (مشورت) 8998. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: آن که با خردمندان به رایزنی می پردازد، از پرتو خرد، نورانی می گردد. ز- تقوا 9000. صحیح البخاری عن أبي إسحاق: سعد السعدي- به نقل از کتابی که در آن، سنن ادریس آمده بود: بدانید و یقین کنید که تقوای خداوند، بلندترین حکمت و بزرگ ترین نعمت است و همان وسیله ای است که به «خوبی» دعوت می کند و درهای نیکی، فهم و خرد را می گشاید. ح- جهاد با نفس 8999. الخصال (به نقل از ابن عباس -) امام علی علیه السلام: با شهوت مبارزه کن و بر خشم غالب آی و با عادت های زشتت مخالفت کن تا جانت پرورش یابد، خردت به کمال رسد و پاداش پروردگارت را به کمال برسانی .

9000. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابو اسحاق \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَعْظُمُهُ : أَوْصِيكَ وَنَفْسِي بِتَقْوَى مَنْ لَا تَحِلُّ مَعْصِيَتُهُ وَلَا يُرْجَى غَيْرُهُ وَلَا الْغِنَى إِلَّا بِهِ ، فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ وَقَوِيَ وَشَبِعَ وَرَوِيَ وَرَفَعَ عَقْلُهُ عَنِ أَهْلِ الدُّنْيَا ، فَبَدَنَتْهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ وَعَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ ، فَـ أَطْفَأَ بِضَوْءِ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَدَّرَ حَرَامَهَا ، وَجَانَبَ شُبُهَاتِهَا ، وَأَصَدَّرَ وَاللَّهِ بِالْحَلَالِ الصَّافِي ، إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ مِنْهُ يَشُدُّ بِهَا صَدْرَ لَبِّهِ ، وَثَوْبٍ يُوَارِي بِهِ عَوْرَتَهُ مِنْ أَغْلَظِ مَا يَجِدُ وَأَخْشَنِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ ثِقَةٌ وَلَا رَجَاءٌ ، فَوَقَعَتْ ثِقَتُهُ وَرَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ ، فَجَدَّ وَاجْتَهَدَ وَأَتَعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَغَارَتِ الْعَيْنَانِ ، فَأَبْدَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَشِدَّةً فِي عَقْلِهِ ، وَمَا ذَخَرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرَ . (1) ط \_ ذَكَرَ اللَّهُ 9002. تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ حَرِيزِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّكْرُ نَوْرُ الْعَقْلِ ، وَحَيَاةُ النَّفْسِ ، وَجِلَاءُ الصُّدُورِ . (2) 9003. مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ يَثِيعَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَثُرَ ذِكْرُهُ اسْتَنَارَ لُبُّهُ . (3) 9002. تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ ( \_ به نقل از حَرِيزِ \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ ، أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَنَوَّرَ عَقْلَهُ وَلُبَّهُ . (4) 9003. مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ ( \_ به نقل از زَيْدِ بْنِ يَثِيعَ ، دَرِبَارِهِ أَبُو بَكْرٍ \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّكْرُ يُؤْنِسُ اللَّبَّ وَيُنِيرُ الْقَلْبَ وَيَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ . (5) 9004. مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ وَتَبْصِيرَةُ النَّفْسِ . (6) .

- 1- الكافي : ج 2 ص 136 ح 23 ، مشكاة الأنوار : ص 466 ح 1556 كلاهما عن أبي جميلة ، بحار الأنوار : ج 73 ص 75 ح 39 .
- 2- غرر الحكم : ح 1999 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 60 ح 1532 .
- 3- غرر الحكم : ح 9123 .
- 4- غرر الحكم : ح 4787 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8301 .
- 5- غرر الحكم : ح 1858 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 55 ح 1429 .
- 6- غرر الحكم : ح 1403 .

## ط - یاد خدا

9005. سنن ابن ماجه عن ابن عباس: امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان به یکی از یارانش نامه ای نوشت و او را چنین موعظه کرد:

«تورا و خودم را سفارش می کنم به تقوای کسی که نافرمانی اش روا نیست، امیدی به غیر او نیست و بی نیازی، تنها از اوست.

هر کس تقوای خدا پیشه کند، بزرگ می شود؛ عزیز می گردد؛ نیرومند می شود؛ سیر و سیراب می گردد؛ خردش از دنیادوستان باز داشته می شود، آن سان که بدنش با اهل دنیاست، اما دل و خردش آخرت را می بیند. پس با نور دل، آنچه را چشمانش از دوستی دنیا می بیند، خاموش می سازد؛ پس حرام دنیا را ترك می کند و از شبهه ها کناره گیری می نماید و از حلال گوارا نیز دوری می کند، مگر از پاره ای که خود را بدان استوار نگه بدارد و لباسی که خود را بدان بپوشاند، آن هم از خشن ترین لباس ها.

[ چنین کسی] در نیازمندی ها، به کسی تکیه نمی کند و امید، روا نمی دارد تا تکیه و امیدش بر آفریننده هستی قرار بگیرد.

پس تلاش و کوشش می کند و بدن خود را به زحمت می اندازد، تا آن جا که دنده هایش پیدا می شود و چشمانش فرو می رود. [هر که چنین باشد،] خداوند، نیرویی در بدن و قوتی در خردش جایگزین می کند و آنچه در آخرت برایش می اندوزد، بیش از این است». ط - یاد خدا 9005. سنن ابن ماجه (به نقل از ابن عباس -) امام علی علیه السلام: یاد خداوند، روشنائی خرد و زندگی جانها و صیقل دل هاست. 9006. تهذیب الأحکام عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق علی علیه السلام: هر کس که زیاد به یاد خدا باشد، خردش روشنائی می یابد. 9006. تهذیب الأحکام (به نقل از معاوية بن عمّار -) امام علی علیه السلام: هر که خداوند سبوحان را یاد کند، خداوند، دلش را زنده می دارد و خرد و اندیشه اش را نورانی می گرداند. 9007. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: یاد خدا خرد را مأنوس می گرداند، دل را روشنی می بخشد و رحمت الهی را فرود می آورد. 9008. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: یاد خدا خردها را راهنمایی می کند و جانها را بینا می سازد.



ي \_ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا 9010. سنن الدارمي عن سَوْدَةَ بِنْتِ زَمْعَةَ: الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ. (1) ك \_ إِتْبَاعُ الْحَقِّ 9008. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: وَأَمَّا طَاعَةُ النَّاصِحِ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهَا الزِّيَادَةُ فِي الْعَقْلِ وَكَمَالُ اللَّبِّ. (2) 9009. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: أعلام الدين: تَذَاكُرُوا الْعَقْلَ عِنْدَ مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ الْحَسَدُ بَيْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ. فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: مَا فِي صُدُورِكُمْ إِلَّا شَيْءٌ وَاحِدٌ. (3) 9010. سنن الدارمي ( \_ به نقل از سوده ، دختر زَمْعَه \_ ( الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ: تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ. (4) ل \_ مُجَالَسَةُ الْحُكَمَاءِ 9011. سنن ابن ماجه ( \_ به نقل از جابر بن عبد الله \_ ) الإمام علي عليه السلام: جَالِسِ الْحُكَمَاءِ يَكْمُلُ عَقْلُكَ ، وَتَشْرُفُ نَفْسُكَ ، وَيَنْتَفِ عَنكَ جَهْلُكَ. (5) 9012. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه وآله: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُجَالَسَةُ الْحُكَمَاءِ حَيَاةُ الْعُقُولِ وَشِفَاءُ النَّفْسِ. (6) م \_ رَحْمَةُ الْجُهَّالِ 9014. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: مِنْ أَوْكَدِ أَسْبَابِ الْعَقْلِ رَحْمَةُ الْجُهَّالِ. (7) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 8904 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 434 ح 7490 .
  - 2- .تحف العقول : ص 18 ، علل الشرائع : ص 113 ح 9 عن وهب بن منبه وفيه «أنه وجد في التوراة . . .» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 119 ح 11 .
  - 3- .أعلام الدين: ص 298 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 127 ح 11 .
  - 4- .الكافي: ج 1 ص 16 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول: ص 386 ، مشكاة الأنوار: ص 399 ح 1314 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 34 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 136 ح 30 .
  - 5- .غرر الحكم : ح 4787 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 223 ح 4351 .
  - 6- .غرر الحكم : ح 9875 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 490 ح 9084 وفيه «العقلاء» بدل «الحكماء» .
  - 7- .غرر الحكم : ح 9295 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 467 ح 8510 .

**ی - زهد در دنیا****ک - پیروی از حق****ل - همنشینی با حکیمان****م - ترحم بر نادانان**

ی - زهد در دنیا 9016. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که نفسش از نعمت های دنیا بگذرد، خرد را کامل کرده است. ک - پیروی از حق 9018. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از پیروی از خیر خواهان، فزونی خرد و کمال اندیشه، سرچشمه می گیرد. 9012. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اعلام الدین: هنگامی که نزد معاویه از خرد سخن به میان آمد، امام حسین علیه السلام فرمود: «خرد، جز با پیروی از حق، کمال نمی یابد».

آن گاه معاویه گفت: در دل شما جز يك چیز نیست. 9013. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: در برابر حق، فروتن باش تا خردمندترین مردمان باشی. ل - همنشینی با حکیمان 9015. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با حکیمان، همنشینی کن تا خردت کمال یابد، جانت گرامی گردد و نادانی ات زدوده شود. 9016. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: همنشینی با حکیمان، حیات بخش خردها و درمان جان هاست. م - ترحم بر نادانان 9018. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: از پایدارترین اسباب خرد، ترحم بر نادان هاست.

ن \_ الإستعانة بالله 9019. الترغيب و الترهيب: الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ ارزُقني عقلاً كاملاً وعزماً ثاقباً ولُبّاً راجحاً وقلباً ذكيّاً وعلمًا كثيرًا وأدبًا بارعًا ، واجعل ذلك كله لي ولا تجعله عليّ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1) 9020. رسول الله صلى الله عليه وآله بحار الأنوار: فِي الْمُنَاجَاةِ الَّتِي جَاءَ بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَأَمَحُ اللَّهُمَّ رَبِّ بِالتَّوْبَةِ مَا ثَبَّتَ مِن ذُنُوبِي ، وَأَعْسَلِ بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِي ، وَاجْعَلْهَا جَالِيَةً لِرَبِّينِ (2) قَلْبِي ، شاحِدَةً (3) لِبَصِيرَةِ لُبِّي. (4) 9021. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام المهدي عليه السلام\_ فِي دُعَاءِ عَلَمَهُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ \_ : إلهي وأسألك ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي. (5) راجع : ج 2 ص 496 (الدعاء)، ج 3 ص 404 (الإستعانة بالله في زيادة العلم).

4 / 2 ما يُقَوِّي الدِّماغَ \_ الدُّهْنُ 9024. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: الدُّهْنُ يُكَيِّنُ البَشْرَةَ ، وَيَزِيدُ فِي الدِّماغِ. (6).

- 
- 1- .المصباح للكفعمي : ص 93 ، مستدرک الوسائل : ج 10 ص 223 ح 11900 نقلاً عن المزار القديم ، بحار الأنوار : ج 87 ص 325 ح 14 .
  - 2- .الرَّيْنُ : كَالصِّدَأِ يَغْشَى الْقَلْبَ (لسان العرب: ج 13 ص 192) .
  - 3- .شَحَذَتِ السِّيفَ وَالسَّكِّينَ : إِذَا حَدَدْتَهُ بِالْمِسِّ وَغَيْرِهِ (النهاية: ج 2 ص 449) .
  - 4- .بحار الأنوار : ج 94 ص 117 ح 17.
  - 5- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 342 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 272 ح 34 .
  - 6- .الكافي: ج 6 ص 519 ح 1 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال: ص 611 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، تحف العقول: ص 100 ، بحار الأنوار: ج 10 ص 90 ح 1.

**ن \_ كمك خواستن از خداوند****4 / 2 آنچه مغز را قوی می سازد****الف \_ روغن (روغن مالی)**

ن \_ كمك خواستن از خداوند 9026. عنه صلى الله عليه وآله : امام زين العابدين عليه السلام : بار خدایا! به من خردی کامل ، تصمیمی استوار ، اندیشه ای سنگین ، دلی تیزبین ، دانشی بسیار و ادبی برجسته روزی کن و اینها را به سودم قرار بده و به زیانم قرار مده، به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان! 9027. عنه صلى الله عليه وآله : بحار الأنوار\_ در مناجاتی که جبرئیل علیه السلام برای پیامبر خدا به ارمغان آورد\_ : بار خدایا! گناهان مرا با توبه پاک کن و با پذیرش توبه، عیب هایم را شستشوده و آن را صیقل دهنده زنگارهای دل ، و تیزبینی خرد قرار ده . 9028. عنه صلى الله عليه وآله : امام مهدی علیه السلام\_ در دعایی که به محمد بن علی علوی مصری آموخت\_ : خدایا! از تو می خواهم... که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و دلم را راهنمایی کنی، و اندیشه ام را فراهم گردانی ... ر . ك : ج 2 ص 497 (دعا) ، ج 3 ص 405 (باری جستن از خدا برای افزایش دانش) .

4 / 2 آنچه مغز را قوی می سازد الف \_ روغن (روغن مالی) 9026. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علی علیه السلام : روغن ، پوست را نرم می سازد و مغز را زُشد می دهد .

9027. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق علیه السلام: دُهْنُ الْبَنْفَسَجِ يُرْزَنُ الدِّمَاعَ. (1) ب \_ الدُّبَاءُ 9029. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله - فيما أوصى به علياً عليه السلام - : يا عليُّ ، عَلَيْكَ بِالدُّبَاءِ (2) فَكُلْهُ ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاعِ وَالْعَقْلِ . (3) 9030. الترغيب والترهيب عن ابن مسعود عن رسول الله صلى الله عليه وآله: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْثِرُ مِنْ أَكْلِ الدُّبَاءِ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّكَ لَتُحِبُّ الدُّبَاءَ!

فَقَالَ : الدُّبَاءُ يُكْثِرُ الدِّمَاعَ وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ . (4) 9031. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْقَرَعِ ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ وَيُكَبِّرُ الدِّمَاعَ . (5) 9032. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّوا الْيَقْطِينَ فَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ شَجَرَةً أَخَفَّ مِنْ هَذِهِ لَأَنْبَتَهَا عَلَى أَخِي يُونُسَ . إِذَا اتَّخَذَ أَحَدُكُمْ مَرْقًا فَلْيُكْثِرْ فِيهِ مِنَ الدُّبَاءِ ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاعِ وَفِي الْعَقْلِ . (6) ج \_ السَّفَرَجَلِ 9030. الترغيب والترهيب ( \_ به نقل از ابن مسعود \_ ) الإمام الرضا عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّفَرَجَلِ ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ . (7) .

1- .الكافي: ج 6 ص 522 ح 8 عن محمد بن سوقة، بحار الأنوار: ج 62 ص 223 ح 8.

2- .الدُّبَاءُ : الْقَرَعُ (النهاية : ج 2 ص 96) .

3- .الكافي : ج 6 ص 371 ح 7 عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن بعض أصحابنا عن الإمام الكاظم عليه السلام .

4- .كنز العمال : ج 15 ص 455 ح 41808 نقلاً عن الديلمي .

5- .شعب الإيمان: ج 5 ص 102 ح 5947 عن عطاء ، كنز العمال: ج 10 ص 44 ح 28276 وراجع المعجم الكبير: ج 22 ص 63 ح 152.

6- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 383 ح 1283 عن الإمام الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 288 ح 16 ؛ الفردوس: ج 3 ص 244 ح 4719 عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 15 ص 280 ح 40990 .

7- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 373 ح 1236 ، المحاسن : ج 2 ص 367 ح 2282 عن السياري رفعه وفيه «عليكم بالسفرجل فكلوه ؛ فإنه يزيد في العقل والمروءة» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 171 ح 19 .

**ب - کدو****ج - گلابی**

9031. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: روغن بنفشه، مغز را تقویت می کند. ب - کدو 9033. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! بر تو باد [خوردن] کدو. آن را بخور که مغز و خرد را زیاد می کند. 9034. الترغیب والترهیب عن عائشة: کنز العمال - به نقل از انس: پیامبر خدا بسیار کدو می خورد. گفتم: ای پیامبر خدا! شما کدو را دوست می دارید!

فرمود: «کدو، مغز را زیاد می کند و بر خرد، می افزاید». 9035. الترغیب والترهیب عن أنس بن مالك: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد [خوردن] کدو؛ زیرا بر خرد می افزاید و مغز را بزرگ می کند. 9036. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کدوی حلوائی بخورید. پس اگر خداوند می دانست که درختی سبک تر از آن هست، آن را برای برادرم یونس می رویاند. هر کس از شما آب گوشت درست کرد، در آن، کدو بسیار بریزد؛ زیرا بر مغز و خرد می افزاید. ج - گلابی 9033. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام رضا علیه السلام: بر شما باد [خوردن] گلابی که بر خرد می افزاید.

د \_ الكَرْفَس 9035. الترغيب و الترهيب ( \_ به نقل از آنس بن مالك \_ ) رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْكَرْفَسِ، فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهُوَ هُوَ. (1) ه \_ اللَّحْم 9037. ثواب الأعمال ( \_ به نقل از مسعدة بن صدقة \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَمَنْ تَرَكَ أَكْلَهُ أَيَّامًا فَسَدَّ عَقْلُهُ. (2) 9038. رسول الله صلى الله عليه و آله: عنه عليه السلام: مَنْ تَرَكَ أَكْلَ اللَّحْمِ أَرْبَعِينَ صَبَّاحًا سَاءَ خُلُقُهُ وَفَسَدَ عَقْلُهُ، وَمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذَّنُوا فِي أُذُنِهِ بِالتَّثْوِبِ (3) . (4) و \_ اللَّبَّان 9040. عنه صلى الله عليه و آله: رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَّانِ (5)؛ فَإِنَّهُ يَمَسِّحُ الْحَرَ (6) مِنَ الْقَلْبِ كَمَا يَمَسِّحُ الْإِصْبَعُ الْعِرْقَ عَنِ الْجَبِينِ، وَيَشُدُّ الظَّهْرَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُدْكَئِي الدَّهْنَ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. (7) 9041. عنه صلى الله عليه و آله: عنه صلى الله عليه و آله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ اللَّبَّانَ؛ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غُدِّيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَّانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ وَزِيدَ فِي عَقْلِهِ. (8) .

- 1- .طبَّ النبي صلى الله عليه و آله : ص 11 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 300 .
- 2- .طبَّ الأئمة عليهم السلام : ص 139 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 72 ح 68 .
- 3- .ثوب الداعي تثويبًا: ردِّد صوته ، ومنه التثويب في الأذان (المصباح المنير : ص 87) .
- 4- .طبَّ الأئمة عليهم السلام : ص 139 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 72 ح 68 .
- 5- .اللَّبَّان : ضَرَبٌ مِنَ الْعَلْكَ (لسان العرب : ج 5 ص 153) .
- 6- .في بحار الأنوار : ج 76 ص 321 «الحزن» وهو الأنسب .
- 7- .بحار الأنوار: ج 62 ص 294 ، مستدرک الوسائل: ج 16 ص 374 ح 20228 .
- 8- .الكافي : ج 6 ص 23 ح 6 عن أبي زياد عن الإمام الحسن عليه السلام وراجع بحار الأنوار : ج 66 ص 444 ح 8 .

**د - کرفس****ه - گوشت****و - کُنْدُر**

د - کرفس 9038. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد [خوردن] کرفس؛ زیرا اگر چیزی بر خرد بیفزاید، کرفس است. ه - گوشت 9040. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می آورد و بر خرد می افزاید. هر کس که چند روز گوشت را کنار بنهد، خردش تباه می گردد. 9041. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: هر کس که چهل روز خوردن گوشت را ترک کند، بد اخلاق می شود و خردش تباه می گردد. و هر کس که بد اخلاق شد، در گوشش به آواز، اذان بگوید (1). و - کُنْدُر 9043. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد [ خوردن] کُنْدُر (2)؛ زیرا حرارت قلب را از میان می برد، همان گونه که انگشت، عرق پیشانی را پاک می کند. [کُنْدُر]، کمر را محکم می کند، خرد را افزایش می دهد، ذهن را تیز می گرداند، چشم را جلا می دهد و فراموشی را از میان می برد. 9044. الترغیب والترهیب عن أبي سعيد الخدري: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار کُنْدُر بخورانید؛ زیرا هنگامی که کودک در رحم مادر از شیر تغذیه می کند، دلش قوی می گردد و مغزش فزونی می گیرد.

1- یادآوری می شود که سند این دو حدیث، مرسل است و اعتبار ندارد، گذشته از این که ممکن است مقصود، تأثیر اقتضایی باشد، نه ارتباط حقیقی (علّی و معلولی).

2- کُنْدُر: صمغی که آن را مصطکی خوانند و بعضی گویند مصطکی هم نوعی کندر است و کندر، همان لُبَان است. و بعضی گویند کندر، درختی است شبیه به درخت پسته؛ لیکن باری و میوه ای و تخمی ندارد. صمغ آن را به نام آن درخت خوانند (ر. ک: لغت نامه دهخدا: ج 11 ص 16423).



ز \_ الخَلِّ 9044. الترغيب و الترهيب ( \_ به نقل از ابو سعيد خُدري \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: الخَلُّ يَشُدُّ العَقْلَ. (1) 9045. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكافي عن محمد بن عليّ الهمداني: إِنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَاسَانَ فَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةً عَلَيْهَا خَلٌّ وَمِلْحٌ فَافْتَتَحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْخَلِّ ، فَقَالَ الرَّجُلُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَحَ بِالْمِلْحِ ؟ !

فَقَالَ : هَذَا مِثْلُ هَذَا \_ يَعْنِي الخَلَّ \_ وَإِنَّ الخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ وَيَزِيدُ فِي العَقْلِ. (2) ح \_ السَّدَاب 9045. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: أبو الحسن عليه السلام: السَّدَابُ (3) يَزِيدُ فِي العَقْلِ. (4) ط \_ العَسَل 9047. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الكاظم عليه السلام: فِي العَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، مَنْ لَعَقَ لَعَقَةً عَسَلٍ عَلَى الرِّيقِ يَقَطُّعَ البَلْغَمَ ، وَيَحْسِمُ الصُّفْرَةَ ، وَيَمْنَعُ المِرَّةَ السَّوْدَاءَ ، وَيُصَفِّي الذَّهْنَ ، وَيُجَوِّدُ الحِفْظَ إِذَا كَانَ مَعَ اللَّبَانِ الذَّكْرَ. (5) .

- 
- 1- .الكافي: ج 6 ص 329 ح 2 عن سليمان بن خالد وح 5 عن إسماعيل بن جابر، المحاسن: ج 2 ص 282 ح 1913 و ح 1914 كلاهما عن سليمان بن خالد، بحار الأنوار: ج 66 ص 301 ح 1 .
  - 2- .الكافي: ج 6 ص 329 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 286 ح 1931، بحار الأنوار: ج 66 ص 303 ح 14 .
  - 3- .السَّدَاب: هي شجرة كثيرة الأغصان ذات أوراق صغيرة ورائحة كريهة، أزهارها صفراء اللون، وحَبَّهَا مِثْلُ الشَّكْلِ ، وَكُلُّ ثَلَاثِ حَبَّاتٍ مِنْهَا قَدْ جُمِعْنَ دَاخِلَ غِشَاءٍ وَاحِدٍ ، لَهَا اسْتِعْمَالَاتٌ طَبِيبَةٌ ، وَيُقَالُ لَهَا بِالْعَرَبِيَّةِ : سَدَابٌ (مترجم عن فرهنك صبا: ص 576) .
  - 4- .الكافي: ج 6 ص 367 ح 1 ، المحاسن: ج 2 ص 322 ح 2088 ، بحار الأنوار: ج 66 ص 241 ح 1 .
  - 5- .الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص 346 ، بحار الأنوار: ج 62 ص 261 ح 7 .

## ز - سرکه

## ح - سُداب

## ط - عسل

ز - سرکه 9047. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: سرکه، مغز را محکم می سازد. 9048. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به عبد الله بن مسعود) الکافی - به نقل از محمد بن علی همدانی: - مردی نزد امام رضا علیه السلام در خراسان بود. نزد ایشان خوانی گسترده که بر آن، سرکه و نمک بود. ایشان غذا را با خوردن سرکه آغاز نمود. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرمان دادی که با نمک آغاز کنیم؟

فرمود: «این (سرکه) مانند آن است. سرکه، ذهن را استوار می کند و بر خرد می افزاید». ح - سُداب 9049. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: سُداب (1) بر خرد می افزاید. ط - عسل 9051. عنه صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: عسل، درمان هر دردی است. هر کس انگشتی عسل را ناشتا بلیسد، بلغمش را از میان می برد، صفرای او را ریشه کن می کند و از تلخی سودا پیشگیری می نماید. [عسل،] ذهن را پیراسته می سازد و اگر با کُنْدُر (2) خورده شود، حافظه را قوی می کند.

1- سُداب، گیاهی است از تیره اناری ها با گل های زرد و برگ های شبیه سعترو بوی بد که خاصیت دارویی دارد. برخی نیز آن را اسپند کوهی معنا کرده اند.

2- .. ظاهراً مراد از کُنْدُر نر، کندری است که از درخت نر گرفته می شود. علامه مجلسی، کندر سفید نر را بهترین نوع کندر می داند (ر. ک: مرآة العقول: ج 21 ص 41).

ي \_ الرُّمَانُ مَعَ شَحْمِهِ 9053. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ ، فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمِعْدَةَ وَيَزِيدُ فِي الدَّهْنِ. (1)ك \_ الماء 9051. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الكافي عن أبي طيفور المتطّيب: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامَ فَتَهَيَّئْتُ عَنْ شُرْبِ الْمَاءِ .

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَمَا بَأْسُ بِالْمَاءِ وَهُوَ يَدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمِعْدَةِ ، وَيُسَدُّ كَنْهُ الْعَصَبَ وَيَزِيدُ فِي اللَّبِّ ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ. (2)ل \_ الْحِجَامَةُ 9053. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ وَتَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا. (3)عنه صلى الله عليه وآله: عَنْهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحِجَامَةُ عَلَى الرَّيْقِ أَمْثَلُ ، وَهِيَ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ ، وَتَزِيدُ فِي الْحِفْظِ ، وَتَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا. (4)م \_ الْفَرْفِخُ 9056. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِالْفَرْفِخِ ؛ فَهِيَ الْمُكَيِّسَةُ ، فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ. (5).

- 
- 1- .الكافي: ج 6 ص 354 ح 12 عن صالح بن عقبة، المحاسن: ج 2 ص 356 ح 2232 عن النوفلي، بحار الأنوار: ج 66 ص 160 ح 27.
- 2- .الكافي: ج 6 ص 381 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 398 ح 2391، بحار الأنوار: ج 66 ص 456 ح 42.
- 3- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 174 ح 518، بحار الأنوار: ج 62 ص 126 ح 82؛ الفردوس: ج 2 ص 154 ح 2781 عن ابن عمر.
- 4- .سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1154 ح 3488 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 10 ص 10 ح 28110.
- 5- .المحاسن: ج 2 ص 323 ح 2094 عن حمّاد بن زكريّا النخعي، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 390 ح 1314 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «فهي المُكَيِّسَةُ»، بحار الأنوار: ج 66 ص 234 ح 3.

## ی - انار با لایه نازک آن

### ک - آب

### ل - حجامت کردن

### م - خُرفه

ی - انار با لایه نازک آن 9055. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در سفارش به امام علی علیه السلام \_ ) امام صادق علیه السلام: انار را با لایه نازکش بخورید؛ زیرا معده را پاکسازی می کند و بر ذهن می افزاید. ک - آب 9057. عنه علیه السلام: الکافی - به نقل از ابو طیفور طبیب - : بر امام کاظم علیه السلام موارد شدم و ایشان را از نوشیدن آب ، بر حذر داشتم .

فرمود : «نوشیدن آب ، بی زیان است ؛ بلکه غذا را در معده می چرخاند ، خشم را فرو می برد، بر مغز می افزاید و تلخه (1) را از میان می برد». ل - حجامت کردن 9058. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حجامت ، بر خرد می افزاید و حافظه را زیاد می کند . 9059. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حجامت ناشتا، سودمندتر است . حجامت، خرد را افزایش می دهد ، حافظه را زیاد می کند و بر حافظه حافظان می افزاید . م - خُرفه 9058. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر شما باد [خوردن] خُرفه ؛ زیرا زیرکی می بخشد . به راستی که اگر چیزی بر خرد بیفزاید ، همان خرفه است .

1- . تلخه : خلط صفرا .

ن - الأُتْرُجُّ 9060. عوالى اللآلى :رسول اللآ صلى الله عليه وآله:عَلَيْكُمْ بِالْأُتْرُجِّ (1) ؛ فَإِنَّهُ يُنِيرُ الْفؤَادَ وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. (2)س - الباقلى 9062. عنه صلى الله عليه وآله:الإمام الصادق عليه السلام:أَكَلُ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. (3)راجع : ص 212 (زيادة العقل ونقصانه في أدوار الحياة) .

- 
- 1- الأُتْرُجُّ : شجرٌ يعلو ، ناعم الأغصان والورق والثمر ، وثمره كالليمون الكبار ، وهو ذهبي اللون ، ذكي الرائحة ، حامض الماء (المعجم الوسيط : ج 1 ص 4) .
  - 2- طبّ النبيّ صلى الله عليه وآله: ص 8 ، بحار الأنوار: ج 62 ص 297 ، مستدرک الوسائل: ج 16 ص 407 ح 20357 ، بحار الأنوار : ج 62 ص 297 .
  - 3- الكافي: ج 6 ص 344 ح 1 ، المحاسن: ج 2 ص 309 ح 2028 كلاهما عن محمّد بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج 62 ص 283 .

**ن - تُرُنْج**

**س - باقلا**

ن - تُرُنْج 9065. عنه صلى الله عليه و آله : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : تُرُنْج بخورید ؛ زیرا دل را روشنی می بخشد و بر مغز می افزاید  
س - باقلا 9067. عنه صلى الله عليه و آله : امام صادق علیه السلام : خوردن باقلا ، ساق ها را مغزدار می کند و بر مغز می افزاید . ر . ك :  
ص 213 (فزونى و كاستى خرد در دوران زندگى) .

الفصل الخامس : علامات العقل 5 / 1 جُنُودُ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ 9065. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الكافي عن سماعة بن مهران : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ ، فَجَرَى ذِكْرَ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِعْرِفُوا الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا .

قَالَ سَمَاعَةٌ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، لَا نَعْرِفُ إِلَّا مَا عَرَفْتَنَا .

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ ، فَقَالَ لَهُ : أَدِيرُ فَأَدِيرُ ؛ ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَقْبِلْ فَأَقْبِلْ (1) ؛ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى : خَلَقْتِكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَكَرَّمْتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي . 2

قَالَ : ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاحِ ظُلْمَانِيًّا فَقَالَ لَهُ : أَدِيرُ فَأَدِيرُ ؛ ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَقْبِلْ فَلَمْ يُقْبِلْ ، فَقَالَ لَهُ : اسْتَكْبَرْتَ ، فَلَعَنَهُ .

ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا ، فَلَمَّا رَأَى الْجَهْلُ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ بِهِ الْعَقْلَ وَمَا أَعْطَاهُ ، أَضْمَرَ لَهُ الْعِدَاوَةَ .

فَقَالَ الْجَهْلُ : يَا رَبِّ ، هَذَا خَلْقٌ مِثْلِي خَلَقْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَقَوَّيْتَهُ وَأَنَا ضِدُّهُ وَلَا قُوَّةَ لِي بِهِ فَأَعْطِنِي مِنَ الْجُنْدِ مِثْلَ مَا أَعْطَيْتَهُ .

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ : نَعَمْ ، فَإِنْ عَصَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْرَجْتُكَ وَجُنْدَكَ مِنْ رَحْمَتِي .

قَالَ : قَدْ رَضَيْتُ .

فَأَعْطَاهُ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا . فَكَانَ مِمَّا أَعْطَى الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ الْجُنْدَ :

الْخَيْرُ وَهُوَ وَزِيرُ الْعَقْلِ ، وَجَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرُّ وَهُوَ وَزِيرُ الْجَهْلِ .

وَالْإِيمَانُ وَضِدُّهُ الْكُفْرُ .

وَالتَّصَدِيقُ وَضِدُّهُ الْجُحُودُ .

وَالرَّجَاءُ وَضِدُّهُ الْقُنُوطُ .

وَالْعَدْلُ وَضِدُّهُ الْجَوْرُ .

وَالرِّضَا وَضِدُّهُ السَّنْخَطُ .

وَالشُّكْرُ وَضِدُّهُ الْكُفْرَانُ .

وَالطَّمَعُ وَضِدُّهُ الْيَأْسُ .

وَالْتَوَكَّلُ وَضِدَّهُ الْحِرْصَ .

وَالرَّأْفَةُ وَضِدُّهَا الْقَسْوَةُ .

وَالرَّحْمَةُ وَضِدُّهَا الْغَضَبُ .

وَالْعِلْمُ وَضِدُّهُ الْجَهْلُ .

وَالْفَهْمُ وَضِدُّهُ الْحُمُوقُ .

وَالْعِفَّةُ وَضِدُّهَا التَّهْتُّتُكَ .

وَالزُّهُدُ وَضِدُّهُ الرِّغْبَةُ .

وَالرِّفْقُ وَضِدُّهُ الخُرْقُ .

وَالرَّهْبَةُ وَضِدُّهُ الْجُرْأَةُ .

وَالتَّوَاضُعُ وَضِدُّهُ الْكِبَرُ .

وَالتَّوَدُّةُ وَضِدُّهَا التَّسْرُّعُ .

وَالْحِلْمُ وَضِدُّهَا السَّفَهَةُ .

وَالصَّمْتُ وَضِدُّهُ الْهَذَرُ .

وَالِاسْتِسْلَامُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِكْبَارُ .

وَالتَّسْلِيمُ وَضِدُّهُ الشُّكُّ .

وَالصَّبْرُ وَضِدُّهُ الْجَزَعُ .

وَالصَّفْحُ وَضِدُّهُ الْإِنْتِقَامُ .

وَالْغِنَى وَضِدُّهُ الْفَقْرُ .

وَالتَّذَكُّرُ وَضِدُّهُ السَّهْوُ .

وَالْحِفْظُ وَضِدُّهُ النِّسْيَانُ .

وَالتَّعَطُّفُ وَضِدُّهُ الْقَطِيعَةُ .



- وَالْقَنُوعُ وَضِدَّهُ الْحِرْصُ .
- وَالْمُؤَاسَاةُ وَضِدَّهَا الْمَنَعُ .
- وَالْمُؤَدَّةُ وَضِدَّهَا الْعَدَاوَةُ .
- وَالْوَفَاءُ وَضِدَّهُ الْغَدْرُ .
- وَالطَّاعَةُ وَضِدَّهَا الْمَعْصِيَّةُ .
- وَالْخُضُوعُ وَضِدَّهُ التَّطَاوُلُ .
- وَالسَّلَامَةُ وَضِدَّهَا الْبَلَاءُ .
- وَالْحُبُّ وَضِدَّهُ الْبُغْضُ .
- وَالصِّدْقُ وَضِدَّهُ الْكَذِبُ .
- وَالْحَقُّ وَضِدَّهُ الْبَاطِلُ .
- وَالْأَمَانَةُ وَضِدَّهَا الْخِيَانَةُ .
- وَالْإِخْلَاصُ وَضِدَّهُ الشُّبُوبُ .
- وَالشَّهَامَةُ وَضِدَّهَا الْبِلَادَةُ .
- وَالْفَهْمُ وَضِدَّهُ الْغَبَاوَةُ .
- وَالْمَعْرِفَةُ وَضِدَّهَا الْإِنْكَارُ .
- وَالْمُدَارَاةُ وَضِدَّهَا الْمُكَاشَفَةُ .
- وَسَلَامَةُ الْغَيْبِ وَضِدَّهَا الْمُمَّاكِرَةُ .
- وَالْكِتْمَانُ وَضِدَّهُ الْإِفْشَاءُ .
- وَالصَّلَاةُ وَضِدَّهَا الْإِضَاعَةُ .
- وَالصَّوْمُ وَضِدَّهُ الْإِفْطَارُ .
- وَالجِهَادُ وَضِدَّهُ التُّكُولُ .

وَالْحُجُّ وَضِدَّهُ نَبَذَ الْمِيثَاقِ .

وَصَوْنُ الْحَدِيثِ وَضِدَّهُ النَّمِيمَةُ .

وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَضِدَّهُ الْعُتُوقَ .

وَالْحَقِيقَةُ وَضِدَّهَا الرِّيَاءُ .

وَالْمَعْرُوفُ وَضِدَّهُ الْمُنْكَرُ .

وَالسَّتْرُ وَضِدَّهُ التَّبَرُّجُ .

وَالتَّيْبَةُ وَضِدَّهَا الإِذَاعَةُ .

وَالْإِنصَافُ وَضِدَّهُ الْحَمِيَّةُ .

وَالتَّهَيُّتُ وَضِدَّهَا البَغْيُ .

وَالنَّظَافَةُ وَضِدَّهَا القَذَرُ .

وَالْحَيَاءُ وَضِدَّهَا الجَلْعُ .

وَالْقَصْدُ وَضِدَّهُ العُدْوَانُ .

وَالرَّاحَةُ وَضِدَّهَا التَّعَبُ .

وَالسُّهُولَةُ وَضِدَّهَا الصُّعُوبَةُ .

وَالبَرَكَتَةُ وَضِدَّهَا المَحَقُّ .

وَالعَافِيَةُ وَضِدَّهَا البَلَاءُ .

وَالقَوَامُ وَضِدَّهُ المُكَاتَرَةُ .

وَالْحِكْمَةُ وَضِدَّهَا الهَوَى .

وَالوَقَارُ وَضِدَّهُ الخِفَّةُ .

وَالسَّعَادَةُ وَضِدَّهَا الشَّقَاوَةُ .

وَالتَّوْبَةُ وَضِدَّهَا الإِصرَارُ .

وَالِاسْتِغْفَارُ وَضِدَّهُ الْإِغْتِرَارُ .

وَالْمُحَافَظَةُ وَضِدُّهَا التَّهَؤُنُ .

وَالدُّعَاءُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِنكَافُ .

وَالنَّشَاطُ وَضِدُّهُ الْكَسَلُ .

وَالفَرَحُ وَضِدُّهُ الْحُزْنُ .

وَالأَلْفَةُ وَضِدُّهَا الْفُرْقَةُ .

وَالسَّخَاءُ وَضِدُّهُ الْبُخْلُ .

فَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ ، أَوْ مُؤْمِنٍ قَدِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ ، وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ وَيَنْقَى مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ ، وَإِنَّمَا يُدْرِكُ ذَلِكَ بِمَعْرِفَةِ الْعَقْلِ وَجُنُودِهِ ، وَبِمُجَانَبَةِ الْجَهْلِ وَجُنُودِهِ ، وَفَقْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ لِبَطَاعَتِهِ وَمَرْضَاتِهِ. (2) .

1- شرح المولى محمد صالح المازندراني هذا الحديث بما يلي : «فقال له : أدبر فأدبر» : أمره بالهبوط من عالم الملكوت والنور إلى عالم الظلمات والشورور والتوجه إلى ما يلايمه من المشتبهات والنظر إلى ما فيه هواه من المستلذات، فهبط لما في ذلك من مصلحة وهي ابتلاء العباد ونظام البلاد وعمارة الأرض، إذ لولا ذلك لكان الناس بمنزلة الملائكة عارين عن حلية التناكح والتناسل والزراعة وتعمير الأرض، وبطل الغرض المطلوب من هذا النوع من الخلق، وبطل خلافة الأرض، ولزم من ذلك بطلان الثواب والعقاب وعدم انكشاف صفات الباري وانجلاء حقائقها وآثارها، مثل العدالة والانتقام والجبارية والقهارية والعمو والغفران وغيرها.

2- الكافي : ج 1 ص 21 ح 14 ، علل الشرائع : ص 113 ح 10 ، تحف العقول: ص 400 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 109 ح 7 .

## فصل پنجم : نشانه های خرد

## 5 / 1 سپاهیان خرد و نادانی

فصل پنجم : نشانه های خرد 5 / 1 سپاهیان خرد و نادانی 9069. عنه صلی الله علیه و آله : الکافی\_ به نقل از سماعه بن مهران\_ : نزد امام صادق علیه السلام بودم و گروهی از دوستان ایشان در آن جا حضور داشتند . سخن از خرد و نادانی به میان آمد . امام صادق علیه السلام فرمود : «خرد و سپاهیان و نادانی و سپاهیان را بشناسید تا هدایت یابید» . (1)

گفتم : جانم به فدایت! نمی دانیم ، جز آنچه شما ما را بر آن آگاه ساخته اید .

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود : «خداوند ، خرد را که نخستین آفریده روحانی است ، از سمت راست عرش ، از نور خود بیافرید . آن گاه بدو فرمود : باز گرد . پس برگشت . سپس به او گفت : روی آور . پس روی آورد . (2) سپس خداوند

متعال فرمود : تو را آفریدم ، آفریدنی بزرگ و تو را بر همه مخلوقاتم گرامی داشتم» . 3

سپس [خداوند ،] نادانی را از دریای شور و ظلمانی بیافرید و به او گفت : باز گرد . پس برگشت . سپس بدو فرمود : روی آور . پس روی نیاورد . خداوند به او فرمود : بزرگی فروختی . پس بر او لعنت فرستاد .

آن گاه برای خرد ، هفتاد و پنج سرباز قرار داد . وقتی نادانی ، کرامتی را که خداوند به خرد داد ، مشاهده کرد ، کینه او را به دل گرفت و گفت : ای پروردگار! این ، آفریده ای است مانند من . او را آفریدی ، کرامت بخشیدی ، نیرومند ساختی و من ، بر خلاف اویم و نیرویی ندارم . به من هم سپاهیانی مانند خرد ببخشای .

خداوند پذیرفت و فرمود : اگر پس از آن ، نافرمانی کردی ، تو و سپاهیان را از رحمت خویش بیرون می سازم .

نادانی ، رضایت داد . آن گاه خداوند به وی هفتاد و پنج سرباز بخشید .

هفتاد و پنج سربازی که خداوند به خرد بخشید ، عبارت اند از :

خیر که وزیر خرد است و ضدّ آن شر است که وزیر نادانی است ؛

ایمان که ضدّ آن ، کفر است ؛

تصدیق (گواهی دادن) که ضدّ آن ، انکار (پنهان سازی) است ؛

امید که ضدّ آن ، یأس است ؛

عدالت که ضد آن ، ستم است ؛

خوشنودی که ضد آن ، خشم است ؛

سپاسگزاری که ضد آن ، ناسپاسی است ؛

طمع که ضد آن ، ناامیدی [از دیگران] است ؛

توکل که ضد آن ، آز است ؛

مهربانی که ضد آن ، سنگ دلی است ؛

رحمت که ضد آن ، غضب است ؛

دانش که ضد آن ، نادانی است ؛

فهم که ضد آن ، حماقت است ؛

عفت که ضد آن ، پرده دری است ؛

زهد (بی میلی) که ضد آن ، رغبت (میل داشتن) است ؛

مدارا که ضد آن ، درشتی است ؛

هراس که ضد آن ، بی باکی است ؛

فروتنی که ضد آن ، تکبر است ؛

آرامی که ضد آن ، شتاب زدگی است ؛

بردباری که ضد آن ، نابردباری است ؛

خاموشی که ضد آن ، پُرگویی است ؛

رام بودن که ضد آن ، گردنکشی است ؛

تسلیم که ضد آن ، تردید است ؛

شکیبایی که ضد آن ، بی تابی است ؛

چشم پوشی که ضد آن ، کینه توزی است ؛

بی نیازی که ضدّ آن ، تنگ دستی است ؛

به یاد آوردن که ضدّ آن ، بی خبری است؛

در خاطر نگه داشتن که ضدّ آن ، فراموشی است ؛

مهرورزی که ضدّ آن ، بریدن (جدایی) است ؛

قناعت که ضدّ آن ، حرص است ؛

همدردی که ضدّ آن ، دریغ داشتن است ؛

دوستی که ضدّ آن ، دشمنی است ؛

پیمان داری که ضدّ آن ، خیانت است ؛

فرمانبرداری که ضدّ آن ، نافرمانی است ؛

فروتنی که ضدّ آن ، گردنکشی است ؛

سلامت [ از امراض نفسانی و یا آزار دیگران] که ضدّ آن ، گرفتاری است ؛

دوستی که ضدّ آن ، کینه ورزی است ؛

راستگویی که ضدّ آن ، دروغگویی است ؛

درستی که ضدّ آن ، باطل است ؛

امانت که ضدّ آن ، خیانت است ؛

پاك دلی که ضدّ آن ، ناپاك دلی است ؛

زیرکی که ضدّ آن ، سرگردانی است ؛

فهمیدگی که ضدّ آن ، کودنی است ؛

معرفت که ضدّ آن ، انکار است ؛

رازداری که ضدّ آن ، فاش کردن راز است ؛

يك رویی که ضدّ آن ، دغلی است ؛

پرده پوشی که ضد آن ، فاش کردن است ؛

نماز گزاردن که ضد آن ، تباه کردن [ نماز ] است ؛

روزه گرفتن که ضد آن ، خوردن روزه است ؛

جهاد که ضد آن ، باز ایستادن از جنگ است ؛

حج گزاردن که ضد آن ، پیمان شکستن است ؛

سخن نگه داشتن که ضد آن ، سخن چینی است ؛

نیکی به پدر و مادر که ضد آن ، آزدن آنان است ؛

حقیقت که ضد آن ، ریاکاری است ؛

نیکی که ضد آن ، بدی است ؛

پوشیدگی که ضد آن ، خودنمایی است ؛

تقیّه که ضد آن ، بی پروایی است ؛

انصاف که ضد آن ، جانبداری از باطل است ؛

پایداری در امور که ضد آن ، تجاوز است ؛

پاکیزگی که ضد آن ، پلیدی است ؛

حیا که ضد آن ، بی حیایی است ؛

میانه روی که ضد آن ، تجاوز از حد است ؛

آسودگی که ضد آن ، خود را به رنج انداختن است ؛

آسان گیری که ضد آن ، سختگیری است ؛

برکت داشتن که ضد آن ، بی برکتی است ؛

عافیت [ از رفتار ناشایست ] که ضد آن ، مبتلا شدن [ به رفتار ناشایست ] است ؛

اعتدال که ضد آن ، افزون طلبی است ؛

حکمت که ضد آن ، پیروی از هوس است ؛

سنگینی (متانت) که ضد آن ، سبکی است ؛

خوش بختی که ضد آن ، نگون بختی است ؛

توبه که ضد آن ، پافشاری بر گناه است ؛

آمزش خواستن که ضد آن ، طمع بیهوده بستن است ؛

مراقبت که ضد آن ، سهل انگاری است ؛

دعا که ضد آن ، خودداری از دعاست ؛

شادابی که ضد آن ، کسالت است ؛

شادی که ضد آن ، اندوه است ؛

انس گرفتن که ضد آن ، جدایی است ؛

وسخاوت که ضد آن ، بخل است .

همه این سپاهیان خرد ، جز در پیامبر ، یا جانشین وی و یا مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده است ، جمع نخواهد شد ؛ اما در دیگر دوستداران ما، برخی از سپاهیان خرد جای دارند، تا آن که به کمال رسیده ، از سپاهیان نادانی ، پاک گردند . در این هنگام، رتبه ای عالی همراه با پیامبران و جانشینانشان خواهند یافت . دستیابی به این مقام بلند ، به کمک شناخت خرد و سپاهیانش ، و دوری از جهل و سربازانش حاصل خواهد شد . خداوند ، ما و شما را برای پیروی از خویش و خشنودی اش، موفق بدارد !» .

---

1- امام خمینی رحمه الله ، کتابی با عنوان شرح حدیث جنود عقل و جهل نگاشته که از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله به چاپ رسیده است .

2- ملا صالح مازندرانی در شرح این حدیث نوشته است : «خداوند ، خرد را فرمان داد تا از عالم ملکوت و نورانی به دنیای تاریکی ها و شرور فرود آید و به خواستنی هایی که سازگار با اوست ، توجه کند و در لذت های مطابق میلش ، درنگ نماید . سپس خرد ، از آن رو که مصلحتش در آن بود ، فرود آمد . آن مصلحت ، عبارت است از : آزمودن بندگان ، سامان بخشی به شهرها و آبادانی زمین .

























5 / 2 آثار العقلاء \_ العلم والحكمة الكتاب «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» .  
(1)

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» . (2)

راجع: آل عمران: 7، الرعد: 19، إبراهيم: 52، ص: 29 و 43، الزمر: 9 و 21، غافر: 54.

الحديث 9072. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تفسیر العیاشی عن سلیمان بن خالد: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فَقَالَ: إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةُ وَالثَّقُفَةُ فِي الدِّينِ، فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ. (3) 9073. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الكاظم عليه السلام\_ في وصيته لهشام بن الحكم -: يا هشام، إن الله تعالى يقول في كتابه: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ» يعني: عقلٌ: وقال: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ». (4) قال: الفهم والعقل ...

يا هشام، ما بعث الله أنبياءه ورسله إلى عباده إلا ليَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ 5، فَأَحْسَنُهُمْ

استجابة أحسنهم معرفة، وأعلمهم بأمر الله أحسنهم عقلاً، وأكملهم عقلاً أرفعهم درجة في الدنيا والآخرة...

يا هشام، كيف يزكو (5) عند الله عملك، وأنت قد شغلت قلبك عن أمر ربك وأطعت هواك على غلبة عقلك؟! ...

يا هشام، نُصِبَ الْحَقُّ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ، وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ، وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ، وَالْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَالتَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَدُّ، وَلَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِيٍّ، وَمَعْرِفَةَ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ ...

إِنَّهُ لَمْ يَخْفِ اللَّهُ مَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ، وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَى مَعْرِفَةٍ ثَابِتَةٍ يُصِدرُهَا وَيَجِدُ حَقِيقَتَهَا فِي قَلْبِهِ، وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ كَذَلِكَ إِلَّا مَنْ كَانَ قَوْلُهُ لِفِعْلِهِ مُصَدِّقًا، وَسِرُّهُ لِعَلَانِيَتِهِ مُوَافِقًا، لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ اسْمُهُ لَمْ يَدُلَّ عَلَى الْبَاطِنِ الْخَفِيِّ مِنَ الْعَقْلِ إِلَّا بِظَاهِرٍ مِنْهُ، وَنَاطِقٍ عَنْهُ. (6).

1- البقرة: 269.

2- بق: 37.

3- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 151 ح 498، بحار الأنوار: ج 1 ص 215 ح 25.

4- لقمان: 37.

5- الزكاة تكون بمعنى النمو وبمعنى الطهارة، وهنا يحتملها (هامش المصدر).

6- الكافي: ج 1 ص 16 ح 12، تحف العقول: ص 388، بحار الأنوار: ج 1 ص 139 ح 30.

## الف \_ دانش و حکمت

5 / 2 آثار خردالف \_ دانش و حکمتقرآن« [خدا] به هر کس که بخواهد، حکمت می بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است، و جز خردمندان، کسی پند نمی گیرد» .

«قطعا در این [عقوبت ها] برای هر صاحب دل و حق نیوشی که خود به گواهی می ایستد، عبرتی است» .

ر . ك : آل عمران : آیه 7 ، رعد : آیه 19 ، ابراهیم : آیه 52 ، ص : آیه 29 و 43 ، زمر : آیه 9 و 21 ، غافر : آیه 54 .

حدیث 9077. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تفسیر العیاشی \_ به نقل از سلیمان بن خالد \_ : از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «و به هر کس حکمت داده شود، خیری فراوان داده شده است»، سؤال کردم.

فرمود: «حکمت، همان شناخت و فقیه شدن در دین است . هر کس از شما که فقیه گردد، او حکیم است». 9078. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام \_ در سفارش به هشام بن حکم \_ : ای هشام! خداوند متعال در کتابش فرموده است: «قطعا در این [عقوبت ها] برای هر صاحب دل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است»؛ یعنی [برای کسی که] خرد [دارد] .

و فرموده است: «و به راستی، لقمان را حکمت دادیم»، [یعنی] فهم و خرد [دادیم].

ای هشام! خداوند، پیامبران و رسولانش را مبعوث نکرد، مگر بدان جهت که از خداوند خرد دریافت (1) کنند [و از بصیرت الهی برخوردار گردند]. بهترین کسانی که دعوت پیامبران را پاسخ گفتند، آنانی هستند که از شناخت نیکو برخوردارند؛ و کسانی دانایان به دستورات و شئون الهی اند که از خردی نیکوتر بهره مندند؛ و آنانی که از خردی کامل تر برخوردار باشند، به جایگاهی برجسته تر در دنیا و آخرت دست خواهند یافت .

ای هشام! چگونه کارهایت در نزد خداوند، پاکیزه باشد و رشد کند، با آن که دلت از امر الهی، دوری جسته و با پیروی از هوس ها او را بر خردت پیروز کرده ای... .

ای هشام! [پرچم] حق برای پیروی از خداوند، بر افراشته شده است و رستگاری، تنها در گرو پیروی است، و پیروی، جز با دانش، حاصل نمی گردد. دانش با آموختن، به دست می آید، و آموختن، به خرد، گره می خورد. دانش را باید از عالم ربّانی آموخت و شناخت دانش، با خرد است... .

کسی که از خداوند خرد دریافت نکند [و از بصیرت الهی برخوردار نباشد]، از او نخواهد ترسید؛ و آن که از خداوند، شناختی به دست نیاورد، دلش در گرو شناختی استوار که حقیقت آن را بیابد، نخواهد شد و از چنین شناختی بهره مند نخواهد گشت، مگر آن که سخنش کارش را تصدیق کند [یعنی خود، خوبی ها را انجام دهد و بدان امر کند و از زشتی ها دوری گزیند و از آن نهی نماید] و درونش با

آشكارش موافق باشد؛ چرا كه خداوند مبارك نام، ظاهر را نشانه باطن پنهان و سخنگوى آن قرار داد .

---

1- ر. ك : ص 426 پ 1 .

9079. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام - أيضاً - : يا هشامُ، إِنَّ الْعَقْلَ مَعَ الْعِلْمِ، فَقَالَ: «وَتِلْكَ الْأُمَّتُ لَنْ نُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَمَلُ لِمُونَ».(1) 9080. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: الْعَقْلُ وَالْعِلْمُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ لَا يَفْتَرِقَانِ وَلَا يَتْبَايَنَانِ.(2) 9079. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَالنَّفْسَ مِثْلُ أُخْبَثِ الدَّوَابِّ، فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَارَتْ، فَالْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ.(3).

- 
- 1- الكافي: ج 1 ص 14 ح 12 عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص 384، بحار الأنوار: ج 1 ص 134 ح 30.
  - 2- غرر الحكم: ح 1783، عيون الحكم والمواعظ: ص 53 ح 1383.
  - 3- تحف العقول: ص 15، بحار الأنوار: ج 1 ص 117 ح 11.

9080. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام\_ در سفارش به هشام بن حکم\_: ای هشام! به درستی که خرد، همراه دانش است. خداوند فرمود: «این مثال‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشوران، آن را در نمی‌یابند». 9081. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد و دانش، همپای یکدیگرند و به يك رَسَن بسته اند؛ از هم جدا نمی‌شوند و با هم ستیز نمی‌کنند. 9082. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرد، بازدارنده از نادانی است و نَفْس، به سانِ پلیدترین چارپاست که اگر مهار نگردهد، سرگردان می‌شود. پس خرد، مهار نادانی است. .

9083. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ عَقَلَ فَهَمَ. (1) 9084. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَقْلُ أَصْلُ الْعِلْمِ وَدَاعِيَةُ الْفَهْمِ. (2) 9085. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: بِالْعُقُولِ تُنَالُ ذُرُوءُ الْعُلُومِ. (3) 9086. رسول الله صلى الله عليه وآله وآله ( \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ ) عنه عليه السلام: الْعَقْلُ مَرْكَبُ الْعِلْمِ ، الْعِلْمُ مَرْكَبُ الْحِلْمِ. (4) 9081. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعِلْمُ عُنْوَانُ الْعَقْلِ. (5) 9082. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعِلْمُ يَدُلُّ عَلَى الْعَقْلِ ، فَمَنْ عِلِمَ عَقَلَ. (6) 9083. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: بِالْعَقْلِ اسْتُخْرِجَ غَوْرُ الْحِكْمَةِ ، وَبِالْحِكْمَةِ اسْتُخْرِجَ غَوْرُ الْعَقْلِ. (7) 9084. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْحِكْمَةُ رَوْضَةُ الْعُقَلَاءِ وَنُزْهَةُ الثُّبَلَاءِ. (8) 9085. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَ عَقْلَهُ كَانَ حَكِيمًا. (9) 9086. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ فِي سَفَارَشِ بِهِ إِمَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ ، وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ ، وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ ، وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ ، فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ التَّوَرِّ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَاكِرًا فَطِنًا فَهَمًّا ، فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَلِمَ وَحَيْثُ ، وَعَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَمَنْ غَشَّاهُ ، فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَمَوْصُولَهُ وَمَفْصُولَهُ ، وَأَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَالْإِقْرَارَ بِالطَّاعَةِ ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرِكًا لِمَا فَاتَ ، وَوَارِدًا عَلَى مَا هُوَ آتٍ ، يَعْرِفُ مَا هُوَ فِيهِ وَلِأَيِّ شَيْءٍ هُوَ هَاهُنَا ، وَمِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ ، وَإِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ ، وَذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ. (10) .

- 1- غرر الحكم : ح 7644 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 423 ح 7119 .
- 2- غرر الحكم : ح 1959 وح 473 وفيه «العقل داعي الفهم» ، عيون الحكم والمواعظ : ص 41 ح 955 نحوه وليس فيه «أصل العلم» .
- 3- غرر الحكم : ح 4275 .
- 4- غرر الحكم : ح 816 و 817 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 30 ح 478 و 479 .
- 5- غرر الحكم : ح 828 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 205 .
- 6- غرر الحكم : ح 1735 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1357 .
- 7- الكافي : ج 1 ص 28 ح 34 عن الإمام الصادق عليه السلام ، غرر الحكم : ح 4208 وفيه صدر الحديث .
- 8- غرر الحكم : ح 1715 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1345 .
- 9- غرر الحكم : ح 8282 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 447 ح 7880 .
- 10- الكافي : ج 1 ص 25 ح 23 ، علل الشرائع : ص 103 ح 2 عن الحسن بن محبوب عن بعض أصحابه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 90 ح 17 .



9087. رسول الله صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : آن که خردمند شود ، آگاه می گردد . 9088. عنه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : خرد ، پایه دانش و دعوت کننده به فهم است . 9089. عنه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : با خرد ها ، قله دانش ها به دست آیند . 9090. عنه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : خرد ، راهوار دانش ، و دانش ، راهوار بردباری است . 9091. رسول الله صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : دانش ، نشانه خرد است . 9087. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : دانش بر خرد دلالت دارد . پس هر آن که دانست ، خردمند است . 9088. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : با خرد ، کُنه حکمت به دست می آید و با حکمت ، کُنه خرد . 9089. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : حکمت ، بُستان خردمندان و تفریحگاه فاضلان است . 9090. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : آن که مالک خرد خویش شود ، حکیم است . 9091. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام صادق عليه السلام : خرد ، پشتیبان آدمی است و از خرد ، زیرکی ، فهم ، حفظ و دانش ، سرچشمه می گیرد . با خرد ، آدمی به کمال می رسد و خرد ، راهنمای انسان ، بینا کننده و گشاینده کارهای اوست .

اگر خرد با روشنی تقویت شود ، آدمی ، دانشمند ، حافظ ، اهل ذکر ، زیرک و فهیم خواهد بود و پاسخ چگونه ، چرا و کجا را خواهد دانست و خیر خواهان را از دغلكاران ، باز خواهد شناخت .

اگر اینها را دانست ، مسیر حرکت را می شناسد و می داند که با چه کسانی ارتباط برقرار کند و با چه کسانی قطع رابطه نماید و به توحید خالص می رسد

و به طاعت [ از خداوند ] اقرار می کند .

اگر چنین شد ، از دست رفته ها را جبران می کند ، در آینده به کارهای شایسته رو می آورد ، موقعیت خویش را درک می نماید و می داند که چرا در دنیا زندگی می کند و از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت و این همه ، در پرتو خرد است . .

9092. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام في بيان جنود العقل والجهل -: الحكمة وضدّها الهوى. (1) راجع: ص 244 (العلم يحتاج إليه) و 304 (العلم)، ج 2 ص 44 (عداوة العلم والعالم).

ب \_ معرفة الله 9095. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: فسّم الله العقل ثلاثة أجزاء، فمن كنّ فيه كمل عقله، ومن لم يكن فلا عقل له: حسن المعرفة بالله، وحسن الطاعة لله، وحسن الصبر على أمر الله. (2) 9096. عنه صلى الله عليه وآله: تحف العقول: قدّم المدينة رجل نصراني من أهل نجران، وكان فيه بيان وله وقارٌ وهيبةٌ، فقيل: يا رسول الله، ما أعقل هذا النصراني؟! فزجر القائل وقال: مه! إن العاقل من وحدّ الله وعمل بطاعته. (3) 9092. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: يصنع الله يستدلّ عليه، وبالعقول تعتقد معرفته، وبالفكرة تثبت حجته. (4).

1- الكافي: ج 1 ص 22 ح 14، الخصال: ص 591 ح 13 كلاهما عن سماعة بن مهران، تحف العقول: ص 402 عن الإمام الكاظم عليه السلام.

2- تحف العقول: ص 54، الخصال: ص 102 ح 58، تيسير المطالب: ص 148، بحار الأنوار: ج 1 ص 106 ح 1.

3- تحف العقول: ص 54، بحار الأنوار: ج 77 ص 158 ح 146.

4- تحف العقول: ص 62، الأمالي للمفيد: ص 254 عن محمد بن زيد الطبري، التوحيد: ص 35 ح 2 عن محمد بن يحيى بن عمر بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام، الاحتجاج: ج 2 ص 360 ح 283 والثلاثة الأخيرة عن الإمام الرضا عليه السلام وفيها «بالفطرة» بدل «بالفكرة»، بحار الأنوار: ج 3 ص 55 ح 28 نقلاً عن جامع الأخبار.

**ب\_ شناخت خدا**

9093. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام\_ در توصیف سپاهیان خرد و نادانی: [ یکی از سربازان خرد ]، حکمت است و ضد آن، میل نفسانی است. ر. ک: ص 245 (نیاز دانش به خرد) و 305 (دانش) و ج 2 ص 45 (دشمنی با دانش و دانشمند).

ب\_ شناخت خدا 9096. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، خرد را بر سه پاره قسمت کرد. هر که این سه پاره را دارا باشد، خردش کامل است و هر که از آنها بی بهره باشد، از خرد، بی بهره است: شناخت نیکو از خداوند، نیک فرمان برداری از خداوند، و پایداری شایسته [در پیروی] از دستوره‌های خداوند. 9097. رسول الله صلی الله علیه و آله: تحف العقول: مردی مسیحی از اهل نجران، وارد مدینه شد. وی مردی سخنور و با وقار و هیبت بود.

گفته شد: ای پیامبر خدا! چه قدر این مسیحی خردمند است!

پیامبر خدا، گوینده را از سخن باز داشت و فرمود: «ساکت! خردمند، کسی است که خدا را به یگانگی باور کند و به پیروی از او پایبند باشد». 9098. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با مخلوقات خداوند، بر خداوند استدلال می شود، و با خرد، شناخت خداوند، پایدار می گردد و با اندیشه، حجت های او به اثبات می رسد.

9099. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ ... الَّذِي بَطَّنَ مِنْ خَفِيَّاتِ الْأُمُورِ ، وَظَهَرَ فِي الْعُقُولِ بِمَا يُرَى فِي خَلْقِهِ مِنْ عِلْمَاتِ التَّدْبِيرِ ، الَّذِي سَدَّ بِلَتِ الْأَنْبِيَاءِ عَنْهُ فَلَمْ تَصِدْ فِيهِ بِحَدٍّ وَلَا بِنِعْضٍ ، بَلْ وَصَدَّ فَمَتَهُ بِفِعَالِهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ بَيِّنَاتِهِ ، لَا تَسْتَطِيعُ عُقُولُ الْمُتَفَكِّرِينَ جَحْدَهُ ؛ لِأَنَّ مَنْ كَانَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ فِطْرَتَهُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ الصَّانِعُ لَهُنَّ ، فَلَا مَدْفَعٌ لِقُدْرَتِهِ . (1) 9100. كنز العمال عن ابن عباس: الكافي عن الحسن بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ الْأُمُورِ وَمَبْدَأُهَا وَقُوَّتُهَا وَعِمَارَتُهَا - الَّتِي لَا يَنْتَفِعُ شَيْءٌ إِلَّا بِهِ - الْعَقْلُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ زِينَةً لِخَلْقِهِ وَنُورًا لَهُمْ ، فَبِالْعَقْلِ عَرَفَ الْعِبَادُ خَالِقَهُمْ وَأَنْتَهُمْ مَخْلُوقُونَ ، وَأَنَّهُ الْمُدَبِّرُ لَهُمْ وَأَنْتَهُمُ الْمُدَبَّرُونَ ، وَأَنَّهُ الْبَاقِي وَهُمْ الْفَانُونَ ، وَاسْتَدَلُّوا بِعُقُولِهِمْ عَلَى مَا زَاوَا مِنْ خَلْقِهِ ؛ مِنْ سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ ، وَشَمْسِهِ وَقَمَرِهِ ، وَلَيْلِهِ وَنَهَارِهِ ، وَبَانَ لَهُ وَلَهُمْ خَالِقًا وَمُدَبِّرًا لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزُولُ ، وَعَرَفُوا بِهِ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ ، وَأَنَّ الظُّلْمَةَ فِي الْجَهْلِ ، وَأَنَّ التَّوَرَّ فِي الْعِلْمِ ، فَهَذَا مَا دَلَّهُمْ عَلَيْهِ الْعَقْلُ .

قِيلَ لَهُ : فَهَلْ يَكْتَفِي الْعِبَادُ بِالْعَقْلِ دُونَ غَيْرِهِ؟

قَالَ : إِنَّ الْعَاقِلَ لِدَلَالَةِ عَقْلِهِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قِوَامَهُ وَزِينَتَهُ وَهِدَايَتَهُ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ ، وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّهُ ، وَعَلِمَ أَنَّ لِخَالِقِهِ مَحَبَّةً ، وَأَنَّ لَهُ كَرَاهِيَةً ، وَأَنَّ لَهُ طَاعَةً ، وَأَنَّ لَهُ مَعْصِيَةً ، فَلَمْ يَجِدْ عَقْلَهُ يَدُلُّهُ عَلَى ذَلِكَ ، وَعَلِمَ أَنَّهُ لَا يُوَصَّلُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعِلْمِ وَطَلَبِهِ ، وَأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِنْ لَمْ يُصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ ، فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ الَّذِي لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِهِ . (2) .

1- .الكافي: ج 1 ص 141 ح 7 ، التوحيد: ص 31 ح 1 وفيه «بتقص» بدل «ببعض» و «بأفعاله» بدل «بفعاله» وكلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار: ج 4 ص 265 ح 14 .

2- .الكافي: ج 1 ص 29 ح 34 .

9101. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : ستایش ، خدای را سزاست . . . که از امور نهانی ، پنهان است و بر اثر نشانه های تدبیر \_ که در آفریدگان او عیان شده \_ نزد خردها آشکار است ؛ آن خدایی که درباره اش از پیغمبرانش پرسیدند و آنان او را به حد و جزء داشتن نستودند؛ بلکه وی را به افعالش ستودند و به آیاتش بدو راهنمایی نمودند . خرد اندیشمندان، او را انکار نمی کند ؛ زیرا کسی که آسمان و زمین و آنچه در میان آنهاست، آفریده اوست و او سازنده همه آنهاست، قدرتش را بازدارنده ای نیست. 9097. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الکافی \_ به نقل از حسن بن عمّار \_ : از امام صادق علیه السلام فرمود : «آغاز و شروع هر کار و نیرو و آبادانی آن \_ که بدون آبادانی ، بهره ای حاصل نمی گردد \_ خردی است که خدا آن را زیور خَلق خود و روشنی بخش آنان قرار داد.

به وسیله خرد ، بندگان ، آفریننده خود را می شناسند و می دانند که خود ، مخلوق اند و او مدبّر آنهاست و آنها در زیر تدبیر اویند و او پاینده است و آنها [ یند که ] راه فنا می روند .

[ بندگان ، ] در پرتو خردشان ، هر آفریده ای را (از آسمان و زمین ، خورشید و ماه ، و شب و روز) که می بینند دلیل می گیرند که برای آفریدگان ، آفریننده و سرپرستی است که همیشه بوده و خواهد بود ، و به وسیله خرد ، زیبارا از زشت ، باز می شناسند و می دانند که تاریکی ، در نادانی است و روشنی ، در دانش . این است آنچه خرد ، بدان راهنمایی کرده است» .

گفته شد : آیا بندگان ، می توانند به همان خرد اکتفا کنند ؟

فرمود : «خردمند ، به دلیل خردی که خداوند ، آن را پایه زندگی و زیور و [ وسیله ] رهیابی وی ساخته، می داند که خدا حق است و اوست پرورنده وی ، و می داند که آفریدگار وی را خوشامد و بدآمدی است و طاعتی دارد و معصیتی \_ که تنها خردش نمی تواند آنها را در یابد \_ و می داند که جز با دانش و طلب آن [ از طریق پیامبران ، ] بدان نمی رسد و اگر با دانش خود ، بدان دست نیابد ، از خرد خود ، بهره نمی برد . پس بر خردمند است که طلب دانش کند و ادب بیاموزد که بی آن ، نمی تواند پایدار بماند» . .

9098. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الكاظم عليه السلام - في وصيته لهشام - : يا هشام، إنَّ ضَوْءَ الْجَسَدِ فِي عَيْنِهِ، فَإِنْ كَانَ الْبَصَرُ مُضِيئًا اسْتَضَاءَ الْجَسَدُ كُلُّهُ. وَإِنَّ ضَوْءَ الرُّوحِ الْعَقْلُ، فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ عَاقِلًا كَانَ عَالِمًا بِرَبِّهِ، وَإِذَا كَانَ عَالِمًا بِرَبِّهِ أَبْصَرَ دِينَهُ. وَإِنْ كَانَ جَاهِلًا - بِرَبِّهِ لَمْ يُقَمَّ لَهُ دِينٌ. وَكَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ إِلَّا بِالنَّبِيِّ الصَّادِقَةِ، وَلَا تُثَبَّتُ النَّبِيُّ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ. (1) 9099. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الرضا عليه السلام: بِالْعُقُولِ يُعْتَقَدُ التَّصَدِيقُ بِاللَّهِ. (2) ج - الدِّينَ 9101. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رسول الله صلی الله علیه و آله: لا دینَ لِمَن لا عَقْلَ لَهُ. (3) 9102. رسول الله صلی الله علیه و آله ( - إِنَّهُ كَانَ إِذَا غَزَا قَالَ - ) الإمام علي عليه السلام: هَبَطَ جَبْرَيْلُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا آدَمُ، إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُحْيِيكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ، فَأَخْتَرْتُهَا وَدَعَيْتُهُنَّ.

فَقَالَ لَهُ آدَمُ: يَا جَبْرَيْلُ، وَمَا الثَّلَاثُ؟

فَقَالَ: الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالذِّينُ.

فَقَالَ آدَمُ: إِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ.

فَقَالَ جَبْرَيْلُ لِلْحَيَاءِ وَالذِّينِ: انصَرِفَا وَدَعَاةَ.

فَقَالَا: يَا جَبْرَيْلُ، إِنَّا أَمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ.

قَالَ: فَشَأْنُكُمْ، وَعَرَجَ. (4).

1- تحف العقول: ص 396، بحار الأنوار: ج 1 ص 153 ح 30.

2- التوحيد: ص 40 ح 2 عن محمد بن يحيى، الاحتجاج: ج 2 ص 364، بحار الأنوار: ج 4 ص 230 ح 3.

3- تحف العقول: ص 54، روضة الواعظين: ص 9، غرر الحكم: ح 10768 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 94 ح 19؛ شعب الإيمان: ج 4 ص 157 ح 4644 عن جابر، كنز العمال: ج 3 ص 379 ح 7034.

4- الكافي: ج 1 ص 10 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 416 ح 5906، الخصال: ص 102 ح 59، الأمالي للصدوق: ص 770 ح 1043 كلها عن الأصبع بن نباتة، روضة الواعظين: ص 7، كنز الفوائد: ج 1 ص 56 وراجع: الاختصاص: ص 245 و بحار الأنوار: ج 1 ص 86 ح 8.

## ج - دین

9103. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام: ای هشام! روشنایی بدن، در چشم است، که اگر چشم نورانی باشد، بدن روشنایی خواهد داشت؛ و روشنی روح، به خرد است، که اگر بنده ای خردمند باشد، به پروردگار، آگاه خواهد بود، و آن که به پروردگار، آگاه باشد، در دینش بینا می شود، و هر کس به خداوند، ناآگاه باشد، دینش استوار نخواهد بود.

همان گونه که قوام بدن، به جان زنده است، قوام دین نیز به تیت های پاک است و تیت پاک هم، جز با خرد، حاصل نمی گردد. 9102. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا هنگام جنگ) امام رضا علیه السلام: به وسیله خرد، خدا باوری، حاصل می شود. ج \_ دین 9104. رسول الله صلی الله علیه و آله (لَمَّا أَمَرَ بِالشُّعَارِ قَبْلَ الحَرْبِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که خرد ندارد، دین ندارد. 9105. عنه صلی الله علیه و آله (لِسَرِيَّةٍ بَعَثَهَا) امام علی علیه السلام: جبرئیل بر آدم علیه السلام فرود آمد و گفت: ای آدم! من مأمور شده ام که تو را میان سه چیز، مخیر سازم. یکی را برگزین و دو تا را رها کن.

آدم گفت: «ای جبرئیل! آن سه چیست؟».

گفت: خرد، آزر و دین.

آدم گفت: «خرد را برگزیدم».

آن گاه جبرئیل، به آزر و دین، رو کرد و گفت:

بروید و او را رها کنید.

آن دو گفتند: ای جبرئیل! ما مأموریم که همیشه با خرد همراه باشیم.

گفت: خود می دانید، و بالا رفت.

9106. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: ما آمن المؤمن حتى عقل. (1) 9104. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ هنگامی که به شعار دادن پیش از آغاز جنگ، فرمان د ) عنه عليه السلام: الدين والأدب نتيجة العقل. (2) 9105. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ خطاب به سپاهی که آن را اعزام کرد \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: من كان عقلاً كان له دين، ومن كان له دين دخل الجنة. (3) 9106. امام علی علیه السلام: إرشاد القلوب: في توراة موسى عليه السلام: لا عقل كالدين. (4) راجع: ص 282 (التحذير من ترك التعقل).

د \_ کمال الدین 9109. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما تم دين إنسان قط حتى يتم عقله. (5) 9110. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لا يعجبك إسلام امرئ حتى تنظر ما معقول عقله. (6) 9107. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لا يعجبكم إسلام رجل حتى تعلموا كنه عقله. (7) 9108. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: ثلاث من كن فيه كمل إيمانه: العقل، والجلم، والعلم. (8) 9109. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: على قدر العقل يكون الدين، على قدر الدين تكون قوة اليقين. (9) 9110. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الكاظم عليه السلام: كما لا يقوم الجسد إلا بالنفس الحية فكذلك لا يقوم الدين إلا بالنية الصادقة، ولا تثبت النية الصادقة إلا بالعقل. (10).

- 1- غرر الحكم: ح 9553.
- 2- غرر الحكم: ح 1693، عيون الحكم والمواعظ: ص 26 ح 303 وزاد فيه «والعدل» بعد «والأدب».
- 3- الكافي: ج 1 ص 11 ح 6، ثواب الأعمال: ص 29 ح 2 كلاهما عن إسحاق بن عمّار، بحار الأنوار: ج 1 ص 91 ح 20.
- 4- إرشاد القلوب: ص 74.
- 5- تيسير المطالب: ص 164؛ شعب الإيمان: ج 6 ص 255 ح 8061 عن أنس وفيه «المسلم» بدل «إنسان»، كنز العمال: ج 15 ص 916 ح 43581.
- 6- جامع الأحاديث للقمي: ص 136.
- 7- مسند الشهاب: ج 2 ص 88 ح 942، كنز العمال: ج 3 ص 384 ح 7060.
- 8- غرر الحكم: ح 4658، عيون الحكم والمواعظ: ص 211 ح 4218.
- 9- غرر الحكم: ح 6183 و 6184، عيون الحكم والمواعظ: ص 327 ح 5612 و 5616.
- 10- تحف العقول: ص 396 عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج 1 ص 153 ح 30.



**د \_ کمال دین**

9111. الإمامُ عليُّ عليه السلام: امام علی علیه السلام: مؤمن، ایمان نمی آورد، تا خردمند گردد. 9112. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دینداری و ادب، نتیجه خردورزی است. 9113. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: هر که خردمند باشد، دیندار است و آن که دیندار باشد، وارد بهشت می شود. 9114. عنه صلی الله علیه و آله: إرشاد القلوب: در تورات موسی علیه السلام، چنین نقل شده است که: هیچ خردی، مانند دینداری نیست. ر. ک: ص 283 (زنهار از کنار نهادن خردورزی).

د \_ کمال دین 9112. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دینداری آدمی، به کمال نمی رسد، مگر آن که خردش کامل شود. 9113. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیفته مسلمانان کسی مشو، تا آن که بینی خردورزی او چگونه است. 9114. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیفته مسلمانان کسی نشوید، مگر آن که میزان خردش را بدانید. 9115. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هر که سه خصلت در او باشد، ایمانش کامل است: خرد، بردباری و دانش. 9116. عنه صلی الله علیه و آله ( \_ لَمَّا سئلَ عنَ عَدَمِ افْتِتَانِ الشَّهِيدِ فِي القَبِّ ) امام علی علیه السلام: دینداری، به اندازه خرد است و یقین، به اندازه دینداری. 9117. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: همان گونه که قوام تن، به جان زنده است، قوام دینداری، به نیت پاک است و نیت پاک، جز با خرد، حاصل نمی شود.

هـ \_ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ 9119. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله \_ لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْعَقْلِ مَا هُوَ؟ وَكَيْفَ هُوَ؟ وما يَتَشَعَّبُ مِنْهُ وما لا يَتَشَعَّبُ؟ وَصِفَ لِي طَوَائِفُهُ كُلُّهَا \_: إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَالنَّفْسُ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ، فَإِنْ لَمْ تُعْقَلِ حَارَتْ، فَالْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ، وَقَالَ لَهُ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَعْظَمَ مِنْكَ وَلَا أَطْوَعَ مِنْكَ، بِكَ أَبَدِيٌّ وَبِكَ أُعِيدُ، لَكَ الثَّوَابُ وَعَلَيْكَ الْعِقَابُ. فَتَشَدَّ عَبَّ مِنَ الْعَقْلِ الْجِلْمُ، وَمِنَ الْجِلْمِ الْعِلْمُ، وَمِنَ الْعِلْمِ الرَّشْدُ، وَمِنَ الرَّشْدِ الْعَفَافُ، وَمِنَ الْعَفَافِ الصِّيَانَةُ، وَمِنَ الصِّيَانَةِ الْحَيَاءُ، وَمِنَ الْحَيَاءِ الرَّزَانَةُ، وَمِنَ الرَّزَانَةِ الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْخَيْرِ، وَمِنَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَى الْخَيْرِ كَرَاهِيَةُ الشَّرِّ، وَمِنَ كَرَاهِيَةِ الشَّرِّ طَاعَةُ النَّاصِحِ. (1) 9120. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ لجابر بن عبد الله الأنصاري بعد شهادة ) عنه صلى الله عليه وآله: التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ. (2) 9116. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در پاسخ به سؤالی درباره گرفتار نبودن شهید در قب ) عنه صلى الله عليه وآله: حُسْنُ الْأَدَبِ دَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ. (3) 9117. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَسَادُ الْأَخْلَاقِ مُعَاشَرَةُ السُّفَهَاءِ، وَصَلَاحُ الْأَخْلَاقِ مُعَاشَرَةُ الْعُقَلَاءِ. (4) 9118. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةٍ أَصْلُهَا الْعَقْلُ. (5).

1- تحف العقول: ص 15، بحار الأنوار: ج 1 ص 117 ح 11.

2- الكافي: ج 2 ص 643 ح 4 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 416 ح 5904 عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة 142، تحف العقول: ص 443 عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 168 ح 35؛ حلية الأولياء: ج 3 ص 195 عن الأصمعي عن الإمام الصادق عليه السلام، الفردوس: ج 2 ص 75 ح 2421 عن الإمام علي عليه السلام، مسند الشهاب: ج 1 ص 55 ح 33 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 3 ص 49 ح 5435.

3- إرشاد القلوب: ص 199.

4- كنز الفوائد: ج 1 ص 199، كشف الغمّة: ج 3 ص 139 وفيه «بمعاشرة السفهاء... بمنافسة العقلاء»، بحار الأنوار: ج 1 ص 160 ح 45.

5- غرر الحكم: ح 2004، عيون الحكم والمواعظ: ص 60 ح 1527.

## هـ \_ مکارم اخلاق

هـ \_ مکارم اخلاق 9120. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به جابر بن عبد الله انصاری ، پس از شهادت پدرش ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ کسی که پرسید : خرد چیست و چگونه است ؟ چه چیزهایی از خرد ، پیدا می شود ؟ و انواع خرد ، کدام است ؟ \_ : خرد ، بازدارنده از نادانی است . نفس ، به سانِ پلیدترین چارپایان است و اگر مهار نشود ، حیران می گردد . پس خرد ، بازدارنده از نادانی است .

همانا خداوند ، خرد را بیافرید و بدو فرمود : «روی آور» . پس روی آورد ، و بدو گفت : «باز گرد» . پس باز گشت . آن گاه خداوند به عزّت و جلال خویش ، سوگند یاد کرد که : «آفریده ای بزرگ تر از تو و فرمانبرتر از تو نیافریدم . [ نعمت های خود را ] با تو آغاز می کنم و با تو باز می گردانم . پاداش و کیفر ، از آنِ توست» .

از خرد ، بردباری سرچشمه می گیرد و از بردباری دانش ، و از دانش ، رُشد ، و از رشد ، پاك دامنی ، و از پاك دامنی ، امنیّت ، و از امنیّت ، آزرَم ، و از آزرَم ، متانت (سنگینی) ، و از متانت ، مداومت بر خوبی ها ، و از مداومت بر خوبی ها پرهیز از بدی ، و از پرهیز از بدی ، پیروی از خیر خواهان . 9121. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مهربانی با مردم ، نیمی از خردمندی است . 9122. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ادب نیکو ، نشانه سلامت خرد است . 9123. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : همنشینی با ابلهان ، اخلاق را فاسد می کند و همنشینی با خردمندان ، به نیکو شدن اخلاق می انجامد . 9124. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : ادب در آدمی ، درختی است که ریشه آن ، خرد است .

9125. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: إِنَّ الْأَدَبَ حُجَّةُ الْعَقْلِ ، وَالْعِلْمَ حُجَّةُ الْقَلْبِ. (1) 9121. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ. (2) 9122. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: حَدُّ الْعَقْلِ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ ، وَالرِّضَا بِمَا يَجْرِي بِهِ الْقَضَاءُ. (3) 9123. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: لِلْحَازِمِ مِنْ عَقْلِهِ عَن كُلِّ دَيْتَةٍ زَاجِرٌ. (4) 9124. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: مَا ذَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِكْرَ. (5) 9125. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: بِالْعَقْلِ كَمَالُ النَّفْسِ. (6) 9126. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: الْخُلُقُ الْمَحْمُودُ مِنْ ثِمَارِ الْعَقْلِ. (7) 9127. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: مَا جَمَلَ الْفَضَائِلَ كَاللُّبِّ. (8) 9128. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: الْعَقْلُ شَجَرَةٌ ثَمَرُهَا السَّخَاءُ وَالْحَيَاءُ. (9) 9129. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَقَلَ. (10) 9130. عنه صلى الله عليه وآله :عنه عليه السلام: الْعَقْلُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّقَى ، وَفَرْعُهَا الْحَيَاءُ ، وَثَمَرُهَا الْوَرَعُ . فَالْتَّقَى تَدْعُو إِلَى خِصَالِ ثَلَاثٍ : إِلَى الْفِقْهِ فِي الدِّينِ ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ، وَالْإِنْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى . وَالْحَيَاءُ يَدْعُو إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ : إِلَى الْيَقِينِ ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ ، وَالْتَوَاضُعِ . وَالْوَرَعُ يَدْعُو إِلَى خِصَالِ ثَلَاثٍ : إِلَى صِدْقِ اللِّسَانِ ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى الْبِرِّ ، وَتَرْكِ الشُّبُهَاتِ. (11) .

- 1- .أعلام الدين : ص 96 .
- 2- .غرر الحكم : ح 2947 .
- 3- .غرر الحكم : ح 4901 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4447 .
- 4- .غرر الحكم : ح 7350 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 403 ح 6808 .
- 5- .غرر الحكم : ح 9458 .
- 6- .غرر الحكم : ح 4318 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 189 ح 3904 .
- 7- .غرر الحكم : ح 1280 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1176 .
- 8- .غرر الحكم : ح 9473 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8828 .
- 9- .غرر الحكم : ح 1254 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1163 وفيه «والوفاء» بدل «والحياء» .
- 10- .الكافي : ج 8 ص 241 ح 331 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 152 كلاهما عن جويرية بن مسهر ، بحار الأنوار : ج 41 ص 58 ح 11 .
- 11- .المواعظ العددية : ص 160 .

9131. عنه صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: ادب، برهانِ خرد و دانش، برهانِ دل است. 9132. عنه صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: برترین خرد، ادب است. 9133. عنه صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: مرز خردمندی، عاقبت اندیشی و خشنودی به قضای الهی است. 9134. الإمامُ عليُّ عليه السلام عن رسولِ اللهِ صلى ال ( \_ في حديثِ عِيادَتِهِ مَعَ أَصْحَابِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ ) امام علي عليه السلام: دورانديش، بر پایه خردمندی اش، برای هر پستی ای، بازدارنده ای دارد. 9126. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: آن که نیک می اندیشد، خوار نمی شود. 9127. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: کمال نفس، به خردورزی است. 9128. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: اخلاق نیکو، از میوه های خردورزی است. 9129. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: هیچ چیزی به سانِ خرد، فضیلت ها را زیبا نمی گرداند. 9130. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: آن که پروای الهی پیشه سازد، خردمند است. 9132. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: خرد، درختی است که میوه اش سخاوت و آزر است. 9131. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام: آن که ریشه اش پارسایی، شاخه هایش آزر، و میوه اش، وَرَع است.

پارسایی، به سه خصلت فرا می خواند: فهم دین، بی رغبتی به دنیا و دل بستگی به خداوند؛ و آزر، به سه خصلت فرا می خواند: یقین، خوش خلقی و فروتنی؛ و وَرَع، به سه خصلت فرا می خواند: راستگویی، پیشی گرفتن در نیکی، و کنار نهادن کار شبهه ناک. . .

9133. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : كَسَبَ الْعَقْلَ الْإِعْتِبَارُ وَالِاسْتِظْهَارُ، وَكَسَبَ الْجَهْلَ الْغَفْلَةَ وَالِإِعْتِرَازُ.  
 (1) 9134. امام علی علیه السلام ( \_ در نقل داستان عیادت پیامبر خدا و اصحابش از عبد ) عنه علیه السلام : يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ  
 بِالتَّحَلِّيِ بِالْعِفَّةِ وَالْقَنَاعَةِ. (2) 9135. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : عَلَيكَ بِالسَّخَاءِ فَإِنَّهُ ثَمَرَةُ الْعَقْلِ. (3) 9136. رسول الله  
 صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : كَفَى بِالْمَرْءِ عَقْلًا أَنْ يُجْمَلَ فِي مَطَالِبِهِ. (4) 9137. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام  
 : ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ. (5) 9138. الإمام الحسن عليه السلام : عنه علیه السلام : عُنْوَانُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ. (6) 9135. پیامبر خدا صلی  
 الله علیه و آله : عنه علیه السلام : لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهِلِ. (7) 9136. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْعَقْلُ حَيْثُ كَانَ أَلْفٌ  
 مَأْلُوفٌ. (8) 9137. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْإِحْتِمَالُ بُرْهَانُ الْعَقْلِ وَعُنْوَانُ الْفَضْلِ. (9) 9138. امام حسن علیه  
 السلام : عنه علیه السلام : ذُو الْعَقْلِ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا عَنِ احْتِمَالٍ وَإِجْمَالٍ وَإِفْضَالٍ. (10) 9139. كنز العمال عن أنس عن رسول الله صلی  
 الله علیه و عنه علیه السلام : لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ ، وَزَكَاةُ الْعَقْلِ احْتِمَالُ الْجُهَالِ. (11).

1- غرر الحكم : ح 7227 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 397 ح 6733 و 6734 .

2- غرر الحكم : ح 10956 .

3- غرر الحكم : ح 6083 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5714 .

4- غرر الحكم : ح 7041 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 386 ح 6543 .

5- غرر الحكم : ح 4629 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 209 ح 4200 .

6- غرر الحكم : ح 6321 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 339 ح 5774 .

7- غرر الحكم : ح 10503 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 531 ح 9659 .

8- غرر الحكم : ح 1251 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1160 .

9- غرر الحكم : ح 1602 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 50 ح 1268 .

10- غرر الحكم : ح 5179 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4749 .

11- غرر الحكم : ح 7301 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 402 ح 6784 .

9140. الأُمالي للطوسي عن ابن عباس: امام علي عليه السلام: دستاورد خرد، كسب آبرو و پشت گرمی است و دستاورد نادانی، غفلت و خودبینی. 9139. كنز العمال ( \_ به نقل از انس \_ ) امام علي عليه السلام: خرد آدمی، از آراستگی اش به پاك دامنی و قناعت، شناخته می شود. 9140. الأُمالي، طوسی ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) امام علي عليه السلام: بر توباد بخشندگی، که نتیجه خردمندی است. 9141. كنز العمال عن انس: امام علي عليه السلام: برای خردورزی، کوتاه کردن خواسته ها کافی است. 9142. كنز العمال عن عمر بن الخطاب: امام علي عليه السلام: مدارا کردن با مردم، نتیجه خردمندی است. 9143. مَجْمَعُ الْبَيَانِ: ( \_ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: { Q } «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكَ» ) امام علي عليه السلام: نشانه خردمندی، مدارا کردن با مردم است. 9141. كنز العمال ( \_ به نقل از انس \_ ) امام علي عليه السلام: هیچ خردمندی ای، مانند چشم پوشی [ از آنچه اظهارش نکوهیده است ]، نیست. 9142. كنز العمال ( \_ به نقل از عمر بن خطاب \_ ) امام علي عليه السلام: خردمندی، هر جا که باشد، انس و ألفت به همراه دارد. 9143. مجمع البيان: امام علي عليه السلام: بردباری، دلیل خردمندی و نشانه فضیلت است. 9144. الإمامُ عليُّ عليه السلام: امام علي عليه السلام: خردمند، شناخته نمی شود، جز با بردباری، کوتاه کردن خواسته و نیکی کردن. 9145. عنه عليه السلام: امام علي عليه السلام: هر چیزی زکاتی دارد و زکات خردمندی، تحمّل نادان هاست ..

9146. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: مُرْوَةٌ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. (1) 9147. عنه عليه السلام: جِهَادُ النَّفْسِ بِالْعِلْمِ  
عُنْوَانُ الْعَقْلِ. (2) 9148. الإمام الصادق عليه السلام ( \_ في قوله تعالى : { Q } «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّيْلُ» ) عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْعَقْلُ التَّجَنُّبُ  
مِنَ الْإِثْمِ ، وَالتَّنَظُّرُ فِي الْعَوَاقِبِ ، وَالْأَخْذُ بِالْحَزْمِ. (3) 9149. كنز العمال عن ابن عباس: عنه عليه السلام: الْعَقْلُ يَوْجِبُ الْحَذَرَ.  
(4) 9144. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: . . . وَمِنْ عَقْلِهِ [أَيِ الْمُؤْمِنِ] إِنْصَافُهُ مِنْ نَفْسِهِ ، وَتَرْكُهُ الْعُضْبَ عِنْدَ مُخَالَفَتِهِ ، وَقَبُولُهُ  
الْحَقَّ إِذَا بَانَ لَهُ. (5) 9145. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: الْجِلْمُ نَوْزُ جَوْهَرَةِ الْعَقْلِ. (6) 9146. امام على عليه السلام: عنه عليه  
السلام: مَعَ الْعَقْلِ يَتَوَفَّرُ الْجِلْمُ. (7) 9147. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: بِوُفُورِ الْعَقْلِ يَتَوَفَّرُ الْجِلْمُ. (8) 9148. امام صادق عليه  
السلام ( \_ دربارہ آیہ { Q } «خداوند در بدر، شما را یاری کرد، ) عنه عليه السلام: الْعَقْلُ أَنْتَ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ ، وَتَعْدُ فَلَا تُخْلِفُ ، وَإِذَا  
عَظِيبَتْ حَلَمْتَ. (9) 9149. كنز العمال ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام: السَّكِينَةُ عُنْوَانُ الْعَقْلِ. (10) 9150. رسول الله صلى  
الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ لُزُومُ الْحَقِّ. (11).

- 1- غرر الحكم : ح 9777 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 489 ح 9052 .
- 2- غرر الحكم : ح 4772 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 223 ح 4341 .
- 3- غرر الحكم : ح 3887 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 178 ح 3657 وفيه «التحذّر» بدل «التجنّب» .
- 4- غرر الحكم : ح 814 و 1028 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 210 .
- 5- أعلام الدين : ص 127 .
- 6- غرر الحكم : ح 1185 .
- 7- غرر الحكم : ح 9741 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 486 ح 8986 .
- 8- غرر الحكم : ح 4274 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 188 ح 3869 .
- 9- غرر الحكم : ح 2130 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 20 ح 99 وليس فيه ذيله .
- 10- غرر الحكم : ح 785 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 42 ح 987 .
- 11- غرر الحكم : ح 4602 .



9151. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: جوان مردی آدمی، به اندازه خردمندی اوست. 9152. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: جهاد با نفس به وسیله دانش، نشانه خرد است. 9153. الدرّ المنثور عن ابن مسعود: امام على عليه السلام: خردمندی، دوری جستن از گناه، عاقبت اندیشی و احتیاط است. 9154. صحیح مسلم عن أنس: امام على عليه السلام: خردمندی، موجب هشیاری است. 9150. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: انصاف مؤمن نسبت به خویشان، کنار نهادن خشم به هنگام مخالفت با او، و پذیرش حق، آن گاه که بر او آشکار می شود، از نشانه های خردمندی مؤمن است. 9151. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: بردباری، نوری است که اساس آن، خردمندی است. 9152. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: با خردمندی، بردباری افزایش می یابد. 9153. الدرّ المنثور ( \_ به نقل از ابن مسعود \_ ) امام على عليه السلام: با افزایش خردمندی، بردباری افزایش می یابد. 9154. صحیح مسلم ( \_ به نقل از آنس \_ ) امام على عليه السلام: خردمندی، این است که: میانه روی کنی و اسراف نکنی؛ و وعده بدهی و خُلف وعده نکنی؛ و چون خشمگین شدی، بردبار باشی. 9155. تفسیر القمّي ( \_ في ذکر ما جَرَى بَعْدَ وَقَعَةِ أُحُدٍ \_ ) امام على عليه السلام: آرامش، نشانه خردمندی است. 9156. كنز العمّال عن أبي سعيد: امام على عليه السلام: میوه خردمندی، همراهی با حق است. . .

9157. كنز العمال عن أبي حميد الساعدي: عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الصِّدْقُ. (1) 9155. تفسير القمّي ( \_ در بیان ماجرای بعد از جنگ أحد \_ ) عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا وَقَمْعُ الْهَوَى. (2) 9156. كنز العمال ( \_ به نقل از ابو سعید \_ ) عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الْإِسْتِقَامَةُ. (3) 9157. كنز العمال ( \_ به نقل از ابو حميد ساعدي \_ ) عنه عليه السلام: مَنْ عَقَلَ سَمَحَ. (4) 9158. الإمام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ أَصَلَ الْعَقْلِ الْعَفَافُ ، وَثَمَرَتُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْآثَامِ. (5) 9159. الإمام الصادق عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ عَقَلَ عَفَّ. (6) 9158. امام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: لَا تَرْضَيْنَ قَوْلَ أَحَدٍ حَتَّى تَرْضَى فِعْلَهُ ، وَلَا تَرْضَ فِعْلَهُ حَتَّى تَرْضَى عَقْلَهُ ، وَلَا تَرْضَ عَقْلَهُ حَتَّى تَرْضَى حَيَاءَهُ ، فَإِنَّ الْإِنْسَانَ مَطْبُوعٌ عَلَى كَرَمٍ وَلُؤْمٍ ، فَإِنَّ قَوِيَّ الْحَيَاءِ عِنْدَهُ قَوِيَّ الْكَرَمِ ، وَإِنْ ضَعُفَ الْحَيَاءُ قَوِيَّ اللَّؤْمِ. (7) 9159. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: أَيْضًا: إِنَّ مَلَكَ الْعَقْلِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: صَوْنُ الْعِرْضِ ، وَالْجِزَاءُ بِالْفَرَضِ ، وَالْأَخْذُ بِالْفَضْلِ ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ ، وَالْإِنْجَازُ لِلْوَعْدِ. (8) 9160. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الحسن عليه السلام: لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ. (9) 9161. كنز العمال عن البراء بن عازب: عنه عليه السلام: لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْعَقْلِ: التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ حَتَّى تُنَالَ الْفُرْصَةَ. (10).

- 1- .غزر الحكم: ح 4643 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 209 ح 4204 .
- 2- .غزر الحكم: ح 4654 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 208 ح 4157 .
- 3- .غزر الحكم: ح 4589 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 208 ح 4173 وفيه «العلم» بدل «العقل» .
- 4- .غزر الحكم: ح 7695 .
- 5- .مطالب السؤل: ص 50 ؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 7 ح 59 .
- 6- .غزر الحكم: ح 7644 و 7646 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 423 ح 7119 و ص 428 ح 7270 .
- 7- .شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 310 ح 554 .
- 8- .شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 267 ح 99 .
- 9- .كشف الغمّة: ج 2 ص 197 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 111 ح 6 .
- 10- .معاني الأخبار: ص 240 ح 1 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 116 ح 9 .

9162. کنز العمال عن أبي بن عباس بن سهل عن أبيهما علي عليه السلام: ميوه خردمندی، راستگویی است. 9160. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: ميوه خردمندی، بیزاری از دنیا و سرکوب تمایلات نفسانی است. 9161. کنز العمال ( \_ به نقل از براء بن عازب \_ ) امام علی علیه السلام: ميوه خردمندی، پایداری است. 9162. کنز العمال ( \_ به نقل از ابی بن عباس بن سهل، از پدرش، از جد ) امام علی علیه السلام: آن که خردمند شود، بخشنده می گردد. 9163. صحیح مسلم عن البراء: امام علی علیه السلام: ریشه خردمندی، پاک دامن، و ميوه آن، دوری جستن از گناهان است. 9164. کنز العمال عن یزید بن الأصم: امام علی علیه السلام: آن که خردمند شود، می فهمد؛ آن که خردمند شود، پاک دامن می گردد. 9163. صحیح مسلم ( \_ به نقل از براء \_ ) امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: از سخن کسی خشنود مباش، مگر آن که از کارش خشنود گردی، و از کار کسی خشنود مباش، مگر آن که از خرد او خشنود شوی، و از خرد کسی خشنود مباش، مگر آن که آزر او را پسندی؛ چرا که آدمی از بزرگواری و پستی، ترکیب یافته است. اگر آزر قوی شود، بزرگواری تقویت می گردد و اگر آزر ضعیف شود، پستی، قوی می گردد. 9164. کنز العمال ( \_ به نقل از یزید بن اصم \_ ) امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: ملاک خردمندی و مکارم اخلاقی، عبارت است از: آبروداری، پاداش دادن در برابر واجبات، احسان نمودن، وفای به عهد، و پایبندی به تعهدات. 9165. کنز العمال عن ایاس بن سلمة عن أبيه: امام حسن علیه السلام: آن که خردمند نیست، با ادب نخواهد بود. 9166. کنز العمال عن ایاس بن سلمة عن أبيه: امام حسن علیه السلام: هنگامی که از ایشان درباره خردمندی پرسیده شد: [یعنی] غم ها را جرعه جرعه نوشیدن تا به فرصت ها دست یافتن . .

9165. كنز العمال ( \_ به نقل از ایاس بن سلمه، از پدرش \_ ) الإمام الحسين عليه السلام \_ لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْعَقْلِ \_ : التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ وَمُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ. (1) 9166. كنز العمال ( \_ به نقل از ایاس بن سلمه، از پدرش \_ ) الإمام الصادق عليه السلام : مُجَامَلَةُ النَّاسِ ثُلُثُ الْعَقْلِ. (2) 9167. كنز العمال عن عبد الله بن أبي أوفى : عنه عليه السلام : لَا يُعَدُّ الْعَاقِلُ عَاقِلًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ ثَلَاثًا : إِعْطَاءَ الْحَقِّ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ ، وَأَنْ يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ ، وَاسْتِعْمَالَ الْجِلْمِ عِنْدَ الْعَثْرَةِ. (3) 9168. كنز العمال عن أنس : عنه عليه السلام : لَمْ يَقْسَمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسٍ : الْيَقِينِ ، وَالْقَنُوعِ ، وَالصَّبْرِ ، وَالشُّكْرِ ، وَالَّذِي يُكْمَلُ لَهُ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ. (4) راجع : ص 486 (ما ينبغي للعقل) و 404 (صفات العقلاء) و 428 (صفات أولي النهى) و 432 (صفات أولي الأبواب)، ج 2 ص 48 (مساوي الأخلاق) .

و \_ مَحَاسِنُ الْأَعْمَالِ لِكُتَابِ «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ \* الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ \* وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» . (5)

- 1- .معاني الأخبار: ص 380 ح 7 ، الأمالي للصدوق: ص 770 ح 1042 عن أبي سعيد عقيصا ، وذكره أيضًا في: ص 358 ح 441 عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عليه السلام وزاد فيه «ومداراة الأصدقاء»، المحاسن: ج 1 ص 310 ح 616 عن الإمام الحسن عليه السلام ، روضة الواعظين : ص 8 عن الإمام الرضا عليه السلام وأيضًا عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 130 ح 13 .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 643 ح 2 عن سماعة ، بحار الأنوار : ج 78 ص 250 ح 91 .
- 3- .تحف العقول : ص 318 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 232 ح 29 .
- 4- .الخصال : ص 285 ح 36 ، المحاسن : ج 1 ص 306 ح 601 وفيه «لم يقسم الله بين الناس شيئًا» بدل «لم يقسم بين العباد» وكلاهما عن عبد الله بن مسكان ، روضة الواعظين : ص 7 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 87 ح 9 .
- 5- .الرعد : 19 \_ 21 .

**و\_ کارهای نیک**

9170. کنز العمّال عن بُریده: امام حسین علیه السلام\_ هنگامی که از ایشان درباره خردمندی پرسیده شد: \_ غم ها را جرعه جرعه نوشیدن و با دشمنان مدارا کردن. 9171. کنز العمّال عن حُسَیل بن خَارِجَةَ الأشْجَعِيّ: امام صادق علیه السلام: نیک مردم داری، یک سوم خردمندی است. 9170. کنز العمّال ( \_ به نقل از بُریده \_ ) امام صادق علیه السلام: خردمند، خردمند نیست تا آن که سه خصلت را در حدّ کمال، دارا شود: حق مداری به گاه خشنودی و خشم، خواستن برای دیگران، آنچه را برای خود می خواهد، و بردباری به خرج دادن در هنگام لغزش [ دیگران ]. 9171. کنز العمّال ( \_ به نقل از حُسَیل بن خَارِجَةَ اشْجَعِيّ \_ ) امام صادق علیه السلام: کمترین خصلت هایی که میان بندگان تقسیم شده اند، عبارت اند از: یقین، قناعت، شکیبایی و سپاس گزاری، و آنچه همه اینها را برای آدمی کامل می کند، خرد است. ر. ک: ص 487 (آنچه برای خردمند سزاوار است) و 405 (ویژگی های خردمندان) و 429 (ویژگی های خردمندان) و 433 (ویژگی های خردمندان)، ج 2 ص 49 (اخلاق زشت).

و\_ کارهای نیکقرآن «آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است، مانند کسی است که کوردل است؟ تنها خردمندان اند که عبرت می گیرند؛ همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی شکنند و آنان که به آنچه خدا به پیوستن به آن، فرمان داده، می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب، بیم دارند...» .

الحديث 9174. الطبقات الكبرى ( \_ به نقل از ایاس بن سلمه، از پدرش \_ ) رسول الله صلى الله عليه وآله: جَدَّ الْمَلَائِكَةُ وَاجْتَهَدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ بِالْعَقْلِ ، وَجَدَّ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَاجْتَهَدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ ، فَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَوْفَرَهُمْ عَقْلًا . (1) 9175. الأمالي للطوسي عن محمد بن شهاب الزُّهري: عنه صلى الله عليه وآله لَمَّا سئلَ عَنِ الْعَقْلِ \_ : الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ ، وَإِنَّ الْعُمَّالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمُ الْعُقَلَاءُ . (2) 9175. الأمالي ، طوسی ( \_ به نقل از محمد بن شهاب زُّهري \_ ) تيسير المطالب عن جابر بن عبد الله: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : « وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَصْرِيهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ » قَالَ : الْعَالِمُ الَّذِي عَقَلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَعَمِلَ بِطَاعَتِهِ وَاجْتَنَبَ سَخَطَهُ . (3) 9176. الإمام علي عليه السلام: حلية الأولياء عن سويد بن غفلة: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ فَاسْتَقْبَلَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ : بِمَ بُعِثْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟

قَالَ : بِالْعَقْلِ .

قَالَ : فَكَيْفَ لَنَا بِالْعَقْلِ ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْعَقْلَ لَا غَايَةَ لَهُ ، وَلَكِنْ مَنْ أَحَلَّ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ سُمِّيَ عَاقِلًا ، فَإِنْ اجْتَهَدَ بَعْدَ ذَلِكَ سُمِّيَ عَابِدًا ، فَإِنْ اجْتَهَدَ بَعْدَ ذَلِكَ سُمِّيَ جَوَادًا . فَمَنْ

اجْتَهَدَ فِي الْعِبَادَةِ وَسَمَحَ فِي نَوَائِبِ الْمَعْرُوفِ بِإِلَّا - حَظٌّ مِنْ عَقْلِ يَدُلُّهُ عَلَى اتِّبَاعِ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاجْتِنَابِ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ ، فَأَوْلَيْكَ هُمْ الْأَخْسَرُونَ أَعْمَالًا ، الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا . (4) .

1- . تيسير المطالب : ص 313 .

2- . روضة الواعظين : ص 8 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 20 .

3- . تيسير المطالب : ص 146 .

4- . حلية الأولياء : ج 1 ص 21 .

حدیث 9178. کنز العمال عن الزهري عن بعض آل عمر عن عمر بن الخطاب عن النبي صلى الله عليه وآله: فرشتگان، با خرد، در فرمانبری از خداوند، تلاش و کوشش کردند و مؤمنان به اندازه خردشان در فرمانبری از خداوند، تلاش و کوشش نمودند. همانا آنان که از خردی بیشتر برخوردارند، بیشتر، از خداوند فرمانبری می کنند. 9176. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ هنگامی که درباره خردمندی از ایشان سؤال شد: [خردمندی،] انجام دادن دستورهای خداوندی است. همانا خردمندان، کسانی هستند که به دستورهای الهی پایبندند. 9177. امام رضا علیه السلام ( \_ به نقل از پدرانش علیهم السلام ) تیسیر المطالب \_ به نقل از جابر بن عبد الله \_: پیامبر خدا این آیه را تلاوت کرد: «و این مثال ها را برای مردم می زنیم. و جز دانشوران، آنها را در نمی یابند». آن گاه فرمود: «دانشور، کسی است که از خداوند، دریافتی دارد و از او فرمانبری می کند و از خشمش می پرهیزد». 9178. کنز العمال ( \_ به نقل از زُهری، از یکی از خاندان عمر، از عمر ) حلیة الأولیاء \_ به نقل از سويد پسر غفله \_: روزی، ابو بکر [ از خانه ] خارج شد و پیامبر خدا را در مقابل خود دید. ابو بکر گفت: ای پیامبر خدا! به چه چیزی برانگیخته شدی؟

فرمود: «به [ پیروی از ] خرد» .

ابو بکر گفت: چگونه می توانیم به خرد دست یابیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خرد را نهایتی نیست؛ لیکن آن که حلال خدا را حلال می داند و حرام او را حرام می شمارد، خردمند نامیده می شود. اگر پس از این نیز تلاش کرد، عابد نامیده می شود، و اگر بیش از این کوشش نمود، جواد نامیده می شود.

همانا کسانی که در عبادت می کوشند و سختی های نیکوکاری را پذیرا می شوند، [ ولی ] بدون بهره مندی از خردی که آنان را به پیروی از فرمان خداوند و پرهیز از نواهی او راهنما باشد، آنان کسانی هستند که کارهایشان زیانبار است و تلاششان در زندگی دنیایی تباه است، با آن که گمان می کنند که کار نیکو انجام می دهند» . .

9179. كنز العمّال عن عبد الرّحمن بن صّفوان: الإمام عليّ عليه السلام: العُقُولُ أئِمَّةُ الأَفْكارِ، والأَفْكارُ أئِمَّةُ القُلُوبِ، والقُلُوبُ أئِمَّةُ الحَواسِّ، والحَواسُّ أئِمَّةُ الأَعْضاءِ. (1) 9180. كنز العمّال عن أبي خلف الأعمى عن عثمان بن عفّان عن عليّ بن ابي طالب عليه السلام: عَلَى قَدْرِ العَقْلِ تَكُونُ الطَّاعَةُ. (2) 9181. كنز العمّال عن جابر: عنه عليه السلام: مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ حَسُنَ عَمَلُهُ. (3) 9179. كنز العمّال ( \_ به نقل از عبدالرحمان بن صفوان \_ ) عنه عليه السلام: مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَاهُ حَسُنَتْ مَسَاعِيهِ. (4) 9180. كنز العمّال ( \_ به نقل از ابو خلف أعمى ، از عثمان بن عفّان \_ ) عنه عليه السلام: مِنْ عَلامَاتِ العَقْلِ العَمَلُ بِسُنَّةِ العَدْلِ. (5) 9181. كنز العمّال ( \_ به نقل از جابر \_ ) عنه عليه السلام: غَرِيزَةُ العَقْلِ تَحْدُو عَلَى اسْتِعْمَالِ العَدْلِ. (6) 9182. كنز العمّال عن سُهَيْلِ {-1-} بن عمرو: عنه عليه السلام: العَقْلُ أَنْ تَقُولَ مَا تَعْرِفُ وَتَعْمَلَ بِمَا تَنْطِقُ بِهِ. (7) 9183. كنز العمّال عن أبي مريم السّلوليّ: عنه عليه السلام: مَنْ قَوَّمَ لِسَانَهُ زَانَ عَقْلَهُ. (8) 9182. كنز العمّال ( \_ به نقل از سهيل بن عمرو \_ ) عنه عليه السلام: المَعْدِرَةُ بُرْهَانُ العَقْلِ. (9) .

1- . كنز الفوائد : ج 1 ص 200 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 96 ح 40 .

2- . غرر الحكم : ح 6178 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 327 ح 5623 .

3- . الخصال: ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 1 ص 87 ح 10 .

4- . غرر الحكم : ح 827 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 455 ح 8197 .

5- . غرر الحكم : ح 9430 .

6- . غرر الحكم : ح 6392 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5919 وفيه «تأمر» بدل «تحدو» .

7- . غرر الحكم : ح 2141 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 66 ح 1678 وفيه «وتعرف» بدل «وتعمل» .

8- . غرر الحكم : ح 8381 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7928 .

9- . غرر الحكم : ح 497 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 695 .



9183. کنز العمّال ( \_ به نقل از ابی مریم سَمَلُولی \_ ) امام علی علیه السلام: خردها پیشوایان اندیشه اند، و اندیشه ها پیشوایان دل ها، و دل ها پیشوایان حواس، و حواس ها پیشوایان اعضا. 9184. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله ( \_ مِنْ دَعَائِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ حُنَيْنٍ \_ ) امام علی علیه السلام: اطاعت، به اندازه خردمندی است. 9185. کنز العمّال عن أبي إسحاق قالَ رجلٌ للبراء: امام علی علیه السلام: آن که خردش کمال یابد، رفتارش نیکو می گردد. 9186. کنز العمّال عن أنس: امام علی علیه السلام: آن که خردش را بر میلش مقدّم بدارد، تلاش هایش پسندیده می گردد. 9187. الإمامُ الحسینُ علیه السلام: امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی، به روش عادلانه رفتار کردن است. 9184. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ از دعاهاى ایشان در جنگ حُنَین \_ ) امام علی علیه السلام: نیروی خرد، [آدمی را] بر به کارگیری عدالت، و او می دارد. 9185. کنز العمّال ( \_ به نقل از ابو اسحاق \_ ) امام علی علیه السلام: خردمندی، آن است که آنچه را می دانی، بر زبان بیاوری و به آنچه می گویی، عمل کنی. 9186. کنز العمّال ( \_ به نقل از آنس \_ ) امام علی علیه السلام: کسی که زبانش را استوار کند، خردش آراسته می گردد. 9187. امام حسین علیه السلام: امام علی علیه السلام: عذرخواهی، دلیل خردمندی است

9188. الإمام الصادق عليه السلام: عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ. (1) 9188. إمام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: أَفْضَلُ طَبَائِعِ الْعَقْلِ الْعِبَادَةُ ، وَأَوْثَقُ الْحَدِيثِ لَهُ الْعِلْمُ ، وَأَجْزَلُ حُظُوظِهِ الْحِكْمَةُ ، وَأَفْضَلُ ذَخَائِرِهِ الْحَسَنَاتُ. (2) راجع : ص 392 (الفعال) و 404 (صفات العقلاء) و 428 (صفات أولي النهى) و 432 (صفات أولي الأبواب) .

ز \_ وَضَعُ الْأَشْيَاءِ مَوَاضِعَهَا 9190. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ وَضَعَ الْأَشْيَاءَ مَوَاضِعَهَا ، وَالْجَاهِلُ ضِدُّ ذَلِكَ. (3) 9191. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ مُخَاطَبًا مَكَّةَ \_ ) نَهَجَ الْبَلَاغَةَ: قِيلَ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ .

فَقِيلَ: فَصِفْ لَنَا الْجَاهِلَ .

فَقَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. (4) 9192. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ وَكَانَ وَاقِفًا بِالْحَزْوَرَةِ { -1- } فِي سَوْقِ مَكَّةَ ) الإمام علي عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ أَحْسَنَ صَدِّ نَائِعَهُ ، وَوَضَعَ سَعِيَّهُ فِي مَوَاضِعِهِ. (5) 9193. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ مُخَاطَبًا مَكَّةَ \_ ) لَيْسَ عَلَى الْعَاقِلِ اعْتِرَاضُ الْمَقَادِيرِ ، إِنَّمَا عَلَيْهِ وَضَعُ الشَّيْءِ فِي حَقِّهِ. (6) .

- 1- .غرر الحكم: ح 4616 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 209 ح 4196 .
- 2- .الاختصاص: ص 244 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 131 ح 24 .
- 3- .غرر الحكم: ح 1911 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 21 ح 134 .
- 4- .نهج البلاغة: الحكمة 235 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 160 ح 36 .
- 5- .غرر الحكم: ح 1798 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 54 ح 1392 .
- 6- .كنز الفوائد: ج 1 ص 200 .

**ز \_ گذاشتن هر چیزی بر جای خود**

9190. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : میوه خردمندی ، همنشینی با خوبان است . 9191. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ خطاب به مکه \_ ) امام صادق علیه السلام : بهترین سرشت خردمندی ، عبادت است ، محکم ترین سخن برایش دانش است ، بزرگ ترین بهره مندی اش حکمت است ، و برترین ذخیره هایش خوبی هاست . ر . ک : ص 393 (عمل) و 405 (ویژگی های خردمندان) و 429 (ویژگی های خردمندان) و 433 (ویژگی های خردمندان) .

ز \_ گذاشتن هر چیزی بر جای خود 9194. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، آن است که هر چیز را بر جای خود نهد و نادان ، بر خلاف این است . 9195. عنه صلی الله علیه و آله : نهج البلاغة : به امام علی علیه السلام گفته شد : خردمند را برای ما توصیف کن .

فرمود : «خردمند، کسی است که هر چیز را بر جای خود نهد» .

گفته شد : نادان را برای ما توصیف کن .

فرمود : «توصیف کردم» . 9194. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، آن است که کارهایش را نیکو به انجام برساند و هر کاری را در جای خود قرار دهد . 9195. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بر خردمند روا نیست که بر مقدرات ، خُرده بگیرد . همانا بر اوست تا هر چیز را در جای شایسته خود نهد .

نكته: وكما يلاحظ فإن أحد آثار العقل «وضع الأشياء مواضعها»، ومن جهة أخرى ورد هذا المعنى نفسه في تعريف العدل (1)، والنتيجة التي يمكن استخلاصها من مقارنة هاتين المجموعتين من الأحاديث هي أن جملة آثار العقل رعاية العدل، وأن العاقل يعمل بالعدل، وهذه النتيجة صرحت بها أحاديث أخرى أيضاً. (2)

ح - اختيار الأصلاح 9196. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در روز فتح مکّه \_ ) الإمام علیّ علیه السلام: الْعَقْلُ يَأْمُرُكَ بِالْأَنْفَعِ ، وَالْمُرُوءَةُ تَأْمُرُكَ بِالْأَجْمَلِ . (3) 9197. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابو شريح ، به عمرو بن سعيد ، در حالى ) عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْبَهِيمَةِ . (4) 9198. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام: لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ ، وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ . (5) ط \_ اغْتِنَامُ الْعُمَرِ 9200. رسول الله صلى الله عليه و آله: الإمام عليّ عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ لَا يُضَيِّعُ لَهُ نَفْسًا فِيمَا لَا يَنْفَعُهُ ، وَلَا يَقْتَنِي مَا لَا يَصَحَّبُهُ . (6) 9201. رسول الله صلى الله عليه و آله: عنه عليه السلام: لَوْ صَحَّ الْعَقْلُ لَأَغْتَنَمَ كُلُّ امْرِئٍ مَهْلَهُ . (7) راجع: ص 380 (ترك الفضول).

1- «العدل يضع الأمور مواضعها» نهج البلاغة: الحكمة 437 .

2- راجع: ص 330 (علامات العقل) وص 370 ح 407 و 408 ، غرر الحكم: ح 9430 و 6392 .

3- نثر الدرّ: ج 1 ص 285 .

4- الكافي: ج 8 ص 24 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول: ص 99 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 407 ح 5880 ، التوحيد: ص 74 ح 27 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عن آبائه عنه عليهم السلام موفيهما «البهيم» بدل «البهيمه» ، بحار الأنوار: ج 77 ص 288 ح 1 .

5- مطالب السؤل: ص 49 ؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 6 ح 58 .

6- غرر الحكم: ح 2163 .

7- غرر الحكم: ح 7579 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 416 ح 7075 .

## ح - گزینش بهتر

## ط - بهره‌وری از عمر

نکته: چنان‌که می‌بینیم، یکی از آثار خردمندی، «هر چیزی را بر جای خود نهادن» است. از سوی دیگر، در احادیث، همین مطلب در تعریف عدل نیز بیان شده است. (1) نتیجه‌ای که از مقایسه این دو دسته احادیث می‌توان گرفت، این است که از آثار خردمندی، رعایت عدل است و خردمند، بر طبق عدل عمل می‌کند. این نتیجه، در برخی احادیث، مورد تصریح قرار گرفته است. (2)

ح - گزینش بهتر 9202. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، تو را به سودمندتر فرمان می‌دهد و جوان مردی، به زیباتر. 9203. سنن الترمذی عن ابن عمر: امام علی علیه السلام: آن که خوبی را از بدی باز شناسد، به سان چارپایان است. 9204. صحیح مسلم عن عائشة: امام علی علیه السلام: خردمند، آن نیست که خوبی را از بدی باز شناسد؛ بلکه آن است که از میان بدی‌ها بهترین را [که کم‌زیان‌ترین است] تشخیص دهد. ط - بهره‌وری از عمر 9206. صحیح مسلم عن ابن عمر: امام علی علیه السلام: خردمند، آن است که دمی را در کارهای بی‌سود صرف نکند و آنچه را برای همیشه همراه او نمی‌ماند، ذخیره نسازد. 9203. سنن الترمذی (به نقل از ابن عمر) امام علی علیه السلام: اگر خرد سالم باشد، هر انسانی از فرصت‌هایش بهره‌مند می‌گردد. ر. ک: ص 381 (ترك بيهودگی‌ها).

1- نهج البلاغة: حکمت 437: «العدل يضع الأمور مواضعها؛ عدالت، هر چیز را بر جای خود می‌نهد».

2- ر. ک: ص 331 (نشانه‌های خرد) و 371 ح 407\_408، غرر الحکم: ح 9430 و 6392.

ي \_ صَوَابُ الْقَوْلِ 9206. صحيح مسلم ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) الإمام عليّ عليه السلام: مِنْ دَلَائِلِ الْعَقْلِ النُّطْقُ بِالصَّوَابِ.  
 (1) 9207. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَمِيلُ الْقَوْلِ دَلِيلٌ وَفُورِ الْعَقْلِ. (2) 9208. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَنْهُ عَلَيْهِ  
 السَّلَامُ: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ مَقَالِهِ ، وَعَلَى طَهَارَةِ أَصْلِهِ بِجَمِيلِ أَعْمَالِهِ. (3) 9209. صحيح البخاري عن أبي ذرّ: الإمام الصادق  
 عليه السلام: الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ: عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ وَفَاجِرٌ . فَالْعَاقِلُ إِنْ كَلَّمَ أَجَابَ ، وَإِنْ نَطَقَ أَصَابَ ، وَإِنْ سَمِعَ وَعَى . وَالْأَحْمَقُ إِنْ تَكَلَّمَ عَجَلَ ،  
 وَإِنْ حَدَّثَ ذَهَلَ ، وَإِنْ حُمِلَ عَلَى الْقَبِيحِ فَعَلَّ . وَالْفَاجِرُ إِنْ ائْتَمَّتْهُ خَائِكَ ، وَإِنْ حَدَّثَتْهُ شَانِكَ. (4) راجع : ص 394 (الكلام) و 396  
 (السكوت) و 404 (صفات العقلاء) .

ك \_ حِفْظُ التَّجَارِبِ 9208. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ ، وَخَيْرٌ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظْتَكَ.  
 (5) 9209. صحيح البخاري ( \_ به نقل از ابو ذر \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حِفْظُ التَّجَارِبِ رَأْسُ الْعَقْلِ. (6) 9210. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله و  
 آله: الإمام الحسن عليه السلام \_ لَمَّا سَأَلَهُ أَبُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَقْلِ \_ : حِفْظُ قَلْبِكَ مَا اسْتَوَدَعْتَهُ. (7) 9211. رسول الله صلى الله عليه وآله و  
 آله: الإمام عليّ عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ. (8) راجع: ص 308 (التجربة) .

- 
- 1- غرر الحكم : ح 9416 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 473 ح 8670 .
  - 2- غرر الحكم : ح 4776 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 223 ح 4344 .
  - 3- غرر الحكم : ح 10961 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10237 .
  - 4- تحف العقول : ص 323 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 237 ح 74 .
  - 5- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 80 ، غرر الحكم: ح 673 وفيه إلى «التجارب» ، بحار الأنوار: ج 1 ص 160 ح 38 ؛  
 كنز العمال : ج 16 ص 177 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .
  - 6- غرر الحكم : ح 4916 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 231 ح 4418 .
  - 7- معاني الأخبار: ص 401 ح 62 عن شريح بن هاني ، بحار الأنوار : ج 1 ص 116 ح 10 .
  - 8- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 388 ح 5834 ، تحف العقول : ص 85 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص  
 63 ، غرر الحكم : ح 1189 و 3863 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 46 .

## ی \_ گفتار درست ک \_ تجربه اندوزی

ی \_ گفتار درست 9214. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از نشانه های خردمندی، به درستی سخن گفتن است . 9211. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : سخن زیبا، نشانه زیادتی خرد است . 9212. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد آدمی ، از گفتار نیکویش فهمیده می شود و پاکی ریشه اش ، از کارهای زیبایش شناخته می گردد . 9213. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : انسان ها بر سه گروه اند : خردمند ، احمق و بدکار . خردمند، کسی است که اگر از او پرسند ، پاسخ می دهد ، اگر سخن بگوید، به درستی سخن می گوید، و اگر گوش کند، استفاده می برد . احمق ، آن است که اگر تکلم کند، شتاب می نماید ؛ اگر حدیث بگوید، فراموش می کند، و اگر بر کار زشت او داشته شود، آن را انجام می دهد . بدکار ، کسی است که اگر او را امین بشماری ، خیانت می ورزد، و اگر با او سخن بگویی، از تو بدگویی می کند . ر . ک : ص 395 (سخن) و 397 (سکوت) و 405 (ویژگی های خردمندان) .

ک \_ تجربه اندوزی 9216. عنه صلی الله علیه و آله ( \_ عِنْدَمَا طَافَ بِالْكَعْبَةِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ الرَّ ) امام علی علیه السلام : خردمندی ، تجربه اندوزی است و بهترین تجربه ، آن است که تو را پند دهد . 9217. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : تجربه اندوزی، قله خردمندی است . 9218. صحیح البخاری عن عبد الله بن عمر : امام حسن علیه السلام \_ هنگامی که پدرش از او درباره «خردمندی» پرسید \_ : [خردمندی، ] آن است که آنچه را به دل می سپاری، نگه بدارد . 9219. سنن النسائی عن عطاء عن أسامة بن زيد : امام علی علیه السلام : خردمند، کسی است که تجربه ها او را پند دهند . ر . ک : ص 309 (تجربه) .

ل \_ حُسْنُ التَّدْبِيرِ 9217. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : لا عَقْلَ كَالتَّدْبِيرِ . (1) 9218. صحيح البخارى ( \_ به نقل از عبد الله بن عمر \_ ) الإمام علي عليه السلام : أدلُّ شَيْءٍ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ . (2) 9219. سنن النسائي ( \_ به نقل از عطاء، از أسامة بن زيد \_ ) عنه عليه السلام : مِنَ الْعَقْلِ مُجَانِبَةُ التَّبْذِيرِ وَحُسْنُ التَّدْبِيرِ . (3) م \_ إصَابَةُ الظَّنِّ 9221. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : ظَنُّ الْعَاقِلِ كَهَاتَمَةِ . (4) 9222. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الظَّنُّ الصَّوَابُ مِنْ شَيْءٍ أَوْلَى الْأَلْبَابِ . (5) 9220. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : ظَنُّ الْعَاقِلِ أَصْحَحُ مِنْ يَقِينِ الْجَاهِلِ . (6) 9221. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : ظَنُّ ذَوِي النُّهْيِ وَالْأَلْبَابِ أَقْرَبُ شَيْءٍ مِنَ الصَّوَابِ . (7) .

- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 372 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، التوحيد: ص 376 ح 20 عن وهب بن وهب بن هشام ، المحاسن : ج 1 ص 80 ح 47 عن السري بن خالد وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، معاني الأخبار : ص 335 ح 1 عن أبي ذر في وصية رسول الله صلى الله عليه وآله له، الكافي : ج 8 ص 20 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن الإمام علي عليهما السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 113 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 100 ح 17 عن الإمام علي عليه السلام ؛ المعجم الكبير : ج 2 ص 157 ح 1651 عن أبي ذر ، كنز العمال : ج 15 ص 928 ح 43593 .
- 2- .غرر الحكم : ح 3151 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 117 ح 2589 .
- 3- .غرر الحكم : ح 9320 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 468 ح 8536 .
- 4- .مئة كلمة للجاحظ : ص 70 ح 54 ، سجع الحمام : ص 232 ح 865 نقلاً عن الإعجاز والإيجاز ، عيون الحكم والمواعظ : ص 324 ح 5609 .
- 5- .غرر الحكم : ح 1386 .
- 6- .غرر الحكم : ح 6040 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 323 ح 5567 .
- 7- .غرر الحكم : ح 6074 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 324 ح 5608 .



**ل \_ تدبیر نیکو****م \_ گمانه زنی درست**

ل \_ تدبیر نیکو 9223. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ خردورزی ای، مانند دوراندیشی نیست . 9224. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بهترین دلیل بر زیادتی خرد ، نیک دوراندیشی است . 9225. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نشانه خردمندی ، دوری جستن از بیهودگی و نیک دوراندیشی است . م \_ گمانه زنی درست 9227. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : گمانه زنی خردمندان ، پیشگویی است . 9228. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : گمانه زنی خردمندان است . 9229. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : گمان خردمند ، درست تر از یقین نادان است . 9230. دلائل النبوة للبيهقي عن ابن شهاب : امام علی علیه السلام : گمان صاحبان خرد و اندیشه ، نزدیک ترین چیز به حقیقت است .

9223. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام \_ في الحِکْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : الْعَقْلُ الْإِصَابَةُ بِالظَّنِّ وَمَعْرِفَةُ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا كَانَ .  
(1) راجع : ص 398 ح 505 \_ 506 .

ن \_ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا 9226. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : حَادَّ الْعَقْلُ الْإِنْفِصَالَ عَنِ الْفَانِي وَالْإِتِّصَالَ بِالْبَاقِي .  
(2) 9227. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : فَضِيلَةُ الْعَقْلِ الرَّهَادَةُ . (3) 9228. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : زِدْعُ النَّفْسِ عَنِ زَخَارِفِ الدُّنْيَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ . (4) 9229. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : مَنْ عَقَلَ قَنَعَ .  
(5) 9230. دلائل النبوة ، بیهقی ( \_ به نقل از ابن شهاب \_ ) عنه علیه السلام : الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دَنِيَّةٍ ، وَرَغِبَ فِي جَنَّةٍ سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ . (6) راجع : ص 468 (حبّ الدنيا) .

س \_ تَرْكُ الْفُضُولِ 9233. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام الكاظم عليه السلام : إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الدُّنُوبُ ! وَتَرَكَ الدُّنْيَا مِنَ الْفَضْلِ ، وَتَرَكَ الدُّنُوبَ مِنَ الْفُرْضِ . (7) 9234. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : إِذَا قَلَّتِ الْعُقُولُ كَثُرَ الْفُضُولُ . (8) .

- 
- 1- . شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 331 ح 803 .
  - 2- . غرر الحكم : ح 4905 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4473 .
  - 3- . غرر الحكم : ح 6560 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 359 ح 6079 .
  - 4- . غرر الحكم : ح 5399 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4960 .
  - 5- . غرر الحكم : ح 7724 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 451 ح 8064 .
  - 6- . غرر الحكم : ح 1868 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 56 ح 1435 .
  - 7- . الكافي : ج 1 ص 17 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 387 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 139 ح 30 .
  - 8- . غرر الحكم : ح 4043 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 135 ح 3073 .

## ن - بی رغبتی به دنیا

## س - ترك بیهودگی ها

9235. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - : خردمندی ، گمانه زنی درست و شناخت آینده بر اساس گذشته است . ر . ک : ص 399 ح 505 و 506 .

ن - بی رغبتی به دنیا 9233. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : مرز خردمندی ، جدایی از ناپایدار و پیوستن به پایدار است . 9234. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : برجستگی خرد ، در بی رغبتی به دنیا است . 9235. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : میوه خردمندی ، رهانیدن جان از زرق و برق دنیا است . 9236. السنن الکبری عن جابر بن عبد الله : امام علی علیه السلام : آن که خردمند می شود ، قناعت پیشه می کند . 9237. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس : امام علی علیه السلام : خردمند ، آن است که دل از دنیای ناپایدار پست بگردد و به بهشت زیبای جاودان و بلندمرتبه ، رغبت کند . ر . ک : ص 469 (دنیا دوستی) .

س - ترك بیهودگی ها 9240. أخبار مکه للأزرقي عن عطاء : امام کاظم علیه السلام : خردمندان از زیادتی دنیا (آنچه برای زندگی ضرورت ندارد) گذشتند ، چه رسد به گناهان ، حال آن که از دنیا گذشتن ، فضیلت است و از گناه گذشتن ، واجب . 9236. السنن الکبری ( - به نقل از جابر بن عبد الله ) : امام علی علیه السلام : هنگامی که از خرد کاسته شود ، بیهودگی ها بسیار می شود .

9237. المستدرك على الصحيحين ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) عنه عليه السلام: مَن أَمَسَكَ عَنِ الْفُضُولِ عَدَلَتْ رَأْيُهُ الْعُقُولُ.  
(1) 9238. أخبار مكة، ازرقى ( \_ به نقل از مُجاهد \_ ) عنه عليه السلام: العاقلُ مَنْ رَفَضَ الْبَاطِلَ. (2) راجع: ص 374 (اغتنام العمر).

ع \_ التَّزَوُّدُ لِلْآخِرَةِ 9241. سنن أبي داوود عن ابن عمر: رسول الله صلى الله عليه وآله \_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ \_ : أَلَا وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْعَقْلِ : التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ ، وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ ، وَالتَّزَوُّدَ لِسَكْنَى الْقُبُورِ ، وَالتَّأَهُبَ لِيَوْمِ النُّشُورِ . (3) 9242. حلية الأولياء عن ابن عمر: الإمام علي عليه السلام: مِنَ الْعَقْلِ التَّزَوُّدُ لِيَوْمِ الْمَعَادِ . (4) 9243. الإمام الباقر عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ . (5) 9244. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ وَبَاعَ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ . (6) 9245. الإمام الباقر عليه السلام: عنه عليه السلام: مَا الْعَاقِلُ إِلَّا مَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ وَعَمِلَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ . (7) 9246. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَلَمْ يَبِعْ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ . (8) 9241. سنن أبي داوود ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) عنه عليه السلام: مَنْ عَقَلَ تَيَقَّظَ مِنْ غَفْلَتِهِ ، وَتَأَهُبَ لِرِحْلَتِهِ ، وَعَمَرَ دَارَ إِقَامَتِهِ . (9) .

- 1- الكافي: ج 8 ص 22 ح 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص 97، غرر الحكم: ح 8513، بحار الأنوار: ج 77 ص 286 ح 1 .
- 2- الدرّة الباهرة: ص 21، بحار الأنوار: ج 1 ص 159 ح 31.
- 3- أعلام الدين: ص 333 عن أبي الدرداء، إرشاد القلوب: ص 45، بحار الأنوار: ج 77 ص 176 ح 10 .
- 4- غرر الحكم: ح 9371، عيون الحكم والمواعظ: ص 469 ح 8573 .
- 5- غرر الحكم: ح 8298، عيون الحكم والمواعظ: ص 446 ح 7844 .
- 6- غرر الحكم: ح 1727، عيون الحكم والمواعظ: ص 52 ح 1352 .
- 7- تحف العقول: ص 100، بحار الأنوار: ج 77 ص 289 ح 1 .
- 8- غرر الحكم: ح 1983، عيون الحكم والمواعظ: ص 59 ح 1511 وفيه «العالم» بدل «العاقل» .
- 9- غرر الحكم: ح 8918، عيون الحكم والمواعظ: ص 434 ح 7493 .

**ع - توشه گیری برای آخرت**

9242. حلیة الأولیاء ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علی علیه السلام: آن که خود را از زیادتی ها باز دارد ، خردها را پیش را عادلانه می دانند. 9243. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که باطل را کنار نهد. ر. ک: ص 375 (بهره وری از عمر).

ع \_ توشه گیری برای آخرت 9246. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در یکی از خطبه های روز جمعه \_ : بدانید که یکی از نشانه های خردمندی ، [ دل ] کندن از خانه فریبنده [ ی دنیا ] ، رو کردن به سرای جاودانه ، توشه گیری برای خانه قبر و آمادگی برای روز رستاخیز است . 9247. رسول الله صلی الله علیه و آله ( \_ لعثمان \_ ) امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی ، توشه برداشتن برای روز قیامت است . 9248. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که سرای جاودانه اش را آباد کند ، خردمند است . 9249. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند ، آن است که با شهوت ها قهر کند و دنیا را به آخرت بفروشد . 9250. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند نیست ، مگر آن که از خداوند درکی داشته باشد و برای سرای باقی ، کار کند . 9247. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به عثمان \_ ) امام علی علیه السلام: خردمند ، آن است که بر تمایلات نفسانی اش پیروز شود و آخرتش را به دنیا نفروشد . 9248. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که خردمند است ، از خواب غفلت بیدار می شود و برای سفر آخرت مهیا می گردد و خانه همیشگی خود را آباد می کند .

9249. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغِبُوا فِي الْآخِرَةِ، لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِيَةٌ مَطْلُوبَةٌ، وَالْآخِرَةُ طَالِيَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ، فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ، وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ، فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيَفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاةً وَآخِرَتَهُ. (1) 9250. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام: إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ، وَنَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ، فَطَلَبَ بِالْمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا. (2) 9251. الدر المنثور عن أبي العالية: عدّة الداعي عن سويد بن غفلة: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَا بُويعَ بِالْخِلَافَةِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى حَصِيرٍ صَغِيرٍ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ غَيْرُهُ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، بِيَدِكَ بَيْتُ الْمَالِ وَلَسْتُ أَرَى فِي بَيْتِكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْبَيْتُ!

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ غَفَلَةَ، إِنَّ اللَّيْبَ (3) لَا يَتَأَثُّ فِي دَارِ الثُّقَلَاءِ، وَلَنَا دَارٌ أَمِنٌ قَدْ نَقَلْنَا إِلَيْهَا خَيْرَ مَتَاعِنَا، وَإِنَّا عَنْ قَلِيلٍ إِلَيْهَا صَائِرُونَ. (4) راجع: ص 316 (الزهد في الدنيا).

ف \_ النَّجَاحُ 9251. الدر المنثور ( \_ به نقل از ابو عالیهِ \_ ) رسول الله صلى الله عليه و آله: مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلًا إِلَّا اسْتَقْدَهُ بِهِ يَوْمًا. (5) 9252. تهذيب الأحكام ( \_ به نقل از معاوية بن عمّار، از امام صادق عليه ا ) التاريخ الكبير: أتى قُرَّةُ بْنُ هُبَيْرَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: إِنَّهُ كَانَتْ لَنَا أَرْبَابٌ تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ، فَدَعَوْنَاهُنَّ فَلَمْ يُجِبْنَ وَسَأَلْنَاهُنَّ فَلَمْ يُعْطِينَ، وَجِئْنَاكَ فَهَدَانَا اللَّهُ.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رُزِقَ لُبًّا. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكُنِّي ثَوْبَيْنِ مِنْ ثِيَابِكَ قَدْ لَيْسَتْهُمَا، فَكَسَاهُ.

فَلَمَّا كَانَ بِالْمَوْقِفِ فِي عَرَافَاتِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعِدْ عَلَيَّ مَقَالَتَكَ، فَأَعَادَ عَلَيْهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْلَحَ مَنْ رُزِقَ لُبًّا. (6).

- 
- 1- الكافي: ج 1 ص 18 ح 12 عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص 387، بحار الأنوار: ج 1 ص 139 ح 30.
  - 2- الكافي: ج 1 ص 18 ح 12 عن هشام بن الحكم.
  - 3- في المصدر: «إِنَّ الْبَيْتَ [العاقل]»، والتصويب من بحار الأنوار.
  - 4- عدّة الداعي: ص 109، بحار الأنوار: ج 70 ص 321 ح 38.
  - 5- نهج البلاغة: الحكمة 407، الأمالي للطوسي: ص 56 ح 79 عن داوود بن سليمان الغازي عن الإمام الرضا عليه السلام؛ نثر الدر: ج 1 ص 168، الفردوس: ج 4 ص 90 ح 6279 عن أنس، ربيع الأبرار: ج 3 ص 137.
  - 6- التاريخ الكبير: ج 7 ص 181 ح 810.

## ف \_ رستگاری

9253. مجمع البیان ( \_ از علی بن ابراهیم ، به اسنادش از امام صادق علیه ) امام کاظم علیه السلام : خردمندان ، در دنیا زهدپیشه اند و به آخرت میل دارند [و سرای جاودانه شان را آباد می سازند]؛ زیرا می دانند که دنیا ، خود ، جوینده ای است که او را می جویند و آخرت ، هم خواهان است و هم خواهان دارد . پس هر که خواهان آخرت شود ، دنیا خود به دنبال او می رود تا او روزی اش را از آن بستاند ، و هر که دنیا را طلب کند ، آخرت ، به دنبال اوست ، و [ لی ] ناگهان مرگش فرا می رسد و دنیا و آخرتش را تباه می سازد . 9254. تاریخ اصبهان عن ابن عمّار : امام کاظم علیه السلام : خردمند ، به دنیا و أهل آن ، نظر افکند . پس دانست که جز با سختی ، بدان نمی رسد ؛ و به آخرت ، نظر افکند . پس دانست که جز با سختی به دست نمی آید . از این رو ، با سختی ، پایدارتر را جستجو کرد و برگزید . 9255. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : عدّة الداعی \_ به نقل از سوید بن غفله \_ : بر امیر مؤمنان ، پس از آن که به خلافت رسیده بود ، وارد شدم . بر حصیری کوچک نشسته بود و در خانه ، جز آن ، چیزی نبود . گفتم : ای امیر مؤمنان ! بیت المال ، در دست توست ، و [ لی ] خانه ات را از لوازم زندگی ، تهی می بینم !

فرمود : «ای پسرِ غفله ! خردمند برای خانه گذری ، اثاث جمع نمی کند . ما را خانه امنی است که بهترین وسیله هایمان را بدان جا منتقل کرده ایم و خود نیز به زودی به سوی آن ، ره سپاریم» . ر . ک : ص 317 (زهد به دنیا) .

ف \_ رستگاری 9258. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، خرد را به کسی به امانت نمی سپرد ، مگر آن که روزی ، او را بدان نجات می بخشد . 9254. تاریخ اصبهان ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) التاریخ الکبیر : قُرّة بن هبیره نزد پیامبر خدا آمد و گفت : ما را خدایانی بود که به جای خداوند ، پرستیده می شدند ، که خداوند ، تو را بر انگیخت . هر چه آنها را

خواندیم ، اجابت نکردند و هر چه از آنان خواستیم ، چیزی ندادند ؛ امّا به سوی تو آمدیم و خداوند ما را هدایت کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آن که از خرد برخوردار باشد ، رستگار شده است» .

قرّه گفت : ای پیامبر خدا ! دو قطعه از لباس هایی که خود ، بیشتر پوشیده ای ، به من بپوشان . پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد .

هنگامی که قرّه در عرفات بود ، پیامبر خدا به وی فرمود : «سخنت را تکرار کن» . او تکرار کرد . آن گاه پیامبر خدا فرمود : «آن که از خرد برخوردار باشد ، رستگار شده است» .

9255. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه السلام: العقل يهدي ويُنجي، وَالْجَهْلُ يُغوي وَيُردي. (1) 9256. صحيح البخارى ( \_ به نقل از ابو حميد \_ ) عنه عليه السلام: زيادة العقل تُنجي. (2) 9257. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الْعَمَلُ لِلنَّجَاةِ. (3) 9258. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : إِذَا خُلِّيَ عِنَانُ الْعَقْلِ وَلَمْ يُحْبَسْ عَلَى هَوَى نَفْسٍ أَوْ عَادَةِ دِينٍ أَوْ عَصِيَّةٍ لِسَلْفٍ ، وَرَدَّ بِصَاحِبِهِ عَلَى النَّجَاةِ. (4) 9259. رسول الله صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام: رَأَى الْعَاقِلُ يُنْجِي. (5) 9260. صحيح مسلم عن سهل بن حنيف: عنه عليه السلام: أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ ، وَثَمَرَتُهُ السَّلَامَةُ. (6) ص \_ الْخَتْمُ بِالْجَنَّةِ 9262. عنه صلى الله عليه و آله: رسول الله صلی الله علیه و آله \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ \_ : الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ ، وَطُلِبَ بِهِ رِضَا الرَّحْمَنِ. (7) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 2151 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 67 ح 1712 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 5484 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 277 ح 5048 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 4626 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 209 ح 4195 .
  - 4- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 343 ح 950 .
  - 5- .غرر الحكم : ح 5424 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 269 ح 4940 .
  - 6- .غرر الحكم : ح 3093 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 121 ح 2744 .
  - 7- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 369 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 59 ح 3 .



## ص \_ فرجام بهشتی

9259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد، هدایت می کند و نجات می بخشد، و نادانی، گم راه می سازد و پست می گرداند. 9260. صحیح مسلم ( \_ به نقل از سهل بن حنیف \_ ) امام علی علیه السلام: فراوانی خرد، نجات می بخشد.

9261. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: میوه خردمندی، عمل برای نجات است. 9262. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان \_: اگر زمام خرد، رها شود و در حبسِ تمایلات نفس یا عادت های دینی و یا تعصّب گذشتگان نباشد، صاحبش را به نجات می رساند. 9263. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: رأی خردمند، نجات بخش است. 9264. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: ریشه خردمندی، اندیشه است و میوه آن، سلامت. ص \_ فرجام بهشتی 9266. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ در سفارش به علی علیه السلام \_: خرد، آن است که بهشت با آن به دست می آید و خشنودی خداوند با آن طلب می گردد.

9267. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: كَمَ مِنْ عَاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَمْرُهُ وَهُوَ حَقِيرٌ عِنْدَ النَّاسِ ذَمِيمٌ الْمَنْظَرِ يَنْجُو غَدًا! وَكَمَ مِنْ ظَرِيفِ اللِّسَانِ جَمِيلِ الْمَنْظَرِ عِنْدَ النَّاسِ يَهْلِكُ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ! (1) 9268. عنه صلى الله عليه وآله: ربيع الأبرار عن أنس: قيل: يا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يَكُونُ حَسَنَ الْعَقْلِ كَثِيرَ الذُّنُوبِ؟

قال: ما من آدمي إلا وله ذنوبٌ وخطايا يقتربُها، فمن كانت سجيته العقلَ وغريزته اليقينَ لم تُضره ذنوبُهُ.

قيل: كيف ذلك يا رسولَ الله؟

قال: لِأَنَّهُ كُلُّمَا أَخْطَأَ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ تَدَارَكَ ذَلِكَ بِتَوْبَةٍ وَنَدَامَةٍ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ، فَيَمْحُو ذُنُوبَهُ، وَيَبْقَى لَهُ فَضْلٌ يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. (2) 9269. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: لَقَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَاتِ عَدْنٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا حَجًّا وَلَا اعْتِمَارًا، وَلَكِنَّهُمْ عَقَلُوا عَنِ اللَّهِ مَوَاعِظَهُ. (3) 9270. صحيح البخاري عن زيد بن ثابت: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَ عَاقِلًا خُتِمَ لَهُ بِالْجَنَّةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (4) 9263. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الكافي عن محمد بن عبد الجبار عن بعض أصحابنا رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: مَا الْعَقْلُ؟

قال: ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ.

قال: قُلْتُ: فَأَلَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ؟

فَقَالَ: تِلْكَ النَّكْرَاءُ، تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ، وَهِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَلَيْسَتْ بِالْعَقْلِ. (5).

1- تيسير المطالب: ص 156، الأماشي للطوسي: ص 393 ح 868، بحار الأنوار: ج 70 ص 290 ح 26؛ كنز العمال: ج 3 ص 154 ح 5940.

2- ربيع الأبرار: ج 3 ص 137؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 62 وليس فيه «ويبقى له فضل...»، تيسير المطالب: ص 147 نحوه.

3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 213؛ الفردوس: ج 4 ص 360 ح 7035، كنز العمال: ج 3 ص 149 ح 5916.

4- ثواب الأعمال: ص 29 ح 1 عن الفضل بن عثمان، بحار الأنوار: ج 1 ص 91 ح 19.

5- الكافي: ج 1 ص 11 ح 3، معاني الأخبار: ص 239 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 310 ح 613، بحار الأنوار: ج 1 ص 116 ح 8.

9264. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه بسیار خردمندانی که فرمان الهی را از او دریافت کرده اند (1) [ و از بینش الهی برخوردارند! اینان گر چه در نزد مردم، بی مقدارند و ظاهری نکوهیده دارند، ولی در فردای قیامت، رستگارانند. و چه بسیارند کسانی که زبانی خوش دارند و در نزد مردم، خوش نام اند؛ ولی در قیامت، هلاک می شوند! 9265. صحیح البخاری ( \_ به نقل از آنس \_ ) ربيع الأبرار\_ به نقل از آنس \_ : سؤال شد: ای پیامبر خدا! ممکن است مردی از خردی نیکو برخوردار باشد و گناهان بسیار داشته باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ انسانی نیست، مگر این که گناهان و لغزش هایی را مرتکب شده است. پس هر که سرشتش خردمندی و نهادش یقین باشد، گناهان بدو آسیبی نمی رسانند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه ممکن است؟

فرمود: «زیرا [خردمند] هر گاه مرتکب لغزشی گردد، آن را با توبه و پشیمانی جبران می کند و گناهانش را پاک می گرداند و برایش خوبی باقی می ماند که با آن، وارد بهشت می گردد». 9266. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: گروه هایی به سوی بهشت برین، پیشی گرفتند که بیش از دیگران، اهل روزه و نماز و حج و عمره نبودند؛ بلکه آنان پندهای الهی را درک کردند. 9267. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: آن که خردمند باشد، پایانش به بهشت ختم می گردد، اگر خدا بخواهد. 9268. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الکافی\_ به نقل از محمد بن عبد الجبار، از یکی از یاران امام صادق علیه السلام \_ : گفتم: خرد چیست؟

فرمود: «آن چیزی که خداوند با آن، پرستش می شود و بهشت با آن به دست می آید».

گفتم: آنچه در معاویه بود [، چه بود]؟

فرمود: «آن زرنگی و شیطنت است. آن، شبیه خرد است؛ ولی خرد نیست».

ق - صَ لَاحُ كُؤَلُ أَمْرٍ 9270. صحیح البخاری ( - به نقل از زید بن ثابت ) الإمام علیی علیه السلام: بِالْعَقْلِ صَ لَاحُ كُؤَلُ أَمْرٍ.  
 (1) 9271. رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ: عنه علیه السلام: الْعَقْلُ مُصْلِحُ كُؤَلِ أَمْرٍ. (2) ر - حَیْرُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ 9273. عنه صلی اللہ علیہ و  
 آلہ: الإمام علیی علیه السلام: الْعَقْلُ یَنْبِؤُ الْخَیْرِ. (3) 9274. رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ: عنه علیه السلام: بِالْعَقْلِ تُنَالُ الْخَیْرَاتُ.  
 (4) 9275. عنه صلی اللہ علیہ و آلہ: عنه علیه السلام: كُؤَلُ نَجْدَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ. (5) 9276. عنه صلی اللہ علیہ و آلہ: عنه علیه السلام  
 : الْعَقْلُ مَنْفَعَةٌ، وَالْعِلْمُ مَرْفَعَةٌ، وَالصَّبْرُ مَدْفَعَةٌ. (6) 9271. پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: عنه علیه السلام: إِعْقِلْ تُدْرِكْ. (7) 9272. پیامبر  
 خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: الإمام الحسن علیه السلام: بِالْعَقْلِ تُدْرِكُ الدَّارَانَ جَمِیْعًا، وَمَنْ حُرِّمَ مِنَ الْعَقْلِ حُرِّمَ جَمِیْعًا. (8) 9273. پیامبر  
 خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: الإمام زین العابدین علیه السلام: الْعَقْلُ قَائِدُ الْخَیْرِ. (9).

- 
- 1- غرر الحکم : ح 4320 .
  - 2- غرر الحکم : ح 404 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 38 ح 835 .
  - 3- غرر الحکم : ح 657 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 19 ح 72 .
  - 4- غرر الحکم : ح 4212 ، عیون الحکم والمواعظ : ص 188 ح 3859 .
  - 5- مطالب السؤل : ص 50 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 7 ح 59 .
  - 6- غرر الحکم : ح 2041 .
  - 7- غرر الحکم : ح 2254 .
  - 8- كشف الغمّة : ج 2 ص 197 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 111 ح 6 .
  - 9- أعلام الدین : ص 96 .

## ق \_ درستی هر کار ر \_ خوبی دنیا و آخرت

ق \_ درستی هر کار 9275. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : درستی هر کاری، با خرد است. 9276. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد، اصلاح کننده هر کاری است. ر \_ خوبی دنیا و آخرت 9278. الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : خرد، سرچشمه خوبی هاست. 9277. تاریخ المدینة ( \_ به نقل از جابر \_ ) امام علی علیه السلام : با خرد ، خوبی ها به دست می آیند. 9278. امام صادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : هر دلیری، به خرد ، نیازمند است. 9279. صحیح البخاری عن أنس : امام علی علیه السلام : خرد، منفعت است و دانش، رفعت است و شکیبایی، دفاع کننده است. 9280. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد دورزی کن تا [به مقصود] برسی. 9281. عنه صلی الله علیه و آله : امام حسن علیه السلام : با خرد ، دنیا و آخرت به دست می آیند و آن که از خرد محروم باشد ، از دنیا و آخرت محروم می گردد. 9282. عنه صلی الله علیه و آله : امام سجاد علیه السلام : خرد ، رهبر خوبی هاست .

9283. عنه صلى الله عليه وآله: الكافي عن عبد الله بن عجلان السكوني: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصِلُهُمْ بِهِ، فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ؟

فَقَالَ: أَعْطِهِمْ عَلَى الْهَجْرَةِ فِي الدِّينِ وَالْعَقْلِ وَالْفِقْهِ. (1) 9284. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ الْأُمُورِ وَمَبْدَأَهَا وَقُوتَهَا وَعِمَارَتَهَا الَّتِي لَا يَنْتَفَعُ شَيْءٌ إِلَّا بِهَا: الْعَقْلُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ زِينَةً لِيَخْلُقَهُ وَنُورًا لَهُمْ. (2) 9285. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الكاظم عليه السلام: لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ -: يَا هَشَامُ، مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِلَا مَالٍ، وَرَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ، فَلْيَتَصَنَّعْ إِلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلْفِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يُكَمِّلَ عَقْلَهُ، فَمَنْ عَقَّدَ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ، وَمَنْ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَعْنَى. (3) 5 / 3 ما يُخْتَبَرُ بِهِ الْعَقْلُ - الْفِعْلُ 9281. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: كَيْفِيَّةُ الْفِعْلِ تَدُلُّ عَلَى كَمِّيَّةِ الْعَقْلِ، فَأَحْسِنْ لَهُ الْإِخْتِيَارَ وَأَكْثِرْ عَلَيْهِ الْإِسْتِظْهَارَ. (4) 9282. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: كُنْ حَسَنَ الْمَقَالِ، جَمِيلَ الْأَفْعَالِ؛ فَإِنَّ مَقَالَ الرَّجُلِ بُرْهَانُ فَضْلِهِ، وَفِعَالُهُ عُنْوَانُ عَقْلِهِ. (5).

- 
- 1- الكافي: ج 3 ص 549 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 35 ح 1631.
  - 2- الكافي: ج 1 ص 29 ح 34 عن الحسن بن عمار.
  - 3- الكافي: ج 1 ص 18 ح 12، تحف العقول: ص 388 كلاهما عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج 1 ص 139 ح 30.
  - 4- غرر الحكم: ح 7226، عيون الحكم والمواعظ: ص 395 ح 6686.
  - 5- غرر الحكم: ح 7176، عيون الحكم والمواعظ: ص 392 ح 6644 وفيه «حميد» بدل «جميل».

## 5 / 3 آنچه خرد با آن آزموده می شود

## الف\_ عمل

9283. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الکافی\_ به نقل از عبد الله بن عجلان سَکونی\_: به امام باقر علیه السلام گفتم: گاه می خواهم مالی به عنوان صلّه رحم، میان دوستان و یارانم قسمت کنم. چگونه [و بر چه معیاری] به آنان ببخشم؟

فرمود: «بر پایه هجرت در راه دین، خرد و دانایی». 9284. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: آغاز و شروع کارها و استحکام و آبادانی آنها\_ که جز به آن، چیزی سود نمی بخشد\_ به خرد است؛ خردی که خداوند، آن را آرایش بندگان و مایه روشنایی برای آنان قرار داد. 9285. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام\_ خطاب به هشام بن حکم\_: ای هشام! آن که بی نیازی بدون ثروت، آسایش قلب از حسادت، و سلامت در دینداری می خواهد، باید با زاری، از خداوند بخواهد که خرد او را کامل گرداند. پس هر که خردمند باشد، به آنچه او را بس است، قناعت می کند و آن کس که به آنچه او را بس است، قناعت کند، بی نیاز می گردد. 5 / 3 آنچه خرد با آن آزموده می شود الف\_ عمل 9287. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: چگونگی عمل، بر میزان خرد، دلالت دارد. پس، کار نیکو انتخاب کن و آن را محکم ساز. 9288. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: نیکوگفتار و زیبارفتار باش؛ زیرا گفتار آدمی، نشان فضل اوست و رفتار او، دلیل خردمندی اش.

9289. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ أَعْرَبَ عَنْ وَفُورِ عَقْلِهِ. (1) 9289. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقلُ مَنْ صَدَّقَ أَقْوَالَهُ أَعْمَالَهُ. (2) راجع: ص 366 (محاسن الأعمال) و 402 (جوامع ما يختبر به العقل).

ب \_ الكلام 9292. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: كَلَامُ الرَّجُلِ مِيزَانُ عَقْلِهِ. (3) 9293. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ( \_ لأبي ذر \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِنْدَ بَدِيهَةِ الْمَقَالِ تُخْتَبَرُ عُقُولُ الرَّجَالِ. (4) 9290. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: يُنْبِئُ عَنِ عَقْلِ كُلِّ امْرِئٍ لِسَانُهُ، وَيَدُلُّ عَلَى فَضْلِهِ بَيَانُهُ. (6) 9292. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ( \_ به ابو ذر \_ ) اللسانُ مِيعَاذُ أَرْجَحَهُ الْعَقْلُ وَأَطَاشُهُ الْجَهْلُ. (7) 9293. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: ( \_ به ابو ذر \_ ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ وَالْكَلامَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ طَرِيقَتَهُ وَلَا تَعْلَمُ حَقِيقَتَهُ؛ فَإِنَّ قَوْلَكَ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِكَ، وَعِبَارَتُكَ تُنْبِئُ عَنِ مَعْرِفَتِكَ. (8) 9294. رسول الله صلى الله عليه وآله: ( \_ وقد سأله أبو ذر عن كيفية عمارة الم \_ ) عنه عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ كُلِّ امْرِئٍ بِمَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِهِ. (9).

- 1- غرر الحكم: ح 8418، عيون الحكم والمواعظ: ص 448 ح 7945.
- 2- غرر الحكم: ح 1390.
- 3- غرر الحكم: ح 7234، عيون الحكم والمواعظ: ص 395 ح 6683.
- 4- غرر الحكم: ح 6221، عيون الحكم والمواعظ: ص 337 ح 5747.
- 5- غرر الحكم: ح 11008، عيون الحكم والمواعظ: ص 553 ح 10190 وفيه «ما يجري على» بدل «ما ينطق به».
- 6- غرر الحكم: ح 11046.
- 7- غرر الحكم: ح 1970، عيون الحكم والمواعظ: ص 59 ح 1501.
- 8- غرر الحكم: ح 2735، عيون الحكم والمواعظ: ص 100 ح 2293.
- 9- غرر الحكم: ح 10957.



**ب \_ سخن**

9295. عنه صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : آن که کارهایش را نیکو به انجام می رساند ، از زیادی خرد خود ، خبر می دهد  
 9296. رسول الله صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : خردمند ، کسی است که رفتار او ، گفتارش را تصدیق نماید . ر . ك : ص  
 367 (کارهای نیک) و 403 (بنیادهای سنجش خرد) .

ب \_ سخن 9295. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : سخن گفتنِ آدمی ، میزان خردمندیِ اوست . 9296. پیامبر خدا  
 صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : به هنگام بدیهه گویی ، خردمندیِ آدمیان ، آزموده می گردد . 9297. پیامبر خدا صلى الله عليه  
 و آله ( \_ به ابو ذر \_ ) امام على عليه السلام : آنچه آدمی بر زبان می آورد ، از خردمندیِ وی خبر می دهد . 9298. عنه صلى الله عليه و آله  
 : امام على عليه السلام : از خردمندیِ هر کس ، زبان او خبر می دهد و بر فضل او سخنش دلالت می کند . 9299. الإمامُ الصَّادِقُ عن آبائه  
 عليهم السلام امام على عليه السلام : زبان ، ترازویی است که خرد ، آن را سنگین می کند و نادانی ، آن را سبک می گرداند . 9300. رسول الله  
 صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : از سخنی که روش آن را نمی شناسی و از حقیقتش آگاه نیستی ، پرهیز ؛ زیرا سخن تو ، بر  
 خرد تو دلالت دارد و گفتارت ، از میزان معرفت تو خبر می دهد . 9301. رسول الله صلى الله عليه و آله : امام على عليه السلام : بر خرد  
 آدمی ، به آنچه بر زبان می آورد ، استدلال می شود .

9298. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : دَلِيلُ عَقْلِ الرَّجُلِ قَوْلُهُ ، دَلِيلُ أَصْلِ الْمَرْءِ فِعْلُهُ. (1) 9299. امام صادق علیه السلام ( \_ به نقل از پدرانش علیهم السلام \_ ) عنه علیه السلام : مَنْ أَطْلَقَ لِسَانَهُ أَبَانَ عَنْ سُخْفِهِ (2) . (3) 9300. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : أَوْحَى اللَّهُ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَكُونَنَّ مِكَشَارًا بِالْمَنْطِقِ مَهْدَارًا (4) ؛ إِنَّ كَثْرَةَ الْمَنْطِقِ تَشِينُ الْعُلَمَاءَ ، وَتُبْدِي مَسَاوِيَّ الشَّخْفَاءِ ، وَلَكِنْ عَلَيْكَ بِذِي اقْتِصَادٍ ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ التَّوْفِيقِ وَالسَّدَادِ. (5) راجع : ص 376 (صواب القول) و 404 ح 523 و 438 ح 640 .

ج \_ الشُّكُوتُ 9303. رسول الله صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : الصَّمْتُ آيَةُ النَّبْلِ وَثَمَرَةُ الْعَقْلِ. (6) 9304. رسول الله صلی الله علیه و آله : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَقَلَ صَدَمَتَ . (7) 9302. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَمْسَكَ عَنْ فُضُولِ الْمَقَالِ شَهَدَتْ بِعَقْلِهِ الرَّجَالُ. (8) 9303. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ عَقْلِ الرَّجُلِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. (9) .

- 1- .غرر الحكم : ح 5101 و 5102 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 249 ح 4662 و 4663 .
- 2- .السُّخْفُ : رِقَّةُ الْعَقْلِ ... وَثُوبٌ سَخِيفٌ : رَفِيقُ النَّسِجِ بَيْنَ السَّخْفَةِ ، وَلَا يَكَادُونَ يَقُولُونَ : السُّخْفُ إِلَّا فِي الْعَقْلِ خَاصَّةً ، وَالسَّخْفَةُ عَامٌّ فِي كُلِّ شَيْءٍ (ترتيب كتاب العين : ص 366) .
- 3- .غرر الحكم : ح 9175 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 462 ح 8395 .
- 4- .في المصدر : «مهدارًا» ، وما أثبتناه هو الصحيح .
- 5- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 79 ح 6908 ، البداية والنهاية : ج 1 ص 329 وفيه «لا- تكن مكشارًا للعلم» وكلاهما عن عمر ؛ منية المرید : ص 140 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 227 ح 18 .
- 6- .غرر الحكم : ح 1343 .
- 7- .غرر الحكم : ح 7745 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 423 ح 7136 .
- 8- .غرر الحكم : ح 8504 .
- 9- .غرر الحكم : ح 9327 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 468 ح 8537 .

## ج - سکوت

9304. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نشانه خرد آدمی، سخن اوست و نشانه ریشه داری آدمی، رفتار او  
 9305. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که زیانش را رها می سازد، سَبُّك خردی خود را آشکار می کند  
 9306. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا به موسی علیه السلام وحی کرد که : «بسیار و بیهوده سخن مگو؛  
 زیرا سخن گفتن بسیار، چهره عالمان را زشت می گرداند و بدی های سَبُّك خردان را آشکار می سازد؛ لیکن بر تو باد میانه روی؛ زیرا  
 نشانه موقّیت و استواری است.» ر. ک : ص 377 (گفتار درست) و 405 ح 523 و 439 ح 640 .

ج - سکوت 9309. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : سکوت، نشانه بزرگواری و میوه خردمندی است. 9310. عنه صلی  
 الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که خردمند گردد، ساکت می شود. 9305. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه  
 السلام : آن که از سخن زیادی خودداری ورزد، بزرگان به خردمندی وی گواهی می دهند. 9306. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام  
 علی علیه السلام : نشانه خردمندی آدمی، آن است که تمام آنچه را که می داند، بر زبان نیاورد .

9307. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : العاقلُ مَنْ عَقَلَ لِسَانَهُ إِلَّا عَن ذِكْرِ اللَّهِ. (1) 9308. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : العاقلُ لا يَتَكَلَّمُ إِلَّا بِحَاجَتِهِ أَوْ حُجَّتِهِ. (2) راجع : ص 376 (صواب القول) و 410 ح 544 و 438 ح 640 .

د \_ الرَّأْيُ 9311. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : رَأْيُ الرَّجُلِ مِيزَانُ عَقْلِهِ. (3) 9312. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ظَنُّ الْإِنْسَانِ مِيزَانُ عَقْلِهِ ، وَفِعْلُهُ أَصْدَقُ شَاهِدٍ عَلَى أَصْلِهِ. (4) 9313. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ظَنُّ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. (5) 9314. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : إِنَّ الْعَاقِلَ مِنَ الْعَقْلِ فِي إِرْشَادٍ ، وَمِنْ رَأْيِهِ فِي إِزْدِيَادٍ ، فَلِذَلِكَ رَأْيُهُ سَدِيدٌ وَفِعْلُهُ حَمِيدٌ. (6) راجع : ص 378 (إصابة الظن) و 404 ح 523 .

ه \_ الرَّسُولُ 9317. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : رَسُولُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ ، وَكِتَابُكَ أَبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ. (7) .

- 
- 1- .غرر الحكم: ح 1741، وأيضاً: ح 1591 و 502 وليس فيهما «إلا عن ذكر الله»، عيون الحكم والمواعظ: ص 52 ح 1359 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 1732 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 170 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 5422 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4972 .
  - 4- .غرر الحكم : ح 6039 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 323 ح 5581 .
  - 5- .غرر الحكم : ح 6038 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 323 ح 5566 .
  - 6- .غرر الحكم : ح 3547 .
  - 7- .نهج البلاغة : الحكمة 301 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 199 وفيه صدره ، غرر الحكم : ح 5431 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 50 ح 9 ؛ مطالب السؤول : ص 57 ، كنز العمال : ج 16 ص 182 ح 44215 .

**د\_ رأی (نظر)**

**ه\_ پیام رسان**

9311. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که زیانش را جز از یاد خدا باز دارد. 9312. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند سخن نمی گوید، مگر از روی نیاز، یا بر اساس دلیل و برهان. ر. ک: ص 377 (گفتار درست) و 411 ح 544 و 439 ح 640.

د\_ رأی (نظر) 9315. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: رأی آدمی، میزان خردمندی اوست. 9316. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: گمانه زنی انسان، میزان خردمندی اوست و رفتار او، بهترین گواه بر ریشه داری او. 9317. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: گمانه زنی آدمی، به اندازه خرد اوست. 9318. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: به راستی که خردمند، بر پایه خردش، در بالندگی، و بر پایه رأیش، در پیشرفت است. از این رو، رأی او محکم و رفتارش پسندیده است. ر. ک: ص 379 (گمانه زنی درست) و 405 ح 523.

ه\_ پیام رسان 9319. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: فرستاده تو، ترجمه کننده خرد توست، و نوشته ات رساترین سخنگویت.

9320. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: رَسُولُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ ، وَاحْتِمَالُكَ دَلِيلُ حِلْمِكَ. (1) 9321. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: بِعَقْلِ الرَّسُولِ وَأَدْبِهِ يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الْمُرْسَلِ. (2) راجع: ص 402 ح 516 و 404 ح 522 .

و\_ الكِتَابُ 9322. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: كِتَابُ الرَّجُلِ عُنْوَانُ عَقْلِهِ وَبُرْهَانُ فَضْلِهِ. (3) 9323. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَأَعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خْتَمِهِ ، فَإِنَّمَا تَخْتِمُ عَلَى عَقْلِكَ. (4) 9324. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَدَلُّ بِكِتَابِ الرَّجُلِ عَلَى عَقْلِهِ وَمَوْضِعِ بَصِيرَتِهِ ، وَبِرَسُولِهِ عَلَى فَهْمِهِ وَفِطْنَتِهِ. (5) راجع: ص 402 ح 516 و 404 ح 522 .

ز\_ التَّصْدِيقُ وَالْإِنْكَارُ 9322. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْتَبِرَ عَقْلَ الرَّجُلِ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَحَدِّثْهُ فِي خِلَالِ حَدِيثِكَ بِمَا لَا يَكُونُ ، فَإِنْ أَنْكَرَهُ فَهُوَ عَاقِلٌ ، وَإِنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ أَحْمَقُ. (6) ح\_ الخَلِيلُ 9324. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: خَلِيلُ الْمَرْءِ دَلِيلٌ عَلَى عَقْلِهِ ، وَكَلَامُهُ بُرْهَانٌ فَضْلِهِ. (7) راجع: ص 402 ح 518 .

- 
- 1- غرر الحكم : ح 5436 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 269 ح 4947 .
  - 2- غرر الحكم : ح 4312 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 186 ح 3799 .
  - 3- غرر الحكم : ح 7260 .
  - 4- غرر الحكم : ح 4167 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 137 ح 3122 .
  - 5- المحاسن : ج 1 ص 311 ح 618 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 130 ح 15 .
  - 6- الاختصاص : ص 245 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 28 .
  - 7- غرر الحكم : ح 5088 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 242 ح 4621 .

و \_ نوشته

ز \_ تصدیق و انکار

ح \_ دوست

9326. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از عبد اللہ بن مسعود \_ ) امام علی علیه السلام: فرستاده تو، ترجمه کننده خرد توست و ظرفیت تو، نشانه بردباری ات. 9327. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: از خرد و ادب فرستاده، بر خرد فرستنده استدلال می شود. ر. ک: ص 403 ح 516 و 405 ح 522.

و \_ نوشته 9327. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: نوشته آدمی، نشانه خردمندی و دلیل فضل اوست. 9328. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ درباره حسابرسی روز قیامت \_ ) امام علی علیه السلام: هنگامی که چیزی را نوشتی، پیش از مُهر و امضا کردن، آن را مرور کن؛ زیرا بر خرد خویش، مُهر و امضا می زنی. 9329. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: به نوشته آدمی، بر خرد و بینش او استدلال می شود و به فرستاده اش بر فهم و زیرکی او. ر. ک: ص 403 ح 516 و 405 ح 522.

ز \_ تصدیق و انکار 9332. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی خرد انسانی را در یک نشست بیازمایی، در لا به لای سخنت به امری محال اشاره کن. اگر انکار کرد، خردمند است و اگر تصدیق کرد، احمق است. ح \_ دوست 9331. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دوست آدمی، نشانه خردمندی اوست و سخن او، دلیل فضلش. ر. ک: ص 403 ح 518.

5 / 4 جوامع ما يُخْتَبَرُ بِهِ الْعَقْلُ 9335. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ لِرَجُلٍ \_ ) رسول الله صلى الله عليه وآله : سَبْعَةُ أَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلَى عُقُولِ أَصْحَابِهَا : الْمَالُ يَكْشِفُ عَنْ مِقْدَارِ عَقْلِ صَاحِبِهِ ، وَالْحَاجَةُ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا ، وَالْمُصِيبَةُ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا إِذَا نَزَلَتْ بِهِ ، وَالْغَضَبُ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهِ ، وَالكِتَابُ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهِ ، وَالرَّسُولُ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ مَنْ أَرْسَلَهُ ، وَالْهَدْيَةُ تَدُلُّ عَلَى مِقْدَارِ عَقْلِ مُهْدِيهَا. (1) 9333. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در نیايش ) عنه صلى الله عليه وآله : اِعْتَبَرُوا عَقْلَ الرَّجُلِ فِي ثَلَاثٍ : فِي طَوْلِ لِحْيَتِهِ ، وَكُنْبَتِهِ ، وَنَقْشِ فَصِّ خَاتَمِهِ. (2) 9334. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سِتَّةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ الرَّجَالِ : الْمُصَاحَبَةُ ، وَالْمُعَامَلَةُ ، وَالْوَلَايَةُ ، وَالْعَزْلُ ، وَالْغِنَى ، وَالْفَقْرُ. (3) 9335. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ خطاب به مردی \_ ) عنه صلى الله عليه وآله : سِتَّةٌ تُخْتَبَرُ بِهَا عُقُولُ النَّاسِ : الْجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الرَّهَبِ ، وَالْقَصْدُ عِنْدَ الرَّغْبِ ، وَتَقْوَى اللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ ، وَحُسْنُ الْمُدَارَاةِ ، وَقَلَّةُ الْمُمَارَاةِ. (4) 9336. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : ثَلَاثٌ يُمْتَحَنُ بِهَا عُقُولُ الرَّجَالِ ، هُنَّ : الْمَالُ ، وَالْوَلَايَةُ ، وَالْمُصِيبَةُ. (5) 9337. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : الثَّلَاثُ : الْقُرْبُ مِنَ الْمُلُوكِ ، وَالْوَلَايَاتِ ، وَالْغِنَاءُ مِنَ الْفَقْرِ . فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ فِي هَذِهِ فَهُوَ ذُو عَقْلٍ قَوِيمٍ وَخُلِقَ مُسْتَقِيمًا. (6) .

- 
- 1- . معدن الجواهر : ص 60 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 111 عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه وراجع تحف العقول : ص 323 .
  - 2- . الفردوس : ج 1 ص 89 ح 287 عن عمرو بن العاص ؛ الخصال : ص 103 ح 60 عن عبد الأعلى مولى آل سام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 159 ح 435 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 107 ح 2 .
  - 3- . غرر الحكم : ح 5600 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 284 ح 5117 .
  - 4- . غرر الحكم : ح 5608 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 286 ح 5165 .
  - 5- . غرر الحكم : ح 4664 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 212 ح 4228 .
  - 6- . غرر الحكم : ح 2133 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 65 ح 1670 .



**5 / 4 بنیادهای سنجش خرد**

5 / 4 بنیادهای سنجش خرد 9336. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هفت چیز بر خردمندی صاحبان خرد، دلالت دارد: ثروت، از میزان خرد صاحب مال، پرده بر می دارد؛ نیازمندی، بر خرد نیازمند، دلالت دارد؛ و بلا، بر خرد بلا دیده؛ و خشم، بر خرد خشمگین؛ و نوشته بر خرد نویسنده؛ فرستاده، بر خرد فرستنده؛ و هدیه، بر اندازه خرد هدیه دهنده. 9337. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرد مرد را با سه چیز بیازمایید: بلندی ریش، کنیه و نوشته نگین انگشتری اش. 9338. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با شش چیز، خرد مردان، آزموده می شود: همنشینی، معاشرت، مقام، کناره گیری از مقام، ثروت، و تنگ دستی. 9339. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با شش چیز، خرد آدمیان، سنجیده می شود: بردباری به هنگام خشم، شکیبایی به هنگام ترس، میانه روی به هنگام رغبت، پروای خداوند در همه حالات، نرم خوئی با مردم، و کم جدال کردن. 9340. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با سه چیز، خرد مردان، سنجیده می شود: ثروت، مقام و حوادث ناگوار. 9341. المعجم الأوسط عن ثوبان عن رسول الله صلی الله علامام علی علیه السلام: آدمی در سه جا دگرگون می شود: در نزدیکی به پادشاهان، در رسیدن به مقام، و در رهایی از تنگ دستی. هر که در این سه حالت دگرگون نشود، دارای خردی استوار و خُلق و خویبی درست است.

9340. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى عُقُولِ أَرْبَابِهَا : الرَّسُولُ ، وَالكِتَابُ ، وَالْهَدْيَةُ. (1) 9341. المعجم الأوسط ( \_ به نقل از ثوبان \_ ) عنه علیه السلام : إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ : يُجِيبُ إِذَا سُئِلَ ، وَيَنْطِقُ إِذَا عَجَزَ الْقَوْمُ عَنِ الْكَلَامِ ، وَيُشِيرُ بِالرَّأْيِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ صَلَاحٌ أَهْلِهِ ، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ شَيْءٌ فَهُوَ أَحْمَقُ. (2) 9342. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ وَقَارِهِ وَحُسْنِ احْتِمَالِهِ ، وَعَلَى كَرَمِ أَصْلِهِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ. (3) 9343. الإمام علي عليه السلام : عنه علیه السلام : عِنْدَ غُرُورِ الْأَطْمَاعِ وَالْآمَالِ تَنْخَدِعُ عُقُولُ الْجُهَّالِ ، وَتُخْتَبِرُ الْبَابُ الرَّجَالِ. (4) 9342. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : زَرَانَةُ الْعَقْلِ تُخْتَبِرُ فِي الرِّضَا وَالْحُزْنِ. (5) 9343. امام علی علیه السلام : عنه علیه السلام : فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : الْعَقْلُ يَظْهَرُ بِالْمُعَامَلَةِ ، وَتَشِيْمُ الرَّجَالِ تُعْرَفُ بِالْوَلَايَةِ. (6) 5 / 5 صِفَاتُ الْعُقَلَاءِ 9346. سنن ابن ماجه عن أبي ذر عن رسول الله صلی الله صلی الله رسول الله صلی الله علیه و آله : صِدْقَةُ الْعَاقِلِ أَنْ يَحْلُمَ عَمَّنْ جَهَلَ عَلَيْهِ ، وَيَتَجَاوَزَ عَمَّنْ ظَلَمَهُ ، وَيَتَوَاضَعَ لِمَنْ هُوَ دُونَهُ ، وَيُسَابِقُ مَنْ فَوْقَهُ فِي طَلْبِ الْبِرِّ ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ تَدَبَّرَ فَإِنْ كَانَ

خَيْرًا تَكَلَّمَ فَعَنِمَ ، وَإِنْ كَانَ شَرًّا سَكَتَ فَسَدَّ لِمِمْ ، وَإِذَا عَرَضَتْ لَهُ فِتْنَةٌ اسْتَعَصَمَ بِاللَّهِ وَأَمْسَكَ يَدَهُ وَلِسَانَهُ ، وَإِذَا رَأَى فَضِيلَةً انْتَهَزَ بِهَا ، لَا يُفَارِقُهَا الْحَيَاءُ ، وَلَا يَبْدُو مِنْهُ الْحِرْصُ ، فَتِلْكَ عَشْرُ خِصَالٍ يُعْرَفُ بِهَا الْعَاقِلُ. (7).

- 1- غرر الحكم : ح 4681 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 211 ح 4215 ؛ شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 340 ح 887 وفيه «ثلاثة أشياء» مع تقديم وتأخير .
- 2- الكافي : ج 1 ص 19 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 389 كلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 298 .
- 3- غرر الحكم : ح 10975 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10237 .
- 4- غرر الحكم : ح 6222 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 337 ح 5748 .
- 5- غرر الحكم : ح 5439 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 271 ح 4984 وفيه «الفرح» بدل «الرضا» .
- 6- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 297 ح 401 .
- 7- تحف العقول : ص 28 ، معدن الجواهر : ص 70 نحوه ، بحار الأنوار : ج 1 ص 129 ح 12 وراجع تنبيه الخواطر : ج 2 ص 246 .

**5 / 5 ویژگی های خردمندان**

9347. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سه چیز، بر خردمندی صاحبانش دلالت دارد: فرستاده، نوشته و هدیه.

9344. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمند، آن است که در او سه فضیلت باشد: چون از او پرسند، پاسخ دهد؛ هنگامی که دیگری از سخن گفتن باز ماند، سخن بگوید؛ و رأیی را ابراز کند که صلاح اهلش در آن باشد. پس هر که این برتری های سه گانه در او نباشد، نادان است. 9345. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: از متانت بسیار و تحمل نیکو، بر خردمندی آدمی، و از رفتار زیبایش، بر بزرگواری نسبش، استدلال می شود. 9346. سنن ابن ماجه (به نقل از ابو ذر) امام علی علیه السلام: به هنگام فریبکاری ازها و آرزوها، خرد نادان، فریب می خورد و خرد مردان، سنجیده می شود. 9347. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: متانت (سنگینی) خرد، در خوشی و غم، سنجیده می شود. 9348. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: خرد، با معاشرت، آشکار می شود و خلق و خوی مردان، با مقامشان شناخته می گردد. 5 / 5 ویژگی های خردمندان (1) 9351. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ویژگی خردمند، آن است که در برابر حماقت نادان، بردباری می کند؛ از آن که بر او ستم کرده، می گذرد؛ نسبت به زیردستان، فروتنی می نماید؛ با بالادستان، در جستجوی خوبی، رقابت می ورزد؛ هر گاه خواست

سخن بگوید، می اندیشد: اگر خوب بود، بر زبان می آورد و بهره می جوید، و اگر بد بود، سکوت می کند و سالم می ماند؛ و اگر لغزشگاهی برایش پیش آمد، از خداوند، سلامت می طلبد و دست و زبان خود را ننگه می دارد؛ و اگر فضیلتی دید، به سرعت از آن بهره می گیرد؛ آزر، از او جدا نمی شود و آزمندی از او آشکار نمی گردد. اینها ویژگی های دهگانه ای است که خردمند با آنها شناخته می شود.

---

1- آیات و احادیث مربوط به ویژگی های خردمندان، به سبب این که از خرد با الفاظ: «عقل»، «لُبّ» و «نُهیه» تعبیر کرده اند، در سه باب (این باب و دو باب پس از آن) دسته بندی شده اند؛ زیرا در هر يك، اثری از آثار خرد مورد توجه قرار گرفته است. البته در فارسی، کلمات مذکور یکسان ترجمه می شوند.

9348. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله \_ في بيان ما يتشعب من العقل \_ : أمّا الرزائة فيتشعب منها: اللطف والحزم ، وأداء الأمانة وترك الخيانة ، وصدق اللسان ، وتحصين الفرج ، واستصلاح المال ، والاستعداد للعدو ، والنهي عن المنكر ، وترك السفه ، فهذا ما أصاب العاقل بالرزائة . فطوبى لمن تفرّ ، ولمن لم تكن له خفة ولا جاهلية ، وعفا وصدفح . (1) 9349. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : إنمّا العاقل من عقل عن الله أمره ونهيّه . (2) 9350. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : العاقل يستريح في وحدته إلى عقله ، والجاهل يتوحش من نفسه ؛ لأنّ صديق كل إنسان عقله ، وعدوه جهله . (3) 9351. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : العاقل لا يكشف إلا عن فضل وإن كان عيباً مهيناً عند الناس . (4) 9352. عنه صلی الله علیه و آله : العاقل كثير الوجل ، قليل الأمانى والأمل . (5) 9353. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام عليّ عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه \_ : العاقل إذا تكلم بكلمة أتبعها حكمةً

ومثلاً ، والأحمق إذا تكلم بكلمة أتبعها حلفاً . (6) .

- 1- . تحف العقول: ص 17 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 118 ح 11 .
- 2- . حلية الأولياء : ج 9 ص 387 عن ذي النون المصري ، الفردوس : ج 3 ص 86 ح 4242 عن ابن عمر وليس فيه «ونهيّه» .
- 3- . كنز الفوائد : ج 2 ص 32 .
- 4- . تاريخ بغداد : ج 13 ص 223 ، المطالب العالية : ج 3 ص 216 ح 3300 نقلاً عن مسند الحارث وكلاهما عن أبي الدرداء .
- 5- . تنبيه الخواطر : ج 2 ص 118 .
- 6- . شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 289 ح 306 .

9354. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در توضیح آنچه از خرد سرچشمه می گیرد: اَمَّا مَتَانَت (سنگینی)، از آن، مهربانی، دوراندیشی، باز گرداندن امانت، ترك خیانت، راستگویی، پاك دامنی، سالم نگه داشتن ثروت، آمادگی در برابر دشمن، باز داشتن از زشتی و کنار نهادن ابله‌ی، سرچشمه می گیرد. اینها، ویژگی هایی است که از متانت، نصیب خردمند می شود. پس خوشا به حال کسی که با وقار باشد و سَبُّكَ سَر و نادان نباشد و ببخشاید و بگذرد! 9355. تاریخ بغداد عن ربعي بن خراش: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همانا خردمند، کسی است که امر و نهی الهی را از او دریافت کند (1) [ و از بصیرت الهی برخوردار باشد]. 9356. سنن ابن ماجه عن سهل بن سعد الساعدي: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خردمند، در تنهایی، با خرد خود، انس می گیرد و نادان، از خویشتن وحشت دارد؛ چرا که دوست هر انسانی، خرد اوست و دشمنش، نادانی او. 9352. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خردمند، جز از فضیلت، پرده بر نمی دارد، هر چند نزد مردم، در مانده و ناتوان باشد. 9353. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خردمند، بسیار در هراس است و آمال و آرزوهایش کم است. 9354. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: خردمند، هر گاه سخنی بگوید،

آن را با سخنی حکیمانه و ضرب المثلی همراه می سازد، و نادان، هر گاه سخن بگوید، آن را با سوگند، همراه می کند. .

9355. تاريخ بغداد ( \_ به نقل از ربعی بن خراش \_ ) عنه عليه السلام \_ أيضًا \_ : العاقل يُنافِسُ الصَّالِحِينَ لِيَلْحَقَ بِهِمْ ، وَيُحِبُّهُمْ لِيُشَارِكَهُمْ بِمَحَبَّتِهِ وَإِنْ قَصَرَ عَنْ مِثْلِ عَمَلِهِمْ . (1) 9356. سنن ابن ماجة ( \_ به نقل از سهل بن سعد ساعدی \_ ) عنه عليه السلام \_ أيضًا \_ : العاقلُ بِخُشُونَةِ الْعَيْشِ مَعَ الْعُقَلَاءِ آتَسُ مِنْهُ بِلِينِ الْعَيْشِ مَعَ السُّفَهَاءِ . (2) 9357. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العاقلُ مَنْ اتَّعَظَ بِغَيْرِهِ . (3) 9358. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العاقلُ يَطْلُبُ الْكَمَالَ ، الْجَاهِلُ يَطْلُبُ الْمَالَ . (4) 9359. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العاقلُ إِذَا عَلِمَ عَمَلًا ، وَإِذَا عَمِلَ أَخْلَصَ ، وَإِذَا أَخْلَصَ اعْتَزَلَ . (6) 9361. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العاقلُ مَنْ اتَّهَمَ رَأْيَهُ وَلَمْ يَتَّقِ بِكُلِّ مَا تَسَوَّلَ لَهُ نَفْسُهُ . (7) 9362. المستدرک علی الصحیحین عن أبي موسى الأشعري : عنه عليه السلام : العاقلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ . (8) 9357. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العاقلُ مَنْ صَانَ لِسَانَهُ عَنِ الْغِيْبَةِ . (9) .

1- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 320 ح 670 .

2- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 340 ح 895 .

3- .غرر الحكم : ح 1284 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 47 ح 1180 .

4- .غرر الحكم : ح 579 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 32 ح 570 و 571 .

5- .غرر الحكم : ح 1391 .

6- .غرر الحكم : ح 1936 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 21 ح 129 .

7- .غرر الحكم : ح 1851 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 55 ح 1424 .

8- .غرر الحكم : ح 2015 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 62 ح 1602 .

9- .غرر الحكم : ح 1955 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 21 ح 128 .

9358. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : خردمند، به نیکان، غبطه می خورد تا به آنان ملحق شود و آنان را دوست می دارد تا با دوستی اش ، با آنان شریک شود، گرچه در عمل، مانند آنان نباشد . 9359. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : خردمند، با زندگی سخت همراه با خردمندان، مأنوس تر است تا با زندگی خوش به همراه ابلهان . 9360. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، آن است که از دیگران عبرت بگیرد . 9361. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند، در جستجوی کمال است و نادان ، در جستجوی ثروت . 9362. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از ابو موسی اشعری \_ ) امام علی علیه السلام : خردمند، آن است که در آن جا که فهمید [ راهی که می رود ، درست نیست ]، بایستد . 9363. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، هر گاه بداند، عمل می کند و هر گاه عمل کند، آن را خالص می سازد، و هر گاه [عمل خود را] خالص ساخت ، کناره می گیرد [ و آن را پنهان نگه می دارد] . 9364. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند، کسی است که رأی خویش را متهم می سازد و به آنچه نفس او برایش می آراید، اعتماد نمی کند . 9365. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند، کسی است که زمام نفس خویش را در هنگام خشم ، رغبت و ترس ، در اختیار خود بگیرد . 9366. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند، کسی است که زبانش را از بدگویی در پشت سر دیگران، نگه ندارد . .

9367. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل إذا سَكَتَ فَكَّرَ ، وإذا نَطَقَ ذَكَرَ ، وإذا نَظَرَ اعتَبَرَ. (1) 9363. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل عدو لذته، الجاهل عبد شهوته. (2) 9364. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل من أَمَاتَ شَهْوَتَهُ. (3) 9365. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل من غَلَبَ نَوَازِعَ أَهْوِيَّتِهِ. (4) 9366. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل من قَمَعَ هَوَاهُ بِعَقْلِهِ. (5) 9367. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ ، الجاهل يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ. (6) 9368. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل يَأْلَفُ مِثْلَهُ ، الجاهل يَمِيلُ إِلَى شِكْلِهِ. (7) 9369. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل من يَزْهَدُ فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَاهِلُ. (8) 9370. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل لا يَفْرُطُ بِهِ عُنْفٌ ، ولا يَقَعُدُ بِهِ ضَعْفٌ. (9) 9371. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ مِمَّا كَانَ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام ) عنه عليه السلام: العاقل من أَحْرَزَ أَمْرَهُ. (10) 9372. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل يَجْتَهِدُ فِي عَمَلِهِ وَيُقَصِّرُ مِنْ أَمَلِهِ. (11) 9373. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقل يَتَّقِضِي نَفْسَهُ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِ ، ولا يَتَّقِضِي لِنَفْسِهِ بِمَا يَجِبُ لَهُ. (12) .

- 1- .غزر الحكم : ح 1813 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 54 ح 1399 .
- 2- .غزر الحكم : ح 448 و 449 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 33 ح 586 و 587 .
- 3- .غزر الحكم : ح 1194 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 45 ح 1126 .
- 4- .غزر الحكم : ح 2181 .
- 5- .غزر الحكم : ح 2198 .
- 6- .غزر الحكم : ح 1240 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 23 و 24 .
- 7- .غزر الحكم : ح 326 و 327 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 39 ح 862 و 863 .
- 8- .غزر الحكم : ح 1523 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 48 ح 1226 .
- 9- .غزر الحكم : ح 1995 .
- 10- .غزر الحكم : ح 1113 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 44 ح 1084 .
- 11- .غزر الحكم : ح 1966 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 59 ح 1497 .
- 12- .غزر الحكم : ح 2066 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 63 ح 1628 .



9368. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که هر گاه سکوت می کند، می اندیشد و هر گاه سخن می گوید، [خدا را] به یاد دارد، و هر گاه می نگیرد، عبرت می گیرد. 9369. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، دشمن خوشی های خویش است و نادان، بنده شهوت خویش. 9370. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، آن است که شهوتش را بمیراند. 9371. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ از جمله سفارش های ایشان به علی علیه السلام \_ ) امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که بر اسباب تمایلات نفسانی اش پیروز گردد. 9372. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که با خرد، هوس خود را ریشه کن سازد. 9373. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، بر تلاش خود تکیه می کند و نادان، بر آرزوهایش. 9374. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، با خردمند، الفت می گیرد و نادان، با نادان. 9375. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که نسبت به آنچه نادان بدان میل می کند، بی رغبت است. 9376. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: زور، خردمند را به زیاده روی و انمی دارد و ناتوانی، او را از کار نمی اندازد. 9374. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که کارش را محکم می سازد. 9375. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، در کارش تلاش می کند و از آرزویش می کاهد. 9376. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، درباره حقوقی که بر او واجب است، از خود، بازخواست می کند و از دیگران در مورد حقوقی که برای او واجب است، بازخواست نمی کند . .

9377. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقِلُ مَنْ تَعَمَّدَ الذَّنُوبَ بِالْغُفْرَانِ. (1) 9378. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقِلُ مَنْ سَلَّمَ إِلَى الْقَضَاءِ وَعَمِلَ بِالْحَزْمِ. (2) 9379. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: العاقِلُ مَنْ بَدَّلَ ذِمَّتَهُ. (3) 9380. الإمام العسكري عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّعْنَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: العاقِلُ يَضَعُ نَفْسَهُ فَيَرْتَفِعُ. (4) 9377. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِنَّ العاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ ، وَالبَّهَائِمَ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ. (5) 9378. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِنَّ العاقِلَ مَنْ نَظَرَ فِي يَوْمِهِ لِعَدُوِّهِ ، وَسَدَّ عَمَى فِي فَكَاكِ نَفْسِهِ ، وَعَمِلَ لِمَا لَا يَبْدُ لَهُ مِنْهُ وَلَا مَحِيصَ لَهُ عَنْهُ. (6) 9379. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِنَّ العاقِلَ لَا يَنْخَدِعُ لِلطَّمَعِ. (7) 9380. امام عسکری علیه السلام ( \_ به نقل از پدرانش علیهم السلام \_ ) عنه عليه السلام: كُلُّ عاقِلٍ مَحْزُونٌ. (8) 9381. الإمام الصادق عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: العاقِلُ مَهْمُومٌ مَغْمُومٌ. (9) 9381. امام صادق علیه السلام ( \_ به نقل از پدرانش علیهم السلام \_ ) عنه عليه السلام: كُلُّ عاقِلٍ مَغْمُومٌ. (10) 9382. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لِلْعاقِلِ فِي كُلِّ عَمَلٍ إِحْسَانٌ ، لِلْجَاهِلِ فِي كُلِّ حَالَةٍ خُسْرَانٌ. (11) .

- 1- غرر الحكم : ح 1697 .
- 2- غرر الحكم : ح 2195 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 67 ح 1702 .
- 3- غرر الحكم : ح 1262 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 28 .
- 4- غرر الحكم : ح 677 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 234 .
- 5- نهج البلاغة : الكتاب 31 ، غرر الحكم : ح 3560 .
- 6- غرر الحكم : ح 3570 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 153 ح 522 .
- 7- غرر الحكم : ح 3424 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 143 ح 3189 .
- 8- غرر الحكم : ح 6846 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 377 ح 6393 .
- 9- غرر الحكم : ح 959 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 31 ح 509 .
- 10- غرر الحكم : ح 6826 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 376 ح 6340 .
- 11- غرر الحكم : ح 7328 و 7329 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 403 ح 6820 و 6821 .

9383. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، کسی است که گناهان را با آمرزش بپوشاند. 9384. حلیة الأولیاء عن أنس: امام على عليه السلام: خردمند، کسی است که تسلیم قضا [ی الهی] شود و با دوراندیشی رفتار کند. 9382. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، کسی است که بخشش کند. 9383. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، خود را كوچك می شمارد؛ پس بزرگ می شود. 9384. حلیة الأولیاء ( \_ به نقل از أنس \_ ) امام على عليه السلام: خردمند، از نصیحت، پند می گیرد و چارپایان، جز با كتك، پند نمی گیرند. 9385. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، کسی است که در آموزش، به فردای خود بنگرد و در رهایی خویش، تلاش کند و برای آنچه از آن بی نیاز نیست و راه فرار ندارد، بکوشد. 9386. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، فریفته آز نمی شود. 9387. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: هر خردمندی اندوهگین است. 9388. عنه صلى الله عليه وآله: امام على عليه السلام: خردمند، گرفته و غمگین است. 9389. صحيح البخاري عن عبد الله بن مسعود: امام على عليه السلام: هر خردمندی، غمگین است. 9390. مسند ابن حنبل عن ثابت البناني عن أنس: امام على عليه السلام: خردمند، در هر کاری، نیکی می کند و نادان، در هر حالی، در زیان است. .

9385. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : رَدَعُ الْهَوَى شِيمَةُ الْعُقَلَاءِ. (1) 9386. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : شِيمَةُ الْعُقَلَاءِ قِلَّةُ الشَّهْوَةِ وَقِلَّةُ الْغَفْلَةِ. (2) 9387. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ثَرَوَةُ الْعَاقِلِ فِي عِلْمِهِ وَعَمَلِهِ ، ثَرَوَةُ الْجَاهِلِ فِي مَالِهِ وَأَمَلِهِ. (3) 9388. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به ابن مسعود \_ ) عنه علیه السلام : ضَالَّةُ الْعَاقِلِ الْحِكْمَةُ ، فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا حَيْثُ كَانَتْ. (4) 9389. صحيح البخارى ( \_ به نقل از عبد الله بن مسعود \_ ) عنه علیه السلام : رَغْبَةُ الْعَاقِلِ فِي الْحِكْمَةِ ، وَهَمَّةُ الْجَاهِلِ فِي الْحَمَاقَةِ. (5) 9390. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از ثابت بناني ، از انس \_ ) عنه علیه السلام : غَنَى الْعَاقِلِ بِحِكْمَتِهِ ، وَعِزُّهُ بِقِنَاعَتِهِ. (6) 9391. صحيح البخاري عن أنس : عنه علیه السلام : غَنَى الْعَاقِلِ بِعِلْمِهِ. (7) 9392. الإمام الباقر عليه السلام : عنه علیه السلام : صَدْرُ الْعَاقِلِ صَدْرٌ نَدِيقٌ سِرٌّ. (8) 9393. الأمامي للطوسي عن عبد الله بن الحسن عن آبائه عليه عن عليه السلام : لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ ، وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ. (9) 9391. صحيح البخارى ( \_ به نقل از انس \_ ) عنه علیه السلام : قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فِيهِ ، وَلِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ. (10) 9392. امام باقر عليه السلام : عنه علیه السلام : كَلَامُ الْعَاقِلِ قَوْتُ ، وَجَوَابُ الْجَاهِلِ سُكُوتٌ. (11).

- 1- غرر الحكم : ح 5402 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4961 .
- 2- غرر الحكم : ح 5776 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 298 ح 5324 .
- 3- غرر الحكم : ح 4708 و 4709 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 218 ح 4276 و 4277 وليس فيه «علمه» .
- 4- غرر الحكم : ح 5896 .
- 5- غرر الحكم : ح 5420 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4970 .
- 6- غرر الحكم : ح 6422 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 348 ح 5895 .
- 7- غرر الحكم : ح 6381 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 347 ح 5867 .
- 8- نهج البلاغة : الحكمة 6 ، غرر الحكم : ح 5875 ، روضة الواعظين : ص 8 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 71 ح 16 .
- 9- نهج البلاغة : الحكمة 40 ، غرر الحكم : ح 7610 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 159 ح 33 ؛ المناقب للخوارزمي : ص 377 ح 395 نقلاً عن الجاحظ عن الإمام علي عليه السلام .
- 10- نهج البلاغة : الحكمة 41 ، غرر الحكم : ح 6774 ؛ المناقب للخوارزمي : ص 376 ح 395 نقلاً عن الجاحظ عن الإمام علي عليه السلام .
- 11- غرر الحكم : ح 7224 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 395 ح 6684 .

9393. الأُمالي ، طوسی ( \_ به نقل از عبد الله بن حسن، از پدرانش علیهم الس ) امام علی علیه السلام :کنار گذاردن هوس، روش خردمندان است .9394. رسول الله صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :ویژگی خردمندان، کمی شهوت و کمی غفلت است .9395. الفردوس عن جابر :امام علی علیه السلام :سرمایه خردمند، در دانش و رفتار اوست و سرمایه نادان ، در ثروت و آرزوی او .9396. سنن أبي داوود عن أبي ذرّ :امام علی علیه السلام :حکمت، گم شده خردمند است . پس هر جا که باشد، بدو سزاوارتر است .9397. الأُمالي للطوسي عن عبدالله بن الصّامت :امام علی علیه السلام :میل خردمند، به حکمت است و آرزوی نادان ، در کارهای احمقانه .9394. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :بی نیازی خردمند ، به حکمت اوست و عزّتش به قناعت او .9395. الفردوس ( \_ به نقل از جابر \_ ) امام علی علیه السلام :بی نیازی خردمند ، به دانش اوست .9396. سنن أبي داوود ( \_ درباره ابو ذر \_ ) امام علی علیه السلام :سینه خردمند ، صندوق اسرار اوست .9397. الأُمالي ، طوسی ( \_ به نقل از عبد الله بن صامت \_ ) امام علی علیه السلام :زبان خردمند ، در پس خرد اوست و خرد نادان ، در پس زبانش .9398. أسد الغابة عن عبدالرحمن بن صفوان :امام علی علیه السلام :خرد نادان ، در دهان اوست و زبان خردمند، در خرد او .9399. بشارة المصطفى عن جابر بن عبدالله الأنصاري ( \_ لِعَطِيَّة العَوْفيّ \_ ) امام علی علیه السلام :سخن خردمند ، خوراك است و پاسخ نادان، سکوت . .

9400. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: غَضِبَ الْجَاهِلُ فِي قَوْلِهِ، وَغَضِبَ الْعَاقِلُ فِي فِعْلِهِ. (1) 9401. درر الأحاديث عن يحيى بن الحسين: عنه عليه السلام: قَطِيعَةُ الْعَاقِلِ لَكَ بَعْدَ نَفَاذِ الْحِيلَةِ فِيكَ. (2) 9398. أسد الغابة ( \_ به نقل از عبد الرحمان بن صفوان \_ ) عنه عليه السلام: مُرُوَّةُ الْعَاقِلِ دِينُهُ، وَحَسْبُهُ أَدَبُهُ. (3) 9399. بشارة المصطفى ( \_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری، خطاب به عط ) عنه عليه السلام: سُلْطَانُ الْعَاقِلِ يَنْشُرُ مَنَاقِبَهُ. (4) 9400. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لَا يَحْلُمُ عَنِ السَّنْفِهِ إِلَّا الْعَاقِلُ. (5) 9401. دُرَرُ الْأَحَادِيثِ ( \_ به نقل از يحيى بن حسين \_ ) عنه عليه السلام: نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ، وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ. (6) 9402. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ لِأَنْسَ \_ ) عنه عليه السلام: اِحْتِمَالٌ مَا يَمُرُّ عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْإِحْتِمَالَ سِتْرُ الْعُيُوبِ، وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ احْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ. (7) 9403. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَا حَقَّرَ نَفْسَهُ إِلَّا عَاقِلٌ، مَا نَقَّصَ نَفْسَهُ إِلَّا كَامِلٌ، مَا أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ إِلَّا جَاهِلٌ. (8) 9404. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: لَا تُعَاتِبِ الْجَاهِلَ فَيَمْتَنِكَ، وَعَاتِبِ الْعَاقِلَ يُحِبِّكَ. (9) 9405. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: كُنْ بَعْدُوكَ الْعَاقِلِ أَوْثَقَ مِنْكَ بِصَدِيقِكَ الْجَاهِلِ. (10) 9406. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (11).

- 1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 43 .
- 2- .غرر الحكم : ح 6788 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 372 ح 6304 .
- 3- .غرر الحكم : ح 9779 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 489 ح 9054 .
- 4- .غرر الحكم : ح 5577 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 283 ح 5098 .
- 5- .غرر الحكم : ح 10734 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 534 ح 9787 .
- 6- .غرر الحكم : ح 9968 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 499 ح 9199 .
- 7- .غرر الحكم : ح 2378 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 84 ح 2039 .
- 8- .غرر الحكم : ح 9469 و 9470 و 9471 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 476 ح 8725 و 8726 و 8727 .
- 9- .غرر الحكم : ح 10215 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 519 ح 9414 .
- 10- .غرر الحكم : ح 7178 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 392 ح 6642 .
- 11- .غرر الحكم : ح 6295 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 339 ح 5781 .

9402. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به انس \_ ) امام علی علیه السلام : خشم نادان ، در سخن او آشکار می شود و خشم خردمند ، در کارهایش . 9403. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : قطع رابطه خردمند با تو ، پس از نبود چاره [ در ادامه پیوند با تو ] است . 9404. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : جوان مردی خردمند ، دینداری اوست و تبار او ، ادب اوست . 9405. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : به قدرت رسیدن خردمند ، صفات نیک او را آشکار می سازد . 9406. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : جز خردمند ، کسی در برابر ابلهان ، بردباری نمی کند . 9407. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نیمی از خردمندی ، بردباری است و نیمه دیگرش ، خود را به غفلت زدن [ در مواردی که اظهار آگاهی زینبار است ] . 9408. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : در برابر آنچه بر تو می گذرد ، بردبار باش ؛ زیرا بردباری ، عیب ها را می پوشاند . به راستی که نیمی از خردمندی ، بردباری است و نیمه دیگرش ، خود را به غفلت زدن . 9409. عنه صلی الله علیه و آله ( \_ عِنْدَمَا سَأَلَهُ رَجُلٌ مِّنَ الْأَعْرَابِ عَنِ نَاسٍ ) امام علی علیه السلام : جز خردمند ، کسی خود را کوچک نمی شمارد ؛ جز کمال یافته ، کسی خود را ناقص نمی بیند ، و جز نادان ، کسی شیفته رأی خود نمی گردد . 9410. الأما لى للطوسى عن أبى حمزة الثمالى عن الإمام الامام علی علیه السلام : نادان را سرزنش منما که تو را دشمن می دارد ، و خردمند را سرزنش کن تا تو را دوست بدارد . (1) 9407. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بر دشمن خردمندت ، بیشتر اعتماد کن تا دوست نادانت . 9408. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : دشمنی خردمند ، بهتر از دوستی نادان است . .

---

1- . این حدیث ، اشاره به ظرفیت های متفاوت نادان و خردمند دارد . نادان ، به جهت کمی ظرفیت ، در برابر سرزنش های خیرخواهانه ، عکس العمل منفی نشان می دهد؛ ولی خردمند ، از آنها استقبال می نماید . م .

9409. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در پاسخ به سؤال مردی بادیه نشین ، درباره مردمان ) عنه علیه السلام : أدركَ النَّاسَ لِحَاجَتِهِ ذُو الْعَقْلِ الْمُتَرَفِّقُ. (1) 9410. الأُمالي ، طوسی ( \_ به نقل از ابو حمزه ثُمالي \_ ) عنه علیه السلام : عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ ، فِيهِ يَأْخُذُ الْعَاقِلُ وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْجَاهِلُ. (2) 9411. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : تَلْوِيحُ زَلَّةِ الْعَاقِلِ لَهُ مِنْ أَمُصِّ عِتَابِهِ. (3) 9412. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : إِذَا لَوَّحْتَ لِلْعَاقِلِ فَقَدْ أَوْجَعْتَهُ عِتَابًا. (4) 9413. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ. (5) 9414. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : التَّعْرِیضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ. (6) 9415. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام \_ فِي الْحِكْمِ الْمَنسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : مِنْ صِدْقَةِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَتَحَدَّثَ بِمَا يُسْتَطَاعُ تَكْذِيبُهُ فِيهِ. (7) 9411. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : كَلَّ الدُّنْيَا عَلَى الْعَاقِلِ ، وَالْأَحْمَقُ خَفِيفُ الظَّهِيرِ. (8) 9412. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ : عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ وَفَاجِرٌ . فَالْعَاقِلُ الدِّينُ شَرِيعَتُهُ ، وَالْحِلْمُ طَبِيعَتُهُ ، وَالرَّأْيُ سَدِّجِيَّتُهُ ، إِنْ سُئِلَ أَجَابَ ، وَإِنْ تَكَلَّمَ أَصَابَ ، وَإِنْ سَمِعَ وَعَى ، وَإِنْ حَدَّثَ صَدَقَ ، وَإِنْ اطمأنَّ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَفِي . وَالْأَحْمَقُ إِنْ اسْتَبْنَهَ بِجَمِيلٍ غَفَلَ ، وَإِنْ اسْتَنْزَلَ عَنْ حَسَنِ نَزَلَ ، وَإِنْ حُمِلَ عَلَى جَهْلٍ جَهَلَ ، وَإِنْ حَدَّثَ كَذَبَ ، لَا يَفْقَهُ ، وَإِنْ فُقِّهَ لَا يَنْفَقَهُ . وَالْفَاجِرُ إِنْ ائْتَمَّنَتْهُ خَانَكَ ، وَإِنْ صَاحَبَتْهُ شَانَكَ وَإِنْ وَثِقْتَ بِهِ لَمْ يَنْصَحَكَ. (9) .

- 1- .غزر الحكم : ح 3325 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 125 ح 2847 .
- 2- .غزر الحكم : ح 6138 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 334 ح 5687 .
- 3- .غزر الحكم : ح 4497 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 201 ح 4085 .
- 4- .غزر الحكم : ح 4103 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 136 ح 3104 .
- 5- .غزر الحكم : ح 6328 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 339 ح 5776 .
- 6- .غزر الحكم : ح 1161 .
- 7- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 289 ح 302 .
- 8- .نثر الدرّ : ج 1 ص 280 .
- 9- .الخصال : ص 116 ح 96 عن ثعلبة بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 9 ح 6 .



9413. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند خوش رفتار، بهتر از دیگران ، به خواسته هایش می رسد .  
 9414. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بر تو باد شکیبایی ؛ چرا که خردمند، بدان چنگ می زند و نادان ، بدان باز می گردد .  
 9415. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از دردناک ترین سرزنش ها برای خردمند، کنایه زدن به لغزش های اوست .  
 9416. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : اگر به خردمند ، کنایه بزنی ، او را به صورتی دردناک، سرزنش کرده ای .  
 9417. أعلام الدین : امام علی علیه السلام : کیفر خردمندان ، با کنایه گفتن [ خطای آنان ] است .  
 9418. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در آله : امام علی علیه السلام : کنایه زدن به خردمند ، بدترین سرزنش برای اوست .  
 9419. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : از نشانه های خردمند، آن است که سخنی را که ممکن است در مورد آن تکذیب شود، بر زبان نمی آورد .  
 9420. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : امام علی علیه السلام : بار دنیا بر [ دوش ] خردمند است و نادان، سبک بار است .  
 9556. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : مردمان ، سه گروه اند : خردمند ، نادان و بدکار . آیین خردمند، دینداری ، سرشت او بردباری ، و خوی او اندیشه کردن است . اگر مورد پرسش واقع شود ، پاسخ می دهد ؛ اگر تکلم کند، به درستی سخن می گوید ؛ اگر گوش کند ، یاد می گیرد ؛ اگر سخن بگوید، راست می گوید ؛ و اگر کسی به وی اعتماد کند ، خواسته اش را روا می سازد .

نادان ، اگر او را از امر نیکویی آگاه کنند ، غفلت می ورزد ؛ اگر از جایگاه نیکویی فرو آورده شود ، فرود می آید ؛ اگر او را به کاری جاهلانه وا دارند ، انجام می دهد ؛ و اگر سخن بگوید، دروغ می گوید . وی خود ، به دنبال آگاهی نمی رود و اگر او را آگاه سازند ، آگاه نمی شود .  
 بدکار را اگر امین بشمری، خیانت می ورزد، و اگر او را همراهی کنی ، رسوایت می سازد، و اگر بدو اعتماد ورزی، برایت خیرخواهی نمی کند . . .

9555. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الحسن عليه السلام: لا يَغُشُّ العَاقِلُ مَنِ اسْتَنَصَحَهُ. (1) 9554. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَخٍ لِي كَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِي عَيْنِي، وَكَانَ رَأْسُ مَا عَظُمَ بِهِ فِي عَيْنِي صِغَرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ . . . كَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ الْجَهَالَةِ، فَلَا يَمُدُّ يَدَهُ إِلَّا عَلَى ثِقَةٍ لِمَنْفَعَةٍ. (2) 9553. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ( \_ در وصف برادرانش که پس از او می آید \_ ) الإمام الحسين عليه السلام: إِذَا وَرَدَتْ عَلَى العَاقِلِ مُلِمَّةٌ قَمَعَ الحُزْنَ بِالحَزْمِ، وَقَرَعَ العَقْلَ لِلاَحْتِيَالِ. (3) 9552. حلیة الأولیاء ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: العَاقِلُ غَفُورٌ، وَالجَاهِلُ خَتُورٌ. (4) 9553. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ في وَصْفِ إِخْوَانِهِ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِهِ ) عنه عليه السلام: صَاحِبُ الفِقْهِ وَالعَقْلِ ذُو كَأَبَةٍ وَحُزْنٍ وَسَهْرٍ. (5) 9552. حلیة الأولیاء عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله ععنه عليه السلام: لَا يُلْسَعُ العَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ. (6) 9551. صحیح مسلم ( \_ به نقل از ابو هُرَیره \_ ) مصباح الشریعة\_ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: العَاقِلُ مَنْ كَانَ ذُلُولًا عِنْدَ إِجَابَةِ الحَقِّ، مُنْصَفًا بِقَوْلِهِ، جَمُوحًا عِنْدَ البَاطِلِ، خَصِيمًا بِقَوْلِهِ، يَتْرُكُ دُنْيَاهُ وَلَا يَتْرُكُ دِينَهُ. (7) 9550. الأُمَالِي، مفید ( \_ به نقل از عوف بن مالک \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: العَاقِلُ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَحَدٍ. (8) .

- 1- .تحف العقول: ص 236، بحار الأنوار: ج 78 ص 109 ح 19 .
- 2- .الكافي: ج 2 ص 237 ح 26، تحف العقول: ص 235، مشكاة الأنوار: ص 421 ح 1417 وفيه «من كلام أمير المؤمنين خطب به الحسن عليهما السلام»، بحار الأنوار: ج 69 ص 294 ح 24 .
- 3- .إحقاق الحق: ج 19 ص 422 نقلاً عن التذكرة الحمدوتية.
- 4- .الكافي: ج 1 ص 27 ح 29 عن مفضل بن عمر، تحف العقول: ص 356، بحار الأنوار: ج 78 ص 269 ح 109 .
- 5- .الكافي: ج 1 ص 49 ح 5، الخصال: ص 194 ح 269 عن سعيد بن علاقة، روضة الواعظين: ص 14 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام وفيهما «... تراه ذا كآبة وحزن» بدل «ذو كآبة وحزن وسهر»، بحار الأنوار: ج 83 ص 195 ح 3 .
- 6- .الاختصاص: ص 245، بحار الأنوار: ج 1 ص 132 ح 29 .
- 7- .مصباح الشريعة: ص 222، بحار الأنوار: ج 1 ص 130 ح 16 .
- 8- .تحف العقول: ص 320، بحار الأنوار: ج 78 ص 233 ح 42 .

9551. صحیح مسلم عن أبي هريرة: امام حسن عليه السلام: خردمند، کسی را که از او خیرخواهی کند، فریب نمی دهد. 9550. الأمايلي للمفيد عن عوف بن مالك: امام حسن عليه السلام: ای مردم! به شما خبر می دهم از برادری که بزرگ ترین مردمان در چشم من بود. مهم ترین چیزی که او را در چشم من بزرگ کرده بود، کوچکی دنیا در چشم او بود. او از سیطره نادانی رهیده بود؛ پس دستش را دراز نمی کرد، مگر با اطمینان به منفعت. 9549. امام باقر علیه السلام: امام حسین علیه السلام: اگر بر خردمند مصیبتی وارد شود، اندوه را با دورانندیشی از میان بر می دارد و خرد را به چاره اندیشی وا می دارد. 9548. المطالب العالیة (به نقل از عون بن مالك) امام صادق علیه السلام: خردمند، بسیار بخشاینده است و نادان، بسیار فریبکار. 9549. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: انسان فهمیده و خردمند، دردمند و غمین و شب زنده دار است. 9548. المطالب العالیة عن عون {-1-} بن مالك: امام صادق علیه السلام: خردمند، از يك سوراخ، دو بار گزیده نمی شود. 9547. الدرّ المنثور (به نقل از انس) مصباح الشریعة در سخنی منسوب به امام صادق علیه السلام: خردمند، در برابر حق، فروتن است و در سخن، انصاف را رعایت می کند و در برابر باطل، سرکش است و با سخن خود، حجّت می آورد. دنیا را رها می کند؛ ولی از دینش دست بر نمی دارد. 9546. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: خردمند، کسی را سبک نمی شمارد. .

9545. العمدة ( \_ به نقل از زيد بن ارقم \_ ) مصباح الشريعة \_ فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام \_ : ... العاقل لا يحدث بما ينكره العقول ، ولا يتعرض للثمة ، ولا يدع مداراة من ابتلي به . (1) 9544. فضائل الصحابة ، ابن حنبل ( \_ به نقل از محدوج بن زيد \_ ) الإمام الكاظم عليه السلام \_ لهشام بن الحكيم \_ : يا هشام ، إن العاقل رضي بالدون من الدنيا مع الحكمة ولم يرض بالدون من الحكمة مع الدنيا ، فلذلك ربحت تجارتهم .

يا هشام ، إن العفلاء تركوا فضول الدنيا فكيف الذنوب ! وترك الدنيا من الفضل ، وترك الذنوب من الفرض . . . .

يا هشام ، إن العاقل لا يكذب وإن كان فيه هواه . . . .

يا هشام ، إن العاقل لا يحدث من يخاف تكذيبه ولا يسأل من يخاف منعه ، ولا يعد ما لا يقدر عليه ، ولا يرجو ما يعنف برجائه ، ولا يقدم على ما يخاف فوته بالعجز عنه . (2) 9547. الدر المنثور عن أنس : عنه عليه السلام \_ أيضًا \_ : يا هشام ، لكل شيء دليل ، ودليل العاقل التفرغ ، ودليل التفكر الصمت . ولكل شيء مطية ، ومطية العاقل التواضع ، وكفى بك جهلاً أن تركب ما نهيت عنه .

يا هشام ، لو كان في يدك جورة وقال الناس : في يدك لؤلؤة ، ما كان ينفك وأنت تعلم أنها جورة ، ولو كان في يدك لؤلؤة وقال الناس : إنها جورة ، ما صرنا وأنت تعلم أنها لؤلؤة .

يا هشام ، ما بعث الله أنبياءه ورسله إلى عباده إلا ليعقلوا عن الله ، فأحسنهم استجابة أحسنهم معرفة لله ، وأعلمهم بأمر الله أحسنهم عقلاً ، وأعقلهم أرفعهم درجة في الدنيا والآخرة .

يا هشام ، ما من عبد إلا وملك أخذ بنصيبه ، فلا يتواضع إلا رفعة الله ولا يتعاطم إلا وضعه الله .

يا هشام ، إن لله على الناس حجتين حجة ظاهرة وحجة باطنة ، فأما الظاهرة فالرسل والأنبياء والأنبياء ، وأما الباطنة فالعقول .

يا هشام ، إن العاقل الذي لا يشغل الحلال شكره ولا يغلب الحرام صبره .

يا هشام ، من سأل ثلاثاً على ثلاث فكاتماً أعان هواه على هدم عقله : من أظلم نور فكره بطول أمليه ، ومحا طرائف حكمته بفضول كلامه ، وأطفأ نور عيرته بشهوات نفسه ، فكاتماً أعان هواه على هدم عقله ، ومن هدم عقله أفسد عليه دينه ودنياه .

يا هشام ، كيف يزكو عند الله عملك وأنت قد شغلت عقلك عن أمر ربك وأطعت هواك على غلبة عقلك !؟

يا هشام ، الصبر على الوحدة علامة قوة العقل ، فمن عقل عن الله تبارك وتعالى اعتزل أهل الدنيا والزائغين فيها ، ورغب فيما عند ربه [ وكان الله ] آنس في الوحشة ، وصاحبه في الوحدة ، وغناه في العيلة ، ومعه في غير عشيرة .

يا هشام ، نصب الخلق لطاعة الله ، ولا نجاة إلا بالطاعة ، والطاعة بالعلم ، والعلم بالتعلم ، والتعلم بالعقل يعتد ، ولا علم إلا من عالم رباني ، ومعرفة العالم بالعقل .

يا هشام ! قليل العمل من العاقل مقبول مضاعف ، وكثير العمل من أهل الهوى والجهل مردود . (3) .

- 
- 1- .مصباح الشريعة: ص 223 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 130 ح 16 .
  - 2- .الكافي : ج 1 ص 17 ح 12 ، تحف العقول : ص 383 كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 141 ح 30 .
  - 3- .تحف العقول : ص 386 ، الكافي : ج 1 ص 16 ح 12 نحوه وفيه «دليل العقل» بدل «دليل العاقل» و «قليل العمل من العالم» بدل «قليل العمل من العاقل» وكلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 138 ح 30 .

9546. رسول الله صلی الله علیه و آله : مصباح الشریعة\_ در سخنی منسوب به امام صادق علیه السلام\_ : خردمند، آنچه را که خردها نپذیرند، بر زبان جاری نمی کند و خود را در معرض اتهام قرار نمی دهد و از مدارا با آن که گرفتارش شده، فروگذاری نمی کند  
9545. العمدة عن زید بن أرقم : امام کاظم علیه السلام\_ خطاب به هشام بن حکم\_ : ای هشام ! خردمند، حکمت را با کمی دنیا پذیراست؛ اما دنیا را با کمی حکمت نمی خواهد . از این رو، تجارتش سودمند است .

ای هشام ! خردمندان، زیادتیی دنیا را رها کردند، چه رسد به گناهان ، با این که ترك دنیا فضیلت است و ترك گناهان، واجب .

ای هشام ! خردمند، دروغ نمی گوید، گرچه میلش به آن باشد .

ای هشام ! خردمند ، با کسی که می ترسد او را دروغگو بشمارد ، سخن نمی گوید ، و از کسی که می ترسد از وی دریغ کند، چیزی نمی خواهد ، و آنچه را در توانش نیست، وعده نمی دهد ، و چیزی را که به سبب آرزو کردنش توبیخ می شود، آرزو نمی کند ، و بر کاری که می ترسد به جهت ناتوانی از دست برود ، اقدام نمی کند . 9544. فضائل الصحابة لابن حنبل عن محدود بن زید : امام کاظم علیه السلام\_ خطاب به هشام بن حکم\_ : ای هشام ! هر چیزی را نشانه ای است و نشانه خردمند ، اندیشه کردن است و نشانه اندیشه کردن، سکوت است، و هر چیزی را مرکبی است و مرکب خردمند، فروتنی است . برای نادانی تو ، همین بس که کاری را که از آن نهی شده ای ، انجام دهی .

ای هشام ! اگر در دست تو گردویی بود و مردم گفتند : «در دست تو دُزی است» و تو می دانی گردوست، [سخن آنان] تو را سودی نمی بخشد، و اگر در دست تو دُزی بود و مردم گفتند: «گردوست»، [ از سخن آنان] آسیبی به تو نمی رسد ، تا زمانی که تو می دانی که دُز است .

ای هشام ! خداوند، پیامبران و رسولان را به سوی مردم مبعوث نکرد، مگر بدان جهت که مردم از خداوند، خرد دریافت کنند [ و از بینش الهی برخوردار گردند] . پس بهترین کسانی که پیامبران را اجابت می کنند، کسانی هستند که خدا را بهتر بشناسند ، و عالم ترین کسان به دستورهای الهی ، آنانی هستند که از خردی نیکوتر برخوردار باشند و برترین جایگاه در دنیا و آخرت، ویژه کسانی است که خردمندترند .

ای هشام ! بنده ای نیست، جز آن که فرشته ای موی جلو سرش را گرفته است . فروتنی نمی کند، مگر آن که خداوند او را بزرگی می بخشد و بزرگی نمی کند، جز آن که خداوند او را پست می گرداند .

ای هشام ! خداوند بر مردم ، دو حجّت دارد: حجّتی آشکار و حجّتی پنهان . حجّت آشکار، رسولان ، انبیا و امامان اند و حجّت پنهان، خردهایند .

ای هشام ! خردمند ، کسی است که انجام دادن کارهای حلال، او را از شکرگزاری ، باز ندارد و کارهای حرام بر شکیبایی اش غالب نشود .

ای هشام ! هر که سه چیز را بر سه چیز مسلط گرداند، گویا هوای نفسش را بر نابودی خردش یاری داده است : آن که روشنی اندیشه را با آرزوهای دراز، تاریک سازد ؛ با سخن گفتن بسیار، حکمت های نغز خود را

محو سازد، و چراغ عبرتش را با شهوات نفسانی اش خاموش کند . چنین کسی، گویی هوای نفس را بر نابودی خردش یاری داده است و آن که خرد خویش را تباه کند، دین و دنیایش را تباه کرده است .

ای هشام ! چگونه کردارت در نزد خدا شایسته باشد ، با آن که خردت را از دستورهای پروردگار، باز داشتی و هوای نفس را در پیروزی بر خردت ، اطاعت کردی؟!!

ای هشام ! شکیبایی بر تنهایی ، نشانه توانمندی خرد است . پس هر کس از خداوند ، خرد دریافت کند [ 1 ] و از بصیرت

الهی برخوردار شود[ ، از دنیا طلبان و اهل دنیا کناره می گیرد و به آنچه نزد پروردگار است، رغبت می کند ؛ و خداوند، مونس او در وحشت، و یار او در تنهایی، و سرمایه او در تنگ دستی، و عزیز کننده او بدون خویشاوند ، خواهد بود .

ای هشام ! خَلق برای طاعت (اطاعت) خدا آفریده شده اند و هیچ نجاتی جز در طاعت نیست. طاعت ، به دانش، و دانش ، به آموزش، و آموزش ، به خرد، گره خورده است و دانش، جز از عالم ربّانی به دست نمی آید و شناخت عالم [ربّانی] ، با خرد به دست می آید .

ای هشام ! کار [ نیکوی] کم ، از خردمند ، پذیرفته است و [ پاداش آن، ] چند برابر می شود و کار [ نیکوی ] بسیار، از هوس پرستان و نادانان ، پذیرفته نیست . .











5 / 6 صفات أولي النهي الكتاب «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَدَّ لَكُمْ فِيهَا سُدُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى \* كُلُوا وَارْزُقُوا أَنْعَمَ مَكُومًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى » . (1)

« أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْ كِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى » . (2)

الحديث 9541. فضائل الصحابة لابن حنبل عن عمر بن عبد الله عن أبي الإمام الباقر عليه السلام: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن خيركم أولو النهي . (3)

قيل: يا رسول الله، ومن أولو النهي؟

قال: هم أولو الأخلاق الحسنة والأحلام الرزينة وصدمة الأرحام، والبررة بالأمهات والآباء، والمتعاهدون (4) للفقراء والجيران واليتامى، ويطعمون الطعام، ويفشون السلام في العالم، ويصلون والناس نياماً غافلون. (5).

1- طه: 53 و 54 .

2- طه: 128 .

3- النهي: هي العقول والألباب، واحدها نهيّة، بالضم؛ سميت بذلك لأنها تنهى صاحبها عن القبيح (النهاية: ج 5 ص 139).

4- في الطبعة المعتمدة: «المتعاهدين» والتصحيح من وسائل الشيعة (ج 15 ص 191 ح 20249) وبحار الأنوار.

5- الكافي: ج 2 ص 240 ح 32، بحار الأنوار: ج 60 ص 71 .

**5 / 6 ویژگی های خردمندان**

5 / 6 ویژگی های خردمندان (1) قرآن «... همان خداوندی که زمین را برایتان آرامگاه ساخت ، و برای شما در آن ، راه هایی پدید آورد، و از آسمان آبی فرود آورد . پس به وسیله آن، رُستنی های گوناگون را جفت جفت، بیرون آوردیم. بخورید و دام هایتان را بچرانید که قطعاً در اینها برای خردمندان، نشانه هایی است» .

«آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [ اینک ] در سراهای آنان راه می روند ؟ به راستی که برای خردمندان در این [امر] ، نشانه هایی [عبرت آموز] است» .

حدیث 9537. العمدة عن أنس : امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : «بهترین شما ، خردمندان هستند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا! خردمندان کیستند ؟

فرمود: «آنان، کسانی هستند که از اخلاق نیکو برخوردارند ، بردبار و باوقارند ، به خویشان رسیدگی می کنند و به پدران و مادران، نیکی روا می دارند ، به تهی دستان و همسایگان و یتیمان سرکشی می کنند، اطعام می کنند ، سلام را در جهان آشکار می کنند ، و هنگامی که خواب مردمان را ر بوده و در غفلت اند، آنان نماز می گزارند» .

---

1- . خرد را در عربی ، از آن جهت «نُهَيْة» گویند که آدمی را از زشتی ، باز می دارد . گفتنی است که آیات و احادیث این باب ، از خردمندان ، به «اولو النُهَى» تعبیر کرده اند ؛ اما چنان که پیش تر (ص 405 پ 1) گفته شد ، این تعبیر، همانند تعابیر مشابه دیگر ، به «خردمندان» ترجمه می شود .

9536. تفسير القمّي : جامع الأحاديث: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُكُمْ أَوْلُو النَّهْيِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَنْ أَوْلُو النَّهْيِ؟

فَقَالَ: أَوْلُو النَّهْيِ، أَوْلُو الْأَحْلَامِ الصَّادِقَةِ وَالْأَخْلَاقِ الطَّاهِرَةِ، الْمُطْعَمُونَ الطَّعَامَ، وَالْمُفْشُونَ السَّلَامَ، وَالْمُتَهَجِّدُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا.  
(1) 9536. تفسير القمّي : الإمام علي عليه السلام : فِي تَصَارِيفِ الْقَضَاءِ عِبْرَةٌ لِأَوْلِي الْأَلْبَابِ وَالنَّهْيِ. (2) 9535. تفسير القمّي ( \_ دربارہ آیه { Q } « ... کہ از خانہ های خودتان بخور ) عنه عليه السلام : شِيمَةُ ذَوِي الْأَلْبَابِ وَالنَّهْيِ الْإِقْبَالُ عَلَى دَارِ الْبَقَاءِ وَالْإِعْرَاضُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ ، وَالتَّوَلُّهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى. (3) 9534. الطبقات الكبرى ( \_ به نقل از محمد بن عمر بن علی عليه السلام \_ ) عنه عليه السلام : حُبُّ الْعِلْمِ وَحُسْنُ الْحِلْمِ وَلِزُومُ الثَّوَابِ مِنْ فَضَائِلِ أَوْلِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ. (4) 9533. الأمالی ، طوسی ( \_ به نقل از سعد بن حذيفة بن یمان ، از پدرش \_ ) عنه عليه السلام : فِي إِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ تَنَافُسُ أَوْلِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ. (5) 9535. تفسير القمّي ( \_ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : { Q } « أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ ب ) عنه عليه السلام : ضَرْبُ الْأَمْثَالِ تُضْرَبُ لِأَوْلِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ. (6) 9534. الطبقات الكبرى عن محمد بن عمر بن علي : عنه عليه السلام : مَنْ اسْتَشَارَ ذَوِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ فَازَ بِالْحَزْمِ وَالسَّدَادِ. (7) 9533. الأمالی للطوسي عن سعد بن حذيفة بن اليمان عن أبيه عنه عليه السلام : مَنْ شَاوَرَ ذَوِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ فَازَ بِالنُّجْحِ وَالصَّوَابِ. (8) .

1- .جامع الأحاديث للقمّي : ص 215 ، بحار الأنوار: ج 61 ص 190 ح 57.

2- .غرر الحكم : ح 6467 .

3- .غرر الحكم : ح 5791 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 297 ح 5305 .

4- .غرر الحكم : ح 4879 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4434 .

5- .غرر الحكم : ح 6494 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 354 ح 5976 .

6- .غرر الحكم : ح 5908 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 310 ح 5461 .

7- .غرر الحكم : ح 8913 .

8- .غرر الحكم : ح 8641 .

9532. مسند أبي يعلى ( \_ به نقل از انس \_ ) جامع الأحاديث : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بهترین شما ، خردمندان هستند» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! خردمندان کیستند ؟

فرمود : «خردمندان ، کسانی هستند که خردهایی درست ، و اخلاقی خوش دارند ، اطعام می کنند ، سلام را آشکار می کنند ، و هنگامی که مردمان خواب اند ، به شب زنده داری مشغول اند» . 9531. السيرة النبوية ، ابن هشام ( \_ به نقل از ابن اسحاق \_ ) امام علی علیه السلام : در دگرگونی حوادث ، پندهایی برای خردمندان است . 9530. السيرة النبوية ، ابن هشام ( \_ به نقل از ابن اسحاق \_ ) امام علی علیه السلام : خوی خردمندان ، روی آوردن به زندگی پایدار و دوری جستن از زندگی فانی و دل دادگی به اقامتگاه بهشتی است . 9532. مسند أبي يعلى عن انس : امام علی علیه السلام : دانش دوستی ، بردباری و در پی ثواب بودن ، از فضیلت های خردمندان است . 9531. السيرة النبوية لابن هشام عن ابن اسحاق : امام علی علیه السلام : خردمندان ، برای خالص کردن کارها رقابت می کنند . 9530. السيرة النبوية لابن هشام عن ابن اسحاق : امام علی علیه السلام : ضرب المثل ها ، برای خردمندان آورده می شوند . 9529. الطبقات الكبرى ( \_ به نقل از صدمرة بن سعید \_ ) امام علی علیه السلام : آن که با خردمندان مشورت کند ، به دوراندیشی و محکم کاری دست می یابد . 9528. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : آن که با خردمندان مشورت کند ، به پیروزی و درستی دست می یابد . .

5 / 7 صفات أولي الألباب بالكتاب «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ \* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَطَلًا سُبْحًا نَكَرًا فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» . (1)

«فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» . (2)

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» . (3)

الحديث 9524. المُحَبَّر ( \_ در یادکرد از برادری میان یاران پیامبر پیش از هج ) رسول الله صلى الله عليه وآله : اللَّيْبُ مَنْ اسْتَعْلَلَ بِدِينِهِ عَن كُلِّ أَحَدٍ . (4) 9525. السيرة الحلبية : الإمام علي عليه السلام : الرَّفْقُ مِفْتَاحُ الصَّوَابِ وَشِيْمَةُ ذَوِي الْأَلْبَابِ . (5) 9524. المُحَبَّر ( \_ في ذِكْرِ مُوَاحَاةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِ ) عنه عليه السلام : لَا أَشْجَعُ مِنْ لَيْبٍ . (6) 9523. المناقب ، ابن شهر آشوب ( \_ به نقل از ابن عباس و دیگران ) عنه عليه السلام : لَا تَكْمُلُ الْمَرْؤَةُ إِلَّا لِلَّيْبِ . (7) .

1- آل عمران : 190 و 191 .

2- الزمر : 17 و 18 .

3- يوسف : 111 .

4- تنبيه الخواطر : ج 2 ص 118 .

5- غرر الحكم : ح 1746 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1363 .

6- غرر الحكم : ح 10591 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9724 .

7- غرر الحكم : ح 10609 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 537 ح 9883 .



**5 / 7 ویژگی های خردمندان**

5 / 7 ویژگی های خردمندان (1) قرآن «مسلمًا در آفرینش آسمان ها و زمین ، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز ، برای خردمندان ، نشانه هایی [قانع کننده] است» .

«همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده ، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [ومی گویند که:] پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده ای ؛ منزهی تو! پس ، ما را از عذاب آتش [دوزخ] در امان بدار» .

«پس بشارت بده به آن بندگان من که به سخن ، گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند . اینان اند که خدا آنان را راه نموده و اینان اند همان خردمندان» .

«به راستی ، در سرگذشت آنان ، برای خردمندان ، عبرتی است» .

حدیث 9520. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمند ، آن است که به دین خود ، چندان بپردازد که از دیگران فارغ باشد . 9519. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نرمی ، کلید دستیابی به درستی و خوی خردمندان است . 9518. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از خردمند ، شجاع تر وجود ندارد . 9517. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : جوان مردی ، جز برای خردمندان ، به کمال نمی رسد .

---

1- . خرد را در عربی ، از آن جهت «لُبّ» گویند که مغز و حقیقت انسان است و بدون آن ، انسان از انسانیت ، توخالی خواهد بود. گفتنی است که آیات و احادیث این باب ، از خردمندان به «اولو الألباب» تعبیر کرده اند ؛ اما چنان که پیش تر (ص 405 پ 1) گفته شد ، فارسی این تعبیر ، همانند تعبیر دیگر ترجمه می شود .

9519. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : ناظِرُ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ ، وَيَعْرِفُ غَوْرَهُ وَنَجْدَهُ. (1) 9518. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَنْ اسْتَعَانَ بِدَوِي الْأَبَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ. (2) 9517. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الْأَوَّانَ اللَّيْبَ مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ بِفِكْرِ صَائِبٍ وَنَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ. (3) 9516. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : إِنَّمَا اللَّيْبُ مَنْ اسْتَسَلَّ الْأَحْقَادَ. (4) 9516. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ يَرْغَبُ فِي التَّكْثُرِ مِنَ الْأَصْحَابِ كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْعُلَمَاءَ الْأَلْبَاءَ الْأَتْقِيَاءَ ، الَّذِينَ يَغْنَمُ فَضَائِلَهُمْ ، وَتَهْدِيهِ عُلُومُهُمْ ، وَتُرِيئُهُ صُحْبَتُهُمْ ! (5) 9515. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيْبِ حَيَاةُ الرُّوحِ. (6) 9514. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الباقر عليه السلام \_ لِجَابِرٍ \_ : يَا جَابِرُ . . . أَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَا نَزَلَ نَزْلَتُهُ ثُمَّ ارْتَحَلَتْ عَنْهُ . . . لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّبِّ وَالْعِلْمِ بِاللَّهِ كَفِيءُ الظَّلَالِ. (7) 9513. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّمَا أَوْلُو الْأَبَابِ الَّذِينَ عَمِلُوا بِالْفِكْرَةِ حَتَّى وَرَثُوا مِنْهُ حُبَّ اللَّهِ. (8) 9512. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الكاظم عليه السلام \_ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ \_ : يَا هَشَامُ ، إِنَّ الْعَاقِلَ اللَّيْبَ مَنْ تَرَكَ مَا لَا طَاقَةَ لَهُ بِهِ. (9) .

- 1- نهج البلاغة: الخطبة 154، غرر الحكم: ح 9986 وفيه «رشد» بدل «أمد»، بحار الأنوار: ج 29 ص 600 ح 20 .
- 2- غرر الحكم: ح 8912 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 463 ح 8418 .
- 3- غرر الحكم: ح 2778 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 108 ح 2390 .
- 4- غرر الحكم: ح 3868 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 178 ح 3660 .
- 5- غرر الحكم: ح 6277 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 330 ح 5664 .
- 6- غرر الحكم: ح 5842 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 301 ح 5348 .
- 7- الكافي: ج 2 ص 133 ح 16 ، الأمالي لطلحوسي: ص 296 ح 582 نحوه وكلاهما عن جابر ، بحار الأنوار: ج 73 ص 36 ح 17 .
- 8- مختصر بصائر الدرجات: ص 122 ، كفاية الأثر: ص 253 كلاهما عن يونس بن ظبيان ، بحار الأنوار: ج 70 ص 25 ح 26 .
- 9- تحف العقول: ص 399 ، بحار الأنوار: ج 1 ص 156 ح 30 .

9515. عنه صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : چشم دل خردمند، پایان خویش را می بیند و فراز و نشیب آن را می شناسد

9514. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : آن که از خردمندان کمک بجوید، راه رشد را می پیماید. 9513. عنه صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : آگاه باشید! خردمند، کسی است که با اندیشه درست ، به استقبال آرای گوناگون برود و در عواقب بنگرد . 9512. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : همانا خردمند ، کسی است که کینه ها را به نرمی بر کند . 9511. بحار الأنوار ( \_ به نقل از ابو هُرَیره \_ ) امام على عليه السلام : در شگفتم از کسی که به دنبال یاران بسیار است؛ اما با دانشمندان صاحب خرد و پارسا مصاحبت نمی کند؛ کسانی که از خصلت هایشان سود می برد ، دانش آنان هدایتش می کند و همنشینی با آنان، او را می آراید . 9510. صحيح البخاری ( \_ به نقل از ابو هُرَیره \_ ) امام على عليه السلام : همنشینی با دوست خردمند ، حیات جان است . 9509. مُسند أبي يعلى ( \_ به نقل از انس بن مالك \_ ) امام باقر عليه السلام \_ خطاب به جابر \_ : ای جابر! دنیا را به سان منزلگاهی بدان که در آن فرود می آیی و از آن کوچ می کنی ؛ زیرا دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان، مانند جابه جایی سایه است . 9508. امام صادق عليه السلام : امام صادق عليه السلام : همانا خردمندان، کسانی هستند که به اندیشه پرداختند ، تا این که از آن، دوستی خدا را به دست آوردند . 9507. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام کاظم عليه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام! خردمند آگاه، کسی است که کاری را که یارای آن را ندارد، رها می سازد . .

5 / 8 علامات كمال العقل 9509. مسند أبي يعلى عن أنس بن مالك : رسول الله صلى الله عليه وآله : قَسَمَ اللهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ ، فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلٌ لَعَقْلُهُ ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ : حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ ، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ ، وَحُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ . (1) 9508. الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : لَمْ يُعْبَدِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ، وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يَجْتَمِعَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ : الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ ، يَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ ، وَيَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ ، وَلَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عُمُرِهِ ، وَلَا يَنْبَرِّمُ بِطُلَّابِ الْحَوَائِجِ قَبْلَهُ ، الذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ ، وَالْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى ، نَصِييُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ ، وَالْعَاشِرَةُ وَمَا الْعَاشِرَةُ : لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ : هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَأَتَقَى .

إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ فَرَجُلٌ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى وَآخَرٌ هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى ، فَإِذَا رَأَى مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَأَتَقَى تَوَاضَعَ لَهُ لِيَلْحَقَ بِهِ ، وَإِذَا لَقِيَ الَّذِي هُوَ شَرٌّ مِنْهُ وَأَدْنَى قَالَ : عَسَى خَيْرٌ هَذَا بَاطِنٌ ، وَشَرٌّ ظَاهِرٌ ، وَعَسَى أَنْ يُخْتَمَ لَهُ بِخَيْرٍ ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ عَلَا مَجْدُهُ وَسَادَ أَهْلَ زَمَانِهِ . (2) 9507. رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : مَا عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ، وَمَا تَمَّ عَقْلٌ أَمْرِيَّ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ سِتَّةٌ : الْكُفْرُ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونَانِ ، وَالرُّشْدُ وَالْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولَانِ ، وَفَضْلُ مَالِهِ مَبْدُولٌ ، وَفَضْلُ قَوْلِهِ مَكْفُوفٌ ، وَنَصِييُهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوْتُ ، لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ دَهْرُهُ ،

الذُّلُّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مَعَ اللَّهِ مِنَ الْعِزِّ مَعَ غَيْرِهِ ، وَالتَّوَاضُّعُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الشَّرْفِ ، يَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِهِ ، وَيَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ مِنْ نَفْسِهِ ، وَيَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ خَيْرًا مِنْهُ ، وَإِنَّهُ شَرُّهُمْ فِي نَفْسِهِ ، وَهُوَ تَمَامُ الْأَمْرِ . (3) .

1- تحف العقول : ص 54 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 56 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 26 ، روضة الواعظين : ص 7 ، جامع الأخبار : ص 520 ح 1480 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 158 ح 145 ؛ حلية الأولياء : ج 1 ص 21 ، الفردوس : ج 3 ص 209 ح 4592 كلاهما عن أبي سعيد .

2- الخصال : ص 433 ح 17 عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام ، علل الشرائع : ص 115 ح 11 ، تحف العقول : ص 443 عن الإمام الرضا عليه السلام من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه ، روضة الواعظين : ص 12 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 1 ص 108 ح 4 .

3- الكافي : ج 1 ص 18 ح 12 ، تحف العقول : ص 388 كلاهما عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 140 ح 30 .

**5 / 8 نشانه های کمال خرد**

5 / 8 نشانه های کمال خرد 9504. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در ماجرای حَولاء \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، خرد را سه قسمت کرده است . هر که این سه قسمت در او باشد، خردش کامل است و هر که در او هیچ نباشد، خردمند نیست : شناختی نیکو از خداوند ، پیروی نیکو از او، و پایداری شایسته بر فرمانش . 9503. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند با چیزی شایسته تر از خرد، عبادت نشد و مؤمن، خردمند نیست، مگر آن که ده فضیلت در او جمع شود : خوبی از او امید برود ، و بدی از او انتظار نرود ؛ خوبیِ اندکِ دیگران را زیاد بشمرد ، و خوبی های بسیارِ خود را کم بشمرد ؛ در سراسر زندگی اش از دانش طلبی خسته نگردد ؛ از رفت و آمد نیازمندان به نزد خویش، دل تنگ نشود؛ خواری در نزد او دوست داشتنی تر از عزّت باشد ؛ فقر را بهتر از ثروتمندی دوست بدارد ؛ بهره او از دنیا قوت (نیازمندی های ضروری زندگی) باشد ؛ و اما دهم \_ و چیست دهم؟! \_ کسی را نبیند، جز آن که بگوید : او از من بهتر و پارسا تر است .

همانا مردمان ، دو دسته اند : دسته ای که از مؤمن ، بهتر و پارسا ترند و دسته ای دیگر، که بدتر از او و پایین تر از وی اند . پس هنگامی که مؤمن ، بهتر و پارسا تر از خود را ببیند، در برابر او فروتنی می کند تا به او برسد ، و هنگامی که بدتر و پایین تر از خود را ببیند، می گوید : شاید خوبی اش پنهان است و بدی اش آشکار ، و شاید پایان کارش به خیر ختم شود . هر گاه چنین کند، عظمتش افزایش می یابد و بر مردم زمانش سَروری می کند . 9502. امام علی علیه السلام ( \_ در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله \_ ) امام علی علیه السلام : خداوند با چیزی برتر از خرد، عبادت نشد ، و خرد کسی کامل نمی شود، مگر در او خصلت هایی باشد : کفر و بدی از او انتظار نرود ، و رشد و خوبی از او امید برود ؛ زیادی ثروتش را ببخشد و زیادی سخن

خود را نگه بدارد ؛ بهره او از دنیا تنها قوت (نیازمندی های ضروری زندگی) باشد و در طول زندگی ، از دانش ، سیر نشود ؛ خواری را با بودن با خداوند از عزّت با بودن با دیگران، بیشتر دوست بدارد ؛ فروتنی ، در نزد او ، دوست داشتنی تر از بزرگی باشد ؛ خوبیِ اندکِ دیگران را بسیار ، و خوبیِ بسیارِ خود را کم بشمرد ؛ و همه مردم را از خودش بهتر ، و خود را بدتر از همه بداند، و این، مهم ترین خصلت است .

9506. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مِنْ كَمَالِ عَقْلِكَ اسْتَظْهَارُكَ عَلَى عَقْلِكَ. (1) 9505. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَنْ قَوِيَ عَقْلُهُ أَكْثَرَ الإِعْتِبَارِ. (2) 9504. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ فِي قِصَّةِ الحَوْلَاءِ \_ ) عنه عليه السلام : مَنْ كَمُلَ عَقْلُهُ حَسَّنَ عَمَلَهُ وَنَظَرَهُ إِلَى دِينِهِ. (3) 9503. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام \_ فِي الحِكْمِ المَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ \_ : مَثَلُ الإِنْسَانِ الحَصِيفِ (4) مَثَلُ الجِسْمِ الصُّلْبِ الكَثِيفِ ، يَسْخُنُ بَطِينًا ، وَتَبْرُدُ تِلْكَ السُّخُونَةُ بِأَطْوَلَ مِنْ ذَلِكَ الزَّمَانِ. (5) 9502. الإمام علي عليه السلام ( \_ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ ) عنه عليه السلام : مَنْ كَمُلَ عَقْلُهُ اسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ. (6) 9501. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : إِذَا كَمُلَ العَقْلُ نَقَصَتِ الشَّهْوَةُ. (7) 9500. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : إِذَا تَمَّ العَقْلُ نَقَصَ الكَلَامُ. (8) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 9421 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 473 ح 8675 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 8303 .
  - 3- .الخصال : ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 112 ح 1 .
  - 4- .الحصيف : الرجل المُحَكَّمُ العَقْلُ (لسان العرب : ج 9 ص 48) .
  - 5- .شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 275 ح 181 .
  - 6- .غرر الحكم : ح 8226 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7813 .
  - 7- .غرر الحكم : ح 4054 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 134 ح 3034 .
  - 8- .نهج البلاغة : الحكمة 71 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 159 ح 34 ؛ مطالب السؤول : ص 57 ، مائة كلمة للجاحظ : ص 54 ح 38 .

9499. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از کمال خردمندی تو، یاری خواستن تو برای خردت است. 9498. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به ابوذر \_ ) امام علی علیه السلام : آن که خردش نیرومند باشد، بسیار عبرت می آموزد. 9497. الإخوان ( \_ به نقل از حَسَن {-1-} \_ ) امام علی علیه السلام : آن که خردش کامل باشد، رفتار و نگاهش به دین، نیکو می شود. 9496. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : انسان خردمند، مانند جسم سخت و پُر است: به کُندی داغ می شود و حرارتش در زمانی طولانی تر از بین می رود. 9501. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که خردش کامل باشد، شهوت ها را سبک می شمارد. 9500. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هنگامی که خرد کامل شود، شهوت ، کم می گردد. 9499. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هنگامی که عقل کامل شود، سخن ، کم می شود. . .

9498. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ لِأَبِي ذَرٍّ \_ ) عنه عليه السلام : الْعَقْلُ الْكَامِلُ قَاهِرٌ لِلطَّبَعِ السَّوِّءِ. (1) 9497. الإخوان عن الحسن : عنه عليه السلام : كَلَّمَا أَزْدَادَ عَقْلِ الرَّجُلِ قَوِيَّ إِيمَانُهُ بِالْقَدْرِ وَاسْتَحْفَتَّ بِالْغَيْرِ. (2) 9496. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : إِزْرَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ بُرْهَانُ رِزَانَةِ عَقْلِهِ ، وَعُنْوَانٌ وَفُورٌ فَضْلِهِ. (3) 9495. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ. (4) 9494. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : تَمَامُ الْعَقْلِ اسْتِكْمَالُهُ. (5) 9493. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : بَتَرَكُ مَا لَا يَعْنِيكَ يَتِمُّ لَكَ الْعَقْلُ. (6) 9492. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام \_ فِي وَصْفِ سَالِكِ الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ \_ : قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَ نَفْسَهُ ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ ، وَأَطْفَ غَلِيظُهُ وَبَرَقَ لَهُ لَامِعٌ كَثِيرُ الْبَرَقِ ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ ، وَسَلَّمَكَ بِهِ السَّبِيلَ ، وَتَدَافَعَتَهُ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ ، وَدَارَ الْإِقَامَةِ ، وَثَبَّتَ رِجْلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنِيهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبُهُ ، وَأَرْضَى رَبَّهُ. (7) 9491. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام زين العابدين عليه السلام : كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ. (8) 9495. رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : كَمَالُ الْعَقْلِ فِي ثَلَاثَةٍ : التَّوَاضُّعُ لِلَّهِ ، وَحُسْنُ الْيَقِينِ ، وَالصَّمْتُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ. (9) .

- 1- مطالب السؤل : ص 49 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 6 ح 58 .
- 2- غرر الحكم : ح 7202 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 396 ح 6716 .
- 3- غرر الحكم : ح 2006 .
- 4- غرر الحكم : ح 6375 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 348 ح 5900 .
- 5- غرر الحكم : ح 4464 .
- 6- غرر الحكم : ح 4291 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 189 ح 3885 .
- 7- نهج البلاغة : الخطبة 220 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 316 ح 34 .
- 8- الكافي : ج 1 ص 20 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 390 كلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام .
- 9- الاختصاص : ص 244 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 25 .



9494. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد کامل، بر سرشت بد، پیروز می گردد. 9493. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هر چه خرد آدمی نیرومندتر شود، ایمان وی به قضا و قدر افزایش می یابد و حوادث روزگار را سبک تر می شمرد. 9492. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خود را کم شمردن، نشانه متانت (سنگینی) خرد است و علامت فراوانی فضیلت. 9491. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نهایت خردمندی، اعتراف به نادانی است. 9490. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : کمال خرد، تلاش برای کامل کردن آن است. 9489. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : با کنار نهادن کارهای بی سود، خردت کمال می یابد. 9488. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در توصیف سالک به سوی خدای سبحان \_ : [سالک،] خردش را زنده گردانید و نفسش را میرانید تا پیکر سستبرش لاغر شد و دل سختش به لطافت گرایید. فروغی سخت روشن، بر او تابید و راهش را روشن ساخت و او را به راه راست، روان داشت. و درها او را به آستان سلامت و سرای اقامت راندند و به سبب آرامشی که در بدنش پدید آمده بود، پاهایش در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار ماند؛ زیرا دل خود را به کار وا داشت و پروردگارش را خشنود ساخت. 9487. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام سجاد علیه السلام : از نشانه های خردمندی، آزار نرساندن است. 9486. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : کمال خرد، به سه چیز است : فروتنی برای خدا، یقین نیکو، و خاموشی گزیدن جز در خوبی ..

9485. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام الكاظم عليه السلام \_ لهشام بن الحکم \_ : يا هشام ، الصبر على الوحدة علامة قوة العقل ، فمن عقل عن الله اعتزل أهل الدنيا والراغبين فيها ، ورغب فيما عند الله ، وكان الله أنسه في الوحشة ، وصاحبه في الوحدة ، وغناه في العيلة ، ومعه من غير عشيرة . (1) 5 / 9 عقل الناس 9490. عنه صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : أكمل الناس عقلاً أطوعهم لله وأعملهم بطاعته . (2) 9489. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : أكمل الناس عقلاً أخوفهم لله وأطوعهم له . (3) 9488. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : أحسنكم عقلاً - أوزعكم عن محارم الله وأعملكم (4) بطاعة الله . (5) 9487. عنه صلى الله عليه وآله : تنبيه الخواطر : قال صلى الله عليه وآله : إن لله تعالى خواصاً من خلقه يسكنهم الرفيع الأعلى من الجنان لأنهم كانوا أعتلهم في الدنيا .

قيل : وكيف كانوا ؟

قال : كانت هممتهم المسارعة إلى ربهم فيما يرضيه ، فهانت الدنيا عليهم ولم يرغبوا في فضولها ، فصبروا قليلاً واستراحوا طويلاً . (6) 9486. عنه صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : ألا - وإن أعتل الناس عبد عرف ربه فأطاعه ، وعرف عدوه فعصاه ، وعرف دار إقامته فأصلحها ، وعرف سرعة رحيله فتزود لها . (7) .

- 
- 1- الكافي : ج 1 ص 17 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول : ص 387 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 301 ح 1 .
  - 2- تاريخ بغداد : ج 13 ص 40 ح 6997 عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام .
  - 3- تحف العقول : ص 50 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 154 ح 126 .
  - 4- فيالمصدر : «وأعلمكم» والصحيح ما أثبتناه كما في سبل الهدى والرشاد : ج 9 ص 330 وفتح القدير : ج 2 ص 484 .
  - 5- الدر المنثور : ج 4 ص 404 نقلاً عن الحاكم في التاريخ عن ابن عمر .
  - 6- تنبيه الخواطر : ج 2 ص 214 ، إرشاد القلوب : ص 15 ، تيسير المطالب : ص 366 نحوه ؛ حلية الأولياء : ج 1 ص 17 عن البراء بن عازب نحوه .
  - 7- أعلام الدين : ص 337 ح 15 عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج 77 ص 179 ح 15 .

**5 / 9 خردمندترین انسان**

9485. عنه صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام! بر تنهایی شکبیا بودن ، نشانه نیرومندی خرد است . پس ، آن که از خداوند شناخت پیدا کند، از دنیا طلبان و دنیا دوستان ، کناره می گیرد و به آنچه نزد خداوند است، میل می نماید و خداوند، مونس او در وحشت ، همراهش در تنهایی، سرمایه اش در تنگ دستی، و عزیز کننده او در نبود تبار و قبیله خواهد بود . 5 / 9 خردمندترین انسان 9418. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کامل ترین مردم در خرد ، مطیع ترین آنان در برابر خداوند و عامل ترین آنان به دستورهای اوست . 9419. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کامل ترین مردم در خرد ، کسانی هستند که از خداوند ، بیشتر هراس دارند و از او بیشتر اطاعت می کنند . 9420. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکوترین شما در خردمندی ، کسانی هستند که از محرمات الهی ، بیشتر اجتناب کنند و به دستورهای الهی عامل تر باشند . 9421. رسول الله صلی الله علیه و آله : تنبیه الخواطر : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند، بندگان برگزیده ای دارد که آنان را در برترین جای بهشت اسکان می دهد ؛ زیرا آنان در دنیا خردمندتر از دیگران بوده اند».

گفته شد : آنان چگونه بوده اند ؟

فرمود : «همّت آنان، سبقت جستن به سوی چیزهایی بود که خدا را خشنود می کرد . از این رو، دنیا در نزد آنان سُبُک بود و به زیادتِ دنیا رغبتی نداشتند . آنان مدّتی اندک، شکیبایی ورزیدند و زمانی دراز در راحتی به سر می برند . 9421. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آگاه باشید که خردمندترین انسان، کسی است که خداوند را

بشناسد و از او پیروی کند ؛ دشمنانِ خدا را بشناسد و آنان را نافرمانی کند ؛ جایگاه اقامت خود را بشناسد و آن را آباد سازد؛ و بداند که به زودی ، سفر خواهد کرد ، پس توشه بر دارد .

9422. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : أعقل الناس مُحسِنٌ خَائِفٌ ، وأَجْهَلُهُمْ مُسِيءٌ آمِنٌ . (1) 9423. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : أعقل الناس أشدُّهم مُداراةً لِلنَّاسِ . (2) 9424. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : أعقل الناس أحيائهم . (3) 9482. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقل الناس أطوعُهُم لِلَّهِ سُبْحَانَهُ . (4) 9482. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقلكم أطوعكم . (5) 9481. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقل الناس مَنْ أطاعَ الْعُقَلَاءَ . (6) 9480. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقل الناس أقرَّبُهُم مِنَ اللَّهِ . (7) 9481. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقل الناس مَنْ ذَلَّ لِلْحَقِّ فَأَعْطَاهُ مِنْ نَفْسِهِ ، وَعَزَّ بِالْحَقِّ فَلَمْ يَهِنِ إِقَامَتُهُ وَحُسْنَ الْعَمَلِ بِهِ . (8) 9480. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أعقل الناس أبعدهم عن كُلِّ دَنِيَّةٍ . (9) .

- 1- .عوالي اللآلي : ج 1 ص 292 ح 171 ، غرر الحكم : ح 2937 و 2938 عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «الإنسان» بدل «الناس» و«أجهل الناس» بدل «أجهلهم» و«مستأنف» بدل «آمن» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 17 .
- 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 395 ح 5840 عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، معاني الأخبار : ص 196 ح 1 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 52 ح 5 .
- 3- .غرر الحكم : ح 2900 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 117 ح 2618 .
- 4- .غرر الحكم : ح 3147 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 112 ح 2430 .
- 5- .غرر الحكم : ح 2830 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 113 ح 2453 .
- 6- .غرر الحكم : ح 2861 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 117 ح 2601 .
- 7- .غرر الحكم : ح 3228 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 115 ح 2550 .
- 8- .غرر الحكم : ح 3356 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 126 ح 2887 .
- 9- .غرر الحكم : ح 3073 .

9479. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمندترین مردم، نیکوکار ترسان است و نادان ترین مردم، بدکاری است که [ احساس ] امنیت کند. 9478. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمندترین مردم، کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند. 9477. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، باحیاتیترین آنهاست. 9476. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، مطیع ترین آنان در برابر خداوند است. 9475. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین شما، مطیع ترین شماست. 9474. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در بیان صفات مؤمن \_ ) امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، کسی است که از خردمندان، پیروی کند. 9473. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، نزدیک ترین آنان به خداوند است. 9479. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، کسی است که در برابر حق فروتن باشد؛ پس، حق را رعایت کند [، گرچه به زیانش باشد]، و با انجام دادن حق، به عزت برسد؛ از این رو، اقامه حق را سبک نشمارد و بدان نیکو عمل کند. 9478. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندترین مردم، کسانی هستند که از پستی ها بیشتر دوری گزینند . .

9477. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ جِدُّهُ هَزْلَهُ ، وَاسْتَظَهَرَ عَلَى هَوَاهُ بَعْقَلِهِ . (1) 9476. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَجَاوَزُ الصَّمْتِ فِي عُقُوبَةِ الْجَهَالِ . (2) 9475. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ كَانَ بَعْيِيهِ بَصِيرًا ، وَعَنْ عَيْبٍ غَيْرِهِ ضَرِيرًا . (3) 9474. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ فِي ذِكْرِ صِدْقَاتِ الْمُؤْمِنِ \_ ) : عنه عليه السلام : أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ كَانَ بَعْيِيهِ بَصِيرًا ، وَعَنْ عَيْبٍ غَيْرِهِ ضَرِيرًا . (4) 9473. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَعْقَلُ النَّاسِ أَعْدَرُهُمْ لِلنَّاسِ . (5) 9472. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ بِنَفْسِهِ . (6) 9471. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ تَقْدِيرًا لِمَعَاشِهِ ، وَأَشَدَّهُمْ اهْتِمَامًا بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ . (8) 9469. كنز العمّال ( \_ بِهِ نَقَلَ إِزْأَنَسُ \_ ) : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ الْعَقْلِ الرَّشَادُ . (9) 9472. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقَلًا ، وَمَنْ جَهَلَهَا ضَلَّ . (10) 9471. رسول الله صلى الله عليه وآله : ( \_ وَقَالَ بَعْضُهُمْ : حَبَّ \_ ) : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ الْعَقْلِ الْإِعْتِبَارُ ، وَأَفْضَلُ الْحَزْمِ الْإِسْتِظْهَارُ ، وَأَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْتِرَارُ . (11) .

- 1- .غرر الحكم : ح 3355 .
- 2- .غرر الحكم : ح 3313 .
- 3- .غرر الحكم : ح 3367 .
- 4- .غرر الحكم : ح 3233 .
- 5- .غرر الحكم : ح 2988 .
- 6- .مطالب السؤل : ص 50 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 7 ح 60 .
- 7- .غرر الحكم : ح 3001 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 118 ح 2662 .
- 8- .غرر الحكم : ح 3340 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 114 ح 2520 .
- 9- .غرر الحكم : ح 2864 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 117 ح 2604 .
- 10- .غرر الحكم : ح 3220 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 115 ح 2557 وفيه «المرء» بدل «الإنسان» .
- 11- .غرر الحكم : ح 3273 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 123 ح 2807 وليس فيه ذيله .

9470. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : خردمندترین مردم ، کسی است که جدی اش بر شوخی اش غالب شود و به کمک خرد، بر هوشش پیروز گردد .9469. كنز العمال عن أنس : امام علي عليه السلام : خردمندترین مردم، کسی است که در عقوبت کردن نادانان ، از سکوت ، فزاد نرود .9468. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : خردمندترین مردم، دورانیش ترین آنان در عاقبت کارهاست .9467. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : خردمندترین مردم، کسی است که به عیب های خویش، بینا و نسبت به عیوب دیگران، نابینا باشد .9466. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : خردمندترین مردم، کسی است که عذر مردم را بیشتر بپذیرد .9465. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین خردمندی ، شناخت حق با حق است .9464. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین خردمندی ، دوری جستن از بیهودگی است .9468. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین مردم در خردمندی ، کسی است که برای معاش خود، بهتر برنامه ریزی کند و اهتمامش به اصلاح آخرت، بیشتر باشد .9467. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین خردمندی ، هدایت یافتن است .9466. عنه صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین خردمندی ، خودشناسی است . هر که خویشتن را بشناسد، خردمند می گردد و هر که خود را نشناسد، گم راه می شود .9465. عنه صلى الله عليه وآله : امام علي عليه السلام : برترین خردمندی ، پندآموزی است ؛ برترین دورانیشی، یاری جستن است ؛ و بزرگ ترین حماقت، غرور است . .

9464. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام \_ في الحكيم المنسوبة إليه \_ : أرجح الناس عقلاً وأكملهم فضلاً : من صَحِبَ أَيَّامَهُ بِالْمُؤَادَعَةِ ، وَإِخْوَانَهُ بِالْمُسَالَمَةِ ، وَقَبِلَ مِنَ الزَّمَانِ عَفْوَهُ . (1) 9463. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً . (2) 9462. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَفْضَلُ طَبَائِعِ الْعَقْلِ الْعِبَادَةُ ، وَأَوْثَقُ الْحَدِيثِ لَهُ الْعِلْمُ ، وَأَجْزَلُ حُظُوظِهِ الْحِكْمَةُ ، وَأَفْضَلُ ذَخَائِرِهِ الْحَسَنَاتُ . (3) 9461. امام باقر عليه السلام : حلية الأولياء عن وهب بن منبه : قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ : يَا بُنَيَّ ، إِعْقِلْ عَنِ اللَّهِ ، فَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَنِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً ، وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَبْتَلِيكَ مِنَ الْعَاقِلِ وَمَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُكَادِيَهُ . (4) راجع: ص 436 (علامات كمال العقل).

1- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 317 ح 648 .

2- الكافي : ج 1 ص 23 ح 17 عن إبراهيم بن عبد الحميد .

3- الاختصاص : ص 244 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 24 .

4- حلية الأولياء : ج 4 ص 35 .



9459. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : شایسته ترین مردم در خردمندی و کامل ترین آنان در فضایل، کسی است که روزگار را با آشتی، همراهی کند و با دوستان، در صلح و صفا زندگی نماید و بخشش زمان را بپذیرد. 9458. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : کامل ترین مردم در خردمندی، خوش خُلق ترین آنهاست. 9463. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : برترین سرشت خرد، بندگی [ خدا ] است، و محکم ترین سخن برایش دانش است، و برترین بهره اش حکمت است، و بیشترین ذخیره اش خوبی هائیند. 9462. رسول الله صلی الله علیه و آله : حلیة الأولیاء \_ به نقل از وَهَب بن مُنَبِّه \_ : لقمان به فرزندش فرمود : «پسرم ! خداوند را بشناس ؛ زیرا کسی که از خداوند، شناخت بیشتری به دست آورد، خردمندترین مردم است و شیطان، از خردمند، فرار می کند و توان فریب وی را ندارد». ر. ک : ص 437 (نشانه های کمال خرد).

الفصل السادس : آفات العقل 6 / 1 الهوى بالكتاب «أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْلَهُ وَآضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشًّا فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْم بَعْدَ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» . (1)

الحديث 9454. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : آفةُ العَقْلِ الهوى. (2) 9453. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الهوى آفةُ الألباب. (3) 9452. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : يسيرُ الهوى يُفسدُ العَقْلَ. (4) 9451. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : طاعةُ الهوى تُفسدُ العَقْلَ. (5)

1- الجاثية: 23 .

2- غرر الحكم : ح 3925 .

3- غرر الحكم : ح 314 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 24 ح 236 .

4- غرر الحكم : ح 10985 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 550 ح 10144 .

5- غرر الحكم : ح 5983 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 317 ح 5527 .

## فصل ششم : آسیب های خرد

### 6 / 1 هوس

فصل ششم : آسیب های خرد 6 / 1 هوسقرآن(پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است و خدا دانسته، او را گم راه گردانیده و بر گوش و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ پس از خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» .

حدیث 9454. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آفت خرد ، هوس است . 9453. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هوس ، آفت خرد است . 9452. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : اندکی [از] هوس ، خرد را تباه می سازد . 9451. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : پیروی از هوس ، خرد را تباه می کند .

9450. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : غَلَبَةُ الْهَوَى تُفْسِدُ الدِّينَ وَالْعَقْلَ. (1) 9449. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الْهَوَى عَدُوُّ الْعَقْلِ. (2) 9448. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَا ضَادَّ الْعَقْلَ كَالْهَوَى. (3) 9447. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لَا-عَقْلَ مَعَ هَوَى. (4) 9446. حلية الأولياء ( \_ به نقل از سالم، از پدرش \_ ) عنه عليه السلام : حِفْظُ الْعَقْلِ بِمُخَالَفَةِ الْهَوَى وَالْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيَا. (5) 9445. شَدَّ عِبَ الْإِيمَانَ ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ ظَهَرَ عَقْلُهُ. (6) 9447. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ عَقْلُهُ افْتَضَحَ. (7) 9446. حلية الأولياء عن سالم عن أبيه : عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ عَلَى عَقْلِهِ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ الْفَضَائِحُ. (8) 9445. شعب الإيمان عن ابن عمر : عنه عليه السلام : قَرِينُ الشَّهْوَةِ مَرِيضُ النَّفْسِ مَعْلُولُ الْعَقْلِ. (9) 9444. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : كَمِ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ تَحْتَ هَوَىِّ أَمِيرٍ. (10) 9443. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : صِلَ عَجَلَتَكَ بِتَأْتِيكَ ، وَسَطَوَاتَكَ بِرَفِقِكَ ، وَشَرَكَ بِخَيْرِكَ ، وَأَنْصُرِ الْعَقْلَ عَلَى الْهَوَى ، تَمْلِكِ النَّهْيَ. (11) .

- 1- .غرر الحكم : ح 6414 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 348 ح 5899 .
- 2- .غرر الحكم : ح 266 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 61 ح 1583 .
- 3- .غرر الحكم : ح 9475 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 480 ح 8830 .
- 4- .غرر الحكم : ح 10541 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 531 ح 9667 .
- 5- .غرر الحكم : ح 4921 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4479 .
- 6- .غرر الحكم : ح 7953 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 430 ح 7351 .
- 7- .غرر الحكم : ح 8358 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 447 ح 7914 .
- 8- .غرر الحكم : ح 8698 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 439 ح 7627 .
- 9- .غرر الحكم : ح 6790 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 372 ح 6307 .
- 10- .نهج البلاغة : الحكمة 211 ، غرر الحكم : ح 6923 وفيه «عند» بدل «تحت» ، بحار الأنوار : ج 69 ص 410 ح 125 .
- 11- .غرر الحكم : ح 5849 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 302 ح 5362 .

9442. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : پیروی هوس ، دین و خرد را تباه می سازد . 9444. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هوس ، دشمن خرد است . 9443. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هیچ چیز به اندازه هوس ، با خرد ، دشمنی ندارد . 9442. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمندی ، با هوس ، جمع نمی شود . 9441. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : نگهداری خرد ، در گرو مخالفت با هوس و دوری از دنیا است . 9440. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که بر شهوتش پیروز شود ، خردش آشکار می گردد . 9441. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که هوسش را بر خردش غالب سازد ، رسوا می گردد . 9440. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که هوسش را بر خردش غالب سازد ، زشتی هایش آشکار می شوند . 9439. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : همنشین شهوت ، جانی بیمار و خردی معیوب دارد . 9425. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : چه بسیار خردهایی که اسیر فرماندهی هوس اند ! 9422. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : شتابت را به سنجیدگی ، توانایی ات را به نرمی ، و بدی ات را به خوبی ، پیوند ده و خرد را بر ضدّ هوس یاری کن که مالک خرد خواهی شد . .

9423. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْعَقْلُ صَاحِبُ جَيْشِ الرَّحْمَنِ ، وَالْهَوَى قَائِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ ، وَالنَّفْسُ مُتَجَادِبَةٌ بَيْنَهُمَا ، فَأَيُّهُمَا غَلَبَ كَانَتْ فِي حَيْرِهِ. (1) 9424. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْعَقْلُ وَالشَّهْوَةُ ضِدَانِ ، وَمُؤَيِّدُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ ، وَمُزَيِّنُ الشَّهْوَةِ الْهَوَى ، وَالنَّفْسُ مُتَنَازِعَةٌ بَيْنَهُمَا ، فَأَيُّهُمَا فَهَرَ كَانَتْ فِي جَانِبِهِ. (2) 9425. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : حَرَامٌ عَلَى كُلِّ عَقْلٍ مَغْلُولٍ بِالشَّهْوَةِ أَنْ يَنْتَفِعَ بِالْحِكْمَةِ. (3) 9426. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : مَنْ جَانَبَ هَوَاهُ صَحَّ عَقْلُهُ. (4) 9427. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام \_ مِنْ كِتَابِهِ لِشُرَيْحِ بْنِ الْحَارِثِ قَاضِيهِ لَمَّا بَلَغَهُ أَنَّهُ ابْتِغَاءَ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا وَكَتَبَ لَهَا كِتَابًا وَأَشْهَدَ فِيهِ شُهَدَاءًا ، بَعْدَ تَقْرِيبِهِ وَتَوْبِيخِهِ \_ : شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَسَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا. (5) 9428. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى (أَعْمَى) بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ. (6) 9429. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْعَقْلُ غِطَاءٌ سَدَّ تَبِيرٌ ، وَالْفَضْلُ جَمَالٌ ظَاهِرٌ ، فَاسْتُرْ خَلَالَ خُلُقِكَ بِفَضْلِكَ ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ ، تَسَلَّمَ لَكَ الْمَوَدَّةُ ، وَتَظَهَرَ لَكَ الْمَحَبَّةُ. (7) 9430. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ذَهَابُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوَى وَالشَّهْوَةِ. (8) .

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 2099 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 64 ح 1650 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 2100 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 4902 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4470 .
  - 4- .كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 49 .
  - 5- .نهج البلاغة : الكتاب 3 ، الأمالي للصدوق : ص 389 ح 501 ، روضة الواعظين : ص 489 كلاهما عن شريح القاضي وفيهما إلى «الهُوى» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 279 ح 1 .
  - 6- .نهج البلاغة : الخطبة 109 .
  - 7- .الكافي : ج 1 ص 20 ح 13 .
  - 8- .غرر الحكم : ح 5180 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4738 .

9426. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، فرمانده لشکر الهی است و هوس ، فرمانده لشکر شیطان است . نفس ، در میان این و آن ، سرگردان است . پس هر کدام پیروز گردد ، [ نفس ] در اختیار آن خواهد بود . 9427. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد و شهوت ، ضدّ یکدیگرند . تأیید کننده خرد ، دانش است و آراینده شهوت ، هوس . و نفس ، در میانه این نزاع است ؛ هر کدام پیروز گردد ، جانب آن را می گیرد . 9428. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : محال است که خرد در بند شهوت ، از حکمت ، سود ببرد . 9429. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که از هوس دوری گزیند ، خردش سالم است . 9430. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در نامه ای به شریح بن حارث قاضی ، پس از توییح و سرزنش او ، هنگامی که به ایشان خبر رسید که خانه ای را به هشتاد دینار خریده و برای آن ، سند نوشته و بر آن ، گواه گرفته است \_ : بر این گفته من ، خردی که از اسارت هوس ، خارج شده و از بندهای دنیا رسته ، گواهی می دهد . 9431. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هر که عاشق چیزی شود ، [ آن عشق ، ] چشمش را شب کور ( نابینا ) و دلش را بیمار می گرداند . پس با چشم بیمار نگاه می کند و با گوش کر می شنود . شهوت ها خردش را پاره می کنند و دنیا دلش را می میراند . 9432. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد ، پرده ای پوشان است و فضیلت ، زیبایی آشکار . پس کاستی های خُلق و خویتی را با فضیلت پوشان و با خردت به جنگ هوس خویش برو تا دوستی ، برایت سالم شود و محبت [ دیگران ] برایت ، آشکار گردد . 9433. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از دست دادن خرد ، به خاطر هوس و شهوت است . .

9434. مسند ابن حنبل عن معاذ عن رسول الله صلى الله عليه عنه عليه السلام : لا يَجْتَمِعُ الْعَقْلُ وَالْهَوَى. (1) 9431. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لا عَقْلَ مَعَ شَهْوَةٍ. (2) 9432. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (3) 9433. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الباقر عليه السلام : لا عَقْلَ كَمُخَالَفَةِ الْهَوَى. (4) 9434. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از مُعَاذ \_ ) الإمام الصادق عليه السلام : الْهَوَى يَقْضَانُ وَالْعَقْلُ نَائِمٌ. (5) راجع : ج 2 ص 518 (اتباع الهوى) .

6 / 2 الذنب 9438. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ كَانَ يَقُولُ \_ ) رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ قَارَفَ ذَنْبًا فَارَقَهُ عَقْلٌ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَبَدًا. (6) راجع: ص 484 (ما يحرم على العاقل) و ج 2 ص 530 (الذنب) .

6 / 3 طَبَعُ الْقَلْبِ الْكِتَابُ «الَّذِينَ يُحِبُّونَ فِي عَائِيَتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُنْكَبِرٍ جَبَّارٍ» . (7)

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 10574 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 533 ح 9727 .
  - 2- .غرر الحكم : ح 10526 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 532 ح 9699 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 8995 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 427 ح 7245 .
  - 4- .تحف العقول : ص 286 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 164 ح 1 .
  - 5- .الدرّة الباهرة : ص 31 ، نزهة الناظر : ص 113 ح 48 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 228 ح 105 .
  - 6- .المحجّة البيضاء : ج 8 ص 160 .
  - 7- .غافر: 35.



9557. عنه صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : خردمندی ، با هوس ، جمع نمی شود . 9554. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : با بودن شهوت ، خردی نیست . 9555. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام باقر عليه السلام : آن که مالک شهوت خود نباشد ، مالک خرد خویش [ هم ] نیست . 9556. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام باقر عليه السلام : هیچ خردمندی ای ، به اندازه مخالفت با هوس نیست . 9557. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : امام صادق عليه السلام : هوس ، بیدار است و خرد ، در خواب . ر . ك : ص 519 (پیروی از هوس) .

6 / 2 گناه 9561. الزهد لابن المبارك عن سعيد بن المسيّب : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : آن که مرتکب گناهی شود ، خردی از او جدا می شود که هرگز به سوبش باز نمی گردد . ر . ك : ص 485 (آنچه بر خردمند حرام است) و ج 2 ص 531 (گناه) .

6 / 3 مَهرِ شَدنِ قلب (1) قرآن «کسانی که درباره آیات خدا \_ بدون حجّتی که برای آنان آمده باشد \_ مجادله می کنند ، [این ستیزه] در نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده اند ، [مایه] عداوتی بزرگ است . این گونه ، خدا بر دل هر متکبّر زورگو ، مُهر می نهد» .

---

1- . مقصود از مَهرِ شَدنِ قلب ، بسته شدن راه های شناخت حقایق بر آن است ، همانند ظرف در بسته و مُهر شده ای که راه نفوذ به آن ، به کَلّی مسدود گردیده است .

«ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَبَاءُواهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَّ لِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ» . (1)

«كَذَّ لِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» . (2)

«تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَّ لِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ» . (3)

راجع: النساء: 155 ، النحل: 108.

الحديث 9565. رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : الطَّابِعُ مُعَلَّقٌ بِقَائِمَةِ الْعَرْشِ ، فَإِذَا انْتَهَكَتِ الْحُرْمَةُ وَعُمِلَ بِالْمَعَاصِي وَاجْتُرِيَ عَلَى اللَّهِ بَعَثَ اللَّهُ الطَّابِعَ فَيَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يَعْقِلُ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْئًا. (4) 9566. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : إِيَّاكُمْ وَاسْتِشْعَارَ الطَّمَعِ ؛ فَإِنَّهُ يَشُوبُ الْقَلْبَ شِدَّةَ الْحَرِصِ ، وَيَخْتِمُ عَلَى الْقُلُوبِ بِطَبَائِعِ حُبِّ الدُّنْيَا. (5) 9567. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الحسين عليه السلام \_ لَمَّا عَبَّأَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ أَصْحَابَهُ لِمُحَارَبَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَحَاطُوا بِهِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ حَتَّى جَعَلُوهُ فِي مِثْلِ الْحَلْقَةِ فَخَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أَتَى النَّاسَ فَاسْتَنْصَحَهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُنصِحُوا حَتَّى قَالَ لَهُمْ \_ : وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنصِحُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي ، وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ ... وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي ؛ فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ. (6)

1- يونس : 74 .

2- الروم : 59 .

3- الأعراف : 101 .

4- كنز العمال : ج 4 ص 214 ح 10213 نقلاً عن شعب الإيمان عن ابن عمر .

5- أعلام الدين : ص 340 ح 24 عن أبي هريرة ، بحار الأنوار: ج 77 ص 182 ح 24 .

6- بحار الأنوار: ج 45 ص 8 نقلاً عن المناقب .

«آن گاه پس از وی، رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم و آنان، برایشان دلایل آشکار آوردند؛ ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند، ایمان بیاورند. ما این گونه بر دل های تجاوزکاران، مَهر می زنیم».

«این گونه، خدا بر دل های کسانی که نمی دانند، مَهر می نهد».

«این شهرهایند که برخی از خبرهای آنها را بر تو حکایت می کنیم. در حقیقت، پیامبران آنان، برایشان دلایل روشن آوردند؛ اما آنان به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، [باز] ایمان نمی آوردند. این گونه، خدا بر دل های کافران، مَهر می نهد».

ر. ك : نساء : آیه 155 ، نحل : آیه 108 .

حدیث 9568. المُعْجَمُ الْكَبِيرُ ( \_ به نقل از ابن عَبَّاس \_ ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَهر ، بر ستون عرش ، آویزان است . پس هنگامی که حریم ها شکسته می گردد و گناهان، انجام می شوند و نسبت به خداوند ، بی پروایی صورت می پذیرد ، خدا مَهر را بر می انگیزد و بر قلب بنده می زند. پس از آن، او دیگر چیزی را درك نمی کند . 9569. تحف العقول : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بپرهیزید از این که از راه شعار خود سازید؛ زیرا آزمندی بسیار ، دل را تبه می کند و مَهر دنیادوستی را بر دل ها می زند . 9570. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام حسین علیه السلام \_ پس از آن که عمر بن سعد ، لشکریانش را برای جنگیدن با ایشان آماده کرد و آنان ایشان را از هر سو محاصره کردند ، چنان که گویی حلقه ای بر دورش کشیدند ، و پس از آن که ایشان [ از خیمه ] بیرون آمد تا به نزدیکی مردم رسید و آنان را به سکوت دعوت کرد؛ ولی توجّه نکردند \_ : وای بر شما ! چه می شود اگر ساکت شوید و سخن مرا بشنوید؟ همانا من شما را به راه هدایت ، دعوت می کنم . . . و شما همگی مرا نافرمانی می کنید و به سخنم گوش نمی دهید . به راستی که شکم شما از حرام پُر گردیده و دل هایتان مَهر شده است . .

9571. تاريخ بغداد عن أنس : الإمام الباقر عليه السلام \_ في قَوْلِهِ تَعَالَى : «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» \_ : طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَلَا تَعْقِلُ .  
(1) راجع : ج 2 ص 534 (أمراض القلب) .

6 / 14 الأمل 9572. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : إَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِي الْعَقْلَ ، وَيُنْسِي الذِّكْرَ .  
(2) 9573. عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : إِنَّ الْأَمَلَ يَذْهَبُ الْعَقْلَ ، وَيَكْذِبُ الْوَعْدَ ، وَيَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ ، وَيُورِثُ الْحَسْرَةَ .  
(3) 9574. عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : مَا عَقَلَ مَنْ أَطَالَ أَمَلَهُ . (4) راجع : ج 2 ص 64 ح 987 \_ 988 و 68 ح 1010 و 70 ح 1014 و 544 (الأمل) .

6 / 5 الكبر 9578. عنه صلى الله عليه و آله : الإمام عليّ عليه السلام : شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبْرُ . (5) 9579. مسند ابن حنبل عن ابن عمر :  
الإمام الباقر عليه السلام : مَا دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِّنَ الْكِبْرِ إِلَّا تَقَصَّ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلُ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ ؛ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ . (6) .

1- . تفسير القمي: ج 1 ص 249 عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 5 ص 197 ح 13 .

2- . نهج البلاغة : الخطبة 86 .

3- . تحف العقول : ص 152 .

4- . غرر الحكم : ح 9513 .

5- . غرر الحكم : ح 5752 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 295 ح 5293 .

6- . حلية الأولياء : ج 3 ص 180 عن عمر مولى عفرة ؛ كشف الغمّة : ج 2 ص 359 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 186 ح 16 .

9573. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام \_ در تفسیر سخن خداوند که : «آنان دل هایی دارند که با آن، درك نمی کنند» \_ : خداوند بر دل هایشان مُهر زده است ، پس درك نمی کنند . ر . ك : ج 2 ص 535 (بیماری دل) .

6 / 4 آرزو 9577. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بدانید که آرزو، خرد را دچار غفلت می سازد و یاد خدا را به فراموشی می سپارد . 9578. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آرزو، خرد را تباه می کند ، وعده ها را دروغ می گرداند ، به غفلت وا می دارد و پشیمانی بر جای می گذارد . 9579. مسند ابن حنبل ( \_ به نقل از ابن عمر \_ ) امام علی علیه السلام : آن که آرزویش دراز است، خردمند نیست . ر . ك : ج 2 ص 64 ح 987 \_ 988 و 68 ح 1010 و 70 ح 1014 و 545 (آرزو) .

6 / 5 نخوت 9583. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بدترین آفت خرد ، نخوت است . 9584. عنه صلی الله علیه و آله ( \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ \_ ) امام باقر علیه السلام : نخوت، در دل کسی جای نمی گیرد، مگر آن که به اندازه آن، از خردش کاسته می شود، کم باشد یا زیاد .

6 / 6 الغرور 9581. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : فَسَادُ الْعَقْلِ الْإِغْتِرَارُ بِالْخُدْعِ. (1) 9582. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لا يُلْفَى (2) الْعَاقِلُ مَغْرُورًا. (3) 9583. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ سَخَلَ التَّقَرُّرُ قَلْبَهُ . . . وَلَمْ تَقْتَلْهُ فَاتِلَاتُ الْغُرُورِ. (4) 6 / 7 الْغَضَبُ 9586. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ وَيُبْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ. (5) 9587. المستدرک علی الصحیحین عن ابن عباس : عنه عليه السلام : لا يَنْبَغِي أَنْ يُعَادَّ عَاقِلًا مَنْ يَغْلِبُهُ الْغَضَبُ وَالشَّهْوَةُ. (6) 9588. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : إِمْلِكْ حَمِيَّةَ نَفْسِكَ وَسَوْرَةَ غَضَبِكَ وَسَطْوَةَ يَدِكَ وَغَرْبَ لِسَانِكَ ، وَاحْتَرِسْ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِتَأْخِيرِ الْبَادِرَةِ ، وَكَفِّ السَّطْوَةَ ، حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ وَيَثُوبَ إِلَيْكَ عَقْلُكَ. (7) 9589. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : غَيْرُ مُنْتَفِعٍ بِالْحِكْمَةِ عَقْلٌ مَعْلُولٌ بِالْغَضَبِ وَالشَّهْوَةِ. (8) 9590. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (9) .

- 1- غرر الحكم : ح 6552 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 357 ح 6038 .
- 2- في طبعة بيروت وطهران: «لا يلقى».
- 3- غرر الحكم : ح 10563 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 532 ح 9713 .
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 83 ، بحار الأنوار: ج 77 ص 426 ح 44 نقلاً عن كتاب عيون الحكم والمواعظ وليس فيه «عباد الله».
- 5- غرر الحكم : ح 1356 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 28 ح 404 .
- 6- غرر الحكم : ح 10898 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 534 ح 9788 .
- 7- غرر الحكم : ح 2414 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 77 ح 1859 وفيه «يؤوب» بدل «يثوب» .
- 8- غرر الحكم : ح 6397 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 348 ح 5916 وفيه «مغلول» بدل «معلول» .
- 9- الكافي : ج 2 ص 305 ح 13 عن أحمد بن أبي عبدالله عن بعض أصحابه رفعه ، تحف العقول : ص 371 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 278 ح 33 .

6 / 6 فریفتگی 9587. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از ابن عباس \_ ) امام علی علیه السلام : تباهی خرد ، در فریفته شدن به نیرنگ هاست . 9588. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، فریفته نمی شود . 9589. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بندگان خدا ! از خداوند ، پروا کنید ؛ پروای خردمندی که اندیشیدن ، دلش را مشغول کرده است . . . و [ زیورهای ] فریبنده ، او را [ از راه درست ] باز نگردانده است . 6 / 7 خشم 9592. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خشم ، خردها را تباه می کند و از حقیقت ، دور می سازد . 9593. شُعب الإیمان عن عبد الله بن عباس عن رسول الله ص امام علی علیه السلام : آن که مغلوب خشم و شهوت است ، سزاوار نیست که خردمند شمرده شود . 9592. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : تعصّب نفس ، تندی خشم ، حمله کردن با دست ، و تیزی زبان خود را در اختیار بگیر و خود را در همه اینها با تأخیر انداختن تندی و خودداری از حمله حفظ کن تا این که خشم آرام گیرد و خردت به سوی تو باز گردد . 9593. شعب الإیمان ( \_ به نقل از عبد الله بن عباس \_ ) امام علی علیه السلام : خرد بیمار ، در اثر خشم و شهوت ، از حکمت ، بهره نمی برد . 9594. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : آن که مالک خشم خود نباشد ، مالک خرد خود [ هم ] نیست .

6 / 8 الطَّمَع 9594. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : أكثر مصارع العقول تحت بُروقِ المطامع. (1) 9595. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الكاظم عليه السلام \_ لهشام بن الحكم \_ : يا هشامُ ، إياكَ وَالطَّمَعُ ، وَعَلَيْكَ بِالْيَأْسِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ ، وَأَمَّتِ الطَّمَعُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، فَإِنَّ الطَّمَعُ مِفْتَاحُ لِلذُّلِّ ، وَاخْتِلَاسُ الْعَقْلِ ، وَاخْتِلَاقُ الْمُرَوَّاتِ ، وَتَدْنِيسُ الْعَرِضِ ، وَالذَّهَابُ بِالْعِلْمِ. (2) 6 / 9 العُجْبُ 9598. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : عَجِبُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ أَحَدُ حُسَادِ عَقْلِهِ. (3) 9599. عنه صلى الله عليه وآله : إعجاب المرء آله : عنه عليه السلام : إعجاب المرء بِنَفْسِهِ بُرْهَانُ نَقْصِهِ وَعُنْوَانُ ضَعْفِ عَقْلِهِ. (5) 9601. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : العُجْبُ يُفْسِدُ الْعَقْلَ. (6) 9602. عنه صلى الله عليه وآله ( \_ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ \_ ) عنه عليه السلام : آفَةُ اللَّبِّ الْعُجْبُ. (7).

- 
- 1- نهج البلاغة : الحكمة 219 ، نزهة الناظر : ص 63 ح 47 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 49 وفيهما «الأطماع» بدل «المطامع» ، غرر الحكم : ح 3175 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 170 ح 7.
  - 2- تحف العقول : ص 399 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 156 ح 30 .
  - 3- نهج البلاغة : الحكمة 212 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 9 ح 65 ؛ مطالب السؤول : ص 55 .
  - 4- الكافي: ج 1 ص 27 ح 31 عن ميمون بن علي عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول: ص 90 ، كنز الفوائد: ج 1 ص 200.
  - 5- غرر الحكم : ح 2007 .
  - 6- غرر الحكم : ح 726 .
  - 7- غرر الحكم : ح 3956 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 181 ح 3715 .



6 / 8 آز 9599. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بیشترین جایگاه سقوط خردها ، زیر پرچم آزهاست . 9600. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام ! پرهیز از آز ، و بر تو باد ناامیدی از آنچه در دست مردم است . آزمندی به بندگان را در خود بمیران ؛ زیرا کلید خواری ، غارت خرد ، دگرگونی [ روش و آداب ] جوان مردی ، آلوده شدن آبرو و از میان رفتن دانش است . 6 / 9 خودپسندی 9603. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خودپسندی آدمی ، یکی از حسدورزان به خرد اوست . 9604. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خودپسندی انسان ، نشانه کم خردی اوست . 9605. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خودپسندی آدمی ، دلیل کاستی او و نشانه کم خردی اوست . 9606. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خودپسندی ، خرد را تباه می سازد . 9607. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آفت خرد ، خودپسندی است .

9608. الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ الإِعْجَابَ صِنْدُ الصَّوَابِ وَأَفَةُ الأَلْبَابِ. (1) 9603. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : المُعْجَبُ لَا -عَقَلَ لَهُ. (2) 9604. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : رِضَا المَرءِ عَن نَفْسِهِ بُرْهَانُ سَخَافَةِ عَقْلِهِ. (3) 9605. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : مَنْ أَعْجَبَ بِفِعْلِهِ أُصِيبَ بِعَقْلِهِ. (4) 9606. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : مَنْ أَعْجَبَهُ قَوْلُهُ فَقَدْ غَرَبَ عَقْلُهُ. (5) 9607. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : رِضَاكَ عَن نَفْسِكَ مِنْ فَسَادِ عَقْلِكَ. (6) راجع : ص 533 (داءً بلا دواء).

6 / 10 الاستغناء بالعقل 9611. عنه صلى الله عليه و آله : الإمام علي عليه السلام \_ من وصيَّته لابنه الحسين عليه السلام \_ : مَنْ اسْتَغْنَى بِعَقْلِهِ ضَلَّ. (7) 9612. عنه صلى الله عليه و آله : عنه عليه السلام : اِتِّهَمُوا عُقُولَكُمْ ، فَإِنَّهُ مِنَ الثَّقَةِ بِهَا يَكُونُ الخَطَأُ. (8) راجع : ص 408 ح 541.

- 
- 1- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 74 ، كشف المحجبة : ص 227 نقلاً عن محمد بن يعقوب الكليني في كتاب الرسائل بإسناده عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عليه السلام ، غرر الحكم : ح 1357 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 222 ح 2 .
  - 2- غرر الحكم : ح 1008 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 30 ح 454 .
  - 3- غرر الحكم : ح 5441 .
  - 4- غرر الحكم : ح 8380 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7927 .
  - 5- غرر الحكم : ح 8382 .
  - 6- غرر الحكم : ح 5412 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 269 ح 4936 .
  - 7- تحف العقول : ص 88 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 200 ، العُدَد القويَّة : ص 359 ح 22 .
  - 8- غرر الحكم : ح 2570 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 91 ح 2151 .

**6 / 10 بی نیازی جُستن از خرد**

9614. المعجم الكبير عن أبي سعيد الخدري: امام علي عليه السلام: خودپسندی، دشمن درستی و آفت خردهاست. 9609. تفسیر الطبری ( \_ به نقل از ابوأمامه \_ ) امام علی علیه السلام: خودپسند، از خرد، برخوردار نیست. 9610. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خشنودی آدمی از خود، نشانِ سَبْکِ مغزی اوست. 9611. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که از کارِ خویش خشنود باشد، خردش بیمار است. 9612. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که از سخنِ خویش خشنود باشد، خردش از او دور شده است. 9613. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: از خود راضی بودن تو، نشانه تباهی خردت است. ر. ک: ص 533 (درد بی درمان).

6 / 10 بی نیازی جُستن از خرد 9615. المعجم الكبير ( \_ به نقل از ابو درداء، ابوأمامه، واثلة بن أس ) امام علی علیه السلام \_ در سفارش به فرزندش حسین علیه السلام \_: آن که با تکیه بر خرد خویش [ از همفکری با دیگران ] احساس بی نیازی کند، گم راه شده است. 9616. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خرد خویش را متهم سازید؛ زیرا از تکیه بدان، لغزش ها سرچشمه می گیرند. ر. ک: ص 409 ح 541.

6 / 11 حُبُّ الدُّنْيَا 9620. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا. (1) 9621. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ ، وَيُصِمْ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ ، وَيُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ. (2) 9617. سنن الترمذى ( \_ ) به نقل از ابو امامه ( \_ ) عنه عليه السلام : زَخَارِفُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ. (3) 9618. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُولِ. (4) 9619. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : أَهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا ، وَاصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا ، فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ ، حَظُّهُ مِنْهَا قَلِيلٌ ، وَعَقْلُهُ بِهَا عَلِيلٌ ، وَنَاطِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ. (5) 9620. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : فِي صِفَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا \_ نَعَمْ مُعَقَّلَةٌ (مُغْفَلَةٌ) ، وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ ، قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا ، وَرَكِبَتْ مَجْهُولَهَا. (6) 9621. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام \_ لِأَصْحَابِهِ \_ : أَفَّ لَكُمْ ! لَقَدْ سَمِئْتُ عِتَابَكُمْ ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوَضًا ؟ ! وَبِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا ؟ ! إِذَا دَعَوْتُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ ، وَمِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ ، يُرْتَجَّ عَلَيْكُمْ حَوَارِي فَتَعْمَهُونَ ، وَكَأَنَّ قُلُوبَكُمْ مَأْلُوسَةٌ فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ ! (7) .

- 1- غرر الحكم : ح 5543 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 281 ح 5056 .
- 2- عيون الحكم والمواعظ : ص 231 ح 4421 ، غرر الحكم : ح 4878 .
- 3- غرر الحكم : ح 5494 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 275 ح 5003 .
- 4- غرر الحكم : ح 921 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 35 ح 704 .
- 5- غرر الحكم : ح 2551 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 92 ح 2165 .
- 6- نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 76 ، كشف المحجبة : ص 229 نقلًا عن محمد بن يعقوب الكليني في كتاب الرسائل بإسناده عن عمر بن أبي المقدام عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 77 .
- 7- نهج البلاغة : الخطبة 34 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 333 ح 22 ؛ مطالب السؤل : ص 59 نحوه وفيه «ويرخ عليكم جوارى» بدل «يرتج عليكم جوارى» .

## 6 / 11 دنیادوستی

6 / 11 دنیادوستی 9624. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : عامل تباهی خرد ، دوست داشتن دنیاست . 9625. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : دوست داشتن دنیا ، خرد را تباه می کند ، دل را از شنیدن حکمت ، دل سرد می سازد و سبب عذابی دردناک می شود . 9622. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : زیبایی های دنیا ، خردهای ناتوان را تباه می کند . 9623. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : دنیا ، مکان سقوط خردهاست . 9624. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از دنیا بگریزید و دل هایتان را از آن باز دارید؛ زیرا دنیا، زندان مؤمن است . بهره او از آن کم است، خردش بدان معیوب می گردد ، و نگاهش در آن، ناتوان است . 9625. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ در توصیف اهل دنیا \_ : چارپایانی اند به آخور بسته شده (/ناهوشیار)، و دیگرانی که خرد خود را گم کرده اند و در ناشناخته ها گام نهاده اند . 9626. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام \_ خطاب به یارانش \_ : اُف بر شما که از نکوهشستان ، به ستوه آمده ام! این رواست که شما به زندگی دنیا به جای آخرت ، خشنود باشید و به زبونی به جای عزّت ، تَن دهید؟! چون شما را به جهاد با دشمنان فرا می خوانم ، چنان چشمانتان گرد می شود که گویا دچار سدّ کرات مرگ شده اید و از غفلت ، مست گردیده اید . باب فهم سخنانم ، بر شما بسته شده است . از این رو ، به سرگردانی دچارید ، و گویی خردهایتان چنان آفت زده است که توان اندیشیدن ندارید .

9627. عنه صلى الله عليه وآله : تنبيه الخواطر عن عبد الله بن سلام : يَقُولُ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ : إِنَّ الْقُلُوبَ الْمُتَعَلِّقَةَ بِحُبِّ الدُّنْيَا مَحْجُوبَةٌ الْعُقُولِ عَنِّي . (1) 9628. عنه صلى الله عليه وآله : الاختصاص : قَالَ اللَّهُ لِداوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا داوُدُ ، إِحْذَرِ الْقُلُوبَ الْمُعَلِّقَةَ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا ، عُقُولُهَا مَحْجُوبَةٌ عَنِّي . (2) راجع: ص 316 (الزهد في الدنيا) ، ج 2 ص 526 (حب الدنيا) .

6 / 12 شُرِبَ الْخَمْرُ 9628. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : فَرَضَ اللَّهُ . . . تَرَكَ شُرْبَ الْخَمْرِ تَحْصِينًا لِلْعَقْلِ . (3) 9629. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الرضا عليه السلام : حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ ، وَمِنْ تَغْيِيرِهَا عُقُولَ شَارِبِيهَا ، وَحَمَلِهَا إِيَّاهُمْ عَلَى إِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْفِرْيَةِ عَلَيْهِ وَعَلَى رُسُلِهِ ، وَسَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَالْقَتْلِ . (4) 6 / 13 السَّكَرَاتُ الْخَمْسُ 9632. معاني الأخبار عن عبد المؤمن الأنصاريّ : الإمام عليّ عليه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَسُكْرِ الْقُدْرَةِ وَسُكْرِ

الْعِلْمِ وَسُكْرِ الْمَدْحِ وَسُكْرِ الشَّبَابِ ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحًا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَتَسْتَخْفُ الْوَقَارَ . (5) .

- 
- 1- . تنبيه الخواطر : ج 2 ص 229 .
  - 2- . الاختصاص : ص 335 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 39 ح 19 .
  - 3- . نهج البلاغة : الحكمة 252 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 377 ، غرر الحكم : ح 6608 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 110 ح 5 .
  - 4- . عيون أخبار الرضا : ج 2 ص 98 ح 2 ، علل الشرائع : ص 475 ح 1 كلاهما عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 6 ص 107 ح 3 وراجع الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص 282 .
  - 5- . غرر الحكم : ح 10948 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 552 ح 10175 .

9633. رسول الله صلى الله عليه وآله ( \_ وقد سئلَ : ما جماعَةُ أُمَّتِكَ ؟ \_ ) تنبيه الخواطر \_ به نقل از عبد الله بن سلام \_ : خداوند در تورات می فرماید: «دل هایی که بسته به دنیادوستی اند، خردشان از [ شناخت ] من، در حجاب است». 9630. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الاختصاص : خداوند به داوود علیه السلام فرمود : «ای داوود! از دل های وابسته به شهوات دنیایی برحذر باش که خردشان از [ شناخت ] من، در حجاب است». ر. ك : ص 317 (زهد در دنیا)، ج 2 ص 527 (دنیا دوستی).

6 / 12 باده نوشی 9634. رسول الله صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : خداوند، ترك باده نوشی را به جهت حفظ خرد، واجب کرده است. 9635. عنه صلى الله عليه وآله : امام رضا عليه السلام : خداوند، شراب را حرام کرد؛ زیرا در آن، تباهی است، خرد نوشندگان را دگرگون می سازد، سبب انکار خداوند و افترا بستن به او و پیامبرانش می گردد، و موجب سایر تباهی ها و کشتار است. 6 / 13 مست کننده های پنجگانه 9636. عنه صلى الله عليه وآله : امام على عليه السلام : سزاوار است که خردمند، خود را از مستی مال، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش، و مستی جوانی، نگه دارد؛ زیرا هر يك از اینها را بادهای پلیدی است که خرد را می زدایند و وقار را سبک می گردانند.

6 / 14 كَثُرَ اللَّهْوُ 9639. رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : مَنْ كَثُرَ لَهُوُهُ قَلَّ عَقْلُهُ. (1) 9636. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لَمْ يَعْقِلْ مَنْ وَلِيَ بِاللَّعِبِ وَاسْتَهْتَرَ بِاللَّهْوِ وَالطَّرَبِ. (2) 9637. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : لا يَثُوبُ الْعَقْلُ مَعَ اللَّعِبِ. (3) 9638. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَزْلُ (4) فَسَدَّ عَقْلُهُ. (5) 9639. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : مَنْ كَثُرَ هَزْلُهُ كَثُرَ سُخْفُهُ. (6) 6 / 15 الْبَطَالَةُ 9642. رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ. (7).

- 
- 1- غرر الحكم : ح 8426 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 448 ح 7952 .
  - 2- غرر الحكم : ح 7568 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 414 ح 7043 .
  - 3- غرر الحكم : ح 10544 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 537 ح 9866 .
  - 4- الهزل: ضدّ الجدّ (الصحاح : ج 5 ص 1850) ، وهزل في كلامه هزلاً من باب ضرب ومزح (المصباح المنير: ص 638) .
  - 5- غرر الحكم : ح 8429 .
  - 6- غرر الحكم : ح 8964 .
  - 7- الكافي : ج 5 ص 148 ح 1 عن حماد بن عثمان ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 2 ح 1 عن الحلبي .



**6 / 14 خوش گذرانی زیاد**

**6 / 15 تنبلی**

6 / 14 خوش گذرانی زیاد 9641. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که خوشگذرانی اش زیاد باشد ، خردش کم شود . 9642. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که شیفته بازی و دل باخته سرگرمی و خوشی است ، خردمند نیست . 9643. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خرد آمیخته با بازی ، برنده نمی شود . 9644. الخصال : امام علی علیه السلام : آن که بیهودگی بر او غالب گردد ، خردش تباه می شود . 9644. الخصال : امام علی علیه السلام : آن که بیهودگی اش زیاد شود ، ناتوانی خردش بسیار می گردد . 6 / 15 تنبلی 9647. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : کنار نهادن داد و ستد [ و بیکار ماندن ] ، از خرد می کاهد .

9648. عنه صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : تَرَكَ التِّجَارَةَ مَذْهَبَةً لِلْعَقْلِ . (1) 9649. عنه صلى الله عليه وآله : الكافي عن فضيل الأعمور : شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي قَدْ أَيْسَرْتُ فَأَدْعُ التِّجَارَةَ ؟ فَقَالَ : إِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ قَلَّ عَقْلُكَ \_ أَوْ نَحْوَهُ \_ . (2) 9650. عنه صلى الله عليه وآله : تهذيب الأحكام عن معاذ بن الأَكْسِيَّةِ : قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُعَاذُ ، أَضَدَّ عُفَّتَ عَنِ التِّجَارَةِ أَمْ زَهَدْتَ فِيهَا ؟

قُلْتُ : مَا ضَعُفَتْ عَنْهَا وَلَا زَهَدْتُ فِيهَا .

قَالَ : فَمَا لَكَ ؟

قُلْتُ : كُنْتُ أَنْتَظِرُ أَمْرَكَ وَذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَعِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَهُوَ فِي يَدِي وَلَيْسَ لِأَحَدٍ عِنْدِي شَيْءٌ وَلَا أُرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ .

فَقَالَ : لَا - تَتْرُكُهَا ؛ فَإِنَّ تَرَكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ ، إِسْعَ عَلَى عِيَالِكَ ، وَإِيَّاكَ أَنْ يَكُونُوا هُمُ السُّعَاءَ عَلَيْكَ . (3) 9651. عنه صلى الله عليه وآله : تهذيب الأحكام عن أسباط بن سالم بن الزُّطِّيِّ : سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بِنِيعِ الْكَرَائِسِيِّ .

فَقِيلَ : تَرَكَ التِّجَارَةَ .

فَقَالَ : عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ ، إِنْ مَن تَرَكَ التِّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثَا عَقْلِهِ ، أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدِمَتْ عِيرٌ مِنَ الشَّامِ فَاشْتَرَى مِنْهَا وَاتَّجَرَ فَرِيحَ فِيهَا مَا قَضَى دِينَهُ . (4) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 192 ح 3718 ، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 3 ح 3 عن معاذ بن الأَكْسِيَّةِ.

2- .الكافي: ج 5 ص 148 ح 4 ، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 2 ح 2 .

3- .تهذيب الأحكام: ج 7 ص 2 ح 3 ، الكافي: ج 5 ص 148 ح 6 نحوه.

4- .تهذيب الأحكام: ج 7 ص 4 ح 11 .

9652. عنه صلى الله عليه وآله : امام صادق عليه السلام : کنار نهادن داد و ستد [ و بیکار ماندن ] ، خرد را تباه می کند . 9645. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الكافي \_ به نقل از فَضْلَ مِيلَ أَعْوَرَ \_ : شاهد بودم که معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام گفت : من ، توانگر شده ام و می خواهم داد و ستد را رها کنم .

امام صادق علیه السلام فرمود : «اگر چنین کنی، خردت کم می گردد» یا جمله ای به این مضمون . 9646. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : تهذیب الأحکام \_ به نقل از معاذ لباس فروش \_ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای معاذ ! آیا از داد و ستد کردن ناتوان شده ای ، یا بدان بی میلی ؟» .

گفتم : نه ناتوانم و نه بی میلی .

فرمود : «پس چرا [داد و ستد را کنار نهاده ای] ؟» .

گفتم : منتظر دستور شما بودم . هنگامی که ولید به قتل رسید ، اموال بسیاری در دستم بود و هیچ کس از من طلبی نداشت ، و گمان نکنم تا زنده ام ، بتوانم [ تمام ] آن را مصرف کنم .

فرمود : «داد و ستد را کنار مَبِّه ؛ زیرا ترك آن ، خرد را تباه می کند . برای خانواده ات تلاش کن و مگذار آنان نان آور تو شوند» . 9647. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : تهذیب الأحکام \_ به نقل از اسباط بن سالم ، فروشنده پارچه هندی \_ : روزی ، امام صادق علیه السلام درباره معاذ کرباس فروش سؤال نمود و من نیز آن جا بودم .

گفته شد: معاذ، داد و ستد را کنار نهاده است .

فرمود : «کار شیطان است ! کار شیطان است ! به راستی ، آن که داد و ستد را کنار بنهد ، دو سوم خردش از دست می رود . آیا نمی داند که پیامبر صلى الله عليه وآله ، هنگامی که قافله ای از شام رسید ، از آنها خرید کرد و با آنان داد و ستد نمود و سود بُرد و بدهکاری اش را ادا نمود؟!» . . .

6 / 16 طَلَبُ الْفُضُولِ 9650. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : ضَبَاغُ الْعُقُولِ فِي طَلَبِ الْفُضُولِ. (1) 6 / 17 صُحْبَةُ الْجَاهِلِ 9653. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : مَنْ صَحِبَ جَاهِلًا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ. (2) 9654. عنه صلى الله عليه وآله : عليه السلام : مِنْ عَدَمِ الْعَقْلِ مُصَاحَبَةُ ذَوِي الْجَهْلِ. (3) 6 / 18 التَّجَاوُزُ عَنِ الْحَدِّ 9654. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : لا عَقْلَ لِمَنْ يَتَّجَاوَزُ حُدَّهُ وَقَدْرَهُ. (4) 9655. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : ما عَقَلَ مَنْ عَدَا طَوْرَهُ. (5) 6 / 19 مُمَارَاةُ السَّفِيهِ 9657. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام عليّ عليه السلام : مَنْ مَارَى السَّفِيَةَ فَلَا عَقْلَ لَهُ. (6).

- 
- 1- .غرر الحكم : ح 5901 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 309 ح 5433 .
  - 2- .كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 41 .
  - 3- .غرر الحكم : ح 9299 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 472 ح 8642 .
  - 4- .غرر الحكم : ح 10677 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 538 ح 9911 .
  - 5- .غرر الحكم : ح 9516 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 475 ح 8693 .
  - 6- .غرر الحكم : ح 9072 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7204 .

**6 / 16 زیاده طلبی**

**6 / 17 همنشینی با نادان**

**6 / 18 تجاوز از حدّ خود**

**6 / 19 جدال با ابله**

6 / 16 زیاده طلبی 9660. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از دست رفتن خرد ، در زیاده طلبی است . 6 / 17 همنشینی با نادان 9663. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : امام علی علیه السلام : آن که با نادان همنشین گردد ، خردش کم می شود . 9664. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : از نشانه نابودی خرد ، همنشینی با نادان هاست . 6 / 18 تجاوز از حدّ خود 9659. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که از حد و اندازه خویش بگذرد ، خرد ندارد . 9660. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که از اندازه خود بگذرد ، خردمند نیست . 6 / 19 جدال با ابله 9663. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : آن که با ابلهان جدال (بگومگو) کند ، خردمند نیست .

6 / 20 تَرَكَ الإِسْتِمَاعَ مِنَ الْعَاقِلِ 9666. رسول الله صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : مَنْ تَرَكَ الإِسْتِمَاعَ مِنْ ذَوِي الْعُقُولِ مَاتَ عَقْلُهُ. (1) 9667. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الكاظم عليه السلام \_ لهشام بن الحكم \_ : يَا هِشَامُ ، مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَانَتْهَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ : مَنْ أَظْلَمَ نُورَ تَفَكُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ ، وَمَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ ، وَأَطْفَأَ نُورَ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ ، فَكَانَتْهَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ ، وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَدُنْيَاهُ. (2) 6 / 21 كَثْرَةُ أَكْلِ لَحْمِ الْوَحْشِ وَالْبَقَرِ 9665. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : الإمام الرضا عليه السلام : الإِكْتَارُ مِنْ أَكْلِ لُحُومِ الْوَحْشِ وَالْبَقَرِ يُوْرِثُ تَغْيِيرَ الْعَقْلِ وَتَحْيِيرَ الْفَهْمِ وَتَبَلُّدَ الذَّهْنِ وَكَثْرَةَ النَّسْيَانِ. (3) راجع : ص 484 (ما يحرم على العاقل) و 498 (ما لا ينبغي للعاقل)، ج 2 ص 518 (حجب العلم والحكمة).

1- .كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 48 .

2- .الكافي: ج 1 ص 17 ح 12 ، تحف العقول : ص 386 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 34 كلها عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 1 ص 137 ح 30 .

3- .بحار الأنوار : ج 62 ص 322 نقلاً عن طب الإمام الرضا عليه السلام .

## 6 / 21 زیاده روی در خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی

6 / 20 نشیندن سخن خردمند 9669. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : آن که شنیدن از خردمندان را کنار نهد ، خردش خواهد مُرد . 9670. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام \_ خطاب به هشام بن حکم \_ : ای هشام ! آن که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند ، بر نابودی خردش کمک کرده است : روشنی اندیشه را با آرزوی دراز ، تاریک کند ؛ حکمت های نغز را با سخن گفتن بسیار ، از بین ببرد ؛ و روشنایی پندآموزی را با شهوات نفسانی ، خاموش گرداند . [چنین کسی] ، گویا هوشش را بر نابودی خرد خویش ، یاری داده است ، و آن که خردش نابود شود ، دین و دنیایش تباه می گردد . 6 / 21 زیاده روی در خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی 9673. عنه صلی الله علیه و آله : امام رضا علیه السلام : زیاده روی در خوردن گوشت حیوانات وحشی و گاو ، سبب سرگستگی خرد ، حیرانی فهم ، کودنی ذهن و فراموشی بسیار می شود . ر . ك : ص 485 (آنچه بر خردمند ، حرام است) و 499 (آنچه برای خردمند ، سزاوار نیست) ، ج 2 ص 519 (حجاب های دانش و حکمت).

الفصل السابع : أحكام العاقل 7 / 1 ما يَجِبُ عَلَى الْعَاقِلِ الْكُتَابُ « فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » . (1)

« فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا » . (2)

الحديث 9676. رسول الله صلى الله عليه وآله : تحف العقول : قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعَةٌ تَلْزِمُ كُلَّ ذِي حِجِّي وَعَقْلٍ مِنْ أُمَّتِي .

قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا هُنَّ ؟

قَالَ : إِسْتِمَاعُ الْعِلْمِ ، وَحِفْظُهُ ، وَنَشْرُهُ ، وَالْعَمَلُ بِهِ . (3) 9677. عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ - وَإِنْ كَانَ ذَمِيمَ الْمَنْظَرِ حَقِيرَ الْخَطَرِ . (4) .

1- . المائدة : 100 .

2- . الطلاق : 10 .

3- . تحف العقول : ص 57 ، النوادر للراوندي : ص 132 ح 168 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وفيه « حِجْرٌ » بدل « حِجِّي » ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 79 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 160 ح 169 .

4- . كنز الفوائد : ج 1 ص 56 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 39 .



## فصل هفتم : وظایف خردمند

### 7 / 1 آنچه بر خردمند ، واجب است

فصل هفتم : وظایف خردمند 7 / 1 آنچه بر خردمند ، واجب استقرآن «ای خردمندان! از خدا پروا کنید ؛ باشد که رستگار شوید» .

«ای خردمندانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید! راستی که خدا به سوی شما تذکارتی فرو فرستاده است» .

حدیث 9680. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تحف العقول : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «چهار چیز بر هر هوشیار و خردمندی از امت من، واجب است» .

گفته شد : ای پیامبر خدا! آن چهار چیز ، کدام اند؟

فرمود : «شنیدن دانش ، نگهداری آن ، نشر آن و عمل بدان» . 9681. الإمام الرضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمند، آن است که خداوند را اطاعت کند، گرچه زشتی چهره و دارای موقعیتی پایین باشد .

9682. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله \_ لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْعَقْلِ \_ : الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ ، وَإِنَّ الْعَمَالَ بِطَاعَةِ اللَّهِ هُمْ الْعُقَلَاءُ. (1) 9683. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : أَطْعَ رَبِّكَ تُسَمَّى عَاقِلًا ، وَلَا تَعْصِهِ تُسَمَّى جَاهِلًا. (2) 9684. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام علي عليه السلام : العاقل من عصى هواه في طاعة ربه. (3) 9681. امام رضا عليه السلام : عنه عليه السلام : لو لم يرغب الله سبحانه في طاعته لوجب أن يطاع رجاء رحمته. (4) 9682. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام \_ في الحكم المنسوبة إليه \_ : يحب على العاقل أن يكون بما أحيا عقله من الحكمة أكلف منه بما أحيا جسمه من الغذاء. (5) 9683. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه عليه وآله : اتقوا الله عباد الله تقية ذي لب شغل التفكير قلبه ، وأنصب الخوف بدنه ، وأسهر التهجد غرار نومه ، وأظمأ الرجاء هواجر يومه ، وظلف الزهد شهواته ، وأوجف الذكر بلسانه ، وقدم الخوف لإمانه ، وتكعب المخالجات عن وصح السبيل ، وسلك أقصد المسالك إلى النهج المطلوب ، ولم تقتله فاتلات الغرور ، ولم تعم عليه مشتبهات الأمور ، ظافراً بفرحة البشرية وراحة النعمى ، في أنعم نومه وآمن يومه .

وقد عبر معبر العاجلة حميداً ، وقدم زاد الآجلة سعيداً ، وبادر من وجل ، وأكمش في مهل ، ورغب في طلب ، وذهب عن هرب ، وراقب في يومه غده ، ونظر قدماً أمامه .

فكفى بالجنة ثواباً ونوالاً ! وكفى بالنار عقاباً ووبالاً ! وكفى بالله منتقماً ونصيراً ! وكفى بالكتاب حجيماً وخصيماً ! (6) .

1- روضة الواعظين : ص 8 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 20 .

2- حلية الأولياء : ج 6 ص 345 عن أبي سعيد الخدري ، الفردوس : ج 5 ص 282 ح 8190 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 380 ح 7040 .

3- غرر الحكم : ح 1747 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 166 .

4- غرر الحكم : ح 7594 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 417 ح 7081 .

5- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 322 ح 690 .

6- نهج البلاغة : الخطبة 83 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 426 ح 44 .

9684. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله \_ هنگامی که از ایشان در مورد خرد سؤال شد \_ : [ خرد، ] عمل به طاعت خداست. به راستی که عمل کنندگان به دستورهای خداوند ، همان خردمندان اند . 9685. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خداوند پیروی کن تا خردمند نامیده شوی، و از او نافرمانی مکن که نادان نامیده می شوی . 9686. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خردمند ، آن است که در مسیر اطاعت از پروردگار ، هوسش را نافرمانی کند . 9687. عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : اگر خداوند سبجان ، به طاعت خود ترغیب نمی کرد ، سزاوار بود که به امید دستیابی به رحمت او ، اطاعت شود . 9688. الإمامُ الباقِرُّ علیه السلام : امام علی علیه السلام \_ در حکمت های منسوب به ایشان \_ : بر خردمند است که به حکمت \_ که خردش را زنده می دارد \_ بیشتر دل بسته باشد تا به غذایی که جسمش را زنده می دارد . 9689. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بندگان خدا ! تقوا پیشه کنید ؛ تقوای خردمندی که اندیشه، دلش را مشغول داشته، و ترس، بدنش را ناتوان کرده، و شب زنده داری ، خواب اندکش را ربوده، و امید ، او را به تشنگی (روزه) روزانه و داشته، و زهد، شهوت هایش را میرانده، و یاد خدا زبانش را به حرکت در آورده است و ترس را برای امان یافتن خود، پیش داشته، و از خیالات، در راه روشن ، دوری گزیده و نزدیک ترین راه رسیدن به مقصد را انتخاب کرده است و دام های فریب، او را گرفتار نساخته اند و امور مشتبه بر او پنهان نگردیده است ، [ و این همه ] در حالی است که بر خوشی بشارت و آسایش نعمت ، در خوش ترین خواب و آسوده ترین روز، دست یافته است .

[ چنین شخصی ] از گذرگاه دنیا به شایستگی گذر کرده و توشه آخرت را با خوش بختی پیش فرستاده ، و به خاطر ترس [ بر از دست دادن مهلت ها ] پیش دستی کرده و بر فرصت ها چنگ انداخته ، و به جستجو رغبت نشان داده و به حالت گریز پیش رفته ، و در امروز، فردایش را پاییده و پیشاپیش ، خود را نگرسته است .

[ برای او ] بهشت به عنوان پاداش و بخشش ، و آتش، برای کیفر است ، و خداوند، به عنوان انتقام گیرنده و یاری رساننده، و قرآن به عنوان حجت و مدعی، کافی است . .

7 / 2 ما يَحْرُمُ عَلَى الْعَاقِلِ الْكِتَابُ «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (1)

الحديث 9689. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام علی علیه السلام: لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنِ مَحَارِمِهِ لَوَجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ. (2) 9690. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه عليه السلام: لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شَيْئًا كَرَاهًا لِنِعْمِهِ. (3) 9691. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: أَقَلُّ مَا يَجِبُ لِلْمُنْعِمِ أَنْ لَا يُعْصَى بِنِعْمَتِهِ. (4) 9692. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الإِنْتِبَاضُ عَنِ الْمَحَارِمِ مِنْ شَيْمِ الْعُقُلَاءِ وَسَجِيَّةِ الْأَكَارِمِ. (5) 9693. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ، وَتَنَزَّهَ عَنِ الْغُيُوبِ. (6) 9694. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: هِمَّةُ الْعَاقِلِ تَرُكُ الذُّنُوبِ وَإِصْلَاحُ الْغُيُوبِ. (7) 9695. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْعَقْلُ مُنْزَعٌ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ. (8).

1- الأنعام: 151 .

2- غرر الحكم : ح 7595 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 417 ح 7082 .

3- نهج البلاغة: الحكمة 290 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 364 ح 96 .

4- غرر الحكم : ح 3268 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 123 ح 2803 وفيه «لا تجحد نعمته» بدل «لا يعصى بنعمته» .

5- غرر الحكم : ح 2001 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 21 ح 121 وفيه صدره إلى قوله «العقلاء» .

6- غرر الحكم : ح 1737 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 169 .

7- كنز الفوائد : ج 1 ص 200 .

8- غرر الحكم : ح 1250 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 46 ح 1159 .

**7 / 2 آنچه بر خردمند، حرام است**

7 / 2 آنچه بر خردمند حرام استقرآن «بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده، برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید، و به پدر و مادر احسان کنید، و فرزندان خود را از بیم تنگ دستی مگشید \_ ما شما و آنان را روزی می رسانیم \_، و به کارهای زشت (چه علنی آن و چه پوشیده [اش]) نزدیک مشوید، و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز به حق مگشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است؛ باشد که بیندیشید» .

حدیث 9693. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اگر خداوند از محرمات نهی نمی کرد، سزاوار بود که خردمند، از آن اجتناب ورزد. 9694. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اگر خداوند بر نافرمانی از خویش وعده عقاب نمی داد، سزاوار بود که به عنوان سپاس گزاری از نعمت هایش، نافرمانی نشود. 9695. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: کمترین چیزی که نعمت دهنده استحقاق دارد، آن است که با نعمت هایش نافرمانی نشود. 9696. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خودداری از گناهان، خوی خردمندان و از اخلاق بزرگواران است. 9697. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که از گناهان دوری کند و از لغزش ها پاك باشد. 9698. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: همّت خردمند، بر ترك گناهان و اصلاح عیوب است. 9810. المستدرک علی الصحیحین ( \_ به نقل از سلمان \_ ) امام علی علیه السلام: خرد، از زشتی ها باز می دارد و به خوبی ها فرمان می دهد .

9809. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : ما كَذَبَ عَاقِلٌ ، ولا زَنَى مُؤْمِنٌ . (1) 9808. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : غَرِيْزَةُ الْعَقْلِ تَأْتِي دَمِيْمَ الْفِعْلِ . (2) 9807. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : مِنَ الْعَقْلِ مُجَانِبَةُ التَّبْدِيْرِ وَحُسْنُ التَّدْبِيْرِ . (3) 9806. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : لِلْحَازِمِ مِنْ عَقْلِهِ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ زَاجِرٌ . (4) 9811. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : أَصْلُ الْعَقْلِ الْعَفَافُ ، وَثَمَرَتُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْآثَامِ . (5) 9810. المستدرک علی الصحیحین عن سلمان الفارسی : عنه علیه السلام : لِلْقُلُوبِ خَوَاطِرٌ سَوِيَّةٌ ، وَالْعُقُولُ تَزْجُرُ عَنْهَا . (6) 9809. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : التَّقْوُسُ طَلْقَةٌ ، لَكِنَّ أَيْدِيَ الْعُقُولِ تُمْسِكُ أَعْنَئَتَهَا عَنِ الثُّحُوسِ . (7) 9808. الإمام الكاظم علیه السلام : إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاةٌ . (8) راجع : ج 2 ص 80 (ركوب المناهي) .

3 / 7 ما يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ 9804. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا كَانَ عَاقِلًا أَنْ يَكُونَ لَهُ أَرْبَعُ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ : سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ ، وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ ، وَسَاعَةٌ يَأْتِي أَهْلَ الْعِلْمِ الَّذِينَ يُبْصِرُونَ أَمْرَ دِينِهِ وَيَنْصَحُونَ ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَلذَاتِهَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فِيمَا يَحِلُّ وَيَجْمَلُ . (9) .

- 
- 1- . غرر الحكم : ح 9531 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 476 ح 8734 وفيه «خان» بدل «زنى» .
  - 2- . غرر الحكم : ح 6393 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 349 ح 5920 .
  - 3- . غرر الحكم : ح 9320 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 468 ح 8536 .
  - 4- . غرر الحكم : ح 7350 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 403 ح 6808 .
  - 5- . مطالب السؤل : ص 50 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 7 ح 59 .
  - 6- . غرر الحكم : ح 7340 و 3433 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 157 ح 3401 وفي كليهما «منها» بدل «عنها» .
  - 7- . غرر الحكم : ح 2048 .
  - 8- . الكافي : ج 1 ص 19 ح 12 عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج 78 ص 305 ح 1 .
  - 9- . روضة الواعظين : ص 8 عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 1 ص 131 ح 23 ؛ الزهد لابن المبارك : ص 105 ح 313 نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 217 ح 44237 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله .

**7 / 3 آنچه برای خردمند، سزاوار است**

9803. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: هیچ خردمندی، دروغ نمی گوید و هیچ مؤمنی، زنا نمی کند.  
 9802. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سرشت خردمند، از رفتار زشت، دوری می جوید. 9801. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی، دوری جستن از اسراف و تدبیر نیک است. 9800. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دوراندیش، با خردش، بازدارنده ای از پستی ها دارد. 9805. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: ریشه خردمندی، پاک دامنی و میوه اش پاکی از گناهان است. 9804. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دل ها را خیالاتی زشت است که خردها از آنها باز می دارند. 9803. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: جان ها رهايند؛ اما دست های خرد، عنان آنها را از [رفتن به سوی] پلیدی ها باز می دارد. 9802. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: خردمند، دروغ نمی گوید، گرچه مطلوبش در آن باشد. ر. ک: ج 2 ص 81 (مرتکب شدن گناهان).

7 / 3 آنچه برای خردمند سزاوار است 9798. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سزاوار است که خردمند، اوقاتش چهار بخش باشد: در وقتی، با خداوند مناجات کند؛ در وقتی، به حسابرسی خویش پردازد؛ وقتی را نزد

دانشمندانی که او را با دین، آشنا و برایش خیرخواهی می کنند، برود؛ و وقتی را به خوشی های دنیایی ای که حلال و زیبایند، اختصاص دهد.

9797. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تنبيه الغافلین عن أبي ذرّ الغفاريّ: قُلْتُ: يا رَسولَ اللّٰهِ، ما كانَ في صُحفِ إِبْراهيمَ؟

قالَ: كانَ فيها أمثالٌ وعِبْرٌ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ ما لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا في عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ حَافِظًا لِلسانِهِ، عارِفًا بِزَمانِهِ، مُقْبِلًا عَلَيَّ شانِهِ، فَإِنَّهُ مَن حَسَبَ كَلامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعبُيهِ. (1) 9796. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رسول الله صلی الله علیه و آله: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ لا يَكُونَ شاحِصًا إِلَّا في ثَلاثٍ: طَلَبِ لِمَعاشٍ، أو خُطوَةِ لِمَعادٍ، أو لَذَّةٍ في غَيرِ مُحرَّمٍ. (2) 9795. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه صلی الله علیه و آله: يا عَلِيُّ، لا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ ظاعِنًا إِلَّا في ثَلاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعاشٍ، أو تَزوُّدٍ لِمَعادٍ، أو لَذَّةٍ في غَيرِ مُحرَّمٍ. (3) 9794. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيَّ العَاقِلُ أَنْ يَكُونَ بَصيرًا بِزَمانِهِ. (4).

1- تنبيه الغافلین: ص 216 ح 275، الصمت لابن أبي الدنيا: ص 45 ح 31 وفيه «حقّ على العاقل أن يكون عارفاً بزمانه حافظاً للسانه، مقبلاً على شأنه» فقط.

2- تاريخ بغداد: ج 1 ص 338 ح 250 عن الحارث الأعور عن الإمام عليّ عليه السلام، الفردوس: ج 5 ص 501 ح 8888 عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمّال: ج 15 ص 856 ح 43408؛ تحف العقول: ص 203 عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «مرمّة» بدل «طلب» وراجع تنبيه الغافلین: ص 216 ح 276.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 356 ح 5762 عن الإمام الباقر عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، الكافي: ج 5 ص 87 ح 1 عن محمّد بن مروان عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة 390 عن الإمام عليّ عليه السلام، المحاسن: ج 2 ص 80 ح 1205 عن الأصبغ بن نباتة عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 49 ح 3.

4- النخصال: ص 525 ح 13، معاني الأخبار: ص 334 ح 1، عوالي اللآلي: ج 1 ص 93 ح 26 كلّها عن أبي ذرّ، بحار الأنوار: ج 71 ص 279 ح 119؛ الترغيب والترهيب: ج 3 ص 189 ح 24 و ص 531 ح 28 عن أبي ذرّ.



9799. رسول الله صلی الله علیه و آله: تنبيه الغافلین\_ به نقل از ابو ذر غفاری\_: از پیامبر خدا پرسیدم: ای پیامبر خدا! در صحف ابراهیم علیه السلام چه بود؟

فرمود: «در آن، مثل ها و پنجهایی بود: سزاوار است که خردمند، اگر خردش [در مقابل هوشش] شکست نخورده است، زبانش را نگه بدارد، زمانش را بشناسد و به کار خویش روی آورد. به راستی، هر که سخن گفتن را از کارهایش به حساب آورد، سخن گفتنش کم می شود، مگر در آنچه او را به کار آید». 9798. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سزاوار است که خردمند به راه نیفتد، مگر برای سه چیز: به دست آوردن خرج زندگی، برداشتن گامی به سوی رستاخیز، و به دست آوردن لذت غیر حرام. 9797. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله\_ در سفارش به علی علیه السلام: سزاوار نیست که خردمند، جز در طلب سه چیز، گام بردارد: گذران زندگی، فراهم کردن توشه آخرت، و به دست آوردن لذت غیر حرام. 9796. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر خردمند است که به زمانش بینا باشد. .

9795. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام في وصيته لابنِه الحسنِ عليه السلام: يا بُنَيَّ، إِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلْعَاقِلِ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ، فَلْيَحْفَظْ لِسَانَهُ وَلْيَعْرِفْ أَهْلَ زَمَانِهِ. (1) 9794. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا سُئِلَ عَنْ صُحْفِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْ أَمْثَالاً كُلُّهَا: ... وَعَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظًا لِسَانِهِ. (2) 9793. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (3) 9792. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ. (4) 9791. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ، وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ. (5) 9793. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: رَأْسُ الْعَقْلِ الْمُدَارَاةُ. (6).

- 1- الأماشي للطوسي: ص 146 ح 240 عن أبي وجزة السعدي عن أبيه، تحف العقول: ص 203 نحوه، بحار الأنوار: ج 71 ص 281 ح 29.
- 2- معاني الأخبار: ص 334 ح 1 عن أبي ذرّ، الكافي: ج 2 ص 116 ح 20 عن منصور بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 416 ح 5903 عن حماد بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نقلاً عن حكمة آل داوود نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 39 ح 20؛ صحيح ابن حبان: ج 2 ص 78 ح 361، حلية الأولياء: ج 1 ص 167 كلاهما عن أبي ذرّ، الصمت لابن أبي الدنيا: ص 45 ح 31، عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 1 ص 280 وكلاهما عن وهب بن منبه نقلاً عن حكمة داوود عليه السلام نحوه.
- 3- الفردوس: ج 2 ص 270 ح 3257 عن أنس، كنز العمال: ج 3 ص 121 ح 5775.
- 4- النخصال: ص 15 ح 55 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 7، بحار الأنوار: ج 1 ص 131 ح 18؛ المعجم الأوسط: ج 5 ص 120 ح 4847 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله: «عليه وآله ج 6 ص 156 ح 6070 عن أبي هريرة، السنن الكبرى: ج 10 ص 187 ح 20306 عن سعيد بن المسيّب وفيهما «التودّد» بدل «التحبّب».
- 5- شعب الإيمان: ج 6 ص 256 ح 8062؛ صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 105 ح 54 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص 80، بحار الأنوار: ج 74 ص 409 ح 13.
- 6- شعب الإيمان: ج 6 ص 344 ح 8446 عن أبي هريرة.

9792. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام علي عليه السلام\_ در سفارش به فرزندش حسن عليه السلام\_: فرزندم! سزاوار است که خردمند، در امور خود، دقت کند، زبانش را ننگه بدارد و اهل زمانش را بشناسد. 9791. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله\_ هنگامی که از صحیفه های ابراهیم عليه السلامسؤال شد: تمام آن، مَثَل بود: «... بر خردمند است که به زمانش بینا باشد، به کار خود روی آورد، و ننگه دارنده زبانش باشد». 9790. امام باقر عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اوج خردمندی، پس از ایمان به خداوند، آزرَم و خوش خُلُقی است. 9790. الإمامُ الباقرُ عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اوج خردمندی، پس از ایمان به خداوند، اظهار دوستی به مردم است. 9789. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اوج خردمندی، پس از دینداری، اظهار دوستی به مردم و نیکی کردن به هر خوب و بد است. 9788. الكافي ( \_ به نقل از صفوان بن مهران، از امام صادق عليه ال ) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بنیاد خردمندی، مدارا کردن است. .

9787. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مَدَارَةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقِّ .  
 (1) 9786. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام علي عليه السلام : التَّيَّبُ رَأْسُ الْعَقْلِ ، وَالْحِدَّةُ رَأْسُ الْحَمَقِ . (2) 9789. رسول الله صلی الله علیه و آله : الإمام الحسن عليه السلام : رَأْسُ الْعَقْلِ مُعَاشَرَةُ النَّاسِ بِالْجَمِيلِ . (3) 9788. الكافي عن صفوان بن مهران عن الإمام الصادق عليه الإمام علي عليه السلام : رَأْسُ الْعَقْلِ مُجَاهَدَةُ الْهَوَى . (4) 9787. عنه صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : ضَادُّوا الْهَوَى بِالْعَقْلِ . (5) 9786. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ هَوَاهُ أَفْلَحَ . (6) 9785. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : مَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ وَحِلْمُهُ غَضَبُهُ كَانَ جَدِيرًا بِحَسَنِ السَّيْرِ . (7) 9784. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : دَاوُوا الْغَضَبَ بِالصَّمْتِ ، وَالشَّهْوَةَ بِالْعَقْلِ . (8) 9783. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : قَاتِلِ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ تَمْلِكِ رُشْدَكَ . (9) 9782. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ ، فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ ، وَقَاتِلِ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ . (10) .

- 1- .تحف العقول : ص 42 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 387 ح 5834 عن الإمام علي عليه السلام في وصيته لابنه محمد بن الحنفية وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 77 ص 145 ح 49 ؛ قضاء الحوائج : ص 32 ح 17 عن سعيد بن المسيب وليس فيه ذيله .
- 2- .كنز الفوائد : ج 1 ص 199 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 160 ح 42 .
- 3- .كشف الغمّة : ج 2 ص 197 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 111 ح 6 .
- 4- .غرر الحكم : ح 5263 .
- 5- .غرر الحكم : ح 5922 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 309 ح 5440 .
- 6- .غرر الحكم : ح 8357 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 447 ح 7913 .
- 7- .غرر الحكم : ح 8887 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8310 .
- 8- .غرر الحكم : ح 5155 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 250 ح 4688 .
- 9- .غرر الحكم : ح 6737 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 371 ح 6270 .
- 10- .نهج البلاغة : الحكمة 424 ، روضة الواعظين : ص 460 وفيه «العقل حسام قاطع ، قاتل هواك بعقلك» فقط ، بحار الأنوار : ج 1 ص 95 ح 33؛ جواهر المطالب : ج 2 ص 165 ح 157 وفيه «عقلك» بدل «خُلُقك» .

9781. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اوج خردمندی، پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم، جز در مورد مخالفت با حق است. 9780. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: درنگ کردن [در کارها]، اوج خردمندی است و تند نمودن، اوج حماقت. 9785. عنه صلی الله علیه و آله: امام حسن علیه السلام: اوج خردمندی، معاشرت نیکو با مردم است. 9784. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: اوج خردمندی، مبارزه با هوس است. 9783. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: با نیروی خرد، با هوس بجنگید. 9782. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که خردش بر هوسش، پیروز گردد، رستگار شده است. 9781. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: آن که خردش بر شهوتش، و بردباری اش بر خشمش غالب آید، شایسته خوش سیرتی است. 9780. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خشم را با سکوت، و شهوت را با خردمندی، درمان کنید. 9779. الخصال (به نقل از ابو ذر) امام علی علیه السلام: هوس را با خردمندی بکُش تا هدایت خود را دریابی. 9778. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بردباری، پرده ای پوشان است و خرد، شمشیری بُرنده. پس کاستی های اخلاق خویش را با بردباری بپوشان و با خرد خود با هوس خویش بجنگ . .

9777. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : الْحَذَرُ الْحَذَرُ أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ ! وَالْحِدُّ الْحِدُّ أَيُّهَا الْعَاقِلُ ! وَلَا يُنْبِتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ .  
 (1) 9776. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : لَقَدْ أَخْطَأَ الْعَاقِلُ اللَّاهِي الرُّشْدَ ، وَأَصَابَهُ ذُو الْإِجْتِهَادِ وَالْحِدُّ .  
 (2) 9775. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ الْعَمَلُ لِلْمَعَادِ وَالْإِسْتِكْنَاثُ مِنَ الزَّادِ . (3) 9779. الخصال عن أبي ذرٍّ : عنه علیه السلام : حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَدِيمَ الْإِسْتِرْشَادَ وَيَتْرَكَ الْإِسْتِبْدَادَ . (4) 9778. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ لَا يَخْلُو فِي كُلِّ حَالَةٍ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ وَمُجَاهَدَةِ نَفْسِهِ . (5) 9777. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكْتَسِبَ بِمَالِهِ الْمَحْمَدَةَ ، وَيَصُونَ نَفْسَهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ . (6) 9776. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُكْثِرَ مِنْ صُحْبَةِ الْعُلَمَاءِ وَالْأَبْرَارِ ، وَيَجْتَنِبَ مُقَارَنَةَ الْأَشْرَارِ وَالْفُجَّارِ . (7) 9775. رسول الله صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا عَلِمَ أَنْ لَا يَعْنُفَ ، وَإِذَا عَلِمَ أَنْ لَا يَأْتَفَ . (8) 9774. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُخَاطَبَ الْجَاهِلَ مُخَاطَبَةَ الطَّيِّبِ الْمَرِيضِ . (9) 9773. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَلْمَحَ وَجْهَهُ فِي الْمِرَاةِ ، فَإِنْ كَانَ حَسَنًا فَلَا يَخْلِطُهُ بِعَمَلِ الْقَبِيحِ فَيَجْمَعَ بَيْنَ الْحَسَنِ وَالْقَبِيحِ (10) ، وَإِنْ كَانَ قَبِيحًا فَلَا يَعْمَلُ قَبِيحًا فَيَكُونُ قَدْ جَمَعَ بَيْنَ الْقَبِيحَيْنِ . (11) .

1- . غرر الحكم : ح 2610 .

2- . غرر الحكم : ح 7401 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 406 ح 6882 وفيه « الغافل » بدل « العاقل » .

3- . غرر الحكم : ح 4924 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 232 ح 4451 .

4- . غرر الحكم : ح 4923 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 233 ح 4460 .

5- . غرر الحكم : ح 10922 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10224 .

6- . غرر الحكم : ح 10942 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 552 ح 10172 .

7- . غرر الحكم : ح 10949 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 555 ح 10232 .

8- . غرر الحكم : ح 10954 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 552 ح 10182 .

9- . غرر الحكم : ح 10944 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 552 ح 10174 .

10- . في المصدر « القبح » والصحيح ما أثبتناه عن مستدرک الوسائل : ج 1 ص 443 ح 22 .

11- . عوالي اللآلي : ج 4 ص 57 ح 204 .

9772. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بهوش، بهوش، ای شنونده! تلاش، تلاش، ای خردمند! هیچ کس مانند خُبره، به تو خبر نمی دهد. 9771. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: خردمند خوش گذران، از رُشد، باز می ماند و اهل کوشش و تلاش، به رشد می رسند. 9770. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، برای قیامت، تلاش کند و بسیار توشه بگیرد. 9769. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، همیشه راهنمایی بخواهد و استبداد [در رأی] را رها سازد. 9774. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، در هیچ حالتی، از اطاعت پروردگار و جهاد با نفس، فروگذار نکند. 9773. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، با ثروتش ستایش به دست آورد و [آبروی] خویش را از درخواست، حفظ کند. 9772. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، با دانشمندان و نیکان، بسیار همنشینی کند و از همراهی با بدکاران و تبهکاران پرهیزد. 9771. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، هنگامی که آموزش می دهد، خشونت نورزد و هنگامی که آموزش داده می شود، [آموختن را] ننگ نداند. 9770. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند با نادان، مانند طیب با بیمار، برخورد نماید. 9769. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، صورت خود را در آینه بنگرد؛ اگر زیبا بود، آن را با رفتار زشت، همراه نکنند، تا زشت و زیبا را جمع کرده باشد، و اگر زشت بود، [باز هم] رفتار زشت از او سر نزنند، تا میان دوزشت، جمع نکرده باشد.

9768. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا أَصَابَتْهُ نَكْبَةٌ أَنْ يَنَامَ لَهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ مَدَّتْهَا ، فَإِنَّ فِي رَفْعِهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ مَدَّتِهَا زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِهَا. (1) 9767. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَائِدًا عَلَى نُطْقِهِ ، وَعَقْلُهُ غَالِبًا عَلَى لِسَانِهِ. (2) 9768. رسول الله صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَعْمَلَ فِيمَا يَلْتَمِسُهُ الرَّفْقَ وَمُجَابَنَةَ الْهَذَرِ. (3) 9767. رسول الله صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: أَيْضًا : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الْغِذَاءِ مَرَاةَ الدَّوَاءِ. (4) 9766. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: أَيْضًا : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَمْنَعَ مَعْرُوفَهُ الْجَاهِلِ وَاللَّيْمِ وَالسَّقِيَةِ . أَمَّا الْجَاهِلُ فَلَا يَعْرِفُ الْمَعْرُوفَ وَلَا يَشْكُرُ عَلَيْهِ ، وَأَمَّا اللَّيْمُ فَأَرْضُ سَبْحَةٍ لَا تُنْبِتُ ، وَأَمَّا السَّقِيَةُ فَيَقُولُ : إِنَّمَا أُعْطَانِي فَرَقًا مِنْ لِسَانِي. (5) 9765. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق علیه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ ، وَشُكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ. (6) 9699. عنه صلی الله علیه و آله: الإمام علي عليه السلام: لِلْعَاقِلِ فِي كُلِّ عَمَلٍ إِحْسَانٌ ، لِلْجَاهِلِ فِي كُلِّ حَالَةٍ خُسْرَانٌ. (7) 9700. رسول الله صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: لِلْعَاقِلِ فِي كُلِّ عَمَلٍ إِرْتِيَاضٌ. (8) .

- 1- الصواعق المحرقة: ص 131 ، ينابيع المودة: ج 2 ص 417 ح 155 وفيه بزيادة «اشتغل» بعد «فإن»، كنز العمال: ج 3 ص 752 ح 8657 نقلًا عن ابن عساکر عن الأحنف بن قيس.
- 2- غرر الحکم: ح 10946 ، عيون الحکم والمواعظ: ص 553 ح 10189 .
- 3- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 337 ح 868 .
- 4- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 272 ح 149 .
- 5- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 301 ح 442 .
- 6- تحف العقول: ص 364 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 247 ح 70 .
- 7- غرر الحکم: ح 7328 و 7329 ، عيون الحکم والمواعظ: ص 403 ح 6820 و 6821 .
- 8- غرر الحکم: ح 7339 ، عيون الحکم والمواعظ: ص 404 ح 6827 .



9701. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، هنگام گرفتاری، آرامش خود را حفظ کند تا زمان آن سپری گردد؛ چرا که تلاش برای برداشتن پیش از موعد آن، به تلخی آن می افزاید. 9702. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: سزاوار است که دانش آدمی، بیش از سخن گفتن او باشد و خردش بر زبانش غالب آید. 9703. الإمام الحسین علیه السلام: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: سزاوار است که خردمند، در آنچه می جوید، نرمی و پرهیز از هرزه گویی را به کار بندد. 9699. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: سزاوار است که خردمند، هنگام [چشیدن] لذت غذا، به یاد تلخی دارو باشد. 9700. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: سزاوار است که خردمند، خوبی را از نادان و فرومایه و ابله دریغ بدارد؛ چرا که نادان، خوبی را نمی شناسد و آن را سپاس نمی گوید، و فرومایه، [همچون] شوره زاری است که چیزی در آن نمی روید، و ابله خواهد گفت: از ترس زبانم، به من بخشید. 9701. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: سزاوار است که خردمند، راستگو باشد تا به سخنش اعتماد شود، و سپاس گزار باشد تا بیشتر به دست آورد. 9702. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: برای خردمند، در هر کاری، احسانی است و نادان، همیشه در زیان است. 9703. امام حسین علیه السلام: امام علی علیه السلام: برای خردمند، در هر کاری، تمرینی (تجربه ای) است. .

9704. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: للعاقِلِ في كُلِّ كَلِمَةٍ نُبْلٌ. (1) 9705. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُحْصِيَ عَلَى نَفْسِهِ مَسَاوِيَهَا فِي الدِّينِ وَالرَّأْيِ وَالْأَخْلَاقِ وَالْأَدَبِ، فَيَجْمَعُ ذَلِكَ فِي صَدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ وَيَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا. (2) 9706. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ الَّذِي لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِهِ. (3) 9707. سنن أبي داود عن قيس بن سعد: الإمام الكاظم عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَنْ يَسْتَحْيِيَ مِنَ اللَّهِ، وَإِذَا (4) تَقَرَّدَ لَهُ بِالنَّعْمِ أَنْ يُشَارِكَ فِي عَمَلِهِ أَحَدًا غَيْرَهُ. (5) 9704. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الرضا عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَتَّهَمَ اللَّهُ فِي قَضَائِهِ وَلَا يَسْتَبْطِئَهُ فِي رِزْقِهِ. (6) 7 / 4 ما لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ 9764. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُظْهَرَ سُدُورًا بِرَجَاءٍ؛ لِأَنَّ الرَّجَاءَ غُرُورٌ. (7) 9763. پیامبر خدا عليه السلام: عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: لَيْسَ يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَطْلُبَ طَاعَةَ غَيْرِهِ وَطَاعَةَ نَفْسِهِ عَلَيْهِ مُمْتَنِعَةٌ. (8).

- 1- غرر الحكم: ح 7334، عيون الحكم والمواعظ: ص 403 ح 6806.
- 2- مطالب السؤل: ص 49؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 6 ح 58.
- 3- الكافي: ج 1 ص 29 عن الحسن بن عمار.
- 4- في بحار الأنوار نقلاً عن تحف العقول «إذ» بدل «وإذا» وبه يتسق متن الحديث.
- 5- تحف العقول: ص 398، بحار الأنوار: ج 1 ص 155 ح 30.
- 6- الكافي: ج 2 ص 59 ح 9 عن علي بن أسباط و ص 61 ح 5 عن صفوان الجمال عن الإمام الكاظم عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 277 ح 1001 عن علي بن أسباط، قرب الإسناد: ص 375 ح 1330 عن البنزطي، بحار الأنوار: ج 70 ص 156 ح 14.
- 7- نثر الدر: ج 1 ص 322.
- 8- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 342 ح 929.

**7 / 4 آنچه برای خردمند، سزاوار نیست**

9762. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ در نامه ای به اهل یمن \_ ) امام علی علیه السلام: خردمند را در هر سخن، هوشیاری ای است  
 9766. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: بر خردمند است که بدی های خود را در دینداری، نظر، اخلاق و ادب، برسد  
 و آن را در سینه خویش یا نوشته ای ثبت کند و برای از میان برداشتن آن، بکوشد. 9765. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام  
 : بر خردمند است که در جستجوی دانش و ادبی باشد که جز بدان، سامان نمی یابد. 9764. عنه صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه  
 السلام: سزاوار است که خردمند، هنگامی که دست به کاری می زند، از خداوند شرم کند که دیگران را در آن شریک گرداند؛ چرا که  
 خداوند نعمت را تنها به وی ارزانی داشته است. (1) 9763. عنه صلی الله علیه و آله: امام رضا علیه السلام: سزاوار است کسی که از  
 خداوند، خرد دریافت کرده (2) [ و دارای بصیرت الهی است ]، خداوند را در قضا و قدر، متهم نسازد و او را در روزی دادش، کند  
 بشمارد. 7 / 4 آنچه برای خردمند، سزاوار نیست 9760. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: سزاوار نیست که خردمند، تنها بر  
 پایه امید (آرزو)، شادمانی خود را ابراز دارد؛ زیرا امید (آرزو) فریبنده است. 9759. امام زین العابدین علیه السلام: امام علی علیه السلام \_  
 در حکمت های منسوب به ایشان \_: سزاوار نیست که خردمند، دیگران را به پیروی از خود بخواند، حال آن که نفسش از او پیروی نمی  
 کند.

1- این ترجمه، بر پایه نسخه بدل «إِذْ تَقَرَّدَ لَهُ» است و بر پایه «وَ إِذَا تَقَرَّدَ لَهُ»، برداشت کردن چنین معنایی دشوار است، چنان که حاشیه  
 نویسان و مترجمان این حدیث، آن را به گونه ای دیگر معنا کرده اند (ر. ک: تحف العقول: ص 398، حاشیه [استاد] علی اکبر غفاری؛  
 ره آورد خرد (ترجمه تحف العقول)، ترجمه پرویز اتابکی: ص 404).

2- ر. ک: ص 426 پ 1.

9758. كنز العمّال (به نقل از عايشه \_ ) عنه عليه السلام : لا- يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُقِيمَ عَلَى الْخَوْفِ إِذَا وَجَدَ إِلَى الْأَمَنِ سَبِيلًا.  
 (1) 9761. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : عَجَبًا لِلْعَاقِلِ كَيْفَ يَنْظُرُ إِلَى شَهْوَةٍ يُعَقِّبُهُ النَّظَرُ إِلَيْهَا حَسْرَةً! (2) 9760. الإمام  
 الصّادق عليه السلام : عنه عليه السلام- مِنْ كِتَابِهِ لِشَرِيحِ بْنِ الْحَارِثِ\_- بَلَّغْنِي أَنَّكَ ابْتَعْتَ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا ، وَكَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا ، وَأَشْهَدْتَ فِيهِ  
 شُهودًا .

يَا شَرِيحُ ، أَمَا إِنَّهُ سَدَّ يَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَلَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ ، حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَيُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا . فَانظُرْ يَا  
 شَرِيحُ لَا تَكُونَ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ ، أَوْ تَقَدَّتْ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَدَارَ الْآخِرَةِ ! أَمَا إِنَّكَ لَوْ  
 كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ النُّسْخَةِ فَلَمْ تَرْغَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدِرْهَمٍ فَمَا فَوْقَ !

وَالنُّسْخَةُ هَذِهِ : « هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيِّتٍ قَدْ أُرْعِجَ لِلرَّحِيلِ ، اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْغُرُورِ ، مِنْ جَانِبِ الْفَانِينَ وَخِطَّةِ الْهَالِكِينَ .  
 وَتَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارَ حُدُودُ أَرْبَعَةٍ : الْحَدُّ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْآفَاتِ ، وَالْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ ، وَالْحَدُّ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى  
 الْهَوَى الْمُرْدِي ، وَالْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي ، وَفِيهِ يُشْرَعُ بِأَبْوَابِ هَذِهِ الدَّارِ . اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِّ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْمُزْعَجِ بِالْأَجَلِ  
 هَذِهِ الدَّارَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْفَنَاءَةِ وَالِدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَالصَّرَاعَةِ ، فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ فَعَلَى مُبْلِلِ أَجْسَامِ  
 الْمُلُوكِ ، وَسَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ ، وَمُزِيلِ مُلْكِ الْفَرَاغَةِ ، مِثْلِ كِسْرَى وَقَيْصَرَ ، وَتَبَعِ وَحَمِيرَ ، وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ ، وَمَنْ بَنَى  
 وَشَيْدَ ، وَزَخْرَفَ وَنَجَّدَ ، وَادَّخَرَ وَاعْتَقَدَ ، وَنَظَرَ بِزَعْمِهِ لِلْوَلَدِ ، إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْقِفِ الْعَرْضِ وَالْحِسَابِ وَمَوْضِعِ الثَّوَابِ

وَالْعِقَابِ : إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَصْلِ الْقَضَاءِ « وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطُلُ لُونٌ » (3) ، شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى ، وَسَلِمَ مِنْ عِلَاقِ  
 الدُّنْيَا . (4) .

1- غرر الحكم : ح 10832 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 541 ح 10043 .

2- كنز الفوائد : ج 1 ص 200 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 161 ح 52 .

3- غافر : 78 .

4- نهج البلاغة : الكتاب 3 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 485 ح 690 .

9759. الإمام زين العابدين عليه السلام: امام علی علیه السلام: سزاوار نیست خردمندی که راهی به سوی آرامش می یابد، در ترس، اقامت گزیند. 9758. كنز العمّال عن عائشة: امام علی علیه السلام: شگفت است که چگونه خردمند، به شهوتی می نگرد که برایش حسرت به دنبال دارد! 9757. الترغیب و الترهیب (به نقل از معاویه بن جاهمه) امام علی علیه السلام. در نامه ای به شریح بن حارث: به من خبر رسیده که خانه ای را به هشتاد دینار خریده ای و این را مکتوب کرده ای و بر آن، گواه گرفته ای.

ای شریح! بدان که به زودی، کسی نزد تو می آید که نوشته ات را نگاه نمی کند و از گواهی نمی پرسد، تا این که تو را از آن خانه یکسره بیرون برده و از همه چیز جدا کرده، به گورت بسپارد.

پس. ای شریح. بنگر که مبادا این خانه را از مال دیگری، خریده باشی، یا بهای آن را از غیر حلال داده باشی که در این صورت، سرای دنیا و سرای آخرت را از دست داده ای.

آگاه باش که اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو قباله ای می نوشتم که به خرید این خانه با يك درهم. چه رسد که بیشتر. رغبت نمی کردی و [آن] قباله این است:

«این، خانه ای است که بنده ای خوار، از مُرده ای که برای سفر، بیرون برده شده، خریده است. از او خانه ای در سرای فریب. که جای نابود شوندگان و محلّ تباه گشتگان است. خریده است و این خانه، دارای چهار حد است: حدّ اول، به پیشامدهای ناگوار منتهی می شود و حدّ دوم، به اسباب اندوه و حدّ سوم، به هوس تباه کننده و حدّ چهارم، به شیطان گم راه کننده. و در این خانه، از حدّ چهارم، باز می شود.

این شخص فریفته آرزو، این خانه را از این گس که اجل، او را از جا کَنده است، خریده، به بهای برون شدن از قناعتی که موجب ارجمندی است و داخل شدن در پستی و خواری. پس [جبران] زیانی که به خریدار، از آنچه خریده است، می رسد، بر عهده تباه کننده جسم پادشاهان، و گیرنده جان های گردنکشان، و از بین برنده پادشاهی فرعونیان، مانند کسرا (پادشاه ایران)، قیصر (پادشاه روم)، تُبّع (پادشاه یمن) و حَمیر (دولتی در سرزمین یمن) است.

و آنان که ثروت روی ثروت آوردند و انباشتند، و آنان که ساختمان ها ساختند و بر افراشتند و آنها را زینت دادند و آراستند و به گمان خود، اموالی برای فرزندان خود، ذخیره ساختند، [خداوند،] همگی اینان را به محلّ بازپرسی و حسابرسی و جایگاه پاداش و کیفر می فرستد، هنگامی که فرمان قطعی صادر شود «و در آن جا تباهکاران، زیان بَرند».

خردی که از اسارت هوس رها باشد و از وابستگی های دنیا سالم بماند، بر این نوشته گواهی می دهد» . .

9756. كنز العمال ( \_ به نقل از عمر بن خطاب \_ ) الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثَةٌ أشياء لا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْسَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ :  
فَنَاءُ الدُّنْيَا ، وَتَصَرُّفُ الْأَحْوَالِ ، وَالْآفَاتُ الَّتِي لَا أَمَانَ لَهَا. (1).

---

1- . تحف العقول : ص 324 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 238 ح 84 .

9755. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ( \_ به مردی که می خواست در جهاد شرکت کند، اقا مادر ) امام صادق علیه السلام : سه چیز است که خردمند نباید آن را هیچ گاه از یاد ببرد : ناپایداری دنیا ، دگرگونی اوضاع و احوال ، و آسیب هایی که از آنها چاره ای نیست . .





ص: 505

فهرست تفصیلی .





























بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

